برگزیده مقالات کتاب‌های

# بخش دوم









برگزیده مقالات کتاب های فروغ مسجد شماره ۱-۷، جلد یک، بخش دوم

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد
انتشار: چاپ دوم ،پاییز ۱۳۹۷

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران. خیابان جمهوری اسلامی. خیابان دانشگاه جنوبی.
نبش کوچه عطارد. پلاک ۵.
کد پستی:۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷
www.masjed.ir



## فهرست


۱۱ | فصل سه
۱۳ | نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقق حماسه اقتصادی (۱)
۷۵ | بررسی نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی (۲)
۱۳۱ | فصل چهار
۱۳۳ | نقش مساجد در توسعه و بسترسازی فرهنگی جامعه
۱۷۹ | بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام
۲۲۵ | کارکرد رسانه‌ای مساجد
۲۸۵ | مسجد، رسانه بدون مرز
۳۳۷ | مسجد و ضرورت نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت
۳۷۱ | نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای
۳۹۱ | نقش مسجد در توسعه محله‌ای
۴۱۹ | نقش حیاتی و حمایتی مسجد در مسئله قانون‌گرایی
۴۱۹ | و قانون‌پذیری آحاد جامعه
۴۵۷ | مسجد و بهداشت روان
۴۸۹ | نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان
۵۲۷ | بررسی فقهی و تاریخی قضاوت در مسجد
۵۴۵ | نقش مساجد و ائمّه جماعت در دفاع مقدّس
۵۸۰ | نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محله‌ای
۵۹۷ | کارکردهای مسجد در کاهش آسیب‌های فرهنگی مهاجرت
۶۱۵ | طرّاحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد
۶۱۵ | در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی


مدیریت مسجد
منابع اصلی

## » دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»[1]

در تمام این سال‌ها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز رحمه‌الله که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان

[1] : ۲۰/۴/۵۹

«مرکـز و مرجـع مقبـول، آگاه و نافذالکلمـه ای در امر مسـاجد[1]» محسـوب می‌شـود، در حـوزه هـای مطالعاتـی، برنامـه‌ای و عملیاتـی تجمیـع و تدوین نمـوده و به محضر صاحـب نظـران، دسـت انـدرکاران و کارگـزاران عرصه مسـجد تقدیـم نماییم.

امیـد اسـت ضمـن مطالعه و بهره مندی از ایـن مجموعه، با ارائه نظرات و پیشـنهادات خـود، در تکمیـل هـر چـه بهتر و کیفـی محصولات در حوزه مدیریت مسـجد، سـهیم باشـید. فرامـوش نکنیم «چنانچه مسـاجد کیفیت شایسـته خود را بیابـد، هزینه های مادی و معنوی بسـیاری از دوش جامعه، مردم و مسـئولان برداشـته خواهد شـد[2]».

**مرکز رسیدگی به امور مساجد**

[1] : ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

[2] : رهبرمعظم انقلاب ۱۹/۷/۱۳۹۰

# فروغ مسجد

برگزیده مقالات کتاب های فروغ مسجد شماره ۱-۷،

جلد یک، بخش دوم

# فصل سه

## کارکردهای اقتصادی مسجـد

# نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقّق حماسه اقتصادی(۱)

حسین اسلام پور

## » چکیده

اقتصاد و قدرت و توسعه اقتصادی در عصر حاضر یکی از عواملی است که برای تعالی هر کشور و جهانی شدن آن در عرصه بین‌المللی لازم است. کشور ما، دارای اقتصادی با رویکرد اسلامی است و باید ضمن توجّه به شرایط داخلی و خارجی، فرآیند توسعه اقتصادی را طی نماید. توجّه به این امر، در شرایط کنونی داخلی و وضعیّت خاصّ بین‌المللی، با توجّه به تصمیمات سیاسی و اقتصادی و ... دشمنان علیه اقتصاد و نظام اسلامی کشور، اهمیّت بیشتری دارد. رهبر معظم با درایت و تدبیر حکیمانه خود، ضمن عنایت به این موضوع، سال ۱۳۹۲ را سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نام نهادند تا شاهد تلاش و همّت مضاعف مردم و همه مسئولان کشور در گذشتن از پیچش سیاسی-اقتصادی پیشِ رو باشیم. این نوشتار، در صدد آن است که نقش مسجد را به عنوان مهم‌ترین نهاد کشور اسلامی، در تحقّق حماسه اقتصادی و به تبع آن حماسه سیاسی تبیین نماید. نگارنده، ابتدا به تعریف اقتصاد و انواع آن در علم اقتصاد و آموزه‌های دینی

پرداختـه، فلسـفه نام‌گـذاری سـال‌ها و رونـد آن در ۲۰ سـال اخیـر را تشـریح نمـوده اسـت. سـپس، به‌طور خاصّ، به نام‌گذاری سـال ۹۲، به عنوان سـال حماسـه سیاسـی و حماسـه اقتصـادی و بحث‌هـای واژگانـی مربـوط به آن اشـاره کرده، مفهـوم اقتصاد مقاومتـی از منظـر رهبـری را بیان نموده اسـت. در ادامه، رابطه بیـن اقتصاد مقاومتی و جهـاد اقتصـادی و حماسـه اقتصـادی را شـرح داده، ضمن اشـاره بـه بی‌تأثیر ماندن تحریم‌هـای اقتصـادی دشـمنان علیـه کشـور، عوامل حرکت حماسـی را بیـان نموده اسـت. در نهایـت نگارنـده، مفاهیـم عالـی اقتصـاد اسـلامی و رفتارهـای مسـجدی و جلوه‌هـای اقتصـادی مسـجدمحور را کـه در خلـق حماسـه اقتصـادی مؤثّـر هسـتند، بـه همـرا مباحـث جنبـی هـر یـک از آموزه‌هـا، تشـریح کـرده اسـت. نتیجـه تحقیق، بیانگـر آن اسـت کـه توجّه بـه مرکزیّت مسـجد در سـازمان‌دهی نگرش‌های اسـلامی در بازاریـان و همـه مؤمنـان و تبییـن آموزه‌هـای اقتصـادی ـ مسـجدی، بـا بهره‌گیری از رسـانه منبـر، بـه عنـوان مهم‌تریـن رسـانه اثرگـذار در اقتصـاد خُـرد و کلان تأثیـر بسـزایی در توسـعه اقتصـادی و حماسـه اقتصـادی دارد. همچنیـن، آمـوزش نحـوه رعایـت حـلال و حـرام در کسـب و کار، نهادینه کـردن برخی از آموزه‌های مسـجدی، ماننـد قرض‌الحسـنه، انفـاق، صدقـه، خمـس و زکات، ثُلـث امـوات، سـنّت وقـف و ... مسـیر خلق حماسـه اقتصادی و سیاسـی را تسـهیل و همـوار می‌نمایـد. بدین ترتیب، مسـجد، بـا کارکردهـای متنـوّع اقتصـادی خـود، مهم‌ترین نقـش را در تبییـن مفهوم اقتصـاد مقاومتـی و بیشـترین تأثیـر را بـر درونی‌سـازی آن بـرای نیـل بـه حماسـه اقتصـادی خواهد داشـت.

**» واژگان کلیدی:**

اقتصـاد، اقتصـاد مقاومتـی، جهـاد اقتصادی، حماسـه سیاسـی، حماسـه اقتصادی، تحریـم اقتصـادی، عوامـل حرکـت حماسـی، آموزه‌هـای اقتصـاد اسـلامی، آموزه‌های مسـجدی اقتصـاد، رفتارهـای اقتصادی ـ مسـجدی.

## سؤالات تحقیق

۱. نام‌گذاری هر سال در قالب یک شعار کلیدی و فراگیر چه اهمّیتی دارد؟

۲. حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی چیست؟

۳. اقتصاد مقاومتی چیست؟

۴. آموزه‌های قرآنی و مسجدی اقتصاد اسلامی و وجوه تمایز آن از سایر مکاتب اقتصادی کدام هستند؟

۵. مسجد، در قالب چه آموزه‌هایی و چگونه می‌تواند در خلق حماسه اقتصادی تأثیر بگذارد؟

## فرضیه‌های تحقیق

۱. در نام‌گذاری هر سال جزئیات و کلّیات شرایط داخلی کشور و اوضاع خارجی و شرایط جهانی با نهایت درایت و علم معنوی توسّط ولیّ امر مسلمانان در نظر گرفته می‌شود. بر همه آحاد مردم و مسئولان کشور لازم است که در مورد آن به تحقیق و تدبّر بپردازند تا وظایف خود را شناخته، به خوبی اجرا نمایند.

۲. آموزه‌های اقتصاد اسلامی، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام بسیار عمیق و گسترده هستند و توجّه به آنها موجب جلوگیری از تحقّق اهداف شوم سیاسی و اقتصادی دشمنان اسلام و قرآن خواهد شد.

۳. مسجد، دارای کارکردهای اقتصادی متنوّعی است که رویکرد عبادی و اعتقادی دارند و با سازمان‌دهی این کارکردها به منزله رفتارهای مسجدی، می‌توان مسیر تحقّق حماسه اقتصادی را هموار ساخت.

## » مقدّمه

امـروز، کشـور مـا در حوزه‌هـای اقتصـادی خود با مسـائل یا مفاهیمی مواجه اسـت کـه بـه هیـچ عنـوان، چـه در عرصـه نظـری و در کتاب‌هـای درسـی و چـه در عرصه عمل و تجارب بشـری، مشـابه و مابه‌ازای واقعی نداشـته اسـت. بنابرایـن، خود انقلاب اسـلامی مکلّـف به نـوآوری و ابتـکار و نظریه‌پـردازی و الگوسـازی در ایـن عرصه‌های جدیـد اقتصـادی اسـت. هـر کشـوری کـه عَلَـم استکبارسـتیزی را برپـا کنـد، ناگزیرِ نیازمنـد چنیـن الگوهایـی اسـت. «کلمـه کمیابـی، دارای نزدیک‌ترین معنـی به کلمه محدودیّـت یـا اقتصـاد اسـت کـه در مقابـل کلمـه نامحـدود یـا آزاد مطرح می‌شـود. کمیابـی منابـع، مسـئله اساسـی و محـوری هـر جامعـه اسـت. از آنجـا کـه منابـع هر جامعـه‌ای محـدود اسـت، تمامی جوامع با سـؤالاتی از قبیـل، چه تولید شـود، چگونه تولیـد شـود، بـرای چـه کسـانی تولیـد شـود، رو به رو هسـتند. اقتصـاد، بـه همه این سـؤالات، در قالـب مکاتـب اقتصـادی پاسـخ می‌دهـد».[1] اقتصـاد، در وضعیـت کنونی جهانـی، حـرف اول را می‌زنـد و هـر کشـوری کـه از نظـر اقتصـادی قدرتمنـد باشـد، در زمینـه سیاسـی و نظامـی و ... نیـز وجهـه بین‌المللـی مناسـبی خواهـد داشـت. در ایـن نوشـتار، بـا رویکـردی اعتقـادی، مباحـث پایـه‌ای بیـان می‌شـود و بـا تأمّـل در نام‌گـذاری ۲۰ سـال اخیـر، جنبه‌هـای اقتصـادی آن را بحـث می‌گـردد. نگارنـده، بـه کمـک مطالعـات و تحقیقـات بین‌رشـته‌ای (اقتصـادی و قرآنـی)، مباحـث مربـوط به اقتصـاد مقاومتـی و آموزه‌هـای قرآنـیِ اقتصـاد اسـلامی را بحـث کـرده اسـت. به نظر نگارنـده، فعّالیّت‌هـای مسـجدی و رفتارهای مسـجدی، اگر در راسـتای اصول مدوّن و برنامه‌ریـزی شـده، منطبـق با اقتصـاد مقاومتی و جهـاد اقتصادی سـازمان‌دهی و اجرا شـوند، دسـت‌یابی بـه حماسـه اقتصـادی بـه سـهولت امکان‌پذیـر خواهـد شـد. برای شـروع مطالـب، ابتـدا مباحـث واژگانـی مطرح می‌شـود.

[1] - سالواتوره، دومینیک، تئوری و مسایل اقتصاد خرد، ص۱۰.

## » بحث واژگانی اقتصاد

واژه «اقتصاد» (Economics) از دو کلمه یونانی «اویکوس» (Oikos) به معنای «خانه» و «نمین» (Nemin) به معنای «اداره کردن» تشکیل شده است؛ این واژه به معنای لغوی «تدبیر منزل» یا «اداره کردن خانه» است.[1] اقتصاد، از ریشه «قصد» و به معنای «اعتدال و میانه‌روی» و «استقامت در راه»، است.[2]

## بحث واژگانی اقتصاد از منظر آیات و روایات

اقتصاد در عربی به معنای میانه‌روی و اعتدال است. شواهد این مدّعا، مستندات قرآنی و روایی زیر هستند:

### الف) مستندات قرآنی

۱. «اقتصاد» در لغت به دو معنا است: یکی از آن دو پسندیده است و حدّ میانه افراط و تفریط است؛ مانند: جود، که حدّ وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود یا شجاعت، که حدّ وسط تهوّر و ترس است. این معنا در قرآن، چنین به کار رفته است: «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ؛ در رفتارت میانه را برگزین».[3] معنای دیگر اقتصاد، به امری اشاره می‌کند که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است؛ مانند: آنچه که بین عدل و جور، قریب و بعید فرض می‌شود. قرآن در این مورد می‌فرماید: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ؛ بعضی از آنان بر خود ستم کردند و بعضی، راه میانه را برگزیدند».[4]

۲. قرآن می‌فرماید: «...فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ؛ و چون نجاتشان داد و به خشکی رساند؛ برخی از آنها میانه‌رو هستند».[5]

۳. در آیه‌ای از قرآن آمده است: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ

---

[1] - هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص۴۸.

[2] - ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج۳، ص۳۵۳-۳۵۴؛ ر.ک به: فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، العین، ج۵، ص۵۴-۵۵؛ طریحی فخرالدین، مجمع‌البحرین، ج۳، ص۱۲۷- ۱۲۸.

[3] - لقمان، آیه۱۹.

[4] - فاطر، آیه۳۲.

[5] - لقمان، آیه۳۲.

سـابِقٌ بِالْخَيْـراتِ بِـإِذْنِ اللهِ؛ پـس، برخـی از آنـان بـر خود سـتمکارند و برخـی از آنان میانـه‌رو و برخـی از آنـان در کارهـای نیـک بـه فرمـان خدا پیشـگام هسـتند».[1]

۴. قـرآن کریـم در آیـه‌ای می‌فرمایـد: «مِنْهُـمْ أُمَّـةٌ مُقْتَصِـدَةٌ وَ كَثِيـرٌ مِنْهُـمْ سـاءَ مـا يَعْمَلُـونَ؛ از میـان آنها گروهی میانه‌رو هسـتند و بسـیاری از آنها بـد رفتار می‌کنند».[2]

### ب) مستندات روایی

روایـات متعـدّدی از معصومـان علیهم‌السلام در مـورد مفهوم اقتصاد وجـود دارد که بیان همه آنهـا در ایـن مقـال نمی‌گنجـد. در ادامـه، بـه عنـوان نمونـه، بـه برخـی از آنها اشـاره شـده است.[3]

۱. امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرماینـد: «ضَمِنْـتُ لِمَن اقتصـد أن لا يفْتَقر؛ من برای هر کسـی کـه در زندگانـی میانه‌رو باشـد، بی‌نیازی را ضمانـت می‌کنم».[4]

۲. امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام می‌فرماینـد: «لسَّـرَفُ مَثْـواهٌ و الْقَصْدُ مَثْراهٌ؛ میانـه‌روی در زندگی موجـب زیـادی مال و زیـاده‌روی موجـب ضایع نمودن مال اسـت».[5]

۳. حضـرت علـی علیه‌السلام می‌فرماینـد: «مَـا عَالَ مَـنِ اقْتَصَدَ؛ کسـی که (در مخـارج زندگی خود) میانه‌روی پیشـه نمود، تنگدسـت نشـد».[6]

۴. در نامـه امیرمؤمنـان علیه‌السلام بـه زیـاد آمـده اسـت: «دَعِ الاِسـرافَ مُقتَصِـداً...؛ اسـراف را کنـار بگـذار و میانه‌روی پیشـه کـن...».[7] در این کلام حضرت، «قصد» بـه مفهوم روش معقـول و راه اسـتوار بیـن افراط و تفریط اسـت.

۵. امـام علـی علیه‌السلام می‌فرمایـد: «لَـنْ يهلَـکَ مَـنْ اِقْتَصَدَ وَ لَـنْ يَفْتقِـر مَنْ زَهَـدَ؛ آن کس

---

[1] - فاطر، آیه۳۲.

[2] - مائده، آیه۶۶.

[3] - برخـی اندیشـمندان اقتصـاد، علـم اقتصـاد و مکتـب اقتصـادی را از هـم جـدا می‌کننـد. آنهـا معتقدنـد کـه تنظیـم ثـروت، علـم اسـت و توزیـع آن، شـامل اصـول و سیاسـت‌های علـم اقتصـاد اسـت. بـا بررسـی آیـات و روایـات مشـخّص می‌شـود کـه اسـلام، ضمـن اهمّیـت دادن بـه هـر دو مقولـه، بـه همـه جنبه‌هـای اقتصـاد پرداختـه اسـت. بـرای مطالعـه بیشـتر ر.ک بـه: غررالحکـم، ج۱، ص۹۲ و ۱۵۱؛ ج۲، ص۴۵؛ ج۳، ص۱۷۳ و ۱۹۲ و ۴۴۰؛ ج۴، ص۵۴۰ و۳۰۱؛ ج۵، ص۲۲۶؛ ج۶، ص۲۳۶ و۱۷۳.

[4] - مجلسی، بحار الانوار، ج۷۱، ص۳۴۶.

[5] - همان، ص۳۴۷.

[6] - دشـتی، محمّـد، ترجمـه نهـج البلاغـه، ص۴۶۸، ح۱۴۰؛ در مـورد نـکات لغـوی و ادبـی ایـن کلام حضـرت، بایـد گفـت کـه ایـن جملـه، فعلیّـه شـرطیه و«مـن» از ادات شـرط اسـت. «عَـالَ (اِفتقـرَ)» بـه معنـی مسـتمند شـد و«اقْتَصَـدَ» بـه مفهـوم میانـه‌روی کـردن اشـاره دارد.

[7] - دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، ص۳۵۶، نامه ۲۱.

کـه میانـه‌روی در پیـش گیـرد، هرگـز هـلاک نگـردد و کسـی کـه زهـد پیشـه کرد، هرگـز بـه دام نیفتاد».[1]

[1] - مجلسی، بحارالانوار، ج۷۷، ص۲۱۲، ح۱.

## » بحث اصطلاحی اقتصاد

علـم اقتصـاد را علـم ثروت دانسـته‌اند. برخـی آن را مطالعه چگونگـی تنظیم تولید و فعّالیّت‌هـای مبادلـه‌ای افـراد ذکـر کردنـد.[۱] اندیشـمندان معاصر، اقتصاد را بررسـی روش‌هایـی می‌داننـد کـه بـا پول یـا بدون پـول، برای بـه کار بـردن منابـع کمیاب به منظـور تولیـد کالا و خدمـات و توزیـع بیـن افـراد و گروه‌ها انتخـاب می‌کنند.[۲]

## شاخه‌های اصلی علم اقتصاد

علم اقتصاد به دو دسته اصلی و کلّی تقسیم می‌شود:

الـف) اقتصـاد خُـرد (Microeconomic): بـه مطالعـه تصمیمات فرد دربـاره کالاهای خـاصّ می‌پـردازد.[۳]در ایـن بخـش از علـم اقتصـاد، رفتـار فـرد مصرف‌کننـده یـا تولیدکننـده یـا چگونگـی تعییـن قیمت در بازار، کشـش عرضـه و تقاضـا و ... مطالعه و بررسـی می‌شـود.[۴]

ب) اقتصـاد کَلان (Macroeconomic): بـه بررسـی رفتارهـای اقتصـادی در سـطح کلّـی کشـور می‌پـردازد و اجـزای اقتصـاد را بـه همـراه اثـر متقابـل و کنـش آنهـا بـر همدیگـر بحـث و بررسـی می‌کنـد.[۵] در واقـع، اقتصـاد کلان، مطالعه اقتصـاد در قالب یـک نظـام اسـت و بـا تفکّـر سیسـتمی آن را تحلیـل می‌کنـد.[۶] بـا کمـک اقتصـاد کلان، موضوعاتـی ماننـد، سـطح عمومی قیمت‌ها، سـطح اشـتغال، درآمـد ملّی، تولید ناخالـص ملّـی و ... بررسـی و مطالعـه می‌شـود.[۷]

---

[۱] – هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص۴۸-۴۹.
[۲] – ساموئلسون، اقتصاد، ص۷.
[۳] – بگ، فیشر، دورنبوش، علم اقتصاد، ج۱، ص۲۸.
[۴] – دولتشاهی، محتشم، مبانی علم اقتصاد، ص۹.
[۵] – بگ، فیشر، دورنبوش، همان، ص۲۹.
[۶] – همان، ج۲، ص۸۶۸.
[۷] – دولتشاهی، همان، ص۹.

## » فلسفه و اهمیّت نام‌گذاری سال‌ها

رهبر معظّم، بر اساس ضرورت و نیاز کشور عزیزمان، ایران، در پیام نوروزی برای هر سال، نام خاصّی را انتخاب می‌کنند تا توجّه خاصّ مردم و مسئولین نظام به آن شعار با شعور، معطوف شود و افق چشم‌انداز میان‌مدّت و کوتاه‌مدّت، مهندسی و تدبیر گردد. به عبارت دیگر، یکی از ابتکارات اثربخش و ارزشمند مقام معظّم رهبری، تعیین یک نام یا شعار برای هر سال و پیگیری آن شعار و ارائه جمع‌بندی از آن، در پیام نوروزی و سخنرانی آغازین خود در ابتدای هر سال نو است. سخنرانی رهبر معظّم، در روزهای اوّل سال شمسی که به‌طور معمول، در کنار بارگاه ملکوتی امام رضاؑ و در بین زائران و مجاوران آن حضرت (که از همه اقشار و گروه‌های مردم از سراسر کشور حضور دارند)، ایراد می‌گردد، فرصتی برای تحلیل و تبیین شعار سال و بیان چرایی و چیستی آن توسّط مقام معظّم رهبری محسوب می‌شود. البتّه این ابتکار، حکمت‌ها وآثار فراوانی دارد که برخی از آنان به صورت خلاصه، به شرح زیر است:

۱. تسهیل امر هدف‌گذاری در امور اجرایی کشور به منظور برنامه‌ریزی دقیق‌تر و نیل به آن اهداف؛

۲. ایجاد شور و نشاط، حرکت در قوای سه گانه و همه وزارتخانه‌های منتسب به آنها؛

۳. ایجاد همبستگی اجرایی و سازمانی و همدلی و همسویی، وحدت نظر و در یک کلام انسجام ملی؛

۴. تدبیر در مورد مسائل پیش رو و هشدار نسبت به خطرات و تهدیدات پیش رو و آماده‌سازی نظام و مردم برای مقابله با دشمنان؛

۵. ترغیب و تشویق شدن دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی در راستای شعارهای هر سال؛

۶. ایجاد یک فرهنگ نوین و اقتضایی برای شرایط خاصّ هر سال به دلیل وجود زمینه پذیرش فرهنگی در عموم ایرانیان؛

۷. پایه‌ریزی و طرح یک توقّع و انتظار بر اساس گفتمان ملّی و انگیزاسیون

فراگیـر بـرای برآورده‌سـازی آن انتظـارات؛

۸. ایجـاد طـرز تفکّـر جدیـد در طـرز تلقّی‌هـا و نگرش‌هـا و رویکردهـا در بیـن نخبـگان و توده‌هـای مـردم؛

۹. پایه‌گـذاری فرهنـگ غنـی و معنـوی انتظـار، بـا طـرح شـعار کارآمـد هـر سـال بـه منظـور آماده‌سـازی سـرزمین اسـلامی بـرای ظهـور حضـرت ولـیّ عصـر(عج) و اولویّت‌گـذاری موضوعـات راهبـردی کشـور.

بررسـی شـعارهای انتخاب شـده در سـال‌های گذشـته نشـان می‌دهد که هر یک از این شـعارها، ریشـه در ضرورت‌های آن سـال داشـته اسـت و اولویّت اوّل و موضوعِ راهبـردی مـورد نیـاز کشـور در شـعار سـال منعکـس گردیـده و آن شـعار، مهم‌ترین نیاز کشـور بوده اسـت. بـه عبارت دیگـر، این پیام‌های سـالانه، فصل‌الخطابـی آگاهانه و بایسـته اسـت کـه بـا توجّـه بـه شـرایط و مقتضیّـات زمانـی و مکانـی، بـرای تمامی اقشـار و لایه‌هـا و سـطوح مختلـف جامعـه اسـلامی تبییـن می‌شـود. ایـن پیـام، بـا ابـلاغ رسـمی از سـوی رهبـر معظم به سـه قوّه، بـرای اجرا، در سـطح جامعـه، جاری می‌گـردد. در ادامـه، بـا نگاهـی کوتـاه به رونـد نام‌گذاری ۲۰ سـال اخیـر، برخی نکات مهـم ایـن نام‌گـذاری بهتر و بیشـتر روشـن می‌شـود.

## روند نام‌گذاری سال‌ها با رویکرد اقتصادی

نـام مربـوط بـه هـر سـال، از ویژگی‌ها و شـرایط همان سـال تأثیر می‌پذیـرد. رهبر فرزانـه بـا حکمـت و تدبیر و علـم و تخصّص ولایی خـود، نیازها و مشـکلات، تهدیدها و فرصت‌هـا و ضعف‌هـا و قدرت‌هـای کشـور را بهتـر از همـه می‌شناسـد. ایشـان بـا نام‌گـذاری هـر سـال در قالـب یـک شـعار، همراه بـا نهایت شـعور و تدبیر و شـناخت، هدایـت و رهبـری را در حـق پیـروان خـود، تمـام و کمـال بـه انجـام می‌رسـانند. این موضـوع، بیانگـر ولایـت و رهبـری فراگیـر ایشـان اسـت. در جـدول زیـر نام‌گـذاری مربـوط بـه ۲۰ سـال اخیـر، از ۱۳۷۳ تـا ۱۳۹۲ ارائه شـده اسـت. به زعـم نگارنده، در هـر سـال، یـک جملـه تحلیلی بـرای تعیین مسـیر بحث بیان شـده اسـت.

## جدول بررسی و تحلیل نام‌گذاری سال‌ها در بیست سال اخیر[1]

| سال | عنوان نام‌گذاری | تحلیل اقتصادیِ نام‌گذاری |
|---|---|---|
| ۷۳ | وجدان کاری و رعایت انضباط اجتماعی | اخلاق اسلامی در کار و اقتصاد |
| ۷۴ | انضباط اقتصادی و مالی و مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف | اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است. |
| ۷۵ | مبارزه با اسراف و زیاده‌روی و نابود کردن اموال عمومی و اموال شخصی | اسراف از هر نوع آن، مشکل اساسی اقتصاد است. |
| ۷۶ | کنار گذاشتن اسراف | اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است. |
| ۷۷ | توصیه به صرفه‌جویی | اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است. |
| ۷۸ | سال امام خمینی قدس‌سره | الگوبرداری از سبک زندگی اقتصادی و سیاسی امام قدس‌سره |
| ۷۹ | سال امام امیرالمؤمنین، علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام | الگو برداری از قناعت و زهد امام علی علیه‌السلام |
| ۸۰ | اقتدار ملّی و مسئله اشتغال | اشتغال، مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی و اقتدار |
| ۸۱ | سال عزّت و افتخار حسینی | تجلّی روحیّه حماسی حسینی در شیعیان |
| ۸۲ | نهضت خدمت‌رسانی به مردم | خدمت به مردم، اصل مهم اقتصاد اسلامی |
| ۸۳ | پاسخ‌گویی سه قوّه به ملت ایران | لزوم تعامل بین مردم و حکومت |
| ۸۴ | همبستگی ملّی و مشارکت عمومی | همبستگی فراگیر، عامل توسعه اقتصادی |
| ۸۵ | پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله | روحیّه حماسی نبوی و ریاضت اقتصادی |
| ۸۶ | اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی | همبستگی، عامل توسعه اقتصادی |
| ۸۷ | سال نوآوری و شکوفایی | نوآوری و خلاقیّت، عامل توسعه اقتصادی |
| ۸۸ | حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف | مصرف بر پایه دستورات اقتصادی اسلام |
| ۸۹ | همّت مضاعف و کار مضاعف | همّت و کار مضاعف برای اقتصاد مقاومتی |

[1] - این جدول بر اساس اطّلاعات مندرج در سایت «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای»، به آدرس زیر تهیه و دسته‌بندی شده است:

http://farsi.khamenei.ir/message.

| سال | عنوان نام‌گذاری | تحلیل اقتصادیِ نام‌گذاری |
|---|---|---|
| ۹۰ | سال جهاد اقتصادی | روحیّه جهادی و حماسی در اقتصاد |
| ۹۱ | تولید ملّی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی | اعتماد به نفس فراگیر در اقتصاد داخلی |
| ۹۲ | حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی | خلق حماسه در سیاست و اقتصاد و خنثی‌سازی تحریم‌ها |

نگارنده، با ارائه این جدول و دسته‌بندی نام‌گذاری این سال‌ها در پی آن نیست که فلسفه نام‌گذاری هر سال را به‌طور دقیق در این نوشتار کوتاه تشریح کند و شرایط آن سال را در اذهان تداعی نماید. با این حال، برخی نکات قابل توجّه بیان خواهد شد. با بررسی این جدول، برخی نکات و نتایج به شرح زیر به دست می‌آید:

۱. در بیشتر نام‌گذاری‌ها، محور شعارهای رهبر معظّم اقتصاد و موضوعات مربوط به آن بوده است. در برخی موارد، موضوعات زمینه‌ای و مفاهیم پایه‌ای اقتصاد بیان شده است.

۲. سال‌های ۷۸ و ۷۹ و ۸۱ و ۸۵، با نام‌های شریف حضرت امام خمینی قدس‌سره و امیرمؤمنان و امام حسین علیهما‌السلام و پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله مزیّن شده است. هر چند به ظاهر از مفاهیم اقتصادی برای این سال‌ها استفاده نشده است؛ ولی مقام معظّم رهبری به منظور الگوبرداری رفتاری از سبک مدیریت و سبک زندگی آن بزرگواران، به این کار اقدام نموده است.

۳. هر چه از سال ۷۳ به سال ۹۲ نزدیک‌تر می‌شویم، مفاهیم خاصّ اقتصادی نمودِ بهتری پیدا می‌کنند تا زمینه‌های انجام حماسه اقتصادی به تدریج فراهم شود.

۴. در سال‌های ۷۳ تا ۷۷ بر انضباط در همه ابعاد زندگی و صرفه‌جویی و قناعت تأکید بیشتری شد. سپس، در ادامه، برخی از الگوهای سیاسی کشور و اُسوه‌های دینی مطرح شدند. در ادامه به موضوعاتی، مانند اتّحاد و همبستگی و نوآوری و شکوفایی و همّت مضاعف تأکید گردید تا همه آحاد جامعه برای جهاد اقتصادی

و توسـعه تولیـد ملّی و حماسـه اقتصادی آماده شـوند.

۵. بـا کمـی دقّـت در عناوین سـال‌ها و یـک تحلیل اوّلیه مشـخص می‌شـود که در همـه سـال‌ها بـه صـورت مسـتقیم یا به‌طـور تلویحـی، به اقتصاد اشـاره شـده اسـت. سـتون تحلیـل اقتصـادی در جـدول فوق، این نکتـه را به خوبی را نشـان می‌دهد. این موضـوع، بیانگـر ایـن اسـت که اقتصـاد از اهمّیـت بالایـی در عرصه داخلـی و خارجی برخـوردار اسـت کـه در صورت نیـل به این قـدرت برتر می‌تـوان با مدیریـت بهینه به سـایر اهداف اجتماعی و سیاسـی و ... نیز دسـت یافت.

## » فلسفه نام‌گذاری سال ۱۳۹۲

رهبر معظّم در مدّت ۵ سال گذشته، نام‌های اقتصادی را برای هر سال انتخاب کرده‌اند. این تدبیر به این دلیل است که در یکی دو سال اخیر، فشارهای خارجی بر اقتصاد ایران بیشتر شده است و به علّت تحریم بانک مرکزی و تحریم‌های نفتی و فشارهای خارجی دیگر، درآمدهای ایران کاهش یافته است.

در این مورد، باید طرح ملّی هدفمندی یارانه‌ها را هم مورد توجّه قرار داد. این طرح برخی مسائل را نیز به وجود آورده است. بخشی از مشکلات که در این زمینه پیدا شده است به دلیل تحریم‌های خارجی است؛ امّا تعدادی از مسائل، ناشی از سوءتدبیر و اشکالات در مدیریت اجرایی طرح است. به عنوان مثال، همه می‌دانیم که در ابتدای طرح قرار بود آن را به‌گونه‌ای مدیریت نمایند که واحدهای تولیدی خرد، متوسّط و کلان، دچار بحران در تعیین بهای تمام شده تولیدات خود نشوند. این در حالی است که بنگاه‌های تولیدی، آسیب زیادی دیده‌اند و این موضوع از غفلت مربوط به نحوه اجرای طرح و مدیریت مقدّمات و تبعات آن ناشی شده است. از طرف دیگر، پرداخت نقدی یارانه‌ها و تزریق نقدینگی به جامعه، به هر صورت ممکن، عوارضی را برای اقتصاد خرد و کلان کشور به همراه خواهد داشت. با افزایش نقدینگی و عدم توجّه به افزایش تولید، تورّم زیادتر می‌شود.

با اندکی تأمّل در مطالب اقتصادی مطرح شده، مشخّص می‌شود که اقتصاد کشور در وضعیّت خاصّی قرار دارد و برای برون‌رفت از این پیچش سخت اقتصادی، بیش از هر زمان، نیازمند حرکتی بزرگ هستیم؛ یعنی به‌طور جدّی، امروز نیازمند یک حرکت تاریخی برای پشت‌سرگذاشتن شرایط کنونی هستیم. در یک کلام، خلق حماسه اقتصادی در کنار حماسه سیاسی الزامی است. به همین دلیل، رهبر فرزانه با الهام‌گیری از الگوهای حماسی از سیره معصومان علیهم‌السلام و بر حسب آموزه‌های مسجدی و معنوی، بهترین و اثرگذارترین نام را برای سال ۱۳۹۲ انتخاب نمودند.[1]

[1] - در این بخش و جاهای دیگری از این نوشتار، نگارنده بر اساس مطالعات و تحصیلات مرتبط با علوم اقتصادی و

بـا بررسـی اوضـاع داخلـی و خارجـی کشـور، بـه روشـنی درمی‌یابیـم کـه عوامـل متعدّدی در قالب بسـترهای زمینه‌سـاز برای حماسـه سیاسـی مدّنظر رهبـری بودند؛ برخـی از عوامـل خارجـی عبارت‌انـد از: تهدیـدات سیاسـی خارجی، جنـگ تبلیغاتی، شـبهه‌افکنی و ایجـاد تردید در میان مسـئولان و نخبگان، مانع‌تراشـی‌های همه‌جانبه دشـمنان در فعّالیّت‌هـای هسـته‌ای ایـران، جهانی‌سـازی سیاسـی، منزوی‌سـازی ایـران در محیـط بین‌الملـل، تنش‌زایـی و ایجـاد ناامنـی، بهره‌گیـری از پتانسـیل‌های سیاسـی موجـود. البتّـه عوامـل متعـدّد داخلـی دیگـر نیـز در ایـن نام‌گـذاری نقـش داشـتند کـه مهم‌ترین آنهـا عبارت‌انـد از: انتخابات ریاسـت‌جمهوری سـال۹۲، تجربه تاریخـی انتخابـات شـوراها، امنیت‌زایـی، ثبات و آرامش سیاسـی، اسـتقلال سیاسـی، قانون‌گرایـی و ... . نکتـه مهـم ایـن اسـت کـه بحـث در مـورد همـه این مـوارد در این مقـال نمی‌گنجـد؛ ولـی ایـن مطلـب بیانگـر آن اسـت کـه مقـام معظّـم رهبـری در نهایـت تدبیـر و و بـا نگرشـی جامع و چشـم‌اندازی بلندمـدّت، به نام‌گذاری سـال ۹۲ بـه عنوان سـال «حماسـه سیاسـی و حماسـه اقتصـادی» مبـادرت فرمودند.

بـا توجّـه بـه مطالـب مطـرح شـده، بـرای بررسـی بیشـتر نقـش مسـجد در خلـق حماسـه اقتصـادی و حماسـه سیاسـی، ابتـدا به بحـث واژگانـی این مفاهیـم پرداخته می‌شـود و سـپس مفاهیـم اقتصـادی و نقـش مسـجد در ایجـاد حماسـه اقتصـادی اشـاره خواهد شـد.

---

حسـابداری و مدیریـت، در برخـی مـوارد تحلیل‌هایـی را ارائـه کـرده اسـت. بـه همیـن دلیـل، از ارجـاع مکـرّر و غیرضـروری بـه کُتـب تخصّصـی اقتصـادی خـودداری شـده اسـت.

## » حماسه چیست؟

«حماسه»، در لغت به معنای دلیری کردن، دلاوری کردن و شجاعت است.[1] همچنین، به مفهوم شجاعت نمودن، شعر رزمی و انجام امری افتخارآمیز از روی شجاعت، مهارت و شایستگی، آمده است.[2] در فرهنگ‌لغات عربی نیز، حماسه به مفهوم شدّت یا محکم بودن و متعصّب بودن در دین و در کارها آمده است.[3]

مقام معظّم رهبری در رابطه با مفهوم حماسه می‌فرماید: «حماسه، یعنی آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام می‌گیرد»؛[4] «حماسه با عقل هدایت و با ایمان پشتیبانی می‌شود و باید از دل بجوشد و یک مقوله دستوری و بخشنامه‌ای نیست».[5]

«حماسه، یعنی واقعه‌ای جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملّت ایران و مسئولان کشور، مورد نظر قرار دهند».[6] «رفتار حماسی، یعنی رفتاری که بر آمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیّت حماسی کسی است که از چنین روحیّه‌ای برخوردار است و می‌تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیّه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گردند».[7]

## » حماسه‌سیاسی

نام‌گذاری سال ۹۲ به نام سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، در حالی صورت گرفت که انتخابات ریاست جمهوری و همچنین، انتخابات شوراها در

---

[1] - دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۶، ص۹۱۹۳.

[2] - عمید حسن، فرهنگ عمید، ج۱، ص۷۰۰.

[3] - لویس معلوف، المنجد فی اللغه و الاعلام، ص۱۵۳، مادّه حمس.

[4] - بیانات مقام معظّم رهبری در مراسم بیست و چهارمین سال‌روز رحلت حضرت امام خمینی قدس‌سره در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۴.

[5] - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار جمعی از مدّاحان و شاعران در روز ولادت حضرت فاطمه علیها السلام در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱.

[6] - بیانات رهبری در دیدار با کارگران و فعّالان بخش تولید به مناسبت هفته کارگر در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۷.

[7] - ویژه‌نامه تبلیغ، ش۱۷، ص۵۳.

ایـن سـال دارای اهمیّـت زیـادی بودنـد. آنچـه کـه در سـخنان رهبـر معظّـم نهفتـه بـود، انتخـاب فـردی اصلـح و توانمنـد بـرای ریاسـت جمهـوری آینـده، متناسـب بـا برنامه‌هـای سـند چشـم‌انداز ۱۴۰۴ بـوده اسـت. به بیـان دیگـر، مقام معظّـم رهبری شـأن و منزلـت ریاسـت جمهـوری را از آنِ فردی دانسـتند کـه بتواند با اجـرای دقیق سـند چشـم‌انداز، حماسـه‌ای در سیاسـت و اقتصـاد کشـور ایجـاد کنـد. در حقیقـت، حضـور حداکثـری و حماسـی ملّت پـای صندوق‌هـای رأی و انتخاب کاندیـدای اصلح بـرای به دسـت‌گیری ریاسـت جمهـوری در سـال‌های آینـده می‌تواند کشـور را بیش از پیـش بـه سـمت توسـعه و پیشـرفت رهنمون سـازد.

مهم‌تریـن عامـل خلـق حماسـه سیاسـی توسّـط ملّت بصیر ایـران در سـال جاری، مشـارکت سیاسـی آنهـا در تعییـن سرنوشـت خودشـان بوده اسـت. «مشـارکت»، در لغـت به معنای همکاری، شـرکت داشـتن یا حضور داشـتن اسـت.[1]فرهنگ انگلیسـی «آکسـفورد»، واژه «participation» را که معادل مشـارکت فارسـی اسـت، به معنای «عمـل یـا واقعیّـت شـرکت کـردن، بخشـی از چیـزی را داشـتن یـا تشـکیل دادن» دانسـته اسـت.[2]بر ایـن مبنـا، مشـارکت سیاسـی، در اصـل به معنـای شـرکت در امور عمومـی، همـراه بـا احسـاس مسـئولیّت مشـترک اسـت. بـه تعبیـر دیگـر، مشـارکت سیاسـی، «تعهّـدی فعّالانـه، آزادانـه و مسـئولانه» اسـت کـه به عنـوان یکی از سـاز و کارهـای اِعمـال قـدرت، از درون جامعـه برمی‌خیـزد.[3]در نهایـت، می‌تـوان مشـارکت سیاسـی را شـامل هرگونـه رفتـار و عمـل فـردی یـا جمعـی دانسـت کـه در راسـتای همـکاری و تعـاون عمومـی در عرصـه سیاسـت صـورت می‌گیـرد و هـدف آن تحـت تأثیـر قـرار دادن قـدرت، تصمیم‌هـا و سیاسـت‌گذاری‌های عمومـی، ماننـد انتخـاب رهبـران سیاسـی و یـا اِعمـال نظـارت بـر آنها و ... اسـت.[4]

[1] - دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۳، ص۲۰۹۱۷.
[2] - زاکس، ولفگانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ص۱۱۵.
[3] - کائوتری هوئین و دیگران، مشارکت در توسعه، ص۶.
[4] - مک آیور، م، جامعه و حکومت، ص۳۸۷-۳۸۳.

### » حماسه اقتصادی

اقتصاد مقاومتی و حماسه اقتصادی و سیاسی از آموزه‌های اسلامی برگرفته شده است. علاوه بر لزوم تحقّق حماسه سیاسی، شکل‌گیری حماسه اقتصادی، در حقیقت مهم‌ترین، راهبرد حفظ انقلاب و تداوم آن با تکیّه بر پیشرفت‌ها و حفظ همه ارزش‌هاست. رهبر فرزانه با الگوگیری از آموزه‌های ارزشمند اسلام به لزوم شکل‌گیری حماسه اقتصادی تأکید دارند. در صدر اسلام، مسلمانان در شعب ابی‌طالب با همه مشکلات، ۳ سال تمام مقاومت کردند و توانستند با رهبری الهی پیامبر اعظم ﷺ برای حفظ انقلاب‌شان پایداری کنند و در نهایت، زمینه حاکمیّت دینی را در شبه‌جزیره عربستان رقم زدند. اکنون با توجّه به شرایط موجود، الگوی ما نیز همین است. از طرف دیگر، اوج ایثار و حماسه‌سازی در حادثه کربلا برای همه روشن است. جایی که امام حسین علیه‌السلام در برابر محروم ماندن از جزئی‌ترین نیاز فیزیولوژیکی انسان، یعنی آب، دلیرانه مقاومت کرد. با این‌گونه رشادت‌ها، حماسه اقتصادی در برابر جنگ اقتصادی نمود پیدا می‌کند. بسیار روشن است که جنگ دشمنان ایران در این برهه از زمان، یک جنگ اقتصادی است. اعلام تحریم‌های اقتصادیِ پی‌درپی و صدور قطعنامه‌های متعدّد علیه ایران نیز دلایل روشن این ادّعاست. در چنین شرایطی، رهبر فرزانه به لزوم شکل‌گیری یک حرکت فراگیرِ حماسه‌گونه در تمام ابعاد اقتصاد، چه در بعد اقتصاد خرد و چه در اقتصاد کلان تأکید دارند.

## » تبیین رابطه اقتصادی و سیاسی بودن یک حرکت حماسی

یـک نکتـه اساسـی ایـن اسـت کـه در ادبیـات مدیریـت کشـورها[1] اگر پدیـده‌ای از نظـر سیاسـی درسـت نباشـد، نمی‌توانـد از نظـر اقتصـادی، از آن نتیجـه مناسـبی انتظـار داشـت. اگـر حماسـه سیاسـی بـه صـورت درسـت خلـق نشـود، بعیـد اسـت حماسـه اقتصـادی بـه وقـوع بپیونـدد و اجـرای حماسـه سیاسـی شـرط لازم اجـرای حماسـه اقتصـادی اسـت. ارتبـاط و تعامـل سیاسـت و اقتصـاد، قابـل انـکار نیسـت. به‌ویـژه، سیاسـت، همیشـه بـر اقتصـاد تأثیـر تعیین‌کننـده‌ای دارد و البتّـه از آن بـه شـدّت اثرپذیـر اسـت. مبـارزات انبیـاء بـا فقـر و محرومیّـت، از یـک سـو و بـا تکاثر و افزون‌طلبـی و سـرمایه‌داری خون‌آشـام از سـوی دیگـر، در کنـار مبـارزه بـا طاغوت‌ها و سـلطه‌های نامشـروع، حماسـه‌های سیاسـی و اقتصادی فراوانی را در تاریخ مبارزات انبیاء به یادگاری گذاشـته اسـت. در تاریخ تبلیغ دین توسّـط انبیاء، همیشـه در کنار رویاروئـی بـا فرعونیـان و نمرودهـا، مقابلـه بـا قارون‌هـا نیـز وجود داشـته اسـت. این ارتبـاط به‌گونـه‌ای اسـت که اسـتقلال سیاسـی، بـدون اسـتقلال اقتصـادی و برعکس آن، حداقـل در تجربـه تاریخـی وجـود نـدارد. در هم‌تنیدگـی سیاسـت و اقتصـاد در قـرون اخیـر بـه شـدّت افزایش یافته اسـت و هیچ سیاسـتی، بـدون ابعـاد اقتصادی و هیـچ اقتصـادی، بـدون ابعـاد سیاسـی یافت نمی‌شـود.[2]

بـرای بررسـی و تشـریح نقـش مسـجد در اقتصـاد و خلق حماسـه اقتصـادی، لازم اسـت کمـی به عقـب برگردیم و برخـی مفاهیم زمینـه‌ای را مورد مطالعه قـرار دهیم. در سـال ۹۱ شـعار همـه مـردم ایـران به همـراه دولـت، حمایـت از تولید ملّـی، کار و سـرمایه ایرانـی بـوده اسـت. در همان سـال، رهبر گرانقـدر مهم‌ترین مفهـوم بنیادین اقتصـاد، یعنـی اقتصـاد مقاومتی را بیان کرده اسـت. اقتصاد مقاومتی، اسـاس توسـعه اقتصـادی در وضعیّـت کنونـی اسـت کـه بایـد در همـه مـوارد، در تصمیمـات کلان کشـور مـورد توجّه قـرار گیـرد. تحریم‌هایی که امروز از سـوی همه دشـمنان اسـلام،

---

[1] -Governance.

[2] - علی‌اکبـری حسـن، نکته‌هایـی پیرامـون حماسـه سیاسـی و حماسـه اقتصـادی، بـا اندکـی تغییـر در الفـاظ و تلخیـص، قابـل دسـترس در:

http://rasekhoon.net/article

بـرای فلـج سـاختن اقتصـاد کشـور تـدارک دیده می‌شـود، در کنـار برخـی تهدیدات دیگـر، بیانگـر ایـن اسـت کـه اقتصـاد کشـور مـا، بایـد اقتصـادی مقاومتـی باشـد تـا آسـیب‌های ایـن تحریم‌هـا خنثی شـود. البّتـه، تصمیمات متعـدّد دیگری نیـز باید در قالـب اقتصـاد خـرد و موضوعـات فرهنگی و اجتماعـی در این خصوص صـورت بگیرد تـا اثربخشـی اقتصـاد مقاومتـی تضمین شـود. بـر همین اسـاس، در ادامه بـه مطالبی در مـورد تبییـن و تشـریح اقتصـاد مقاومتی و فلسـفه طرح آن و موضوعـات مرتبط به ایـن مبحث، اشـاره خواهد شـد.

## » اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری

اقتصاد مقاومتی، از دو واژه اقتصاد و مقاومت تشکیل شده است. در مطالب قبلی، به مفهوم واژگانی اقتصاد و علم اقتصاد اشاره شده است. مقاومتی بودن، یک صفت برای اقتصاد است که به مفهوم استقامت اشاره دارد. «مقاومت و استقامت، یعنی تلاش بر حقّ‌اندیشی و حقّ‌رَوی و عدم تمایل به چپ و راست و در تعریفی دیگر، استقامت، به معنی شناخت صراطِ مستقیم و مجاهدت و مقاومت در این راه است».[1]

در سالی که با نام حمایت از تولید ملّی، کار و سرمایه ایرانی مزیّن شد، به اوج رسیدن فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد کشور را در شرایط خاصّی قرار داد. در این شرایط بود که راهبرد «اقتصاد مقاومتی» مطرح شد. با توجّه به اینکه این راهبرد مختصّ شرایط فعلی اقتصاد ایران است و پیشینه و تجربه منطبق با شرایط کنونیِ کشور ما را هیچ کشوری، در هیچ کجای دنیا نداشته است، ضرورت تبیین، تعریف مؤلّفه‌های اقتصاد مقاومتی بیش از پیش آشکار می‌شود.

اگر چه موضوع اقتصاد مقاومتی چندی پیش در اذهان اقتصاددانان به وجود آمد؛[2] امّا این مبحث به صورت تأکیدی توسّط مقام معظّم رهبری در ۸ مرداد ۱۳۹۱، در دیدار جمعی از محقّقان، پژوهشگران، متخصّصان و نوآوران عرصه علم و فناوری و نیز مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فنّاوری مطرح گردید. برای ورود به بحث، ابتدا شمّه‌ای از بیانات رهبر معظّم مطرح می‌شود. در این دیدار ایشان فرمودند: «یکی از راه‌های عبور از مقطع حسّاس و سرنوشت‌ساز کنونی جدّی گرفتن اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست؛ بلکه یک واقعیّتی است که باید محقّق شود».[3]

---

[1] - نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج۱، ص۳۵۱.

[2] - اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۹۱ با حضور مسئولین، صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی و حوزوی در تالار امام خمینی قدّس‌سرّه دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار شد. لازم به ذکر است که این همایش با هدف مفهوم‌پردازی، گفتمان‌سازی و پیاده‌سازی الگوی مقاومتی در شئون مختلف اقتصادی کشور برگزار شد.

[3] - بیانات مقام معظّم رهبری، در دیدار جمعی از محقّقان، پژوهشگران، متخصّصان و نوآوران عرصه علم و فناوری و نیز مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فنّاوری، تاریخ ۹۱/۵/۸.

### » اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مقاوم در هر دو جنبه خرد و کلان

سؤال بسیار مهمّی در این بخش از بحث، در اذهان خوانندگان ایجاد می‌شود، این است که با توجّه به دو جنبه کلّی خرد و کلان در اقتصاد، مفهوم اقتصاد مقاومتی به کدام بخش از آن مربوط می‌شود. پاسخ این است که از اقتصاد کلان به نام اقتصاد بخش عمومی هم یاد می‌شود. آنچه در اصطلاح اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود بر هر دو شاخه علم اقتصاد دلالت دارد. از طرف دیگر، به دلیل این که «اقتصاد کلان را اقتصاد دولت می‌خوانند، می‌توان گفت که اقتصاد بخش عمومی، شامل هم اقتصاد خرد و هم اقتصاد کلان است».[1]

از طرف دیگر، موفقیّت اقتصادی، به صورت سنّتی در حوزه کلان اقتصاد(Macroeconomics) و با تولید ناخالص ملّی[2](GNP)متجلّی می‌گردد. این مفهوم، هر فعّالیّت یا تولید اقتصادی را، صرف‌نظر از منابع و فواید واقعی و اثرات بلندمدّت، روی رفاه اجتماعی اندازه می‌گیرد. بر اساس مکتب اقتصادی هر جامعه، برخی رفتارها به عنوان الزامات تولید، برای رسیدن به سطح GNP موردنظر، مشروع و مقبول محسوب می‌شود. این باور به مشروعیّت، در جوامع کاپیتالیستی صنعتی یا جوامع اسلامی و ... متفاوت هستند. به‌طور کلّی، تولید یا تولید ناخالص ملّی بیشتر با خود، اشتغال بیشتر را به دنبال دارد و اشتغال بیشتر، رفاه مردم فعلی و رضایت‌خاطر ظاهری آنها را فراهم می‌آورد.

آنچه که در کلام رهبری و تحلیل‌گران و اندیشمندان اقتصادی، در رابطه با اقتصاد مقاومتی مطرح است، به کلیّت نظام اقتصادی کشور، به عنوان یک نظام واحد اشاره دارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد که تأکید بیشتر اقتصاد مقاومتی به اقتصاد بخش عمومی مربوط است که گاهی اوقات «مالیه عمومی» هم نامیده می‌شود.[3]

---

[1] - دادگر یدالله، اقتصاد بخش عمومی، ص۸.

[2] - Production National Gross.

[3] - برای مطالعه بیشتر ر.ک به: ماسگریو، ماسگریو، Practice and theory In Finance Public، ص۱۱-۱۳.

## » الگوهایی برای تعریف اقتصاد مقاومتی

اگـر دانـش انباشـته و کتاب‌هـای مرسـوم اقتصـادی دنیـا را مطالعـه کنیـد، نظریه یـا تجربـه‌ای مـدوّن و مکتـوب دربـاره اقتصـاد مقاومتـی نخواهیـد یافـت. از آنجـا که تحریم‌هـای شـدید اسـتکبار بـر علیه ایران تاکنون سـابقه نداشـته، چگونگـی واکنش بـه آن هـم امـری بدیع اسـت. حتّی اگر مطالعاتی هـم در این‌باره صورت گرفته باشـد، بـه دلیل سـرّی و سیاسـی بـودن، امکان دسترسـی به آن بـرای کارشناسـان معمولی وجـود نـدارد. بنابرایـن، با تعمیـق مطالعات در اقتصـاد و مداقّه در بیانـات مقام معظّم رهبـری و مطالعـه وضـع موجـود، می‌تـوان اقتصـاد مقاومتی را بـا بهره‌گیـری از چهار الگـوی زیر تعریـف نمود:

### الف) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد موازی

ایـن تعریـف بـه برخـی اقدامـات در مـوازی بـا وضعیّـت موجـود برمی‌گـردد. همان‌گونـه کـه روشـن اسـت در اوایل انقـلاب دولتمردان کشـور، با توجّه بـه نیازهای موجـود و بـا روحیّـه مذهبی، به تأسـیس ادارات یـا نهادهایی، مانند کمیتـه امداد امام خمینی‌ﷺ، جهاد سـازندگی، سـپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی و بنیاد مسـکن انقلاب اسـلامی و بنیـاد ۱۵ خـرداد اقـدام نمودنـد. امـروز نیز باید بـرای تأمین اهـداف عالیه انقـلاب، این‌گونـه پروژه‌هـا را ادامـه داد و تکمیـل کـرد؛ یعنـی بـرای تحقّـق اقتصـاد مقاومتـی، بـه نهادسـازی‌های مقاومتـی در اقتصـاد نیـاز داریـم کـه وظایـف آنهـا چه بسـا از نظـر ماهیّـت، از عهده نهادهای رسـمی اقتصـادی موجود برنمی‌آیـد. پس، باید نهادهایـی مـوازی بـرای ایـن کار ویـژه ایجاد گـردد؛ به عبـارت دیگر، مـا در متن این اقتصـاد، بـه یـک «اقتصاد ثانویّه» و مشـابه و تکمیلی نیـاز داریم. برخـی از این نهادها بـرای اهـداف بلندمـدت و مشـخصّی تأسـیس شـدند که شـاید نیـازی به وجـود آنها در شـرایط حاضـر نباشـد. در واقـع اهداف مربـوط به آنهـا، به‌طور کامل، محقّق شـده اسـت. بـر اسـاس اقتصاد مقاومتـی اهداف جدیدی باید در سـاختار کلان تبیین شـود کـه نیـاز به نهادهـای جدید را روشـن می‌سـازد.

### ب) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد پدافندی

شکّی نیست که اندیشه اقتصاد مقاومتی، تفکّری بومی و منطقه‌ای است و در مقابله با تحریم‌های فلج کننده آمریکا و اتّحادیه اروپا و دیگر کشورهای هم‌پیمان با آمریکا، در اذهان مدیران اقتصاد کلان کشور با عنایت و تأکید رهبری، شکل گرفته است. با این دیدگاه، ابتدا باید به مهارت‌های آفندشناسی و هجوم‌شناسی مسلّح شویم و دشمن را با همه ویژگی‌ها و اقدامات آینده به‌طور دقیق بشناسیم. در آن صورت، برای هر حمله، یک ضدّ حمله طراحی و اجرا نمائیم. در واقع، در برابر هر استراتژی دشمن، ما یک استراتژی مقاومتی را تدوین و اجرا کنیم. از آنجایی که این تعریف به شناخت کیفیّت حمله یا تحریم‌های دشمن بستگی دارد، می‌توان آن را از این منظر یک «اقتصاد تدافعی» نامید.

### ج) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد ترمیم‌گر

تحریم‌ها، در ابتدا مشکلاتی را در اقتصاد کشور ما به وجود آوردند که ضعف فرآیندها و ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی را به خوبی آشکار ساخت. اگر این تشکیلات و روش‌ها تغییر نیابد، نمی‌توان به یک اقتصاد مقاومتی رسید. بر اساس این دیدگاه، با تغییرات جزئی یا کلّی، نهادهای دارای اثربخشی کم، «مقاوم‌سازی» و «آسیب‌زدایی» یا «مرمّت» می‌شوند. در واقع، اگر در راستای عملیاتی‌سازیِ بیانات مقام معظّم رهبری، یک نهاد فرضی نمی‌تواند انتظارات اقتصادی ما را برآورده سازد، باید با تعریف دوباره سیاست‌ها و خط مشی‌های سازمانی، مانند یک ستاره دریایی، بخش آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده را ترمیم کنیم. با ترمیم‌های نهادی یا سازمانی یا دستگاهی یا وزارتخانه‌ای و تعریف و تشریح وظایف جدید و تکمیلی، ما به یک اقتصاد مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌رسیم.

### د) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد الگویی

در ایـن تعریـف بـه دنبـال ترکیب هر سـه دیدگاه فوق هسـتیم؛ یعنی اگـر ترمیمی در سـاختارها لازم اسـت، آن را انجـام دهیـم و همزمـان، هجمه‌هـا و تحریم‌هـا را شناسـایی کنیـم و در صـورت نیـاز، نهادسـازی را بـه صـورت کامـل انجـام دهیم. در ایـن روش، بایـد از جدیدتریـن دانـش در عرصـه داخـل و بین‌الملـل مطّلـع باشـیم و بـر اسـاس اقتضـای شـرایط، تصمیمـات و طرح‌هـای خـرد و کلان اقتصـادی را اجـرا نمائیـم. از آنجـا کـه ایـن تعریـف بر اسـاس شـرایط داخلـی کشـور و اوضـاع خارجی و اسـتراتژی‌های تحریمـی دشـمنان اسـت، می‌تـوان ایـن اقتصـاد را یـک «اقتصـاد اقتضایی»[1] نامیـد؛ زیـرا بـا در نظـر گرفتـن تهدیـدات قبلـی و فعلـی و آتـی و بـا توجّه بـه اصـول و ارزش‌هـای بنیادین سیاسـت کشـور، نحـوه عمل خـود را انتخـاب و اجرا می‌کنیـم.

[1] - «دیـدگاه اقتضایـی» «theory Contingency» کـه در بیشـتر علـوم، بـه خصـوص رشـته مدیریـت بـه صورت‌هـای مختلـف کاربـرد دارد، بـر ایـن نکتـه اشـاره می‌کنـد کـه بـرای انجـام امـور، همیشـه یـک بهتریـن راه دائمـی وجـود نـدارد و انجـام آن، بـه شـرایط خـاصّ همـان مـورد بسـتگی دارد.

## » دلایل لزوم توجّه به اقتصاد مقاومتی

اکنـون کـه برخـی از الگوهـای تعریـف اقتصـاد مقاومتی بیان شـد و ایـن مفهوم تا حـدودی تشـریح گردیـد، این سـؤال در ذهـن خوانندگان مطرح می‌شـود کـه به‌طور کلّـی، دلایـل بیـان اقتصـاد مقاومتـی و تأکیـد رهبـری به داشـتن اقتصـاد مقاومتی و اقتصـادی بـر پایـه دانـش چـه بـوده اسـت. هر چنـد دلایل کـم اهمّیـت و بـا اهمّیت زیـادی در ایـن مـورد مطـرح اسـت، بـا وجـود ایـن، مهم‌تریـن و کلّی‌تریـن دلایل در ادامه اشـاره خواهد شـد:

### الف) درآمدهای خام فروشی دامی اقتصادی

بـر اسـاس بیانـات مقـام معظّـم رهبـری، یکـی از بهتریـن مظاهـر و مؤثّرتریـن مؤلّفه‌هـای اقتصـاد مقاومتـی، شـرکت‌های دانش‌بنیـان اسـت کـه می‌تواننـد اقتصـاد مقاومتـی را پایدارتـر کننـد. تولیـد ثـروت از طریق منابع تمام‌شـدنی، همچـون نفت، خودفریبـی اسـت و خام‌فروشـی دامـی اسـت کـه میـراث سـال‌های متمـادی قبل از انقـلاب محسـوب می‌شـود و متأسّـفانه کشـور، گرفتـار آن شـده اسـت و بایـد تـلاش شـود کـه ملّـت ایـران از ایـن تله نجـات پیـدا کند.

در توجیـه ایـن خودفریبـی می‌تـوان گفت کـه در زمان‌های گذشـته، افزون شـدن منابـع و ذخایـر نقـدی و ارزی کشـور، بـه دلیـل افزایـش بیـش از حـدّ قیمـت نفـت، یکـی از امتیـازات اسـتراتژیک محسـوب می‌شـد. ایـن ثـروت نقـدی، در سـال‌های گذشـته باعـث بیمـاری هلنـدی[1] در اقتصـاد ایـران شـد کـه بـه عنـوان «بـلای منابع و اثـر آزمنـدی» مطـرح می‌شـد و برنامه‌هـای اقتصـادی دولـت را تغییـر داده بود. در واقـع عـدم مدیریّـت دانـش در اداره امور عمومـی، ایـن بیماری‌ها را در اقتصـاد ایجاد کـرد. تحقیقـات ثابـت می‌کند کـه مصارف لجام‌گسـیخته منابـع بودجـه‌ای حاصل از فـروش نفـت، سـرانجام باعث می‌شـود که دولـت برای اسـتقراض و تأمیـن بودجه در آینـده نزدیـک بـه بازار پـول و سـرمایه روی بیاورد.[2] در چنین شـرایطی بـود که رهبر

[1] - آموزگار، 1999. Managing the Oil wealth windfalls and Pitfalls.
[2] - خیرخواهان، منابع و اثر آزمندی، ص۱۲۱-۱۵۸

معظّـم مفهـوم اقتصـاد مقاومتی را مطـرح کردند.

### ب)اقتصاد مقاومتی، مهم‌ترین عامل مبارزه با تحریم‌ها

واژه تحریـم، بـه مهـار صـادرات یـا واردات مربـوط می‌شـود و در رابطـه بـا اقتصاد بین‌المللـی و بیـن دو اقتصـاد کلان مفهـوم پیـدا می‌کنـد. تحریـم، تدابیـر قهرآمیـز اقتصـادی علیـه یـک یـا چنـد کشـور، برای ایجـاد تغییـر در سیاسـت‌های آن کشـور اسـت یا دسـت کـم بازگوکننـده نظریـات یک کشـور دربارهٔ ایـن قبیل سیاسـت‌های دیگـران اسـت.[1] در واقـع، تحریـم، بـاز پس‌گیـری عمـدی یا تهدیـد به بـاز پس‌گیری روابـط معمـول تجـاری یـا مالـی از سـوی یک دولت اسـت.[2]

اوّلیـن تحریم‌هـای آمریـکا بـه مهاجریـن مربـوط می‌شـود کـه در سـال ۱۷۶۵ نسـبت بـه قانون اسـتمپ اعتراض داشـتند. کم‌کـم تحریم‌های اقتصادی در سیاسـت خارجـی یـا داخلـی آمریـکا بـه یک سـنّت و عـادت سیاسـی تبدیل شـد.[3]

تحریـم آمریـکا، از زمـان تسـخیر لانـه جاسوسـی (سـفارت آمریـکا در ایـران) و گروگان‌گیـری تعـدادی از آمریکایی‌هـا شـروع شـد. اوّلین اقـدام برای تحریـم، امتناع آمریـکا از ارسـال تسـلیحات خریداری شـده ایران، بـه ارزش ۳۰۰ میلیـون دلار، در ۸ نوامبـر ۱۹۷۹ بـود. بعـد از آن، دولـت آمریـکا در دفعـات پیاپی، بر گسـتردگی و عمق تحریـم بـه صـورت فراگیـر افـزود. جنـگ عـراق علیـه ایـران و حمایـت آمریـکا از آن کشـور، واقعـه طبـس، عدم‌بازپرداخـت کلّ دارایی[4] بلوکه شـده ایران، قـرارداد الجزایر، تشـدید محدودّیت‌هـای وارداتـی از ایـران بـه آمریکا توسّـط ریـگان، ممنوعیّـت انواع کالاهـا و تجهیـزات اساسـی و حیاتـی بـه ایـران، حمایـت اسـرائیل از آمریـکا، قانـون داماتـو و قانـون گیلمـن و ... از وقایـع تعمیـق تحریـم علیـه ایـران بودنـد. امـروز، این تحریـم بـه حـدّی اسـت کـه کشـورهای واسـطه و دارای روابـط تجـاری بـا ایـران، به تنبیـه تجـاری و تحریـم آمریـکا دچـار می‌شـوند و نیـز هر نـوع کالا و خدمـات که به

[1] - علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ص۳۲.
[2] - همان، ص۳۲.
[3] - همان، ص۳۴.
[4] - از ۱۲ میلیون دلار فقط سه میلیون دلار به ایران برگشت داده شد.

نوعـی وارد چرخـه بازرگانـی ایـران شـده، نبایـد وارد آمریکا شـود.[1]

ایـن درسـت اسـت که اگـر ایـران زیر بار فشـار اقتصـادی آمریـکا نمی‌رفت، شـاید اقتصـاد بهتـری داشـت؛ امّـا از سـال ۱۹۹۵ تاکنون اقتصـاد ایران، با ثبات‌تر و سـالم‌تر شـده اسـت.[2] اکنـون، به قـول یکـی از اقتصاددانان می‌تـوان گفت که ۱۶۱ بـار تحریم، نـه تنهـا اقتصاد ایـران را فلج نکـرد، بلکه اقتصـاد ایران را واکسـینه نمود.[3]

همـه کارشناسـان داخلـی و صاحب‌نظـران سیاسـی و اقتصـادی خارجـی بـر ایـن عقیده‌انـد کـه آمریـکا بـا ایـن تحریم‌هـا، نه تنهـا بـه اهدافش نمی‌رسـد، بلکـه منافع و عملکـرد اقتصـادی خـود را بـه مخاطـره انداختـه اسـت.[4] یکی از منابـع برجسـته و شـاهد ایـن مدّعـا، کتـاب «احسـاس مطلـوب یـا کار نامطلـوب بـا تحریم‌هـا» اسـت. نویسـنده ایـن اثر، با بررسـی مطالعات و گزارشـات متعـدّد «مرکز مطالعـات راهبردی و بین‌المللـی آمریـکا»،[5] ایـن نکتـه را مطرح کرد کـه به‌طور تقریبی، همـه تحریم‌های فراگیـر و یک‌جانبـه کشـور آمریـکا بـا ناکامـی ایـن کشـور و پیشـرفت بیشـتر و بهتر کشـورهای هدف، همـراه بوده اسـت.[6]

مقـام معظّـم رهبـری در ایـن مـورد فرمودنـد: «مـا بایـد یـک اقتصـاد مقاومتی در کشـور بـه وجـود آوریـم. امـروز، کارآفرینـی معنایـش ایـن اسـت. دوسـتان درسـت گفتنـد کـه مـا تحریم‌هـا را دور می‌زنیـم. بنـده هـم یقییـن دارم [کـه] ملّـت ایران و مسـئولان کشـور، تحریم‌هـا را دور می‌زننـد [و] تحریـم کننـدگان را نـاکام می‌کنند؛ مثـل مـوارد دیگـری کـه در سـال‌های گذشـته، در زمینه‌هـای سیاسـی بـود که یک اشـتباهی کردنـد، یـک حرکتـی انجـام دادند، بعد خودشـان مجبـور شـدند برگردند، یکی‌یکـی عـذر خواهـی کنند».[7]

---

[1] - علیخانی، حسین، تحریم، شکست یک سیاست، ص۷۸-۲۵۰.

[2] - همان، ص۳۱۴.

[3] - مصاحبه دکتر فرهاد رهبر اقتصاددان و رئیس دانشگاه تهران در گفتگو با فارس، قابل دسترس در:

www.bultennews.com/fa/news

[4] - برای کسب اطلاعات تخصّصی و تحلیل اقتصادی بیشتر مراجعه کنید به:

Iran's Economy & the US Sanctions,Middle East Journal, Vol 50,No2,Spring,1997

[5] -Center For Strategic and International Studies (CSIS)

[6] - پریگ، Feeling Good or Doing Good With Sanctions، ص۲۲۱.

[7] - بیانات رهبری، در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

## » اقتصاد مقاومتی، اقتصادی بر پایه آموزه‌های قرآنی

داشتن یک اقتصاد باثبات و پایدار از اهداف اصلی هر حکومت یا دولت است. اقتصادی که متزلزل باشد و بر اساس کوچک‌ترین تصمیم‌های سیاسی و غیر سیاسی در یک گوشه از جهان، نامتعادل شود، بقای هر دولت و حکومتی را به مخاطره می‌اندازد. سیاست‌های اقتصادی ایران تا قبل از انقلاب بر اساس امیال و نظرات سلسله پادشاهی اتّخاذ می‌شد و زیرکی مدیران اقتصادی کشور در برابر اهداف پنهان استکبار، با توجّه به اِعمال نظر شخص شاه کارساز نبود. در آن زمان، محدودیّتی در تعاملات اقتصادی با جوامع بین‌الملل وجود نداشت.

با وقوع انقلاب اسلامی که انقلاب ارزش‌ها بود و باورهای اسلامی را حاکم نمود، سعی می‌شد تا تصمیمات اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی صورت بگیرد. این اصل در قالب الگوگیری از آموزه‌های قرآنی، در همه تصمیمات دولت‌مردان متجلّی بود. در ادامه، به برخی از آموزه‌های مهم اقتصاد قرآنی اشاره می‌شود:

### الف) آیه نفی سبیل، شاخص‌ترین الگوی اقتصاد مقاومتی

آیه نفی سبیل، یکی از آیات مهّم است که در اتّخاذ سیاست‌های خارجی اقتصادی با جوامع دیگر، ارائه طریق می‌نماید. قرآن می‌فرماید: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكافِرِيَن عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ یعنی، و خدای تعالی، هرگز کفّار را ما فوق مؤمنان و مسلّط بر آنان قرار نمی‌دهد».[1]

بر اساس این آیه، مؤمنان، حقّ پذیرفتن سلطه کافران را ندارند. سلطه‌پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است و باید کاری کرد که کفّار از سلطه بر مؤمنان، برای همیشه مأیوس باشند. پس، هر طرح، عهدنامه، رفت‌وآمد و قراردادی که راه نفوذ کفّار بر مسلمانان را باز کند، حرام است. بنابراین، مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.[2]

---

[1] - نساء، آیه ۱۴۱.
[2] -قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج۲، ص ۱۹۰-۱۹۲.

با این نگرش عمیقِ مدیران کلان کشور، استکبار جهانی نتواست منافع خود را در کشور حفظ نماید. از این‌رو، در دفعات و مراحل و گام‌های متعدّد، با اعمال تحریم‌های مستقیم و غیرمستقیم، عرصه را بر اقتصاد ایران سخت و سخت‌تر نمود. اکنون، ملّت و دولت ایران، با رهنمودهای رهبر معظّم توانسته تحریم‌ها را پشت سر نهد و در این راستا به توسعه همه جانبه اقتصادی برسد. بدین دلیل، بحث اقتصاد مقاومتی، به عنوان یکی از راه‌های چابک سازی نظام اقتصادی با درایت خاصّ رهبری مطرح گردید.

### ب)ایمان، معیار برتری و قدرت اقتصادی

قرآن کریم، در مورد برتری مؤمنان بر کفار می‌فرماید: «وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنين؛ و [شما مسلمانان] سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید».[1]

آیه بیان شده، بر این نکته دلالت دارد که مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت. از طرف دیگر، می‌دانیم که یکی از لوازم برتری، بی‌نیازی اقتصادی از دولت‌های استکباری و خودکفا بودن مسلمانان است؛ زیرا نیاز به دیگران، همیشه همراه با ذلّت و اسارت است. بنابراین، ملّتی که بخواهد بزرگ سربلند زندگی کند، باید ابتدا خود را از بند اسارت غیر مسلمان آزاد سازد.

رهبر معظم با اشاره به آیه بیان شده، در این خصوص می‌فرمایند: «فقط مواظب باشید وحدت و شور و احساس تکلیف را در خود حفظ کنید. قرآن، به مسلمان‌ها خطاب می‌کند و می‌گوید: اگر مؤمن باشید [إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنين]، نه از کسی بترسید و نه سست شوید [وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا]. مظهر ایمان، همین شور و نشاط و تلاش و وحدت و حضور در صحنه است؛ دشمن هم از همین [حضور] می‌ترسد. تا وقتی حضور قوی و پُرشور شما مردم، استمرار دارد، ان شاء الله، لطف خدا هم با ما خواهد بود».[2]

[1] - آل‌عمران، آیه ۱۳۹

[2] - بیانات مقام معظّم رهبری در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم سراسر کشور در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۸.

### ج) دوری از ولایت غیرالهی

در قرآن، پیروی از ولایت الهی و ولایت اولیاء خدا تأکید شده است. این ولایت، در امور اقتصادی نیز باید توجّه شود. قرآن کریم در مورد لزوم دوری از ولایت غیرالهی می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصاری أَوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ؛ ای مؤمنان! یهود و نصاری را به دوستی مگیرید. بعضی از آنها دوستان بعضی دیگرند. هر که از شما با ایشان دوستی کند، خود از ایشان است. همانا خداوند، مردم ستمگر را هدایت نمی‌کند».[1]

در آیه مطرح شده و برخی آیات مشابه دیگر، مسلمانان از قبول ولایت کفّار، سخت برحذر داشته شده‌اند؛ زیرا قبول این اسارت و پذیرش ولایت طاغوت، نیازهای گسترده اقتصادی را به ارمغان می‌آورد. مسلمانان، نباید حتّی لحظه‌ای ولایت کفّار و یهود و نصارا و طاغوت را تحمّل نمایند؛ زیرا این سرسپردگی به عظمت آنان لطمه وارد می‌کند.

### د) اقتدار و طاغوت‌ستیزی

مسلمانان، باید یک اقتصاد خودکفا و غیروابسته به طاغوتیان داشته باشند. این خودکفایی و اقتدار، باید همه‌جانبه باشد؛ اعمّ از: سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... . قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ تَراهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ رِضْواناً سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ مَثَلُهُمْ فِی الْإِنْجیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظیماً؛ محمّد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید هستند و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛

[1] - مائده، آیه۵۱؛ برای مطالعه بیشتر ر. ک به: همان سوره، آیه۵۷؛ نساء، آیات۱۴۴ و ۱۳۹ و ۸۹؛ ممتحنه، آیه۱؛ هود، آیه۱۱۳؛ کهف، آیه۵۰؛ عنکبوت، آیه۴۱، بقره، آیه۲۵۷؛ فصّلت، آیه۳۱؛ توبه، آیه۷۱؛ و ... .

در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویّت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد. (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است».[1]

بر اساس این آیه، جمله «فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ» به نیرومندی و بر پای خود ایستادن و قدرت یافتن مسلمانان اشاره دارد. مسلمانان، باید با پشتکار و تلاش فراگیر، به آن درجه از شکوه و عزّت برسند که دشمنان اسلام، تاب تحمّل آن را نداشته باشند. چنین الگویی باید در عملیات اقتصادی منظور شود تا مبانی الگوی اقتصادی مقاومتی، عملی گردد.

مقام معظّم رهبری با تأکید بر این آیه شریف می‌فرمایند: «اسلام پیروان خود را این جور تربیت می‌کند... . اینها، آن معنویّتی است که در آنها وجود دارد؛ آن توکّل، آن توجّه به خدا، آن تذکّر، آن خضوع در مقابل پروردگار. این، خاصیّت پرورش انسان مسلمان و مؤمن است. اسلام این جور انسانی پرورش می‌دهد. در مقابل خدای متعال، خاضع؛ با برادران ایمانی، رحیم، مهربان؛ اخوت اسلامی برقرار [می‌کند]؛ امّا در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوهِ استوار می‌ایستند... «یُعْجِبُ الزُّرّاعَ»؛ خود آن کسانی که این زمینه را فراهم کردند، به شگفت می‌آیند. این دست قدرت الهی است که این جور انسان‌ها را رشد می‌دهد. دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمانِ تربیت شده بالیده، در دامان اسلام نگاه می‌کند، معلوم است که به خشم می‌آید و ناراحت می‌شود «لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ»... . خداوند متعال، وعده کرده است به افرادی که این جور حرکت کنند، پاداش خواهد داد، اجر خواهد داد...».[2]

---

[1] - فتح، آیه۲۹.

[2] - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر ﷺ در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲.

## » جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی مقدّمه حماسه اقتصادی

جهاد، از تعالیم اصلی اسلام است و در قرآن کریم بارها از این مفهوم استفاده شده است. به عنوان نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ؛ کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و آنها همان رستگارانند».[1] در این آیه، علاوه بر جهاد کردن در راه خدا با جان، به جهاد کردن با اموال هم اشاره شده است. در واقع، جهاد در راه خدا فقط جهاد با جان و رسیدن به مقام والای شهادت نیست؛ بلکه مؤمنان می‌توانند با مال و ثروت خود در ره دین خدا جهاد کنند. این تعبیر به جهاد اقتصادی اشاره دارد و بر این نکته تأکید دارد که مسئولان و مدیران کشور، در هر سطحی از مسئولیت که هستند، باید با تصمیم‌گیری خود در امور اقتصادی با دشمنان اسلام و هرگونه شرک و باطل مبارزه نمایند. با نگاهی به تاریخ اسلام متوجّه این موضوع می‌شویم که موقعیّت‌هایی ایجاد شده است که حرکت‌های جهادی، مسیر تحوّلات اجتماعی زمانه را دگرگون کرده است. یکی از این موقعیّت‌ها، قیام و شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران گرانقدرش، در مبارزه با باطل است. علاوه بر این، انقلاب اسلامی نیز از ابتدا، قوام و دوام خود را از حرکت‌های جهادی به دست آورده است. بسیار روشن است که حرکت حماسی تاریخِ هشت ساله جنگ تحمیلی، با خاطرات جهادگرانه و ایثار و فداکاری‌های رزمندگان اسلام رقم خورده است و اکنون، ما این آرامش و امنیّت را مرهون خون شهدایی می‌دانیم که یاران و همراهان مسجدی بوده‌اند. جهاد، مقوله‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان واجب بودن آن را انکار کرد و در نصوص صریح قرآنی تأکید زیادی به آن شده است.

در یک تأمّل سطحی، متوجّه می‌شویم که جهاد اقتصادی یک مفهوم گرانسنگ است و فقط به تحمّل سختی اقتصادی، قناعت و صرفه‌جویی کردن، به کارگیری

---

[1] - توبه، آیه۲۰؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک به: بقره، آیه ۲۱۸؛ آل‌عمران، ۱۴۲؛ نساء، آیه ۹۵؛ مائده، آیه۳۵؛ انفال، آیات ۷۲ و ۷۴ و ۷۵؛ توبه، آیات ۱۹ و ۴۱ و ۷۳؛ تحریم، آیه۹ و ... .

خلاقیّت و ... ختم نمی‌شود. منظور این است تلاش و تحمّل تنگناهای اقتصادی، برای نیل به منافع فردی را نمی‌توان عملی جهادی دانست. جهاد اقتصادی دارای ویژگی‌هایی است که باید در شرایط خاص خود محقّق شود؛ مانند: شناخت وضعیّت ویژه اقتصاد، شناخت اهداف متعالی آن، ملزم شدن به الزامات جهاد، رصد موانع و اتّخاذ راهکارها، اتّخاذ آرایش جهادی، توانمندسازی نیروهای انسانی.[1] تا آن زمانی که مجریان و فعّالان عرصه‌های اقتصادی با دیدگاه اومانیستی در مکتب اقتصادی و با در نظر گرفتن سود فردی، به فعّالیّت‌های اقتصادی بپردازند، نمی‌توانیم انتظار تحقّق وعده نصر الهی را در قبال صعوبت‌های اقتصادی داشته باشیم.

نگرشی که در مقابل آموزه‌های اقتصاد مقاومتی وجود دارد، رویکرد «سرمایه‌داری» است. در نظام سرمایه‌داری، سودآوری یک اصل است و سیاست و دیانت و ... موضوعات فرعی هستند. نهادهایی، مانند پول و مالکیّت خصوصی و مطلق و ... برگرفته از نگرش اومانیستی هستند. در چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی می‌تواند مانند دژی مستحکم در برابر توسعه و ترویج اخلاق سرمایه‌داری، دارای اهمّیت زیادی باشد. بر اساس اقتصاد مقاومتی، فعّالان اقتصادی، بدون توجّه به نظام سرمایه‌داری، بر پایه انگیزش اسلامی و منطق جهادگونه به تولید ارزش اقتصادی اقدام خواهند کرد.

این موضوع، بیانگر برکت‌محوری در اقتصاد اسلامی است و برکات الهی را برای اقتصاد در پی دارد. در چنین اقتصادی هیچ چیزی ارزشمندتر از اِعتلای کلمه الله در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی نیست. بدین ترتیب، همه تلاش‌ها و ابتکارات، با رویکرد جهادی صورت گرفته و فرهنگ جهادی به‌طور کامل احیا و همه‌گیر خواهد شد. در این صورت است که حماسه اقتصادی خلق خواهد شد. با نگاهی کوتاه به زندگی پیامبر اسلام ﷺ مشخّص می‌شود که آن حضرت، به دلیل آماده نبودن شرایط زمانی و مکانی، سه سال اوّل بعد از بعثت، مردم را به‌طور مخفی به اسلام دعوت می‌کرد و سپس، به صورت علنی و بعد از مهاجرت

[1] - اسحاقی، سیّد حسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص۲۰-۲۳.

از موضع قدرت، در قالب جهاد و حماسه، مردم را به اسلام دعوت می‌نمودند. زمانی که قدرت لازم حاصل گردید، این آیه نازل شد: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللهُ يَعْلَمُهُمْ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ؛ و از نیرو و اسب‌های آماده، هر چه در توان دارید، بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان، که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هر چیزی که در راه خدا خرج کنید، پاداش آن به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد».[1] در مورد حماسه اقتصادی نیز تا اقتصاد جامعه، مراحل مختلف ارتقاء و توانمندی را طی نکرده باشد و پایه‌های اقتصادی کشور استوارتر نگردد، به یک باره نمی‌توان به حماسه و جهش بزرگ اقتصادی دست یافت. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که جهاد اقتصادی با جنگ اقتصادی همراه است. در این جهاد، برای رسیدن به پیروزی باید در قالب اصول اقتصاد مقاومتی، استقامت و پایداری نمود تا حماسه اقتصادی به وقوع بپیوندد. دو شکل زیر ارتباط و مسیر حرکت را از جهاد اقتصادی به حماسه اقتصادی نشان می‌دهند.

[1] - انفال، آیه ۶۰.

## » ویژگی‌های مهم اقتصاد اسلامی

اسلام، دین کاملی است و برای همه ابعاد زندگی انسان، برنامه و دستورالعمل‌های لازم را ارائه کرده است؛ به صورتی که هر فرد با عمل با این دستورات، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید. آموزه‌های اسلام، نه‌تنها به اقتصاد رنگ و بویی خدایی می‌بخشد، بلکه سیر و سلوک بندگی را متأثّر از اقتصاد می‌داند. دستورات اسلام، نیازهای آدمی را در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برآورده می‌سازد. این دستورات، هم معیشت‌گرا هستند و هم معنویّت‌گرا، هم دنیانگر هستند و هم آخرت‌نگر. بر این اساس، اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌هایی بنیادین و منحصر به فردی است که در واقع، وجه تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد کشورهای غیراسلامی است.[1] در ادامه به برخی از این تمایزات اشاره می‌شود:

**۱. خدا محوری:** مهم‌ترین آرمان اقتصاد اسلامی، خدا محوری و موحّد پروری است. اسلام به کمک اقتصاد، با شرک مبارزه می‌کند و جوامع انسانی را از مظاهر بت‌پرستی، خودپرستی و شیطان‌پرستی بر حذر می‌دارد. به طور خلاصه، در اسلام هر فعّالیّت اقتصادی باید با نیّت الهی و خالص برای خدا باشد.

**۲. قناعت محوری:** اقتصاد معاصر، اقتصادی کثرت محور است؛ یعنی مهم‌ترین هدف آن، رسیدن به ثروت بیشتر است؛ امّا اقتصاد اسلامی، اقتصادی قناعت محور است و اعتدال‌گرایی در تمام عرصه‌های زندگانی را به عنوان سرمایه‌ای تمام نشدنی مورد تأکید قرار می‌دهد. حضرت علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرمایند: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لا يَنْفَدُ؛ قناعت، ثروتی پایان ناپذیر است»[2].

**۳. خدمت‌محوری:** اقتصاد فعلی جهانی، اقتصادی ثروت‌محور است و برای رسیدن به این هدف، تمام آرمان‌های انسانی و اخلاقی را فدا می‌کند. اقتصاد اسلامی، اقتصادی بر پایه خدمت به خلق است و خدمت به آفریدگان خدا را بزرگ‌ترین عبادت می‌داند. در آموزه‌های اسلامی، کسی که بیشترین خدمت را

---

[1] - ر. ک به: چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم‌اندازی اسلامی، ص۱۸۱-۲۵۳؛ اسحاقی، سیّدحسن، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص۴۳-۱۰۸.

[2] - دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، ص۴۵۲، ح۵۷.

بـه مـردم برسـاند، سـودمندترین افراد اسـت.[1]

**۴. تولید محوری:** تولید، در یک جامعه اسلامی باید این دو شرط را رعایت کند:

الـف) بایـد لـوازم و وسـایلی کـه بـرای یـک زندگـی سـالم و بـه دور از اسـراف و بیهـوده‌کاری لازم اسـت، تأمیـن نمایـد.

ب) از تولیـد وسـایلی کـه موجـب انحـراف اخلاقـی و اسـراف‌کاری در جامعـه می‌گـردد، خـودداری شـود. از مهم‌تریـن ارکان اقتصاد اسـلامی، تولیدگرایـی و پرهیز از مصرف‌گرایـی اسـت و نیـز مهم‌تریـن بخشـی کـه می‌تواند یک توسـعه پایـدار را به وجـود آورد، تولیـدی اسـت کـه بایـد بـر پایه موازین اسـلامی باشـد.

**۵. عدالت‌مـدار بـودن:** قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «إِنَّ اللهَ یَأْمُـرُ بِالْعَـدْلِ وَ الْإِحْسـان...؛ در حقیقـت، خـدا بـه دادگـری و نیکـوکاری و بخشـش بـه خویشـاوندان فرمـان می‌دهد».[2] جهـاد اقتصـادی، بـه معنـای پیشـرفت سـریع اقتصـادی، همـراه با توسـعه معنویّـت و عدالـت اسـت. پیشـرفت، بـدون توجّـه بـه عدالـت، از نظر اسـلام، پیشـرفت نیست.

**۶. صداقت‌محـور بـودن؛** صداقـت، در آموزه‌های اسـلام بسـیار تأکید شـده اسـت: قـرآن در ایـن مورد می‌فرمایـد: «لِیَجْـزِیَ اللهُ الصَّادِقِیـنَ بِصِدْقِهِمْ وَ یعَـذِّبَ الْمُنَافِقِینَ؛ تـا خداونـد صادقـان را بـه خاطـر صِدقشـان پاداش دهـد و منافقـان را عـذاب کند».[3] اقتصـاد رایـج جهانـی، بـر پایـه دروغ و ایجـاد نیـاز کاذب بنـا شـده اسـت. اقتصـاد اسـلامی بـر صداقت اسـتوار اسـت. اقتصاد اسـلامی، طبـق آموزه‌های اسـلامی تعریف شـده اسـت و هرگونـه فریـب و تقلّـب را باعـث بی‌برکت شـدن ثروت دنیـوی و عذاب آخـرت می‌دانـد. سفارشـاتی کـه در مـورد ارزان‌فروشـی، سـهل‌گیری در معامـلات، مـدارا کـردن بـا مشـتری، قبـول کـردن تقاضـای مشـتری پشـیمان شـده و ... بر این ویژگـی اقتصـاد اسـلامی (صداقت‌محـوری) تأکیـد دارد. از طـرف دیگـر، فریب‌کاری، احتـکار، خیانـت، حقّ‌خـوری، رباخـواری، اسـراف، در اقتصـاد اسـلامی نکوهش شـده است.

---

[1] - مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص۲۳.

[2] - نحل، آیه۹۰؛ همچنین ببینید: مائده، آیات۱۰۶ و ۹۵ و ۸؛ بقره، آیه۲۸۲؛ نساء، آیه۲۹؛ انعام، آیه۱۵۲ و ... .

[3] - احزاب، آیه۲۴.

**۷. برکت‌محـور بـودن:** اقتصـاد مدل چینـی، کمیّت‌نگر اسـت؛ اقتصاد مـدل ژاپنی، به اصل کیفیّت توجّه دارد. این در حالی اسـت که اقتصاد اسـلامی، برکت‌محور اسـت و بـه دو مقولـه کمیّـت و کیفیّـت، به‌طـور همزمـان توجّـه می‌کنـد تا با برکت‌بخشـی بـه تولیـدات، خدمت‌رسـانی بهینـه بـه مـردم صورت گیـرد. به عبـارت دیگـر، اقتصاد اسـلامی در پـی بهـره دنیوی و اخـروی به صورت توأم اسـت.

## » عوامل چهارگانه حرکت حماسی

تحـوّلات و رخدادهـای بـزرگ و خلـق یک حماسـه، مسـتلزم وجود اصـول خاصّی اسـت کـه در یـک شـرایط مطلوب محقّق می‌شـوند. بـا تحقّـق آن اصـول، زمینه‌های خلـق یـک حرکـت حماسـی فراهـم خواهد شـد. در ادامـه، به چهـار عامـل مهم یک حرکت حماسـی بـه اختصار اشـاره می‌شـود:[1]

**۱. عنایـت و مشـیّت پروردگار:** بـدون عنایت پـروردگار، هیچ اتّفاقـی رخ نمی‌دهد. قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «وَ مـا تَشـاؤُنَ إلاَّ أَنْ یَشـاءَ اللهُ؛ و تـا خـدا، پـروردگار جهانیـان، نخواهـد، [شـما نیـز] نخواهیـد خواسـت [توانسـت]».[2] کارهـای بـزرگ و حماسـه‌های رخ داده در تاریـخ، همگـی کار خـدا بـوده و در بسـتر اراده او تحقّق یافته اسـت. قـرآن مجیـد، با بیـان آموزه‌هـای گرانقـدرش، تردید و بیـم اقتصـادی را از دل اهـل ایمـان می‌زُدایـد و نویـد می‌دهد کـه: «وَإِنْ خِفْتُـمْ عَیلَةً فَسَـوْفَ یغْنِیکُـمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَـاءَ؛ اگر از فشـار اقتصادی ناشـی از منع ورود مشـرکان، بیمناک هسـتید، در آینـده خداونـد شـما را از فضل خویـش بی‌نیـاز خواهـد کرد».[3] امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در ایـن مـورد می‌فرماینـد: «اِحْتَـجْ إلَـی مَـنْ شِـئْتَ تَکُـنْ اَسـیرَهُ وإسْـتَغْنِ عَـنْ مَـنْ شِـئْتَ تَکُـنْ نَظیـرَهُ؛ اگـر نیازمند کسـی بودی، زیردسـت و اسـیر اویی؛ ولـی چنانچه بی‌نیـاز شـوی، هـم رتبه و نظیـر او خواهی شـد».[4]

**۲. عبرت‌آمـوزی از گذشـته:** اصـل دوم بـرای خلـق یـک حماسـه و ایجـاد یـک تحـوّل بـزرگ، بهره‌گیـری از تجربـه و سـرمایه گرانقـدر بـاز مانـده از گذشـته اسـت. عبرت‌آمـوزی و درس گرفتـن، لازمـه هـر حرکتـی اسـت؛ به‌ویـژه آنـگاه کـه گذشـته‌ای پُـردرس و پُرظرفیّـت وجـود داشـته باشـد تـا چـراغ راه آینـده محسـوب گـردد. گذشـته انقـلاب و تاریـخ نظـام مقـدّس جمهـوری اسـلامی ایـران کـه خـود نتیجـه بـه کارگیـری همـه تجربیّـات تاریخـی اسـلام و ایـران اسـت، سراسـر درس و عبـرت بـرای حماسـه‌آفرینی اسـت.

---

[1] - علـی اکبـری، حسـن، نکته‌هایـی پیرامـون حماسـه سیاسـی و حماسـه اقتصـادی، تنظیـم و ویرایـش: سـایت حـرف آخـر، بـا تغییـر در برخـی الفـاظ و تلخیـص و اضافـات لازم، قابـل دسـترس در آدرس: http://harfeakhar.com/article

[2] - انسان، آیه۳۰؛ تکویر، آیه۲۹.

[3] - توبه، آیه۲۸.

[4] - آمدی عبدالواحدبن‌محمّد، تصنیف غررالکلم و دررالکلم، ص۳۶۶، ح۸۲۶۷ و ص۳۶۷، ح۸۲۷۲.

**۳. توانمنـدی درونـی:** توانمنـدی درونـی یـک ملّـت بـرای ایجـاد تحوّل بسـیار ضـروری اسـت. اگـر ظرفیّت‌هـا و قابلیّت‌هـا و زمینه‌هـای تحوّل وجود نداشـته باشـد، شـکل‌گیری یـک تحـوّل، انتظـار بیهـوده‌ای اسـت. در مـورد توانمنـدی درونـی، مرور فهرسـت توانمندی‌هـا و ظرفیّت‌هـای فرهنگـی، اقتصادی، سیاسـی و دفاعی کشـور و توجّـه بـه دسـتاوردهای گران‌سـنگ و اعجاب‌آمیـز ملّت ایـران در عرصه‌هـای مختلف علـم و تکنولـوژی و تسـلیحات و اداره امـور مختلـف و همـه حوزه‌هـا، اطمینـان مـا را بـرای خلـق هـر حماسـه‌ای بیشـتر می‌نماید.

**۴. کشـش و ظرفیّـت آینـده:** شـرایط آینـده، بایـد به‌گونه‌ای باشـد کـه تحمّل تحـوّل را داشـته باشـد. اگـر آینـده بـرای تحـوّل مناسـب نباشـد، بـاز شـاهد تحوّلی عمیـق نخواهیـم بـود. در ایـن مـورد، نـه فقـط نیازهـای پیـش روی مـا، بلکـه همـه شـواهد و قرائـن از تحـوّلات آینـده در داخـل و منطقـه و صحنـه بین‌الملـل، گویـای فرصـت تاریخـی و اسـتثنائی بـه وجـود آمـده برای خلق حماسـه توسّـط ملّـت ایران اسـت. بدیـن ترتیـب، ملّـت ایران بـا هوشـمندی و عمل به هنـگام، می‌توانـد آینده‌ای درخشـان را بـرای خـود رقـم بزند و در گـذر از پیچ تاریخـی ملموس کنونـی، نه فقط جبـران همـه عقـب ماندگی‌هـا، بلکه پیشـتازی و الهـام بخشـی را برای سـایر ملّت‌ها بـه ارمغان بیـاورد.

بر اسـاس اصول و عوامل ذکر شـده، به سـامان رسـاندن حماسـه سیاسـی و حماسـه اقتصـادی بـرای کشـور، در سـال ۹۲ کار دشـواری نیسـت؛ زیـرا بـا عنایـت خداوند از آغـاز انقـلاب و قبل از پیـروزی انقلاب، تاکنون شـاهد توجّهات پـروردگار و امدادهای غیبـی و آشـکار او در همـه صحنه‌هـای انقـلاب بوده‌ایـم و نصـرت خـدا، وعـده تخلّف ناپذیـر اسـت؛ چـرا که خداونـد در قـرآن فرمـوده اسـت: «أَلا إِنَّ نَصْرَ اللهِ قَرِیـب؛ آگاه بـاش کـه پیروزی خـدا نزدیک اسـت».[۱]

[۱] - بقره، آیه۲۱۴؛ همچنین ر.ک: صف، آیه۱۳.

## » نگرش سیستمی، لازمه حماسه اقتصادی

خلـق یـک حماسـه اقتصـادی، امـری یک بُعدی نیسـت، بلکـه یک تغییر گسـترده و فراگیـر در سرنوشـت یـک جامعـه نیسـت. خلـق حماسـه، بـا تعامـل و هم‌گرایـی همـه عوامـل تأثیرگـذار، ارتبـاط تنگاتنـگ دارد. همان‌گونـه کـه در رونـد اجرای یک عملیـات جنگـی و خلـق حماسـه و پیـروزی بایـد همه عوامل بـا هماهنگ باشـند، به همان‌گونـه خلـق یـک حماسـه در خـارج از فضـای جنـگ نظامـی، باید همـه عوامل دسـت بـه دسـت هـم بدهند تا تحقّـق اهداف تسـهیل گـردد. هم‌گرایـی و هماهنگی، مهم‌تریـن عامـل تحقّق حماسـه اسـت.

ایجـاد هماهنگـی بیـن عوامـل تحقّـق حماسـه بایـد بـا رویکـرد جامـع و نگـرش سیسـتمی[1] انجام گیـرد. اندیشـمندان از ایـن نگـرش در همه امور به صـورت کاربردی اسـتفاده می‌کننـد. «بـر اسـاس ایـن رویکـرد، همـه آحـاد یـک جامعه، در هر سـطح و مسـئولیّتی کـه باشـند، بـه عنـوان اجزای تشـکیل‌دهنده یـک سیسـتم یکپارچه در نظـر گرفتـه می‌شـود و همـه عوامـل محیطـی اعـمّ از انسـانی، سیاسـی و فرهنگـی و اجتماعـی و مذهبـی و ... بـه همـراه رابطـه بیـن آنهـا، مـورد بررسـی و تحلیـل قـرار می‌گیـرد تـا اهداف برنامه‌هـای خلق حماسـه اقتصادی محقّـق شـود».[2] در واقع، همه اعضـای جامعـه، اعـمّ از سـران سـه قـوّه، مدیـران کلان کشـوری و مدیـران میانـی و عملیاتـی و همـه کارگـزاران دولتـی و همه آحاد مردم و سـایر دسـتگاه‌های اجرایی و قوانیـن و سیاسـت‌های کلّـی و جزئـی و نهادهای قانون‌گـذاری و ... ماننـد اجزای یک سیسـتم به‌هم‌پیوسـته هسـتند و بـر هـم تأثیـر متقابـل و هم‌افزایی[3] داشـته، به نحوی کـه تصمیـم یـک عضـو بـر عملکـرد دیگران اثـر دارد. بـر همین اسـاس، داشـتن یک دیـدگاه کلّ‌گـرا و سیسـتمی، در برنامه‌ریزی و رسـیدن به حماسـه اقتصـادی ضروری است.

هم‌گرایـی نیروهـای اثرگـذار در خلق حماسـه اقتصـادی، نیازمند یـک برنامه‌ریزی اسـتراتژیکی و طرح‌هـای بلندمـدّت و میان‌مـدّت و کوتاه‌مـدّت اسـت که بایـد با خرد

[1] 6- Systematic attitude.

[2] - دنیل جرج جی، روبرت دبلیو ناپ، techinque analysis System، ص۳۹.

[3] . Synergy.

جمعی همه صاحبان اندیشه و فعّالان اقتصادی صورت بگیرد. بنابراین، در کنار توجّه به کاستی‌های برنامه و روحیه در مسیر حماسه اقتصادی، باید به فکر تربیت و محورساختن نخبگانی بود که هم به کارآمدی و تحقّق عینی الگوی جهاد اقتصادی معتقد باشند و هم برای این الگو، از روش‌های خردمندانه و نگرش‌های سیستمی بهره بگیرند.

## » کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام

با مطالعه تاریخ صدر اسلام، این نکته مشخّص می‌شود که بسیاری از وقایع مهم و فعّالیّت‌های اقتصادی تاریخ اسلام در مسجد به وقوع می‌پیوست. جریان خاتم‌بخشی حضرت امیر﵇ در حال رکوع (بخشش انگشتر به مستمند)، در مسجد بوده است.[1] اسکان و کمک به گروهی از مهاجران و انصار به نام «اصحاب صفّه»، به دلیل تهیدستی و نداشتن سرپناه، در فضای معنوی مسجدالنّبی انجام می‌گرفت.[2] مسجد، در صدر اسلام، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود. جاهای مختلفی در مسجد، به نام قبه بیت‌المال و دارای درب‌های آهنی و محکم بود که ثروت ملّی یا ثروت نقدی عمومی حاصل از زکات و مالیات اسلامی و غنایم جنگی و ... را در آنجا نگهداری و هزینه یا مدیریت می‌کردند.[3]

بنابراین، مساجد در صدر اسلام، در راستای خدمات‌رسانی اجتماعی، دارای کارکردهای مهم اقتصادی بودند. برای روشن‌تر شدن این موضوع، در ادامه به گوشه‌هایی از کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام مسجد اشاره خواهد شد:

### الف) مسجد، محل مرکز مدیریت اقتصاد کلان جامعه

علم اقتصاد، با همه مسایل آن در بازار متبلور است و بازار یا سوق، نماد و مظهر فعّالیّت‌های اقتصادی است. بدون در نظر گرفتن این مفهوم، مفاهیمی، مانند عرضه و تقاضا و تعادل قیمت و ... معنا پیدا نمی‌کند. اسلام ضمن توجّه به بازار، به تبیین شرایط حاکم بر آن پرداخته است تا همه افرادی که به فعّالیّت‌های اقتصادی می‌پردازند، از این دستورات پیروی کنند. بازار، در علم اقتصاد به محلّی گفته می‌شود که عرضه و تقاضا در آن صورت می‌گیرد و با رویارویی خریداران و فروشندگان، قیمت کالا و خدمات تعیین می‌شود.[4] در بازار ایده‌آل مورد نظر

---

[1] - نک به: طباطبایی محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج۶، ص۵ تا ۳۹؛ الطبرسی الفضل ابن الحسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج۳، ص ۷۳۰ تا ۷۴۱؛ قرائتی محسن، تفسیر نور، ج۲، ص۳۱۸-۳۲۰.

[2] - نوری حاج میرزا حسین، المستدرک الوسایل، ج۴، ص۱۱۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج۴۳، ص۸۴.

[3] - ر ک: تقی الدین احمد المقریزی، الخطط، ج۲، ص۲۴۹؛ الولی محمد طه، المساجد فی الاسلام، ص۱۵۹؛ رازی فخرالدین، التفسیر الکبیر، ج۱۶، ص۹ و ۱۰. صحیح بخاری، ج۱، ص۱۰۸.

[4] - ساموئلسن پل، هاوس ویلیلام نورد، اقتصاد، ج۱، ص۸۰.

اقتصاد اسلامی، افراد باید با توجّه به واقعیّت‌های جامعه انسانی، تحت تربیت اسلامی، با محوریّت قوانین الهی و رعایت اصول اخلاقی باشد.[1]

در گذشته، در کنار مساجد شهر، مسجدِ بازار هم وجود داشت که بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن، بازاری بودند. این مساجد، به غیر از مساجد محلّات بود. در زمان‌های گذشته، به‌طور عموم، بازار در کنار مساجد ساخته می‌شد. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند، به محض ورود به شهری، جهت اقامه دعوی، با ردگیری ساختمان مساجد، به مرکز قضاوت شهر رهنمون می‌شدند؛ زیرا دکّه قضاوت، همواره در جنب مساجد برپا بود. هم‌جواری دارالخلافه با مسجد، بازهم نقش اطّلاع‌رسانی مساجد را روشن‌تر می‌کرد تا تازه واردها، برای انجام امور اداری خود، از ساختمان مسجد کمک بگیرند. در مساجد بازار، بیشتر بازاریان شرکت داشتند و در این مساجد، بیشتر اخبار تخصّصی حوزه تجارت و گزارشات مربوط به بازار و اوضاع اقتصادی بیان می‌شد.[2]

## ب) اثرات غیرمستقیم مسجد در اقتصاد خرد

در صدر اسلام، بیشتر تجّار و بازرگانان، به محض اینکه وارد شهرها می‌شدند، به مساجد مراجعه می‌کردند. با توجّه به نقش محوریّت مساجد، حضور این تجّار و بازرگانان در مسجد، نشان از ورود کالاهای جدیدی داشت که به محض اتمام نماز، خریداران کالا وارد بحث و مذاکره برای خرید و فروش یا مبادله می‌شدند. اگرچه به‌طور مستقیم، خرید و فروش در داخل مسجد انجام نمی‌گرفت و هنگام حضور در مسجد، اصل همه کارها بر محور عبادت و نیایش بود، امّا دیدوبازدید و گفت‌وگو برای تبادل و خرید کالاها، بعد از انجام اعمال عبادی صورت می‌گرفت. البتّه، کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام در هر دو جنبه اقتصاد خرد و کلان، متعدّد هستند و بیان همه آنها در این مقال نمی‌گنجد. با این حال با بررسی مطالب ذکر شده، در می‌یابیم که مسجد در اقتصاد، نقش بسیار مهمّی داشته است.

---

[1] - ر. ک به: انصاری محمدجعفر و دیگران، در آمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، ص۹۶ -۱۱۱.
[2] - ر.ک به: جهانگیری سهروردی، یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص۱۷و۳۳.

## » جلوه‌های اقتصادی مسجد در تحقّق حماسه اقتصادی

در گذشته، اثرگذاری مسجد در اقتصاد فردی و در اقتصاد خانواده و جامعه، به همان جوامع کوچک مسلمان منحصر بود؛ ولی با پیشرفت و توسعه زندگی اجتماعی و گسترده شدن نظام‌های اقتصادی، نقش اقتصادی مسجد افزایش یافته است. امروز، همه نظام‌های اجتماعی و فرهنگی و سبک زندگی و نحوه تربیت افراد بر اقتصاد اثرگذار هستند. در عین حال، اقتصاد نیز به عنوان مهم‌ترین عامل قدرت و سیادت جوامع، باعث می‌شود که یک کشور قدرتمند اقتصادی در عرصه بین‌المللی، جایگاه مناسبی به دست آورد. در مطالب گذشته، به آموزه‌هایی از اقتصاد قرآنی و مباحث جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و حماسه اقتصادی اشاره شده است. هدف از بیان این مطالب، ایجاد زمینه ذهنی در خوانندگان در خصوص اقتصاد اسلامی و اقتصاد قرآنی و ... بود تا اهمّیت و نقش مساجد در خلق حماسه اقتصادی به سهولت قابل بحث و بررسی باشد. اکنون، این سؤال مطرح است که مسجد به عنوان نماد تمدّن اسلامی و شاخص‌ترین سمبل کشورهای اسلامی در عصر حاضر، چه نقشی در تحقّق حماسه اقتصادی دارد. در ادامه، برخی از جلوه‌های اثرگذاری مسجد و آموزه‌های منتسب به آن در نیل به حماسه اقتصادی اشاره خواهد شد:

### ۱. آموزش رفتارهای اقتصاد مقاومتی به بازاریان مسلمان در مساجد

یکی از دسته فعّالیّت‌هایی که در قالب فعّالیّت‌های آموزشی، در مساجد قابل انجام است، آموزش آموزه‌های تجارت یا مبانی اقتصاد اسلامی است. مساجد، به دلیل داشتن پتانسیلی به نام ازدحام در مراسمات متعدّد و در زمان‌های مختلف، بهترین مکان آموزش اقتصاد اسلامی هستند. در دورانی که دشمنان اسلام، از همه تحریم‌های اقتصادی برای به چالش کشیدن اقتصاد کشور ما استفاده می‌کنند و علیه ما متّحد شدند، توجّه به این آموزه‌ها، می‌تواند راه‌گشای کار باشد. توجّه به این آموزه‌هاست که بازار ممالک اسلامی را از بازارهای سرمایه‌داری متفاوت می‌کند. آموزه‌هایی، مانند داشتن حسّ نوع‌دوستی، توجّه به مشکلات

و نیازمندی دیگر مسلمانان، نداشتن غشّ در معاملات،[1] انجام معاملات متعدّد بر اساس شارع مقدّس، احتکار نکردن،[2] گرانفروشی یا کم فروشی نکردن،[3] انصاف و عدالت در تجارت و ... نمونه‌هایی از آموزه‌های کاربردی اقتصادی هستند که بهترین محلّ آموزش آنها مساجد هستند.

ارشادات اقتصادی، یکی از تعلیمات علماء است و می‌تواند در بهبود اقتصادی و تنظیم اقتصاد اسلامی و بالا رفتن کمیّت و کیفیّت اقتصاد اسلامی مؤثّر باشد. بدین ترتیب، اقتصاد شریف و پاک اسلامی، از آلوده شدن و ناپاک شدن به انواع دسیسه‌ها و وسوسه‌ها و حقّه‌های شیطانی باز داشته می‌شود؛ به خصوص، اگر این کار در کنار بازار و در مساجدِ چسبیده به بازار انجام گیرد.[4]

## ۲. مسجد و وصول مالیات‌های اسلامی

یکی از کارکردهای عبادی ـ اقتصادی مساجد، خمس و زکات و مانند آن است. خمس و زکات، یکی از بهترین تفکّرات اقتصادی است و اسلام، علاوه بر جنبه اقتصادی، روی عبادی بودن آن هم تأکید دارد و اسلام، با داشتن چنین آموزه‌هایی، در بین مکاتب اقتصادی، نمونه و ممتاز است و با چنین برنامه‌ای در صدد بر چیدن بساط فقر و مسکنت از مسلمانان است و اگر این مهم توسّط همگان ادا و پرداخت شود و به دست فقرا برسد، هیچ فقیری در روی کره زمین باقی نخواهد ماند.

زکات، در لغت به معنای طهارت و پاکیزگی و رشد و نمو است. در اصطلاح دانشمندان اسلامی و مردم مسلمان، مقدار معیّنی از دارائی است که با شرایط خاصّی باید از مال صاحب آن جدا شود و به مصرف فقرا و مستمندان و کارهای خیر دیگر برسد.[5]

خمس، در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح مسلمانان، به یک

---

[1] – ر.ک: به گناهان کبیره، ج۲، ص۲۲۸؛ کنز العمال، ج۴، ص۶۰.
[2] – ر. ک به: گناهان کبیره، شهید دستغیب، ج۲، ص۲۹۵؛ وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۱۳؛ میزان الحکمه، ج۲، ص۲۸۶.
[3] – ر. ک به: مطفضن، آیه ۱؛ میزان الحکمه، ج۱، ص۵۲۳؛ بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۰۷.
[4] – ضیاء آبادی سید محمد، موعظه، راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان، ص۴۰ـ ۲۰.
[5] – نجفی محمدحسن، جواهر الکلام، ج۱۵، کتاب الزکاه، ص۲-۱۵.

پنجـم مالـی گفته می‌شـود که پرداخت آن با شـرایطی بر مسـلمانان واجب می‌شـود. بایـد آن را از اموالـی کـه خمـس بـه آنها تعلّـق گرفته جدا کـرد و به حاکم اسـلامی و ولیّ‌فقیـه پرداخـت نمـود تـا در مورد شـرعی مـورد نظر مصـرف کند.[1]

قـرآن کریـم، در مـوارد بسـیار متعـدّد، زکات را در کنـار نماز مطرح کـرده و ضمن انتقـاد از تارکیـن زکات، بـه آنهـا وعده عذاب داده اسـت. قرآن، تـرک کنندگان زکات را تـا حـدّ کفـر پیش بـرده و به دلیـل حقّ‌الناس بودن زکات، آخرت سـختی برایشـان پیش‌بینـی کرده اسـت.[2]

اسـلام، بـرای خمـس و زکات، جایـگاه ویـژه‌ای قائـل اسـت کـه برخـی از تعابیـر ارزشـمند آن عبـارت اسـت از: تکلیـف الهـی بـودن، پشـتوانه دیـن بودن، دشـمنی با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در صورت امتناع از پرداخت آن، پلی برای اسـلام، سـتون اسـلام، شـرط پذیـرش نمـاز، فرمان الهـی و ... .[3]

نگارنـده، معتقـد اسـت که سـنگ بنـای تفکّـر لـزوم ادای خمـس و زکات در مردم از مسـجد شـکل می‌گیـرد. متولّیـان امـور فرهنگی مسـاجد بـا انجـام فعّالیّت‌های زیر می‌تواننـد ایـن فرآینـد را تسـهیل نمایند:

۱ ـ تبلیـغ خمـس و زکات بـه صـورت بیـان خطابـه بر منابـر و طـرح آن به صورت مسـئله‌ای توسّـط امام جماعت در مسـجد؛

۲ ـ حضـور و سرکشـی امـام جماعـت مسـاجد از فعّالیّت‌های کشـاورزی، باغداری، دامـداری و کسـبه بـازاری در محـلّ کار آنها و یـادآوری پرداخـت زکات و خمس؛

۳ـ فرهنگ‌سـازی و فراگیـر کـردن تصدّی‌گـری ائمّـه محتـرم جماعـات، بـرای دریافـت خمـس و زکات در مسـاجد یـا بـه عهـده گرفتـن وکالـت مراجع تقلیـد برای ایـن منظـور و حضـور امامـان جماعـت در مسـاجد بـرای اجـرای ایـن امـر؛

۴ـ تصدّی‌گـری ائمّـه جماعـات به عنـوان روحانـی کاروان‌های حجّ و تلاش بیشـتر آنـان در خصـوص تطهیر امـوال حجّاج از نظـر خمس و زکات؛

---

[1] - ر.ک: طباطبایـی قمـی، تقـی، الغایـه القصـوی فـی تعلیـق علـی العـروه الوثقـی، کتـاب الخمـس، ص۵ - ۲۴۰؛ مشـکینی اردبیلی، علـی، بحثـی پیرامـون خمس تحقیقـی و اسـتدلالی، ص۱۰ ـ ۵.

[2] - دستغیب، گناهان کبیره، ج۲، ص۱۸۳.

[3] - الحـرّ العاملـی، وسایل‌الشّـیعه، ج۶، ص۳۳۷ و ۳۷۶؛ محـدّث نـوری، مسـتدرک الوسـایل، ج۷، ص۲۸۱؛ شـریفی، محمـود، چهـل حدیـث خمـس و زکات، ص۵-۷۹.

۵ـ حضـور ائمّـه جماعـات و مبلّغـان در منـازل مؤمنان، بر حسـب درخواسـت آنها و انجـام امور محاسـبه خمس سـالیانه؛

۶ـ تهیّـه و توزیـع جزوه‌هـا و بروشـورها و مقـالات و کتـب حـاوی احادیثـی در اهمّیـت خمـس و زکات و اسـتفاده از هرگونـه رسـانه اثرگـذار در ایـن خصـوص.

## ۳. نقش مسجد در ترک حرام‌خواری و شبهه حرام‌خواری

یکـی دیگـر از کارکردهـای عبـادی ـ اقتصـادی مسـاجد، نقـش ویـژه آنهـا در تـرک خـوردن لقمه‌هـای حـرام و شـبهه‌ناک اسـت. افـراد مسـجدی، بـه یقیـن بـه کـرّات، ایـن مباحـث را از آیـات و احادیـث و خطبه‌هـای مبلّغـان و بیانـات متولّیـان فرهنگی مسـاجد شـنیده‌اند. مفاسـد مـال و لقمـه حـرام و شـبهه‌ناک به قـدری زیاد اسـت که ایـن عمـل از گناهان کبیره محسـوب شـده اسـت و بر مرتکـب آن، وعده عـذاب داده شـده اسـت؛[۱] اسـلام، حلال‌خواری و کسـب حـلال را بالاترین عبادت شـمرده اسـت؛ پیامبـر اکـرم ﷺ در ایـن بـاره فرمودنـد: «اَلعِبـادَهُ سَـبعونَ جُـزء، اَفضَلُهـا جُـزءً طَلَـبُ الحَـلالِ؛ عبـادت، هفتـاد بخش اسـت، برترین آنها طلب روزی حـلال و به دنبال روزی حـلال رفتن اسـت».[۲]

حرام‌خـواری، اقسـام مختلی دارد: ندادن خمس و زکات، خوردن غذای شـبهه‌ناک، رشـوه‌خواری، خـوردن غـذای فاسـد، خـوردن حیوانات حـرام گوشـت و ... . از طرفی، حلال‌خـواری، منشـأ هـر خیـر و حـرام خـواری منشـأ هـر شـرّ بیـان شـده اسـت[۳] و حلال‌خـواری، مهم‌تریـن عامـل تزکیـه روح و سـیر و سـلوک و اسـتجابت دعاهـا، شـمرده شـده است.[۴]

امـام علـی ؑ می‌فرماینـد: «إِنَّ اللهَ سُـبْحَانَهُ فَـرَضَ فِی أَمْـوَالِ الْأَغْنِیَـاءِ أَقْـوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَـا جَـاعَ فَقِیـرٌ إِلَّا بِمَـا مَنَـعَ غَنِـیٌّ وَ اللهُ (تَعَالَـی جَـدُّهُ) سَـائِلُهُمْ عَـنْ ذَلِـکَ؛ خداونـد سـبحان، در دارائی‌هـای توانگـران، روزی‌هـای تهیدسـتان را قـرار داده اسـت. پـس،

---

۱ – دستغیب، گناهان کبیره، ج۱، ص۳۹۱.
۲ – العاملی الحر، وسائل‌الشیعه، ج۱۲، ص۱۱.
۳ – دستغیب، همان، ص۳۹۸.
۴ – همان.

هیچ فقیری گرسنه نشد، مگر به واسطه منع ثروتمند و (در روز رستاخیز) خداوند (عالی‌مرتبه) از این منع آنان مؤاخذه و بازپرسی می‌نماید».[1]

## ۴. مسجد و قرض‌الحسنه

یکی از کارکردهای عبادی مسجد که به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و امروز هم بسیار بروز و ظهور دارد، نقش مسجد در تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و دستگیری از محرومان جامعه در مشکلات است.[2] یکی از تفاوت‌های اساسی مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب اقتصادی، توجّه خاصّ به نیازمندان، آسیب‌دیدگان و اقشار ضعیف جامعه و ارائه راهکارهای مناسب با شأن و کرامت انسان است. یکی از این راهکارها، قرض حسن یا «قرض‌الحسنه» است که در آموزه‌های اسلامی، در قالب آیات و روایات مختلف به آن سفارش شده است.[3]

قرض، یعنی وام یا وام دادن یا پاداش دادن.[4] معنای دیگر قرض، بریدن و قطع کردن است؛ زیرا فرد قرض‌دهنده، مقداری از مال خود را جدا و به قرض گیرنده می‌دهد.[5] الحسنه، به معنای نیکی یا نیک یا نیکوست.[6] اوّلین صندوق قرض‌الحسنه در مسجد تشکیل شده است. در صدر اسلام، در خصوص قرض‌الحسنه به عنوان یکی از شاخص‌های مهمّ مسجد تراز اسلامی، برای توجّه همه‌جانبه به تهیدستان و محرومان اقداماتی صورت می‌گرفته است.[7]

انجام این عمل ارزشمند اقتصاد اسلامی، موجب توسعه اقتصادی و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی مردم شهرها و محلّه‌ها می‌شود. این فعّالیّت مسجدی، انگیزه‌سازی برای روحیّه خودیاری در مردم و انجام امور داوطلبانه اقتصادی در

---

[1] - دشتی، محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، ص۵۰۴، ح۳۲۸.
[2] - فرهنگ مسجد، ص۲۰۶ - ۲۰۵.
[3] - مجلسی، بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۳۸؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۴۱۴؛ همچنین ر. ک: شریفی، محمود، چهل حدیث قرض‌الحسنه، ص۶.
[4] - دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۱، ص۶۱۱.
[5] - جابری عربلو، محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، ص۱۶۴.
[6] - دهخدا، علی‌اکبر، همان، ج۲، ص۲۲۰.
[7] - ر. ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، ص۱۴-۱۵.

سـطح جامعـه را باعـث خواهد شـد.[1] توجّه به این سـنّت حسـنه و آمـوزش تعالیم آن به نمازگزاران و حاضران در مسـجد، در دوران مقاوم‌سـازی اقتصاد و گذشـتن از دوران ریاضت‌هـای اقتصـادی بسـیار مهـم اسـت. ایـن آمـوزه اقتصـادی در در مان بسـیاری از آفت‌هـا و اسـتثمارهای اقتصـادی جوامـع اسـلام، ماننـد ربا بسـیار مؤثّراسـت؛ زیرا وقتـی قرض‌الحسـنه مـورد توجّـه قرار نگیـرد، ربـا اقتصاد جوامـع را فـرا می‌گیرد. در صورتـی کـه ربا در آموزه‌های اسـلامی به شـدّت نکوهش شـده اسـت.[2] بسـیار روشـن اسـت کـه ربـا، مخالـف حماسه‌سـازی اقتصـاد، مخالـف حماسـه اقتصـادی و مخالـف اقتصـاد مقاومتـی اسـت و باید به شـدّت بـا آن مبارزه کـرد. بنابراین، قرض‌الحسـنه و اشـاعه و تبییـن آن در کنـار فعّالیّت‌های مسـجدی، موجب می‌شـود تـا اقتصاد جامعه اسـلامی از آسـیب‌های متعـدّد اقصـادی ماننـد ربـا، اسـتثمار مالـی و ذخیره‌سـازی و ناکارآمـدی منابـع اقتصـادی و ... مصـون بماند.

## ۵. منبر، رسانه‌ای اثرگذار بر اقتصاد جامعه

از دیگـر نقش‌هـای غیرمسـتقیم مسـجد در امـر اقتصاد، جلسـات وعـظ و خطابه و سـخنرانی ائمّـه جماعـات و سـخنرانان در مسـاجد دربـاره رعایـت اخلاق اسـلامی در معامـلات اقتصـادی اسـت. اهمّیـت منبـر و بیـان خطابه‌هـا در تبییـن سیاسـت‌های اقتصـادی و هماهنگ‌سـازی بازاریـان، بـر کسـی پوشـیده نیسـت. امـروز، بایـد اذعان نمـود کـه رسـانه ارزشـمند منبـر، بـه تنهایـی می‌تواند بـا همـه خبرگزاری‌هـا جهان مقابلـه و مبـارزه کنـد. در ایـن خصـوص، وعّـاظ و خطیبـان بایـد برنامه‌های مناسـب سیاسـت‌های اقتصـادی کشـور را تبییـن نماینـد.

بـا توجّـه بـه اینکـه مسـاجد، در اکثـر کشـورهای جهـان اسـلام، دارای محوریّـت اصلـی بـوده و در مرکـز بـازار و مرکـز اقتصادی هر شـهر، مسـجد، دارای نقـش فعّالی اسـت؛ زیـرا هنـگام نمـاز، محلّ مراجعـه بازاریان، کسـبه و اصنـاف اطراف بازار اسـت.

---

[1] - احمدی، علی‌محمّد، نقش مسجد در اقتصاد محلّه، ص۳۶۶.

[2] - ر.ک: دسـتغیب، گناهـان کبیـره، ج۱، ص۱۹۰ـ ۱۷۹؛ آل‌عمـران، آیـات۱۲۵ و ۱۲۶؛ بقـره، آیـات۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ مجلسـی، بحارالانـوار، ج۱۰۳ ص۱۱۵؛ شـیخ صـدوق، مـن لا یحضـره الفقیـه، ج۳، ص۲۷۴.

امـام جماعـت در هر جلسـه از نماز بایـد نمازگزاران فعّـال در امور اقتصـادی را با نقل آیـات، روایـت و احادیـث، به رعایت اخلاق اسـلامی و اخـلاق اقتصادی دعـوت نماید. وی بایـد حضّـار را بـه رعایت انصاف و عـدل در معاملات و کارهای اقتصادی سـفارش نمایـد. موعظـه و سـخنرانی ائمّـه جماعت، بـر روی منابر در مسـجد، تأثیـری عمیقی در نمازگـزاران ایجـاد کـرده و آنـان از نظـر اخلاقـی به رعایت مسـائل شـرعی و انجام فعّالیّـت سـالم اقتصادی ملزم می‌شـوند.

طـلّاب و روحانیـان می‌تواننـد مـروّج مسـائلی باشـند کـه از فعّالیّت‌هـای اقتصادی کشـور حمایـت می‌کنـد. آنهـا می‌توانـد مـروّج مسـائلی باشـد کـه از فعّالیّت‌هـای اقتصـادی کشـور حمایـت می‌کنـد. موضوعـات جدید اقتصـادی که در قالب مکاسـب محرّمـه و مسـائل فقهـی می‌گنجد باید به صورت کارشناسـی شـده وارد دروس حوزه شـود. بـا مشـاهده درس‌نامـه حـوزه علمیّه و نگاهـی به فراوانی دروسـی کـه در حوزه برگـزار می‌شـود، جـای مسـائل مسـتحدثه و روز، خالی اسـت. به عنوان مثـال، طلّاب و فضـلای حـوزه بایـد در زمینـه معامـلات اینترنتی روز دنیـا، اطّلاعات لازم را کسـب و مباحـث فقهـی و شـرعی مربـوط به آنهـا را بررسـی کنند.[1]

## ۶. مسجد و سنّت وقف

وقـف، از نظـر لغـوی بـه معنی بـه حالـت ایسـتاده مانـدن و آرام گرفتن اسـت و از نظـر اصطلاحـی، بـه مفهوم نگه داشـتن و حبس کـردن عین مِلکی بر ملـک واقف آن [نـه ملـک خـدا] و مصرف کـردن منفعت آن را در راه خداوند اسـت[2] و بعضـی از فقهاء می‌گوینـد وقـف، حبـس عیـن مال بـر ملک خـدای تعالـی اسـت. در مـادّه ۵۵ قانون مدنـی ایـران، وقف، بـه معنی حبس عین مال و تسـبیل[3] برحسـب نیّت واقف اسـت.[4] در آیـات متعـدّدی از قـرآن، به مفهوم وقف اشـاره شـده اسـت. به عنـوان نمونه قرآن می‌فرمایـد: «الْمـالُ وَ الْبَنُـونَ زینَـةُ الْحَیـاهِ الدُّنْیا وَ الْباقِیـاتُ الصَّالِحاتُ خَیْـرٌ عِنْدَ رَبِّکَ

[1] – ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین، ش۱۶، بیانات آیت‌الله یزدی.
[2] – حسینی، سیّدمحمّد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص۵۵۶.
[3] – تسبیل، به مفهوم دادن چیزی در راه خیر و در راه خداوند است؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۵، ص۶۷۱۸.
[4] – دهخدا، علی‌اکبر، همان، ج۱۵، ص۲۳۲۲۶ – ۲۳۲۲۸.

ثَواباً وَ خَیْرٌ أَمَلاً؛ اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات (آثار ماندگار شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است».[1] در روایات نیز برآموزه ارزشمند وقف تأکید زیادی شده است.[2] پیامبرﷺ در حدیث مشهوری می‌فرمایند: «إِذَا مَاتَ الإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلاَّ مِنْ ثَلاَثَهِ: إِلاَّ مِنْ صَدَقَهٍ جَارِیَهٍ، أَوْ عِلْمٍ یُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ یَدْعُو لَهُ؛ وقتی انسان بمیرد، عمل او خاتمه می‌یابد، مگر در سه چیز: صدقه جاریه (وقف)، علمی که از آن استفاده شود، فرزند صالحی که برای او دعا کند».[3]

مسجد، نقش بسیار بزرگی در ترویج سنّت حسنه و عبادت بزرگ وقف و ایجاد موقوفه‌های فراوان دارد؛ موقوفه‌های فراوانی که در اطراف یا در ابنیه مساجد موجود است. از دیر باز، رسم بود که بسیاری از مساجد دارای، مغازه، گاراژ، کاروان‌سرا یا بازار... بوده‌اند و هر یک از این موقوفات، در خدمات‌دهی به فقراء، زوّار و بی‌پناهان نقش ویژه‌ای داشتند. چنان‌چه بسیاری از حوزه‌های علمیّه هم از طریق همین موقوفات اداره می‌شوند؛ مثل: حوزه علمیّه صدر اصفهان و ولیّ عصر تبریز و یا طالبیّه تبریز. امامزاده‌ها و حرم‌ها همچنین، موقوفاتی داشتند؛ مثل: موقوفات حرم امام رضاؑ و حرم حضرت معصومهؑ. از چنین مساجدی می‌توان از مسجد مقدّس جمکران در قم، مسجد امام حسن عسکریؑ در قم، مسجد طوبی در تبریز، مسجد مقبره در تبریز، مسجد امام در اصفهان و ... نام برد.

در وضعیتی که اقتصاد جامعه با روحیّات معنوی و مذهبی نیاز به سرمایه‌گذاری در امور مختلف باشد، می‌توان با اشاعه فرهنگ وقف در قالب آموزه‌های مسجدی و توسعه موقوفات دارای بازگشت سرمایه، چرخ اقتصاد تحریم شده توسّط دشمنان را فعّال نگه داشت و در را تحقّق حماسه اقتصادی، برنامه‌ریزی و فعّالیّت نمود.

---

[1] - کهف، آیه۴۶؛ همچنین ر. ک به: آل‌عمران، آیه۹۲؛ مزمل،آیه۲۰؛ بقره، آیه۱۷۷.

[2] - در کتب متعدّد حدیثی، مانند وسائل‌الشیعه، ج۲۸ و من لایحضر الفقیه و الهدایه بالخیر نوشته شیخ صدوق، المقنعه نوشته شیخ مفید، استبصار نوشته شیخ طوسی و ... بابی به نام وقف به بیان احادیث و روایات مربوط به آن پرداخته است که از بیان آدرس دقیق‌ترهمه آنها به هدف اختصار خودداری شده است.

[3] - پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، ص۲۰۰، ح۲۳۹؛ مجلسی، وسایل‌الشیعه، ج۱۳، ص۲۹۲.

## ۷. مسجد، جایگاهی برای انواع انفاق

انفـاق، از ریشـه «نفـق» بـه معنـی نفقـه کردن، بخشـیدن، احسـان کردن و بخشـش کـردن اسـت.[۱] انفـاق، صـرف کـردن مـال در مصـارف نیکوکارانـه اسـت کـه اغلـب مفسّـران، ایـن عمـل را از نظـر توزیـع ثـروت و کاهـش محرومیّت‌های اقتصـادی نگاه می‌کننـد.[۲] از نظـر اصطلاحـی، انفـاق در کاربـرد رایـج قـرآن کریـم و متـون دینی، به اعطـای مـال یـا جـان و جسـم در راه خدا به فقیـران و نیازمندان گفته می‌شـود که به حکـم آیـات «الَّذینَ یُنْفِقُـونَ أَمْوالَهُـم...»[۳] و «أَنْفِقُوا خَیْراً لِأَنْفُسِـکُمْ...»[۴] انجام می‌شـود و بـه عنـوان کمال بذل اسـت.[۵] «نفق» بـه همراه مشـتقّات آن بیش از ۷۰ بـار در قرآن بـا واژگان و تعابیـر مختلفی آمده اسـت.[۶]

انفاق‌هـا را از منظـر آیـات قـرآن کریـم می‌تـوان از چنـد نظـر دسـته‌بندی کـرد.[۷] ماننـد: انفاق‌هـای واجـب،[۸] انفاق‌هـای مسـتحب،[۹] انفاق‌هـای حـرام.[۱۰]

در آیـات قرآن، سـفارش زیادی به انفاق شـده اسـت و برای این کار بـا ارائه مَثل‌هایی، پـاداش و اجـر معنـوی زیـادی مطـرح شـده اسـت. قـرآن می‌فرمایـد: «وَ مَثَـلُ الَّذینَ یُنْفِقُـونَ أَمْوالَهُـمُ ابْتِغـاءَ مَرْضـاتِ اللهِ وَ تَثْبیتـاً مِـنْ أَنْفُسِـهِمْ کَمَثَـلِ جَنَّهٍ بِرَبْـوَهٍ أَصابَها وابِـلٌ فَآتَـتْ أُکُلَهـا ضِعْفَیْـنِ فَـإِنْ لَـمْ یُصِبْهـا وابِـلٌ فَطَـلٌّ وَ اللهُ بِمـا تَعْمَلُـونَ بَصیـر؛ و مَثَـل [صدقـات] کسـانی کـه امـوال خویش را بـرای طلب خشـنودی خدا و اسـتواری روحشـان انفـاق می‌کننـد، همچـون مَثَـلِ باغی اسـت کـه بر فراز پشـته‌ای قـرار دارد [کـه اگـر] رگبـاری بـر آن برسـد، دو چنـدان محصـول بـرآورد و اگـر رگبـاری هم بر آن نرسـد، بـارانِ ریـزی [بـرای آن بـس اسـت] و خداونـد بـه آنچـه انجـام می‌دهید،

---

[۱] - نحـوی سـیّدمحمّد، فرهنـگ واژه‌هـای عربـی، ص۴۱۰؛ همچنیـن ببینیـد: لسـان‌العرب، ج۱۴، ص۲۴۲؛ القامـوس المحیـط، ج۲، ص۱۲۲۷؛ مقاییس‌اللغـه، ج۵، ص۴۵۴.

[۲] - مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، چ ۱، تهران، سال ۱۳۸۰، ج۱۰، ص۳۹۵.

[۳] - بقره، آیه۲۶۱.

[۴] - تغابن، آیه۱۶.

[۵] - سجادی سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج۱، ص۳۲۳.

[۶] - بقـره، آیـه۲۶۳؛ بقـره، آیه۲۶۴؛ توبـه، آیـه۷۱؛ بقـره، آیـه ۲۷۱؛ همچنیـن ر. ک بـه: مائـده، آیـات۸ و ۵۵ و ۹۵؛ نـور، آیـه۲۲؛ توبـه، آیـه۴۱؛ بقـره، آیـات ۲۴۵ و ۱۷۷ و ۴۳؛ حدیـد، آیـات۱۱ و ۱۸؛ بلـد، آیـه۱۴؛ انسـان، آیـه۸؛ نسـاء، آیـه۸.

[۷] - ابراهیـم، آیـه۳۱، رعـد، آیـه۲۲. نحـل، آیـه۷۵، فاطـر، آیـه۲۹؛ همچنیـن ر.ک: الشـیخ الطبرسـی، تفسـیر مجمع‌البیـان (عربـی)، ج۲، ص۶۶۰.

[۸] - مائده، آیه۸۹؛ نساء، آیه۹۲؛ حدید، آیه۱۵؛ بقره، آیات۲۳۳ و۱۸۴و ۱۹۵

[۹] - بقره، آیات۲۴۵ و۳ و۲۷۰؛ همچنین ببینید: کرمی علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ص۸۷۳ و۸۷۴.

[۱۰] - انفال، آیه۳۶؛ نک به: کرمی علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ج۵، ص۳۷۵.

بیناست».[1]

با توجّه به مفهوم گسترده انفاق، در شرایط ریاضت‌های اقتصادی، یکی از آموزه‌هایی که می‌تواند در خصوص رفع نیازهای طبقات متوسّط و پایین جامعه اثربخش باشد، انفاق و انواع انفاق است. توجّه به انواع انفاق، در قالب فعّالیّت‌های مسجدی می‌تواند موجب جلوگیری از توقّف ثروت نزد ثروتمندان شود و چرخه توزیع منابع اقتصادی با جریان منابع از طرف ثروتمندان به نفع نیازمندان عادلانه‌تر گردد. این امر، حرکتی به سمت حماسه اقتصادی محسوب می‌شود.

## ۸. مسجد و عبادت صدقات

از کارکردهای اقتصادی غیرمستقیم مساجد، پرداختن به سنّت حسنه صدقه است. وجود صندوق‌های صدقات در اطراف مسجد، در داخل مسجد، جمع‌آوری مستقیم صدقه برای نیازمندان... به همین منظور است. این کار نیک، یکی از کارهای روزمره مسلمانان مؤمن است. در آموزه‌های اسلامی به صدقه سفارش زیادی شده است که به عنوان نمونه برخی موارد به شرح زیر بیان می‌شود:

الف) پیامبر ﷺ فرمودند: «خَیْرُ مالِ الْمَرْءِ وَ ذَخائِرُهُ الصَّدَقَهُ؛ بهترین ثروت و اندوخته انسان، صدقه است».[2]

ب) امام باقر ؑ فرمودند: «البِرّ و صَدقَهُ السِّرِّ یَنفِیانِ الفَقرَ وَ...؛ نیکوکاری و صدقه پنهانی، فقر را می‌زدانید و ...».[3]

فعّالان فرهنگی مساجد و مبلّغان محترم، باید در مساجد با تبلیغ در مورد پرداخت صدقه و تفسیر برخی از آیات مربوط به صدقات، در تجدید و احیای آن بیش از پیش تلاش کنند. هرچند مؤمنان نیز از عمق جان دریافته‌اند که این صدقه‌های کم، ولی با ارزش آنان گره‌های بزرگی از زندگی مردم را می‌گشاید و یک گنجینه عظیمی برای آخرت آنها است.

---

[1] - بقره، آیه۲۶۵؛ ر. ک به: بقره، آیات۳ و ۱۵۹ و۲۷۴ و۲۶۱و۲۶۷؛ تغابن، آیه۱۶؛ انفال، آیه۳؛ حدید، آیه۱۰؛ آل‌عمران آیات۱۷ و۱۳۴ و ... .

[2] - العاملی الحرّ، وسائل‌الشیعه، ج۶، ص۲۵۸.

[3] - مجلسی، بحارالانوار، ج۷۱، ص۸۱؛ برای مطالعه احادیث بیشتر ر. ک به: وسائل‌الشّیعه، ج۶، ص۲۵۸ و ج۱۳، ص۳۵۸؛ میزان الحکمه، ج۵، ص۳۲۶.

در بحران‌های اقتصادی، همیشه طبقه‌ای از مردم، بیشتر در معرض آسیب اقتصادی هستند. این گروه از نیازمندان که فاصله زیادی از طبقات دیگر اقتصادی دارند، چشم امیدشان به بی‌نیازان است. این حسّ نوع‌دوستی، فرهنگ زمینه‌ای تحقّق حماسه اقتصادی را، در قالب کاهش شکاف طبقاتی و احساس همدردی طبقات بالاتر و تجلّی عدالت اجتماعی تسهیل خواهد کرد.

## ۹. آموزش کاربردی کسب روزی حلال در مساجد

یکی از نیازهای فردی هر انسان، توجّه به معاش خود و زیردستان است. کسب روزی حلال، یکی از دغدغه‌های مهم هر مؤمن و هر فرد موحّد است. هر فرد، برای امرار معاش خود، ناگزیر است تا کسب و کار یا حرفه‌ای برای خود ایجاد کند. افراد، با راه‌اندازی یک منبع ایجاد درآمد به صورت حقیقی یا حقوقی، هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کنند. بنابراین، همه مسلمانان بدون توجّه به نوع شغل و مهارت و تخصّص خود، باید از احکام اسلامی در مورد نحوه انجام معاملات و عقود مختلف و خرید و فروش و ... آگاهی داشته باشند. مراجع تقلید نیز، دانستن مسائلی که افراد به‌طور معمول، با آنها سر و کار دارند را لازم دانسته‌اند.[۱] در آموزه‌های اسلامی نیز به کسب روزی حلال و تلاش و کوشش تأکید زیادی شده است؛ تا جایی که در قرآن‌کریم بیش از ۵۵۰ آیه، در قالب‌ها و چهره‌های گوناگون درباره کار و تلاش و سخت‌کوشی و سازندگی آمده است.[۲] کار و تلاش و کسب حلال و ارتزاق از کدّ یمین و عرق جبین در آینه روایات، بهترین عبادات، تربیت‌کننده و کمال‌بخش انسان، شمرده شده است. در ادامه، به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «اَلْعِبادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً اَفْضَلُها طَلَبُ الْحَلالِ؛ عبادت، هفتاد جزء است که بهترین آن، دنبال روزی حلال رفتن است (کسب و کار، برای به دست آوردن روزی حلال)».[۳]

---

۱ – ر. ک به: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسایل، م۱۲، ص۲۱.
۲ – عبد الباقی، محمّد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، ذیل واژه‌های «عمل»، «سعی» و «فعل».
۳ – مجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۷، ح۲۵ و ۲۹ و ص۹، خ۳۶؛ العاملی الحر، وسائل‌الشیعه، ج۱۲، ص۱۱.

۲. همچنیـن فرمودنـد: «مَـن أکَلَ مِن کَدِّ یـدِهِ نظرَاللهُ إلیـه بالرّحمهِ ثُـمَّ لا یعَذِّبُهُ اَبداً؛ هـر کـس از دسـترنج خـود بخـورد، خداونـد بـه وی نـگاه محبّت‌آمیز خواهـد افکند و آنـگاه هرگـز او را عـذاب نخواهد کرد».[۱]

۳. آن حضـرت، دربـاره کسـب روزی حـلال و پاکیزه فرمودنـد: «طَلَبُ الْحَـلالِ فَریضَةٌ عَلـی کُلِّ مُسْـلِمٍ و مُسْـلِمَه؛ کار و تلاش عادلانه و انسـانی، برای تأمیـن هزینه زندگی، بـر هر مرد و زن مسـلمان لازم اسـت».[۲]

۴. در روایتـی دیگـر فرمودنـد: «أَطْیَبُ الْکَسْـب عَمَلُ الرَّجُلِ بِیَـدِهِ؛ بهترین و پاک‌ترین کسـب‌ها آن اسـت که انسـان با دسـت خود، کار کند».[۳]

از طـرف دیگـر، می‌دانیـم کـه یکـی از مهم‌تریـن کارکردهـای مسـجد، کارکـرد آموزشـی اسـت. پیامبـرﷺ و ائمّـه معصومـان‌ﷺ بـرای حفـظ جنبه‌هـای آموزشـی مسـجد، تلاش‌هـای ارزنـده‌ای انجام دادنـد. پیش از پیدایش مدرسـه، مسـاجد، یگانه مرکـز مهـم آموزشـی ـ فرهنگـی در جهـان اسـلام بوده‌اند. پـس از آن نیز، مدرسـه در دامـان مسـجد بنـا می‌شـد. از همیـن رو، در بیشـتر کتاب‌هایـی کـه دربـاره مسـجد بـه نـگارش در می‌آمـد، از مدرسـه بسـیار سـخن گفته می‌شـد کـه سـبب آن ارتباط نزدیک مسـجد و مدرسـه اسـت.[۴] همه این مطالب به کارکرد آموزشـی مسـجد دلالت دارد. مسـجد، ابزارهـا و موقعیّت‌هایـی را در اختیـار دارد کـه بـه کمـک آن می‌توان به آمـوزش و افزایـش شـناخت دینـی نمازگـزاران پرداخت.

مسـجد مکانـی اسـت کـه مسـلمانان برای برپایـی فرائـض الهی و مجالـس مذهبی در آن حاضـر می‌شـوند و ایـن فرصت مناسـبی اسـت تا معـارف و احکام دین منتشـر شـود. بنابرایـن، مسـجد مهم‌تریـن مـکان بـرای آمـوزش معامـلات اسـلامی اسـت تا آموزه‌هـای اقتصـاد مقاومتـی و اسـلوب جهـاد اقتصـادی مـورد توجّـه مؤمنـان قـرار گیـرد و بـه کل جامعـه اسـلامی تسـرّی یابد.

---

۱ – نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۱۳، ص۲۴.
۲ – ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص۴۸۹.
۳ – پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، حدیث ۳۳۲.
۴ – برای مطالعه بیشتر ر. ک به: شبلی احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص۸۹ به بعد.

### ۱۰. نقش مسجد در هدایت ثُلث اموال مردم

روشن است که با رحلت اشخاص حقیقی، مالکیّت آنها زایل شده، شخص فقط مالک ثُلث اموال خویش است و فقط می‌تواند در مورد یک سوّم اموال خود، وصایایی داشته باشد.[۱] افرادی که در مساجد حاضر می‌شوند، بارها و بارها تحت تعالیم علماء و خطبای مساجد در رابطه با ثّلث اموالشان توصیه‌هایی را شنیده، تصمیماتی برای ثلث امواتشان و مصرف صحیح و عبادی آن اخذ کرده‌اند. در واقع، می‌توان گفت که مسجد، نقش ویژه‌ای در هدایت ثُلث اموال و مصرف صحیح آنها، در راستای عبادت و انجام امور خدا پسندانه دارد و این یک حرکت زیبای عبادی و اقتصادی است. در این مورد می‌توان با سیاست‌گذاری مناسب، در قالب رفتارهای اقتصاد مقاومتی، به سمت خلق حماسه اقتصادی گام برداشت. در ادامه برخی راهکارهایی کاربردی در این خصوص مطرح می‌شوند:

۱. حضور امام جماعت مسجد یا برخی متولّیان فرهنگی آگاه به مسائل در منازل افراد، بر اساس درخواست آنها و تنظیم وصیّت‌نامه‌ها در راستای هزینه کردن ثلث اموال در مسیر عبودیّت و ارائه ارشادات و راهنمائی‌های لازم؛

۲. تبلیغ و ایراد خطابه در مساجد، توسّط ائمّه جماعات و سایر متولّیان فرهنگی مساجد، در خصوص نحوه مصرف ثلث مال اموات، با در نظر گرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ... ؛

۳. برنامه‌ریزی جامع در خصوص هزینه و مصرف بهینه ثلث اموال تحویلی به خود مسجد (طبق وصیّت متوفّی) و اقدام به حرکت‌های عبادی، مانند صندوق قرض‌الحسنه مسجد، اطعام فقرا در مسجد، تهیه تجهیزات مساجد و هرگونه احسان در این خصوص؛

۴. قبول مسئولیّت وصایت افراد توسّط خود مسجد و امام جماعت یا برخی متولّیان فرهنگی مساجد و مدیریت بهینه مصرف ثلث اموال متوفّیان.

---

[۱] - موسوی خمینی روح الله، رساله توضیح المسائل، احکام وصیت، ص۳۳۳-۳۲۹، م۲۷۰۳- ۲۷۳۶.

## » نتیجه‌گیری

بـر اسـاس مطالـب بیـان شـده، می‌تـوان گفـت کـه مسـاجد جایـگاه مؤثّـری در حماسـه اقتصـادی بر مبنـای بهره‌گیری از آموزه‌هـای اقتصاد اسـلامی و اصول اقتصاد مقاومتـی دارنـد. تبییـن و اصـلاح شـیوه‌های الگـوی مصـرف، بـرای نیـل بـه اقتصـاد اسـلامی، بسترسـازی فرهنگـی بـرای جهاد اقتصـادی، ارتقـاء کمّی و کیفـی تولیدات بـا آمـوزش نحـوه رعایـت حـلال و حـرام در کسـب و کار و ترویـج کسـب و کارهـای اسـلامی در رسـیدن بـه یـک اقتصاد مقاوم نقش بسـیار مهمّـی دارند. بنابرایـن، توجّه بـه مرکزیّـت مسـجد در سـازمان‌دهی نگرش‌های اسـلامی در بازاریـان و همه مؤمنان و تبییـن آموزه‌هـای اقتصـادی مسـجدی بـا بهره‌گیـری از رسـانه فراگیـر منبـر و بـه عنـوان مهم‌تریـن رسـانه اثرگـذار در اقتصـاد خرد و کلان، بسـترهای نیل به حماسـه اقتصـادی را مهیّـا می‌کنـد. امامـان جماعـت و مسـئولان و متولّیـان فرهنگـی مرتبط بـا مسـاجد بایـد بـا تـلاش و خلاقیـت همه‌جانبـه خود بـه نهادینـه کـردن آموزه‌های مسـجدی، ماننـد قرض‌الحسـنه، انفـاق و صدقـه و خمـس و زکات، ثلـث امـوات و سـنّت وقـف و ... اقـدام نماینـد. این امر، موجب هموارسـازی مسـیر حرکت حماسـی و تسـهیل در نیـل بـه حماسـه اقتصـادی و سیاسـی می‌شـود. بدیـن ترتیب، مسـجد بـا کارکردهـای متنـوّع اقتصـادی خـود، مهم‌تریـن نقـش را در تبیین مفهـوم و اصول اقتصـاد مقاومتـی و درونی‌سـازی آن بـرای دسـت‌یابی به حماسـه اقتصـادی دارد. در همیـن راسـتا، همـه سـازمان‌های فرهنگـی و متولّیـان مدیریـت امور مسـاجد باید به نقش‌هـای مسـجد در عملیاتی‌سـازی شـعار امسـال عنایـت لازم را داشـته باشـند.

## » منابع و مآخذ:

### » الف) فارسی


» قرآن کریم، ترجمه: فولادوند محمّدمهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۹.

» قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، قم، اسوه، چاپ اوّل، ۱۳۸۷.

» ابن بابویه، محمّدبن‌علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، متوفّای ۳۸۲ هـ ق، چاپ ۴ جلدی، چاپ قدیم، بی‌تا، بی‌نا، سال ۱۴۰۴ق.

» ـــــــــــــــــــــــــــ ثواب‌الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات رضی، چاپ دوّم، ۱۳۶۸هـ.ش.

» ابن‌شعبه حرّانی، محمّدحسن‌بن‌علی، تحف العقول عن آل الرّسول، الطبعه الخامسه، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۴ هـق.

» ابن‌منظور محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، دارالفکر، دار صار، بیروت. چاپ اوّل،۱۴۱۰ق.

» احمدی، علی‌محمّد، نقش مسجد در اقتصاد محلّه، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چکیده مقالات همایش توسعه محلّه‌ای، تهران، ۱۳۸۳.

» اسحاقی، سیّدحسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، مرکز نشر هاجر، وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه خواهران، چاپ سوّم، زمستان ۱۳۹۰.

» الطبرسی، الفضل‌بن‌الحسن (شیخ طبرسی)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه کرمی علی، انتشارات فراهانی، ج۳،ج۵، پاییز ۱۳۷۹ .

» المقریزی، تقی‌الدین احمد، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الاثار (الخطط)، مکتبه الاحیاء العلوم، لبنان، بی‌تا، ج۲، ۱۴۱۸ق/ ۱۳۷۷ش.

» انصاری، محمّدجعفر، دیرباز، عسگر، کرمی، محمّدمهدی، کرمی محمّدحسین، درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، پژوهشگاه حوزه و انشگاه و انتشارات سمت، چاپ اوّل، ۱۳۷۸.

» آمدی عبدالواحدبن‌محمّد، تصنیف غررالکلم و دررالکلم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکزالنّشر، به تحقیق: درایتی مصطفی، قسم الخامس، ۱۳۶۶.

» بخاری، ابوعبدالله بخاری، صحیح بخاری، (م ۲۵۶ هـ ق)، طبع مصر، سال ۱۳۳۰ هـ ق.

» بگ، دیوید، فیشر، استانلی، دورنبوش، رودیگر، علم اقتصاد، ترجمه تیزهوش، محمّدحسین، انتشارات جنگل، ج ۱ و ۲، سال ۱۳۸۵.

» پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، چ۴، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۳ش.

» پل، ساموئلسون، اقتصاد، ترجمه حسین پیرنیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، جلد اوّل، ۱۳۴۳.

» جابری عربلو محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، امیر کبیر، تهران ۱۳۶۲.

» جهانگیری سهروردی یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، مقاله چاپ نشده و در حال بررسی توسّط مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، ۱۳۹۲.

» چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم اندازی اسلامی، ترجمه شعبانی احمد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اوّل، ۱۳۸۵.

» حرّ العاملی، محمّدحسن، وسائل‌الشیعه، مؤسّسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، انتشارات مهر، چاپ دوّم، ج۶، ج۱۲، ج۱۳، ج۲۸، ۱۴۱۴هـق.

» حسینی سیّدمحمّد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، سروش، تهران، چاپ سوّم، سال ۱۳۸۹.

» خیرخواهان، جعفر، بلای منابع و اثر آزمندی، نامه مفید، ش ۳۸، سال نهم، مهر و آبان ۱۳۸۲.

» دادگر، یدالله، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، پاییز ۱۳۸۰.

» دستغیب شیرازی، سیّدعبدالحسین، گناهان کبیره، مجموعه دو جلدی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۴ هـ.ش.
» دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسّسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
» دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، جمعی از محقّقین مرکز.
» دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مؤسّسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوّم، ۱۳۷۷.
» ری شهری، محمّد محمّدی، میزان الحکمه،۱۰جلدی، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، ج۱، ج۲، ج۵، ۱۳۷۲ش.
» زاکس، ولفگانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۷.
» سالواتوره، دومینیک، تئوری و مسایل اقتصاد خرد، ترجمه: حسن سبحانی، نشر نی، سال.۱۳۷۷
» ساموئلسن پل، هاوس ویلیلام نورد، اقتصاد، ترجمه علی‌رضا نوروزی و محمّد ابراهیمیان جهاندوست، ناشر مترجمان، چ اوّل، ج۱، سال ۱۳۷۳.
» سجّادی سیّدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مترجمان و مؤلّفان ایران، اسفند ۱۳۶۲.
» شبلی احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه ساکت محمّدحسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ هـ.ش، پیوست ۲ (نقدی بر کتاب تاریخ آموزش در اسلام) از مصطفی جواد.
» شریفی، محمود، چهل حدیث خمس و زکات، قم، نشر معروف،۱۳۷۷ هـ.ش.
» ـــــــــــ چهل حدیث قرض‌الحسنه، نشر معروف، قم، ۱۳۸۱ ش.
» ضیاءآبادی، سیّدمحمّد، موعظه راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان، نشر مؤسّسه نبا، تهران، ۱۳۷۰ ش.
» طباطبایی قمی، تقی، الغایه القصوی فی تعلیق علی العروه الوثقی، کتاب الخمس محقّق: یزدی، محمّدکاظم‌بن عبدالعظیم، انتشارات محلّاتی، قم، ۱۴۱۷ ق.
» طباطبایی محمّدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی محمّدباقر، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم)، قم، ج ۶، سال ۱۳۷۴.
» طه، الولی، المسجد فی الاسلام، دار العلم للملابین، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
» عبدالباقی، محمّدفؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، نوید اسلام، قم، چ۳، ۱۳۸۴.
» علی‌اکبری، حسن، نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، ۷ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت راسخون به آدرس: http://rasekhoon.net/article
» ـــــــــــ نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، تنظیم و ویرایش نهایی سایت حرف آخر، قابل دسترس در آدرس:http://harfeakhar.com/article
» علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه متّقی‌نژاد محمّد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوّم، پاییز ۱۳۸۴.
» عمید حسن، فرهنگ عمید، انتشارات اشجع، چ دوّم، ج۱، زمستان ۱۳۹۰.
» فخرالدّین رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج۱۶، ۱۴۱۱ق.
» فیروزآبادی، نجم‌الدّین محمّدبن‌یعقوب، القاموس المحیط، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵هـ.ق.
» قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج۲، سال ۱۳۷۸.
» کائوتری، هوئین و دیگران، مشارکت در توسعه، ترجمه: هادی غبرائی و داوود طبایی، تهران، انتشارات روش، ۱۳۷۹.
» لابی‌الحسین، احمدبن فارس بن زکریا، مقاییس‌اللّغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ج۵، سال ۱۳۶۱.

» لویس معلوف، المنجد فی اللغه والاعلام، البطع السادسه و العشرون، دارالشرق، بیروت، ۱۹۸۶م/۱۳۶۵.
» متقی هندی، کنزالعمال، تصحیح: صفوه سقا، چاپ اوّل، مکتبه التراث الاسلام، بیروت، ۱۳۹۷ هـ ق
» مجلسی، علاّمه محمّدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامیّه، ج ۷۷ و ۱۰۳و ۷۱ و۴۳، سال ۱۳۶۲.
» محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد، انتشارات خجسته، چاپ ۲۵، سال ۱۳۸۵
» مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، چ ۱، تهران، سال ۱۳۸۰.
» مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، شهریور ۹۱.
» مشکینی اردبیلی، علی‌اکبر، بحثی پیرامون خمس تحقیقی و استدلالی، انتشارات یاسر، ۱۳۵۹.
» مصاحبه دکتر فرهاد رهبر، اقتصاددان و رئیس دانشگاه تهران در گفتگو با فارس، قابل دسترس در:www.bultennews.com/fa/news
» مک آیور، م، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
» مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی‌بن‌ابیطالب﵇، چ۳۱، سال۱۳۸۹.
» موسوی‌الخمینی، سیّدروح الله، رساله توضیح المسائل، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ هـ‌ش.
» نجفی، محمّدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: قوچانی عبّاس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج۱۵، سال۱۳۶۲.
» نحوی سیّدمحمّد، فرهنگ واژه‌های عربی، انتشارات اسلامی، تهران، چ۱، سال ۱۳۸۶.
» نوری، حاج میرزا حسین (محدّث نوری، م۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، مؤسّسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، چ ۶ و۱، ۱۴۰۸ق.
» نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، مجموعه سه‌جلدی، نشر مؤسّسه تحقیقاتی حضرت ولیّ عصر﵇، قم، چاپ سوّم، ۱۳۸۶ ش.
» ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، شماره‌های ۱۶ و ۱۷، مربوط به محرّم ۱۴۳۴ هـ ق و رمضان ۱۴۳۴ هـ ق.
» هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، انتشارات خانه خرد، ۱۳۸۷.

## » ب) منابع انگلیسی

» R.A.Musgrave & P.B Musgrave, Public Finance In theory and Practice, Mcgrawhill, 1989,pp 11-13
» Iran's Economy & the US Sanctions,Middle East Journal, Vol 50,No2,Spring,1997.
» Ernest, H, Preeg, Feeling Good or Doing Good With Sanctions: Unilateral Economic Sanctions and International Studies Press,1997
» Gouger, j. Daniel and Robert W. Knap; (1974), system analysis techinque, New York, John Wiley and sons, p:39.
» Amuzegar Jahangir, Managing the Oil wealth windfalls and Pitfalls, London: IB Tauris, 1999.
» Ernest, H, Preeg, Feeling Good or Doing Good With Sanctions: Unilateral Economic Sanctions and International Studies Press,1997

# بررسی نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی (۲)

حسین اسلام‌پور و بتول احمدنژاد


## » چکیده

این نوشتار، در صدد تبیین کارکردهای اقتصادی مسجد و نقش آن در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی است. نگارنده، پس از بحث در مورد واژگان کلیدی و مفاهیمِ پیرامون موضوع و اشاره‌ای کوتاه به فلسفه نام‌گذاری سال ۱۳۹۲، به عنوان سال حماسه اقتصادی، ضمن تعریف اقتصاد مسجدی، برخی از آموزه‌های مسجدی و مفاهیم پایه‌ای اقتصادِ مسجدمحور، مانند خودباوری و استقلال، عزّت اسلامی، استقامت و مقاومت را تشریح نمود. سپس نگارنده، آموزه‌های فراگیر و ارزشمند مسجدی ـ اقتصادی را با رویکرد بازارمحور تشریح کرد که این آموزه‌ها عبارت‌اند از: اهمّیت تعامل دوجانبه مساجد و بازارها، تنظیم و هدایت بازار در راستای معاملات اسلامی، نکوهش احتکار، مذمّت گران‌فروشی و کم‌فروشی، دوری از معاملات ربوی، کسب حلال در بازار و دوری از حرام‌خواری، جلوگیری از

تولیـدات مضـرّ و نکوهـش آنهـا. نگارنده در ادامه بـا بهره‌گیری از آموزه‌های مسـجدی و بـه کمـک آیـات و روایـات اسـلامی، در دو مقوله کلّـیِ پرداخت‌های واجب اسـلامی و پرداخت‌هـای اختیـاری (مسـتحب) مسـلمانان، بـه کارکردهـا و جلوه‌نمائی‌هـای مسـاجد در اقتصـاد اسـلامی پرداختـه و جزئیّاتـی را در سـازمان‌دهی و مدیریـت این کارکردهـا مطـرح کـرده اسـت. در مبحـث پرداخت‌هـای الزامـی (واجب) اسـلامی به موضـوع خمـس، زکات و زکات فطره اشـاره گردید و در مقولـه پرداخت‌های اختیاری مسـلمانان، آموزه‌هـا و سـنّت‌های گرانقـدری چـون صدقـه، انفـاق، قرض‌الحسـنه، موقوفـات، ثلـث امـوات بحـث و بررسـی شـد و در هـر مبحـث، پیشـنهادات لازم ارائه گردیـد. نگارنـده در پایـان، بـه ایـن نتیجه رسـید کـه مـدل اقتصادی مسـجدمحور یا الگـوی اقتصـادی مسـجدگرا، زیربنـای توسـعه اقتصـادی در جوامـع اسـلامی اسـت و بـرای تحقّـق حماسه‌سـازی در اقتصـاد بایـد بـه تشـریح ابعـاد اقتصـاد مسـجدی پرداخـت و آموزه‌هـای آن را در جوامـع اسـلامی بـه طـور عمیـق، نهادینـه کرد.

**» واژگان کلیدی:**

مسـجد، اقتصـاد، اقتصاد خـرد، اقتصاد کلان، حماسـه، حماسـه اقتصـادی، اقتصاد اسـلامی (اقتصـاد مسـجدگرا)، آموزه‌های اقتصادمسـجدی.

## سؤالات تحقیق

۱. منظـور از اقتصـاد مسـجدمحور چیسـت و پیش‌فرض‌هـای اقتصـاد مسـجدی یا اقتصـاد مسـجدمحور کدام‌اند؟

۲. آموزه‌هـای فراگیـر و ارزشـمند مسـجدی ـ اقتصـادی بـا رویکـرد بازارمحـور کدام‌انـد و نقـش آنهـا در حماسه‌سـازی اقتصـادی چیسـت؟

۳. نقـش مسـجد در جـذب و سـازمان‌دهی پرداخت‌هـای اختیـاری (مسـتحبّ) مسـلمانان چیسـت؟

۴. جایگاه مسجد در سازمان‌دهی پرداخت‌های الزامی (واجب) اسلامی چیست؟

## » مقدّمه

اقتصـاد، بـه مفهـوم کمیابـی اشـاره دارد. کلمـه کمیابـی، نزدیک‌ترین معنـی را به کلمـه محدودیّـت یـا اقتصـاد داراسـت کـه در مقابـل کلمـه نامحـدود یـا آزاد مطرح می‌شـود. کمیابـی منابـع، مسـئله اساسـی و محـوری هـر جامعـه اسـت. اقتصـاد، در وضعیّـت کنونـی جهانـی، حـرف اوّل را می‌زنـد و هـر کشـوری کـه از نظـر اقتصادی، قدرتمنـد باشـد، در زمینـه سیاسـی و نظامـی و ... نیـز وجهـه بین‌المللـی مناسـبی خواهـد داشـت. در بیـن مکاتـب مختلـف اقتصـادی، اقتصاد اسـلامی، مکتبـی فراگیر و منطبـق بـا نیازهـای بشـری و فطـری انسان‌هاسـت و بـا تبییـن هرچه بیشـتر آن و کاربـردی سـاختن آن، بسـیاری از مشـکلات جوامـع در سـایر زمینه‌هـا نیـز برطـرف خواهـد شـد؛ چـرا کـه هـر نـوع فعّالیّـت و اقدامـی در زمینـه توسـعه و پیشـرفت، به توسـعه اقتصادی وابسـته اسـت. مسـاجد، به عنوان نماد ارزشـمند دین اسـلام، دارای کارکردهـای متنوّعـی هسـتند. کارکردهـا و جلوه‌هـای اقتصادی مسـاجد در گذشـته بسـیار روشـن و عینی‌تـر بـوده اسـت. بـا پیدایش برخـی سـازمان‌ها و نهادهـا، برخی از ایـن کارکردهـا یـا وظایف، نامحسـوس شـده اسـت. با وجـود این، اقتصـادی که در قلـب آموزه‌هـای مسـجدی و بـا نگرش‌هـای مسـجدمحور تبیین و تشـریح می‌شـود، آسـیب‌ها و ضعف‌هـای برخـی مکاتـب اقتصـادی دیگـر را نـدارد. ابعـاد و جنبه‌هـای اقتصـاد مسـجدی، اگـر بـه روشـنی تبییـن و تشـریح شـوند، می‌تواننـد یـک مـدل جامعـی از اقتصـاد اسـلامی مسـجدمحور به دسـت دهنـد. اقتصاد مسـجدمحور با آن همـه آموزه‌هایـی کـه در قالب‌هـای فـردی و جمعـی ارائـه می‌کنـد، مهم‌تریـن عامل حماسه‌سـازی در اقتصـاد اسـت و رهبـر معظـم نیز بـا بهره‌گیری از الهامـات توحیدی و الگوهـای مسـجدی، بـه نام‌گـذاری سـال ۱۳۹۲ اقدام فرموده اسـت. در این نوشـتار نگارنـده، از رویکـرد قرآنـی و روایـی بـه تبییـن نقش‌های مسـجد در اقتصاد اسـلامی و حماسـه اقتصـادی پرداختـه اسـت و بـا تأکید بر بـازار، به عنـوان نمـودِ اقتصاد خرد و کلان، اهمّیـت آموزه‌هـای مسـجدی را در تعالـی اقتصـاد و خلـق حماسـه در مقوله اقتصـاد تبییـن کرده اسـت. بـرای آغاز بحـث، ابتـدا واژگان کلیدی مورد بررسـی قرار می‌گیـرد.

## » بررسی واژگان و مفاهیم کلیدی

### مسجد

مسجد، در اصل اسم مکان از فعل «سَجَدَ، یسجُدُ» و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «المَسجِدُ موضِعُ الصّلاهِ اعتباراً بالسّجود؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد، مسجد نامیده شد».[1] سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کُرنِش عبد، در برابر پروردگار متعال است. از این‌رو، اسم آن را مسجِد گذاشته‌اند.[2]

مسجد، به معنی محلّ سجده، برگرفته از سجود، به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن در پیشگاه خداوند متعال است. در فرهنگ دینی «سجده»، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست و در روایات چنین آمده است: «السجودُ منتهیَ العبادهِ مِن بَنی آدم».[3]

در اصطلاح شرعی، مسجد مکانی است که به منظور برپایی نماز، برای عموم مسلمانان وقف شده باشد. مرحوم شیخ محمّدحسن نجفی، در «جواهرالکلام» می‌نویسد: «و المُرادُ بالمَسجد شرعاً المکانُ المَوقوفُ علی کافه المُسلمین للصّلاه».[4]

در برخی از آیات قرآن[5]، از مسجد به «بیت الله» و «خانه خدا» هم یاد شده است. گرچه «خانه خدا» گفتن، در عرف مردم، کمتر از «مسجد» گفتن است و بیشتر مردم، این مکان مقدّس را مسجد، خطاب می‌کنند، نه خانه خدا؛ امّا خانه خدا گفتن، هم دارای نکات و لطافت ظریف و دقیقی است و در برخی از روایات هم تصریح به «بیت الله» شده است.[6]

---

[1]. مفردات الفاظ القرآن، ص۲۷۱.
[2]. ر.ک: فرهنگ مسجد.
[3]. مجلسی، بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۶۴.
[4]. جواهرالکلام، ج۱۴، ص۶۱.
[5]. نور، آیه۳۶.
[6]. وسایل الشیعه، ج۱، ص۲۶۸، باب۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵؛ همان منبع، ج۳، ص۵۵۷، باب۷۰ از احکام مسجد، روایت۱.

قـرآن کریـم، کعبـه را کـه برتریـن خانـه خداسـت در زمیـن، خانـه‌ای برای مـردم به شـمار آورده اسـت و می‌فرمایـد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًی لِّلْعَالَمِينَ؛ در حقیقـت، نخسـتین خانـه‌ای کـه برای مـردم و نیایش خـدا مقرّر شـده، همـان اسـت که در سـرزمین مکّه اسـت کـه پر برکـت و مایه هدایـت جهانیان است».[1]

در حقیقـت، برتریـن و اصیل‌تریـن محـلّ بـرای عبـادت و تقـربّ جسـتن بـه خداوند متعـال، مسـجد اسـت. مسـجد، جایـگاه عبـادت و پرسـتش خالصانـه خداوند اسـت.[2] مسـجد، جایـگاه زمزمـه و نجـوای صادقانـه بـا معبـود اسـت. قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «وَ اَقیمُـوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْـجِدٍ وَّ ادْعُوهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ».[3] مسـجد، پایـگاه عـروج انسـان از خـاک به افلاک اسـت؛ همچنان کـه قرآن کریم در مورد سـیر پیامبـر اکـرمﷺ از زمیـن بـه سـدره المنتهـی در شـب معـراج می‌فرمایـد: «سُـبْحَانَ الَّـذی أَسْـرَی بِعَبْـدِهِ لَيْـلًا مِنَ الْمَسْـجِدِ الْحَرَامِ إِلَـی الْمَسْـجِدِ الْأَقْصَی».[4]

مسـجد، بـه معنـای سـجده‌گاه و مـکان سـجده اسـت. واژه مسـجد در لغـت، بـه معنـای «جایـگاه سـجده و محـلّ عبـادت اسـت کـه در فارسـی بـه آن «مزگـت» هم گفته شـده اسـت».[5]

مسـجد، در اصطـلاح عرفـی عبارت اسـت از مکانی که خـاصّ عبادت برای مسـلمانان اسـت؛ ولـی در قـرآن کریـم، مسـجد به معابـد اهل کتاب نیز اطلاق شـده اسـت؛ آنجا کـه می‌فرمایـد: «قـالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلـی أَمْرِهِـمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْـجِداً».[6]

---

[1] . آل‌عمران، آیه۹۶.
[2] . جن، آیه۱۸.
[3] . حجّ، آیه۴.
[4] .اسراء، آیه۱.
[5] - نویسـنده مسـئول؛ دانش‌آموختـه فوق‌لیسـانس رشـته مدیریـت دولتـی (تشـکیلات و روش‌هـا) و دانشـجوی کارشناسـی ارشـد الهیّـات و معـارف اسـلامی (علـوم قرآنـی و حدیث).

[6] - از فعّـالان و خادمـان اجرایـی و فرهنگـی مسـجد و دارای سـوابق همـکاری در تحقیقـات مسـجدمحور در مقوله‌هـای زنـان و مسـاجد.

## اقتصاد

اقتصـاد را در لغت‌نامه‌هـا، بـه میانه راه رفتن، میانجی نگه‌داشـتن، قصـد، میانه‌روی در هـر کاری معنـا کرده‌انـد.[1] واژه «اقتصـاد» (Economics) از دو کلمـه یونانـی «اویکـوس» (Oikos) بـه معنـای «خانـه» و «نمیـن» (Nemin) بـه معنـای «اداره کـردن» تشـکیل شـده اسـت؛ ایـن واژه بـه معنـای لغـوی «تدبیـر منـزل» یـا «اداره کـردن خانـه» اسـت.[2] اقتصاد، از ریشـه «قصـد» و به معنـای «اعتـدال و میانه‌روی» و «اسـتقامت در راه»، اسـت.[3] اقتصـاد از مـادّه قصـد اسـت و قصـد به معنـای عدل، ضدّ افـراط، در هزینه‌هـا میانگیـن رفتـار کـردن (نـه اسـراف و نـه تقتیـر)، اعتمـاد کردن، راسـت بودن راه، آهنگ نمودن، به حدّ وسـط راضی شـدن، مسـتوی راه رفتن، نیکی کـردن، واضـح بیـان کردن اسـت.[4]

## علم اقتصاد

علـم اقتصـاد، عبارت اسـت از مجموع وسـایلی که بـرای رفع نیازمندی‌هـای مادّی بشـر از آن اسـتفاده می‌شـود.[5] گویـا مـراد از اقتصـاد در مسـائل مادّی عبارت اسـت از راهکارهایـی کـه می‌توانـد نیازهـای مـادّی بشـر را بـه طور متوسّـط، متعـادل و میانه بـرآورده کنـد، بـدون آنکه اسـراف و یـا تقتیری انجام شـود.

## بررسی اصطلاحی اقتصاد

بـه طـور معمـول، رفتـاری را اقتصادی می‌گویند کـه با روش‌ها و وسـایلی که افراد بشـر، معـاش خـود را تأمین می‌کنند، ارتباط داشـته باشـد.[6] علم اقتصـاد را علم ثروت دانسـته‌اند. برخـی آن را مطالعـه چگونگـی تنظیـم تولیـد و فعّالیّت‌هـای مبادلـه‌ای

---

[1] – مفردات الفاظ القرآن، ص۲۷۱.
[2] – ر.ک: فرهنگ مسجد.
[3] – مجلسی، بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۶۴.
[4] – جواهرالکلام، ج۱۴، ص۶۱.
[5] – نور، آیه۳۶.

[6] – وسایل الشیعه، ج۱، ص۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵؛ همان منبع، ج۳، ص۵۵۷، باب ۷۰ از احکام مسجد، روایت ۱.

افـراد ذکـر کردند.[1] اندیشـمندان معاصـر، اقتصـاد را بررسـی روش‌هایـی می‌داننـد که بـا پـول یـا بـدون پـول، بـرای بـه کار بـردن منابـع کمیـاب بـه منظـور تولیـد کالا و خدمـات و توزیـع بیـن افـراد و گروه‌ها انتخـاب می‌شـوند.[2] اقتصاد در عربـی به معنای میانـه‌روی و اعتـدال اسـت. شـواهد ایـن مدّعـا، مسـتندات قرآنـی و روایـی متعدّدی هسـتند. در ادامـه از دو منظـر فـوق، بـه بحـث واژگانی اقتصـاد پرداخته می‌شـود:

### الف) بررسی واژه اقتصاد در آیات قرآن

«اقتصـاد» در لغـت بـه دو معنـا اسـت: یکی از آن دو پسـندیده اسـت و حـدّ میانه افـراط و تفریـط اسـت؛ مانند جود که حدّ وسـط اسـراف و بخل محسـوب می‌شـود یا شـجاعت، کـه حدّ وسـط تهـوّر و ترس اسـت. ایـن معنا در قـرآن، چنین بـه کار رفته اسـت: «وَ اقْصِـدْ فِـی مَشْـیِکَ؛ در رفتـارت میانـه را برگزین».[3] معنای دیگـر اقتصاد، به امـری اشـاره می‌کنـد کـه بین پسـندیده و ناپسـند در نوسـان اسـت؛ ماننـد: آنچه که بیـن عـدل و جـور، قریـب و بعید فرض می‌شـود.

در آیـه‌ای از قـرآن آمـده اسـت: «فَمِنْهُـمْ ظالِمٌ لِنَفْسِـهِ وَ مِنْهُـمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سـابِقٌ بِالْخَیْـراتِ بِـإِذْنِ اللهِ؛ پـس، برخـی از آنـان بر خود سـتمکارند و برخی از آنـان میانه‌رو و برخـی از آنـان در کارهـای نیـک به فرمان خدا، پیشـگام هسـتند».[4]

قـرآن کریـم در آیـه‌ای می‌فرماید: «مِنْهُـمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ سـاءَ مـا یَعْمَلُونَ؛ از میـان آنهـا گروهی میانه‌رو هسـتند و بسـیاری از آنها بد رفتـار می‌کنند».[5]

### ب) بررسی واژه اقتصاد در روایات اسلامی

روایـات متعـدّدی از معصومـان علیهم‌السلام در مورد مفهـوم اقتصاد آمده اسـت که بیان همه آنهـا در ایـن مقـال نمی‌گنجـد. در ادامـه، بـه عنـوان نمونـه، بـه برخـی از آنها اشـاره

---

[1] - آل‌عمران، آیه۹۶.
[2] - جن، آیه۱۸.
[3] - حجّ، آیه۴.
[4] - اسراء، آیه۱.
[5] - عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج۲، ص۱۸۰۴

شـده است.[1]

امیرالمؤمنیـن(ع) می‌فرماینـد: «لسَّـرَفُ مَثْـواهٌ و الْقَصْـدُ مَثْـراهٌ؛ میانـه‌روی در زندگی، موجـب زیـادی مـال و زیـاده‌روی موجـب ضایع نمـودن مال اسـت».[2]

حضـرت علـی(ع) می‌فرماینـد: «مَـا عَـالَ مَـنِ اقْتَصَـدَ؛ کسـی کـه (در مخـارج زندگی خـود) میانـه‌روی پیشـه نمود، تنگدسـت نشـد».[3]

در نامـه امیـر مؤمنـان(ع) بـه زیاد چنین آمده اسـت: «دَعِ الاِسـرافَ مُقتَصِداً...؛ اسـراف را کنـار بگـذار و میانـه‌روی پیشـه کـن...».[4] در ایـن کلام حضـرت، «قصد» بـه مفهوم روش معقـول و راه اسـتوار بیـن افـراط و تفریط اسـت.

امـام علـی(ع) می‌فرمایـد: «لَـنْ یهلَـکَ مَـنْ اِقْتَصَدَ وَ لَـنْ یَفْتقِـر مَنْ زَهَـدَ؛ آن کس که میانـه‌روی در پیـش گیـرد، هرگـز هـلاک نگـردد و کسـی که زهد پیشـه کـرد، هرگز بـه دام نیفتاد».[5]

امـام صـادق(ع) می‌فرماینـد: «ضَمِنْـتُ لِمَن اقتصـد أن لا یفْتَقر؛ من برای هر کسـی کـه در زندگانـی میانه‌رو باشـد، بی‌نیازی را ضمانـت می‌کنم».[6]

## انواع علم اقتصاد

علم اقتصاد به طور کلّی، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

الـف) اقتصـاد کَلان (Macroeconomic): بـه بررسـی رفتارهـای اقتصادی در سـطح کلّـی کشـور می‌پـردازد و اجـزای اقتصـاد را بـه همـراه اثـر متقابـل و کنـش آنهـا بـر همدیگـر بحـث و بررسـی می‌کنـد.[7] در واقـع، اقتصـاد کلان، مطالعـه اقتصـاد در قالب یـک نظـام اسـت که با تفکّـر سیسـتمی، اقتصـاد را تحلیـل می‌کند.[8] با کمـک اقتصاد کلان، موضوعاتـی، ماننـد سـطح عمومی قیمت‌ها، سـطح اشـتغال، درآمـد ملّی، تولید

---

[1] - کهف، آیه ۲۱.
[2] - علّامه دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، چاپ مجلس، ذیل کلمه اقتصاد.
[3] - هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص۴۸.
[4] - ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج۳، ص۳۵۳-۳۵۴.
[5] - همان.
[6] - همان.
[7] - مطهّری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، ص۴۰.
[8] - هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص۴۸-۴۹.

ناخالص ملّی و ... بررسی و مطالعه می‌شود.[1]

ب) اقتصاد خُرد (Microeconomic): به مطالعه تصمیمات فرد درباره کالاهای خاصّ می‌پردازد.[2] در این بخش از علم اقتصاد، رفتار فرد مصرف‌کننده یا تولیدکننده یا چگونگی تعیین قیمت در بازار، کشش عرضه و تقاضا و ... مطالعه و بررسی می‌شود.[3]

## اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مسجدی

اسلام، دین کاملی است و برای همه ابعاد زندگی انسان، برنامه و دستورالعمل‌های لازم را ارائه کرده است؛ به صورتی که هر فرد با عمل به این دستورات، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید. آموزه‌های اسلام، نه‌تنها به اقتصاد، رنگ و بویی خدایی می‌بخشد، بلکه سیر و سلوک بندگی را متأثر از اقتصاد می‌داند. دستورات اسلام، نیازهای آدمی را در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برآورده می‌سازد. این دستورات، هم معیشت‌گرا هستند و هم معنویّت‌گرا، هم دنیانگر هستند و هم آخرت‌نگر. بر این اساس، اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌هایی بنیادی و منحصر به فردی است که در واقع، وجوه تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد غیراسلامی است.[4]

بنابراین، اقتصادی که به طور کامل منطبق با دستورات و موازین شارع مقدّس باشد و بر پایه آموزه‌های دینی و مسجدی شکل گرفته باشد، اقتصاد مسجدمحور یا اقتصاد اسلامی است. در اقتصاد مسجدمحور، همه فعّالیّت‌های اقتصادی افراد در قالب آموزه‌های مسجدی و برحسب کارکردهای مسجدی تبیین و تشریح می شود. افراد با در نظر گرفتن تربیت مسجدی و بر اساس فرهنگ دینی، فعّالیّت‌های اقتصادی و تجاری و بازاری خود را تنظیم می‌کنند.

---

[1] - ساموئلسون، اقتصاد، ص۷.

[2] - بگ، فیشر، دورنبوش، علم اقتصاد، ج۱، ص۲۸.

[3] - دولتشاهی، محتشم، مبانی علم اقتصاد، ص۹.

[4] - ر. ک به: چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم‌اندازی اسلامی، ص۱۸۱-۲۵۳؛ اسحاقی، سیّدحسن، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص۴۳-۱۰۸.

## حماسه چیست؟

«حماسه»، در لغت به معنای دلیری کردن، دلاوری کردن و شجاعت است.[1] همچنین، به مفهوم شجاعت نمودن، شعر رزمی و انجام امری افتخارآمیز از روی شجاعت، مهارت و شایستگی، آمده است.[2] در فرهنگ‌لغات عربی نیز، حماسه به مفهوم شدّت یا محکم بودن و متعصّب بودن در دین و در کارها آمده است.[3]

مقام معظّم رهبری در رابطه با مفهوم حماسه می‌فرماید: «حماسه، یعنی آن کار افتخار آفرین که با شور و هیجان انجام می‌گیرد»؛[4] «حماسه با عقل هدایت و با ایمان پشتیبانی می‌شود و باید از دل بجوشد و یک مقوله دستوری و بخشنامه‌ای نیست».[5]

«حماسه، یعنی واقعه‌ای جهادگونه و پُرشور؛ این را باید ملّت ایران و مسئولان کشور، مورد نظر قرار دهند».[6] «رفتار حماسی، یعنی رفتاری که برآمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیّت حماسی کسی است که از چنین روحیّه‌ای برخوردار است و می‌تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیّه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گرداند».[7]

حماسه، واژه‌ای عربی است که به معنای شدّت، صلابت، شجاعت، دلاوری، زنده دل و با نشاط بودن، غیرت به خرج دادن و دلیری می‌آید.[8]

رفتار حماسی، یعنی رفتاری که بر آمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیّت حماسی کسی است که از چنین روحیّه‌ای برخوردار است و اگر می‌تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیّه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گردند.[9]

---

[1] – دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۶، ص۹۱۹۳.
[2] – عمید حسن، فرهنگ عمید، ج۱، ص۷۰۰.
[3] – لویس معلوف، المنجد فی اللغه و الاعلام، ص۱۵۳، مادّه حمس.
[4] – بیانات مقام معظّم رهبری در مراسم بیست و چهارمین سال‌روز رحلت حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۴.
[5] – بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار جمعی از مدّاحان و شاعران در روز ولادت حضرت فاطمه(س) در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱.
[6] – بیانات رهبر معظّم در دیدار با کارگران و فعّالان بخش تولید به مناسبت هفته کارگر در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۷.
[7] – ویژه‌نامه تبلیغ، ش۱۷، ص۵۳.
[8] – عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج۱، ص۴۶۴.
[9] – ویژه نامه تبلیغ، شماره ۱۷، ص۵۳.

حماسه، فارغ از جهاد، قابل تصوّر نیست. این جهادگران هستند که حماسه می‌آفرینند. جهاد نیز لاجرم «همگانی» است؛ پس حماسه آفریدن یک کار جمعی است.[1] پیشرفت کشور در ابعاد مختلف نیازمند حرکت جهشی و خلق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی است.[2]

بنابراین، حماسه و حرکت حماسی دارای مؤلّفه‌هایی به این شرح است: هوشمندی (تحت هدایت عقل)، ارزش‌مدار (پشتیبانی ایمان)، حرکت همگانی، شور و هیجان، حرکت جهشی.

با توجّه به آنچه گذشت حماسه مقدّس اقتصادی را می‌توان یک حرکت هماهنگ جمعی و جهشی و در عین حال هوشمندانه و با دلاوری و ایثار در جبهه جهاد و مقاومت اقتصادی، نامی است که منجر به خوداتکائی و رشد و پیشرفت مطلوب اسلام در بخش‌های تولید، توزیع، مصرف و بخش اعتباری اقتصاد می‌شود.[3]

---

[1] - روح‌الله ایزدخواه، راهگشائی حماسه اقتصادی از بستر تحوّل اجتماعی، قابل دسترسی در: www.hawzah.net

[2] - بیانات رهبر معظّم در دیدار جمعی از معلّمان سراسر کشور به مناسب هفته معلم ۱۳۹۲/۲/۱۸.

[3] - ویژه نامه تبلیغ، شماره ۱۷، ص۵۴.

## » آموزه‌های مسجدی و مفاهیم پایه‌ای اقتصاد مسجدی

اقتصاد اسلامی بر اصولی ارزشمند پایه‌گذاری شده است که در واقع، بدون شناخت اوّلیه آن مفاهیم نمی‌توان اقتصاد مسجدگرا یا اقتصاد مسجدی را تعریف و تبیین نمود. همین اصول مفهومی هستند که مکتب اقتصادی اسلام را از سایر مکاتب اقتصادی شرقی و غربی متمایز و ممتاز نموده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین اقتصاد مسجدگرا یا اقتصاد اسلامی بیان می‌شود و در مورد هریک، توضیح مختصری ارائه می‌گردد:

### الف) عزّت اسلامی

در اسلام، یکی از پایه‌های ایمان و تقوا، عزّت نفس و کرامت انسانی معرّفی گردیده است. اسلام، بر عزّت نفس مسلمانان و سعی در حفظ و پاسداری از آن تأکید فراوان دارد. در صورت خدشه‌دار شدن آن، علاوه بر اینکه پایه‌های ایمان و اعتقاد فرد متزلزل می‌گردد، بستری مناسب برای سوء استفاده و چیره شدن ستمگران و ظالمان بر ایشان فراهم می‌گردد.

عزّت واقعی از آن خداوند است و منشأ الهی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ کانَ یُریدُ الْعِزَّةَ فَللهِ الْعِزَّةُ جَمیعاً؛ هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست».[1] خدا عزّت را به انسان‌ها می‌بخشد؛ ولی در این مسیر، خود انسان‌ها بستر عزّت‌مندی را در خود ایجاد می‌کنند. عوامل متعدّدی برای رسیدن به عزّت در فرهنگ اسلامی مدّنظر است که در ادامه بحث، به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

۱. اطاعت از خداوند؛

۲. حاکمیّت ارزش‌های اسلامی؛

۳. تقویت رعایت هنجارهای اخلاقی؛

۴. تقواگزینی؛

۵. قناعت‌پیشه‌گی؛

[1]. فاطر، آیه ۱۰؛ همچنین ر.ک: منافقون، آیه۸؛ صافات، آیه ۱۸۰؛ نساء، آیه۱۳۹؛ یونس، آیه۶۵.

۶. تمرین صبوری.[۱]

## ب) خودباوری و استقلال

خودبـاوری بـه معنـای یافتـن خویشـتن بـه گونـه‌ای مطابق بـا واقـع و آن‌گونه که هسـت، تعریف شـده اسـت.[۲]مردم و کشـور خودباور، آن گروهی هسـتند که واقعیّات کشـور و قـوم خـود را باور کرد و مطابـق آن زندگی کنند. خودباوری، یافتن خویشـتن اسـت و یـک نیاز اساسـی انسـانی اسـت؛ زیـرا با خودبـاوری، رشـد و تکامـل و اعتدال رفتـاری انسـان تحقّـق می‌یابـد و بـدون آن، رشـد روان‌شـناختی در مراحـل اوّلیـه متوقّـف می‌شـود. خودبـاوری در همـه جنبه‌هـای خـود، دارای فوایـد متعدّدی اسـت کـه برخـی از آنهـا به شـرح زیر هسـتند:

**۱ـ سیسـتم ایمنـی روحی:** بـا خودبـاوری، روح ایمن شـده و تـرس و اضطـراب کم می‌شـود.

**۲ـ انگیزه‌آفرینـی:** بـه وسـیله شـناخت مطابـق بـا واقـع خود، انگیـزه تـلاش، تولید می‌شـود.

**۳ـ افزایـش تـوان:** فـرد برای دسـت‌یابی به پیشـرفت‌های بیشـتر، تـوان خود را بیشـتر می‌کند.

**۴ـ لذّت‌بخشی:** با خودباوری می‌توان به موقعیّت آرمانی رسید و از آن لذّت‌برد.

**۵ـ بلندنظری:** خودباوران دارای دیدگاهی بلند هستند.

**۶ـ افزایـش احتمـال دسـت‌یابی بـه هـدف:** بـه کمـک خودبـاوری، بهتـر و سـریع‌تر می‌تـوان بـه هـدف رسـید.

**۷ـ تقویت اعتماد به نفس:** با خودباوری، محرّک درونی تقویت می‌شود.

**۸ـ صداقت در ارتباطات:** دروغ از آن افرادی سر می‌زند که خودباور نیستند.

**۹ـ معاشـرت بـا همگِنـان:** بـا خودبـاوری، کشـش فرد بـه ارتبـاط با اشـخاص متناسـب بیشـتر می‌شـود.[۳]

---

[۱]. ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین، شماره ۱۵، ص ۸۰ ـ ۷۰.
[۲]. کریمیان صیقلانی، علی، خودباوری، ص۱۷ـ ۱۵.
[۳] - همان، ص۷۵- ۶۷.

طبیعی است که این آثار در خودباوریِ اقتصادی نیز تأثیر دارد. بر همین اساس، اسلام تأکید دارد که به داشته‌ها و توانمندی‌های خود توجّه کنیم و تا حدّ امکان با حفظ استقلال خود، به بیگانگان نیازمند نباشیم.

آیه نفی سبیل، یکی از آیات مهّم است که در اتّخاذ سیاست‌های خارجی اقتصادی با جوامع دیگر، ارائه طریق می‌نماید. این آیه یکی پیش‌نیازهای تصمیم‌های اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مسجدی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ و خدای تعالی، هرگز کفّار را مافوق مؤمنان و مسلّط بر آنان قرار نمی‌دهد».[1]

بر اساس این آیه، مؤمنان، حقِّ پذیرفتن سلطه کافران را ندارند. سلطه‌پذیری، نشانه نداشتن ایمان واقعی است و باید کاری کرد که کفّار از سلطه بر مؤمنان، برای همیشه مأیوس باشند. پس، هر طرح، عهدنامه، رفت‌وآمد، ارتباطات و فعّالیّت‌های اقتصادی و هر نوع قراردادی که راه نفوذ کفّار بر مسلمانان را هموار کند، حرام است. بنابراین، مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.[2]

### ج) استقامت و مقاومت

مقاومت و استقامت، یعنی تلاش بر حقّ‌اندیشی و حقّ‌روی و عدم تمایل به چپ و راست. استقامت، یعنی شناخت صراط مستقیم و مجاهدت و مقاومت در این راه.[3]

تأکید قرآن بر استقامت، بسیار گسترده است و قرآن در آیات متعدّدی، مسلمانان را به مقاومت و استقامت فرامی‌خواند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ به تحقیق، کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین

---

[1] - نساء، آیه ۱۴۱.
[2] - قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج۲، ص ۱۹۰-۱۹۲.
[3] - نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج۱، ص۳۵۱.

نخواهند شـد». [1]

طبیعـی اسـت اسـتقامت مـردم ایـران در سـال حماسـه اقتصـادی شـامل همیـن تعبیـر قرآنـی می‌شـود؛ چـرا کـه ما با امـام راحل‌ﷺ و شـهدا، عهـد و پیمان‌ها بسـتیم و اکنـون کـه تـورم و گرانـی بـر کشـور حاکم اسـت و تحریم‌ها هـم به عنـوان مصائب مـردم را تحدیـد کـرده، در ایمـان و عقیده خـود پافشـاری داریم.

بنابرایـن، اقتصـاد مسـجدی که موضوع بحث ماسـت، یعنـی نوع خاصّـی از اقتصاد کـه بـر پایـه موازیـن اسـلامی و شـرعی سـاختار یافتـه و یـک مـدل منحصـر بـه فرد بـرای تعالـی دنیـا و آخـرت و سـعادت نهایـی و همه‌جانبه بشـر به دسـت می‌دهد. در ایـن اقتصـاد، مهم‌تریـن پیش‌فرض‌هـا عـزّت اسـلام، اسـتقلال همه‌جانبه، اسـتقامت و پایـداری و خودبـاوری هسـتند. در واقـع، ایـن بایسـته‌های مفهومـی، از مهم‌تریـن مفاهیـم اقتصـاد اسـلامی یـا اقتصـاد مسـجدی هسـتند. بـر اسـاس همیـن آموزه‌ها، رهبـر معظّـم در نام‌گـذاری سـال‌های اخیـر از مفاهیمـی چـون جهـاد اقتصـادی و همّـت مضاعـف و حماسـه اقتصـادی اسـتفاده نمودند.

[1] - احقـاف، آیـه۱۳؛ همچنیـن ر.ک: فصّلت،آیـه۳۰؛ جـن، آیـه۱۶؛ شـوری، آیـه۱۵؛ یونـس، آیـه۸۹؛ انفـال، آیـه۶۶؛ انفـال، آیـه۴۷؛ احقـاف، آیـه۳۵؛ آل‌عمـران، آیـه۲۰۰؛ صـدر، سـیّد رضـا، اسـتقامت، ص۱۲ - ۱۱.

## » مبانی نام‌گذاری و شعار سالانه

رهبر معظّم، بر اساس ضرورت و نیاز کشور عزیزمان، ایران، در پیام نوروزی برای هر سال، نام خاصّی را انتخاب می‌کنند تا توجّه خاصّ مردم و مسئولان نظام به آن شعارِ با شعور، معطوف شود و افق چشم‌انداز بلندمدّت، میان‌مدّت و کوتاه‌مدّت، مهندسی و تدبیر گردد. به عبارت دیگر، یکی از ابتکارات اثربخش و ارزشمند مقام معظّم رهبری، تعیین یک نام یا شعار برای هر سال و پی‌گیری آن شعار و ارائه جمع‌بندی از آن، در پیام نوروزی و سخنرانی آغازین خود در ابتدای هر سال جدید است. سخنرانی رهبر معظّم، در روزهای اوّل سال شمسی که به طور معمول، در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه‌السلام و در بین زائران و مجاوران آن حضرت (که از همه اقشار و گروه‌های مردم از سراسر کشور هستند)، ایراد می‌گردد، فرصتی برای تحلیل و تبیین شعار سال و بیان چرایی و چیستی آن توسّط رهبر معظّم محسوب می‌شود.

بررسی شعارهای انتخاب شده در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که هر یک از این شعارها، ریشه در ضرورت‌های آن سال داشته است و اولویّت اوّل و موضوعِ راهبردی کشور در شعار سال منعکس گردیده و آن شعار، مهم‌ترین نیاز کشور بوده است. به عبارت دیگر، این پیام‌های سالانه، فصل‌الخطابی آگاهانه و بایسته است که با توجّه به شرایط و مقتضیّات زمانی و مکانی، برای تمامی اقشار و لایه‌ها و سطوح مختلف جامعه اسلامی تبیین می‌شود.

با کمی دقّت در عناوین سال‌ها و یک تحلیل اوّلیه مشخص می‌شود که در همه سال‌ها به صورت مستقیم یا به طور تلویحی، به اقتصاد اشاره شده است. این موضوع، بیانگر این است که اقتصاد از اهمّیت بالایی در عرصه داخلی و خارجی برخوردار است که در صورت نیل به این قدرت برتر، می‌توان با مدیریت بهینه به سایر اهداف اجتماعی و سیاسی و ... نیز دست یافت. [1]

[1] - برای مطالعه بیشتر ر. ک: اسلام پور، حسین، نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقّق حماسه اقتصادی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، (درقالب همین مجموعه).

## » آموزه‌های فراگیر و ارزشمند مسجدی ـ اقتصادی با رویکرد بازارمحور

از دسته فعّالیّت‌هایی که در قالب فعّالیّت‌های آموزشی، در مساجد قابل انجام است، آموزش آموزه‌های تجارت یا مبانی اقتصاد اسلامی است. مساجد، به دلیل داشتن پتانسیلی به نام ازدحام در مراسمات متعدّد و در زمان‌های مختلف، بهترین مکان آموزش اقتصاد اسلامی هستند. در دورانی که دشمنان اسلام، از همه تحریم‌های اقتصادی برای به چالش کشیدن اقتصاد کشور استفاده می‌کنند و علیه ما متّحد شدند، توجّه به این آموزه‌ها، می‌تواند راه‌گشا باشد. توجّه به این آموزه‌هاست که بازار ممالک اسلامی را از بازارهای سرمایه‌داری متفاوت می‌کند.

### الف) اهمّیت تعامل دوجانبه مساجد و بازار

علم اقتصاد، با همه مسائل آن، در بازار متبلور است و بازار یا سوق، نماد و مظهر فعّالیّت‌های اقتصادی است. بدون در نظر گرفتن این مفهوم، مفاهیمی، مانند عرضه و تقاضا و تعادل قیمت و ... معنا پیدا نمی‌کند. اسلام ضمن توجّه به بازار، به تبیین شرایط حاکم بر آن پرداخته است تا همه افرادی که به فعّالیّت‌های اقتصادی می‌پردازند، از این دستورات پیروی کنند. بازار، در علم اقتصاد به محلّی گفته می‌شود که عرضه و تقاضا در آن صورت می‌گیرد و بارویارویی خریداران و فروشندگان، قیمت کالا و خدمات تعیین می‌شود.[1] در بازار ایده‌آل مورد نظر اقتصاد اسلامی، افراد باید با توجّه به واقعیّت‌های جامعه انسانی، تحت تربیت اسلامی، با محوریّت قوانین الهی و رعایت اصول اخلاقی، به تجارت بپردازند.[2]

در گذشته، در کنار مساجد شهر، مسجدِ بازار هم وجود داشت که بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن، بازاری بودند. این مساجد، به غیر از مساجد محلّات بود. در زمان‌های گذشته، به طور عموم، بازار در کنار مساجد ساخته می‌شد. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند، به محض ورود به

---

[1] - ساموئلسن پل، هاوس ویلیلام نورد، اقتصاد، ج۱، ص ۸۰.

[2] - ر. ک به: انصاری محمّدجعفر و دیگران، در آمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، ص۹۶ -۱۱۱.

شـهری، جهـت اقامـه دعـوی، با ردگیری سـاختمان مسـاجد، بـه مرکز قضاوت شـهر رهنمـون می‌شـدند؛ زیـرا دکّه قضـاوت، همواره در جنب مسـاجد برپا بـود. هم‌جواری دارالخلافـه بـا مسـجد، بازهم نقش اطّلاع‌رسـانی مسـاجد را روشـن‌تر می‌کـرد تا تازه واردهـا، بـرای انجـام امور ادرای خود، از سـاختمان مسـجد کمک بگیرند. در مسـاجد بازار، بیشـتر بازاریان شـرکت داشـتند و در این مسـاجد، بیشـتر اخبار تخصّصی حوزه تجـارت و گزارشـات مربـوط به بـازار و اوضـاع اقتصادی بیان می‌شـد.[1]

بنابرایـن، بـازار و مسـاجد در جامعه اسـلامی را نبایـد از هم مجزّا دانسـت. در طول تاریـخ، هـر زمـان که این فاصله بیشـتر شـد، شـاهد ناملایمات و نیرنگ‌هـای جدیدی را در اقتصـاد و تجـارت و بازار شـاهد بودیم.

## ب) تنظیم و هدایت بازار در راستای معاملات اسلامی

از آفـات بزرگـی کـه اقتصاد اسـلامی را تهدیـد می‌کند، وجـود نیرنگ‌هـای اقتصادی، انـواع کلاهبرداری‌هـا، انـواع غش‌هـا، انواع نیزنگ‌هـا و دغل بازی‌ها، انواع سـوگندهای دروغ، انـواع مدح‌هـا، کم‌فروشـی‌ها و زرنگ‌بازی‌هـا و ... اسـت. بـه طـور کلّـی، تجارت از دیـدگاه قـرآن کریم بدین‌گونه ترسـیم شـده اسـت: «یـا أَیُّهَا الَّذَیـنَ آمَنُـوا لا تَأْکُلُوا أَمَوالَکُـمْ بَیْنَکُـمْ بِالْباطِـلِ اِلاّ أَنْ تَکُـونَ تِجـارَةً عَـنْ تَـراضٍ مِنْکُمْ؛ ای کسـانی که ایمان آوردیـد، امـوال یکدیگـر را بی‌جهـت مصـرف نکنیـد، مگـر تجارتـی کـه بـا رضایـت طرفین باشـد».[2]

ایـن رفتارهـا، به عنـوان تهدیدی جـدّی در کمین اقتصاد جوامع مسـلمان اسـت و توسّـط ائمّـه معصـوم‌ﷺ تحریم شـد و بـه عنوان گناهـی بزرگ به شـمار آمد.[3]

نیرنگ‌هـای اقتصـادی کـه در اصطلاح فقه اسـلامی بـه «غِشّ در معاملـه» معروف اسـت، در آموزه‌های اسـلامی به شـدّت نکوهش شـده اسـت:

رسـول اکـرمﷺ می‌فرمایـد: «مَـن غَـشَّ الْمُسْـلِمینَ، فَلَیْـسَ مِنْهُـمْ؛ هـر کـس بـه

---

[1] – ر.ک به: جهانگیری سهروردی، یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص۱۷و۳۳.

[2] – نساء، آیه۲۹.

[3] – ر.ک: دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج۲، ص۲۲۸.

مسلمانان خیانت در معامله کند، مسلمان نیست».[1]
امام علی(ع) فرمودند: «یا مَعْشَرَ اللَّحّامِینَ مَنْ نَفَخَ مِنْکُمْ فِی اللَّحْمِ فَلَیسَ مِنّا؛ ای گروه گوشت‌فروشان، هر کس در گوشت بدمد و آن را چاق نشان دهد، از ما مسلمانان نیست».[2]

در روایات نقل شده است که هنگام حضور امام علی(ع) در کوفه، آن حضرت همه روز صبح در بازارهای کوفه می‌آمد، بازار به بازار می‌گشت و در حالی که تازیانه‌ای (برای مجازات متخلّفان) بر دوش داشت، در وسط هر بازار می‌ایستاد و صدا می‌زد: ای گروه تجّار! از خدا بترسید! تاجران و بازاریان، هنگامی که بانگ امام علی(ع) را می‌شنیدند هرچه در دست داشتند بر زمین گذاشته و با تمام وجود به سخنان آن حضرت گوش فرا می‌دادند؛ سپس، حضرت می‌فرمود: «قَدِّمُوا الاِسْتِخارَهَ وَ تَبَرَّکُوا بِالسُّهولَه، وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُبْتاعِینَ، وَ تَزَیَّنُوا بِالْحِلْمِ، وَ تَناهَوْا عَنِ الْیَمِینِ، وَ جانِبُوا الْکَذِبَ، وَ تَجافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِینَ، وَ لاتَقْرَبُوا الرِّبا، وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِیزَانَ، وَ لاتَبْخَسُوا النّاسَ أَشْیائَهُمْ وَ لاتَعْثَوْا فِی الاْرْضِ مُفْسِدِینَ؛ بیش از هر چیز از خداوند خیر بخواهید، و با آسان گرفتن کار بر مردم، برکت بجوئید و به خریداران نزدیک شوید، حلم را زینت خود قرار دهید؛ از سوگند بپرهیزید؛ از دروغ اجتناب کنید؛ از ظلم خودداری نمائید و حقّ مظلومان را بگیرید (و در مورد آنها انصاف به خرج دهید)؛ به ربا نزدیک نشوید؛ پیمانه و وزن را به طور کامل وفا کنید و از اشیاء مردم کم نگذارید و در زمین فساد نکنید».[3]

همه این موارد به خاطر آن است که شیطان، دشمن قسم خورده انسان و انسانیّت، به طور دائم، انسان را به سمت جاذبه‌های دنیای حرام، بیماری غفلت از خدا و آخرت و سرانجام آلوده شدن به حقّ‌النّاس و تجاوز به حقوق مردم و

---

[1] - کنز العمال، ج۴، ص۶۰؛ همچنین ر.ک: میزان الحکمه، ج۷، ص۲۲۰؛ بحارالانوار، ج۷۶، ص۳۶۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۶۹؛ همین منبع، ج۳، ص۱۷۳.

[2] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۰۲.

[3] - کافی، ج۵، ص۱۵۰، باب آداب التجاره، حدیث ۱؛ برای مطالعه بیشتر در مورد مدیریت بازار در سیره امام علی(ع) ر.ک: رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی(ع)، ص۴۹۵-۹۴۶.

تجمیع ثروت ـ از هر راهی که شده است ـ دعوت می‌کند.[1]

در روایتی معروف، اصبغ‌بن‌نباته می‌گوید: از امام علی(ع) شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: «یَا مَعْشَرَ التُّجّارِ! الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ...؛ ای گروه تجار! اوّل، فقه بیاموزید و سپس تجارت کنید».[2] حضرت این سخن را سه بار تکرار فرمود و در پایان این کلام را اضافه فرمود: التّاجِرُ فاجِرٌ، وَ الْفاجِرُ فِی النّارِ، إلاّ مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَی الْحَقَّ؛ تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است، مگر آنها که به مقدار حقّ خویش، از مردم بگیرند و حقّ مردم را بپردازند».[3]

از طرفی، آموزه‌های اقتصاد اسلامی با تشویق و ترغیب به تجارت صحیح، بر انجام معاملات اسلامی تأکید دارند و بازرگانان و تجّار صادق و امین را مورد ترغیب قرار دادند.

رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «التّاجِرُ الصَّدُوقُ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ یَوْمَ القیامَهِ؛ بازرگان راستگو، روز قیامت در سایه حمایت خداست».[4]

همچنین، آن حضرت فرمودند: «لتّاجِرُ الأمینُ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشُّهَداءِ یَوْمَ الْقیامَهِ؛ بازرگان امین و راستگو، روز قیامت با شهیدان خواهد بود».[5]

طلّاب و روحانیون می‌توانند مروّج مسائلی باشند که از فعّالیت‌های اقتصادی کشور حمایت می‌کند. موضوعات جدید اقتصادی که در قالب مکاسب محرّمه و مسائل فقهی می‌گنجد، باید به صورت کارشناسی‌شده وارد دروس حوزه شود. با مشاهده درس‌نامه حوزه علمیه و نگاهی به فراوانی دروسی که در حوزه برگزار می‌شود، جای مسائل مستحدثه و روز، خالی است. به عنوان مثال، طلّاب و فضلای حوزه باید در زمینه معاملات اینترنتی روز دنیا، تجارت الکترونیکی و نظر اسلام در این مورد و ... اطّلاعات لازم را کسب و مباحث فقهی و شرعی مربوط به آنها را بررسی کنند.[6]

---

[1] – ضیاءآبادی، سیّدمحمّد، موعظه راه پیش‌گیری از نفوذ شیطان در دل انسان، ص۲۰ ـ ۵.
[2] – کافی، ج۵، ص۱۵۰، باب آداب التّجاره، حدیث ۱.
[3] – کافی، ج۵، ص۱۵۰، باب آداب التّجاره، حدیث ۱.
[4] – المیزان الحکمه، ج۱، ص۵۲۸.
[5] – همان.
[6] – ر.ک: ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین، ش۱۶، بیانات آیت‌الله یزدی.

از دیگـر نقش‌هـای مسـجد در ایـن مـورد، جلسـات وعـظ و خطابـه و سـخنرانی ائمّـه جماعـت و سـخنرانان در مسـاجد دربـاره رعایـت اخـلاق اسـلامی در معامـلات اقتصـادی اسـت. اهمّیـت منبـر و بیـان خطابه‌هـا در تبییـن سیاسـت‌های اقتصادی و هماهنگ‌سـازی بازاریـان، بـر کسـی پوشـیده نیسـت.

هـر روز توسّـط خطبای مسـاجد در بالای منابـر و در قالب احکام اسـلامی، به غشّ در معاملـه و انـواع نمونه‌هـای جدیدتـر و به‌روزتر آن اشـاره می‌شـود و عمـوم بازاریان از کارهـای ماننـد مخلـوط کـردن اجناس کـم‌ارزش با پـرارزش تا تعویض مـارک و ... برحـذر داشـته می‌شـوند. بـر ایـن اسـاس، مسـئولان و متولّیان مسـاجد تمـام تلاش خـود را در راه اصـلاح اقتصـاد اسـلامی و تحذیـر مـردم و بازاریـان از غـشّ در معامله بـه عمـل می‌آورند.

بسـیاری از مسـجدی‌ها کـه با تربیت مسـجدی تعالـی یافتند، خود اهـل معامله‌اند و در بـازار بـه داد و سـتد می‌پردازنـد. آنـان دریافتنـد کـه یـک تاجر مسـجدی، تاجر صـادق و بی‌نیرنگـی اسـت. بدیـن ترتیب، مسـجد و نقش آن در اقتصاد اسـلامیِ بدون نیرنگ، بسـیار روشـن می‌شود.

### ج) احتکار، ناعدالتی اقتصادی در توزیع

احتـکار، یعنـی انبـار کـردن و نگاهداشـتن کالا بـه قصـد گـران فروختن.[۷] احتـکار بـه معانـی مختلفـی ماننـد غلّـه اندوختـن و آن را گـران فروختن بـه هنـگام گرانی و انبـار کردن اسـتفاده شـده اسـت. احتـکار، از نظر شـرعی بـه مفهوم خریـداری کردن خواربـار آدمـی (برنـج و ذرت و گنـدم و جـو و ...) و قـوت بهائـم (کاه و جـو و ...) و بازداشـت (نگهـداری و ذخیـره کـردن) آن اسـت تـا در زمـان گران شـدن، بـه فروش برسـند. برخـی، مـدّت بازداشـت خواربـار مـورد نیاز انسـان و قـوت حیوانـات را چهل روز گفته‌انـد و بعضـی یک‌مـاه دانسـته‌اند و بعضـی زیادتـر از یـک سـال هـم تعییـن کرده‌انـد و ایـن مدّت‌هـای تعییـن شـده در مقابـل کیفـری اسـت کـه در عـرف بایـد

[۷] - معین، محمّد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۵۴.

متحمّل شوند؛ ولی این عمل از نظر شرعی حرام است.[1]

احتکار، یکی از گناهان کبیره است.[2] احتکارکننده (محتکر) کسی است که ارزاق عمومی و ضروری مردم را انبار می‌کند و بعد از کمیاب شدن و در نتیجه گران شدن آنها، آنها را به چند برابر می‌فروشد.

یکی از کارکردهای بسیار مهم اقتصادی مسجد، نقش آن در جلوگیری از احتکار است؛ خطبای محترم و ائمّه جماعت مساجد، به شیوه‌های مختلف، مردم را از عواقب این کار آشنا می‌سازند. این امر موجب می‌شود که فقرا و محرومان ارزاق عمومی خود را به سهولت به دست آورند.

احتکار، در آموزه‌های اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است. در ادامه به برخی از روایات به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اَلْجالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَکِرُ مَلْعُونٌ؛ وارد کننده کالا، از لطف و رحمت الهی بهره‌مند می‌گردد؛ ولی محتکر ملعون است».[3]

امام علی ؑ فرمودند: «اَلاِحْتِکارُ شِیمَةُ الاَشْرارِ؛ احتکار راه و رسم اشرار است».[4]

رسول اکرم فرمود: «مَن جَمعَ طَعاما یَتَربّصُ بِهِ الغَلاءَ أربَعینَ یَوما فقد بَرِئَ من الله وبَرِئَ اللهُ مِنهُ؛ هر کس خوراکی را به امید گران شدن، چهل روز انبار کند، از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بیزار است».[5]

رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ تَمَنّی عَلی اُمَّتِی الْغَلاءَ لَیْلَةً وَاحِدَةً اَحْبَطَ اللهُ عَمَلَهُ اَرْبَعینَ سَنَةً؛ هر کس یک شب در آرزوی گرانی برای امّت من باشد، خداوند اعمال چهل ساله او را تباه می‌کند».[6]

با بررسی روایات و مطالب ذکر شده، به روشنی مشخّص می‌شود که آموزه‌های مسجدی در تنظیم بازار جوامع اسلامی نقش مهمّی ایفا می‌کند.

---

[1] - دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱، ص۱۰۷۴-۱۰۷۳.
[2] - شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج۲، ص۲۹۵.
[3] - وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۱۳.
[4] - میزان الحکمه، ج۲، ص۲۸۶.
[5] - بحار الأنوار، ج۶۲، ص۲۹۲؛ منتخب میزان الحکمه، ص۱۶۰؛ محدّث نوری، مستدرک الوسائل، کتاب تجارت، باب۲۱.
[6] - کنزالعمال، ج۴، ص۹۸.

### د)مذمّت و نکوهش گران‌فروشی و کم فروشی

گران‌فروشی و کم‌فروشی از گناهان کبیره است.[1] چنانچه در قرآن کریم سوره‌ای به نام مطففین (کم‌فروشان) آمده است. در این سوره قرآن کریم می‌فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ* الَّذِينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النّاسِ يَسْتَوْفُونَ* وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ* أَلايَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ* لِيَوْم عَظِيم؛ وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حقّ خود را به طور کامل می‌گیرند؛ امّا هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می‌شوند. در روزی بزرگ؟!»[2]

بر اساس مفاهیم ارزشمند این آیه می‌توان کم‌فروشی را به این شرح معنی نمود:

«مُطَفِّفِيَن» از مادّه «تطفیف» در اصل از «طَفَّ» گرفته شده که به معنی کناره‌های چیزی است. به هر چیز کمی، واژه «طفیف» اطلاق شده است؛ همچنین، به پیمانه‌ای که پر نباشد، یعنی محتوایش به کنارهای آن رسیده، امّا مملوّ نشده است نیز همین معنی اطلاق می‌شود. این واژه در کم‌فروشی به هر شکل و به هر صورت استعمال شده است.[3]

در این آیات، قبل از هر چیز، کم‌فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده، می‌فرماید: «وای بر کم فروشان»! (وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ). این، در حقیقت اعلان جنگ از ناحیه خداوند به این افراد ظالم، ستمگر و کثیف است که حقّ مردم را به طرز ناجوانمردانه‌ای پایمال می‌کنند. «وَيْل» در اینجا به معنی «شرّ» یا «غم» و «اندوه» یا «هلاکت» یا «عذاب دردناک» و یا «وادی سخت و سوزانی در دوزخ» است و این واژه به هنگام نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود و اینکه تعبیری کوتاه است؛ امّا مفاهیم زیادی را تداعی می‌کند.[4]

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لاتَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ* وَ زِنُوا

---

[1] - دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج۱، ص۳۸۱.
[2] - مطففین، آیات۱-۵.
[3] - مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، ج۲۶، ص۲۴۴-۲۵۲.
[4] - همان.

بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ* وَ لاتَبْخَسُوا النّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لاتَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ: «حقّ پیمانه را ادا کنید و دیگران را به خسارت میفکنید. با ترازوی صحیح، وزن کنید و حقّ مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید».[1]

همچنین، قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لاتَبْخَسُوا النّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لاتُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذالِكُم خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بنابراین، حقّ پیمانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم کم نگذارید و در روی زمین، بعد از آن که (در پرتو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید».[2]

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لاتَبْخَسُوا النّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لاتَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و ای قوم من! حقّ پیمانه و وزن را با عدالت، ادا کنید و از اموال مردم چیزی کم نگذارید و در زمین به فساد نکوشید».[3]

قرآن در جایی دیگر، رعایت عدالت در وزن را هم ردیف عدالت در نظام آفرینش در عالم جهان هستی قرار داده، می‌فرماید: «وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ* أَلاّ تَطْغَوْا فِی الْمِيزانِ؛ خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب در همه چیز گذاشت تا شما در وزن و حساب طغیان نکنید».[4]

در روایات اسلامی نیز کم‌فروشی و گران‌فروشی به شدّت مورد نکوهش قرار گرفته است. در ادامه به عنوان نمونه برخی از این روایات بیان می‌شود:

رسول الله ﷺ فرمودند: «يا وَزّانُ، زِنْ وَ ارْجَحْ؛ ای توزین‌گر! (ای کسی که کار تو وزن کردن اشیاء و کالاهاست) وزن بکن و اندکی هم بیفزای».[5]

امام علی ؑ فرمودند: «اِذا طُفِّفَتِ الْمَكاييلُ اَخَذَهُمُ اللهُ بِالسِّنِينَ وَ الْقَحْطِ؛ وقتی پیمانه‌ها را کاهش دهند (کم‌فروشی کنند) خداوند ایشان را گرفتار قحط و

---

[1] - شعراء، آیات۱۸۱ تا ۱۸۳.
[2] - اعراف، آیه۸۵.
[3] - هود، آیه۸۵.
[4] - الرحمن، آیات۷ و ۸ .
[5] - میزان الحکمه، ج۱، ص۵۲۳.

کمبود سازد».[1]

حتّی در روایات اسلامی، در آداب تجارت چنین آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمانه و وزن، کمی بیشتر بدهند و به هنگام گرفتن حقّ خود، کمی کمتر بگیرند (درست بر عکس کار کسانی که در آیات فوق به آنها اشاره شده است که حقّ خود را به طور کامل می‌گیرند و حقّ دیگران را به طور ناقص می‌پردازند).[2]

یکی دیگر از اعمال نکوهیده بازاریان که در آموزه‌های مسجدی مورد سرزنش قرار گرفته است، گران‌فروشی است. گران‌فروشی، از کلمات وصفی مغلوب است و از گران (ثقیل، گران، سخت) و بن مضارع فعل فروختن (دادن کالا به کسی در مقابل دریافت پول[3]) تشکیل شده است. گران، پیشوند صفت‌ساز است؛ از جمله: گران‌سنگ، گران‌فروش، گران‌قیمت.[4] در واقع، گران‌فروشی یعنی مطالبه بها یا معادل بیشتر از قیمت جنس و کالای فرخته شده توسّط فروشنده از خریدار. گران‌فروشی در کنار رفتار ناپسند کم‌فروشی از آفات بازار مسلمانان است که باید به کمک تربیت و آموزه‌های مسجدی درمان گردد. بر اساس آموزه‌های ارزشمند تربیت مسجدی، شخص کم‌فروش به این صورت مورد نکوهش قرار گرفته است:

کم‌فروش ایمان ندارد؛ نامه اعمال کم‌فروش در سجّین است؛ به قحطی و خشکسالی و بلا مبتلا و مأخذه می‌شود؛ کم‌فروشی عدم رعایت حقّ‌النّاس بوده و تا قیامت وی بدهکارِ مشتری است.[5]

از کارکردهای مهم اقتصادی مسجد، تذکّر این گناه است. مسجد و امام جماعت آن، به شیوه‌های مختلف به طور دائم بازاریان و مردم عادل را از مبتلا شدن به این فساد اقتصادی برحذر داشته و فروشنده و مشتری را درباره این امر مهم، آگاهی می‌دهند. بعید است، کسی اهل مسجد باشد و این گناه را در

---

[1] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۰۷.
[2] - ر.ک: وسائل الشیعه، ج۱۲، ابواب التجاره، باب ۷، ص۲۹۰.
[3] - معین، محمّد، فرهنگ معین، ج۱، ص۲۵۳۰تا ۲۵۳۱.
[4] - دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۲، ص۱۹۰۰۵-۱۹۰۰۸.
[5] - دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج۱، ص۳۸۴ ـ۳۸۱.

فعّالیّت‌های اقتصادی خود انجام بدهد. به این ترتیب، کم‌فروشی و ترک عدالت، به هنگام پیمانه و وزن و گران‌فروشی در ردیف فساد در زمین شمرده می‌شود و این اعمال در تربیت مسجدی و اقتصاد مسجدمحور جایگاهی ندارد.

### هـ) نکوهش ربا و دوری از معاملات ربوی

ربا، در لغت به معنی افزون شدن، نشو و نما کردن و زیاده شدن است.[۶] ربا، سود یا ربحی است که دین از مدیون می‌ستاند.[۷]

ربا، یعنی تبدیل مثل به مثل با مقداری زیادتر؛ به عنوان مثال، ۱۰ کیلو گندم را به ۱۲ کیلو تا یک مدّت معینی به ربا می‌دهند یا هزارتومان پول را به هزار و دویست تومان پول تا مدت معینی به ربا می‌دهند.[۸]

به عبارت دیگر، ربا پولی است که بستانکار از بدهکار بابت منافعِ پول خود می‌گیرد. در کتب فقه اسلامی، ربا به دو دسته کلّی تقسیم شده است:[۹]

**ربای معاملاتی:** دو کالای هم‌جنس که با وزن یا پیمانه خرید و فروش می‌شوند، اگر در معامله پایاپای (کالا به کالا) یکی از دیگری زیادتر باشد، ربا محسوب می‌شود که از نوع ربای معاملاتی است.

**ربای قرضی:** اگر قرض‌گیرنده، پول یا جنسی را قرض کند و بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده چنین قرارداد شود که بعد از مدّتی مورد قرض، با اضافاتی برگشت داده شود، اضافه پرداختی یا دریافتی را ربای قرضی می‌گویند.

آیات متعدّدی در قرآن وجود دارد که به صورت‌های مختلف ربا را مورد نکوهش قرار دادند. به عبارت دیگر، ربا از گناهانی است که در آیات قرآنی به صراحت، تحریم شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر

---

۶ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۸، ص۱۱۸۷۸-۱۱۸۷۹.
۷ - معین، محمّد، فرهنگ معین، ج۲، ص۱۶۳۴.
۸ - طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج۲، ص۴۲۹.
۹ - جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج۳، ص۲۳۵؛ جواهر الکلام، ج۲۳، ص۳۳۴؛ هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص۱۷۹-۱۸۱.

مخوریـد و از خـدا پـروا کنید، شـاید که رسـتگار شـوید».[1]

عـلاوه بـر ایـن، در روایـت متعـدّدی نیز ربا مـورد مذمّت قـرار گرفته اسـت که ذکر همـه آنهـا در ایـن مقـال نمی‌گنجد،[2] ولـی بـه عنـوان نمونـه بـه برخـی از آنها اشـاره می‌شـود:

پیامبـر گرامـی اسـلام ﷺ فرمـود: «شَـرُّ الْکَسْـبِ کَسْـبُ الرِّبـا؛ بدتریـن کسـب‌ها و درآمدهـا، درآمـدی اسـت کـه از ربـا حاصـل شـود».[3]

پیامبر اسـلام ﷺ می‌فرمایند: «آکِلُ الرِّبا وَ مُؤْکِلُهُ وَ کاتِبُهُ وَ شـاهِداهُ فِی الْـوِزْرِ سَـواءٌ؛ رباخـوار و رباپـرداز و حسـابدار امـور ربـوی و گواهـان آن، همـه دربـار گناه شـریک و مسـئول هستند».[4]

بـر اسـاس آموزه‌هـای قرآنـی و اقتصـاد مسـجدی، تأثیـرات و آفات متعـدّدی برای ربـا مطـرح گردیـده اسـت کـه برخـی از مهم‌تریـن آنهـا عبارت‌اند از:

۱. ربا اختلاف طبقاتی می‌آورد.

۲. وقتی ربا رایج گردد، قرض‌الحسنه از اقتصاد اسلامی حذف می‌شود.

۳. مال ربوی بی‌برکت است و وقتی ربا آمد برکت می‌رود.

۴. ربا جنگ با خدا و پیامبر ﷺ است.

۵. ربا دین را از بین می‌برد.

۶. ربا بدتر از زناست.

۷. ربا آتشی است که بر دنیا و آخرتِ رباخوار سایه می‌افکند.

۸. ربا توکّل به خدا را از بین می‌برد.

۹. ربا بزرگ‌ترین دشمن اقتصاد اسلامی است و ... .[5]

مسـجد نقـش زیـادی در پرهیـز دادن جامعـه از ربـا و معامـلات ربـوی دارد؛ هـر

---

[1] - آل عمران،آیـه۱۳۰؛ همچنیـن ر.ک: بقـره، آیـات۲۷۵،۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ آل‌عمـران، آیـات۱۲۵ و ۱۲۶؛ روم، آیـه۳۹؛ نسـاء، آیه۱۶۱.

[2] - دسـتغیب،عبدالحسـین، گناهـان کبیـره، ج۱، ص۱۹۰ـ ۱۷۹؛ مجلسـی، بحارالانـوار، ج۱۰۳ ص۱۱۵؛ شـیخ صـدوق، مـن لا یحضـره الفقیـه، ج۳، ص۲۷۴؛ کنزالعمـال، ج۴، ص۱۰۴؛ وسـایل الشـیعه، ج۱۲، ص۴۲۷؛ میـزان الحکمـه، ج۱۰، ص۲۲۰؛

[3] - بحار الانوار، ج۱۰۳ ص۱۱۵.

[4] - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۲۷۴.

[5] - دسـتغیب، عبدالحسـین، گناهـان کبیـره، ج۱، ص۱۹۰ـ ۱۷۹؛ بـرای مطالعـه بیشـتر ر.ک: محمّدی‌نـژاد، حسـینعلی، اسـلام و مبـارزه بـا مفاسـد اقتصـادی، ۶۴-۸۱.

مبلّغی، بر خود وظیفه می‌بینند که بحثی پیرامون «ربا» در منبرهایش داشته باشد. مسجدی که در بازار یا در کنار بازار ساخته شده‌اند، بیشتر محلّ حضور بازاریان هستند. امام جماعت این‌گونه مساجد باید به موضوعات اقتصادی و به خصوص مسائل مربوط به ربا و معاملات ربوی بیشتر بپردازد و حتّی از تابلوی اعلانات مسجد و حجره یا مغازه و محلّ کار کسبه، برای تبلیغ اقتصاد مسجدمحور و اقتصاد فاقد ربا استفاده نماید. بسیار روشن است که ربا، مخالف عدالت اقتصادی و از موانع تحقق عدالت اقتصادی است.[1] ربا، مخالف حماسه‌سازی اقتصاد و مخالف حماسه اقتصادی و مخالف اقتصاد مقاومتی است و باید به شدّت با آن مبارزه کرد.

### و) مذمّت حرام‌خواری و تلاش برای کسب حلال در بازار

یکی از نیازهای فطری هر انسان، حبّ ذات و توجّه به معاش خود و زیردستان است. هر فرد، برای امرار معاش خود، ناگزیر است تا کسب و کار یا حرفه‌ای برای خود ایجاد کند. افراد، با راه‌اندازی یک منبع ایجاد درآمد، هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کنند. بنابراین، همه مسلمانان بدون توجّه به نوع شغل و مهارت و تخصّص خود، باید از احکام اسلامی در مورد نحوه انجام معاملات و عقود مختلف و خرید و فروش و ... آگاهی داشته باشند. مراجع تقلید نیز، یاد گرفتن مسائلی را که افراد به طور معمول با آنها سر و کار دارند، لازم دانسته‌اند.[2]

در آموزه‌های اسلامی نیز به کسب روزی حلال و تلاش و کوشش تأکید زیادی شده است؛ تا جایی که در قرآن‌کریم بیش از ۵۵۰ آیه، در قالب‌ها و چهره‌های گوناگون درباره کار و تلاش و سخت‌کوشی و سازندگی آمده است.[3] کار و تلاش و کسب حلال و ارتزاق از کدّ یمین و عرق جبین در آینه روایات، بهترین عبادات، تربیت‌کننده و کمال‌بخش انسان، شمرده شده است.

پیامبر عظیم الشأن ﷺ فرمودند: «الکَادُّ عَلی عِیالِهِ کَالمُجَاهِدَ فِی سَبِیلِ اللهِ؛ کسی

---

[1] – رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی A، ج۷ (اقتصاد)، ص۹۵-۹۷.
[2] – ر. ک به: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص۲۱، مسئله۱۲.
[3] – عبدالباقی، محمّد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، ذیل واژه‌های «عمل»، «سعی» و «فعل».

کـه بـرای زندگـی خانـواده‌اش سـعی و تـلاش می‌کنـد،ماننـد مجاهـد در راه خـدا است».[1]

امـام محمّـد باقـر﵇ بـه نقـل از پیامبر اسـلامﷺ می‌فرماینـد: «العِبَـادَةُ سَـبعُونَ جُزءاً أفضَلُهَـا طَلَـبُ الحَـلالِ؛ عبـادت دارای هفتاد جزء اسـت که برترین جزء آن، به دسـت آوردن روزی حلال اسـت».[2]

همچنیـن، در آموزه‌هـای اسـلام و اقتصـاد اسـلامی هرگونـه کسـب و کار حـرام مورد نکوهـش و کسـب و کار حـلال مـورد تمجیـد قرار گرفته اسـت.[3]قرآن کریـم در تأکید رعایـت مـرز بین حـلال و حـرام می‌فرمایـد: «وَ لا تَقُولُوا لِمـا تَصِـفُ أَلْسِـنَتُكُمُ الْكَذِبَ هـذا حَـلالٌ وَ هـذا حَرامٌ لِتَفْتَـرُوا عَلَـى اللهِ الْكَـذِبَ إِنَّ الَّذينَ يَفْتَـرُونَ عَلَـى اللهِ الْكَذِبَ لا يُفْلِحُـونَ؛ و بـرای آنچـه زبان شـما بـه دروغ می‌پـردازد، مگویید: این حلال اسـت و آن حـرام تـا بـر خـدا دروغ بندیـد؛ زیرا کسـانی که بـر خـدا دروغ می‌بندند، رسـتگار نمی‌شـوند».[4]

قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «يـا أَيُّهَا النَّـاسُ كُلُوا مِمَّا فِـي الْأَرْضِ حَـلالاً طَيِّبـاً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُـواتِ الشَّـيْطانِ إِنَّـهُ لَكُـمْ عَـدُوٌّ مُبيـن؛ ای مـردم، از آنچـه در زمیـن اسـت، حلال و پاکیـزه را بخوریـد و از گام‌هـای شـیطان پیـروی نکنیـد که او دشـمن آشـکار شـما است».[5]

پیامبـر گرامـی اسـلامﷺ فرمودنـد: «اِتّقُـوا الحَجَـرَ الحَـرامَ فِـي البُنيـانِ فَإِنّـهُ أسـاسُ الخَـرابِ؛ از اسـتعمال سـنگ حـرام در سـاختمان بپرهیزید کـه مایه ویرانی اسـت».[6]

روحانیـان و سـخنوران و مبلّغـان مسـاجد بـا توجّه بـا آموزه‌های اسـلام و تأکیدات شـارع مقـدّس در خصـوص کسـب رزق حلال، نمازگـزاران را ارشـاد می‌کننـد و آنان را بـه عـدم انجـام امـور مربوط به کسـب و کار حـرام ترغیـب می‌نمایند. ایـن موضوع از اثـرات گرانقـدر اقتصاد مسـجدگرا اسـت که مؤمنان مسـجدی همواره کسـب و کار

---

[1] - علّامه مجلسی، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج۱۰۰، باب۱، ص۱۳.
[2] - وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۲۱.
[3] - برای مطالعه آثار مال حرام و حلال ر.ک: محمّدی‌نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفاسد اقتصادی، ص۳۵-۶۰.
[4] - نحل، آیه۱۱۶.
[5] - بقره، آیه ۱۶۸.
[6] - نهج‌الفصاحه، حدیث ۳۹.

خـود را بـا معیارهای اسـلامی می‌سـنجند. بدیـن ترتیـب، اقتصاد مسـجدی، عاری از هرگونـه کسـب و کار حرام و شـبهه‌ناک اسـت.

### ز) جلوگیری و نکوهش تولیدات مضرّ

از دردهـای بـزرگ بشـریّت در طـول تاریـخ، آلـوده شـدن او بـه برخـی از مسـائل غیرضـروری زندگـی و سـرگرمی‌های غیرمفیـد و مضـرّ اسـت؛ اسـتعمار، روزگاری بـا مشـروب، روزی بـا چـای، روزی بـا سـیگار و قلیـان و روزی بـا مـوادّ مخـدّر و امـروز بـا انـواع مـواد سـنّتی و صنعتـی و تخدیـری و قرص‌هـای روان‌گـردان و ... در صـدد بهره‌کشـی از مسـلمانان و انحـراف آنهـا از حـقّ اسـت. کم‌تریـن ایـن مـوارد سـیگار و بدتریـن آنها مشـروبات اسـت.

شـرب خمـر به شـدّت در آموزه‌های اسـلامی نکوهش شـده اسـت. قـرآن می‌فرماید: «یَسْـئَلُونَکَ عَـنِ الْخَمْـرِ وَ الْمَیْسِـرِ قُـلْ فیهِمـا إِثْـمٌ کَبیـرٌ وَ مَنافِـعُ لِلنّـاسِ وَ إِثْمُهُمـا أَکْبَـرُ مِـنْ نَفْعِهِمـا وَ یَسْـئَلُونَکَ مـا ذا یُنْفِقُونَ قُـلِ الْعَفْوَ کَذالِـکَ یُبَیِّنُ اللهُ لَکُـمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُـمْ تَتَفَکَّـرُونَ؛ دربـاره شـراب و قمـار از تـو سـؤال می‌کننـد، بگـو: در آن دو گنـاه و زیـان بزرگـی اسـت و منافعـی (از نظـر مـادّی) بـرای مـردم در بـردارد؛ ولـی گنـاه آنهـا از نفعشـان بیشـتر اسـت و از تـو می‌پرسـند: چـه چیـز انفـاق کننـد؟ بگـو: از مـازاد نیازمنـدی خـود. این‌گونـه خداونـد آیات را برای شـما روشـن می‌سـازد؛ شـاید بیندیشـید». [1]

ایـن آیـه خمـر را بـه «اثـم» تعبیـر می‌کنـد که موجـب محرومیّـت از سـعادت‌ها و خوشـبختی‌ها می‌شـود و زیان‌هـای بهداشـتی میگسـاری و آثـار سـوء آن در معده، روده‌هـا، جگـر، شـش، سلسـله اعصـاب، شـریان‌ها، قلـب و حواس انسـان، ماننـد قوّه باصـره و ذائقه مسـلّم اسـت.[2]

در نکوهـش مشـروبات الکلـی و هـر مـادّه سـکرآور دیگـر، قـرآن می‌فرماید: «یـا أَیُّهَا الَّذیـنَ آمَنُـوا لا تَقْرَبُـوا الصَّـلاةَ وَ أَنْتُمْ سُـکاری حَتّی تَعْلَمُـوا ما تَقُولُونَ؛ ای کسـانی که

[1] - بقره، آیه۲۱۹.
[2] - طباطبائی، محمّدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص۲۸۹.

ایمـان آورده‌ایـد! در حـال مسـتی بـه نمـاز (و جماعت در مسـجد) نزدیک نشـوید، تا بدانیـد چـه می‌گویید». [1]

در اقتصـاد مسـجدمحور، انجـام هرگونـه فعّالیّت‌هـای اقتصـادی مربوط به مشـروبات و مسـکرات تحریم شـده اسـت و این کار از گناهان کبیره شـمرده شـده اسـت.[2] اهل بیـت‌ﷺ هـم ایـن عمـل را خبیـث شـمرده‌اند. پیامبـر گرامـی‌ﷺ در این مـورد فرمود: لَعَـنَ اللهُ الْخَمْـرَ وَ عاصِرَهـا وَ غارِسَـها وَ شـارِبَها وَ سـاقِیَها وَ بایعهـا وَ مُشْـتَرِیها وَ اکِلَ ثَمَنِهـا وَ حامِلَهـا وَ الْمحْمُـولَ اِلَیْـهِ؛ خداونـد، مشـروب و فشـارنده آن و کارنده درخت آن و نوشـنده آن و سـاقی و فروشـنده آن و خریـدار و خورنـده پـول آن و حامل آن را و کسـی را کـه بـه سـوی او می‌برنـد، لعن کرده اسـت». [3]

امـام صـادق‌ﷺ در ایـن مـورد فرمودند: «مـا بَعَثَ اللهُ نَبِیـاً قَطُّ إلاّ وَقَـدْ عَلِـمَ اللهُ أَنَّهُ إذا أَکمَـلَ لَـهُ دِینَـهُ کانَ فِیـهِ تَحْرِیـمُ الْخَمْـرِ وَلَمْ تَـزَلْ الْخَمْـرُ حَراماً؛ خداونـد پیامبری را نفرسـتاد، مگـر اینکـه در علـم خداونـد بـود کـه چـون دیـن او را تکمیل کنـد در آن تحریـم خمـر باشـد و همیشـه خمر حـرام بوده اسـت». [4]

همچنیـن، در مـورد آثـار و ضررهـای فـراوان الـکل و مشـروبات الکلـی کتاب‌هـای فراوانـی نوشـته شـده اسـت که بـرای اختصـار از ذکر مباحث بیشـتر خودداری شـده است. [5]

مسـاجد، نقـش ویـژه‌ای در مـورد تبییـن فعّالیّت‌هـای اقتصـادی مضـرّ و مخالـف دسـتورات اقتصاد اسـلامی دارند. برخی از اقداماتی که در این زمینه انجام می‌شـوند، عبارت‌انـد از: تبلیـغ مضـرّات اجتماعـی و اقتصـادی این‌گونـه مـواد توسّـط روحانـی، جلوگیـری از اسـتعمال این‌گونـه مـوادّ و حتّی سـیگار در مسـجد، پخش بروشـورهای ویـژه در مسـاجد در خصـوص عـدم تولید و توزیع و فـروش و مبادله اقـلام و کالاهای مضـر، انجـام فعّالیّت‌هـای فرهنگـی گسـترده در کمک تابلـوی اعلانات مسـاجد و ... .

در مطالـب گذشـته بـه برخـی از مصادیـق عینـی آفت‌های اقتصادی اشـاره شـد و

---

[1] - نساء، آیه۴۳؛ همچنین ر.ک: مائد، آیه۹۰.
[2] - دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج۱، ص۲۳۵.
[3] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۴۴.
[4] - همان؛ وسائل الشیعه، ج۷، ص۲۳۷.
[5] - شیطان بطری، از انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی، سرگذشت الکلی‌ها، امیری اراکی.

بیـان گردیـد کـه آموزش و تبیین و آگاه‌سـازی کاسـبان و بازاریان جامعه اسـلامی در خصـوص ایـن آسـیب‌ها در مسـاجد انجـام می‌شـود و با تربیـت مسـجدی و محوریّت مـدل اقتصـادی مسـجدگرا، ایـن مسـائل در اقتصـاد جوامع اسـلامی برطـرف خواهد شـد. روشـن اسـت که آفت‌ها و آسـیب‌ها یا عوامل فسـاد در اقتصاد متعدّد و مختلف هسـتند و در ایـن نوشـتار کوتـاه نمی‌گنجـد. بـه عنـوان مثال، مـواردی مانند رشـوه، سـرقت‌های اقتصـادی و مالـی، اختـلاس، سـحر و جـادو، شـعبده‌بازی، نیرنگ‌هـای اقتصـادی در فضـای سـایبری و آفـات تجـارت الکترونیـک و ...، بـه منظـور اختصـار مطـرح نگردیده اسـت.[1]

[1] - برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمّدی‌نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفاسد اقتصادی، ص۱۱۵-۲۱۵.

## » کارکردها و جلوه‌نمائی‌های اقتصاد اسلامی مسجدگرا در مساجد

کارکردهـا و جلوه‌هـای اقتصـادی مسـجد یکـی از مهـم تریـن ابعـاد اثرگـذاری مسـاجد در بعـد اجتماعـی هسـتند. در گذشـته، ابعـاد اقتصـادی مسـجد بیشـتر بود و همـه امـور مربـوط بـه حکومـت و بودجه‌بنـدی حاکمـان و فرمانـداران و همـه امور مربـوط بـه بیت‌المـال در مسـاجد انجـام می‌شـد. بـا توسـعه زندگـی اجتماعـی در جامعـه اسـلامی، برخـی نهادهـای حکومتـی، سـازمان یافتنـد و به حسـب ضـرورت، برخـی از ایـن امـور اقتصـادی از مسـاجد فاصلـه گرفتند. با وجـود این، مسـاجد هنوز دارای جلوه‌گری‌هـای متعـدّدی بـه صورت مسـتقیم یا غیرمسـتقیم در مقولـه اقتصاد هسـتند کـه قابـل بحـث و بررسـی اسـت. برخـی از ایـن مـوارد جنبـه الزامـی دارد و برخـی دیگـر از حیـث اختیـاری بـودن، مـورد توجّه هسـتند:

### الـف) مسـجد جایـگاه تبییـن و سـازمان‌دهی پرداخت‌هـای الزامـی اسـلامی

برخـی از پرداخت‌هایـی کـه بایـد از سـوی مسـلمانان صـورت بگیـرد، تابـع قوانین و شـرایط فقهـی اسـت و تحـت شـرایط محقّـق شـده، پرداخـت آن بـر هـر مسـلمان واجـب می‌شـود. البتّـه ایـن نوشـتار در پـی بررسـی و تشـریح قواعـد فقهـی و روش محاسـبه این‌گونـه پرداخت‌هـا نیسـت، بلکـه به صورت کلّـی می‌توان گفـت که برخی از پرداخت‌هایـی کـه مسـلمانان بایـد بـه حکومـت وقـت و ... بپردازنـد یـا بـر اسـاس دسـتورات و راهبردهـای دولـت اسـلامی، هزینـه نماینـد، حالـت الزامـی دارد و فقط اسـتحباب قصـد نمی‌توانـد در آنهـا مفهـوم داشـته باشـد. این‌گونـه پرداخت‌هـا بـا رعایـت شـرایط خـاصّ خـودش، بر مسـلمانان واجـب می‌شـود و مؤمنان باید نسـبت بـه پرداخـت آن و رعایـت مقتضیّـات زمانـه در جامعه اسـلامی اقدام نماینـد. برخی از این‌گونـه پرداخت‌هـا در ادامـه بیـان و تشـریح شـده اسـت.

#### ۱. خمس و انواع زکات، مهم‌ترین آموزه‌های اقتصاد مسجدی

یکـی از کارکردهـای عبـادی ـ اقتصـادی مسـاجد، خمـس و زکات و ماننـد آن

است. خمس و زکات، یکی از بهترین تفکّرات اقتصادی است و اسلام، علاوه بر جنبه اقتصادی، روی عبادی‌بودن آن هم تأکید دارد و اسلام، با داشتن چنین آموزه‌هایی، در بین مکاتب اقتصادی، نمونه و ممتاز است و با چنین برنامه‌ای در صدد بر چیدن بساط فقر و مسکنت از مسلمانان است و اگر این مهم توسّط همگان ادا و پرداخت شود و به دست فقرا برسد، هیچ فقیری در روی کره زمین باقی نخواهد ماند. برخی از محورهای بحث در این خصوص به شرح زیر هستند:

**زکات**

زکات، در لغت به معنای طهارت و پاکیزگی و رشد و نموّ است. در اصطلاح دانشمندان اسلامی و مردم مسلمان زکات، مقدار معیّنی از دارایی است که با شرایط خاصّی باید از مال صاحب آن جدا شود و به مصرف فقرا و مستمندان و کارهای خیر دیگر برسد.[1]

زکات بر نُه چیز واجب است: گندم، جو، خرما، انگور (کشمش) طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر. اگر کسی مالک یکی از این نُه چیز باشد به شرطی که هر یک از این موارد به حدّ نصاب مربوط به آن برسد، باید زکات پرداخت نماید. همچنین، مستحبّ است از سرمایه کسب و کار و تجارت نیز هر سال زکات بدهد؛ همچنین، زکات سایر غلاّت، مستحبّ است.[2]

**خمس، مهم‌ترین مالیات برای تجهیز بیت‌المال در اقتصاد اسلامی**

خمس، در لغت به معنای یک‌پنجم است و در اصطلاح مسلمانان، به یک‌پنجم مالی گفته می‌شود که پرداخت آن با شرایطی بر مسلمانان واجب می‌شود و باید آن را از اموالی که خمس به آنها تعلّق گرفته جدا کرد و به حاکم اسلامی و ولی‌فقیه پرداخت نمود تا در موارد شرعی مورد نظر مصرف کند.[3]

---

[1] – نجفی، محمّدحسن، جواهر الکلام، ج۱۵، کتاب الزّکاه، ص۲-۱۵.

[2] – ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص۲۹۵، مسئله ۱۵۸۶،

[3] – ر.ک: طباطبایی قمی، تقی، الغایه القصوی فی تعلیق علی العروه الوثقی، کتاب الخمس، ص۵-۲۴۰؛ مشکینی اردبیلی، علی، بحثی پیرامون خمس تحقیقی و استدلالی، ص ۱۰ـ ۵.

هـرگاه انسـان از طریـق زراعـت یـا صنعـت یـا تجـارت یـا از طریـق کارگـری و کارمنـدی در مؤسّسـات مختلـف، درآمـدی به دسـت آورد، چنانچه از مخارج سـال او و همسـر و فرزنـدان و سـایر کسـانی کـه نفقـه آنهـا را می‌دهد زیـاد آیـد، باید خمس (پنج‌یـک) آن را (بـه شـرح سـایر مسـائل بیان شـده)، بپـردازد.[1]

قـرآن کریـم، در مـوارد بسـیار متعـدّد، زکات را در کنـار نماز مطرح کـرده و ضمن انتقـاد از ترک‌کننـدگان زکات، بـه آنهـا وعده عذاب داده اسـت. قـرآن، ترک‌کنندگان زکات را تـا حـدّ کفـر پیـش برده و بـه دلیل حقّ‌النّـاس بودن زکات، آخرت سـختی را برایشـان پیش‌بینی کرده اسـت.[2]

امـام صـادق﵇ فرمودند: «اَلسَّـرّاقُ ثَلاثَةٌ: مانِعُ الزَّکاهِ وَ مُسْـتَحِلُّ مُهُورِ النِّسـآءِ وَ کَذلِکَ مَـنِ اسْـتَدانَ وَ لَـمْ یَنْـوِ قَضائَـهُ؛ دزدهـا سـه دسـته‌اند: آنکـه زکات نپـردازد؛ آنکه مهر زنـان ندهـد؛ آنکه قرض بگیـرد و تصمیم پرداخت نداشـته باشـد».[3]

### یک فرمول ساده برای محاسبه تقریبی خمس اموال

آموزه‌هـای اسـلامی و مسـجدی مربـوط بـه اقتصـاد اسـلامی، ایجـاب می‌کنـد که مؤمنـان مسـجدی اطّلاعاتـی در خصـوص امور محاسـباتی و اقتصادی داشـته باشـند تـا پیوسـته بـه محاسـبه امـوال و ثروت‌های خـود پرداختـه و در خصـوص تطبیق آن با موازین شـارع مقدّس، همواره هوشـیار باشـند. در این قسـمت، در راسـتای اقتصاد مسـجدگرا، فرمـول سـاده‌ای بـرای محاسـبه اوّلیـه خمس بیان می‌شـود. ایـن تابع در خصـوص ارائـه اطّلاعـات پیش‌زمینـه‌ای بـه مسـلمانانی که به دنبـال تطهیر مسـتمرّ امـوال خود هسـتند، بسـیار مفیـد خواهد بود.[4] اگر مخـارج هر فرد را بـا حرف C و کل درآمـد سـالانه فـرد را بـا حـرف I و درآمـد مانده خرج نشـده (مـازاد بر مخارج سـال) را بـا حـرف S نشـان دهیـم، می‌توانیـم مقـدار مالی کـه بـه آن خمس تعلّـق می‌گیرد

[1] - ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص۲۷۷، مسئله ۱۴۷۵.
[2] - دستغیب، گناهان کبیره، ج۲، ص۱۸۳.
[3] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۴۶.
[4] - مطالعـه و آگاهـی کامـل از احـکام رسـاله عملیـه مراجـع تقلیـد در مقولـه خمـس توسّـط فـرد مکلّـف از پیش‌نیازهـای مهـم ایـن محاسـبه اسـت. بـرای مطالعـه کاربـردی در ایـن خصـوص ر.ک بـه: ظهیـری، عبـاس، آسـان‌ترین شـیوه محاسـبه خمـس، بـر اسـاس فتـاوای آیـات عظـام: امـام راحـل﵀، خامنـه‌ای، اراکـی، بهجـت و ... .

را بـا اسـتفاده از تابـع زیر به دسـت آورد:

$$S = C - I$$

در واقـع، بـه پس‌انـداز مـازاد بـر نیـاز یـک فـرد در طـول یک سـال، خمـس تعلّق می‌گیـرد. بـا محاسـبه حاصل‌ضـرب S در یک‌پنجـم(۲۰%)، مبلـغ دقیـق خمـس محاسـبه می‌شـود.

مبلغ خمس= ۱۰۰÷(S×۲۰)

لازم بـه ذکـر اسـت کـه در جمـع درآمـد و مخـارج و سـایر ثروت‌هـای فـرد در قالـب فرمـول ذکرشـده، بایـد احـکام خمس بـه دقّت مـورد توجّـه قرار گیـرد که این مـوارد توسّـط حاکـم شـرع یا ولی‌فقیـه یا نمایندگان آنها حسـب شـرایط افـراد انجام می‌شـود.

اسـلام، بـرای خمـس و زکات، جایـگاه ویـژه‌ای قائـل اسـت کـه برخـی از تعابیـر ارزشـمند آن عبـارت اسـت از: تکلیـف الهـی بـودن، پشـتوانه دیـن بودن، دشـمنی با امـام زمـانf در صـورت امتناع از پرداخت آن، پلی برای اسـلام، سـتون اسـلام، شـرط پذیـرش نمـاز، فرمان الهـی و ... .[1]

عَـنْ مُحَمَّـدِ بْـنِ مُسْـلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَـا قَالَ: إِنَّ أَشَـدَّ مَا فِيهِ النَّـاسُ يَوْمَ الْقِيَامَـهِ أَنْ يَقُومَ صَاحِـبُ الْخُمُـسِ فَيَقُـولَ يَا رَبِّ خُمُسِـي وَ قَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِـيعَتِنَا لِتَطِيـبَ وِلَادَتُهُمْ وَ لِتَزْكُـوَ أَوْلَادُهُـم؛ محمّدبن‌مسـلم از امـام محمّـد باقرﷺ یـا امام صـادق ﷺ چنین نقل می‌کنـد: شـدیدترین چیـزی کـه مـردم در روز قیامـت گرفتار آن هسـتند، این اسـت کـه صاحـب خمـس برمی‌خیـزد و می‌گویـد: پـروردگارا! خمس مـرا (غصـب کردند)، ولـی مـا آن را بـرای شـیعیان خـود حـلال کردیـم تا تولّـد آنها پاکیـزه و فرزندانشـان پاک متولّد شـوند».[2]

[1] - الحـرّ العاملـی، وسایل‌الشّـیعه، ج۶، ص۳۳۷ و ۳۷۶؛ محـدّث نـوری، مسـتدرک الوسـایل، ج۷، ص۲۸۱؛ شـریفی، محمـود، چهـل حدیـث خمـس و زکات، ص۵-۷۹.

[2] - وسائل الشّیعه، ج۶، حدیث ۵، از باب انفال.

اندیشه اوّلیه لزوم پرداخت خمس و زکات در اذهان مردم از مسجد شکل می‌گیرد. متولّیان امور فرهنگی مساجد و روحانیان مبلّغ، با انجام امور زیر می‌توانند این فرآیند را بهتر به مقصود برسانند:

- تبلیغ احکام و قواعد خمس و زکات به صورت بیان خطابه بر منابر و طرح آن به صورت مسئله‌ای، توسّط امام جماعت در مسجد؛
- اشاره مختصر به نحوه انجام محاسبات ساده و اوّلیه مربوط به تعیین میزان خمس و زکات اموال برای برخی مؤمنان؛
- فراگیر کردن و فرهنگ‌سازی تصدّی‌گری ائمّه محترم جماعت، برای دریافت خمس و زکات در مساجد یا به عهده گرفتن وکالت مراجع تقلید برای این منظور و حضور فیزیکی امامان جماعت در مساجد برای اجرای این امر؛
- راه‌اندازی وبلاگ، سایت و مانند آن و تهیّه و توزیع جزوه‌ها و بروشورها و مقالات و کتب حاوی احادیثی در اهمّیت خمس و زکات و استفاده از هر گونه رسانه اثرگذار در این خصوص.
- تصدّی‌گری ائمّه جماعت به عنوان روحانی کاروان‌های حجّ و تلاش بیشتر آنان در خصوص تطهیر اموال حجّاج از نظر خمس و زکات؛
- بازدید امام جماعت مساجد و برخی اعضای مسئولان مساجد از فعّالیّت‌های کشاورزان، باغداران، دامداران و کسبه بازاری در محلّ کار آنها و یادآوری پرداخت زکات و خمس؛
- حضور ائمّه جماعت و مبلّغان در منازل مؤمنان، بر حسب درخواست آنها و انجام امور محاسبه خمس سالیانه؛
- تعیین یک فاصله زمانی پیش‌فرض برای پرداخت زکات و خمس بر اساس نوع و کیفیّت فعّالیّت‌های اقتصادی محلّه منتسب به مسجد.

### ۱. همکاری سازمان‌های دولتی در دریافت زکات و مدیریت مصرفِ آن

بر اساس تشکیلات حکومتی جامعه اسلامی، برخی سازمان‌های وزارتخانه‌ای و

برخـی نهادهـای انقلابـی و دولتی مانند سـازمان بهزیسـتی و کمیته امـداد و جمعیّت هـلال احمر و ... بر حسـب وظیفه سـازمانی مجـاز به دریافت و مصرف زکات هسـتند. ایـن سـازمان‌ها بـا توجّـه تنـوّع مصـارف هزینـه و بـر اسـاس نظـرات مراجع عظـام از نظـر شـرعی و عرفـی بـه این کار مجـاز بوده و ایـن موضـوع در نظام عرفـی از جایگاه مناسـبی برخـوردار اسـت. ایـن سـازمان‌ها دارای بخـش مشـابهی به نـام واحد جذب مشـارکت‌های مردمـی هسـتند و افـراد خیّر و نیکوکار بـرای پرداخت اعانـات و برخی از انـواع زکات‌هـا بـه آن واحـد مراجعـه می‌نماینـد. واحـد مشـارکت ایـن سـازمان‌ها، پـس از انجـام تشـریفات اداری نسـبت بـه مصـرف زکات‌هـای جمـع‌آوری شـده بـر حسـب نیّـت خـاصّ یـا نیّـت عـامّ زکات‌دهنـدگان اقـدام می‌کنند.[1] بـا وجود ایـن، باز هـم مسـاجد نقـش رسـانه‌ای در تبییـن وظایـف گسـترده ایـن سـازمان‌ها دارنـد. به عبـارت دیگـر، مسـجد، بهترین مکان برای شناسـاندن این سـازمان‌ها بـه عموم مردم اسـت تـا نیکـوکاران به یـاری کمبودهـای بودجـه‌ای دولت اقـدام نماینـد و از عواقب اخـروی این امـور خیریّـه بهره‌مند شـوند.

### ۲. نقش مسجد در جمع‌آوری و سامان‌دهی زکات فطریه

مـاه رمضـان مهم‌تریـن ماهـی اسـت که مسـاجد رونـق بیشـتری دارنـد و عباداتی مثـل بیـان مسـائل شـرعی و احـکام نمـاز و روزه و خطابه‌هـا و سـخنرانی‌ها برگـزار می‌شـود. در ایـن مـاه، در بیشـتر مسـاجد، نماز جماعـت پنج‌گانـه با روحانی مسـتقرّ محلّـه و بـا حضـور مؤمنـان روزه‌دار برگزار می‌شـود. در طـول مدّت این ماه، پتانسـیل اجتماعـی قابل‌توجّهـی در مسـاجد شـکل می‌گیـرد کـه متولّیـان امـر بایـد بـه نحـو شایسـته‌ای از ایـن موقعیّـت اسـتفاده نمایند.

در روزهـای پایانـی و دهـه سـوّم مـاه رمضـان، کنجـکاوی روزه‌داران راسـتین در خصـوص نحـوه محاسـبه و پرداخـت زکات واجـب فطریه، بیشـتر می‌شـود به‌گونه‌ای که برخی از جلسـات سـخنرانی به نحوه محاسـبه و شـرح مصارف این زکات اختصاص

[1] - نگارنـده بـر اسـاس تجربیّـات اداری و سـوابق اجرایـی و مدیریتـی خـود در سـازمان بهزیسـتی و بـر اسـاس تعامـل ادارای بـا دیگـر سـازمان‌ها، پـس از جمع‌بنـدی، بـه درج ایـن سـطور مبـادرت نمـوده اسـت.

می‌یابد. این موضوع، از موضوعات ثابت و از مسائل قابل بحث همه امام جماعت در مساجد است. در واقع، با تغییرات اقتصادی در هر سال، تغییراتی در میزان و چگونگی پرداخت این زکات ایجاد می‌شود که این موضوع، خود از پویایی و به‌روز بودن موازین اسلامی و فقه پویای شارع مقدّس حکایت دارد.

فطریه، صدقه‌ای است که طبق دستور شرع باید در غروب روز آخر ماه رمضان کنار گذاشته شود و در روز عید فطر به مستحقّان داده شود.[1]

زکات فطره بر تمام کسانی که قبل از غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و غنّی باشند، واجب است؛ یعنی هر مسلمان باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، به ازای هر نفر، به اندازه یک صاع (سه کیلو) از آنچه غذای نوع مردم آن محلّ است، اعمّ از گندم و جو یا خرما یا برنج یا ذرّت و مانند اینها، به مستحقّ بدهد و اگر پول یکی از اینها را نیز بدهد، کافی است[2]

زکات فطره، به اتّفاق‌نظر علمای شیعه و سنّی واجب است و در متون دینی برای آن فلسفه و فواید متعدّدی بیان شده است. شرط قبولی روزه، تکمیل‌کننده روزه، تضمین‌کننده سلامتی جسم، پاک‌کننده روح از رذایل اخلاقی، حفظ انسان از مرگ و تکمیل‌کننده زکات مال، از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود.[3]

## ب) مسجد جایگاه دریافت و سازمان‌دهی پرداخت‌های اختیاری مسلمانان

در اقتصاد پویای اسلام که از امتیازات متعدّدی نسبت به سایر مکاتب اقتصادی برخوردار است، برنامه‌های اقتصادی دیگری در قالب پرداخت‌های اختیاری ارائه شده است. این برنامه‌ها به منزله تکمیل‌کننده اهداف ارزشمند و معنوی پرداخت‌های واجب بوده و در واقع، فرصتی عارفانه برای مؤمنان فراهم می‌کند تا در صورت داشتن توان مالی بیشتر، به انجام آنها اقدام نمایند. مسلمانان، به

---

[1] - انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج۶، ص۵۳۷۸.

[2] - مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص۳۱۲، مسئله۱۶۹۲.

[3] - کافی، ج۴، باب الفطره، ص۱۷۴؛ مستدرک وسایل الشیعه، ج۷، ابواب زکاه الفطره، ص۱۳۷؛ العروه الوثقی، ج۲، زکاه الفطره؛ وسایل‌الشیعه، ج۹، ابواب زکاه الفطره، ص۳۱۸؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، باب الفطره، ص۱۸۳.

قصد بهره‌مندی از ثواب اخروی و برای برخورداری از آثار اجتماعی و اخلاقی و دنیویِ این اعمال، به انجام آنها مبادرت می‌ورزند. این برنامه‌ها در قالب‌های متعدّد و آموزه‌های مختلفی بر مبنای تربیت مسجدی در دین اسلام ارائه گردیده است. در ادامه به برخی از آنان به صورت اختصار اشاره می‌شود:

### ۱. انفاق، کارآمدترین نمودِ اقتصاد مسجدمحور

انفاق، از ریشه «نفق» به معنی نفقه کردن، بخشیدن، احسان کردن و بخشش کردن است.[۱] انفاق، صرف کردن مال در مصارف نیکوکارانه است که اغلب مفسّران، این عمل را از نظر توزیع ثروت و کاهش محرومیّت‌های اقتصادی نگاه می‌کنند.[۲] از نظر اصطلاحی، انفاق در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، به اعطای مال یا جان و جسم در راه خدا به فقیران و نیازمندان گفته می‌شود که به حکم آیات «الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُم...»[۳] و «أَنْفِقُوا خَیْراً لِأَنْفُسِکُمْ...»[۴] انجام می‌شود و به عنوان کمال بذل است.[۵] «نفق» به همراه مشتقّات آن بیش از ۷۰ بار در قرآن با واژگان و تعابیر مختلفی آمده است.[۶]

انفاق‌ها را از منظر آیات قرآن کریم می‌توان از چند نظر دسته‌بندی کرد.[۷] مانند: انفاق‌های واجب[۸]، انفاق‌های مستحبّ[۹]، انفاق‌های حرام[۱۰].

در آیات قرآن، سفارش زیادی به انفاق شده است و برای این کار با ارائه مَثل‌هایی، پاداش و اجر معنوی زیادی مطرح شده است. قرآن می‌فرماید: «مَثَلُ

---

[۱] - نحوی، سیّدمحمّد، فرهنگ واژه‌های عربی، ص۴۱۰؛ همچنین ببینید: لسان‌العرب، ج۱۴، ص۲۴۲؛ القاموس المحیط، ج۲، ص۱۲۲۷؛ مقاییس‌اللغه، ج۵، ص۴۵۴.

[۲] - دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱۰، ص۳۹۵.

[۳] - بقره، آیه۲۶۱.

[۴] - تغابن، آیه۱۶.

[۵] - سجادی، سیّدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج۱، ص۳۲۳.

[۶] - بقره، آیه۲۶۳؛ بقره، آیه۲۶۴؛ توبه، آیه۷۱؛ بقره، آیه۲۷۱؛ همچنین ر. ک به: مائده، آیات۸ و ۵۵ و ۹۵؛ نور، آیه۲۲؛ توبه، آیه۴۱؛ بقره، آیات ۲۴۵ و ۱۷۷ و ۴۳؛ حدید، آیات۱۱ و ۱۸؛ بلد، آیه۱۴؛ انسان، آیه۸؛ نساء، آیه۸.

[۷] - ابراهیم، آیه۳۱، رعد، آیه۲۲. نحل، آیه۷۵، فاطر، آیه۲۹؛ همچنین ر.ک: الشیخ الطبرسی، تفسیر مجمع‌البیان (عربی)، ج۲، ص۶۶۰.

[۸] - مائده، آیه۸۹؛ نساء، آیه۹۲؛ حدید، آیه۱۵؛ بقره، آیات۲۳۳ و۱۸۴و ۱۹۵

[۹] - بقره، آیات۲۴۵ و۳ و۲۷۰؛ همچنین ببینید: کرمی، علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ص۸۷۳ و۸۷۴.

[۱۰] - انفال، آیه۳۶؛ نک به: کرمی، علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ج۵، ص۳۷۵.

الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبیلِ اللهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ وَ اللهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ وَ اللهُ واسِعٌ عَلیمٌ؛ مَثَلِ کسانی که اموالِ خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایش‌گرِ داناست».[1]

با توجّه به مفهوم گسترده انفاق، در شرایط ریاضت‌های اقتصادی، یکی از آموزه‌هایی که می‌تواند در خصوص رفع نیازهای طبقات متوسّط و پایین جامعه اثربخش باشد، انفاق و انواع آن است. توجّه به انواع انفاق، در قالب فعّالیّت‌های مسجدی می‌تواند موجب جلوگیری از توقّف ثروت نزد ثروتمندان شود و چرخه توزیع منابع اقتصادی با جریان منابع از طرف ثروتمندان به نفع نیازمندان، عادلانه‌تر گردد. این امر، حرکتی به سمت حماسه اقتصادی محسوب می‌شود.

## ۲. صدقه و نقش مسجد در جذب مشارکت‌های مردمی

یکی از کارکردهای اصلی که جنبه اقتصادی دارد و همه روز در مساجد انجام می‌شود؛ جمع آوری صدقات است. وجود صندوق‌های صدقه در اطراف مسجد، در داخل مسجد، جمع‌آوری مستقیم صدقه برای نیازمندان، مراجعان و ... از اهمّیت این کارکرد حکایت دارد.

قرآن کریم در آیات متعدّدی به صدقه اشاره دارد. به عنوان مثال، قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَ یَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَ أَنَّ اللهَ هُوَ التَّوّابُ الرَّحیمُ؛ آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند، توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟!»[2] بر اساس مفاهیم ارزشمندِ این آیه می‌توان گفت:

- خداوند، صدقه را خودش می‌گیرد.
- صدقه هم مانند توبه انسان را پاک می‌کند.

[1] - بقره، آیه ۲۶۱؛ ر. ک به: بقره، آیات ۳ و ۱۵۹ و ۲۷۴ و ۲۶۵ و ۲۶۷؛ تغابن، آیه ۱۶؛ انفال، آیه ۳؛ حدید، آیه ۱۰؛ آل‌عمران آیات ۱۷ و ۱۳۴ و ... .

[2] - توبه، آیه ۱۰۴.

- صدقه، را خداوند قبل از فقیر می‌گیرد.
- شرط قبولی صدقه، توبه است؛ چون در آیه، توبه مقدّم شده است.[1]

در آموزه‌های اسلامی به صدقه سفارش زیادی شده است که به عنوان نمونه برخی موارد به شرح زیر بیان می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إذَا مَاتَ الإنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إلاَّ مِنْ ثَلاَثَه؛ إلاَّ مِنْ صَدَقَه جَارِيَه، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ؛ هرگاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می‌شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه یا علمی که از آن سود می‌برند، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند».[2]

صدقه جاریه، مالی است که به نوعی، سرمایه‌گذاری شده و ثواب آن در جریان است؛ و پی‌درپی به صاحب صدقه می‌رسد. به تعبیر دیگر، صدقه‌ای است که فرد در حال حیاتش جاری ساخته است و پس از مرگش هم جریان دارد.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «ما تَقَعُ صَدَقَهُ المومِنِ فی يَدِ السّائِلِ حتّی تَقَعَ فی يدِ اللهِ تعال؛ صدقه انسان مؤمن قبل از اینکه در دست سائل قرار بگیرد، به دست خداوند می‌رسد».[3]

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «أفضَلُ الصّدَقه أن تَصَدّقَ و أنتَ صَحيحٌ شَحِيحٌ، تَأمُلُ العَيشَ و تَخشَی الفَقرَ، و لا تُمهِلْ حتّی إذا بَلَغَتِ الحُلقومَ قلتَ: لِفُلانٍ كذا و لفُلانٍ كذا، ألَا و قد كانَ لِفُلانٍ؛ بهترین صدقه آن است که در حالی که صحیح و سالم هستی و امید به زندگی داری و از تنگدستی هم هراسان باشی، صدقه بدهی، صدقه را آن قدر به تأخیر نینداز تا آنکه جان به گلوگاه برسد، آنگاه بگوئی: برای فلان این‌قدر بدهید و به فلانی آن قدر».[4]

رسول خدا ﷺ فرمودند: «خَيرُ مالِ المَرءِ و ذخائِرُهُ الصَّدَقَهُ؛ بهترین ثروت و اندوخته انسان، «صدقه» است».[5]

امام جعفر صادق ؑ فرمودند: «اِنَّ صَدَقَهَ اللّيلِ تُطفِئُ غَضَبَ الرَّبِ و تمحو الذّنبَ

---

[1] - مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، ج۸، ص۱۲۱.
[2] - نهج الفصاحه، حدیث۲۳۹.
[3] - بحارالانوار، ج۹۳، ص۱۳۴.
[4] - میزان الحکمه، ج۵، ص۳۲۶.
[5] - وسائل الشیعه، ج۶، ص۲۵۸.

العظیـمَ و تَهـوّنُ الحسـابَ و صَدقـهُ النّهـارِ تمثـر المالَ و تزیـدُ فی العُمْـرِ؛ همانا صدقه دادن در شـب، آتـش خشـم پـروردگار را خامـوش می‌کنـد، گناهـان بـزرگ را محـو سـاخته و حسـاب روز قیامـت را آسـان می‌سـازد و صدقـه دادن در روز موجـب ازدیاد مـال و طولانـی شـدن عمر می‌گـردد».[1]

پیامبـر اکـرمﷺ فرمودنـد: «خَیْـرُ مـالِ الْمَـرْءِ وَ ذَخائِـرُهُ الصَّدَقَـهُ؛ بهتریـن ثـروت و اندوختـه انسـان، صدقـه اسـت».[2]

امـام محمّـد باقـرؑ فرمودنـد: «البِـرُّ و صَدقَـهُ السِّـرِّ یَنفِیـانِ الفَقـرَ وَ...؛ نیکـوکاری و صدقـه پنهانـی، فقـر را می‌زدانیـد و ...».[3]

فعّـالان فرهنگـی مسـاجد و مبلّغـان محتـرم، بایـد در مسـاجد بـا تبلیـغ در مـورد پرداخـت صدقـه و تفسـیر برخـی از آیـات مربـوط بـه صدقـات، در تجدیـد و احیـای آن بیـش از پیـش تـلاش کننـد. هرچنـد مؤمنـان نیـز از عمـق جـان دریافته‌انـد کـه ایـن صدقه‌هـای کـم، ولـی بـا ارزش آنـان گره‌هـای بزرگـی از زندگـی مـردم را می‌گشـاید و یـک گنجینـه عظیمـی بـرای آخـرت آنهـا اسـت. بنابرایـن، می‌تـوان گفـت کـه مهم‌تریـن نـوع مشـارکت اقتصادی مؤمنـان مسـجدی، توجّه آنهـا به دادن صدقـه بـرای رفـع نیازهـای اقتصـادی نیازمندان مسـلمان اسـت و رفع ایـن نیازها از آموزه‌هـای اقتصادمسـجدی اسـت.

### ۳. قرض‌الحسنه، ابزار کارگشایی از مشکلات مسلمانان در مساجد

یکـی از تفاوت‌هـای اساسـی مکتـب اقتصـادی اسـلام بـا سـایر مکاتـب اقتصـادی، توجّـه خـاصّ بـه نیازمندان، آسـیب‌دیدگان و اقشـار ضعیف جامعه و ارائـه راهکارهای مناسـب بـا شـأن و کرامـت انسـان اسـت کـه یکـی از ایـن راهکارهـا، قرض حسـن یا «قرض‌الحسـنه» است.

«قرض‌الحسـنه» از دو واژه «قرض» و «الحسـنه» تشـکیل شـده است. قرض، یعنی

---

[1] - بحار الانوار، ج۹۳، ص۱۲۵

[2] - وسائل‌الشیعه، ج۶، ص۲۵۸.

[3] - مجلسـی، بحارلانـوار، ج۷۱، ص۸۱؛ بـرای مطالعـه احادیـث بیشـتر ر. ک بـه: وسائل‌الشّـیعه، ج۶، ص۲۵۸ و ج۱۳، ص۳۵۸؛ میـزان الحکمـه، ج۵، ص۳۲۶.

وام یـا وام دادن یـا پـاداش دادن.[1] معنای دیگـر قرض، بریدن و قطع کردن اسـت؛ زیرا فـرد قرض‌دهنـده، مقـداری از مـال خود را جـدا و بـه قرض‌گیرنده می‌دهد.[2] الحسـنه، بـه معنـای نیکـی یـا نیـک یـا نیکوسـت.[3] دادن قرض‌الحسـنه بـه طـور معمـول، در نهـادی مردمـی بـه نـام «صنـدوق قرض‌الحسـنه» انجـام می‌گیـرد. اوّلیـن صنـدوق قرض‌الحسـنه در مسـجد تشکیل شده اسـت. در صدر اسلام، در خصوص قرض‌الحسنه بـه عنـوان یکـی از شـاخص‌های مهـمّ مسـجد تـراز اسـلامی، بـرای توجّـه همه‌جانبه بـه تهیدسـتان و محرومـان اقداماتـی صـورت می‌گرفتـه اسـت.[4] یکی از کارکردهـای عبـادی مسـجد کـه بـه صـورت غیرمسـتقیم انجـام می‌شـود، تشـکیل صندوق‌هـای قرض‌الحسـنه و دسـتگیری از محرومـان جامعه در زمان مشـکلات اسـت.[5]

قـرآن کریـم در آیـات متعـدّدی، به قرض‌الحسـنه اشـاره کرده اسـت کـه ذکر همه آنهـا در ایـن مقـال نمی‌گنجـد؛ ولـی بـه عنـوان نمونـه بـه برخی از ایـن آیات اشـاره می‌شود:

قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «مَنْ ذَا الَّـذی یُقْـرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَـناً فَیُضاعِفَهُ لَـهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیـمٌ؛ کیسـت آن کـس کـه به خدا وامـی نیکو دهد تا [خـدا نتیجـه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشـی خوش باشـد؟»[6]

همچنیـن، قـرآن در جایـی دیگـر می‌فرمایـد: «مَـنْ ذَا الَّـذی یُقْـرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَـناً فَیُضاعِفَـهُ لَـهُ أَضْعافـاً کَثیـرَةً وَ اللهُ یَقْبِـضُ وَ یَبْصُـطُ وَ إِلَیْـهِ تُرْجَعُون؛ کیسـت آن کس کـه بـه [بنـدگانِ] خـدا وام نیکویی دهـد تا [خـدا] آن را بـرای او چند برابـر بیفزاید؟ خداسـت کـه [در معیشـت بنـدگان] تنگـی و گشـایش پدیـد مـی‌آورد و به سـوی او بازگردانـده می‌شـوید».[7]

در روایـات مختلفـی به سـنّت زیبای قرض‌الحسـنه اشـاره شـده و ائمّـه معصوم علیهم‌السلام

---

[1] – دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۱، ص۱۷۵۰۵.
[2] – جابری عربلو، محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، ص۱۶۴.
[3] – دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۶، ص۹۰۱۴ و ۹۰۱۵.
[4] – ر. ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، ص۱۴-۱۵.
[5] – فرهنگ مسجد، ص۲۰۶- ۲۰۵.
[6] – حدید، آیه۱۱.
[7] – بقره، آیه۲۴۵؛ برای مطالعه بیشتر در مورد آیات قرض‌الحسنه ر.ک: تغابن، آیه۱۷؛ مزمّل، آیه۲۰؛ حدید، آیه۱۸.

بارهـا بـه آن سـفارش نموده‌اند.[1]

امـام صـادق﵇ فرمودنـد: «عَلی بـابِ الْجَنّـهِ مَکْتُوبٌ: اَلقَـرْضُ بِثَمانِیـهَ عَشْـرٍ وَ الصَّدَقَهُ بِعَشْـرَهٍ؛ بـر روی درب بهشـت این‌گونه نوشـته شـده اسـت: قـرض دادن هیجـده برابر پـاداش دارد و صدقـه ده برابر.[2]

رسـول اکـرمﷺ می‌فرماینـد: «مَـنْ اِحْتـاجَ اَلَیْـه اَخُـوهُ المُسْـلِم فِی قَـرْضٍ وَ هُـوَ یَقْدِرُ عَلَیْـهَ، فَلَـمْ یَفْعَـلْ حَـرَّمَ اللهُ عَلَیْـهِ ریـحَ الجَنَّـه؛ کسـی که برادر مسـلمانش بـه او برای قـرض احتیـاج داشـته باشـد و او بـا وجود اینکـه قادر بـه پرداخت این قرض اسـت، از دادن آن امتنـاع کنـد، خداونـد بـوی بهشـت را بـر او حرام خواهـد کرد».[3]

انجـام ایـن عمـل ارزشـمند اقتصـاد اسـلامی، موجـب توسـعه اقتصـادی و تأمیـن نیازهـای مالـی و اقتصـادی مـردم شـهرها و محلّه‌ها می‌شـود. این فعّالیّت مسـجدی، انگیزه‌سـازی بـرای روحیّـه خودیـاری در مـردم و انجـام امـور داوطلبانـه اقتصادی در سـطح جامعه را باعث خواهد شـد.[4]توجّه به این سـنّت حسـنه و آموزش تعالیم آن به نمازگـزاران و حاضـران در مسـجد، در دوران مقاوم‌سـازی اقتصاد و گذشـتن از دوران ریاضت‌هـای اقتصـادی بسـیار مهـم اسـت. ایـن آمـوزه اقتصـادی در درمان بسـیاری از آفت‌هـا و اسـتثمارهای اقتصـادی جوامـع اسـلام، ماننـد ربـا مؤثّراسـت؛ زیـرا وقتی قرض‌الحسـنه مـورد توجّـه قـرار نگیرد، ربـا اقتصاد جوامـع را فرا می‌گیـرد. در صورتی کـه ربـا در آموزه‌هـای اسـلامی به شـدّت نکوهش شـده اسـت.[5]

از مهم‌تریـن کارکردهـای اقتصـادی مسـاجد کـه مسـتقیم و محسـوس اسـت، کارگشـائی از امـور فقـرا و نیازمنـدان بـه کمک قرض‌الحسـنه اسـت. بسـیار مشـاهده شـده اسـت کـه مسـجد بـه عنـوان یـک پناهـگاه بـرای فقـرا و افـراد مضطرّ اسـت و کارگشـایی از امـور مسـلمانان در آنجـا صـورت می‌گیـرد.

کارگشـایی و رفع مشـکلات نیازمندان با کمک قرض‌الحسـنه بر اسـاس آموزه‌های

---

[1] - شـیخ صـدوق، ثـواب الاعمـال و عقـاب الاعمـال، ص۴۱۴؛ همچنیـن ر. ک: شـریفی، محمـود، چهـل حدیـث قرض‌الحسـنه، ص۶.

[2] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۳۸.

[3] - بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۱۳۸.

[4] - احمدی، علی‌محمّد، نقش مسجد در اقتصاد محلّه، ص۳۶۶.

[5] - ر.ک: دسـتغیب، گناهـان کبیـره، ج۱، ص۱۹۰ـ ۱۷۹؛ آل‌عمـران، آیـات۱۲۵ و ۱۲۶؛ بقـره، آیـات۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ مجلسـی، بحارالانـوار، ج۱۰۳ ص۱۱۵؛ شـیخ صـدوق، مـن لا یحضـره الفقیـه، ج۳، ص۲۷۴.

مسجدی در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین روایات اشاره می‌شود:[۶]

امام صادق﵇ فرمودند: «ما قَضی مسْلمٌ لِمُسلمٍ حاجةً إلّا ناداهُ اللهُ تبارکَ و تَعالی علیَّ ثَوابُک و لا أرْضی لکَ بِدُون الْجَنَّهِ؛ هر مسلمانی که نیاز و حاجت مسلمانی را برطرف نماید، خدای متعال به او می‌فرماید: اجر و ثواب توبه عهده من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم شد».[۷]

امام علی﵇ از رسول گرامی ﷺ نقل می‌فرمایند: «مَنْ سعی فی حاجهِ أَخیهِ الْمؤمن فَکانَّما عبدالله تسْعَهَ الافِ سَنهٍ صائماً نَهارَهُ قائماً لیْلهُ؛ کسی که برای رفع نیاز برادر مؤمن خود، کوشش کند، مثل این است که نه هزار سال خداوند متعال را عبادت کرده در حالی که روزها روزه بوده و شب‌ها را هم شب‌زنده‌داری می‌کرده است».[۸]

امام جعفر صادق﵇ فرمودند: «قَضاءُ حاجهِ الْمؤمنِ خیرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقبهٍ و خیْرٌ مِنْ حُمْلان أَلفِ فرسٍ فی سبیلِ اللهِ؛ روا ساختن حاجت مؤمن از آزاد ساختن هزار بنده و بار کردن هزار اسب در راه خدا (فرستادن به جهاد) بهتر است.[۹]

با اندک تأمّلی مشخّص می‌شود که مساجد، همیشه مرجع طرح و بررسی مشکلات نیازمندان مختلف بوده است. مساجد، بر اساس آموزه‌هایی که از اقتصاد اسلامی گرفته است، به کمک سنّت زیبای قرض‌الحسنه همواره مکانی برای کارگشایی حاجت‌مندان خواهد بود.

## ۴. مسجد، بهترین مکان توسعه و سازمان‌دهی موقوفات

وقف، از نظر لغوی به معنی به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است و از نظر اصطلاحی، به مفهوم نگه داشتن و حبس کردن عین مِلکی بر ملک واقف آن

---

[۶] - برای مطالعه بیشتر ر.ک: بحار الانوار، ج۷۴، ص۳۱۷و۳۱۸ و۳۱۲؛ همین منبع، ج۷۲، ص۲۸۵. مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۰۷.

[۷] - بحارالانوار، ج۷۴، ص۳۱۲.

[۸] - همان، ص۳۱۵.

[۹] - اصول کافی، ج۲، ص۱۹۳، حدیث ۳؛ بحارالانوار، ج۷۱، ص۳۲۴.

[نـه ملـک خـدا] و مصرف کـردن منفعت آن را در راه خداوند اسـت[1] و بعضـی از فقهاء می‌گوینـد وقـف، حبـس عیـن مال بـر ملک خـدای تعالـی اسـت. در مـادّه ۵۵ قانون مدنـی ایـران، وقـف، به معنـی حبس عین مـال و تسبیل[2] برحسـب نیّت واقف اسـت.[3] در آیـات متعـدّدی از قـرآن، به مفهوم وقف اشـاره شـده اسـت. به عنـوان نمونه، قرآن می‌فرمایـد: «الْمـالُ وَ الْبَنُـونَ زینَـةُ الْحَیـاهِ الدُّنْیا وَ الْباقِیـاتُ الصَّالِحاتُ خَیْـرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَواباً وَ خَیْـرٌ أَمَـلاً؛ امـوال و فرزنـدان، زینـت زندگی دنیاسـت و باقیات صالحـات [آثار مانـدگار شایسـته] ثوابـش نزد پـروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر اسـت».[4]

در روایـات نیـز برآمـوزه ارزشـمند وقف تأکیـد زیادی شـده اسـت.[5] پیامبر اکرمﷺ در حدیـث مشـهوری می‌فرماینـد: «إِذَا مَاتَ الإِنْسَـانُ انْقَطَـعَ عَمَلُـهُ إِلاَّ مِنْ ثَلاَثَـهٍ: إِلاَّ مِنْ صَدَقَـهٍ جَارِیَـهٍ، أَوْ عِلْـمٍ یُنْتَفَـعُ بِـهِ، أَوْ وَلَـدٍ صَالِـحٍ یَدْعُـو لَـهُ؛ وقتی انسـان بمیرد، عمل او خاتمـه می‌یابـد، مگـر در سـه چیز: صدقـه جاریه (وقـف)، علمی که از آن اسـتفاده شـود و فرزنـد صالحـی که بـرای او دعـا کند».[6]

مسـجد، نقـش بسـیار بزرگـی در ترویـج سـنّت حسـنه و عبـادت بـزرگ وقـف و ایجـاد موقوفه‌هـای فـراوان دارد؛ موقوفه‌هـای فراوانـی کـه در اطـراف یـا در ابنیـه مسـاجد موجـود اسـت. از دیربـاز، رسـم بـود کـه بسـیاری از مسـاجد دارای، مغـازه، گاراژ، کاروان‌سـرا یـا بـازار... بوده‌انـد و هـر یـک از ایـن موقوفـات، در خدمات‌دهی به فقـراء، زوّار و بی‌پناهـان نقـش ویـژه‌ای داشـتند. بسـیاری از حوزه‌هـای علمیّـه هم از طریـق همیـن موقوفـات اداره می‌شـوند؛ مثل: حـوزه علمیّه صدر اصفهـان و ولیّ عصر تبریـز و یـا طالبیّـه تبریـز. همچنیـن، امامزاده‌هـا و حرم‌هـا موقوفاتـی داشـتند؛ مثل: موقوفـات حـرم امـام رضـاؑ و حـرم حضـرت معصومـهؑ. از نمونه چنین مسـاجدی می‌تـوان از مسـجد مقـدّس جمکـران در قـم، مسـجد امام حسـن عسـکریؑ در قم،

---

[1] – حسینی، سیّدمحمّد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص۵۵۶.

[2] – تسبیل، به مفهوم دادن چیزی در راه خیر و در راه خداوند است؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۵، ص۶۷۱۸.

[3] – دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۵، ص۲۳۲۲۶ – ۲۳۲۲۸.

[4] – کهف، آیه۴۶؛ همچنین ر. ک به: آل‌عمران، آیه۹۲؛ مزمل،آیه ۲۰؛ بقره، آیه۱۷۷.

[5] – در کتـب متعـدّد حدیثـی، ماننـد وسائل‌الشـیعه، ج۲۸ و مـن لایحضـر الفقیـه و الهدایـه بالخیـر نوشـته شـیخ صـدوق، المقنعـه نوشـته شـیخ مفیـد، اسـتبصار نوشـته شـیخ طوسـی و ... بابـی بـه نـام وقـف بـه بیـان احادیـث و روایـات مربـوط بـه آن پرداختـه اسـت کـه از بیـان آدرس دقیق‌ترهمـه آنهـا بـه هـدف اختصـار خـودداری شـده اسـت.

[6] – پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، ص۲۰۰، ح۲۳۹؛ وسایل‌الشیعه، ج۱۳، ص۲۹۲.

مسـجد طوبـی در تبریز، مسـجد مقبره در تبریز، مسـجد امام در اصفهـان و ... نام برد.

در وضعیّتـی کـه اقتصاد جامعه با روحیّات معنوی و مذهبی، نیاز به سـرمایه‌گذاری در امـور مختلـف دارد، می‌تـوان با اشـاعه فرهنگ وقـف در قالب آموزه‌های مسـجدی و توسـعه موقوفـات دارای بازگشـت سـرمایه، چرخـه اقتصـاد تحریـم شـده توسّـط دشـمنان را فعّـال نگـه داشـت و در را تحقّق حماسـه اقتصادی، برنامه‌ریـزی و فعّالیّت نمود.

یکـی از کارکردهـای مهـم اقتصـادی مسـاجد، کمـک و تبلیـغ بـرای سـاخته شـدن مسـاجد دیگر اسـت. خداوند سـبحان در مـورد بانیان مسـاجد می‌فرماید: «إِنَّمـا یَعْمُرُ مَسـاجِدَ اللهِ مَـنْ آمَـنَ بِـاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقـامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ لَـمْ یَخْشَ إِلَّا اللهَ فَعَسـی أُولئِـکَ أَنْ یَکُونُـوا مِنَ الْمُهْتَدینَ؛[1] مسـاجد الهی را تنها کسـی آبـاد می‌کند که ایمـان بـه خـدا و روز قیامـت آورده و نمـاز را برپـا دارد و زکات را بپـردازد و از چیـزی جـز خـدا نترسـد؛ امید اسـت چنین گروهـی، راه هدایـت یابند».

شـاید بتوان ادّعا کرد که بعد از سـاخته شـدن چندین مسـجد اوّلیه توسّـط پیامبر گرامی ﷺ، صحابه، ترویج مسجدسـازی در هیمن مسـاجد شـروع شـد و کار به جایی رسـید کـه امـروز هـزاران مسـجد در جـای جای دنیـا و کشـورها و شـهرها و محلّات سـاخته شـده اسـت و رسـول مکرّم اسـلام ﷺ مروّج چنیـن حرکـت اقتصادی‌ـعبادی بـود و آن را در مسـجد خـودش و در جـای جای مدینه ترویـج می‌فرمود.

در روایتـی از پیامبـر اکرم ﷺ نقـل شـده اسـت: «مَن بَنـی مَسـجِدا ولَو مَفحَـصَ قَطاةٍ، بَنَـی اللهُ لَـهُ بَیتـا فِـی الجَنَّـهِ؛ هر کس مسـجدی بنا نهد، اگر بـه اندازه خوابـگاه مرغی باشـد، خداونـد بـرای او در بهشـت خانه‌ای بنـا می‌کند».[2]

همچنیـن، آن حضـرت فرمودنـد: «مَـنْ بَنـی مَسـجِداً فِـی الدُّنیا اَعْطـاهُ اللهُ بِکُلِّ شِـبْرٍ مِنْـهُ، اَوْ قـالَ بِـکُلِّ ذِراعٍ مِنْـهُ، مَسِـیرَهَ اَرْبَعیـنَ اَلْفِ عـامٍ مَدینَهً مِـنْ ذَهَبٍ وَ فِضَـهٍ وَ دُرٍّ وَ یاقُـوتٍ وَ زُمُـرُّدٍ وَ لُؤلُـؤٍ؛ اگـر کسـی در دنیا مسـجدی بنـا کند، خداونـد در مقابل هر وجـب از آن، بـه انـدازه مسـیر چهـل هزار سـال را، شـهری از طـلا، نقـره، دُرّ، یاقوت،

[1] - توبه، آیه۱۸.
[2] - وسائل الشیعه، ج۳، ص۴۸۶.

زمـرد، زبرجـد و مرواریـد به وی می‌بخشـد».[1]
پیامبـر اعظـم ﷺ فرمـود: «مَـنْ بَنَی مَسْـجِدًا یُذْکَـرُ اللهُ فِیهِ بَنَـی اللهُ لَهُ بَیْتًا فِـی الْجَنَّهِ؛ هـر کـس مسـجدی را بـه قصـد اینکـه در آن، نـام خـدا بـرده شـود، بسـازد، بـرای او خانه‌ای در بهشـت سـاخته می‌شـود».[2]

بـر اسـاس روایـات و آیات ذکر شـده می‌تـوان گفت کـه خداوند متعال بـرای بانیان مسـجد، ایـن مؤمنان شایسـته که افتخار سـاختن خانه‌هـای خدا را دارنـد و روزبه‌روز بـر تعـداد خانه‌هـای خـدا می‌افزاینـد، اجـر و مـزد فراوانـی خواهـد داد کـه خـارج از درک و فهم بشـری اسـت. بسـیار روشـن اسـت که وقتی تعداد مسـاجد زیاد شـوند، کارکردهای اقتصادی مسـاجد در راسـتای اقتصاد اسـلامی و اقتصاد مسـجدمحور هم زیـاد و زیادتر خواهد شـد.

## ۵. نقـش مسـجد در جـذب ثلـث امـوات و هدایـت آن بـه سـمت اهـداف اقتصادی

ثلـث، بـه معنـی یک‌سـوّم چیـزی اسـت و به دودانـگ هر چیـز هم گفته می‌شـود. ثلـث، یک‌سـوّم ترکـه وصیّت‌کننـده در زمان فـوت اسـت.[3]ارث از توابع مالکیّت اسـت و اگـر مالکیّـت را نفـی کنیـم، بحـث از ارث و موضوعاتـی ماننـد ثلـث، موضوعیّـت نخواهـد داشـت و ایـن از وجـوه تمایـز نظـام اقتصـادی اسـلام با سـایر نظام‌هـا مانند مکتـب اقتصـادی سوسیالیسـتی و ... اسـت.[4] روشـن اسـت کـه بـا رحلـت اشـخاص حقیقـی، مالکیّـت آنهـا زایـل شـده، شـخص فقـط مالـک ثُلث امـوال خویش اسـت و فقـط می‌توانـد در مـورد یک‌سـوّم امـوال خـود، وصایایی داشـته باشـد.[5]افرادی که در مسـاجد حاضـر می‌شـوند، بارهـا و بارهـا تحـت تعالیـم علمـا و خطبـای مسـاجد در

---

[1] - همان.
[2] - روضـه الواعظیـن، ص۳۷۰؛ بـرای احادیـث مشـابه دیگـر در ایـن مـورد ر.ک: وسـائل الشـیعه، ج۳، ص۴۸۵؛ کنزالعمـال، ج۷، ص۴۶۹.
[3] - معین، محمّد، فرهنگ معین، ج۱، ص۱۱۹۲تا ۱۱۹۳.
[4] - مطهّری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، ص۱۵۷-۱۷۰.
[5] - موسوی خمینی، روح‌الله، رساله توضیح المسائل، احکام وصیّت، ص۳۲۹-۳۳۳.

رابطـه بـا ثلـث اموالشـان توصیه‌هایـی را شـنیده، تصمیماتـی بـرای ثلـث امـوال بعد از خـود یـا ثلـث امواتشـان و مصـرف صحیـح و عبـادی آن اتّخـاذ کرده‌انـد. در واقـع، می‌تـوان گفـت کـه مسـجد، نقـش ویـژه‌ای در هدایـت ثلـث امـوال و مصـرف صحیح آنهـا، در راسـتای عبـادت و انجـام امـور خداپسـندانه دارد و این موضـوع، یک حرکت زیبـای عبـادی و اقتصـادی اسـت. در ایـن مـورد می‌توان با سیاسـت‌گذاری مناسـب، در قالـب رفتارهـای اقتصاد مقاومتی، به سـمت خلق حماسـه اقتصادی گام برداشـت. در ادامـه برخـی راهکارهایـی کاربـردی در ایـن خصـوص مطرح می‌شـوند:

۱. حضـور امـام جماعـت مسـجد یـا برخـی متولّیـان فرهنگـی آگاه بـه مسـائل در منـازل افـراد، بـر اسـاس درخواسـت آنهـا و تنظیـم وصیّت‌نامه‌هـا در راسـتای هزینه کـردن ثلـث امـوال در مسـیر عبودیّـت و ارائـه ارشـادات و راهنمایی‌هـای لازم؛

۲. تبلیـغ و ایـراد خطابه در مسـاجد، توسّـط ائمّه جماعت و سـایر متولّیان فرهنگی مسـاجد، در خصـوص نحـوه مصـرف ثلث مـال اموات، بـا در نظر گرفتن سیاسـت‌های اقتصـاد مقاومتی و ...؛

۳. برنامه‌ریـزی جامـع در خصـوص هزینـه و مصـرف بهینـه ثلث امـوال تحویلی به خـود مسـجد (طبـق وصیّـت متوفّـی) و اقدام بـه حرکت‌های عبـادی، ماننـد صندوق قرض‌الحسـنه مسـجد، اطعـام فقـرا در مسـجد، تهیّـه تجهیـزات مسـاجد و هرگونـه احسـان در ایـن خصوص؛

۴. قبـول مسـئولیّت وصایـت افـراد توسّـط خـود مسـجد و امـام جماعت یـا برخی متولّیـان فرهنگـی مسـاجد و مدیریـت بهینـه مصرف ثلـث امـوال متوفّیان.

## » نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

بـر اسـاس مطالـب بیـان شـده می‌تـوان گفـت کـه مسـجد مهم‌تریـن مـکان برای محاسـبات اقتصادی مؤمنان در مورد فعّالیّت‌های خودشـان اسـت. مسـلمان مسجدی در فرصتـی کـه بـه هنـگام حضور در مسـاجد به دسـت می‌آورد به بررسـی و مقایسـه نحـوه عملکـرد اقتصـادی خود با موازین شـرعی می‌پردازد. مسـاجد، به عنـوان مظهر تدیّـن و نمـاد دین‌داری و تسـلیم بودن در برابر دسـتورات الهی هسـتند. می‌دانیم که دیـن اسـلام بـه عنوان کامل‌ترین دین برای سـعادت دنیوی و اخروی بشـر دسـتورات جامعـی ارائـه می‌کند.[1] یکـی از جنبه‌هـای دیـن اسـلام، توجّـه بـه امور اقتصـادی فرد و جامعـه اسـت. بـر همین اسـاس، یک فرد مسـجدی و بـه خصوص، یک فـرد بازاری کـه بیشـتر سـاعات روز در حـال داد و سـتد و انجـام معامـلات مختلف اسـت، همواره اعمـال خـود و نتایـج کردار و عملکـرد اقتصادی خـود را با الگوهـا و آموزه‌های اقتصاد مسـجدی و اقتصـاد اسـلامی مطابقت می‌دهـد و انحرافات احتمالی موجـود را برطرف می‌کنـد. بـا رفـع انحرافـات رفتـار اقتصادی افـراد (اقتصـاد خـرد)، در نهایـت اقتصاد کلّ جامعـه (اقتصـاد کلان) اصـلاح شـده و اصـول و مبانـی مـدل اقتصادی مسـجدی فراگیر می‌شـود.

تبییـن و اصـلاح شـیوه‌های الگـوی مصـرف، بـرای نیـل بـه اقتصـاد اسـلامی، بسترسـازی فرهنگـی بـرای جهـاد اقتصـادی، ارتقاء کمّـی و کیفی تولیـدات به همراه آمـوزش نحـوه رعایـت حـلال و حـرام در کسـب و کار و ترویـج کسـب و کارهـای اسـلامی در رسـیدن بـه یـک اقتصـاد مقـاوم، نقـش بسـیار مهمّـی دارنـد.

هرچنـد در ایـن نوشـتار بـه مـدل اقتصـاد مسـجدی اشـاره گردیـد، ولی بـه دلیل محدودیّت‌هـای موجـود، امـکان ارائـه و تبییـن چنیـن مدلـی بر اسـاس اصـول روش تحقیـق میدانـی، بـرای نگارنـده وجود نداشـته اسـت. نگارنـده، به صراحت پیشـنهاد می‌کنـد کـه محقّقـان دیگـر و اسـاتید علـوم اقتصـادی و علـوم اسـلامی، بـر اسـاس تحقیقـات و مطالعـات میدانـی و تتبّـع در منابـع علمـی و تخصّصـی اقتصـاد و منابـع

[1] - در تأکیـد ایـن مطلـب، قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «وَ مَـنْ یَبْتَـغِ غَیْـرَ الْإِسْـلامِ دینـاً فَلَـنْ یُقْبَـلَ مِنْـهُ وَ هُـوَ فِـی الْآخِـرَهِ مِـنَ الْخاسِـرینَ؛ و هـر کـه جـز اسـلام، دینـی [دیگـر] جویـد، هرگـز از وی پذیرفتـه نشـود و او در آخـرت از زیانـکاران اسـت»؛ آل‌عمران، آیه۸۵.

ارزشمند فقهی اسلام، به مدل‌سازی اقتصاد مسجدی اقدام نمایند تا با محوریّت مسجد و کارکردهای اقتصادی مساجد، یک الگوی عملی و کاربردی در هر دو جنبه اقتصاد خرد و کلان ارائه شود. در آن صورت است که می‌توان به تحقّق حماسه اقتصادی امیدوار بود؛ چرا که هرگونه حرکت جهشی و حماسی، به الگوهای عملی نیاز دارد. برخی پیشنهادات کاربردی در این خصوص عبارت‌اند از:

۱. ساخت سیستم مدیریت مالی یکپارچه در چهار سطح محلّه، شهر، استان و کشور یا به صورت تلفیقی برای توسعه کارکردهای اقتصادی مساجد؛

۲. تأسیس یک بانک اختصاصی اسلامی با فعّالیّت‌های مسجدی با عنوان «بانک مسجدِ...» برای همه اعمال اقتصادی واجب و مستحبّ؛ این بانک امور مربوط به وصول یا دریافت و مدیریت و انتقال وجوه و نظام‌مند کردن نحوه مصارف آنها را انجام می‌دهد.

۳. انجام کلّیه معاملات اسلامی با مدیریت وجوه به نحو گسترده به نفع مساجد؛

۴. نظارت و کنترل مستمرّ مساجد بر بازار توسّط نیروهای مسجدی و اندیشمند و صاحب‌نظر در علم «اقتصاد اسلامی»؛

۵. نظارت جزئی‌تر امام جماعت محلّات در امور اقتصادی ساکنان محلّ و ارائه راهکارهای اقتصادی در مواقع اضطراری و رفع شبهات اقتصادی؛

۶. شرکت مسئولان و متولّیان مسجدی در سطح محلّه، شهر و کشور در سیاست‌گذاری‌های بازاری و تصمیمات اقتصادی و تجاری و ارائه نظرات و راهکارهای منطبق با اقتصاد اسلامی؛

۷. استفاده از نیروهای توانمند علمی و اجرایی در سازمان‌های اقتصادی دولت و به کارگیری افراد تربیت یافته بر اساس آموزه‌های مسجدی و اقتصاد اسلامی؛

۸. استفاده از سیستم‌های جدید فنّاوری اطّلاعات برای جمع‌آوری وجوه نیکوکاران، مانند پرداخت‌های آنلاین، پرداخت‌های اینترنتی و پرداخت‌های تلفنی و ...؛

۹. ایجاد واحدهای آموزشی اقتصاد مسجدی و اقتصاد اسلامی زیر نظر امام

جماعـت مسـاجد، بـرای توسـعه و شبهه‌شـکنی مبانـی اقتصـاد مسـجدی.

۱۰. توجّـه بـه مـدل اقتصـاد مسـجدی یا الگـوی اقتصـاد مسـجدمحور و تبیین آن و توسـعه مبانـی آن بـر اسـاس تغییـرات بـه‌روز و بـا در نظـر گرفتـن پیشـرفت علم و فنّـاوری و دخالـت آن در معاملات اقتصادی مسـلمانان، موجب پویایی بیشـتر اقتصاد اسـلامی می‌شـود و ایـن جلوه‌گری‌هـای اقتصـاد مسـجدی، مسـیر اقتصـاد را بـرای تحقّـق حماسـه اقتصـادی مدّنظـر رهبر معظّـم هموار خواهـد کرد. امامـان جماعت و مسـئولان و متولّیـان فرهنگـی مرتبط با مسـاجد، بایـد با تلاش و خلاقیّـت همه‌جانبه خـود، بـه نهادینـه کـردن آموزه‌های مسـجدی، مانند قرض‌الحسـنه، انفـاق و صدقه و خمـس و زکات، ثلـث اموات و سـنّت وقـف و ... اقدام نمایند؛ به گونـه‌ای که انجام این امـور معنـوی بـه کارهـای مسـتمرّ روزانه یـا هفتگی یـا ماهانـه و ... افراد مسـجدی و کسـبه‌های مسـجدی و بازاریـان تبدیل شـود و روند جمع‌آوری و مدیریـت این وجوه، بـه صـورت کاری مسـتمرّ و منسـجم بـا نظـارت مسـاجد و بانـک مسـاجد پی‌گیری و عملـی گـردد. این امر، موجب هموارسـازی مسـیر حرکت حماسـی و تسـهیل در نیل بـه حماسـه اقتصادی و سیاسـی می‌شـود.

## » منابع و مآخذ


» قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمّدمهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۹.
» قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، قم، اسوه، چاپ اوّل، ۱۳۸۷.
» ابن بابویه، محمّدبن‌علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، متوفّای ۳۸۲ هـ ق، ۴ جلدی، چاپ قدیم، بی‌تا، بی‌نا، ۱۴۰۴ق.
» ـــــــــــــــــــــــ ثواب‌الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات رضی، چاپ دوّم، ۱۳۶۸هـ.ش.
» ابن‌منظور محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، دارالفکر، دار صار، بیروت، چاپ اوّل، ۱۴۱۰ق.
» احمدی، علی‌محمّد، نقش مسجد در اقتصاد محلّه، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چکیده مقالات همایش توسعه محلّه‌ای، تهران، ۱۳۸۳.
» اسحاقی، سیّدحسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، مرکز نشر هاجر، وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه خواهران، چاپ سوّم، زمستان ۱۳۹۰.
» اسلام‌پور، حسین، نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقّق حماسه اقتصادی، مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، تأیید شده و در حال چاپ توسّط آن مرکز، ۱۳۹۲.
» الطبرسی، الفضل‌بن‌الحسن (شیخ طبرسی)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه: کرمی علی، انتشارات فراهانی، پاییز ۱۳۷۹.
» ـــــــــــــــــــــــ مجمع البیان فی تفسیر القرآن (عربی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹هـ.ق.
» انصاری، محمّدجعفر، دیرباز، عسگری، کرمی محمّدمهدی، کرمی محمّدحسین، درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، انتشارات سمت، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
» ایزد خواه، روح‌الله، راهگشائی حماسه اقتصادی از بستر تحوّل اجتماعی، ۱۳۹۲، سایت حوزه به آدرس: www.hawzah.net
» آمدی عبدالواحدبن‌محمّد، تصنیف غررالکلم و دررالکلم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکزالنّشر، به تحقیق: درایتی مصطفی، ۱۳۶۶.
» بگ، دیوید و فیشر، استانلی و دورنبوش، رودیگر، علم اقتصاد، ترجمه: تیزهوش محمّدحسین، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
» بیانات مقام معظّم رهبری در جلسات متعدّد سخنرانی برای اقشار مختلف، قابل دسترس در: khamenei.ir
» پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ش.
» جابری عربلو، محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.
» جهانگیری سهروردی، یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، مقاله تأیید شده و در حال چاپ توسّط آن مرکز، ۱۳۹۲.
» چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم اندازی اسلامی، ترجمه: شعبانی احمد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اوّل، ۱۳۸۵.
» حر عاملی، محمّدبن‌حسن، وسایل الشیعه، دوره ۲۰ جلدی، اسلامیّه تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
» حسینی سیّدمحمّد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، سروش، تهران، چاپ سوّم، سال ۱۳۸۹.
» دستغیب شیرازی، سیّد عبدالحسین، گناهان کبیره، مجموعه دو جلدی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۴ هـ.ش.

» دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسّسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
» دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، جمعی از محقّقین مرکز.
» دهخدا، علی‌اکبر (علّامه دهخدا)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ مجلس، ۱۳۳۲ هـ.ش.
» ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ»
» ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ»
» راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمّد، المفردات، قم، مکتبه الرضویه.
» ری شهری، محمّد محمّدی، میزان الحکمه، ۱۰جلدی، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲ش.
» ساموئلسن پل، هاوس ویلیلام نورد، اقتصاد، ترجمه: علی‌رضا نوروزی، محمّد ابراهیمیان جهاندوست، ناشر مترجمان، چاپ اوّل، ۱۳۷۳.
» سجّادی سیّدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مترجمان و مؤلّفان ایران، اسفند۱۳۶۲.
» شریفی، محمود، چهل حدیث قرض‌الحسنه، نشر معروف، قم، ۱۳۸۱ ش.
» ـــــــــــ چهل حدیث خمس و زکات، قم، نشر معروف، ۱۳۷۷ هـ.ش.
» شیطان بطری، از مجموعه‌های منتشره از طرف انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی.
» صدر، سیّدرضا، استقامت، انتشارات روزبه و با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی، بی‌تا.
» صدر، شهید صدر، اقتصادنا، نرم افزار مجموعه آثار شهید صدر قدّس‌سرّه.
» ضیاءآبادی، سیّدمحمّد، موعظه راه پیش‌گیری از نفوذ شیطان در دل انسان، نشر مؤسّسه نبا، تهران، ۱۳۷۰ ش.
» طباطبایی قمی، تقی، الغایه القصوی فی تعلیق علی العروه الوثقی، کتاب الخمس، محقّق: یزدی، محمّدکاظم‌بن عبدالعظیم، انتشارات محلّاتی، قم، ۱۴۱۷ ق.
» طباطبایی محمّدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی محمّدباقر، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم)، قم، زمستان ۱۳۸۷.
» ظهیری، عبّاس، آسان‌ترین شیوه محاسبه خمس، بر اساس فتاوای مراجع عظام، امام قدّس‌سرّه، خامنه‌ای، خویی، بهجت، لنکرانی و ...، نسخهpdf، سال ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
» www.farhangnews.ir
» عبدالباقی، محمّدفؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، نوید اسلام، قم، چاپ سوّم، ۱۳۸۴.
» عمید حسن، فرهنگ عمید، انتشارات اشجع، چاپ دوّم، زمستان ۱۳۹۰.
» ـــــــــــــــــــــــ( دوجلدی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوّم، ۱۳۵۹.
» نیشابوری، محمدبن‌حسن (فتال نیشابوری، شهادت ۵۰۸ هـ ق)، روضه الواعظین، چاپ نجف اشرف، بی‌تا.
» فیروزآبادی، نجم‌الدّین محمّدبن‌یعقوب، القاموس المحیط، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵هـق.
» قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، سال ۱۳۷۸.
» کرمی فریدنی، علی، نهج الفصاحه، مجموعه فرمایشات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، انشارات حلم، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۶ ش.
» کریمیان صیقلانی، علی، خودباوری، مرکز انتشارات مؤسّسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدّس‌سرّه، قم، ۱۳۸۶ش.
» کلینی، محمّدبن‌یعقوب، اصول کافی، چاپ بیروت، لبنان، بی‌تا.
» لابی‌الحسین، احمدبن فارس‌بن زکریا، مقاییس‌اللّغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۱.
» لویس معلوف، المنجد فی اللغه والاعلام، البطع السادسه و العشرون، دارالشرق، بیروت، ۱۹۸۶م /۱۳۶۵.

» مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، فارسی، درسه جلد، نشر انتشارات علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام وابسته به دفتر معظم له، قم، ۱۳۸۴.
» ـــــــــــــــ رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، چاپ سی‌ویکم، سال۱۳۸۹.
» متقی هندی، کنزالعمال، تصحیح: صفوه سقا، چاپ اوّل، مکتبه التراث الاسلام، بیروت، ۱۳۹۷ هـ ق.
» علّامه مجلسی، بحار الانوار، چاپ تهران، ۱۱۰ جدی، بی‌تا، ۱۳۶۲ش.
» ـــــــــــــــ چاپ بیروت، مؤسّسه الوفاء، ۱۴۰۴هـ ق.
» محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد، انتشارات خجسته، چاپ بیست‌وپنجم، سال ۱۳۸۵.
» مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اوّل، تهران، سال ۱۳۸۰.
» مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، شهریور ۹۱.
» مشکینی، علی، بحثی پیرامون خمس، انتشارات یا سیر، قم، ۱۳۵۹ ش.
» معین، محمّد، فرهنگ معین (۷ جلدی)، چاپ تهران.
» ـــــــــــــــ (۶ جلدی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست‌وپنجم، ۱۳۸۸.
» مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۰ هـ.ش.
» ـــــــــــــــ چاپ بیست و هشتم، سال ۱۳۸۲.
» موسوی خوانساری، سیّداحمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النّافع، مصحح: علی‌اکبر غفّاری. مکتبه الصدوق، تهران، چاپ دوّم، ۱۳۵۵ هـ.ش.
» موسوی الخمینی، سیّدروح الله، رساله توضیح المسائل، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ هـ.ش.
» نجفی، شیخ محمّدحسن، جواهرالکلام، مشهد مقدّس، مؤسّسه الامام صاحب الزّمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۴۱۷هـ.ق.
» نحوی سیّدمحمّد، فرهنگ واژه‌های عربی، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اوّل، سال۱۳۸۶.
» نوری، حاج میرزا حسین (محدّث نوری، م۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسّسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ق.
» نیلی‌پور، مهدی، بهشت اخلاق، مجموعه‌ای سه جلدی، نشر مؤسّسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم، چاپ سوّم،۱۳۸۶ ش.
» ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ش ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مربوط به رمضان ۱۴۳۳ هـ ق و محرم ۱۴۳۴ هـ ق و رمضان ۱۴۳۴ هـ ق.
» هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، مؤسّسه فرهنگی خانه خرد، قم،چاپ اوّل، ۱۳۷۸.
» یزدی، محمّدکاظم، العروه الوثقی، ۲ جلدی، با حاشیه مراجع، نشر اسماعیلیان، قم، بی‌تا.
» انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۶.
» مطهّری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، چاپ۱۳، بهمن ۱۳۸۵.
» محمّدی نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفاسد اقتصادی، نشر نخیل، چاپ اوّل، تابستان۱۳۸۶.
» رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی علیه‌السلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ج ۷ (اقتصاد)، چاپ سوّم، ۱۳۸۵.

# فصل چهار

## کارکردهای فرهنگی و تربیتی مسجد

# نقش مساجد در توسعه و بسترسازی فرهنگی جامعه

محمّد جانی‌پور[1] و رضا شکرانی

## » چکیده

قـرآن کریـم و به‌طور کلّی، شـریعت حیات‌بخش اسـلام به عنوان رسـالتی عمومی، بـه مقولـه فرهنـگ و توسـعه فرهنگی اهتمـام ویژه دارد؛ بر این اسـاس، بعثـت پیامبر اکـرم ﷺ، یـک حرکـت فرهنگی در راسـتای روشـنگری و ایجاد تمـدّن فرهنگی بوده اسـت. فرهنـگ اسـلامی، بنـای مسـاجد را بـه عنـوان نمـاد حکومـت دینـی و مرتبط بـا مـردم مسـلمان می‌دانـد کـه این تنهـا نمونـه‌ای از کارایی مسـاجد و تلاش اسـلام بـرای توسـعه روابـط اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شـهری بوده اسـت. در حقیقت، توسـعه فرهنگـی بـه عنوان سیاسـتی کلّـی برای رسـیدن به توسـعه پایدار در سـطح جامعـه اسـلامی، موضـوع مـورد بحـث ایـن نوشـتار اسـت و نگارنـده در صـدد تبیین نقش مسـاجد در توسـعه و بسترسـازی فرهنگی جامعه اسـت. در این راسـتا، نگارنده بـا اسـتفاده آموزه‌هـای اصیـل اسـلامی و مسـتندات معتبر دینـی به تبیین و تشـریح نقـش و جایـگاه مسـاجد بـه عنـوان یکـی از عواملی کـه می‌توانـد نقش به‌سـزایی در توسـعه و تعالـی فرهنگی جامعه داشـته باشـد، پرداخته اسـت.

## » واژگان کلیدی:

مسـجد، عبـادت، دیـن، امیر مؤمنان ﷺ، جامعه اسـلامی، توسـعه فرهنگـی، تعالی فرهنگی.

[1]. دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق ﷺ ، ۰۹۱۹۵۵۶۱۳۶۵، janpoor@Gmail.com

## » مقدّمه

توسعه، به مثابه واقعیّتی مطلوب، دارای ابعاد گوناگونی است. در جهان معاصر، ارتباط‌های متقابلی که بین ابعاد مختلف توسعه، از جمله توسعه فرهنگی وجود دارد، مورد توجّه اندیشمندان و متفکّران قرار گرفته است؛ زیرا به خوبی آشکار شده که دیگر ابعاد توسعه، همچون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بدون توجّه به توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی امری دور از دسترس است؛ همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی نیز بدون رشد توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود.

نسل جوان جامعه در فرآیند توسعه، هم منشأ تحوّل است و هم بخش مهمّی از نیروی انسانی فعّال جامعه را تشکیل می‌دهد که آینده کشور را تا حدّ زیادی ترسیم و تعیین می‌کند. بنابراین، بر همه خانواده‌ها و متولّیان امور مذهبی و فرهنگی کشور لازم است که بیش از دیگر امور به این نسل توجّه نموده و برای تأمین سلامت آینده جامعه، بر روی نسل جوان، سرمایه‌گذاری کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند؛ زیرا دوران جوانی، بهترین زمان برای رشد و ترقّی در امور دنیوی و تأمین سعادت اخروی است. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «لاتَنَس صِحَتُکَ وَ قُوَتُکَ وَ فِراغُکَ وَ شَبابُکَ وَ نِشاطُکَ اِن تَطلُب بِها الاَخِرَه».[1]

با کمال تأسّف، باید گفت که نداشتن توجّه کافی به نقش و جایگاه مساجد، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و مهمّ مساجد را به شدّت کاهش داده و این کاهش، پیامدهای ناگواری، مانند گسترش تأثیرات تهاجم فرهنگی بر امّت اسلامی را به دنبال داشته است. بی‌تردید، هسته نخستین حکومت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد پی‌ریزی شد و بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در زمان پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد صورت می‌گرفت و مردم برای انجام امور مختلف در مسجد گردهم جمع می‌شدند و مرکز دیگری را برای این امور نمی‌شناختند. به این ترتیب، می‌توان گفت که مسجد، تنها یک عبادت‌گاه نیست؛ بلکه مرکزی

[1] . امام علی علیه‌السلام تندرستی و توان و فراغ و جوانی و نشاطت را برای اینکه با آن آخرت را طلب کنی، فراموش نکن؛ وسائل‌الشیعه؛ ج۱، باب ۲۰، ح۲۱.

بـرای حیـات فرهنگـی، سیاسـی و اجتماعی جامعه اسـت.

پیامبـر اعظـم ﷺ بسـیاری از شـئون حکومـت را بـر فـراز منبـرِ مسـجد اداره می‌نمودنـد. در بسـیاری از مـوارد مشـاوره‌های مربـوط بـه جنـگ، در مسـجد انجـام می‌شـد و سـپاهیان اسـلام را هنـگام اعـزام بـرای غزوه‌ها در مسـجد جمـع می‌کردند کـه همـه اینهـا بیانگـر فراگیـر بـودن نقـش مسـجد در تاریـخ اسـلام اسـت. پیامبـر گرامـی ﷺ بـا انجـام ایـن امور در مسـجد، ظرفیّت بالای ایـن مرکز دینـی را در ایجاد هم‌گرایـی و انسـجام اجتماعـی بـه مردم نشـان داده و بـر تک‌بعدی بودن دین اسـلام خـط بطلان کشـیدند.

در دوران انقـلاب اسـلامی نیـز اطّلاع‌رسـانی بـه مـردم از طریـق اعلامیّه‌هـا، سـخنرانی‌ها و پخـش نـوار از مسـجد و یـا بـه وسـیله بلندگوهـای مسـاجد صـورت می‌پذیرفـت و در حقیقـت می‌تـوان گفـت مرکـز اصلـی هماهنگی‌هـای سیاسـی و اجتماعـی بـرای برپایـی انقـلاب اسـلامی، مسـاجد بوده‌انـد.

مقـام معظّـم رهبـری در رابطـه بـا اهمیّـت و نقـش مسـاجد می‌فرمایند: «مسـجد جـای توجّـه، ذکر، نماز و جای شـناخت یکدیگـر و محلّ تصمیم‌گیری‌هـای اجتماعی و سیاسـی اسـت. اسـتفاده از مسـجد بـرای دنیـای اسـلام، فرصت مغتنمی محسـوب می‌شـود».[1]

بـا عنایـت بـه اینکه مسـاجد محلّ اصلی نشـر فرهنگ دینـی عامّه مردم در کشـور هسـتند، لازم اسـت بـرای توسـعه فرهنگـی، گام‌هـای اولیّـه را از پایگاه‌هـای فرهنگ دینـی، یعنی مسـاجد شـروع کـرد؛ زیرا تقویّـت این پایگاه‌هـا به معنای مصون‌سـازی فرهنـگ خـودی در برابـر تهاجم، شـبیخون و یا ناتـوی فرهنگی بیگانگان اسـت.

نکتـه شـایان ذکـر در رابطـه بـا رویکرد ایـن مقاله این اسـت که بـه اعتقـاد مؤلّف، مسـاجد بهتریـن مراکـزی هسـتند کـه از آنهـا می‌تـوان بـرای جـذب مـردم به‌طـور عمومـی و جـذب جوانـان، به‌طـور ویـژه اسـتفاده کـرد. اگـر دولـت اسـلامی بخواهـد مـردم را در مکان‌هـای دیگـری جـز مسـاجد سـازمان‌دهی کنـد، بایـد هزینه‌هـای فراوانـی صـرف کنـد؛ امّـا بـا بهره‌گیـری بهینـه از ایـن نهـاد غنـی دینی، جذب نسـل

[1] . مقام معظم رهبری، دیدار با شرکت‌کنندگان همایش بین المللی هفته جهانی مسجد، ۱۳۸۴/۵/۳۰.

جـوان به‌طـور کامـل عملـی، موفّـق و مقرون‌به‌صرفـه می‌شـود و دارای آثـار بسـیار مبارکـی نیـز خواهـد بود.

هـدف ایـن مقالـه بیـان کارکردهایـی اسـت کـه در توسـعه و بسترسـازی فرهنگی جامعـه اسـلامی نقـش عمـده‌ای را ایفـا می‌نماینـد. بـه همیـن منظـور، حدیثـی از مـولای متّقیـان امیـر مؤمنـان علیه‌السلام بـه عنـوان چارچـوب نظـری و مـدل تحلیلـی این نوشـتار انتخـاب شـده اسـت تـا بـر اسـاس آن، مدّعای اصلـی مقالـه را اثبـات نماییم.

## » ضرورت بحث

به نظر می‌رسد فرهنگ دارای یک لایه عمومی و کلّی باشد که برای همه جوامع و در همه زمان‌های مختلف مشترک است و از اصول و مبانی فطرت تشکیل شده است؛ چرا که فطرت به عنوان عنصری تعیین‌کننده در وضع قوانین و تعیین اصول و حدود تعاملات فرهنگی جوامع، نقش عمده‌ای دارد و همچنین، می‌دانیم که علّت گسترش ادیان نیز در واقع ارتباط عمیق و ریشه‌ای آنها با فطرت نوع بشر است. مبانی دینی نیز با تکّیه بر فطرت انسان و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای خاصّ و استقرار فضائل انسانی موجب تثبیت و رشد و تعالی فرهنگ جوامع انسانی می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ هر جامعه‌ای، آیینه دین و مذهب آن جامعه است.[1]

به هر حال، باید توجّه داشت که هرچند ارزش‌های شرعی و اخلاقی دین موجب تغییر و تحوّل در فرهنگ می‌شوند، امّا این اثرگذاری بر همه طبقات و اقشار جامعه یکسان نیست. فردی که سالیان سال در بستر فرهنگی خاصّی رشد کرده است، اکنون به سختی می‌تواند اعتقادات و تمایلات خود را هرچند نادرست، تغییر دهد. در حالی که کودکان و نوجوانان به راحتی اثرپذیر خواهند بود. به همین دلیل است که اکثر متولّیان مسائل فرهنگی به دنبال برنامه‌ریزی بر روی نسل جوان جامعه هستند.

ایجاد یک مجموعه همگن فرهنگی امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه بر روی بخش جوان و نوجوان جامعه تکیه نمود؛ چرا که انگیزه درونی این نسل به سمت فضائل ثابت انسانی که برگرفته از خصوصیّات روانی آنها است، موجب جوشش و حرکت جوامع شده و تأثیر هنجارهای فرهنگی را دو چندان می‌سازد.[2]

این مطلب بیان می‌دارد که در ساختار توسعه فرهنگی، قبل از هر چیز توجّه به مستندات دینی به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی و همچنین، توجّه به نسل جوان به عنوان مخاطبان اوّلیه این برنامه‌ها الزامی است. به عبارتی دیگر،

---

[1]. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص۱۰۸.
[2]. فروغ مسجد، ص۹۳.

هنگامـی توسـعه فرهنگـی شـکل خواهـد گرفت کـه نقش اصـول و احـکام ثابت دین و در عیـن حـال، شـمول آن بر نسـل جـوان به عنـوان پایه‌گـذاران اصلـی هنجارهای فرهنگـی در جوامـع را در نظـر گرفته باشـیم.[1]

در ایـن مقالـه سـعی بـر آن اسـت که بـر اسـاس مسـتندات و مبانی دینـی به یکی از زمینه‌هـای توسـعه فرهنگـی بـرای برطرف نمـودن معضلات فرهنگی نسـل جوان و جامعـه اسـلامی و ارائه راهکارهایـی به منظور سـامان‌دهی فرهنگی جامعـه بپردازیم.

[1]. همان، ص۹۶.

## » مفهوم‌شناسی توسعه فرهنگی

### توسعه

توسعه، یکی از مفاهیمی است که در عصر حاضر پس از فراهم شدن زمینه مساعدی برای بازگشت بشر به دین و مدخلیّت یافتن ارزش‌های اخلاقی در عرصه‌های اجتماعی، حتّی در دنیای سکولار غربی، در برخی فرهنگ‌ها دچار تغییر، تحوّل و تکامل معنایی شده است و در عصر حاضر که بعضی از آن به عصر احیاگری دینی یاد کرده‌اند، مفاهیمی همچون ارزش‌های متعالی و مبانی اخلاقی نیز به دایره عناصر اصلی توسعه راه یافته‌اند.

بدیهی است که توسعه به مفهوم متعارف با مفهوم اسلامیِ کمال‌یافتگی فرد و جامعه تفاوت دارد؛ امّا به اعتقاد برخی، در تفکّر اسلامی «توسعه دین‌محور» را با تعبیر قرآنی «حیات طیّبه»[1] می‌توان تبیین نمود.

توسعه دین‌محور، مبتنی بر عبودیّت و عدالت است و از تحوّل درونی انسان‌ها آغاز می‌گردد.[2] این تلقّی از توسعه، برهم زننده توّهم ناسازگاری پاره‌ای آموزه‌های اسلامی با توسعه، مانند تقدیرگرایی، سرزنش ثروت اندوزان، آخرت‌گرایی، توصیه به انفاق و زهد است.[3]

با این وصف، توسعه در باور دینی بر دو پایه مهمّ استوار است:

۱. نگاه همه‌جانبه به انسان و ابعاد وجودی او؛ به معنای توجّه به همه نیازهای مادّی و معنوی، علمی، عاطفی، جسمی و روحی بشر در نگاهی متعادل و نه به‌طور الزامی مساوی.

۲. محدود ندانستن زندگی انسان به حیات دنیوی و نگاه ابزاری به دنیا.

در نگاه دینی حیات انسان محدود به دوره حضور او در این دنیا نیست و انسان دارای حیات جاویدان است و زندگی دنیوی او تعیین‌کننده چگونگی زیست اخروی اوست؛ یعنی دنیا نسبت به آخرت، نقش ابزاری دارد. البتّه این سخن به معنای عدم تلاش برای آباد کردن دنیای انسان‌ها نیست و توشه آخرت را باید

---

[1]. مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَه؛ نحل، آیه۹۷.

[2]. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش۳۱، ص۹۵.

[3]. خلیلیان، محمّدجمال، اسلام و توسعه، ص۵۹.

از همیـن دنیـا برگرفـت و ایـن مزرعـه، اگر آباد نباشـد، محصولـی شایسـته از آن دِرو نخواهد شـد.[1]

## فرهنگ

بحـث دربـاره فرهنـگ[2] تعریـف، کارکردهـا و عناصـر تشـکیل‌دهنده آن، از جملـه مباحثـی اسـت کـه در چند قرن اخیـر توجّه محقّقان غربی و شـرقی را بـه خود جلب کـرده و بـه پیدایش‌هـا و تحقیقـات متعـدّدی منجر شـده اسـت. در نـگاه اوّل، به نظر می‌رسـد بحـث منسـجم و مسـتوفایی دربـاره فرهنـگ، عناصـر و کارکردهـای آن در منابـع دینـی مطرح نشـده اسـت؛ حتّی به دشـواری می‌تـوان معـادل و مترادفی برای واژه فرهنـگ در آیـات قـرآن و احادیـث معصومـان علیهم‌السلام پیدا کـرد؛ زیرا مشـخّص‌ترین واژه‌ای کـه در زبـان عربـی بـه معنـای فرهنـگ بـه کار گرفته شـده اسـت، «الثّقافه» اسـت کـه در قـرآن چنیـن واژه‌ای بـه هیچ‌وجه وجـود ندارد.

بـا ایـن حـال، اگـر با ایـن تعریـف از فرهنـگ موافق باشـیم کـه «فرهنـگ، عبارت اسـت از همـه نهادهـا، فنون، هنرها، رسـوم و سـنّت‌ها، ادبیّـات و اعتقـادات متعلّق به یـک قـوم کـه به‌طـور اکتسـابی و نیـز در جریـان آموزش‌هـای گوناگـون از نسـلی به نسـل دیگـر انتقـال می‌یابد»[3] آنگاه باید گفـت که واژه‌هایـی، مانند ملّت، سـنّت، امّت، دیـن و خلـق در پـاره‌ای از آیـات قرآن و احادیـث، در مفاهیمی نزدیک بـه مفهوم واژه فرهنـگ بـه کار گرفتـه شـده اسـت و یـا لااقلّ هر یـک از ایـن واژه‌ها، بیانگـر عنصری از عناصـر متعدّد فرهنگ اسـت.

بـه عنـوان مثـال، خداونـد متعال در آخرین آیه از سـوره حـجّ، مسـلمانان را به تبعیّت از ملّـت ابراهیـم فراخوانـده و می‌فرمایـد: «مِلَّةَ أَبِيكُـمْ إِبْراهيم»[4] و همچنین، در سـوره بقـره نیـز متذکّر می‌شـود کـه «وَ لَـنْ تَرْضـى عَنْـكَ الْيَهُـودُ وَ لاَ النَّصارى حَتَّـى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُـم»[5] کـه در ایـن آیـات، تعبیـر ملّـت از سـوی مفسّـران بـه معانی مذهـب، نحله

---

[1] . الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش۳۱، ص۹۵.

[2] . culthuer.

[3] . فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره۵، ص۴۲.

[4] . از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ حجّ، آیه۷۸.

[5] . هرگـز یهـود و نصـاری از تـو راضـی نخواهنـد شـد، (تـا به‌طـور کامـل، تسـلیم خواسـته‌های آنهـا شـوی و) از آییـن

فکـری، خواسـته‌ها و راه و رسـمی کـه در بیـن یـک قـوم معمول اسـت، اطلاق شـده است.[1]

تعبیـر ملّـت در قـرآن، گاه بـه پیامبـران اضافه شـده و گاه به اقوام خاصّـی، چون یهود و نصـاری و عـلاوه بـر ایـن دو مـورد، در پـاره‌ای دیگـر از آیات بـه طریقه بت‌پرسـتان اطـلاق شـده اسـت؛ چنان‌کـه می‌فرمایـد: «قَـدِ افْتَرَيْنـا عَلَـى اللهِ كَذِبـاً إِنْ عُدْنـا فـي مِلَّتِكُـم».[2] از همیـن جـا می‌تـوان دریافـت کـه ایـن واژه می‌تواند عناصـری از فرهنگ یـک قـوم و قبیلـه را متجلّـی سـازد؛ زیـرا مشـرکان بـدان پای‌بنـد بـوده و حاضـر بـه از دسـت دادن آن در مقابـل پیامبـران نبوده‌انـد. چنیـن چیـزی جـز مجموعـه‌ای از اعتقـادات، آداب و رسـوم یـا اخلاقیّـات منحـط و در یـک کلام، فرهنـگ مبتنـی بـر شـرک نبـوده اسـت کـه از آنهـا بـا تعبیـر ملّت سـخن به میـان رفته اسـت.

بـه ایـن ترتیب، شـاید صحیـح خواهد بـود، اگر متذّکر شـویم که واژه ملّت، بیشـتر ناظـر بـه بعـد اعتقـادی یک فرهنگ اسـت کـه ممکن اسـت ترکیبـی از عقاید صحیح و پسـندیده یـا عقاید خرافی و غلط باشـد.[3]

برخـی اندیشـمندان نیـز فرهنـگ را آمیختـه‌ای از باورهـا، اعتقـادات، ارزش‌هـا، اخلاقیّـات، رفتارهـا و مصنوعـات می‌داننـد.[4] ایـن تعریـف، تا حـدودی مشـابه تعریف دیـن اسـت کـه آن را مجموعـه اعتقـادات، اخلاقیّـات و احـکام می‌دانـد و بـه نظـر می‌رسـد از ایـن دیـدگاه، فرهنـگ بـه میزان زیـادی به مفهـوم دین نزدیک می‌شـود.

## توسعه فرهنگی

اگـر فرهنـگ را شـامل تمامـی میـراث اندیشـه‌ها، رفتارهـا و تجربه‌هـای انسـانی بدانیـم، بـه دلیـل وجـود تنـوّع و تفـاوت در شـرایط اجتماعـی جوامـع مختلـف، بـا گوناگونـی فرهنگ‌هـا روبـه‌رو می‌شـویم. بـا ایـن تعریـف، فرهنـگ هویّـت افـراد و

---

(تحریف‌یافته) آنان، پیروی کنی؛ بقره،آیه ۱۲۰.

[1]. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۳۷۳.

[2]. اگـر مـا بـه آییـن شـما بازگردیـم، بعـد از آنکـه خـدا مـا را از آن نجـات بخشـیده، بـه خـدا دروغ بسـته‌ایم و شایسـته نیسـت کـه مـا بـه آن بازگردیـم؛ اعـراف، آیـه۸۹.

[3]. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآن، ص۲۸۷.

[4]. ر.ک: مصباح یزدی، محمّدتقی، تهاجم فرهنگی، ص۱۰۴-۱۰۳.

ملّت‌ها را تشکیل می‌دهد که گاهی سیر نزولی داشته و گاهی نیز بر اثر عواملی مانند خلاقیّت و ارائه راه‌حلّ برای رفع مشکلات و معضلات، نهادینه شده و توسعه و تکامل می‌یابد.[1]

«توسعه فرهنگی»[2] یکی از مفاهیم جدید در عرصه حیات اجتماعی است و پیش از آنکه محصول رشد فرهنگی باشد، بیشتر نتیجه توسعه عمومی جوامع است. امروز، توسعه فرهنگی جزء جدایی ناپذیر توسعه پایدار و یکی از مهمّ‌ترین محورهای آن محسوب می‌شود آن چنان‌که برای سنجش میزان توسعه واقعی، میزان توسعه و ارتقاء بخش فرهنگ را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.[3]

در این میان، توجّه به رشد فکری و اخلاقی جامعه، ارتقاء علمی کشور و ایجاد روحیّه تحقیق و پژوهش، تقویّت باورهای دینی و سنّت‌های علمی، تلاش برای توسعه و اعتلای جایگاه هنر، تقویّت ارزش‌های اجتماعی و ایجاد خودباروی ملّی و بهبود و گسترش دسترسی به رسانه‌ها و فنّاوری‌های ارتباطی، مهم‌ترین مسائلی است که دست‌یابی به توسعه فرهنگی را میسّر می‌سازد.[4]

به‌طور کلّی، می‌توان اهمیّت فرهنگ را در دو جنبه بیان نمود؛ نخست، جایگاهی که فرهنگ در هویّت و موجودیّت جامعه دارد و دیگری، نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. جنبه اوّل را می‌توان اهمیّت و جایگاه فرهنگ در موجودیّت جامعه انگاشت و وجه دوّم را می‌توان اهمیّت و نقش فرهنگ در حرکت به سمت اعتلا یا انحطاط جوامع دانست.[5]

حضرت امام خمینی‌ﷺ در باب اهمیّت و ضرورت توجّه به فرهنگ سخنان گهرباری فرموده‌اند که به شرح زیر هستند:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملّت است... راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود.

---

[1]. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص۱۰۸.

[2]. Cultural development.

[3]. خلیلیان، محمّدجمال، اسلام و توسعه، ص۸۴.

[4]. حسینی‌منش، سیّد محمّدمهدی، فرهنگ، سیاست و توسعه در ایران امروز، ص۳۸.

[5]. عزّتی، مرتضی، جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی‌ﷺ، فصلنامه نامه مفید، شماره۲۰، زمستان ۱۳۷۸.

امیدواریـم بشـر به رشـدی برسـد که مسلسـل‌ها را به قلـم تبدیل کنـد. آن قدری که قلـم و بیـان در خدمـت بشـر بـوده اسـت، مسلسـل‌ها نبوده‌انـد».[1]

«بی‌شـکّ، بالاتریـن و والاتریـن عنصـری کـه در موجودیّـت هـر جامعـه دخالـت اساسـی دارد، فرهنـگ آن جامعـه اسـت. به‌طـور اساسـی، فرهنگ هر جامعـه هویّت و موجودیّـت آن جامعـه را تشـکیل می‌دهـد».[2]

«به‌طـور اساسـی، فرهنـگ اسـت کـه ویژگی‌هـای مشـترک به وجـود آورنـده یک ملیّـت را تشـکیل می‌دهـد و بـدون وجـود یـک فرهنگ واحـد، افراد تبعه یک کشـور را نبایـد یـک ملّـت نامیـد. بنابرایـن، می‌تـوان گفـت کـه اسـاس ملیّـت یـک ملّـت، فرهنگ اسـت».[3]

«اگـر فرهنگ ناصالح شـد، ایـن جوان‌هایی که تربیت می‌شـوند به ایـن تربیت‌های فرهنـگ ناصالـح، اینهـا در آتیـه فسـاد ایجـاد می‌کننـد... وقتـی فرهنگ فاسـد شـد، جوان‌هـای مـا کـه زیربنـای تأسـیس همه چیز هسـتند، از دسـت ما می‌رونـد و انگل، بـار می‌آیند».[4]

«فرهنـگ نـه تنهـا انسـان‌ها را بـه انحطـاط می‌کشـد، بلکـه می‌توانـد موجـب انحطـاط و پوچـی و در نهایـت اضمحـلال جوامـع شـود».[5]

«فرهنـگ یـک مبدأ اسـت که اعمـال انسـان‌ها و به تبع آن مسـیر تکاملـی جامعه از آن نشـأت می‌گیرد».[6]

---

[1]. صحیفه نور، ج۱۳، ص۴۴۷.
[2]. صحیفه نور، ج۱۵، ص ۱۶۰.
[3]. همان، ج۶، ص ۴۰.
[4]. صحیفه نور، ج ۱، ص۲۷۳.
[5]. همان، ج۱۵، ص ۱۶۰.
[6]. همان، ج ۱، ص۲۷۳.

## » فلسفه وجودی مسجد

در فرهنگ دینی و قرآنی، گاهی از مسجد به عنوان «بیت‌الله» نیز یاد می‌شود؛ به عنوان مثال، از قرینه آیات زیر می‌توان به این مفهوم دست یافت:

«فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال؛ (این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند».[1]

«وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُه؛ کیست ستم‌کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد».[2]

علامّه طباطبایی در کتاب شریف تفسیر المیزان می‌فرمایند: «به طور مسلّم، معنای بیوت، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده و حتّی خانه‌های پیامبران و ائمّه اطهار علیهم‌السلام نیز از مصادیق کلمه بیوت است».[3]

راز این نام‌گذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرّب می‌جویند و با عبادت خالصانه و جمعی، به سوی او ره می‌سپارند و از همین رو، قرآن کریم کعبه را که برترین خانه خدا بر روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار می‌آورد و می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمین».[4]

در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمده، به جنبه‌های عبادی آن به عنوان عنصر محوری و بنیادین در تعالی فرهنگ دینی جامعه اشاره شده و در آیات متعدّدی از قرآن کریم، مسجد، جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است که در ادامه برخی از آنها به عنوان نمونه بیان می‌شود:

---

[1]. نور، آیه۳۶.
[2]. بقره، آیه۱۱۴.
[3]. طباطبایی، سیّد محمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۱۲۶.
[4]. نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است؛ آل‌عمران،آیه۹۶.

۱. «وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً».[۱]
۲. «قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَ أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَما بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ».[۲]
۳. «الَّذِینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللهِ کَثِیراً وَ لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ».[۳]

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیات وصفی که برای مسجد ذکر شده، آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح و ستایش حقّ تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این به روشنی بیانگر این حقیقت است که رسالت اوّلیه و اساسی این مکان مقدّس در اسلام، آن است که کانون عبادت و ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

در سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز بر جنبه‌های عبادی مسجد تأکید فراوان شده است. در این زمینه، کافی است به باب احکام مسجد در کتاب‌های حدیثی مراجعه شود که مملوّ از روایات و احادیث در مورد جنبه‌های عبادی و احکام فقهی مسجد است. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که از منظر حضرات معصومان علیهم‌السلام، مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حقّ‌تعالی بوده که مؤمنان در آنجا با حضور قلب، خدای خود را پرستش می‌کنند و از آثار و برکات آن بهره‌مند می‌گردند؛ برای نمونه به سه مورد که بیانگر تأکید بر حضور در مساجد و برپایی نماز جماعت و بیان ثواب‌های مختلف آن است، اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «مَنْ صَلَّی الْخَمْسَ فِی جَمَاعَةٍ فَظُنُّوا بِهِ خَیْراً؛ هرکس نمازهای پنج‌گانه خود را در مسجد به صورت جماعت اقامه کند، پس بر او گمان

---

[۱]. و اینکه مساجد از آن خداست؛ پس، هیچ کس را با خدا نخوانید؛ جنّ، آیه۱۸.
[۲]. بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید (و بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید؛ اعراف، آیه۲۹.
[۳]. همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحقّ رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند، کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند)، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ حجّ، آیه۴۰.

نیک ببرید».[1]

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الجُلوسُ فِی المَسجِدِ اِنْتِظاراً لِلْصَلاه عِبادهٌ؛ نشستن در مسجد به انتظار اقامه نماز، عبادت است».[2]

۳. از ابوذر غفّاری نقل شده است که پیامبر به او چنین وصیّت کردند: «یا أَبَاذَر! إِنَّ اللهَ یعْطِیک مَا دُمْتَ جَالِساً فِی الْمَسْجِدِ بِکلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ دَرَجَهً فِی الْجَنَّهِ وَ تُصَلِّی عَلَیک الْمَلَائِکهُ وَ یکتَبُ لَک بِکلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ یمْحَی عَنْک عَشْرُ سَیئَاتٍ؛ ای اباذر، به درستی که خداوند به تو اعطا می‌کند، مادامی که در مسجد نشسته‌ای، به اندازه هر نفسی که می‌کشی، درجه‌ای در بهشت و ملائکه نیز بر تو درود می‌فرستند و برای تو به اندازه هر نفسی که می‌کشی، ده حسنه ثبت و ده گناه تو را پاک می‌کنند».[3]

امام خمینی قدس سره در مورد اهمیّت مسجد و نقش آن در یک حکومت اسلامی می‌فرمایند: «مسجد، یک سنگر اسلامی است و محراب، محلّ جنگ است، محلّ حرب است. این را می‌خواهند از دست شما بگیرند... در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلّی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضدّظلم تهییج می‌کرد».[4]

---

[1]. وسائل‌الشیعه، ج۸، ص۲۸۶.
[2]. بحارالانوار، ج۸۰، ص۳۸۰.
[3]. وسائل‌الشیعه، ج۴، ص۱۱۷.
[4]. صحیفه نور، ج۱۳، ص۳۶۲.

## » نقش و کارکردهای مسجد

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام، عبادت است. این واژه، در فرهنگ دینی دارای دو معناست؛ عبادت در معنای عام و گسترده، هر رفتار و کرداری را که مایه خشنودی و رضایت خداوند باشد، در بر می‌گیرد. مفهوم خاصّ عبادت، راز و نیاز نمودن با خداوند و نجوا گفتن با اوست. عبادت در این معنا اموری، مانند نماز، دعا، ذکر و تلاوت قرآن را شامل می‌شود که در این میان، نماز از شأن و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

برای پیدایش عبادتی این‌چنین، اسباب و عوامل فراوانی مورد نیاز است که برخی درونی، مانند شرایط درونی و روحی شخص عبادت‌کننده و بخشی نیز به عوامل بیرونی، مانند مکان و زمان انجام عبادت باز می‌گردد. در حقیقت، می‌توان گفت که یکی از رموز اصلی بنای مسجد در اسلام، فراهم آوردن مکانی برای کسب عوامل درونی و بیرونیِ انجام عبادت خالصانه و خداپسندانه برای خداوند است.

مسجد، از نگاهی خانه خدا است: «وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً؛ و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».[1] از نگاهی دیگر، مسجد محلّ و جایگاه پیام‌آوران بزرگ الهی و خانه همه تقواپیشگان و محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خداوند است: «قال رسول الله ﷺ: أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَى اللهِ الْمَسَاجِدُ؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بهترین مکان‌ها نزد خداوند مساجد است».[2]

به‌طور اساسی، علّت نهادن نام مسجد بر چنین مکانی از آن روست که جایگاه سجده و تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده، مظهر بندگی و کرنش کردن در برابر حقّ تعالی است و در میان تمامی عبادت‌ها حتّی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، مسجد به معنای محلّ سجده و نماز و در واقع، به معنای جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال است. مسجد، در اصل واژه‌ای عربی از ریشه (سَجَدَ) به معنی سجده‌گاه

---

[1]. جنّ، آیه۱۸.

[2]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص۳۶۳.

است. گرچه برخی آن را واژه معرَّب از لغت آرامی به نام (مزگت) می‌دانند.[1]

البتّه، مسجد در اصطلاح شرعی تعریف دقیق‌تری دارد که عبارت است از مکانی که برای نمازگزاردن همه مسلمانان وقف می‌شود و با این وصف سه ویژگی اصلی مسجد عبارت‌اند از: موقوفه بودن (در تملّک خاصّی نبودن)، عمومی بودن (عدم اختصاص به عدّه‌ای خاصّ) و اختصاص به اقامه نماز.[2]

[1]. معین، محمّد، فرهنگ لغت معین، ص۴۰۶۳.

[2]. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش۳۱، ص۹۵.

## » تبیین مدل مفهومی نقش و کارکردهای مسجد

مساجد، به عنوان مهمّ‌ترین مرکز دینی جهت انسجام بخشی نیروی انسانی جوامع اسلامی باید ارتباط و تقابل بیشتری با نسل جوان جامعه داشته باشند. با این فرض، لازم است که در اداره مساجد اعمال‌نظر مجدّد صورت گیرد؛ چرا که از این زاویه، دیگر تعریف‌مان از اهالی مسجد و آنهایی که به مسجد می‌آیند، فقط به عنوان مسلمانانی که قصد انجام عبادت دارند، نخواهد بود بلکه به آنان، مثل میهمان یا سرمایه‌های اجتماعی جامعه نگاه خواهیم کرد که احترامشان واجب است و باید بهترین امکانات و وسایل را برای آسایش و خشنودی آنان فراهم کرد.

این نوع نگاه، مستلزم مدیریّت فرهنگی مساجد است که حسّاسیّت زیادی روی مخاطبان خود دارد و تمام سرمایه گذاری اصلیش بر روی مخاطبان و جذب آنان است. مدیریّت فرهنگی در این معنا کارکردمحور است و برای هر چیزی کارکردهای خاصّ آن را تعریف می‌کند. در رابطه با مسجد و نوع کارکردهای آن آیات و احادیث مختلفی وجود دارد که در راستای هدف این مقاله سعی کرده‌ایم روایتی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام را به عنوان چارچوب تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم.

مولای متقیّان علی علیه‌السلام در حدیثی، کارکردهای مسجد را چنین بر می‌شمرند:

«مَنِ اخْتَلَفَ إِلَی الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَی الثَّمَانِ؛ اَخاً مُستَفاداً فِی الله، اَو عِلماً مُستَطرَفاً اَو آیَةً مُحکَمَةً اَو یَسمَعُ کَلِمَةً تَدُلُّ عَلی هُدیً، اَو رَحمَةً مُنتَظَرَةً، اَو کَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن ردی، اَو یَترُکَ ذَنبا خَشیَةً اَو حَیاءً؛ کسی که به مسجد رفت‌وآمد می‌کند، یکی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا یا علم و دانش نو یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید] یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود] یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود] یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد [می‌شنود] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند».[1]

با بررسی دقیق این روایت ارزشمند درمی‌یابیم که امام علی علیه‌السلام به فلسفه

[1] . وسائل‌الشیعه، ج۳، ص ۴۸۰.

وجـودی و هـدف اصلـی از تأسـیس مسـجد اشـاره‌ای ندارنـد، بلکـه تنهـا تعـدادی از کارکردهـای مسـجد را بـرای هر انسـان مسـلمانی که به مسـاجد رفت‌وآمـد می‌کند، بیـان کرده‌انـد. در واقـع آنچـه حضرت در ایـن روایت بیـان می‌کنند، مطلبـی فراتر از اهـداف اوّلیّـه حضـور در مسـجد و به نوعـی نتایج ثانویّه آن اسـت. این معنـا از تأمّل و تعمّـق در قسـمت ابتـدای حدیث کـه می‌فرمایند: «مَـنِ اخْتَلَـفَ إِلَى الْمَسَـاجِدِ أَصَابَ إِحْـدَى الثَّمَـانِ» به‌طـور کامـل روشـن می‌گردد.

در رابطه با برخی لغات این حدیث لازم است چند نکته بیان شود:

نکتـه اوّل: اخْتَلَـفَ دلالـت بـر تنـوّع و اسـتمرار دارد؛ بررسـی لغوی نشـان می‌دهد که «اخْتَلَـفَ» از مصـدر (خَلَـفَ) بـه معنـای تنـوّع و گونه‌هـای مختلـف و متنـوّع اسـت. اخْتَلَـفَ الـی المـکان، یعنی بـه آن مکان رفت‌وآمد کرد.[1] «خِلفه»، بکسـر اوّل و سـکون ثانـی در جایـی گفتـه می‌شـود کـه یکـی از پـی دیگـری در آید؛[2] مثـل «وَ هُـوَ الَّـذِی جَعَـلَ اللَّیْـلَ وَ النَّهـارَ خِلْفَـةً لِمَنْ أَرادَ أَنْ یَذَّکَّرَ أَوْ أَرادَ شُـکُوراً؛ و او همان کسـی اسـت کـه شـب و روز را جانشـین یکدیگـر قرار داد؛ برای کسـی کـه بخواهد متذکّر شـود یا شـکرگزاری کند».[3]

نکتـه دوّم: «الْمَسَـاجِدِ»، چـون بـه صـورت جمـع بـه کار رفتـه اسـت، بـه نظـر می‌رسـد بیانگـر تعـدّد و تنـوّع باشـد؛ یعنـی مسـاجد مختلـف هـر یـک بـه تناسـب شـرکت‌کنندگان در نمـاز، شـخصیّت امـام جماعـت و برنامه‌هایـی که در آنجـا برگزار می‌گـردد، دارای برخـی از ایـن کارکردهـا هسـتند و چـه بسـا شـرکت در مسـاجد مختلـف، بهـره بیشـتری از ایـن کارکردهـا را نصیـب انسـان نمایـد.

نکتـه سـوّم اینکـه: عبـارت «أَصَـابَ إِحْـدَى الثَّمَـانِ»، یعنـی بـه یکـی از ایـن هشـت مـورد خواهـد رسـید. بنابرایـن، مفهـوم ایـن جمله آن اسـت که شـاید فرد مسـجدی بـه برخـی یـا بـه اکثـر ایـن امـور دسـت نیابـد. اینکه حضـرت این هشـت مـورد را به صـورت گزینه‌هـای محتمـل مطـرح نموده‌انـد، ایـن فرضیّـه را قـوّت می‌بخشـد کـه

---

[1] . مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی ـ فارسی، ص۲۱۷.

[2] . راغـب اصفهانـی، حسـین‌بن‌محمّد، المفـردات فـی غریـب القـرآن، ص۲۹۴؛ قرشـی، سـیّد علی‌اکبـر، قامـوس قـرآن، ج۲، ص۲۸۵.

[3] . فرقان، آیه۶۲.

هیـچ یـک از ایـن امـور جـزء اهـداف ذاتی بنـای مسـجد نیسـتند؛ بلکـه کارکردهایی هسـتند کـه در پـی آن اهـداف و بـه صـورت عرضی حاصـل می‌گردنـد. البتّـه، امکان حصـول این هشـت مـورد به صورت تامّ و توأمان نشـانه کمال مسـجد اسـت و کمیّت (دسـت‌یابی بـه همـه یا بعضـی از آنهـا) و کیفیّـت (میزان برخـورداری از هـر یک) به ظرفیّـت وجـودی و قابلیّت انسـان وابسـته اسـت.

بنابرایـن، از جملـه حضـرت کـه فرموده‌انـد: «أَصَـابَ إِحْـدَی الثَّمَـانِ»، ایـن مفهوم را می‌تـوان برداشـت نمـود کـه مسـاجد در وضـع مطلـوب، بایـد این هشـت کارکـرد را داشـته باشـند تـا هـر کسـی متناسـب بـا سـطح معرفتـی و نیـاز سـلوکی خـود یکی از آنهـا را از مسـجد اخـذ نمایـد. بنابرایـن، از نگاهـی ایـن روایـت را می‌تـوان مبنایـی بـرای سیاسـت‌گذاری و برنامه‌ریـزی بـه منظـور ارتقـاء کارکردهـای حقیقی مسـاجد بـه شـمار آورد و در مرحلـه بعـد بـا عزمـی راسـخ و همّتـی مجّدانه در جهت رسـیدن مسـاجد بـه این شـرایط تـلاش نمود.

جامعـه از منظـر کلان دارای سـه بنیـان اسـت:[1] فرهنگ، اقتصـاد و سیاسـت. ایـن وصـف کارکردهـای هـر موجودیّـت اجتماعـی را می‌تـوان از ایـن سـه منظـر بررسـی نمـود. بـا دقـت در هشـت کارکرد مذکـور، درمی‌یابیـم که همـه این مـوارد، فرهنگی هسـتند و ناظـر به رشـد و تعالـی فرهنگ جامعه دینی اسـت. البتّه، پرواضح اسـت که تمامـی ایـن مـوارد با نـگاه دین‌مدارانه به‌طور مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم در بخش‌های اقتصـاد و سیاسـت جامعـه تأثیـر قطعـی دارند که بحـث پیرامـون این امـر از موضوع این نوشـتار خارج اسـت.

فلسـفه وجـودی مسـجد همـان اقامـه نمـاز و قرائـت قـرآن اسـت. بدیهـی اسـت که مسـجد در وهلـه اوّل و بالـذّات، بـرای اقامه نماز و قرائت قرآن وضع شـده اسـت؛ «إِنَّمَا نُصِبَـتِ الْمَسَـاجِدُ لِلْقُـرْآنِ؛ بـه درسـتی کـه مسـاجد، تنهـا بـرای قرائت قـرآن تعیین شـده‌اند».[2] امّا ایـن هـدف مقـدّس و عالـی، کارکردهایـی دارد کـه راه‌حـلّ بسـیاری از معضـلات امـروز افـراد جامعـه، به‌ویـژه جوانـان اسـت. عبـارات امیر مؤمنـان علیه‌السلام را

[1] . ر.ک: پورعزت، مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، ۱۳۸۷.
[2] . طوسی، ابوجعفر محمّدبن‌حسن، تهذیب الأحکام، ج۳، ص۲۵۹.

می‌توان زیر کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، علمی، آموزشی، اعتقادی، تربیتی و هدایتی مساجد طبقه‌بندی نمود که می‌توان مدل آن را چنین ترسیم کرد:

### مدل شماره ۱: اهداف و کارکردهای مسجد

از آنجا که در این مجال به دنبال بیان نقش مسجد به عنوان یکی از عواملی که می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه فرهنگی جامعه داشته باشد، هستیم، با تأکید بر روایت امام علی(ع) به بحث تفصیلی درباره کارکردهای مسجد خواهیم پرداخت.

#### یافتن دوستان الهی

هیچ انسانی در زندگی اجتماعی خویش از دوستان خوب بی‌نیاز نیست. دوست خوب معین و یاور انسان در طی راه سعادت، کمال و مصاحب او در عرصه بروز مشکلات و سختی‌هاست. مشکلاتی که لازمه اجتناب‌ناپذیر عالم بشری و زندگی اجتماعی است و هیچ انسانی هر قدر هم که توانا و نیرومند باشد گریزی از آنها ندارد، بنابراین، مسأله دوست‌یابی و اینکه انسان دوستان صمیمی و همدل خویش را از میان چه افرادی برگزیند، از اهمیّت خاصّی برخوردار است.

یکی از مراکزی که در روایات به عنوان کانون یافتن دوستان خوب و صمیمی مطرح شده است، مسجد است. در روایتی از امام صادق(ع) چنین بیان شده است که: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلَّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللهُ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا وَ إِمَّا أَخٌ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ کسی که با مسجد انس دارد، حداقل یکی از توفیقات زیر نصیب او خواهد شد: یا اینکه موفّق به دعایی می‌شود که خداوند به برکت همان دعا او را به بهشت می‌برد یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن، بلای دنیا را از وی دور می‌کند یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر الله استفاده می‌کند».[1] سپس حضرت برای بیان میزان اهمیّت دوستان الهی

[1]. بحار الأنوار، ج۸۱، ص۴.

و نقش آنها برای انسان، به نقل از پیامبر اکرم ﷺفرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَهِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي الله؛ هیچ فایده‌ای برای انسان مسلمان پس از فایده اسلام، مانند برادری که در راه خدا می‌یابد، نیست».[1]

در حدیث امیر مؤمنان علی علیه‌السلام از مسجد به عنوان مرکز یافتن برادران دینی که انسان را در مسیر خداوند یاری می‌دهند، یاد شده است. دلیل این امر این است که مسجد به‌طور عمومی، محلّ اجتماع و رفت‌وآمد انسان‌های برگزیده، صالح و تقواپیشه است. چنان‌که در روایت دیگری نیز بر این امر تأکید شده که بر اساس آنها می‌توان ویژگی‌های زیر را برای انسان‌های مسجدی استخراج نمود:

### داشتن ایمان و تقوا

در روایات آمده است که مسجد، خانه پرهیزگاران است و اگر کسی مداومت بر حضور در مسجد داشته باشد، به مصداق آیات قرآن و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، اهل ایمان است. قطب راوندی از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل می‌کند که: «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحَهِ وَ الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ؛ مساجد، خانه انسان‌های متّقی است و خداوند متعال، رحمت و راحت و عبور بر صراط را برای آنان که مساجد را خانه‌های خویش قرار داده‌اند، ضمانت نموده است».[2]همچنین، «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِالله؛ هنگامی که دیدید مردی بر رفت‌وآمد به مسجد مداومت دارد، وی را مؤمن بدانید که خداوند متعال فرموده است: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند».[3]در اینجا منظور از رفت‌وآمد همان مداومت داشتن و حضور در نماز جماعت است و پر واضح است که چنین حضوری ناشی از علاقه بوده و بنابراین، متولیّان امور مساجد باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مسجد، جذابیّت بیشتری برای نسل جوان داشته باشد و جوانان احساس کنند با حضور در مسجد علاوه بر افزایش

---

[1]. همان.
[2]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص: ۳۶۳.
[3]. همان.

ایمـان و تقـوای فـردی، بـه فرصت‌هـای دیگـری نیـز دسـت پیـدا خواهند کـرد که از جملـه آنهـا یافتن دوسـتان خـوب و حضـور در جمع مؤمنان اسـت.

### الگوهای اجتماعی مناسب

جوانـان، بـا توجّـه به قـرار گرفتن در مقطعی حسـاسّ از زندگی خویـش، در مرحله رشـد و شـکل‌گیری شـخصیّت هسـتند؛ بنابرایـن، الگوهایـی را جسـت‌وجو می‌کننـد تـا مسـیر رشـد خـود را تعریـف و طـی نماینـد و نیاز بـه الگوهـای اجتماعی از سـوی جوانـان زمینـه را بـرای شـکل‌گیری و عرضـه الگوهـای نامناسـب و تهاجـم فرهنگـی بیگانـگان از ایـن طریـق فراهـم می‌نمایـد. بـا ایـن وصـف، یکـی از راه‌های ایمـن نگاه داشـتن جوانـان از آسـیب هـای مختلف اجتماعـی، معرّفی الگوهای مناسـب و سـالم به ایشـان اسـت.

بـا توجّـه به روایـات مختلفی که از ائمّه اطهار ﷺ پیرامون انسـان‌های مسـجدی بیان شـده اسـت، بـه این نتیجه می‌رسـیم کـه آنـان می‌توانند نمونـه و الگوهـای اجتماعی خوبـی بـرای معرّفـی بـه جوانـان باشـند. امـام صـادق ﷺ انسـان‌های مسـجدی را از برتریـن و برگزیـدگان جامعـه معرّفـی نمـوده و چنین می‌فرماینـد: «لَا يَأْتِي الْمَسْـجِدَ مِـنْ كُلِّ قَبِيلَـةٍ إِلَّا وَافِدُهَـا وَ مِـنْ كُلِّ أَهْـلِ بَيْـتٍ إِلَّا نَجِيبُهَـا؛ از هـر جمعـی تنهـا آنان کـه در فضایـل از همـه برترنـد و به منزلـه الگو برای گروه خویش هسـتند، به مسـجد می‌آینـد و از اهـل هـر خانـه‌ای، تنها برگزیـدگان آنهـا به مسـجد می‌آیند».[1]

نکتـه‌ای کـه در ایـن حدیـث و همچنیـن در حدیـث امیـر مؤمنان ﷺ قابـل توجّه اسـت، عبـارت «فی الله» اسـت. همچنان که بر اسـاس آیـات و روایات دیگـر این‌گونه اسـتنباط می‌شـود کـه جهـاد «فـی الله» از جهـاد «فـی سـبیل الله» افضـل اسـت.[2] این‌گونـه بـه نظر می‌رسـد که دوسـتان «فی الله» از دوسـتان «فی سـبیل الله» برترند و عبـارت «فـی الله» اشـاره بـه مرتبـه کامل‌تـری از خلـوص نیّـت و توجّه بـه خداوند است.[3]

---

[1]. بحار الأنوار، ج۸۱، ص۴.
[2]. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج۱۱، ص۱۲۸.
[3]. بحارالانوار، ج۷۱، ص۲۷۵ و ج۷۳، ص۳۱۱ و ج۸۱، ص۱ و ج۸۹، ص۱۹۶.

جوانمـردی و بزرگـواری نیـز یکـی دیگـر از خصوصیّاتی اسـت که در باب دوسـت‌یابی بایـد به‌طـور کامـل مورد توجّـه قرار گیـرد. در کوران حـوادث، این دوسـتان غیرتمند و جوانمـرد هسـتند کـه مدافـع انسـان و یـاور او خواهنـد بـود. در روایـات یکـی از خصوصیّـات انسـان‌های مسـجدی را جوانمـرد بـودن آنـان ذکـر کرده‌انـد و حضـور یافتـن در مسـاجد یکـی از لـوازم مـروّت و جوانمـردی بـه شـمار رفته اسـت. رسـول اکـرم ﷺ می‌فرماینـد: «سِـتَّةٌ مِـنَ الْمُـرُوَّهِ ثَلَاثَـةٌ مِنْهَـا فِـی الْحَضَـرِ وَ ثَلَاثَـةٌ مِنْهَـا فِی السَّـفَرِ فَأَمَّـا الَّتِـی فِـی الْحَضَـرِ فَتِـلَاوَهُ کِتَـابِ اللهِ تَعَالَـی وَ عِمَـارَهُ مَسَـاجِدِ اللهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْـوَانِ فِـی اللهِ عَـزَّ وَ جَـلَّ وَ أَمَّا الَّتِی فِی السَّـفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ حُسْـنُ الْخُلُـقِ وَ الْمِزَاحُ فِـی غَیْـرِ الْمَعَاصِـی». بـر اسـاس مضامیـن ایـن روایـت می‌تـوان گفت که شـش چیز از نشـانه هـای جوانمـردی اسـت که سـه چیـز آن مربـوط به هنـگام حضـور و اقامت اسـت و سـه چیـز آن مربـوط بـه سـفر اسـت. از جمله نشـانه‌هایی کـه در ایـن روایت بـرای جوانمـردی بیان شـده اسـت، آباد کردن مسـاجد الهی و یافتن دوسـتانی اسـت کـه انسـان را در مسـیر الله یـاری کنند.

همچنین، در برخی روایات یکی از راه‌های شـناخت دوسـت خوب و ملاک تشـخیص آن، محافظـت بـر نمـاز ذکر شـده اسـت کـه فضیلـت آن در جماعـت و تجلّـی‌گاه اتمّ و اکمـل آن در مسـجد اسـت. چنان‌کـه در روایتـی بـه نقـل از امام صـادق ﷺ چنین آمـده اسـت: «اخْتَبِـرُوا إِخْوَانَکُـمْ بِخَصْلَتَیْـنِ فَـإِنْ کَانَتَـا فِیهِـمْ وَ إِلَّا فَاعْـزُبْ ثُـمَّ اعْزُبْ ثُـمَّ اعْـزُبْ مُحَافَظَـهٍ عَلَـی الصَّلَوَاتِ فِـی مَوَاقِیتِهَـا وَ الْبِـرِّ بِالْإِخْوَانِ فِی الْعُسْـرِ وَ الْیُسْـرِ؛ بـرادران خـود را در زمینـه دو خصلت آزمایـش کنید؛ اگر این دو خصلـت را دارا بودند (بـه دوسـتی و رفاقـت با آنـان ادامه دهید) و گرنـه از آنان دوری کنیـد؛ آن دو خصلت عبـارت اسـت از: مراقبـت بـر نمـاز در وقـت و احسـان و نیکـی بـه بـرادران در حالت تنگدسـتی و گشایش».[1]

[1]. الکافی، ج۲، ص۶۷۳.

از جملـه دیگـر کارکردهـای مسـجد که از حدیث امیـر مومنان علی(ع) قابل اسـتخراج اسـت، مسـأله توسـعه علم و دانش اسـت و آدمی همواره به کسـب دانش جدید نیازمند اسـت. چنان‌کـه آن حضـرت نیـز در کلام دیگـری بـر این نیـاز طبیعی و ضـرورت طرح مباحـث جدیـد در میان مسـلمانان اشـاره کـرده و می‌فرماینـد: «إِنَّ هَـذِهِ الْقُلُـوبَ تَمَلُّ كَمَـا تَمَـلُّ الْأَبْـدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكَمِ؛ به درسـتی که قلوب نیز خسـته می‌شـوند؛ همچنـان کـه اجسـام شـما خسـته و رنجوز می‌شـوند؛ پس بـه دنبال حکمت‌هـای نو و تـازه باشـید».[1] البتّـه، نقـش و جایگاه مسـجد در رشـد و بالندگی سـطح دانـش جامعه اسـلامی در طول تاریخ بر کسـی پوشـیده نیسـت. مسـجد، به عنوان محور اصلی درس و بحـث در مـورد آیات الهی، سـخنان پیشـوایان دین و مذهب، علمـا و حکمای هر عصر بـوده و پیش‌تـر از آنکـه مـدارس بـه شـکل امروزی سـامان یابند، مسـجد مرکـز اصلی علمـی جامعه اسـلامی به شـمار می‌رفته اسـت.

در طـول تاریـخ اسـلام نیـز بـه علّـت حجـم گسـترده آموزش‌هایی که در مسـاجد ارائه می‌شـده اسـت، شـاهد شـکل‌گیری پدیده مسـجد- مدرسـه هسـتیم که موجب شـکوه مذهبـی، علمـی، پـرورش اسـتعدادها و بـروز خلاقیّت‌هـای فراوانـی در جامعه اسـلامی شـده است و بسـیّاری از اسلام‌شناسان مسلمان و غیرمسـلمان نیز رساله‌های متنوّعـی در ایـن مـورد نوشـته‌اند. آنچـه که در کتـب تاریخی از آن تحـت عنوان «دار القـراء» یـا خانـه قاریان قرآن یاد می‌شـود، اشـاره بـه این موضـوع دارد.[2]

از نخسـتین روزهـای ترویـج اسـلام، تعلیـم و تعلّـم بـا مسـجد ارتبـاط تنگاتنـگ داشـته و ایـن امـر بـا درک و یادگیـری فرمایش‌هـای پیامبـر اسـلام(ص) آغاز شـده و مسـجد بـه عنـوان کانون همبسـتگی مسـلمانان، بـه دنبال تحکیـم پیوندهـا و تبادل آراء در امور دینـی مسـلمانان بـوده اسـت.

نهضـت نبّـی اکـرم(ص) با فرمـان به خوانـدن، «اقْـرَأْ بِاسْـمِ رَبِّـکَ الَّـذِی خَلَـقَ... الَّذِی عَلَّـمَ بِالْقَلَـمِ* عَلَّـمَ الْانسَـانَ مَـا لَـمْ یَعْلَـم؛ بخـوان به نـام پـروردگارت که (جهـان را)

[1]. نهج البلاغه، حکمت۹۱.
[2]. ر.ک: مکّی سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص۱۳۲.

آفریـد... همـان کسـی که به وسـیله قلـم تعلیم نمود و به انسـان آنچه را نمی‌دانسـت، یـاد داد»[1] آغـاز شـد و آن حضـرت مبارزه بـا نادانی را رسـالت خود قـرار داده و ویژگی ندانسـتن جامعـه آن دوران را بـه آگاهـی، بینش و دانش مبدّل کـرده و موجی از افکار و اندیشـه‌های الهـی را در جامعـه ایجـاد نمود که شـور و نشـاط علمـی را برانگیخته و بـه دانـش و آموختن بهائـی دیگر داد.

در فضـای داخلـی مسـجد، همان‌گونـه کـه محراب نمـاد کارکـرد عبادی اسـت، منبر نیـز نمـاد کارکـرد آموزشـی بـوده و مؤیّد انتقـال آموزه‌های دینی از سـوی خـدا برای بشـر به واسـطه رسـول یا امام اسـت. همچنین، در کنار نقش ثابت آموزشـی مسـاجد کـه ماننـد یـک نهـاد آموزشـی محـلّ تشـکیل کلاس درس و بحث علمی بوده اسـت، بـه صـورت پراکنده نیز مسـاجد این نقـش را می‌توانند در قالبی دیگر داشـته باشـند. بـه عنـوان مثـال، مراجعـه مـردم و جوانان به امـام جماعت یـا مدرّسـان دروس دینی می‌توانـد در همیـن حـوزه ایفـا نقـش کنـد. ایـن برنامه‌هـا هـر چنـد کـه بـه صـورت پراکنـده و غیرثابـت هسـتند، امّـا بخـش عمـده از کارکردهـای آموزشـی را در عصـر حاضـر بـه عهـده دارنـد. پیامبر گرامـی اسـلام ﷺ می‌فرمایند: «يَـا أَبَـا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِـي الْمَسْـجِدِ لَغْـوٌ إِلَّا ثَلَاثَةً قِـرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَـائِلٌ عَـنْ عِلْمٍ؛ ای اباذر، هـر نشسـتنی (اضافـی و بیهـوده) در مسـجد لغـو اسـت، مگـر بـرای سـه چیـز؛ برای اقامـه نمـاز یـا ذکر خداونـد متعال یـا پی‌جویـی از مسـائل علمی».[2]

جملـه پایانـی ایـن حدیـث به روشـنی نشـان می‌دهد کـه مسـجد در اسـلام، جایگاه گفت‌وگوهـای علمـی اسـت. همچنین، از عبارت «مُسَـائِلٌ عَنْ عِلْـمٍ»، چنین بر می‌آید کـه لازم نیسـت علومـی که در مسـجد مـورد بحث و گفت‌وگـو قرار می‌گیرنـد، به‌طور حتـم دانش‌هـای دینـی باشـند، بلکـه هر دانش سـودمندی اگـر یـاد دادن و آموختن آن از نظر شـرعی با اشـکالی روبه‌رو نباشـد، می‌تواند در مسـجد مورد بحث و بررسـی قـرار گیـرد. البتّـه تردیدی نیسـت که پرداختـن به مسـائل دینی همچـون یادگرفتن احـکام شـرعی و آمـوزش علـوم قرآنـی افـزون بـر آنکـه بـه خـودی خـود از اهمیّـت

[1]. علق، آیات۳-۱.
[2]. وسائل‌الشیعه، ج۴، ص۱۱۵.

والایی برخوردار است، با موقعیّت مسجد نیز سازگارتر است؛ امّا آن چنان‌که در روایت ذیل آمده است، علم ارزشمند در نظر پیامبر اکرم ﷺ آن است که دانستنش نفعی را درپی داشته باشد و ندانستن آن مایه ضرر و زیانی برای مسلمانان باشد. در حدیثی از آن حضرت چنین نقل شده است: «دَخَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا؟ فَقِيلَ عَلَّامَةٌ، فَقَالَ وَ مَا الْعَلَّامَةُ؟ فَقَالُوا لَهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ: ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهِلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عَلِمَهُ؛ هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ وارد مسجد شدند، پس مشاهده کردند که جماعتی از مردم بر گرد مردی نشسته‌اند. پرسیدند: این فرد کیست؟ گفته شد: دانشمند است. پرسیدند: دانشمند چیست؟ گفتند او علم انساب عرب و تاریخ و سرگذشت ایّام جاهلیّت و اشعار عرب را می‌داند. پس پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: این علمی است که هر کس نداند ضرر نکرده و هر کس بداند برای او نفعی نیست».[1]

همچنین، از عبارت «علماً مستطرفاً» که در حدیث امیر مؤمنان علی ؑ نیز گذشت، این‌گونه برداشت می‌شود که مسجد، کانون گرم مباحث علمی است و حرف‌های نو و تازه در تمام زمنیه‌ها از جمله علوم و معارف اسلامی در آنجا مطرح می‌شود و ناگفته روشن است که این مهمّ به واسطه اهتمام اهل مسجد و امام جماعت می‌تواند به وجود آید تا مسجد را از هر نظر مکانی فرهنگی، آموزشی، فعّال و سازنده نمایند؛ چرا که مطرح نمودن حرف‌های نو و مفید پیرامون معارف اسلامی در مسجد آنگاه امکان‌پذیر است که عالم دینی به بیان مقام معظّم رهبری حظّی از علم، بیان، معرفت و مردم‌داری داشته باشد تا بتواند در هر نقطه، مثل شمعی مردم را اداره کند.[2]

### تقویت بنیان‌های اعتقادی

در حقیقت یکی از وظایف اصلی که بنا بر آیات قرآن برای پیامبر اکرم ﷺ بیان

[1]. الکافی، ج۱، ص۳۲.

[2]. سخنان مقام معظّم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۶/۲۱.

شـده، تعلیـم، تعلّـم و آمـوزش اسـت چنان‌کـه در قـرآن کریـم پیرامـون این رسـالت پیامبـران چنیـن آمـده؛ «هُـوَ الَّذی بَعَثَ فِـی الْأُمِّیِّینَ رَسُـولاً مِنْهُـمْ یَتْلُوا عَلَیْهِـمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِـمْ وَ یُعَلِّمُهُـمُ الْکِتـابَ وَ الْحِکْمَـةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ؛ و کسـی اسـت کـه در میـان جمعیّت درس نخوانده رسـولی از خودشـان برانگیخـت که آیاتش را بـر آنهـا می‌خوانـد و آنهـا را تزکیـه می‌کنـد و بـه آنـان کتـاب (قـرآن) و حکمـت می‌آمـوزد هـر چنـد پیـش از آن در گمراهی آشـکاری بودند».[1]

هـر چنـد کـه بنا بر آیـات و روایات گفته شـد که جنبه‌های عبادی مسـجد بیشـتر نمایـان و برجسـته اسـت امّـا در عیـن حال نبایـد از وجه تربیتی و آموزشـی مسـاجد نیـز غافـل بـود. از ایـن‌رو، یکـی از ره‌آوردهـا و کارکردهـای مسـجد را ایجـاد فضـای روشـنگری و هدایـت علمـی و تربیـت اخلاقی دانسـته‌اند.[2]

مسـجد، نخسـتین دانشـگاهی بـود کـه در آن، حضـرت نبـیّ اکرم ﷺ با دسـت خود، یارانشـان را بـه نیکـی تربیـت کردنـد تـا در دیـن خـدا فقیـه و دانـا شـوند و همیـن افـراد بودنـد که توانسـتد اسـلام را در گسـتره زمیـن رواج دهند. در حدیثـی از پیامبر اکـرم ﷺ نقـل شـده اسـت کـه در هنـگام حضـور در مسـجد و مشـاهده عـدّه‌ای که بـرای طلـب علـم، اطراف فـردی حلقـه زده بودنـد، فرمودنـد: «إِنَّمَـا الْعِلْـمُ ثَلَاثَـةٌ آیَةٌ مُحْکَمَـةٌ أَوْ فَرِیضَـةٌ عَادِلَـةٌ أَوْ سُـنَّةٌ قَائِمَـةٌ وَ مَـا خَلَاهُـنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛ به درسـتی که علم، منحصـر در سـه چیـز اسـت؛ آیه محکمه یـا فریضه عادله و یا سـنّت قائمـه و هر آنچه غیـر آن اسـت، فضیلت اسـت».[3]

دانشـمندان بزرگـی همچـون ملاصـدرا، فیـض کاشـانی، علامّـه مجلسـی و امـام خمینـی ﷺ در تفسـیر و شـرح ایـن حدیـث فـراوان سـخن گفتـه و به‌طـور معمول، «آیَـةٌ مُحْکَمَـةٌ» را بـه مباحـث اعتقـادی و «فَرِیضَـةٌ عَادِلَـةٌ» را ناظـر به علـم اخلاق و «سُـنَّةٌ قَائِمَـةٌ» را نیـز اشـاره بـه احـکام شـریعت دانسـته‌اند کـه در حقیقـت هر سـه دسـته بـه علـوم دینـی باز می‌گـردد.[4] در این میان اسـتاد شـهید مطهرّی نیـز مقصود

[1]. جمعه، آیه۲.
[2]. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ص۹۵.
[3]. الکافی، ج۱، ص۳۲.
[4]. موسوی الخمینی ﷺ، سیّد روح‌الله، چهل حدیث، ص۳۲۵.

از «آیَـهٌ مُحْکَمَـهٌ» را تفسـیر آیات قرآن و «فَرِیضَهٌ عَادِلَهٌ و سُـنَّهٌ قَائِمَـهٌ» را به آموختن سـنّت پیامبـر گرامـی ﷺ کـه دربردارنـده واجبـات و مسـتحبات دینـی اسـت، تعبیر نموده‌انـد.[1]

همچنیـن، بـه تعبیـر حضرت امـام خمینی ﷺ «تنها وجـود ایمان و اعتقـاد به خدا می‌توانـد مملکـت را احیـا کند».[2] بنابرایـن، بـرای احیـای مملکت و پیشـرفت آن باید روح ایمـان و اعتقـاد بـه خـدا را در جوانـان ملّـت رشـد داد کـه این مهمّ در مسـجد و بـا کارکرد آمـوزش اعتقـادی آن فراهم خواهد شـد.

### برخورداری رحمت الهی

رحمـت الهـی در قـرآن کریـم و روایـات ائمّه اطهـار ﷺ مفهومی عامّ اسـت که به علل و اسـباب مختلفـی، بـر بنـدگان نـازل می‌شـود کـه یکـی از آنهـا بنـا بـه روایـت امیر مؤمنـان ﷺ رفت‌وآمـد بـه مسـاجد اسـت. در شـبکه معنایـی، رحمـت بـه واژه‌هایـی همچـون؛ «حـبّ»، «ود» و «رأفـت» می‌تـوان اشـاره کـرد؛ قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «وَ الَّذِیـنَ آمَنُـوا أَشَـدُّ حُبًّـا لِلّه؛ امّا آنها کـه ایمان دارند، عشقشـان به خدا (از مشـرکان نسـبت به معبودهایشـان) شـدیدتر اسـت».[3] یکی از جمله مصادیق حبّ الهـی، انـس و علاقـه داشـتن به مسـجد اسـت؛ چرا کـه مسـجد متعلّق بـه حقّ‌تعالی اسـت و همان‌گونـه کـه انسـان مؤمن بـه ذات حقّ‌تعالی شـدیدترین علاقه‌هـا را دارد، بـه مسـجد هـم که خانه اوسـت عشـق مـی‌ورزد. بنابرایـن، این افـراد همچنـان که به مسـجد عشـق ورزیـده و علاقـه خود را بـه ذات اقـدس الهی نشـان می‌دهنـد، به‌طور متقابـل، مـورد لطـف و رحمـت حقّ‌تعالـی نیز قـرار گرفتـه و در نزد خداونـد متعال از منزلتـی والا برخوردارنـد و جایـگاه آنان در روزی که هیچ پناهگاهی نیسـت، سـکونت در جـوار عـرش الهی اسـت.

در روایـت طولانـی از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شـده اسـت: «سَـبْعَهٌ یُظِلُّهُـمُ اللهُ فِی ظِلِّـهِ یَـوْمَ لَا ظِـلَّ إِلَّا ظِلُّـهُ... وَ رَجُـلٌ قَلْبُـهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْـجِدِ إِذَا خَـرَجَ مِنْهُ حَتَّـی یَعُودَ

---

[1]. مطهّری، مرتضی، ده‌گفتار، ص ۱۷۰-۱۷۴.
[2]. صحیفه نور، ج۶، ص۲۵۱.
[3]. بقره، آیه ۱۶۵.

إِلَیْـهِ...؛ هفـت طایفه هسـتند کـه خداوند آنـان را در روزی که هیچ سـایه رحمتی جز سـایه او نیسـت، مـورد لطـف و عنایـت خویـش قـرار می‌دهد... طایفه سـوّم، کسـانی هسـتند کـه وقتـی از مسـجد خـارج می‌شـوند، قلب‌هـای آنـان همچنـان دلبسـته و علاقه‌منـد بـه مسـجد اسـت تا آنـگاه که دوبـاره به مسـجد برگردنـد...».[1]

همچنیـن از امـام سـجاد علیه‌السلام نیـز روایتـی نقـل شـده اسـت کـه می‌فرماینـد: «قَـالَ مُوسَـی بْـنُ عِمْـرَانَ علیه‌السلام یَـا رَبِّ مَنْ أَهْلُـکَ الَّذِیـنَ تُظِلُّهُمْ فِی ظِلِّ عَرْشِـکَ یَـوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّـک قَـالَ فَأَوْحَـی اللهُ إِلَیْهِ الطَّاهِرَهُ قُلُوبُهُـمْ وَ التَّرِبَهُ أَیْدِیهِمْ الَّذِیـنَ یَذْکُرُونَ جَلَالِی إِذَا ذَکَـرُوا رَبَّهُـمْ الَّذِیـنَ یَکْتَفُـونَ بِطَاعَتِـی کَمَـا یَکْتَفِـی الصَّبِـیُّ الصَّغِیـرُ بِاللَّبَـنِ الَّذِینَ یَـأْوُونَ إِلَـی مَسَـاجِدِی کَمَا تَأْوِی النُّسُـورُ إِلَـی أَوْکَارِهَـا وَ الَّذِینَ یَغْضَبُـونَ لِمَحَارِمِی إِذَا اسْـتُحِلَّتْ مِثْـلَ النَّمِـرِ إِذَا حَـرِدٍ؛ موسـی‌بن‌عمران عرض کـرد: پـروردگارا، در روزی که هیـچ سـایه‌ای جـز سـایه رحمـت تو نیسـت، چـه کسـانی را در پنـاه عرش خـود قرار می‌دهـی؟ خداونـد متعـال بـه وی وحـی کـرد: کسـانی کـه دارای قلب‌هـای طاهـر و دسـتان خالـی هسـتند (کنایـه از فقـر و تنگدسـتی). آنان که هـرگاه به یاد پـروردگار خویـش می‌افتنـد، جـلال و عظمـت او را یـادآور می‌شـوند، تنهـا بـه طاعـت و بندگی مـن می‌پردازنـد. آنـان کـه بـه مسـاجد امن مـن پنـاه می‌آورنـد؛ آن‌گونه کـه عقاب‌ها بـه آشـیانه‌های خـود بـر می‌گردنـد و آنـان کـه هـرگاه محرّمـات الهی حلال شـمرده شـود، پلنگ خشـمگین می‌شـوند».[2]

شـاید بتوان گفت تشـبیه انسـان‌های مسـجدی بـه عقاب‌هایـی که به آشـیانه‌های خـود بـاز می‌گردنـد، در حقیقـت، گویـای این نکته اسـت که آنـان رفت‌وآمدشـان به مسـاجد بـر اسـاس علاقـه قلبـی و عشـق ورزیدن اسـت و مسـجد را پناهـگاه خویش می‌داننـد و در نـزد خداونـد منزلتـی عظیم و شایسـته دارند.

در حدیـث شـریف معـراج نیـز انـس بـا مسـجد، نشـان و جلـوه‌ای از عشـق و محبّت بـه خداونـد متعـال بـه شـمار رفتـه اسـت و خداونـد متعـال خطـاب بـه رسـول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایـد: «یَـا أَحْمَـدُ لَیْـسَ کُلُّ مَـنْ قَـالَ أُحِـبُّ اللهَ أَحَبَّنِـی حَتَّـی یَأْخُـذَ

[1]. وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۰۰.
[2]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص۳۶۲.

قُوتـاً وَ يَلْبَـسَ دُونـاً وَ يَنَـامَ سُـجُوداً وَ يُطِيلَ قِيَامـاً وَ يَلْزَمَ صَمْتـاً وَ يَتَوَكَّلَ عَلَـيَّ وَ يَبْكِيَ كَثِيـراً وَ يُقِـلَّ ضِحْـكاً وَ يُخَالِـفَ هَـوَاهُ وَ يَتَّخِذَ الْمَسْـجِدَ بَيْتاً؛ ای احمد! این طور نیسـت کـه هـر کسـی بگویـد که مـن خداونـد را دوسـت دارم، در حقیقـت مرا دوسـت دارد؛ مگـر آن کـه بـه مقتضـای آن عمـل کنـد. ایـن اقتضائـات عبارتانـد از:

۱ـ او باید به مقدار ضرورت به دنیا اکتفا کند و از لباس‌های فاخر دوری جوید؛

۲ـ بـه عبـادت واقعـی و مفضّل نسـبت بـه مـن روی آورد؛ به‌طـوری کـه خـواب او سـجده باشـد و بـه قیـام های طولانـی در عبـادت همّـت گمارد؛

۳ـ زبان خود را کنترل کند و آن را به سکوت عادت دهد؛

۴ـ در کارهایش به من توکّل کند؛

۵ـ تضرّع و گریه‌هایش نسبت به من را بیشتر نماید؛

۶ـ از هواهای نفسانی خویش پرهیز نماید و با آنها مخالفت کند؛

۷ـ بـه مسـاجد بیشـتر بـرود، گویـی کـه آنجا را محـلّ زندگـی خود انتخـاب کرده است».[۱]

در سـایه رفت‌وآمـد بـه مسـجد، رابطـه دوسـتی و محبّت میان انسـان‌های مسـجدی و فرشـتگان الهـی کـه واسـطه نـزول رحمـت خداوند بـر بندگان هسـتند، نیـز برقرار می‌شـود و آنـان هم‌نشـین و یـاور مؤمنانـی خواهنـد بـود کـه بر آمدوشـد به مسـجد مداومـت می‌نماینـد. در حدیثـی از پیامبـر اکرم ﷺ آمده اسـت: «أَنَّ لِلْمَسَـاجِدِ أَوْتَاداً الْمَلَائِكَـهُ جُلَسَـاؤُهُمْ إِذَا غَابُـوا افْتَقَدُوهُـمْ وَ إِنْ مَرِضُـوا عَادُوهُـمْ وَ إِنْ كَانُـوا فِـی حَاجَـهٍ أَعَانُوهُـم؛ در مسـاجد انسـان‌های ثابت‌قدمـی همچـون میـخ وجـود دارند کـه ملائکه الهـی بـا آنـان هم‌نشـین و مأنـوس هسـتند. هنگامـی کـه از مسـجد غایب می‌شـوند، ملائکـه سراغشـان را می‌گیرنـد. در هنـگام بیمـاری از آنـان عیـادت می‌کننـد و چون در کارهـا بـه کمـک نیاز داشـته باشـند، آنـان را یـاری می‌دهند».[۲]

سـیّد رضـی در کتـاب «المجـازات النبویه» در شـرح ایـن حدیث شـریف می‌گوید: مـراد از میـخ در کلام نبـیّ اکـرم ﷺ کنایـه از انسـان‌هایی اسـت کـه در اثـر کثـرت

[۱]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص۳۶۳.
[۲]. بحار الأنوار، ج۸۰، ص ۳۷۴.

ارتبـاط بـا مسـجد و مـلازم بـودن بـا خانـه خـدا، همچـون میخی بـه مسـجد کوبیده شـده‌اند و ایـن کلام از تمثیـلات بسـیار پسـندیده اسـت.[1]

عـلاوه بـر آنکـه در برخـی روایـات به‌طـور صریح، اهـل مسـجد را انسـان‌های فرخنده و مبـارک بـه شـمار آورده‌انـد، در پاره‌ای دیگـر از روایات وجود انسـان‌های مسـجدی را موجـب رفـع بـلا و تأخیـر در نـزول خشـم و غضـب الهی بـر جامعه شـناخته‌اند که ایـن خـود یکـی از مصادیـق رحمـت الهی بر اهل مسـجد اسـت. در حدیثی از رسـول خـدا ﷺ چنیـن آمـده اسـت: «إِنَّ اللهَ جَـلَّ جَلَالُـهُ إِذَا رَأَى أَهْـلَ قَرْيَـهٍ قَدْ أَسْـرَفُوا فِي الْمَعَاصِـي وَ فِيهَـا ثَلَاثَـهُ نَفَـرٍ مِـنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُـمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَـا أَهْـلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَـنْ فِيكُـمْ مِـنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّيـنَ بِجَلَالِـي الْعَامِرِيـنَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَـاجِدِي وَ الْمُسْـتَغْفِرِينَ بِالْأَسْـحَارِ خَوْفـاً مِنِّـي لَأَنْزَلْـتُ بِكُـمْ عَذَابِـي ثُـمَّ لَا أُبَالِـي؛ آنـگاه کـه خداونـد متعـال مشـاهده می‌نماید، اهل سـرزمینی راه اسـراف در معاصـی را در پیش گرفته‌انـد و در میـان آنـان سـه طایفـه از مؤمنـان یافت می‌شـود، آنان را نـدا می‌کند کـه ای اهـل گناه و سرکشـی، اگـر نبود که در میان شـما گروهی از مؤمنـان به خاطر عظمـت و جـلال مـن به یکدیگـر محبّـت می‌ورزند و گـروه دیگر با نماز خـود زمین و مسـاجد مـرا آبـاد نگـه می‌دارند و گروه سـوّمی که به سـبب خوف از من سـحرگاهان بـه اسـتغفار می‌پردازنـد، عـذاب خویـش را بـر شـما فـرو می‌فرسـتادم و به شـما اهل عصیـان، توجّهـی نمی‌نمودم».[2]

همچنیـن در حدیـث دیگـر نیـز آمده اسـت: «إِذَا نَزَلَـتِ الْعَاهَـاتُ وَ الْآفَاتُ عُوفِـيَ أَهْلُ الْمَسَـاجِدِ؛ بـه هنـگام نـزول بـلا و آفت، اهل مسـاجد سـالم و محفـوظ می‌مانند».[3]

### نجات از هلاکت

آدمـی، همـواره در حـال حرکـت و سـیر به سـوی خالق و مبـدأ خویش اسـت، برخی آگاهانـه و برخـی ناآگاهانـه، گاه از مسـیر حـقّ و گاه از مسـیر باطـل ایـن مسـیر را در طـول زندگـی خـود طـی می‌کننـد و بـه لقـاء پـروردگار نائـل می‌شـوند: «یـا أَیُّهَا

[1]. سیّد رضی، المجازات النبویه، ص۴۰۸، ح۳۳۰.
[2]. وسائل‌الشیعه، ج۱۶، ص۹۳.
[3]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص۳۵۷.

الْإِنْسانُ إِنَّک کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیه؛ ای انسان، تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد».[1]

از این‌رو، بشر در طی این مسیر همواره در معرض هلاکت و نابودی است و موانع و مشکلات فراوانی در سر راه تکامل مادّی و معنوی او وجود دارد که سعادت او را تهدید می‌کند. بنابراین، یک فرد مسلمان، هیچ‌گاه نباید از پروردگار خویش غفلت کرده و همواره باید به سوی او پناه ببرد و از او درخواست هدایت و رهبری نماید تا در راه سعادت (صراط مستقیم) قرار گیرد و به سوی مقصد و کمال نهایی گام بردارد.

از جمله شاخص‌های توسعه از نگاه اسلام، افزایش میزان دین‌مداری مردم است؛ چرا که به‌طور اساسی، فلسفه تشکیل جامعه اسلامی، فراهم کردن بستری برای هدایت و دست‌یابی انسان به سعادت دنیوی و اخروی است که تجلّی آن در نوع برخورد مردم جامعه با فرایض و مناسک دینی است. حضور اکثریّت جامعه در مسجد و اقامه نماز و و پرداختن به فرایض دینی علاوه بر کارکردهای عبادی و اجتماعی، از کارکردهای هدایتی نیز برخوردار است؛ چرا که از رهگذر حضور در مسجد، برپایی جلسات وعظ و خطابه، این مهمّ نقشی بسزا در هدایت انسان و جلوگیری از ضلالت او دارد.

بنا بر آمار و گزارش‌های سازمان ملّی جوانان تنها در سال ۱۳۸۳ تعداد ۵۵درصد از جوانان شهر تهران اظهار نموده‌اند که نماز می‌خوانند؛ یعنی در مقابل ۴۵درصد جوانان شهر تهران نسبت به مسأله نماز کم‌توجّه هستند و به فرایض دینی اهتمام ندارند که این رقم نسبت به تعداد جوانان شهر تهران به عنوان پرجمعیّت‌ترین شهر کشور میزان قابل توجّهی است.[2] از جمله راهکارهایی که برای حلّ این معضل می‌توان بدان تمسّک جست، تقویّت فضای فرهنگی و عبادی مساجد و ایجاد فضایی جذاب است تا مشوّق حضور جوانان در مساجد باشد. مقام معظّم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «استفاده از مسجد برای

[1]. انشقاق، آیه۶.

[2]. ر.ک؛ طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران، ۱۳۸۵.

دنیـای اسـلام، فرصـت مغتنمی محسـوب می‌شـود، منتهی چـون آمدن اجبـاری، در آمـدن بـه مسـجد نیسـت باید دل‌ها به آمدن مسـجد رغبت و شـوق پیـدا کنند و این ممکـن نیسـت، مگـر اینکـه کانون مسـجد شـوق آفرین و شـوق‌آور باشـد».[1]

### بهره‌مندی از هدایت الهی

«هدایـت»، در لغـت بـه معنـی دلالـت و راهنمایـی توأم با لطـف و دقّت اسـت و آن را بـه دو شـعبه تقسـیم کرده‌انـد: «ارائه طریـق» و «ایصال بـه مطلوب». بـه تعبیر دیگر، «هدایـت تشـریعی» کـه بـه وسـیله پیامبـران و کتاب‌های آسـمانی انجـام می‌گیرد و انسـان‌ها بـا تعلیـم و تربیت آنها در مسـیر تکامل پیـش می‌روند و «هدایـت تکوینی» کـه منظـور از آن رهبـری موجـودات به وسـیله پروردگار زیرپوشـش نظـام آفرینش و قانون‌مندی‌هـای حسـاب شـده جهان هسـتی اسـت و در این آیه شـریف کـه خداوند از زبـان موسـی علیه‌السلام نقـل می‌کنـد، بـه ایـن مرحلـه از هدایت «تکوینی» اشـاره شـده اسـت؛ آنجـا که می‌فرمایـد: «قـالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطـی کُلَّ شَـیْءٍ خَلْقَهُ ثُـمَّ هَدی[2]؛ گفت: پـروردگار مـا همان کسـی اسـت که بـه هر موجـودی، آنچـه را لازمه آفرینـش او بود داده اسـت؛ سـپس او را هدایت کرده اسـت».[3]

بـه یقیـن، قـرآن کریـم بـرای هدایـت همـه جهانیـان نـازل شـده؛ امّـا تـا زمانـی که مرحلـه‌ای از تقـوا در وجـود انسـان نباشـد کـه همـان مرحلـه تسـلیم در مقابـل حقّ و پذیـرش آنچـه هماهنـگ بـا عقـل و فطـرت اسـت، محـال اسـت انسـان از هدایـت کتاب‌هـای آسـمانی و دعـوت انبیـاء بهـره بگیرد. بـر این اسـاس، خداونـد می‌فرماید: «ذلِـکَ الْکِتـابُ لا رَیْـبَ فِیـهِ هُـدیً لِلْمُتَّقِیـنَ؛ آن کتاب با عظمتی اسـت که شـکّ در آن راه نـدارد و مایـه هدایـت پرهیـزکاران اسـت».[4]

در قـرآن کریـم، «هدایـت» به معنـی فراهم آوردن وسـایل سـعادت و «اضلال» به

[1]. مقام معظّم رهبری، دیدار با شرکت‌کنندگان همایش بین‌المللی هفته جهانی مسجد، ۱۳۸۴/۵/۳۰.
[2]. طه، آیه ۵۰.
[3]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۹.

[4]. بقره، آیه۲.

معنـی از بیـن بـردن زمینه‌هـای مسـاعد اسـت؛ بـدون اینکـه جنبـه اجباری بـه خود بگیـرد و ایـن را نیـز بایـد دانسـت کـه هدایـت و اضـلال دو کلمـه جامـع هسـتند که تمامـی انـواع کرامـت و خذلانـی کـه از سـوی خـدا به سـوی بندگان سـعید و شـقی می‌رسـد را شـامل می‌شـود.[1]

هدایـت تشـریعی، بـه معنـی ارائه طریـق، جنبـه عمومـی و همگانـی دارد و هیچ قید و شـرطی در آن نیسـت؛ چنانکـه در آیـه زیـر آمـده اسـت: «إِنَّـا هَدَيْنـاهُ السَّـبيلَ إِمَّا شـاكِراً وَ إِمَّـا كَفُـوراً؛ مـا راه را به او نشـان دادیم، خواه شـاکر باشـد (و پذیـرا گردد) یا ناسپاس».[2]

هدایـت تکوینـی، هرگـز بی‌قیـد و شـرط نیسـت و ایـن هدایـت و اضلال کـه نقطه مقابـل آن اسـت، مخصـوص گروهی اسـت کـه اوصاف آنهـا در قرآن بیان شـده که به عنـوان نمونـه می‌تـوان به مـوارد زیر اشـاره کرد.

در مـورد «هدایـت»، شـرایط و اوصافـی در قـرآن بیـان شـده کـه نشـان می‌دهد این هدایـت بـدون علّـت و برخلاف حکمت الهی نیسـت؛ماننـد آیه زیر که پیـروی فرمان خـدا و جلب خشـنودی او را زمینه‌سـاز هدایت الهی بر شـمرده اسـت: «يَهْـدي بِهِ اللهُ مَـنِ اتَّبَـعَ رِضْوانَـهُ سُـبُلَ السَّـلامِ وَ يُخْرِجُهُـمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّـورِ بِإِذْنِـهِ وَ يَهْديهِمْ إِلـى صِـراطٍ مُسْـتَقيم».[3]در جای دیگـر توبه و انابـه را عامل اسـتحقاق هدایت می‌داند و می‌فرمایـد: «قُـلْ إِنَّ اللهَ يُضِـلُّ مَـنْ يَشـاءُ وَ يَهْـدي إِلَيْهِ مَـنْ أَناب».[4]قـرآن کریم در آیـه دیگـر، جهـاد مخلصانـه در راه خـدا را بـه عنوان شـرط اصلـی هدایت ذکـر کرده و می‌فرمایـد: «وَ الَّذيـنَ جاهَـدُوا فينـا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُـبُلَنا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِـنين».[5]در آیـه دیگـر، پیمـودن مقـداری از راه هدایـت را بـه عنوان شـرطی بـرای ادامـه این راه بـه لطـف خداونـد ذکـر نمـوده و می‌فرمایـد: «وَ الَّذيـنَ اهْتَـدَوْا زادَهُـمْ هُـدىً وَ آتاهُمْ

---

[1]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۰.

[2]. انسان، آیه۳.

[3]. خداونـد بـه برکـت آن، کسـانی را کـه از خشـنودی او پیـروی کننـد، بـه راه‌هـای سـلامت، هدایـت می‌کنـد و بـه فرمـان خـود، از تاریکی‌هـا بـه سـوی روشـنایی می‌بـرد و آنهـا را بـه سـوی راه راسـت، رهبـری می‌نمایـد؛ مائـده، آیـه۱۶.

[4]. بگو خداوند هر کس را بخواهد گمراه و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند؛ رعد، آیه۲۷.

[5]. و آنهـا کـه در راه مـا (بـا خلـوص نیّـت) جهـاد کننـد، بـه طـور قطـع، بـه راه‌هـای خـود، هدایتشـان خواهیـم کـرد و خداونـد بـا نیکـوکاران اسـت؛ عنکبـوت، آیه۶۹.

تَقْواهُـم»[1] در نتیجـه می‌تـوان گفـت تا از سـوی بنـدگان توبـه و انابه‌ای نباشـد و پیرو فرمـان خـدا نباشـند و تـا جهـاد و تـلاش صـورت نگیـرد و گام‌هـای نخسـتین را در مسـیر حـقّ برندارنـد، لطف الهی شـامل حال آنان نمی‌شـود. حضور انسـان مسـلمان در مسـجد را می‌تـوان مصداقـی از بازگشـت او به سـوی پـروردگار و پیـروی از فرمان خداونـد، تـلاش و برداشـتن گام در مسـیر حـقّ دانسـت کـه به اسـتناد آیـات مذکور ایـن فـرد مشـمول هدایـت الهـی می‌گردد.

در مورد «ضلالت» نیز قرآن در یک جا سرچشـمه ضلالت را فسـق و خروج از اطاعت و فرمـان الهـی شـمرده اسـت؛ ماننـد: «یُضِلُّ بِهِ کَثیـراً وَ یَهْدی بِـهِ کَثیراً وَ مـا یُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِـقین»؛[2] در جای دیگر روی مسـأله ظلم تکّیه شـده و آن را زمینه‌سـاز ضلالت معرّفـی کـرده اسـت؛ ماننـد: «وَ اللهُ لا یَهْـدِی الْقَـوْمَ الظَّالِمیـن».[3] همچنیـن، در آیـه دیگـر، اسـراف و دروغگویی را عامل گمراهی شـمرده اسـت: «إِنَّ اللهَ لا یَهْـدی مَنْ هُوَ مُسْـرِفٌ کَذَّاب».[4] نتیجـه اینکـه قـرآن، ضلالـت الهـی را مخصوص کسـانی می‌شـمرد کـه دارای ایـن اوصاف هسـتند: «ظلم»، «فسـق»، «دروغ»، «اسـراف» و «کفران».[5]

بنابرایـن، اگرچـه انسـان بـه واسـطه خوانـدن نمـاز و درخواسـت هدایـت از خداونـد، «اهْدِنَـا الصِّـراطَ الْمُسْتَقیم»[6] مشـمول عنایـت خـاصّ پـروردگار و آنچـه بـه اعتقـاد آیـت‌الله خویـی هدایـت خصوصی الهی می‌تـوان نامید[7] می‌گـردد و نیز به واسـطه گام برداشـتن در مسـیر حـقّ و بازگشـت بـه سـمت پـروردگار در معرض هدایـت تکوینی الهـی قـرار می‌گیرد؛ امّا اشـاره امیـر مؤمنـان علیه‌السلام در عبـارت «أَوْ کَلِمَـةً تَـرُدُّهُ عَنْ رَدًی أَوْ یَسْـمَعُ کَلِمَـةً تَدُلُّـهُ عَلَـی هُـدًی»، بـر ایـن مطلـب دلالـت دارد که فرد مسـلمان با حضـور در مسـجد و شـنیدن کلماتـی، بـه هدایـت رهنمـون می‌گـردد. ایـن نـوع از

---

[1] . کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد؛ محمّد، آیه۱۷.

[2] . خـدا جمـع زیـادی را بـا آن گمـراه و گـروه بسـیاری را هدایـت می‌کنـد؛ ولـی تنهـا فاسـقان را بـا آن گمـراه می‌سـازد؛ بقـره، آیه۲۶.

[3] . و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند؛ بقره، آیه۲۵۸.

[4] . خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست، هدایت نمی‌کند؛ غافر، آیه۲۸.

[5] . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۴، ص۲۳۰.

[6] . ما را به راه راست هدایت کن؛ فاتحه، آیه۶.

[7] . ر.ک: خویی، سیّدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص۶۴۵.

هدایت همان هدایت تشریعی است که وظیفه پیامبر و علمای دین است و به واسطه تبلیغ در مسجد به مردم منتقل می‌گردد.

انبیاء سلف، هدایت تشریعی الهی را با ابزارهای تبلیغی، همچون وعظ، خطابه و ساختن محلّ‌هایی برای عبادت خداوند که در قرآن نیز بدان‌ها اشاره شده است[1] به مردم منتقل می‌کردند. معابد که شامل صومعه‌ها، بیعه‌ها (معابد یهود و نصاری) و نمازگاه‌ها (صلوات) و مساجد می‌شوند، در طول تاریخ به مثابه نهادی مذهبی برای عبادت خداوند و انتقال آموزه‌های دینی از سوی انبیا الهی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با این وصف معابد را می‌توان واسطه هدایت انسان‌های هر عصر تلقّی نمود و مردم نیز به واسطه وجود معابد در محلّ زندگی خویش به یاد دین می‌افتادند.

با ظهور اسلام و بعثت نبیّ خاتم ﷺ شکل نوینی از معابد به نام مسجد از سوی این شرع مقدّس بنا نهاده شد تا واسطه انتقال پیام الهی (هدایت تشریعی) توسّط پیامبر اعظم ﷺ به مردم باشد. البته قابل توجّه است که اوّلین مسجد پس از هجرت و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بنا گردید. تا قبل از هجرت، پیامبر اسلام ﷺ پیام هدایت الهی را از طریق خطابه در کنار خانه کعبه و یا جمع کردن افراد در خانه خویش و در مکان‌های دیگر به‌طور پراکنده به مردم منتقل می‌نمود؛ امّا پس از تشکیل حکومت اسلامی با ساخته‌شدن مسجد این وظیفه پیامبر (ابلاغ پیام الهی به مردم) به این نهاد مقدّس منتقل گردید. بنابراین، می‌توان مساجد را محلّ تبلیغ دین و تجلّی‌گاه دین‌مداری مردم در جامعه دانست. خداوند در قرآن، یکی از منشأهای فساد زمین را ویران شدن مراکز مذهب بیان فرموده است؛ یعنی اگر مراکز مذهب آباد نبود و رو به ویرانی ـ که هدف اصلی طاغیان ددمنش است ـ نهاد، جامعه رو به تباهی می‌رود و آیه «وَ لَوْ لا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللهِ كَثيراً»[2] به این معناست که اگر دفاع مقدّس و جهاد نباشد، مراکز

---

[1]. حجّ، آیه ۴۰.

[2]. اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آیینش دفاع نمایند)،

مذهبی، مانند مسجدها، کنیسه‌ها، بیعه‌ها، صومعه‌ها و دیرهای راهبان ویران می‌شود؛ آنگاه سخن از موعظه، نصیحت، تهذیب و تربیت نیست؛ یعنی نظام امر به معروف و نهی از منکر رخت می‌بندد و اگر سخن از تهذیب و تزکیه نبود و چراغ هدایت خاموش شد، فساد گسترش می‌یابد.[1]

علّامه طباطبایی نیز در تفسیر خود پیرامون این آیه می‌فرمایند: «اینکه خداوند معابد و کلیساها را در کنار مساجد نیز نام برده، بدین جهت است که این مکان‌ها مظاهر دین و شعائر و نشانه‌های دین است که مردم به وسیله آنها به یاد دین می‌افتند و در آنها احکام دین را می‌آموزند و صورت دین را در اذهان مردم حفظ می‌کنند».[2]

### ترک گناه به موجب خشیت

از دیگر معضلات اجتماعی می‌توان به ناهنجاری‌های موجود در جامعه اشاره کرد؛ روابط نامشروع جنسی، اعتیاد، دزدی، بی‌بندوباری اخلاقی و مواردی از این دست که هر کدام به نوعی نسل جوان امروز جامعه را به بند اسارت کشیده است. مسأله مبارزه با فساد و فحشا از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر توجّه همه مسئولان و دغدغه‌مندان مسائل فرهنگی جامعه را به خود معطوف داشته است. به راستی آیا تاکنون اقدامات انجام شده توسّط سازمان‌های دولتیِ مربوط توانسته است این ناهنجاری‌ها را برطرف کرده و به اصلاح امور بپردازد؟

بنا بر آمار و گزارش‌های سازمان ملّی جوانان، به عنوان سازمانی که متولّی امور نسل جوان کشور است، درصد قابل توجّهی از جوانان به نوعی درگیر یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و از آن به عنوان بزرگ‌ترین معضل فکری و روحی خود یاد می‌کنند.[3]

از جمله کارکردهایی که برای مسجد در حدیث امام علی(ع) بیان شده است،

---

یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ حجّ، آیه ۴۰.

[1]. جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص۳۷-۳۶.

[2]. طباطبایی، سیّد محمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص۵۴۶.

[3]. ر.ک: طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران، ۱۳۸۵.

مسئله جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. سخن بسیار ظریف حضرت با عبارت «يَتْرُكُ ذَنْباً خَشْيَةً أَوْ حَيَاءً»،[1] بیانگر این مطلب است که حضور در مسجد می‌تواند مانع بسیاری از ذنب‌ها و گناه‌های فردی و اجتماعی شود. خشیّت به عوامل درونی بازگشته و حیا یک عامل بیرونی است و ترک گناه بر اثر عوامل درونی و بیرونی، بهترین وسیله نجات و دست‌یابی به سعادت است.

### ترک گناه به موجب حیا

یکی از مراحل رشد و کمال انسان، نائل آمدن او به درجه‌ای است که تنها به سبب خشیّت و توجّه به خداوند متعال، گناه و عصیان را ترک گوید. در مرحله نازل‌تر از این، انسان به خاطر حیا از برادران دینی خویش و با ملاحظه قضاوت افکار عمومی و بیم از دست رفتن آبرو و اعتبار خویش نزد دیگران، معصیت را ترک می‌نماید. هرچند مرحله اوّل کامل‌تر و برتر است، امّا مرحله دوّم نیز امری پسندیده و نیکو و مقدّمه‌ای برای کسب ملکه خشیّت الهی است. در روایات اسلامی، حیا نمودن از مردم و به خصوص مؤمنان در جهت ترک گناه مدح شده و در جانب مقابل، آنان که با گستاخی و بی‌حیایی و بدون اعتنا به قضاوت جامعه به هر عمل ناپسندی اقدام می‌کنند، مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته‌اند. امیر مؤمنان علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند: «إِنَّ اللهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَذِيءٍ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَتَّشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِغَيَّةٍ أَوْ شِرْكِ شَيْطَانٍ».[2]

به عبارت دیگر، وقتی فردی به مسجد می‌رود در واقع، در یک ساختار اجتماعی متشکّل از برادران ایمانی قرار می‌گیرد که سبب حیاء وی می‌گردد و این حیاء که هم از خداوند است و هم از آن برادران دینی، زمینه ترک گناه را برای وی فراهم می‌نماید.

---

[1] . وسائل الشیعه، ج۳، ص۴۸۰.

[2] . خداوند متعال، بهشت را بر هر شخص فحّاش بی‌آبرو و کم‌شرمی که توجّهی به گفته‌های خود و آنچه دیگران در مورد او می‌گویند ندارد، حرام کرده است. اگر حال چنین شخصی را خوب بررسی کنی، خواهی یافت که یا زنازاده است و یا اینکه شیطان در انعقاد نطفه او شریک بوده است؛ الکافی، بَابُ الْبَذَاءِ، ج۲، ص۳۲۴.

در قـرآن کریـم آمده اسـت: «اتْلُ ما أُوحِـیَ إِلَیْکَ مِنَ الْکِتـابِ وَ أَقِمِ الصَّـلاه إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهـی عَـنِ الْفَحْشـاءِ وَ الْمُنْکَـرِ وَ لَذِکْـرُ اللهِ أَکْبَـر وَ اللهُ یَعْلَـمُ مـا تَصْنَعُون».[1] خداوند در ایـن آیـه رسـول گرامی خـود را به تـلاوت آنچه بـه وی وحی شـده، دسـتور می‌دهد؛ چـون تـلاوت قـرآن بهترین رادع از شـرک و ارتکاب فحشـاء و منکرات اسـت؛ زیرا در آن آیـات روشـنی اسـت کـه متضمّن حجّت‌هایـی نورانی اسـت که حـقّ را آن‌طور که بایـد روشـن می‌سـازد و هـم مشـتمل بـر داسـتان‌های عبـرت‌آور، مواعظ، بشـارت‌ها، انـذار، وعـده و وعیدها اسـت که شـنونده و خواننـده را از گناهان باز می‌دارد و سـپس آن امـر را ضمیمـه می‌کنـد بـه امـر بـه نماز کـه بهتریـن اعمال اسـت؛ چون کـه نماز از فحشـاء و منکر بـاز می‌دارد.[2]

علّامـه طباطبایـی پیرامـون اینکـه چگونـه نمـاز، انسـان را از ارتـکاب گنـاه بـاز مـی‌دارد، می‌فرماینـد: سـیاق آیـات شـاهد بـر ایـن اسـت کـه مـراد از ایـن بـازداری، بـازداری طبیعـت نمـاز از فحشـاء و منکر اسـت؛ امّا این بـازداری به نحو اقتضاء اسـت نـه علیّـت تامّـه، کـه هـر کـس نمـاز خوانـد، دیگـر نتواند گنـاه کنـد و اینکه عـدّه‌ای اشـکال می‌کننـد کـه چرا بسـیاری از نماز گزاران مرتکـب کبائر و منکرات می‌شـوند؟ این‌گونـه پاسـخ می‌دهنـد کـه عمـل نماز به خصـوص که بنـده آن را در هـر روز، پنج بـار بجـا بیـاورد و همـه عمر ادامـه دهد و به خصـوص اگر آن را همـه روز در جامعه‌ای صالـح بجـا بیـاورد و افـراد آن جامعـه نیـز ماننـد او همه روز نمـاز بجای آورنـد و مثل او نسـبت بـه آن اهتمـام بورزنـد، بـا گناهان کبیره سـازش نـدارد.[3]

آری، توجّـه بـه خـدا از روی بندگـی، آن هـم در محیطـی همچون مسـجد، به‌طور طبیعـی بایـد انسـان را از هـر معصیتـی و هـر عملی که دیـن آن را شـنیع می‌داند، از قبیـل قتـل نفـس، تجـاوز بـه جان‌هـا و بـه مال ایتـام، فسـاد و فحشـا بـاز دارد. پس، اگـر انسـان مدّتـی بر نماز خود پایـداری کند و در انجام آن نیّت صادق داشـته باشـد، ایـن اسـتدامت به‌طـور مسـلّم، باعـث می‌شـود که بـه تدریج ملکـه پرهیز از فحشـاء و

[1] . آنچـه را از کتـاب (آسـمانی) بـه تـو وحـی شـده، تـلاوت کـن و نمـاز را برپـا دار، کـه نمـاز (انسـان را) از زشـتی‌ها و گنـاه بازمـی‌دارد و یـاد خـدا بزرگ‌تـر اسـت و خداونـد می‌دانـد شـما چـه کارهایـی انجـام می‌دهیـد؛ عنکبـوت، آیـه۴۵.
[2] . طباطبایی، سیّدمحمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۶، ص۱۹۹.
[3] . همان.

منکـر در او پیدا شـود.

آیـه دیگـری کـه در ایـن رابطـه می‌تـوان بـدان اسـتناد نمـود، آیـه زیـر اسـت کـه می‌فرمایـد: «وَ اسْـتَعینُوا بِالصَّبْـرِ وَ الصَّـلاهِ وَ إِنَّهـا لَکَبیـرَهٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِـعین».[1] کلمه «اسـتعانت» در اینجـا بـه معنـای طلب کمک اسـت و ایـن در وقتی صـورت می‌گیرد کـه نیـروی انسـان به تنهایـی نمی‌تواند حادثـه‌ای که پیـش آمده را بر وفـق مصلحت خـود بـر طـرف سـازد و اینکـه خداونـد فرموده اسـت از صبـر و نمـاز بـرای مهمّات و حـوادث خـود کمـک بگیرید، برای این اسـت کـه در حقیقـت در عالم هسـتی یاوری بـه جـز خـدای سـبحان نیسـت و بنابراین، لازم اسـت که آدمـی در نماز اسـتقامت به خـرج داده و ارتبـاط خـود را بـا خـدا وصل نماید؛ چرا کـه صبر و نماز، بهترین وسـیله بـرای پیـروزی اسـت. علّامـه طباطبایـی زیر ایـن آیه به نکتـه ظریفی اشـاره می‌کنند و می‌فرمایـد کـه صبـر، هـر بـلا و یـا حادثـه عظیمـی را کوچـک و ناچیـز می‌کنـد و نمـاز کـه اقبـال بـه خـدا و التجاء بـه او اسـت، روح ایمان را زنـده می‌سـازد و به آدمی می‌فهمانـد کـه بـه جایـی تکّیـه دارد کـه انهدام‌پذیـر نیسـت و به سـببی دسـت زده که پاره شـدنی نیسـت.[2]

بـه هـر حـال حیـا، از انسـان‌های موحّـد و مؤمـن امـری پسـندیده اسـت و ارتباط بـا مسـجد، عـلاوه بـر آنکـه ایمـان و توجّـه بـه عظمـت خداونـد را در انسـان تقویّـت می‌کنـد، زمینـه آشـنایی و ارتبـاط او را بـا افـراد مؤمـن و صالـح نیز فراهم مـی‌آورد و ایـن امـر، خـود یکـی از عوامـل و اسـباب دوری از گنـاه و انحرافـات خواهـد بود.

---

[1]. از صبـر و نمـاز یـاری جوییـد (و بـا اسـتقامت و مهـار هوس‌هـای درونـی و توجّـه بـه پـروردگار، نیـرو بگیریـد) و ایـن کار، جـز بـرای خاشـعان، گـران اسـت؛ بقـره، آیه۴۵.

[2]. طباطبایی، سیّدمحمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۲۹۹.

## » نتیجه‌گیری

بـدون تردیـد، در توسـعه یـک کشـور مهمّ‌تریـن بُعد، مسـائل فرهنگی اسـت و اگر در توسـعه سیاسـی و اقتصادی نیز به مسـائل فرهنگی توجّه نشـود، توسـعه اجتماعی بـه مفهـوم امـروزی آن تحقّق نخواهـد یافت و بر این اسـاس، ضرورت تعلیـم و تربیت و پـرورش نیـروی انسـانی پارسـا، کارآمـد و توانا به مثابه یکی از شـاخص‌های توسـعه فرهنگـی در تحقّـق دیگر ابعاد توسـعه، واقعیّتی انکارناپذیر اسـت.

بـه نظـر می‌رسـد کـه قـرآن و دیـن مبین اسـلام بـه عنـوان رسـالتی عمومـی، به مقولـه فرهنـگ و توسـعه فرهنگـی اهتمـام ویـژه دارد و می‌توان گفت حرکـت پیامبر اسـلام ﷺ یـک حرکـت فرهنگـی و در راسـتای روشـنگری و ایجـاد تمـدّن فرهنگی بـوده اسـت. فرهنـگ اسـلامی، بنـای مسـاجد را بـه عنـوان نمـاد حکومـت دینـی و مرتبـط بـا مـردم مسـلمان در انـواع مختلـف، از مسـاجد جمعه تـا محلّه کـه پذیرای اقشـار مختلـف مـردم در سـاعت‌های متنـوّع بودنـد، می‌دانـد کـه ایـن نمونـه‌ای از کارآیـی مسـاجد و تلاش اسـلام برای توسـعه روابـط اجتماعی و فرهنگـی در فضاهای شـهری بـه واسـطه مسـاجد از دیربـاز تاکنون بوده اسـت.

در واقـع، توسـعه فرهنگـی به عنوان سیاسـتی کلّی برای رسـیدن به توسـعه پایدار در سـطح جامعـه اسـلامی، حقیقتـی انکارناپذیـر اسـت کـه در ایـن مقالـه به‌طـور مفصّـل تبییـن شـده اسـت. الگوهـای عملـی بیان شـده توسّـط امیر مؤمنـان ﷺ این مطلـب را اثبـات می‌کنـد کـه بـا بهره‌گیـری درسـت از نمادهـای دینی و بـه خصوص مسـاجد، می‌تـوان بـه تعالـی و رشـد فرهنگـی جامعه اسـلامی دسـت یافت.

بنابرایـن، می‌تـوان گفـت کـه مقصـود از توسـعه فرهنگـی مسـجد، بهینه‌سـازی، بهره‌بـرداری، افزایـش نقـش، جایـگاه، کارکـرد و ارتقـاء سـطح و بالابـردن کیفیّـت و عرضـه خدمـات عبـادی، آموزشـی و غیـره و افـزون سـاختن جاذبه‌های مسـجد و در یـک جملـه، آوردن مسـجد در متـن زندگـی مـردم مسـلمان و برقـراری و مسـتحکم سـاختن پیونـد بیـن مسـجد و امـور گوناگـون در حیات بشـری اسـت.

متأسّـفانه، با نگاهی گذرا به مجموعه مسـاجد در کشـورهای اسـلامی این حقیقت تلخ روشـن می‌شـود که در حال حاضر بسـیاری از مسـاجد توان لازم را جهت تقویّت

بنیّـه فکـری و فرهنگـی و معنـوی مسـلمانان ندارنـد و از ایـن دردناک‌تـر، مسـاجدی اسـت کـه بـه گمراه‌کننده‌تریـن اندیشـه‌ها، رنـگ و بوی دینـی می‌بخشـند و آن را در جهـان منتشـر می‌نماینـد. آرزو می‌نمائیـم در سـایه رشـد و آگاهی مسـلمانان شـاهد روزی باشـیم کـه مسـاجد جایـگاه فرهنگـی خـود را باز یابنـد و به صـورت کانون‌های آمـوزش و تربیـت مسـلمانان عمـل کنند و اندیشـه‌های اصیل اسـلامی، بیش از پیش از ایـن مراکـز مقدّس منتشـر شـود و بـر تمامی گسـتره زمیـن پرتوافکنی کند.

## منابع و مآخذ


» قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳هـ.ش.
» نهـج البلاغـه، ترجمـه محمّـد دشـتی، مؤسّسـه فرهنگـی تحقیقاتـی امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام، مشـهد، انتشـارات سـنبله، ۱۳۸۶هــ.ش.
» آیتی، محمّدابراهیم، تاریخ پیامبراسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۶۱هـ.ش.
» ابن‌خلـدون، عبدالرحمـن، مقدّمـه فـی التاریـخ، ترجمـه: محمّدپرویـن گنابـادی، تهـران، انتشـارات علمـی و فرهنگـی، چـاپ هشـتم، ۱۳۷۵ هــ.ش.
» ابن‌سـعد، محمّدبن‌منیـع الهاشـمی البصـری، الطبقـات الکبـری، تحقیـق: محمّـد عبدالقـادر عطـا، بیـروت، دارالکتـب العلمیّـه، چـاپ اوّل،۱۴۱۰هــق.
» ابن‌منظور، محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، انتشارات دار صادر، بیروت، چاپ سوّم، ۱۴۱۴هـق.
» ابن‌هشـام، عبدالملـک الحمیـری المعافـری، السـیره النبویـه، ترجمـه: سـیّد هاشـم رسـولی، انتشـارات کتابچـی، تهـران، چـاپ پنجـم، ۱۳۷۵هـ.ش.
» ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه، ۱۳۸۱هـ.ش.
» اشرفی، محمّدرضا، جوان و بحران هویّت، سروش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۵هـ.ش.
» باباشـاهی، علـی، حشـمتی، محمّدرضـا، راهنمـای سـاخت مسـجد، مؤسّسـه عمـران مسـجد، تهـران، ۱۳۸۰هـ.ش.
» پورعـزّت، علی‌اصغـر، مبانـی دانـش اداره دولـت و حکومـت (مبانـی مدیریـت دولتـی)، تهران، انتشـارات سـمت، چاپ اوّل، ۱۳۸۷هـ.ش.
» سیّد رضی، المجازات النبویه، مصحح: هوشمند، مهدی، قم، نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰هـ.ش.
» جـوادی آملـی، شـکوفایی عقـل در پرتـو نهضـت حسـینی، قـم، مرکـز نشـر اسـراء، چـاپ پنجـم، ۱۳۸۷هـ.ش.
» حجّتـی، سـیّد محمّدباقـر، مسـجد نبـوی در گـذر تاریـخ، انتشـارت دانشـگاه تهـران، تهـران، ۱۳۷۷هــ.ش.
» حـرّ عاملـی، محمّدبـن حسـن‌بن علـی، تفصیـل وسـائل الشـیعه إلـی تحصیـل مسـائل الشـریعه، قـم، مؤسّسـه آل‌البیـت علیهم‌السلام، چـاپ اوّل، ۱۴۰۹هـق.
» حسـینی‌منش، سـیّد محمّدمهـدی، فرهنـگ، سیاسـت و توسـعه در ایـران امـروز، مجموعـه مقـالات نقـش دیـن در فرهنـگ و توسـعه فرهنگـی، تهـران، نشـر دال، ۱۳۷۹هــ.ش.
» خلیلیـان، محمّدجمـال، اسـلام و توسـعه، قـم، مرکـز مطالعـات و پژوهش‌هـای فرهنگـی حـوزه علمیّـه، ۱۳۸۱هــ.ش.
» موسـوی الخمینـی، سـیّد روح‌الله، چهـل حدیـث، مرکـز نشـر فرهنگـی رجـا، تهـران، چـاپ دوّم، ۱۳۸۶هـ.ش.
» ـــــــــــــــــ صحیفه نور، تهران، مؤسّسه حفظ و نشر آثار امام خمینی قدس‌سره، ۱۳۸۲هـ.ش.
» خویـی، سیّدابوالقاسـم، البیـان فـی تفسـیر القـرآن، قـم، انتشـارات جامعـه مدرّسـین حـوزه علمیّـه، ۱۳۷۵هـ.ش.
» دورانت، ویل، تاریخ تمدّن، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۸هـ.ش.
» راغـب اصفهانـی، حسـین‌بن‌محمّد، المفـردات فـی غریـب القـرآن، تصحیـح: صفـوان عدنـان داودی، دارالعلـم، بیـروت، ۱۴۱۲قهـق.
» روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطّار، ۱۳۷۲هـ.ش.
» صالحـی، غلامرضـا، دانشـگاه، جامعـه و فرهنـگ؛ گـزارش شـورای فرهنگـی و اجتماعـی، وزارت علـوم تحقیقـات و فنّـآوری، چـاپ اوّل، ۱۳۸۲.
» طباطبایـی، سیّدمحمّدحسـین، المیـزان فـی تفسـیرالقرآن، ترجمـه: موسـوی همدانـی سـید محمّدباقر،

قـم، انتشـارات اسـلامی جامعـه مدرّسـین حـوزه علمیّـه قـم، ۱۳۷۴هـ.ش.
» طبرسـی، فضل‌بن‌حسـن، مجمع‌البیـان فـی تفسـیر القـرآن، تهـران، انتشـارات ناصـر خسـرو، ۱۳۷۲هـ.ش.
» طـرح پژوهشـی اقامـه نمـاز در بیـن جوانـان و نوجوانـان شـهر تهـران، سـازمان ملّـی جوانـان، دفتـر مطالعـات و برنامه‌ریـزی، ۱۳۸۵هــ.ش.
» طوسـی، ابوجعفـر محمّدبن‌حسـن، الاسـتبصار فیمـا اختلـف مـن الأخبـار، تهـران، دارالکتب الإسـلامیه، چاپ اوّل، ۱۳۹۰هـ.ش.
» ـــــــــــــــــــ تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» عاملـی، زین‌الدّین‌بـن علـی (شـهید ثانـی)، منیـه المریـد فـی آداب المفیـد و المسـتفید، تحقیـق: رضـا مختـاری، انتشـارات مکتب الاعـلام الاسـلامی، ۱۳۶۸هـ.ش.
» عبّاسـی نیـا، سـعید، کتاب‌شناسـی مسـجد، تهـران، سـتاد عالـی کانون‌هـای فرهنگـی و هنـری مسـاجد، ۱۳۸۰هــ.ش.
» عزّتـی، مرتضـی، جایـگاه فرهنـگ در توسـعه از دیـدگاه حضـرت امـام خمینـی‌ﷺ، فصلنامـه نامـه مفیـد، شـماره ۲۰، زمسـتان ۱۳۷۸هــ.ش.
» علی‌اکبری، حسن، حیات طیّبه، تهران، نسل کوثر، ۱۳۸۱هـ.ش.
» فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، منشورات الهجره، قم، چاپ دوّم، ۱۴۱۰هـ.ق.
» فروغ مسجد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هفته جهانی مساجد، تهران، ۱۳۸۵هـ.ش.
» فیـض کاشـانی، محمّدمحسـن‌بن شـاه مرتضی‌بـن شـاه محمـود، الوافـی، مصحـح: ضیاءالدّیـن حسـینی اصفهانـی، اصفهـان، کتابخانـه امـام امیـر المؤمنیـن علـی‌ﷺ چـاپ اوّل، ۱۴۰۶هــ.ق.
» قرشی، سیّد علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲هـ.ق.
» الکتانی، عبدالحیّ، نظام الحکومه النبویّه، انتشارات التراتیب الداریه.
» کلینی، ابوجعفرمحمّدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷هـ.ق.
» شـیخ صـدوق، محمّدبـن علی‌بـن بابویـه، مـن لایحضـره الفقیـه، قـم، دفتـر انتشـارات اسـلامی وابسـته بـه جامعـه مدرّسـین حـوزه علمیّـه قـم، چـاپ دوّم، ۱۴۱۳هـ.ق.
» مجلسـی، محمّدباقـر، بحارالأنـوار الجامعـه لـدرر أخبـار الأئمّـه الأطهـارﷺ، تهـران، دارالکتب الإسـلامیه، چاپ سـوّم، ۱۴۱۲هـ.ق.
» مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸هـ.ش.
» مسـاجد در تمـدّن اسـلامی، دبیرخانـه سـتاد عالـی هماهنگـی و نظـارت بـر کانون‌هـای فرهنگـی، هنـری مسـاجد، تهـران، انتشـارات رسـانش، ۱۳۸۴.
» مسـجد در سـفرنامه‌ها، دبیرخانـه سـتاد عالـی هماهنگـی و نظـارت بـر کانون‌هـای فرهنگـی هنـری مسـاجد، تهـران، رسـانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» مصبـاح یـزدی، محمّدتقـی، تهاجـم فرهنگـی، قـم، مؤسّسـه آموزشـی و پژوهشـی امـام خمینـی‌ﷺ، ۱۳۷۹هـ.ش.
» مصطفـوی، حسـن، التحقیـق فـی کلمـات القـرآن الکریـم، تهـران، انتشـارات بنـگاه ترجمـه و نشـر کتـاب، ۱۳۶۰ هــ.ش.
» مطهّری، مرتضی، آزادی معنوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
» ـــــــــــ پانزده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» ـــــــــــ ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوّم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» معادیخواه، عبدالمجید، تاریخ اسلام، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۷ هـ.ش.
» معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآن، تهران، انتشارات نباء، ۱۳۸۳ هـ.ش.
» معین، محمّد، فرهنگ لغت معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوّم، ۱۳۷۸ هـ.ش.

» مکّی سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه: محمّد عبّاسپور و محمّدجواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
» مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اوّل، ۱۳۷۴ هـ.ش.
» موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد، تهران، انتشارات گویه، ۱۳۸۱ هـ.ش.
» مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی ـ فارسی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۴۱۰هـ.ق.
» النمیری، ابن‌شبه، تاریخ المدینه، تحقیق: فهیم محمّد شلتوت، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۶۸ هـ.ش.
» نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، انتشارات اعتماد، قم، ۱۳۷۲.
» نوری‌ها، علیرضا، چگونه مساجد را از غربت در آوریم، قم، انتشارات نسیم حیات، ۱۳۸۳ هـ.ش.
» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسّسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸هـ.ق.
» نیشابوری، غلامرضا، داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، تهران، انتشارات سیّد جمال‌الدّین اسدآبادی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
» الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه‌صادق، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۶ هـ.ش.
» یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب ابن‌واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمّدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
» www.velayat.com

# بررسی کارکردهای فرهنگیِ نهاد مسجد در صدر اسلام

عارفه مجیری و فاطمه لمسه‌چی

## » چکیده

مسئله اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل نقش فرهنگی پایگاه مقدّسِ جهان اسلام، «مسجد» است. مسجد، جایگاهی است که گستره آن در جغرافیای جهان، هم‌معنا و برابر با گستره قلمرو اسلام است. این نوشتار با هدف شناسایی و بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد (و در مقوله‌هایی مانند: نقش‌های عبادی، تبلیغی، ارتباطاتی، علمی- آموزشی، خدماتی و اجتماعی) شکل گرفته است. نگارنده، به دنبال پاسخ به این سؤالات است که فعّالیّت‌های فرهنگی مساجد در صدر اسلام چه بوده است و در عصر حاضر تا چه اندازه می‌توان این کارکردها را مورد استفاده قرار داد. با نظر به این مسئله که مساجد، نقش اصلی را در معرّفی اسلام و فرهنگ و تمدّن اسلامی ایفا می‌کنند، کارکردهای مسجد، تنها در بُعد معنوی و عبادی خلاصه نمی‌شوند، بلکه مساجد در صدر اسلام کارکردهای گوناگونی داشته‌اند که بیشتر آنها به عنوان کارکردهای فرهنگی قابل تعریف و تبیین هستند. بنابراین، در صورتی که با برنامه‌ریزی‌های مناسب، مسجد را در ایفای نقش‌های اساسی آن یاری دهیم، در آن صوت، این نهاد می‌تواند بار فرهنگی جامعه اسلامی را به دوش بکشد.

## » کلیدواژه‌ها:

مسجد، فرهنگ، کارکرد فرهنگی، جامعه اسلامی.

## » مقدّمه

مسجد همواره مشعل هدایت، نشانه توّجه به ارزش‌های والای انسانی، محلّ طرد آلایش‌های مادّی، نشانگر هویّت فرهنگ و هنر اسلامی و در نهایت مرکز پیشگیری و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی بوده است. مسجد، در اسلام، قلب تپنده حیات این دین حنیف و جایگاه پیوند آسمان و زمین (دو نماد آخرت و دنیا) است و انسان به عنوان اشرف مخلوقات در آن رشد و تکامل می‌یابد.

عصر حاضر، عصر بازنگری و بازگشت به دین است؛ دو نگرش بزرگ مادّی‌گری و مادّی‌نگری در زمینه عمل و جامعه‌گردانی شکست خورده است و برای بشریّت رنج دیده امروز، مجال تأمّل در معنویّات و بازگشت به سنّت معنوی که جامع و کامل‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از نخستین سده ظهور دین مبین اسلام، «مساجد»، به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامی، تجلّی یافتند.[1]

در حقیقت، آموزش عملی بنیان‌گذار مکتب متعالی اسلام، برای رهروان راهش این بوده است که در طرّاحی و شهرسازی حکومت اسلامی،«مسجد»، نخستین مکان احداثی باشد و در مرکزیّت شهر قرار گیرد. چنان‌که حضرت رسول ﷺ در نخستین اقدام خود، هنگام ورود به یثرب، پس از تغییر نام آن به مدینه، مسجدی را در مرکز شهر بنا کرد.

در زمان حضرت محمّد ﷺ و ائمّه اطهار مسجد، کانون بسط و توسعه فرهنگ غنیّ اسلام بود و بسیاری از فعّالیّت‌های فرهنگی مسلمانان در مسجد انجام می‌گرفت. به‌طور کلی، پایگاه فرهنگی جهان اسلام از مساجد شکل گرفت و هسته اوّلیه فعّالیّت‌های فرهنگی دین مبین اسلام، در مساجد تشکیل شده است. از این‌رو، می‌توان گفت که اصلی‌ترین پایگاه فعّالیّت‌های فرهنگی، چه در دوران پیامبر اکرم ﷺ و چه در دوران ائمّه اطهار علیهم‌السلام، مساجد بوده‌اند.[2]

نقش مساجد بر هویّت و فرهنگ اسلامی تا بدان جاست که با دور شدن از

---

[1]. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ص۲۳.

[2]. عبّاسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محلّه‌ای، فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص۳۸۲ .

مساجد، نتیجه‌ای جز تخریب ظاهری و باطنی و سقوط مبانی فرهنگ در وهله نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهله دوّم را در پی نخواهد داشت. از طرف دیگر، رابطه متقابل میان ارزش‌ها و باورهای سنّتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی نشان می‌دهد که مساجد به عنوان کانون‌های ارزشی و فرهنگی دین مبین اسلام، نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. این موضوع، نشان‌دهنده نقش مؤثّر این نهاد اسلامی بر فرهنگ و هویّت مردمان شهرهای اسلامی است.[1]

بنابراین، مسجد، به عنوان مرکز فرهنگ‌سازی اسلامی و نهاد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به صورت محسوس و نامحسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویّت افراد در سطح فردی و اجتماعی نقش به‌سزایی ایفا می‌نماید.

بدین ترتیب، مشخّص می‌شود که تبیین و تعیین جایگاه واقعی مساجد در جوامع اسلامی، افزایش کارایی آن را در تقویّت و تثبیت زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی موجب خواهد شد.[2]

بدون تردید، می‌توان نتیجه گرفت که امروز راه‌حلّ بسیاری از مشکلات امّت اسلامی در مسجد یافت می‌شود. اقدام و سنّت حضرت رسول ﷺ در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی و نمادین و اتّفاقی نیست؛ بلکه نقطه آغاز کار را به صورت حساب شده به ما نشان داده است و بدون شک، هم اکنون نیز می‌تواند کوتاه‌ترین و بهترین مسیر اصلاح امّت مسلمان قلمداد شود و البتّه باید چنین باشد. پس، باید به سنّت پیامبراکرم ﷺ بازگشت و مسجد را احیاء نمود؛ زیرا مشکل اسلام، نداشتن محلّ عبادت نیست. حضرت رسول ﷺ در این مورد می‌فرمایند: «جُعِلَتْ لِیَ الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُورا؛ همه زمین برای امّت من مسجد و پاک قرار داده شده است».[3] بنابراین، مشکل امّت اسلامی، هدایت و الهام امور گوناگون است که سرچشمه آن در مسجد است.

---

[1] . عبّاسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محلّه‌ای، فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص۳۸۱.

[2] . شکریان، ناصر، مدیریت و ساماندهی مساجد، فروغ مسجد، ج۴، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵، ص۴۴۷.

[3] . شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین‌الدین بن‌علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج۱، ص۱۵.

## » کلّیات: مفهوم‌شناسی واژگان

در ابتدا لازم است به تعریف نظری مفاهیم این پژوهش بپردازیم:

کارکرد: کارکرد (Function) در ادبیّات جامعه‌شناسی به معنای «نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد».[1]

کارکرد فرهنگی مسجد: مراد از کارکرد فرهنگی، نقشی است که مساجد در جهت افزایش آگاهی‌ها و بینش‌های مردم، در زمینه‌های گوناگون مذهبی ایفا می‌کنند.[2]

فرهنگ: اوّلین تعریف جامع و مانع از فرهنگ در سال ۱۷۱۸، در کتاب «فرهنگ ابتدایی» توسّط ادوارد بارنت تایلور بیان شد.[3]

«فرهنگ یا تمدّن، به مفهوم قوم‌نگاری عامّ خود، مجموعه پیچیده‌ای است مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و عاداتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه دریافت می‌نماید».[4]

مفهوم فرهنگ، در اوّلین برنامه ۵ ساله جمهوری اسلامی ایران، چنین آمده است: «فرهنگ، کلّیت به‌هم‌تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، متون، آداب و اعمال جامعه و مشخّص‌کننده ساخت و تحوّل کیفیّت زندگی است».[5]

در این پژوهش، بر اساس دو تعریف ذکر شده و تعاریف مشابه دیگر از فرهنگ، کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد را با مقوله‌های زیر بررسی خواهیم کرد و به تبیین نقش‌های مسجد در حوزه کارکردهای فرهنگی می‌پردازیم: نقش عبادی مسجد، نقش اجتماعی مسجد، نقش خدماتی مسجد، نقش علمی- آموزشی مسجد، نقش تبلیغی مسجد.

---

[1]. عابدی جعفری، حسن و همکاران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد، در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، ص۴۷.

[2]. منصوریان، عفّت، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد، فروغ مسجد، ص۲۴۰.

[3]. حبیبی، محمّد، خصائص مدیران فرهنگی، ص۱۴.

[4]. ابوالقاسمی، محمّدجواد، شناخت فرهنگ، ص۳۷و۳۴.

[5]. حبیبی، خصائص مدیران فرهنگی، ص۱۰.

## » گفتار اوّل: نقش عبادی مسجد

در قـرآن کریـم هر جا سـخن از مسـجد گفته شـد، جنبه‌های عبـادی آن به عنوان نقـش اوّلیـه و بنیادیـن ایـن جایـگاه مقدّس و معنـوی به شـمار رفته اسـت. در ادامه، بـه نمونه‌هایـی از این آیات اشـاره می‌شـود:

«وَأَنَّ الْمَسـاجِدَ لِلّهِ فَلاتَدْعُوامَعَ اللهِ أَحَدا؛ و اینکه مسـاجد از آن خداسـت. پس، احدی را بـا خداونـد (به عنوان پرسـتش) نخوانید». [1]

«...وَ أَقِيمُـواْ وُجُوهَكُـمْ عِنـدَ كُلِّ مَسْـجِدٍ وَ ادْعُـوهُ مخْلِصِيـنَ لَـهُ الدِّيـن...؛ به سـوی هر مسـجدی رو آوریـد و خـدا را از سـر اخـلاص بخوانید». [2]

یکـی از ارکان اساسـی ادیـان الهـی و بـه خصـوص دیـن مبیـن اسـلام، «عبـادت» اسـت. ماهیّـت و حقیقـت عبـادت، تنهـا بـه امور ظاهـری و بر زبـان آوردن پـاره‌ای از کلمـات و انجـام حـرکات خاصّ، محـدود نمی‌شـود؛[3] بلکه عبـادت، ارتباطی اسـت که بیـن بنـده و معبـود برقـرار می‌شـود و ایـن ارتبـاط در بطن عبـادت نهفته اسـت.

بدیـن صـورت، یکـی از اصلی‌تریـن نقش‌هـای مسـجد آن اسـت که زمینـه را برای عبـادت پُرحضـور و خالصانـه فراهـم نماید تا مؤمنـان در آن مکان مقـدّس با پرداختن بـه نمـاز و ذکـر و دعـا زنـگار غفلـت را از دل و جان خود بشـویند و با خداونـد متعال، بـه معنـای واقعی کلمـه، اُنس بگیرنـد. بنابراین، هر اندازه مسـجد در ایفـای این نقش حیاتـی موفّق‌تـر و کارآمدتـر باشـد، بـه مسـجدی کـه قـرآن و سـنّت آن را بـه تصویر کشـیده‌اند، نزدیک‌تر اسـت.[4]

بـا مقدّمـه‌ای کـه دربـاره کارکـرد معنـوی مسـاجد مطـرح شـد، به‌طـور خلاصـه، بـه تبییـن «فعّالیّت‌هـای عبـادی» کـه می‌توانـد (و بایـد) در مسـاجد صـورت بگیرد، می‌پردازیـم.

---

[1]. جن، آیه۱۸.
[2]. اعراف، آیه۲۹.
[3]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۲۹.
[4]. همان، ص۱۵.

## نقش مسجد در انجام عبادت شایسته

عنصر توجّه قلبی به خداوند متعال، روح عبادت را تشکیل می‌دهد. برای به وجود آمدن چنین عبادتی، عوامل فراوانی مورد نیاز است. بعضی از این عوامل به شرایط درونی و روحی عبادت‌کننده مربوط می‌شود؛ برخی به شرایط خارجی و بیرونی (چون زمان و مکان) عبادت بستگی دارد.

بنابراین، یکی از رموز اصلی بنای مساجد در دین اسلام، فراهم آوردن مکانی شایسته برای عبادت است. مسجد، با تمام ویژگی‌هایی که شارع مقدّس برای آن در نظر گرفته، مناسب‌ترین مکان برای عبادت و راز و نیاز با خداوند متعال است. به همین سبب، در آیین مقدّس محمّدی صلی الله علیه و آله این مکان الهی، «مسجد» نامیده می‌شود.[1]

## ذکر و یاد خداوند در مسجد

مسجد، جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و یاد خداست؛ خداوند تعالی می‌فرماید: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاٰصَالِ*رِجَالٌ لَّا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوٰهِ وَ إِیتَاءِ الزَّکَوٰهِ...؛ در خانه‌هایی که خداوند به تعظیم و بزرگداشت آن فرمان داده و بردن نام خویش را در آن خواسته است؛ مردانی یافت می‌شوند که صبحگاهان و شامگاهان خدا را تسبیح می‌گویند. هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خداوند و بپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد...».[2]

علاّمه طباطبایی قدس سره، در تفسیر این آیه سخنانی را بیان کردند که حاصل آن، چنین است: مقصود از «رفع» در این آیه، بالابردن قدر و منزلت مسجد، یعنی تعظیم و بزرگداشت آن است. عظمت و بزرگی از آن خداوند است. هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند و نسبت دارد، در عظمت و بزرگی با وی شریک است. پس، اگر خداوند به بزرگ‌داشت چیزی اذن دهد، در واقع، بر اساس پیوند

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۲۹و۳۰.
[2]. نور، آیات۳۶ و۳۷.

و ارتباطی است که آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه گذشت، روشن می‌شود که راز تعظیم و بزرگداشت مسجد، آن صفتی است که پس از کلمه «مسجد» ذکر شد و آن، «بردن نام خداوند» در مسجد است.[1]

درباره معنای کلمه «بیوت» نیز می‌فرماید: «قدر مسلّم از معنای آن، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده [است]».[2] ایشان به هنگام بحث، از روایت‌هایی که پیرامون این آیات وجود دارد استفاده کرده، می‌فرماید: «خانه‌های پیامبران و ائمّه نیز از مصادیق کلمه بیوت است».[3] از این آیه به روشنی دریافت می‌شود که رسالت اوّلیه و اساسی مسجد در اسلام آن است که محلّ عبادت و تسبیح و ذکر خداوند باشد.[4] در نتیجه، شکّی نیست که هر کس به این نقش اساسی و بنیادین مسجد، آسیب برساند و یا آن را کم‌رنگ نماید، با چیزی که خداوند متعال مقرّر فرموده است، به مبارزه پرداخته، در شمار ستم‌پیشگان خواهد بود.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا...؛ چه کسی ظالم‌تر است از آن کسی که از بردن یاد خدا در مسجد جلوگیری کند و در راستای خرابی آن تلاش نماید...».[5] این کار از یک طرف، ستمی بر مؤمنان و نمازگزاران است؛ زیرا مایه محرومیّت آنان از این مکان مقدّس می‌شود. از طرف دیگر، مسجد را از ایفای نقش اصلی خویش بازمی‌دارد و در نهایت، ظلمی بر کلّ مجموعه دین و شعائر الهی به شمار می‌آید؛ زیرا مسجد، مظهر اسلام و مسلمانی است. بنابراین، کوشش برای ویرانی آن در حقیقت، عملی است در راستای تضعیف دین و مبارزه با آن محسوب می‌شود.[6] قرآن در این مورد می‌فرماید: «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيم؛ برای آنها (کسانی که مانع از یاد خداوند در مساجد می‌شوند)، هم در

[1]. ر. ک: طباطبایی، محمّدحسین، تفسیر المیزان، سوره نور، ذیل آیه۳۶و۳۷.
[2]. همان.
[3]. همان.
[4]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۴۳.
[5]. بقره، آیه۱۱۴.
[6]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۴۵.

دنیـا و هـم در آخـرت عذابی بـزرگ وجـود دارد».[1]

در احادیـث بسـیاری، بـه فضیلـت ذکـر و یاد خداوند در مسـاجد اشـاره شـده اسـت. امـام صـادق علیه‌السلام فرمودنـد: «...جَاءَ رَجُـلٌ إِلَى النَّبِـيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ مَـنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْـجِدِ فَقَـالَ أَكْثَرُهُـمْ لِلَّه...؛ مـردی بـه حضـور پیامبـر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمـد و پرسـید: در میان اهل مسـجد، برتریـن آنهـا چـه کسی‌اسـت؟ پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودنـد: آنان کـه بیش از دیگـران ذکـر دارنـد [به یـاد خدا هسـتند]».[2]

روشـن اسـت کـه مقصـود از ذکـر، در ایـن روایـت تنهـا ذکـر لفظی نیسـت؛ بلکه هـدف بالاتـر و قوی‌تـر، «ذکـر قلبـی» اسـت. بدیـن ترتیـب، معنـای سـخن حضـرت رسـول صلی‌الله‌علیه‌وآله آن اسـت کـه جوهـر و جـان هـر عبادتـی، توجّه قلبـی به خداوند اسـت و در میـان تمامـی کسـانی کـه در مسـجد حضـور دارنـد، آنـان کـه بیشـتر به یـاد خدا هسـتند، از همـگان برترند.

## نماز جماعت

یکـی از کارکردهـای مهّـم مسـجد، برگـزاری نمـاز جماعـت و جمعـه اسـت. در واقع، جایـگاه اصلـی نماز و عبادت مسـجد اسـت؛ گرچه اسـلام اجـازه داده هر جـا که وقت نمـاز فـرا رسـید، نمـاز خوانده شـود، یعنـی نمـاز خوانـدن نیازمند مـکان مخصوصی نیسـت. همان‌طـور کـه پیامبر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماینـد: «جُعِلَـتْ لِـيَ الْأَرْضُ مَسْـجِداً وَ طَهُـوراً؛ زمیـن بـرای مـن محلّ عبـادت و پاکیزه قرار داده شـده اسـت».[3] با وجود این، بـه دلیـل اینکـه نمازهـای پنج‌گانـه به‌طـور منظّـم در شـبانه‌روز خوانـده می‌شـود، به‌طـور طبیعـی مسـلمانان به مکانـی برای برگـزاری نمازشـان احتیاج پیـدا می‌کنند و ایـن نیـاز، منجر به سـاخت مسـاجد شـد.

بـر ایـن اسـاس، یکـی از فلسـفه‌های سـاخت مسـجد، برگـزاری نمازهـای واجـب بـه صـورت جماعـت اسـت تا ایـن جلـوه عبـادی جمعـی، در خانـه خـدا تأثیرگذارتر گـردد. پیامبـر اسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله از همـان اوایـل بعثـت، به نمـاز جماعت در مسـجد بسـیار

[1]. بقره، آیه۱۱۴.
[2]. کافی، ج۳، ص۴۹۸.
[3]. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۷۲۴.

اهمیّت می‌دادند. پیامبر اسلام ﷺ در همان زمان، به مسجدالحرام آمد و رو به قبله ایستاد و پشت‌سر وی همسرش خدیجه علیها السلام و امام علی علیه السلام قرار گرفتند و نماز خواندند.[1]

مسلمانان، به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر اعظم ﷺ نسبت به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت، اشتیاق خاصّی از خود نشان می‌دادند و با تشکیل صفوفی منظّم و یکپارچه به امامت رسول خدا ﷺ نماز برپا می‌کردند. برگزاری نمازهای جماعت و آیین‌های عبادی به صورت دسته‌جمعی در تحکیم روابط میان مسلمانان و تحقّق وحدت در جامعه اسلامی نقش به‌سزایی داشته است. به همین علّت، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی‌دادند بدون عذر، از حضور در مسجد و شرکت در این فریضه الهی سرباز زنند. از روایات چنین برمی‌آید که در زمان رسول‌الله ﷺ تمامی مسلمانان حتّی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می‌کردند. در روایت آمده است که فرد نابینایی نزد پیامبر اسلام ﷺ آمد و گفت: من مرد نابینایی هستم و چه بسا صدای اذان را می‌شنوم، امّا کسی را نمی‌یابم که مرا برای نماز خواندن به مسجد بیاورد، رسول خدا ﷺ فرمودند: «طنابی از منزلت به مسجد ببند و به این وسیله در جماعت مسلمانان شرکت کن».[2]

پیامبر ﷺ هم سعی می‌کردند که نماز جماعت طول نکشد و باعث ملال و خستگی افراد نمازگزار نشود. حتّی به امامان جماعتی که این کار را می‌کردند به شدّت اعتراض می‌فرمودند؛ زیرا ایشان، اعتقاد داشتند که آنان باید به دلیل حضور افراد ناتوان، بزرگسال و کسانی که کار دارند، از طولانی کردن نماز پرهیز نمایند. به این ترتیب، مسجد، در عصر پیامبر اکرم ﷺ از نظر برگزاری آیین‌های جماعت، بسیار فعّال بوده است.[3]

پیامبر ﷺ همواره مسلمانان را به حضور در نماز جماعت تشویق و ترغیب

---

[1]. محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۷۴، به نقل از: برهان الدین حلبی در السیره الحلبیه.

[2]. کوخایی‌زاده، کریم، بررسی جایگاه مسجد در سیره پیامبر اعظم، مجموعه مقالات فروغ مسجد ۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص۱۲۸.

[3]. همان، ص۱۲۷و ۱۲۸.

می‌نمودنـد و می‌فرمودنـد: «أَلَا وَ مَـنْ مَشَـی إِلَی مَسْـجِدٍ یَطْلُـبُ فِیهِ الْجَمَاعَـةَ کَانَ لَهُ بِـکُلِّ خُطْـوَهٍ سَـبْعُونَ أَلْـفَ حَسَـنَهٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ مِـنَ الدَّرَجَاتِ مِثْـلُ ذَلِکَ فَإِنْ مَـاتَ وَ هُوَ عَلَـی ذَلِـکَ وَ کَّلَ اللهُ عَـزَّ وَ جَـلَّ بِـهِ سَـبْعِینَ أَلْفَ مَلَـکٍ یَعُودُونَهُ فِـی قَبْرِهِ وَ یُبَشِّـرُونَهُ وَ یُؤْنِسُـونَهُ فِـی وَحْدَتِـهِ وَ یَسْـتَغْفِرُونَ لَـهُ حَتَّـی یُبْعَـثَ؛ همانا کسـی که بـه قصد نماز جماعـت بـه سـوی مسـجد گام بـردارد، بـه ازای هـر گامـی، هفتاد هـزار حسـنه به او داده شـود و بـه همـان میـزان ترفیـع یابـد. اگـر در ایـن حال فـوت کند، خـدای عزّ و جـلّ، هفتـاد هـزار ملـک را می‌گمارد تـا او را در قبرش عیادت کنند و بشـارت دهند و در تنهایـی همـدم وی باشـند و برایش اسـتغفار کننـد تا زمانی که برانگیخته شـود».[1]

پیامبـر اکـرم ﷺ عـلاوه بر تشـویق، در عمل هم بـه آن اهمّیت می‌دادند و در سـفر و حضـر نمـاز جماعـت برگـزار می‌نمودند؛ حتّـی در بعضـی از جنگ‌ها حضـرت ناچار می‌شـدند نمـاز جماعـت را بـه صورت نماز خـوف بخوانند؛ ولـی در این حـال نیز نماز جماعـت را تـرک نمی‌کردند.[2]

## قرائت قرآن

یکـی از جلوه‌هـای یـاد خداونـد در مسـجد، تـلاوت آیـات وحیانـی کتـاب آسـمانی مـا مسـلمانان، قـرآن اسـت. رسـول اکـرم ﷺ می‌فرماینـد: «...اِنّمَـا نُصِبَتِ المَسَـاجِدُ لِلقُـرآنِ؛ مسـاجد را بـرای قـرآن خوانـدن سـاخته‌اند».[3]

شـکّی نیسـت کـه مسـجد برای هـر عبادتی اعـمّ از نماز، نمـاز جماعت، ذکـر و دعا و... بنـا نهـاده شـده اسـت و تنهـا بـرای تـلاوت قرآن سـاخته نشـده اسـت؛ ولـی این سـخن پیامبـر اسـلام ﷺ بـر مسـئله قرائـت قـرآن در مسـاجد، تأکیدی خـاصّ دارد. مطالعـه رفتـار مسـلمانان صدر اسـلام نشـان می‌دهـد که آنان بـه تلاوت قـرآن کریم در مسـاجد توجّهـی ویژه داشـته‌اند.[4]

---

[1]. من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۷، ح۸۷۴۹، باب ذکر جمل من مناهی النبی ﷺ.
[2]. محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۷۷.
[3]. الکافی، ج۳، ص۹۷۳، ح۵.
[4]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۵۷ و۷۷.

## دعا و نیایش

دعـا و نیایـش، یکـی از جلوه‌هـای یـاد خداونـد متعـال اسـت کـه نـه تنهـا در عالـم انسـانی، بلکـه در عالـم نباتات و جمـادات نیز وجـود دارد و همه به تسـبیح حق‌تعالی مشـغول هسـتند. خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «يُسَـبِّحُ لِلَّهِ مَـا فـِي السَّـمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِـكِ الْقُـدُّوسِ الْعَزِيـزِ الْحَكِيـمِ؛ آنچـه در آسـمان‌ها و زمیـن اسـت، همـه به تسـبیح و سـتایش خدا که پادشـاهی منزّه و پاک و مقتدر و داناسـت، مشـغول‌اند».[1]

در میـان ادیـان آسـمانی، دیـن مبین اسـلام بیش از همه بـرای دعا و نیایـش اهمیّت ویـژه قائل‌شـده اسـت؛ زیـرا انسـان را به‌گونـه‌ای آفریـد کـه او از آغـاز آفرینـش در جسـتجو بـوده اسـت تـا بتوانـد بـا عشـق‌ورزی به معبـود و کمـال مطلق و بـه آرامش درونـی دسـت یابـد. قرآن کریـم در آیات متعدّدی، بنـدگان را به دعـا و نیایش دعوت می‌نمایـد و شـرط اجابـت دعـا را راز و نیـاز و درخواسـت قلبـی و زبانـی می‌دانـد: «وَ قَـالَ رَبُّكُـمُ ادْعُونِي أَسْـتَجِبْ لَكُـمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْـتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَـيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيـنَ؛ و خـدای شـما فرمـود کـه مـرا بـا خلـوص نیّـت بخوانیـد تـا دعای شـما را مسـتجاب کنـم و آنـان کـه از دعا و عبادت من اعراض و سرکشـی می‌کننـد، به زودی بـا ذلّت و خـواری در دوزخ وارد شـوند».[2]

بـر اسـاس مطالـب مطـرح شـده، بـه خوبـی روشـن اسـت کـه دعـا، در هـر مکانـی و به‌ویـژه در مسـاجد دارای فضیلـت ویـژه‌ای اسـت. امـام صـادق علیه‌السلام شـیعیان خـود را توصیـه می‌نمودنـد کـه در سـختی‌ها و گرفتاری‌هـا در مسـجد حضـور یابنـد و پس از اقامـه نمـاز، برای برطرف شـدن مشـکلات خود دعـا کنند. بـه نقـل از معاویه‌بن‌عمّار، امـام صـادق علیه‌السلام فرمودنـد: «كَانَ اَبِـي اذا طَلَـبَ الحَاجَةَ طَلَبَهـا عِندَ زوالِ الشَـمسِ فَاذَا اَرَادَ ذَلِـكَ قَـدِّم شَـيئاً فَتَصَدّق بِه و شَـمّ شَـيئاً مِن طيـب وَ رَاحَ اِلَى المَسـجِد و دَعَا فِي حاجَتـه بمَـا شَـاءالله؛ پـدرم امـام محمّـد باقـر علیه‌السلام حاجت‌های خـود را هنـگام ظهر از خداونـد درخواسـت می‌نمـود. او هرگاه حاجتی داشـت ابتدا چیـزی در راه خدا صدقه مـی‌داد، خـود را خوشـبو می‌کـرد، آنـگاه به سـوی مسـجد می‌شـتافت و حاجت خود

[1]. جمعه، آیه۱.
[2]. غافر، آیه۷۰.

را در آنجا از خداوند می‌طلبید».[1]

از مطالعه تاریخ، مشخّص می‌شود که مسلمانان صدر اسلام، بر این باور بودند که به هنگام بروز حوادث سخت، باید در مسجد حاضر شوند و دعا کنند. آنها، مساجد را محضر خاصّ خداوند و جایگاه فرود آمدن رحمت گسترده او می‌دانستند.[2] همچنین، در زمان صدر اسلام، مسلمانانی که دچار لغزش و خطا می‌شدند و خود را نیازمند به لطف و احسان خاصّ خداوند می‌دانستند، به مسجد پناه می‌آوردند؛ زیرا این جایگاه مقدّس را جلوه‌گاه رحمت خاصّ خداوند مهربان می‌دانستند.[3]

دعا در مسجد، می‌تواند هم به صورت فردی باشد و هم به صورت جمعی؛ امّا بر پایه روایات معصومان علیهم‌السلام، برگزار نمودن جلسات دعا به صورت دسته‌جمعی، اگر به اخلاص آسیبی نرساند، مطلوب و پسندیده است و از جنبه‌های تربیتی خوبی نیز برخوردار است. این‌گونه مجالس، زمینه آشنایی و اُنس مؤمنان با فرهنگ پُربار دعا را فراهم می‌آورد.[4]

## اعتکاف در مسجد

یکی دیگر از آئین‌های عبادی مسلمانان که در مسجد صورت می‌پذیرد، «اعتکاف» و خلوت با خداوند است. اعتکاف، تأثیر به‌سزایی در ریشه‌کن کردن گناهان انسان دارد. در مورد پیشینه اعتکاف می‌توان گفت که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله برای پرورش روح، قبل از رسالت هم به این امر می‌پرداختند؛ به این صورت که مدّتی را در غار حرا واقع در کوه نور، یکی از کوه‌های مکّه، به عبادت به سر می‌بردند. حضرت علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرمایند: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چند ماه از سال را در غار حرا می‌گذراند؛ تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید».[5]

---

[1]. الکافی، ج۲، ص۴۷۸، ح۷.
[2]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۱۷و۲۷.
[3]. همان، ص۳۷.
[4]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۴۷.
[5]. دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، خ۱۹۲، ص۳۹۹.

آن حضـرت، بعـد از رسـالت هـم بـه اعتکاف اهمّیـت می‌دادند؛ بـا این تفـاوت که این بـار، «مسـجد»، جایـگاه این عمل عبادی ایشـان بود .امـام صـادق(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «وَ كَانَ رَسُـولُ اللهِ(صلی‌الله‌علیه‌وآله) إِذَا كَانَ الْعَشْـرُ الْأَوَاخِرُاعْتَكَفَ فِي الْمَسْـجِدِ وَ ضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْشَـعْرٍ وَ شَـمَّرَ الْمِئْزَرَ وَ طَوَى فِرَاشَـه؛ رسـول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در ده روز آخر ماه رمضان، در مسـجد معتکـف می‌شـدند و بـرای آن حضـرت، خیمـه‌ای معیّـن برپـا می‌کردند و ایشـان در ایـن ده روز بسـتر خویـش را برمی‌چیدنـد و به اعتکاف مشـغول بودند».[1]

## آثار و جلوه‌های تربیتی، اخلاقی و رفتاری مسجد

تربیـت، از ارکان حیـات اجتماعـی انسـان اسـت؛ از ایـن‌رو، توجّـه به ابعـاد مختلف تربیتـی، توجّه به شـخصیّت والای انسـان اسـت. نکته دارای اهمّیـت در اصول تربیتی ایـن اسـت کـه «محیـط زیسـت»، یکـی از عوامـل تأثیرگـذار اسـت و می‌توانـد کفـه تـرازوی تربیـت را به نفع خود سـنگین نماید. بنابراین، «مسـاجد» یکـی از محورهای تربیتـی قابـل توجّـه هسـتند و از آنجایـی کـه امـور تربیتی، بیشـتر با روان سـر و کار دارنـد، حضـور در جمـع تربیت شـده‌ای که در مراسـم‌های مسـجد شـرکت می‌کنند، می‌توانـد راه آسـانی بـرای کسـب آداب و اخـلاق مقبول جامعه اسـلامی باشـد.[2]

«مسـجد»، بـه عنـوان یـک مـکان تربیتـی، دارای دو جلوه فـردی و جمعی اسـت؛ یعنـی اینکـه دو نـوع رفتـار می‌تواند در آن جلوه‌گر شـود کـه در امر تعلیـم و تربیت و جهت‌دهـی رفتارهـای فـردی و جمعـی افراد بسـیار مؤثّر اسـت. هنگامی که انسـان‌ها بـه صـورت جمعـی بـه برگـزاری مناسـک و انجـام فرایـض می‌پردازنـد، رفتارهـای جمعـی ظاهـر می‌شـوند و هنگامـی کـه بـه صـورت غیرجمعـی و به شـکل فـردی در مسـجد حضـور پیـدا می‌کننـد، خودبه‌خود به محاسـبه و بررسـی رفتارهای شـخصی و فـردی می‌پردازنـد.[3] گرچـه می‌تـوان گفـت کـه عبـادت در هـر مکانی، نیـاز روحی انسـان را به‌طـور نسـبی تأمین می‌کنـد؛ ولی مسـجد و عبادتگاه، جایـگاه بهتری برای ایـن امـر اسـت و نیاز انسـان را کامل‌تر تأمیـن می‌کند. بنابراین، انسـان بنـا به فطرت

[1] . من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۴، ح۲۰۸۷، باب الاعتکاف.
[2] . حسینی سیّدحمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، ص۲۰۲.
[3] . موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص۱۰۷.

خویـش، معبـد و مسـجد را دوسـت دارد و تاریخ هم نشـان می‌دهد کـه معبد همواره، همـراه و همزاد انسـان بوده اسـت.[1]

آثـار تربیتـی، اخلاقـی و رفتـاری مسـجد عبارت‌انـد از: ایجـاد آرامـش، پرهیـز از گنـاه، بعـد تربیتـی ارتبـاط با دوسـت خـوب، پـرورش روح جمع‌گرایی، پـرورش روح تعهّـد، پـرورش روح تواضـع و فروتنـی. در این بخش، بـه اختصار، به تشـریح هر کدام می‌پردازیـم:

### ایجاد آرامش

معصومـان علیهم‌السلام در سـخنان خویـش، مسـجد را پناهـگاه مؤمـن دانسـته‌اند. پناهگاهـی کـه انسـان را از دغدغـه و اضطـراب نجـات می‌دهـد و به آرامش و سـکون می‌رسـاند. پیامبراکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماینـد: «مَـا جَلَـسَ قَـوْمٌ فِـی مَجْلِـسٍ مِـنْ مَسَـاجِدَ اللهِ تَعَالَـی یَتْلُـونَ کِتَـابَ اللهِ وَ یَتَدَارَسُـونَهُ بَیْنَهُـمْ إِلَّا نَزَلَـتْ عَلَیْهِـمُ السَّـکِینَهُ وَ غَشِـیَتْهُمُ الرَّحْمَهُ وَ حَفَّتْهُـمُ الْمَلائِکَـهُ وَ ذَکَرَهُـمُ اللهُ فِیمَـنْ عِنْـدَهُ؛ قومـی [بـا یکدیگـر] در مسـجدی از مسـاجد خداونـد متعـال بـرای تـلاوت و آموختن قرآن ننشـینند؛ مگـر آن که آرامش بـر ایشـان نـازل و رحمـت الهـی شـامل حـال آنهـا شـود و خداونـد از آنهـا در میـان کسـانی کـه نـزد او هسـتند، یـاد می‌کند».[2]

مسـجد، «افسـردگی» را که یک بیماری روحی اسـت، برطرف می‌کند و شـادمانی و نشـاط را جایگزیـن آن می‌سـازد. امـام صـادق علیه‌السلام بـه مسـلمانان سـفارش می‌کنند کـه هنـگام رویارویـی با مشـکلات و اندوه‌هـای دنیوی، به نماز و مسـجد پنـاه ببرند.[3]

### پرهیز از گناه

بـر اسـاس حدیثی متواتـر از امام علی علیه‌السلام، مسـجد، در جایگاه اصیـل خویش، روح پرهیـز از گنـاه و دوری از سرکشـی را در دل و جـان مؤمنان می‌دمـد و آنان را به زیور

---

[1]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۱۵و۷۱.

[2]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳، ص۳۶۳، ح۳۷۸۸.

[3]. طبرسـی (رضی‌الدّیـن)، حسـن‌بن‌فضل، مکارم‌الاخـلاق، مترجـم سـیّد ابراهیـم میرباقـری، ج۲، چـاپ دوّم، تهـران، فراهانـی، ۱۳۷۵، ص۷۱۲.

«حیـای اسـلامی» آراسـته می‌کنـد و جامه «خشـیت از خـدا» را به آنان می‌پوشـاند. هنگامـی کـه مؤمن وارد مسـجد می‌شـود، فضایـی آکنده از قـدس و طهـارت او را در بـر می‌گیـرد. خانـه‌ای سـاده و بـه دور از پیرایه‌هـای مـادّی کـه مملـوّ از جاذبه‌هـای معنـوی و الهـی اسـت. پـس، فـرد مؤمـن هنگامـی کـه در ایـن مـکان مقـدّس قـرار می‌گیـرد، سـعی می‌کنـد بـه گنـاه آلوده نشـود و تمام اعضـاء و جوارح خـود را از گناه دور نگـه دارد و ایـن عمـل، نوعـی تمریـن در انجـام کارهـای خیـر و دوری از بدی‌هـا اسـت. پـس، می‌تـوان گفـت حضـور در مسـجد، تمریـن توجّه بـه خدا و آزمـون ترک دنیاست.[1]

علمـای تربیتـی نیـز معتقدنـد کـه اجـرای مناسـک دینـی، نوعـی تمریـن بـرای خویشـتن‌داری و تحمّـل قیـود اسـت و می‌توانـد مقاومـت در برابـر جاذبه‌هـای نفسـانی را افزایـش دهـد و موانـع زندگی اخلاقـی را کم کنـد.[2] آثار سـازنده و تربیتی حضـور در مسـجد، رفته‌رفتـه بـه دیگـر اعمـال و احـوال مؤمـن نیـز سـرایت می‌کند. حضـرت علـی‌ﷺ در روایتـی فرمودنـد: «خداونـد ـتبـارک و تعالـی ـ بـه حضـرت عیسـی‌بن‌مریم‌ﷺ وحـی فرمـود کـه بـه جَماعت [و یـا اَشـراف] بنی‌اسـرائیل بگو که جـز بـا قلب‌هایـی پاکیـزه و چشـمان خاشـع و دسـت‌های پاکیـزه، بـه خانه مـن وارد نشوند».[3]

بنابرایـن، می‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه نقش مسـجد، نقشـی تکمیلی و ایجـادی در حیطـه شـکل‌گیری و تقویّـت رفتارهای مطلوب اسـت و نه فقط این کـه تثبیت‌کننده رفتارهایـی باشـد که در مسـجد رخ می‌دهند.[4]

### ارتباط با دوست خوب

نقـش تربیتـی دیگـری که مسـجد ایفا می‌کند، این اسـت کـه دلدادگان خـود را با انسـان‌های صالـح و برگزیـده پیونـد می‌دهـد. از نظـر علمـای تربیتـی، دوسـتِ خوب

[1]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۱۸و ۱۹.
[2]. حسینی، سیّدحمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، ص۲۰۲.
[3]. ابن‌طاووس، علی‌بن‌موسی، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ج۱، ص۸۰.
[4]. موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص۱۱۲.

در سعادت انسان نقش مهمّی دارد؛ مسجد، بستری مناسب است تا میان صالحان و مؤمنان جامعه، آشنایی و پیوند ایجاد شود و شرایط تربیت و پرورش روحی و اخلاقی انسان فراهم آید. کسی که با خوبان معاشرت داشته باشد، حتّی اگر به این درجه از تکامل هم نرسیده باشد که به سبب ترس از خداوند به طرف گناه نرود، دست‌کم به دلیل شرم از برادران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد.[1]

### پرورش روحیّه جمع‌گرایی

اثر سازنده تربیتی دیگر مسجد، پرورش روح جمع‌گرایی در مسلمانان است. «انزواطلبی» و«جمع‌گریزی»، بیماری روحی شناخته می‌شود؛ در حالی که «اجتماعی بودن» و«جمع‌گرایی» در حّد معقول و مطلوب آن، نشان سلامت روح و روان انسان به شمار می‌آید. بر این اساس، مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به اجتماعات، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویّت می‌کند.[2]

### پرورش روح تعهّد

مسجد، به‌طور معمول جایگاهی برای طرح مشکلات، دغدغه‌ها و نارسایی‌های اجتماعی است. بنابراین، حضور فرد در چنین مکانی تقویّت روح تعهّد و دردمندی را در وی موجب می‌شود و در مقابل نوعی مبارزه با روح بی‌تعهّدی و بی‌تفاوتی محسوب می‌شود. اگر در میان افراد جامعه‌ای، به‌ویژه نسل جوان، روح بی‌تعهّدی حاکم شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر اجتماع وارد خواهد شد.[3]

### پرورش روحیّه تواضع

تکبّر ورزیدن و خود برتربینی، خصلتی منفی و یک بیماری روحی است. در

---

[1]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۲۳.
[2]. همان.
[3]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۲۴.

مقابـل، تواضـع و فروتنـی در برابـر هم‌نوعـان، خُلقـی نیکـو به شـمار می‌آید. مسـجد، در پـرورش ایـن خصلـت نیکـو نقـش به‌سـزایی ایفـا می‌کنـد. انسـانی کـه در فضای مسـجد بـا قشـرهای گوناگـون جامعه، نشسـت و برخاسـت می‌کنـد و از قـرار گرفتن در کنـار افـراد متوسّـط و ضعیف‌تـر از خـود از جهـات گوناگـون، خـودداری نمی‌کند، از رفتارهـا و منش‌هـای متکبّرانـه بـه دور می‌مانـد.[1]

[1] . همان، ص۲۵.

## » گفتار دوّم: نقش اجتماعی مسجد

پایه و بنیان دین مبین اسلام، بر اصل اجتماعی بودن، استوار گشته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کُنج عزلت برهاند و او را به سوی زندگی اجتماعی سوق دهد؛ زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند به صورت قدرتی واحد، در مقابل مشکلات و مصائب ایستادگی کنند.[1]

از آغاز اسلام، مسجد مرکز تمام فعّالیّت‌های اجتماعی بود. موعظه‌های مذهبی و خط‌مشی‌های حکومتی از منبر مساجد اعلام می‌شد و عدالت در چارچوب آن اجرا می‌شد. پناهگاه بی‌پناهان، محلّ رفع مشکلات مردم و جایگاه مشورت حاکم و مسلمانان بود. همه می‌دانیم که مسجد در تحکیم «وحدت اجتماعی» که عنصر اساسی برای سلامت و بقای هر جامعه‌ای است، نقش بسیار بزرگی ایفا می‌کند. افراد، با سنین مختلف و جنسیّت و نژاد و افکار و سلیقه‌های مختلف، همه در یک جا گردهم می‌آیند؛ همدل و همسو در نماز جماعت با صفوف به‌هم فشرده و دوش به دوش می‌ایستند. حضوری به این شکل، به‌طور مسلّم، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌کند.[2]

### مسجد، پایگاه ارتباطات و اطّلاع‌رسانی

در نظام مقدّس اسلام، «مسجد» که بنیانی اعتقادی و عبادی دارد، محلّ آمدوشد مداوم مسلمانان در اوقات نمازهای روزانه و مناسبت‌های مختلف است. از این جهت، نسبت به سایر معابد ادیان دیگر از برجستگی خاصّی برخوردار است و محور فعّالیّت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد.

مسجد، به عنوان مرکز انتقال پیام، در صدر اسلام که از جهت اطّلاع‌رسانی فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیّت بسیاری داشت؛ زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی فرصت را مغتنم می‌شمردند و به مناسبت‌های مختلف، راهنمایی‌های لازم را به اطّلاع عموم می‌رساندند.[3] «رسم مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ این بود که

---

[1]. موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۷۰.
[2]. همان، ص۲۷.
[3]. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص۳۹۹.

هـرگاه حادثـه‌ای مهـم رخ می‌داد، جارچـی ندا می‌کـرد: «الصَّلَاةَ جَامِعَـةً»؛ یعنی برای نمـاز در مسـجد جمـع شـوید. این جمله بـرای مردم آن زمـان معنایی خاصّ داشـت. آنـان از ایـن نـدا می‌فهمیدند که امـر مهمّی مطرح اسـت».[1]

مسـجد، تنهـا یـک وسـیله ارتبـاط جمعـی تک‌بُعـدی نیسـت کـه بـه انتقـال پیام الهـی اکتفـا کنـد؛ بلکـه مسـجد، هم‌زمـان بـا انتقـال پیام خـود، مرکـز تعییـن پیام و نمـود و آثـار آن اسـت و ایـن ویژگی اسـت که مسـجد را از هـر پایگاه و جایـگاه دیگر متمایـز می‌سـازد.[2]

به‌عـلاوه، بیشـتر «مسـاجد جامـع» را بـه نحـوی و در نقاطی احـداث می‌کردند که در مسـیر راه‌هـا و معابـر شـهری قـرار بگیرنـد. بنابرایـن، مسـاجد، یکـی از مهم‌تریـن عرصه‌هـا و صحنه‌هـای انـواع ارتباطـات اجتماعـی و فرهنگـی بودنـد.[3]

## مسجد، کانون مشاوره

مشـورت و مراجعـه بـه آراء عمومـی، نقـش به‌سـزایی در تکامـل جامعـه دارد و ایـن تبـادل آراء در مسـائل اجتماعـی، رشـد و شـکوفایی را بـه ارمغـان مـی‌آورد. قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «...وَ شَـاوِرْهُمْ فـِي الْأَمْـرِ فَـإِذَا عَزَمْـتَ فَتَـوَكَّلْ عَلـَى اللهِ إِنَّ اللهَ يُحِـبُّ الْمُتَوَكِّلِيـن؛ و بـا ایشـان در کار مشـورت کـن و وقتی که تصمیـم گرفتی، پس، بـر خدا تـوکّل کـن کـه خداونـد، دوسـتدار توکّل‌کنندگان اسـت».[4]

پیـش از اسـلام، عرب‌هـا مکان‌هایـی را برای رایزنی و مشـورت داشـتند کـه به آنها «نـادی» می‌گفتنـد، نـادی، از «ندوه» به معنای مشـورت اسـت؛ «دارالنّـدوه» در کنار کعبـه، یکـی از مکان‌هایـی بـود کـه قصّی‌بـن‌کلاب بـرای مشـورت قریـش قـرار داده بـود. با آمدن اسـلام و سـاخته شـدن مسـاجد، ایـن کارکرد نیـز به دیگـر کارکردهای مسـجد اضافه شد.[5]

---

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مساجد، ص۷۴.
[2]. موظف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص۸۵.
[3]. شـهرداری تهـران- معاونـت امـور اجتماعـی، ماهیّـت کارکـردی و کالبـدی مسـجد و مشـکلات موجـود، مجموعـه مقـالات کارکـرد مسـاجد، ص۳۷۲.
[4]. آل‌عمران، آیه۱۵۹.
[5]. محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۱۵۸.

آن دسته از مسائل اجتماعی و سیاسی که لازم بود مسلمانان درباره آن شور و گفت‌وگو کنند، در مسجد مطرح می‌شد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. در واقع، مسجد، پایگاهی برای مشورت با مردم بود. «از این‌رو، نویسندگانی که مسجد را مجلس شورای مسلمانان نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند».[1]

در متون تاریخی آمده است که پیامبر اسلام ﷺ برای اتّخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه به نام مسجد «عرق الظبیه»، با اصحاب به مشورت پرداختند. همچنین، آن حضرت برای رفتن به جنگ احد در «مسجد مدینه» با مسلمانان به تبادل‌نظر همّت گماشتند».[2]

## مسجد، بستر وحدت اجتماعی

یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی، وحدت و همبستگی مسلمانان بر محور فرامین الهی است. قرآن در مورد وحدت اجتماعی می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللهِ جَمِیعًا وَ لَا تَفَرَّقُواْ وَ اذْکُرُواْ نِعْمَتَ اللهِ عَلَیْکُم...؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا بر شما را یادآورید».[3]

همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید: «وَ أَطیعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّا للهَ مَعَ الصَّابِرین؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود و صبر و استقامت پیشه کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است».[4]

جامعه‌ای که دچار تفرقه و پراکندگی شود، بخش مهمّی از توان خود را در کشمکش‌های داخلی از دست خواهد داد و بدین صورت، نه تنها در رویارویی با دشمنان خارجی دچار ضعف خواهد شد، بلکه توان حلّ مشکلات درونی خود را نیز نخواهد داشت و از هر سو با شکست مواجه خواهد شد. از این‌رو، در مکتب حیات‌بخش اسلام بر عنصر وحدت در جامعه اسلامی، تأکید فراوان شده است.[5]

---

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۷۴.
[2]. موظف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۱۷۰.
[3]. آل‌عمران، آیه۱۰۳.
[4]. انفال، آیه۷۴.
[5]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۴۷۲.

دیـن مقـدّس اسـلام، بـرای دسـت‌یابی بـه ایـن امـر حیاتـی (وحـدت اجتماعـی مسـلمانان)، تمامـی امتیازهـای پـوچ و بیهـوده را نفـی کـرده و «تقـوا» را بـه عنـوان اصـل کرامـت و ارزش انسـان معرّفـی نمـوده اسـت.

بـا ایـن حـال، «وحـدت» از یک سـو، نیـاز به اسـباب و عواملـی دارد که اسـتحکام و پایـداری آن را موجـب می‌شـوند و از سـوی دیگـر، نیازمنـد آن اسـت کـه در مکانی تجلّـی نمایـد و مسـجد، در جامعـه اسـلامی در این زمینه نقش اساسـی ایفـا می‌کند. در واقـع، مسـجد، کانونـی اسـت که شـبانه‌روز، مؤمنان از اقشـار مختلف بـا مناصب و موقعیّت‌هـای اجتماعـی گوناگون، پیر و جوان، سـفید و سـیاه، ثروتمنـد و فقیر و... در آن حضـور می‌یابنـد؛ همـگان دوش بـه دوش هـم و در صف‌هایـی به‌هم پیوسـته و رو بـه یـک سـو، نمـاز می‌خواننـد. بدین صـورت، روح همدلـی و همراهی در آنهـا تقویّت می‌شـود و دل‌هـای مسـلمانانِ سسـت ایمـان را نیـرو می‌بخشـد. حتّـی اختلاف‌هـای مذهبـی، نـه تنهـا مانع حضـور اهل مذاهب گوناگون در مسـاجد یکدیگر نیسـت؛ بلکه مسـجد، بـه منزلـه عاملـی مؤثّـر، با این‌گونـه اختلاف‌هـا مبـارزه می‌کند و مسـلمانان را بـه یکدیگـر نزدیـک می‌نمایـد.[1] البتّـه، خداوند متعال با نـزول آیه ۱۰۸سـوره توبه، پیامبـر خویـش را از نمازگـزاردن و حتّـی حضـور در مسـجدی کـه وحـدت جامعـه اسـلامی را دچار آسـیب کنـد، نهـی می‌نماید.[2]

اثـر باشُـکوه دیگری که همبسـتگی مسـلمانان در مسـجد به‌همراه خواهد داشـت، ناامیدی دشـمنان اسـلام از تفرقه و پراکندگی مسـلمانان اسـت.[3]

عـلاوه بـر اینکـه خـود مسـجد، پایـگاه وحـدت مسـلمانان اسـت، شـواهد نشـان می‌دهـد کـه پـاره‌ای از مقـرّرات نماز جماعـت، مانند تأکیـد بر منظّم بـودن صف‌های نمـاز و خـارج نشـدن از مسـجد بـه هنگام اذان و شـرکت کـردن در نمـاز جماعت و... بـه منظـور وحـدت و هماهنگی بیشـتر مسـلمانان وضع شـده اسـت.

---

[1] . برفی، محمّد، نقش مسجد در وحدت اجتماعی مسلمانان، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص۸۵.
[2] . رحیم، نوبهار، مسجد نمونه، ص۵۵.
[3] . رحیم، نوبهار، مسجد نمونه، ص۲۴۷.

## نظم نماز جماعت، نماد وحدت

تأکید بر منظّم بودن صفوف و فشرده ایستادن مؤمنان به هنگام نماز جماعت، علاوه بر رعایت نظم و انضباط در پیشگاه خداوند و ایجاد وحدت و همدلی مؤمنان نمازگزار، نمایشی از نظم و یکپارچگی آنان در مقابل دشمنان است. در سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز شواهد قابل توجّهی بر این مطلب وجود دارد.[1]

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام نماز به جمعیّت خطاب کرده، فرمودند: ای مردم، صف‌ها را منظّم و مساوی کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی میان شما نیفتد و نامرتّب نباشید که خداوند دل‌های شما را از یکدیگر دور گرداند و بدانید که من از پشت سر شما را می‌بینم (متوجّه نظم و عدم آن نسبت به صف‌های جماعت شما هستم)».[2]

## مسجد و مبارزه با تفرقه و پراکندگی

خروج از صف نماز جماعت در مسجد، نشانه عدم‌همبستگی و اتحّاد مسلمانان است؛ در صورتی که مسجد، جایگاه تجلّی وحدت مسلمانان است. بنابراین، کسی که چنین رفتاری را انجام می‌دهد، در واقع به نقش وحدت‌آفرین مسجد آسیب رسانده است و خواسته و ناخواسته، نفاق ایجاد کرده است و کسانی را که پراکندگی صف‌های به‌هم پیوسته مسلمانان را انتظار می‌کشند، امیدوار نموده است.[3]

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این مورد می‌فرمایند: «مَنْ سَمِعَ النِّداءَ فی المَسجِدِ فَخَرَجَ مِنْهُ مِنْ غَیرِ عِلَّه فَهُوَ مُنافِق الّا اَن یُرِیدَ الرُجوعَ اِلَیه؛ کسی که در مسجد، صدای اعلام نماز را بشنود، آنگاه بدون عذر، مسجد را ترک نماید، منافق است؛ مگر این که دوباره قصد بازگشت به مسجد را داشته باشد».[4]

---

[1]. همان، ص ۲۵۰.
[2]. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۲۰.
[3]. نوبهار، مسجد نمونه، ص ۲۵۳.
[4]. شیخ صدوق، أمالی الصدوق، ص ۵۰۱.

## مسجد و امر به معروف و نهی از منکر

امـر بـه معـروف و نهی از منکـر، یکـی از برترین واجبـات دینی در جامعه اسـلامی اسـت کـه ثمـرات فراوانـی برای پیـروان این دیـن مقدّس بـه دنبـال دارد و در اصلاح روابـط اجتماعـی، نقـش کلیـدی ایفـا می‌نمایـد و جامعه‌ای سـالم و مدینـه‌ای فاضله ایجـاد می‌کنـد. هـدف قـرآن کریـم آن اسـت که بـا نصیحت و امـر به معـروف و نهی از منکـر، غبارهـای نشسـته بر چهـره جهانیان را بِزُدایـد و از این راه، دل‌هـای غافل را بیـدار نمایـد و بسـتر رشـد و تعالی بشـریّت را فراهم سـازد.[1]

در ایـن خصـوص، مسـجد جایـگاه گردهمایـی دینـداران دلسـوز، میـدان حضـور مؤمنـان و نمایشـگاه ایمـان، وحـدت و همبسـتگی آنهاسـت. بیماردلانـی کـه میل به انجـام گنـاه دارند، بـا دیدن نمایش ایمـان مؤمنان، از گناه و سرکشـی بازمی‌ایسـتند؛ همیـن تأثیـر در مـورد آنهایی کـه به دلیل سسـتی ایمـان، متزلـزل و مردّدند، مطرح اسـت. این‌گونـه افـراد از مسـجد، روحیّـه ثبـات و اسـتواری می‌گیرنـد. بدیـن ترتیب، حضـور مسـلمانان در مسـجد، خودبه‌خـود، سـبب جلوگیـری بسـیاری از گناهـان می‌شـود.[2]

[1] . موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۲۰۱.
[2] . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۲۴۴و۲۴۵.

## » گفتار سوّم: نقش خدماتی مسجد

بیـان همـه فعّالیّت‌هـای خدماتـی مسـجد در صـدر اسـلام کـه با فرهنگ اسـلامی مـا سـنخیّت دارنـد، در ایـن مقالـه نمی‌گنجـد؛ بـه همیـن دلیـل، به صـورت خلاصه برخـی از آنهـا را بیـان خواهیـم کرد:

### مسجد، جایگاه قضاوت

خداونـد بـه پیامبـر اسـلام ﷺ دسـتور می‌دهد کـه قضـاوت و عدالـت را برپا کند؛ زیـرا اسـلام، دیـن عدل‌گسـتر جهانـی اسـت و همـواره پیامبـران را بـه ایـن دسـتور مهـم، امـر فرمـوده اسـت. در نتیجه، آنـان ناگزیر بـه داشـتن محکمه‌ای بـرای اجرای امـر الهـی بودنـد و «مسـجد» نخسـتین محکمـه‌ای بود کـه پیامبر گرامـی ﷺ در آن بـه قضـاوت می‌نشسـتند. بدیـن ترتیـب، نخسـتین قاضـی در اسـلام، وجـود مبـارک حضـرت محمّـد ﷺ بودند.

یکـی از دلایلـی کـه پیامبـر اعظـم ﷺ مسـجد را جایـگاه قضـاوت قرار دادنـد، این بـود کـه همـه افـراد از قوی و ضعیـف، توانگـر و بینوا و کوچـک و بزرگ، شـاهد اقامه عـدل و اجـرای احـکام الهـی باشـند و بـه آن روی آورنـد کـه ایـن موضـوع، تهذیـب نفـوس را موجـب خواهد شـد.[1] از سـوی دیگر، چون در سـرزمین‌های اسـلامی، آیین دادرسـی بـر مبنـای اصـول و قواعد اسـلامی بود، تشـکیلات خـاصّ و مـکان ممتازی به‌جـز مسـجد بـرای قضـاوت وجـود نداشـت. ایـن رونـد در زمـان خلفـای راشـدین هـم ادامـه داشـت. «همچنیـن، در مسـجد کوفـه جایی بـه نام «دکّـه القضـاء» وجود داشـت کـه حضرت علـی ؑ در آنجـا به قضـاوت می‌پرداختنـد».[2] قرار دادن مسـجد بـه عنـوان محـلّ قضـاوت تـا مدّت‌هـا ادامـه داشـت و بیشـتر قاضیـان در مسـجد به داوری می‌پرداختنـد تـا ایـن کـه «ملـک عـادل نورالدین زنکـی» محلّی را در دمشـق بـه قضـاوت اختصـاص داد و نـام آن را «دارالعدل» نهـاد. پس از ایـن، ایّوبیان در مصر ایـن کار را تعقیـب کردنـد و مکان‌هایـی را بـه امـر قضـاوت اختصـاص دادند.[3]

---

[1] . عبدالوهّاب حموده، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه مهدی اسفندیاری، ص۱۱۵.
[2] . نوری، مهدی، تحلیل جامعه شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص۴۵۸.
[3] . محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۱۵۷.

## مسجد، پناهگاه مستمندان

در دین اسلام، به انفاق و کمک به مستمندان سفارش زیادی شده است تا آنجا که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِی وَ... لَمْ یَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُؤْمِنِینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ؛ اگر کسی شب را به صبح برساند و در فکر گره‌گشایی و کمک به هم‌نوعان خود نباشد، مسلمان نیست».[1] مسجد، در طول تاریخ، پایگاه مددکاری اجتماعی بوده است و مستمندان و در راه ماندگانی که راه به جایی نداشتند، به مسجد مراجعه می‌کردند و از مردم کمک طلب می‌کردند. بدین ترتیب، مسلمانان در امور خیریّه نیز وارد می‌شدند».[2]

«از همان آغاز اسلام، مسلمانانی که به مدینه می‌آمدند و مکانی برای زندگی نداشتند، در مسجد می‌ماندند. از این‌رو، رسول خدا ﷺ هنگام ساختن مسجد، مکانی را به غریبان اختصاص داده بود که «صفّه» نامیده می‌شد».[3] اصحاب صفّه، گروهی از مستمندان مسلمان بودند که قریب به چهارصد تن از اصحاب پیامبر ﷺ را تشکیل می‌دادند و به دستور آن حضرت در بخشی از مسجد که مسقّف بود، سکونت داشتند و ضمن اقامت در آنجا، قرآن می‌آموختند، روزه می‌گرفتند و به جنگ می‌رفتند.[4]

همچنین، در سیره حضرت رسول ﷺ آمده است که مؤمنان به شیوه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای فردی و گروهی خود، همچون به دست آوردن کسب و کار یا ازدواج و غیره به آن حضرت روی می‌آوردند و آن حضرت با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حدّ امکان برطرف می‌کردند؛ بنابراین، می‌توان گفت که مسجد محلّ ارتباط مستقیم رهبر و مردم (پیروان) بود.

بدین ترتیب، مسجد، همواره جایگاه غریبان و بی‌پناهان و دورافتادگان از وطن بوده است. برای هر کسی در دیار غربت، مسجد، مکان و مأمنی آشناست و خود را در مسجد سربار و مزاحم فردی نمی‌داند.

---

[1] . مجلسی، بحارالانوار، ج۷۴، ص۴۷۱، ح۱۸۱.
[2] . نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص۴۵۸ و۴۵۹.
[3] . محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۱۵۱.
[4] . موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص۱۰۴.

## کارکرد خدماتی - درمانی مسجد

خدمات پزشکی و درمانی مجروحان جنگی در مسجد صورت می‌گرفت؛ به عنوان مثال، مجروحان جنگ احد در مسجد معالجه شدند. واقدی می‌نویسد: «در ماجرای جنگ احد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. به دنبال زخمی شدن سعدبن‌معاذ، پیامبر ﷺ ایشان را در خیمه «کُعیبه»، دختر سعدبن‌عتبه در مسجدالنّبی جای داد. این زن، زخمی‌ها را معالجه می‌کرد و از اشیاء گمشده و پراکنده، نگهداری می‌کرد».[1] همچنین، در جنگ خندق به دستور پیامبر ﷺ خیمه‌ای در مسجد برپا شد و مردم برای عیادت «سعدبن‌عباده» که در این جنگ مجروح شد و در آنجا بستری بود، به مسجد می‌آمدند. «احمد عیسی» در کتابی که در باب بیمارستان‌ها نوشت، معتقد است که: «نخستین بیمارستان در اسلام، همان خیمه‌ای بوده است که پیامبر ﷺ هنگام جنگ خندق برای درمان زخمیان در مسجد برپا کرد و زنی به نام «رفیده» را برای رسیدگی به حال مجروحان برگماشت».[2]

در واقع، پیامبر اکرم ﷺ با احساس این نکته ظریف که مجروحان جهت شفایابی و درمان فوری، علاوه بر مداوای متداول، به نوعی آرامش روحی و روانی و عناصر معنوی نیازمند هستند، «مسجد» را به عنوان بهترین درمانگاه و استراحتگاه مجروحانِ «سربازان اسلام» تعیین و تجهیز نمودند.[3]

### مسجد محلّ گفتمان پیامبر اسلام ﷺ با نمایندگان و هیئت‌های ادیان

پیامبر اسلام ﷺ در مسجد از هیئت‌های خارجی استقبال می‌کرد و دستور می‌داد در مسجد برای آنان خیمه‌ای برپا کنند و از میهمانان پذیرایی کنند؛ البتّه انصار نیز خانه‌هایی را در اختیار پیامبر اسلام ﷺ گذاشته بودند که مهمان‌های خود را در آنها جای دهند. ابن‌اسحاق نقل می‌کند: «پس از این که رسول خدا ﷺ از تبوک برگشت، ماه رمضان بود، هئیت ثقیف، خدمت آن حضرت رسیدند و پیامبر ﷺ برای آنها در گوشه مسجد خیمه‌ای برپا کرد و آنها در آن

[1]. مکّی‌سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه اهل مساجد، ص۴۷.
[2]. رضایی علی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، ص۸۷ و۸۸.
[3]. موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۱۱۹.

استراحت و اقامت می‌نمودند و بلال از خانه پیامبر ﷺ برای آنان غذا می‌برد و رسول خدا هر شب بعد از شام، نزد آنان می‌رفت و با ایشان حرف می‌زد».[1]

علاوه بر مواردی که پیامبر اکرم ﷺ افرادی را که تازه مسلمان می‌شدند به صورت فردی در مسجد آموزش می‌داد، گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی زیادی نیز میان آن حضرت با هئیت‌های اعزامی که از سوی قبایل گوناگون به مدینه می‌آمدند، صورت می‌گرفت. محلّ این گفت‌وگوها، جایی جز مسجد نبود.

پیامبر اکرم ﷺ در کنار یکی از ستون‌های مسجد که تا به امروز نیز به نام «اسطوانه الوفود» (ستون هئیت‌ها) شناخته می‌شود، هئیت‌ها را به حضور می‌پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می‌پرداختند. البتّه، این مذاکرات از جنبه‌های سیاسی نیز برخوردار بود؛ ولی از آنجا که این هئیت‌ها به‌طور معمول به منظور گرویدن به اسلام به مدینه می‌آمدند؛ بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی، بخش‌های مهمّی از این مذاکرات را به خود اختصاص می‌داد. پیامبر اسلام ﷺ محیط مسجد را به‌طور کامل، یک محیط فرهنگی می‌دانستند. بر همین اساس، در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان، مسابقه شعر و سخنرانی در مسجد برگزار می‌شد. حضرت رسول ﷺ ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل با چنین مسائلی برخورد می‌کردند.

از جمله فعّالیّت‌های علمی و فرهنگی در زمان حضرت رسول ﷺ گفت‌وگوهای زیر بوده است:

- گفت‌وگوهای ادبی با هئیت نمایندگی «بنی‌تمیم»؛
- گفت‌وگوی فرهنگی با هئیت نمایندگی «ثقیف»؛
- گفت‌وگوی عقیدتی با هئیت نمایندگی «نجران».[2]

از آنچه بیان شد به خوبی روشن است که برگزاری جلسات مباحث گوناگون و آموزش آنها در مسجد، در زمان پیامبر ﷺ گرمی و رونق ویژه‌ای داشته است.

---

[1]. محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص۱۵۷، به نقل از: الکتانی، در نظام الحکومه النبویه. نیز ر.ک: رضایی محمّد، مسجد و گفت‌وگوی پیامبر با نمایندگان ادیان، فروغ مسجد۵.

[2]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۱۱۵و۱۱۷.

## » گفتار چهارم: نقش علمی - آموزشی مسجد

قـرآن می‌فرمایـد: «...قُـلْ هَلْ یَسْـتَوِی الَّذِیـنَ یَعْلَمُـونَ وَ الَّذِیـنَ لَا یَعْلَمُـون...؛ بگو ای رسـول، آیـا آنـان که اهـل دانش هسـتند با مـردم نادان یکسـان هسـتند؟»[1]

ایـن آیـه شـعار بلند دین اسـلام، در اصالت بخشـیدن به علـم و ارزش‌گذاری صریح بـرای دانایـی اسـت. همین یک شـعار حماسـی، کافی اسـت تـا امتّی را بـه حرکت در آورد و آنـان را در مسـیر علم‌آمـوزی تـا مرحله جانبـازی پیش ببرد.

در نظـام تربیتـی اسـلام، کسـب آگاهـی و شـناخت بـر هـر فرد بـه عنـوان مقدّمه ایمـان شـخصی و اجتماعـی به انـدازه عقل او واجب اسـت. بر همین اسـاس، تحصیل علـم در میـان مسـلمان، وجـوب عینـی پیـدا کـرد و ایـن موضـوع، غیر از رشـته‌های تخصّصـی بـود کـه گاهـی وجـوب کفایـی و گاهی وجـوب عینی داشـت.

عـلاوه بـر آیـات قـرآن کریـم، سـیره پیامبـر ﷺ عامـل مهـم دیگـری در رویکـرد علمی و آموزش جامعه اسـلامی محسـوب می‌شـد. پیامبر اسـلام ﷺ رسـالت خود را بـا خوانـدن و قلـم آغـاز کـرده بود؛ آن هـم در محیطـی که سـابقه‌ای از علـم و دانش بـه معنـای رایـج آن روز جهـان در آنجـا وجود نداشـت.[2]

### رسالت علمی مسجد

پـس از هجـرت پیامبـر اسـلام ﷺ بـه مدینـه و بنـا نمـودن مسـجدالنّبی، فصلـی نویـن در آمـوزش و فعّالیّت‌هـای فرهنگـی مسـلمانان آغـاز شـد. «مسـجد مدینه»، از یـک سـو، بـه صورت یـک مرکز آموزشـی ـ فرهنگـی و پایگاهی بـرای مبـارزه با جهل و از سـویی دیگـر بـه مکانـی بـرای اشـاعه فرهنـگ و ادب و دیگـر معـارف اسـلامی تبدیـل شـد. «حلقه‌هـای علمـی» بـا جنب و جـوش خاصّی در مسـجد بـزرگ مدینه بـه صـورت رسـمی تشـکیل می‌شـد. پیامبـر اسـلام ﷺ اصحـاب را در قـول و عمـل، بـه پیوسـتن و شـرکت فعّـال در ایـن حلقه‌هـا تشـویق می‌کردنـد و می‌فرمودنـد: «به سـوی باغ‌های بهشـت بشـتابید». پرسـیدند ای پیامبر خدا! منظور شـما از این سـخن

---

[1]. زمر، آیه۹.

[2]. برومند اعلم عبّاس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی، ص۷۴ و۷۵.

چیست؟ فرمودند: «حلقه‌های ذکر».[1]

فعّالیّت‌های آموزشی در زمان رسول اکرم ﷺ منحصر به مسجدالنّبی نبود؛ بلکه جلسات بحث و بررسی مسائل علمی در مساجد دیگری نیز انجام می‌شد که البتّه مسلمانان در سطحی محدودتر به کار آموزش و تلاش‌های علمی مشغول بودند.

بدین ترتیب، مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی، رسالت خود را در جامعه نوساخته اسلامی برای ترویج و اشاعه دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز کرد و همچنان مسیر رشد و ترقّی علمی را پیمود؛ به‌طوری که در عصر خلفا نیز مساجد نزد عموم به عنوان کانون اصلی آموزش قرآن کریم، مسائل دینی، احکام و فقه اسلامی بود. این آموزش‌ها، نه فقط در مرکز حکومت (شهر مدینه)، بلکه در شهرهای دیگر، مانند مکّه و سایر نقاط شبه‌جزیره و در تمام سرزمین‌های پیوسته به حوزه قلمرو اسلامی انجام می‌گرفت.

در عصر خلافت امام علی علیه‌السلام با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، مسجد جامع بزرگ این شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی آن روزگار، نقش خاصّی را در شکوفایی نهضت علمی و ارتقاء فرهنگ و تمّدن اسلامی ایفا می‌نمود.

امامان بزرگوار شیعه و بزرگان تابعین، اصحاب پیامبر و نیز شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب اهل‌بیت، رسالت تعلیم و تربیت و حلّ و فصل مسائل مهم علمی و دین را در مساجد بزرگ بلاد اسلامی عهده‌دار بودند. به خصوص، در عصر امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام که نهضت و حرکت فرهنگی بزرگی توسّط این دو رهبران معصومc آغاز شده بود، مساجد به رشد و شکوفایی قابل توجّهی دست یافت. حتّی برخی از آنها به دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در زمینه‌های علوم مختلف، نظیر فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی تبدیل شدند و پیدایش نهضت‌های علمی و عقلانی در تاریخ اسلام را موجب گردیدند.[2]

---

[1] . ر.ک به: نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۹۳.

[2] . فراهتی عبّاسعلی، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه دانشگاه، ص۷۷.

## جلسات علمی در مسجد پیامبر اسلام ﷺ

بـا دقّـت در سـیره پیامبـر اکـرم ﷺ می‌بینـم کـه ایشـان بـه ابعاد آموزشـی مسـجد اهتمـام ویـژه‌ای داشـتند. علّامه مجلسـی در کتـاب «بحارالانـوار» این روایـت را بیان کـرده اسـت: «وَ خَـرَجَ رسـولُ اللهِ ﷺ فَـإِذَا فِـی الْمَسْـجِدِ مَجْلِسَـانِ مَجْلِـسٌ یَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِـسٌ یَدْعُـونَ اللهَ وَ یَسْـأَلُونَهُ فَقَـالَ کِلَا الْمَجْلِسَـیْنِ إِلَـی خَیْـرٍ أَمَّـا هَـؤُلَاءِ فَیَدْعُونَ اللهَ وَ أَمَّـا هَـؤُلَاءِ فَیَتَعَلَّمُـونَ وَ یُفَقِّهُـونَ الْجَاهِلَ هَـؤُلَاءِ أَفْضَـلُ بِالتَّعْلِیمِ أُرْسِـلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُم؛ رسـول خدا ﷺ به مسـجد وارد شـدند؛ در مسـجد دو جلسـه جداگانه برپا بود. گروهـی در حـال یـاد دادن و فـرا گرفتن دانـش بودند. جمعـی نیز به دعـا و راز و نیاز بـا خداونـد مشـغول بودنـد. پیامبـر اعظـم ﷺ فرمودنـد: هـر دو گـروه بـه سـوی یک هـدف گام برمی‌دارنـد؛ دسـته‌ای خـدا را می‌خواننـد و گروهـی نیز آمـوزش می‌بینند و نادانـان را تعلیـم می‌دهنـد؛ ولـی ایـن گـروه، کار برتـری انجـام می‌دهنـد. مـن نیز بـه منظـور آمـوزش بـه مـردم مبعـوث شـده‌ام؛ از ایـن‌رو، پیامبـر اعظـم ﷺ در میان گروهـی که سـرگرم آمـوزش بودند، نشسـتند».[1]

حضرت رسـول اکرم ﷺ ضمن تشـویق عملی برای برگزاری جلسـات درس و آموزش در مسـجد، در حدیثـی فرمودنـد: «مَـنْ غَدَا إِلَـی الْمَسْـجِدِ لَایُرِیـدُ إِلَّا لِیَتَعَلَّـمَ خَیْراً أَوْ لِیُعَلِّمَـهُ کَانَ لَـهُ أَجْـرُ مُعْتَمِـرٍ تَـامَّ الْعُمْـرَهِ و مَـنْ رَاحَ إِلَـی الْمَسْـجِدِ لَایُرِیـدُ إِلَّا لِیَتَعَلَّمَ خَیْـراً أَوْ لِیُعَلِّمَـهُ فَلَـهُ أَجْـرُ حَاجٍّ تَـامَّ الْحِجَّهِ؛ پاداش کسـی که صبحگاهـان به قصد یاد دادن یـا فراگرفتـن چیـز مطلوبـی بـه مسـجد می‌آید، همچون پاداش شـخصی اسـت کـه یـک عمـره کامـل را انجام داده باشـد و پاداش کسـی که شـبانگاهان بـه قصد یاد گرفتـن و یـاد دادن کار خیـری بـه مسـجد می‌آید، ماننـد پاداش فردی اسـت که یک حـجّ کامـل بـه جـای آورده باشـد».[2] از ایـن حدیـث روشـن می‌شـود که لازم نیسـت گفت‌وگـوی علمـی کـه در مسـجد انجـام می‌گیـرد، به‌طـور حتـم، دانش‌هـای دینـی باشـد؛ هـر دانـش سـودمندی را می‌توان در مسـجد مورد بحث و بررسـی قـرار داد.[3]

---

[1]. مجلسی، بحارالانوار، ج۱، ص۲۰۷، حدیث۳، باب۴.
[2]. همان، ص۱۸۵، ح۱۰۵.
[3]. جعفری عالیه، مساجد در سیره پیامبر اعظم ﷺ، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، ص۱۰و۱۰۷.

## نظام آموزشی در مساجد

نظام آموزشی که در مساجد اِعمال می‌شد، از نوع ساده آن بود. در این قسمت به موارد این نظام آموزشی اشاره می‌شود:

### الف) آداب آموزش

اساس آموزش مسجد را حلقه‌های درسی تشکیل می‌داد که در اسلام آنها را «حلقه العلم» یا دایره آموزشی می‌نامیدند. کلمه «حلقه» به مفهوم یک شیء کُروی و گِرد است. به این ترتیب، شیوه نشستن دانش‌آموزان در مسجد به شکل «حلقه»، اقتباس از جلسات حکومتی بود که به‌طور معمول به شکل حلقه‌وار دور میز می‌نشستند؛ در این جلسات معلّم بر روی یک پایه، بالش یا صندلی می‌نشست و بر دیوار یا ستونی تکّیه می‌داد. از طرف دیگر، دانش‌آموزان در ردیف‌هایی به شکل نیم‌دایره در جلوی استاد قرار می‌گرفتند.

از دیگر آداب آموزش آن بود که هیچ نوع شرطی برای پیوستن دانش‌آموزان به حلقه‌ها وجود نداشت. هر فرد تشویق می‌شد تا به حلقه مورد انتخاب خود بپیوندد؛ امّا در بعضی از مساجد، جلب رضایت استاد برای پیوستن به جلسه وی لازم بود. در بیشتر این دوایر، ترتیب نشستن دانش‌آموزان، به ترتیب مقام علمی آنان بود و دانش‌آموزان هر چه پیشرفته بودند، به همان اندازه، نزدیک‌تر به استاد می‌نشستند.

### ب) زمان آموزش

مجالس درس، بعد از نماز صبح آغاز می‌شد و تا نماز ظهر ادامه می‌یافت. اگر معلّم، متصّدی مجلس درس بود، قبل از نماز صبح و بعد از ظهر نیز جلسات درس تشکیل می‌شد. طول مدّت یک دوره، از یک تا دو سال طول می‌کشید و همیشه در مواقع نماز تعطیل می‌شد و هیچ قانون مشخّصی برای زنگ تفریح وجود نداشت. جلسات درس در روزهای تعطیل مذهبی تشکیل نمی‌شد.

### ج) شیوه آموزش

تدریس در حلقه، با مراسم ساده و نیز با نشان دادن تقوا و فضیلت کامل آغاز می‌شد. معلّم، همیشه کار خود را با تمجید و تکریم خدا و با درخواست یاری و هدایت مردم آغاز می‌کرد و سپس به درس خود می‌پرداخت. به علّت نبودن کتاب، با توجّه به اهمیّت متن تدریس شده، معلّم مجبور بود همه متن یا قسمتی از آن را برای دانش‌آموزان املاء کند. علاوه بر املاء، معلّم توصیه می‌کرد که دانش‌آموزان تمام یا قسمتی از مطالب بیان شده را حفظ کنند. در واقع، یکی از اصولی که برای قبولی و تأیید دانش‌آموزان ضروری بود؛ اصلِ حفظ کردن مطالب و بیان نمودن آنها بدون مراجعه به متن بود و کیفیّت و طرز بیان نیز بر قبولی تأثیر داشت.[1]

### د) موضوعات درسی

لازم به ذکر است که در این کلاس‌ها، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد. مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اوّلین مسائلی بود که به مسلمانان و به‌ویژه آنان که تازه به دین مبین اسلام گرویده بودند، آموزش داده می‌شد. ابوذر می‌گوید: رسول خدا ﷺ ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت. حضرت رسول ﷺ در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را با مسائل تاریخی نیز آشنا می‌کردند. راوی می‌گوید: پیامبر ﷺ گاهی شب‌ها تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی اسرائیل برای ما سخن می‌گفت.[2]

همچنین مسجد، محلّی بود که مطالب علمی و مسائل اجتماعی نیز در آن تدریس می‌شد و موضوعاتی، مانند تاریخ، جغرافی، اقتصاد و حتّی علوم سیاسی در آنجا بحث می‌شد. علم فلسفه، موضوعی بود که بیشتر مورد توجّه و انتخاب بسیاری از دانش‌آموزان بود. در بین موضوعات مهّم درسی، می‌توان منطق، اخلاق، منطق مناظره و تصوّف را نام برد. جلسات درس‌هایی، مانند شیمی،

---

[1]. نظام آموزشی مسجد، نشریه ایران، ش۳۱، ص۱.
[2]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۱۰۵.

فیزیـک، ریاضیـات، جبـر و هندسـه نیـز دایر بـود. اگرچه علـوم علمی و تجربـی یا در دانشـکده‌های مخصـوص یـا در منـازل معلّمان به صـورت خصوصی تدریس می‌شـد؛ ولـی مـدارک تاریخـی در دسـت اسـت کـه آمـوزش این‌گونـه موضوعـات علمـی در بعضـی از مسـاجد بـزرگ نیز دایر بود. جلسـات علم طـبّ در جامع الازهـر و در جامع ابن‌طولـون مصـر دایـر بود.

**هـ) اساتید**

اسـتاد و مـدّرس کلاس‌هایـی کـه در مسـجد تشـکیل می‌شـد؛ تنهـا حضـرت رسـول ﷺ نبـود؛ حضـرت علی علیه‌السلام نیـز گاهی بـه فرمان پیامبـر خدا ﷺ بـر منبر آن حضـرت و در حالـی کـه یک پلّـه پایین‌تر از جای پیامبر اسـلام ﷺ می‌نشسـت، برای مـردم سـخن می‌گفـت. گروه‌هـای مختلف با اسـاتید معیّن در گوشـه و کنار مسـجد، کلاس‌هـای آموزشـی برگـزار می‌کردنـد و علوم و فنـون مختلف آموزش داده می‌شـد. أَنـس می‌گویـد: اصحـاب پیامبـر ﷺ پس از نمـاز صبح بـه گروه‌های مختلف تقسـیم می‌شـدند؛ برخـی بـه تـلاوت قـرآن می‌پرداختنـد و گروهی واجبـات و مسـتحبّات را فـرا می‌گرفتنـد. بـه عنـوان مثـال، عبدالله‌بن‌رواحـه در مسـجد جلسـات مربـوط بـه توحیـد و معـاد (مسـائل اعتقـادی) را اداره می‌کـرد. او در غیـاب حضـرت رسـول ﷺ نیـز مسـائل فقهـی و اعتقـادی را به مسـلمانان آمـوزش می‌داد.[1]

## مسجد و جلسات پرسش و پاسخ

با مطالعه در سـیره و زندگی نورانی پیامبر اسـلام ﷺ درمی‌یابیم همواره جلسـاتی کـه در آن مسـلمانان بتواننـد پرسـش‌های علمـی خود را بـا پیامبر خـدا ﷺ در میان بگذارنـد، در مسـجد (پـس از بـه جـای آوردن نمـاز صبـح تـا طلـوع آفتاب) تشـکیل می‌یافـت. گرچـه از برخـی روایـات چنیـن بـر می‌آیـد کـه آن حضـرت در ایـن اوقات بـه ذکـر و دعـا می‌پرداختنـد؛ ولـی شـواهدی وجـود دارد که نشـان می‌دهد بخشـی از ایـن فاصلـه زمانـی، بـه برگـزاری جلسـه‌های پرسـش و پاسـخ اختصـاص می‌یافته

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۱۰۵و۱۰۷.

است. پیامبر اکرم ﷺ با کسانی که به منظور پرسش و یاد گرفتن دانشی به حضورشان می‌آمدند با گشاده‌رویی کامل برخورد می‌کردند و همراه با بیان پاداش و فضیلت دانش‌آموختگان، آنان را تشویق می‌نمودند. آموزش به اشخاص تازه مسلمان شده، یکی از مهّم‌ترین جلوه‌های کار فرهنگی، آموزشی پیامبر اکرم ﷺ در مسجد بود. افراد تازه مسلمان یا آنان که قصد گرویدن به اسلام را داشتند به آموزش‌های ویژه‌ای نیازمند بودند. آنها به‌طور معمول با حضور در مسجد حضرت رسول ﷺ آموزش‌های لازم را فرا می‌گرفتند و در مسجد به طرح پرسش‌ها و شبهه‌هایی که در ذهن داشتند، می‌پرداختند. گاهی هم درباره رمز و راز احکام و عبادت‌ها از حضرت رسول ﷺ سؤال می‌کردند و آن حضرت با صبر و بردباری به پرسش‌های آنان پاسخ می‌گفتند.[1]

## کتابخانه‌های مساجد

اوّلین آیه‌ای که از سوی خدا به پیامبر ﷺ نازل شد، او و پیروانش را به خواندن دستور می‌دهد. آنجا که می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ* خَلَقَ الْانسَانَ مِنْ عَلَقٍ* اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ* الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ* عَلَّمَ الْانسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید؛ انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت (از همه) والاترست؛ همان کسی که به وسیله قلم تعلیم داد؛ به انسان آنچه را که نمی‌دانست، آموخت».[2]

برای جامعه‌ای که بیشتر افراد آن بی‌سواد و دارای سنّت شفاهیِ قدرتمند بودند، این پیام جدید در حقیقت تحوّل‌انگیز بود. اسلام، تنها دینی است که با کتاب وحیانی توأم بوده است. پیروی از این کتاب الهی، عینِ دیانت و انکار آن، عینِ گمراهی است. خصوصیّت چنین دینی، اقتضا می‌کرد که پیروانش همواره با کتاب، قرین باشند و نسبت به حفظ و نشر آن همّت گمارند. بدین صورت، با رشد تدریجی اسلام، طبیعی بود که بیشتر مسلمانان، ثروتمند و فقیر، جوان و

[1]. همان، ص۱۰۸و۱۰۹.
[2]. علق، آیات۱ تا ۴.

پیـر، احتـرام زیـادی بـرای دانشـمندان و بیـش از آن بـرای کتاب قائل شـوند.[1]

مسـاجد، ماننـد اوّلیـن کلیسـاها و صومعه‌هـای مسـیحیان، از اوّلیـن مکان‌هایـی بودنـد کـه در جامعه اسـلامی، کتاب به آنها راه یافت؛ روشـن اسـت کـه کتابخانه‌های مسـاجد از زمانـی پدیـد آمدنـد که مسـلمانان، مسـجد را مرکـز تعلیم سـاختند؛ زیرا تعلیـم بـدون کتـاب امکان‌پذیر نیسـت.[2] کتابخانه‌های مسـاجد، نه تنهـا مخزن کتاب یـا قرائت‌خانـه بودنـد، بلکـه بـه مفهـوم واقعـی کلمـه، کتابخانه‌هـای بسـیار فعّالـی بودنـد. ایـن کتابخانه‌هـا از آنچه که نویسـندگان مسـلمان یـا غیرمسـلمان تاکنون در نوشـته‌های خـود ذکـر کرده‌انـد، حیـات متنوّع‌تـر و پویاتری داشـتند.[3]

بـا وجـود این، عدم‌دسترسـی مسـلمانان بـه کاغذ و محدود بـودن موادّ نوشـتن در صـدر اسـلام، امـکان تهیّه نسـخه‌های دسـت‌نویس قرآن را برای عموم بسـیار مشـکل می‌سـاخت. بنابرایـن، بـه دلیـل ضـرورت تعلیـم و تعلّـم قـرآن در بیـن مسـلمانان و لـزوم حفاظـت از قرآن‌هـای دسـت‌نویس و فراهـم آوردن امـکان اسـتفاده عمومـی از آن، مسـجد در قالـب آموزشـگاه اسـلامی، بهتریـن مکانـی بـود کـه قرآن‌هـا را در آن نگهـداری می‌کردنـد. محـلّ قـرار گرفتن قرآن‌هـا را «خزانـه المصاحـف» می‌نامیدند. بـه دنبـال گسـترش تدریجـی علـوم قرآنـی، کتاب‌هـای دیگـری هـم در کنـار قـرآن بـه مخـازن کتاب‌هـای مسـاجد راه یافتنـد تـا تشـنگان علـم از آنهـا بهره‌بـرداری نمایند.[4]مسـلمانان بـرای نگهـداری قرآن‌هـا و دیگـر کتاب‌های علمـی و مذهبی خود، از سـنّت هبـه (هدیـه) و نیـز وقـف ایـن کتـب بـه کتابخانه‌هـای مسـاجد اسـتفاده می‌کردنـد و ایـن سـنّت در بیـن مسـلمانان جایگاهـی بـس نیکـو پیـدا کـرده بود.

### » گفتار پنجم: نقش تبلیغی مسجد

هـدف از تبلیـغ، افزایـش معرفت دینی مـردم و احیای آنان بـرای ادای وظایف دینی و اسـلامی اسـت. قـرآن در این مـورد می‌فرماید: «يَأَيُّهَا الرَّسُـولُ بَلِّـغْ مَا أُنـزِلَ إِلَيْکَ مِن

[1]. مکّی‌سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص۱۴و۱۵.
[2]. همان، ص۱۷.
[3]. همان، ص۱۸.
[4]. موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)،ج۲، ص۱۷۳و۱۷۴.

رَبِّکَ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...؛ ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شده است به خلق برسان که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای...».[1]

قرآن کریم، این کتاب آسمانی، همه پیامبران الهی را دارای شأن تبلیغی دانسته، در نتیجه، همه ادیان الهی را تبلیغی می‌داند. از نظر قرآن، همه پیامبران حامل پیام‌هایی از جانب خداوند هستند و وظیفه دارند آنها را به مردم ابلاغ کنند. در واقع، پیامبر خدا، پیام خدا را به خلق خدا ابلاغ می‌کند و نیروهای درونی آنها را بیدار می‌کند و سامان می‌بخشد و به سوی خداوند و آنچه رضای اوست، دعوت می‌کند.

باید توجّه داشت که تبلیغ، یک اصل جاودانه و همیشگی دین مبین اسلام است. تا آن زمانی که حکمی از احکام اسلام از دید برخی از مردم پنهان مانده باشد و کسانی باشند به این دین نگرویده باشند و زمینه گمراهی از دین هنوز وجود داشته باشد، تبلیغ هم وجود خواهد داشت و باید وجود داشته باشد تا حیات اسلام جاودانه بماند.[2] با این مقدّمه، به نقش تبلیغی مسجد در دین مبین اسلام می‌پردازیم:

## تبلیغ در مسجد

از آنجایی که مسلمانان هر روز برای انجام فرایض دینی به مسجد رفت‌وآمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز در این اجتماع، طی صحبت با یکدیگر، از اخبار جامعه مطّلع می‌شوند.

همچنین، وجود «منبر» در مسجد نقش مهمّی را در نشر افکار و عقاید ایفا می‌کند و سخنرانان از آن برای انتقال مسائل مهمّ جامعه به مردم استفاده می‌کنند، از این‌رو، منبر را به عنوان یک رسانه تبلیغی عمومی در اسلام نام می‌برند.[3]

حضرت رسول ﷺ از هر فرصتی برای روشنگری و آموختن اسلام به مردم

---

[1]. مائده، آیه۷۷.
[2]. موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۳۲.
[3]. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصرپیامبر ﷺ، ص۵۷.

بهره می‌جست. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مسجد در دوران ۲۳ سال رسالت، مهم‌ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر اسلام ﷺ بوده است؛ اگرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران ایفا کرده است، همواره یکسان نبود.

از سال چهارم بعثت، اصحاب پیامبر ﷺ مسلمان بودن خویش را علنی کردند. با این حال، نمی‌توانستند از مسجد به عنوان سنگری در راستای تبلیغ و آموزش بهره‌برداری کنند؛ زیرا مسجدالحرام به‌طور کامل در دست مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان در راستای اهداف فرهنگی در آن آزادانه فعّالیّت کرد، وجود نداشت.

البتّه، شواهد تاریخی، حاکی از آن است که پیامبر اسلام ﷺ و یارانش تا حدّ امکان از مسجدالحرام در راستای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های دینی بهره می‌جستند؛ یعنی در موسم حجّ و زمان‌هایی که مردم در آنجا حضور داشتند به تلاوت آیات قرآن کریم می‌پرداختند و مردم را به پذیرش دین اسلام فرا می‌خواندند.[۱]

به همین دلیل بود که پس از ورود حضرت رسول ﷺ به مدینه و بنای مسجدالنّبی، نه تنها پرستش‌گاهی برای مسلمانان ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعّال و سرشار از شور و نشاطِ علمی نیز پی‌ریزی شد. حضور منظّم و مستمر مسلمانان در این مسجد به منظور برپا کردن فریضه نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی حضرت رسول ﷺ فراهم می‌آورد. پیامبر اعظم ﷺ در این پایگاه بزرگ تبلیغی با توجّه به اوضاع و رعایت حال حاضران در مسجد، پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می‌گفتند.[۲] ایشان از طریق تدریس و ایراد خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانی‌ها و تشکیل حلقه‌های علمی، به تبلیغ و نشر فرهنگ عظیم اسلام پرداختند و عظمت آیین خویش را به نمایش گذاشتند. بدین صورت، در اثر کوشش‌های تبلیغی حضرت رسول ﷺ و اصحابش در مسجدالنّبی، زمینه‌های مناسبی برای پذیرش دین مبین اسلام در دیگر افراد

۱. همان، ص۷۷.
۲. همان، ص۷۱.

بـه وجـود آمـد؛ به‌گونـه‌ای که هـر گاه نماینده‌ای از سـوی یکـی از قبایل و اقـوام برای کسـب اطّـلاع از ایـن دیـن آسـمانی بـه مسـجد مدینـه می‌آمـد، بی‌درنـگ اسـلام را می‌پذیرفـت. همچنیـن، مسـجد حضـرت رسـول ﷺ در مدینـه، هماننـد دانشـگاهی بـزرگ بـه تربیـت و تعلیـم مبلّغـان ورزیـده‌ای همّـت گماشـت و آنـان را پـس از آگاه نمـودن بـه قـرآن و فقـه اسـلامی، بـه نقـاط مختلـف جزیرهالعرب اعـزام نمـود تا در پرتـو هدایـت و تعلیـم مـردم، آن سـرزمین را از ظلمـت نادانـی و شـرک برهانند و به دیـن اسـلام فراخوانند.[1]

## منبر، رسانه تبلیغی مسجد

از آنجایـی کـه سـخنرانی، خـود نوعـی تبلیـغ محسـوب می‌شـود، بـه ذکـر نکاتـی پیرامـون سـخنرانی‌های پیامبـر ﷺ در مسـجد می‌پردازیـم:

سـخنرانی‌های حضـرت رسـول ﷺ برای افـرادی که در مسـجد حضـور می‌یافتند، نه تنهـا خسـته‌کننده و مـلال‌آور نبود، بلکه بسـیار پرجاذبه بوده اسـت. جلسـات موعظه و سـخنرانی‌های رسـمی آن حضـرت، هـر روز برگـزار نمی‌شـد[2] و دیگـران را نیـز بـه آسـان گرفتـن در تبلیـغ و موعظـه سـفارش می‌کردند. آن حضـرت فرمودند: «یَسِّـرُوا وَ لَا تُعَسِّـرُوا وَ خَفِّفُـوا وَ لَا تُنَفِّـرُوا؛ آسـان بگیریـد و سـخت‌گیر نباشـید، بشـارت دهید و مـردم را گریزان نسـازید».[3]

یـاران و اصحـاب پیامبـر نیـز در برگـزاری مجالـس وعـظ و سـخنرانی، شـیوه آن حضرت را پیشـه خود سـاختند. شـواهد بسـیاری در کتب سـیره و حدیث وجود دارد کـه نشـان می‌دهـد برگـزاری جلسـه سـخنرانی و گفت‌وگوهـای علمـی، پـس از نماز صبـح و شـام بیـش از دیگـر نمازها بوده اسـت.[4]

نکتـه قابـل توجّه این اسـت کـه در مجالس سـخنرانی حضرت رسـول ﷺ زنان نیز حضـور داشـتند و گاه حتّـی بـرای آنـان مجلـس جداگانـه تشـکیل می‌شـد و حضرت

---

[1]. موظّف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج۲، ص۳۵و۳۷.
[2]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۹۵، به نقل از الکتانی در نظام الحکومه النبویه.
[3]. ابن ابی‌جمهور احسائی، ابوجعفربن علی‌بن ابراهیم، عوالی اللآلی، ج۱، ص۳۸۱.
[4]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۹۵و۹۷.

بـرای آنـان سـخنرانی می‌نمودنـد. بـا وجـود ایـن، سـخنرانی‌های حضرت رسـول ﷺ تنهـا جنبـه آموزشـی و علمی نداشـت؛ بلکـه از عنصر موعظـه و القاء روحیّـه «تقوا» و پرهیـز از گنـاه و خطـا در روح شـنوندگان نیـز برخـوردار بود. شـواهد نشـان می‌دهد حضـرت رسـول ﷺ هـر گاه روحیّه سرکشـی و گناه را در مردم مشـاهده می‌کردند؛ در مسـجد و در مجالسـی که برای سـخنرانی برپا می‌شـد، مردم را پند و اندرز می‌دادند. ایـن سـخنان حضـرت، چـون از پشـتوانه عظیـم و روحیّـه معنـوی برخوردار بـود، در جـان شـنوندگان تأثیـری شـگرف می‌گذاشـت و نیـز نیـروی پـروا و پرهیـز از گناه را در آنـان اسـتوار می‌سـاخت.[1] به‌طور اساسـی، «عنصـر معنویّـت» در تبلیغ نقـش مؤثّر و کارآمـدی دارد و تردیـدی نیسـت کـه کار تبلیغـی حضـرت رسـول ﷺ در مسـجد سرشـار از مایه‌هـای معنـوی و روحانـی بود. بـه عنـوان نمونـه، «جُبَیربن‌مُطعِم» یکی از این‌گونـه افـراد اسـت. او کـه پـس از جنـگ بـدر بـرای پرداختـن فِدْیه اسـیرانی از اقـوام خـود بـه مدینـه و مسـجد حضـرت رسـول ﷺ آمـده بـود، تحـت تأثیـر جاذبه معنـوی پیامبـر اسـلام قـرار گرفت و نـور حقّ‌پرسـتی در دل او پرتـو افکند.

شـیوه دعـوت حضـرت پیامبـر ﷺ بـه این‌گونـه بـود کـه ایشـان، ابتـدا پیونـدی صمیمـی و دوسـتانه بـا کسـی کـه قصد هدایـت او را داشـت، برقـرار می‌کردنـد؛ روح تواضـع در برابـر بنـدگان خـدا و خدمـت بـه آنـان را بـه وی می‌فهماند، آنگاه بـا توجّه بـه ویژگی‌هـای روحـی و روانـی آن شـخص، با سـخنانی کوتـاه، زمینه گرویـدن او به اسـلام را فراهم مـی‌آورد.

از چنیـن برخوردهایـی به خوبی روشـن می‌شـود کـه دامنه فعّالیّت‌هـای فرهنگی و تبلیغـی حضـرت رسـول ﷺ در مسـجد تنهـا بـه برگـزاری مجالـس سـخنرانی و تشـکیل کلاس‌هـای آموزشـی محـدود نمی‌شـد، بلکـه جلوه‌هـای رفتـاری حضـرت رسـول ﷺ بیـش از هـر چیـز دیگـر، مسـجد را به کانـون هدایـت حقّ‌جویـان، مبدّل سـاخته بود.[2]

---

[1]. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص۹۷و۹۸.
[2]. همان، ص۱۱۴ و ۱۱۵.

## مسجد و تکوین افکار عمومی

در دین اسلام، افکار عمومی، نیرویی است که اهمیّت فراوانی در توجیه و ارشاد مردم، مبارزه با زشتی و فساد، رویارویی با ظلم و طغیان، پاسداری از ارزش‌های اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری و همیاری امّت در تقوا و نیکوکاری، بالا بردن روحیّه معنویّت، تأیید حقّ و مبارزه با باطل و نابودی آن دارد.[1]

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَاتِ اللهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتىَ يخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً؛ در کتاب الهی، این حکم بر شما فرستاده شده است که چون شنیدید که به آیات خدا کفر می‌ورزند و استهزاء می‌کنند، پس با این گروه همنشینی نکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند که اگر با آنان همنشین شوید، شما نیز مانند آنان هستید».[2]

در اسلام، موضع بی‌طرفانه و منفی هیچ جایگاهی ندارد؛ چنانچه حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «هر یک از شما (مسلمانان) منکری دید، باید که با دست خود آن را تغییر دهد (اقدام عملی) و اگر نتوانست پس با زبان، اگر نتوانست باید که در قلب خود از آن بیزاری جوید. بدانید که این ضعیف‌ترین مراتب ایمان است».[3]

بهترین سنگر برای مبارزه با کژی‌ها و انحراف‌های فکری و اجتماعی، که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، مسجد است؛ زیرا برترین و برگزیده‌ترین افراد جامعه، هر روز در این مکان مقدّس گرد هم می‌آیند.[4]

بسیار زیبنده است که این نقشِ مسجد را در جوامع اسلامی شناسایی کنیم؛ زیرا مسجد، خانه خدا و مردم (و محلّ پیوند و ارتباط خلق با خالق) است و

---

[1]. ابراهیم امام، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمّد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ۱۳۸۴، ص ۲۰.

[2]. نساء، آیه ۱۴۰.

[3]. ابراهیم امام، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمّد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد،۱۳۸۴، ص ۲۱.

[4]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۳۹.

مکانـی مناسـب برای طـرح مصالح عمومی مسـلمانان اسـت. اگر این چنین نقشـی را بـرای مسـجد به رسـمیّت بشناسـیم و مورد تأکید قـرار بدهیم، بخشـی از فعّالیّت‌های سیاسـی غـرب کنتـرل می‌شـود (تبدیـل تهدیـد بـه فرصت) و بـه تلاش‌های سـالم و سـازنده مبـدّل می‌گـردد. همچنیـن، طبیعـت مسـجد و ویژگی‌هـای افـرادی کـه در مسـجد حضـور می‌یابنـد، باعـث می‌شـود فعّالیّت‌هـای اجتماعـی مخالـف، در بسـتر سـالمی حرکـت کننـد. البتّـه مؤمنـان حقّ‌جـو هـرگاه متوجّـه شـوند کـه حرکتی از اسـاس، زیان‌بـار و گمراه‌کننـده اسـت، شـیوه‌های مناسـب را بـرای برخـورد بـا آن برمی‌گزیننـد.[1]

[1]. همان، ص۲۴۲ و۲۴۳.

## » پیشنهادها

از آنجـا کـه گام آخـر هـر پژوهش، قدم نخسـت پژوهش‌هـای بعدی اسـت، در این قسـمت چنـد عنـوان پژوهشـی و کارکرد اجرایی را در مورد مسـجد به پژوهشـگران و محقّقـان و متولّیـان ایـن حوزه پیشـنهاد می‌نماییم:

### الف) پژوهشی

۱. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران.

۲. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد، در دیگر کشورهای اسلامی.

۳. بررسـی کارکردهـای فرهنگـی مسـجد، در مقایسـه بـا کارکردهـای فرهنگـی پایگاه‌هـای دینـی سـایر ادیـان.

۴. استخراج و تحلیل فرهنگ‌های مختلف موجود در نهاد مسجد.

۵. مقایسـه تطبیقـی میـان کارکردهـای فرهنگـی نهـاد مسـجد در صـدر اسـلام و آنچـه کـه در عصـر حاضـر صـورت می‌پذیـرد.

### ب) اجرایی

۱. عـدم مـوازی‌کاری سـازمان‌ها و مؤسّسـات مرتبط با مسـجد و تمرکـز فعّالیّت‌ها در عرصـه پژوهش.

۲. بهره‌گیـری از کارکردهـای فرهنگـی مسـجد در صـدر اسـلام و بازشناسـی و احیـای آنهـا در مسـاجد فعلـی.

۳. تهیـه و ابـلاغ برنامه‌هـای منعطـف فرهنگـی بـه مسـاجد کشـور از سـوی مرکز رسـیدگی بـه امور مسـاجد.

۴. عمق‌بخشی به فعّالیّت‌های فرهنگی مساجد.

۵. برنامه‌ریـزی بـرای حضـور هـر چـه پُررنگ‌تـر امام جماعت در مسـجد بـه عنوان عنصـری تأثیرگذار در راسـتای رشـد فرهنگی مردم.

۶. تقویّـت جاذبه‌هـای ظاهـری مسـاجد، ماننـد: نظافـت و زیبایـی و نورپـردازی و وسـایل ارتبـاط جمعـی و... بـرای جـذب هـر چه بیشـتر افراد، بـه خصـوص نوجوانان

و جوانـان.

۷. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد و تلاش در راستای جهانی‌سازی آن.

## » نتیجه‌گیری

طبـق جمع‌بندی‌هـای صـورت گرفتـه از یافته‌هـای ایـن پژوهـش، می‌تـوان بـه نتایـج قابـل ملاحظـه‌ای دسـت یافـت کـه در ایـن بخـش به‌طـور خلاصـه بـه آنهـا می‌پردازیـم:

- مسـجد، بـه عنوان اوّلیـن پایگاه و نماد دین در جامعه اسـلامی، نقش اساسـی را در تحکیـم بنیـان حکومت‌هـای اسـلامی ایفا می‌کند.
- مسـجد، ایفاگـر نقش‌هـای گوناگـون و متنوّعـی اسـت کـه هـر کـدام از آنهـا نیـازی از جامعـه را برطـرف خواهنـد کـرد.
- کارکرد فرهنگی مسجد، یکی از مهمّ‌ترین کارکردهای این نهاد است.
- تنـوّع و تکثّـر و گسـتردگی مقولـه فرهنـگ در عصـر حاضـر، حضـور پُررنگ و مُتکثّـر مسـاجد را می‌طلبـد.
- مسـاجد، همـواره مرکـز سـازماندهی نهضت‌هـای جهانـی اسـلام بـرای ظلم‌سـتیزی بـوده اسـت.
- مسـجد، سـنگر دفـاع از مرزهـای عقیدتـی و ایدئولـوژی و جایـگاه ترویج دین مبین اسـلام اسـت.
- مسـجد، سـتاد مقدّسـی برای تعلیم و تربیـت الهی و یادگیری اصـول عبودیّت و بندگی اسـت.
- مسجد، پایگاهی برای ایجاد زمینه وحدت و یکپارچگی جامعه موحّد است.
- مسجد، مکان ممارست و تمرین رفتار و کردار پسندیده انسانی است.
- مسـاجد، هرچنـد کـه بـه عنـوان نهـادی سـنّتی بـا قدمـت ۱۴۰۰ سـاله در جامعـه قلمـداد می‌شـوند؛ امّـا بـا ارائـه کارکردهـای متناسـب بـا نیـاز روز جامعه، می‌تواننـد گـوی سـبقت را از نهادهـای مـدرن و وارداتـی بِرُبایند و بـه عنوان قلب تپنـده فرهنـگ یـک جامعـه احیاگر باشـند.

## » منابع و مآخذ

### الف) کتاب‌ها


» قرآن کریم
» ابوالقاسمی، محمّدجواد، شناخت فرهنگ، تهران، انتشارات عرش‌پژوه، چاپ اوّل، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» ابن‌طاووس، علی‌بن‌موسی، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، قم، انتشارات انصاری، چاپ اوّل، ۱۳۸۰هـ.ش.
» ابن‌بابویه قمی، ابوجعفر محمّدبن علی‌بن حسین (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم محمّدرضا انصاری محلّاتی، قم، نسیم کوثر، چاپ اوّل، ۱۳۸۲ هـ.ش.
» ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ أمالی، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰هـ.ق.
» برومند اعلم، عبّاس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوّم، بهار ۱۳۸۴ هـ.ش.
» حبیبی، محمّد، خصائص مدیران فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی مؤسّسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، چاپ اوّل، ۱۳۶۸ هـ.ش.
» دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام قم، مشرقین، چاپ هشتم، ۱۳۶۹ هـ.ش.
» رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، چاپ اوّل، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، خرداد ۱۳۸۲ هـ.ش.
» زاهری، احسان، مسجد با محوریّت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله قم، الطیار، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۵ هـ.ش.
» غفّاری، ساروی حسین، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عده الداعی)، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» شهیدثانی (الجبعی العاملی)، زین‌الدین‌بن‌علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات داوری، چاپ اوّل، ۱۴۱۰هـ.ق.
» کلینی رازی، محمّدبن‌یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ دوّم.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسّسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
» محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه‌اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، قم، مؤسّسه فرهنگی انتشاراتی یمین، چاپ اوّل، ۱۳۶۹هـ.ش.
» مکّی‌سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، مترجم محمّد عبّاس‌پور و محمّدجواد مهدوی، مشهد، مؤسّسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، چاپ اوّل، ۱۳۶۳هـ.ش.
» ابن ابی‌جمهور احسائی، ابوجعفربن علی‌بن ابراهیم، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سیّدالشّهدا علیه‌السلام ۱۴۰۵هـ.ق.
» موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، تهران، گویه، چاپ اوّل، ۱۳۸۲ هـ.ش.
» نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، چاپ دوّم، بی‌جا، مؤلّف، پائیز۱۳۶۷ هـ.ش.
» ـــــــــ مسجد نمونه، بی‌جا، ستاد اقامه نماز، چاپ سوّم، بهار۱۳۶۶ هـ.ش.
» طبرسی (رضی‌الدّین)، حسن‌بن‌فضل، مکارم الاخلاق، مترجم سیّدابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ دوّم، ۱۳۷۵هـ.ش.

» طباطبایی، سیّد محمّدحسین، تفسیرالمیزان، قم، نشر جامعه مدرّسین، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» شیخ صدوق، محمّدبن علی‌بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ.ش.
» نوری، میرزا حسین، مستدرک‌الوسائل، مؤسّسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
»
» مقالات
» رضایی، محمّد، مسجد و گفت‌وگوی پیامبرﷺ با نمایندگان ادیان، فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷هـ.ش.
» شکریان، ناصر، مدیریت و سامان‌دهی مساجد، فروغ مسجد، ج۴، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵هـ.ش.
» عبّاسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محلّه‌ای، فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷هـ.ش.
» احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبرﷺ مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، ۱۳۸۴ هـ.ش.
» امام، ابراهیم، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمّد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» برفی، محمّد، نقش مسجد در وحدت اجتماعی مسلمانان، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، انتشارات رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴هـ.ش.
» جعفری، عالیه، مساجد در سیره پیامبر اعظمﷺ مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اوّل، ۱۳۸۷ هـ.ش.
» حسینی، سیّد حمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷ هـ.ش.
» حموده، عبدالوّهاب، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه مهدی اسفندیاری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» شهرداری تهران معاونت امور اجتماعی، ماهیّت کارکردی و کالبدی مسجد و مشکلات موجود، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، چاپ اوّل، تهران، رسانش، تابستان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» عابدی جعفری، حسن و همکاران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۴، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، چاپ اوّل، خرداد۱۳۸۵ هـ.ش.
» فراهتی، عبّاس، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه دانشگاه،۱۳۸۳و۱۳۸۴ هـ.ش.
» کوخایی‌زاده، کریم، بررسی جایگاه مسجد در سیره پیامبر اعظمﷺ مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۵، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷هـ.ش.
» ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» منصوریان، عفّت، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج۴، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» نشریه ایران، ۳۱ مرداد، ۱۳۸۳ هـ.ش.

# کارکرد رسانه‌ای مساجد

یحیی جهانگیری سهروردی

## » چکیده

این مقاله، کارکرد رسانه‌ای مساجد را تبیین می‌کند. نگارنده، ابتدا به اهمیّت کارکرد رسانه‌ای مسجد اشاره می‌کند و سپس تاریخچه اجمالی این کارکرد را بررسی می‌نماید. در ادامه، ابزارهای تبلیغی مسجد، تبیین می‌گردد که شامل ابزارهایی مانند منبر، دکّه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی، ساختمان مسجد و... است و هر یک، با کارکرد ویژه، در اطّلاع‌رسانی، تنویر افکار و آگاهی‌دهی، نقش‌آفرینی می‌کنند. بعد از ساختمان مسجد، مأذنه یا مناره، به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغی مسجد، برای اعلام مراسم مذهبی، به خصوص برای دعوت مسلمانان به اقامه نمازهای پنج‌گانه با گفتن اذان، جایگاه با ارزشی دارد. مسجد، به دلیل این که کانون تجمّعات دینی و اجتماعی است، همواره کارکرد رسانه‌ای خاصّ خود را داشته است. در واقع، خود اجتماعات در مسجد، می‌تواند یک فعّالیّت رسانه‌ای مستقل باشد. این تجمّعات، ویژگی خاصّی دارد که به صورت دهان به دهان و چهره به چهره است. بنابراین، شاید

تنها در رسانه مسجد است که مخاطبان فقط «مستمع» نیستند، بلکه خود آنها، «گوینده» خبر نیز هستند. دیگر ابزارهای تبلیغی مسجد، رسانه «منبر» است. از زمان تأسیس این مکان مقدّس، سخنرانی‌های رسمی، وعظ‌های اخلاقی و اعلان خلافت، اعلام نتایج جنگ‌ها در خطبه‌ها، از این رسانه به گوش همگان می‌رسید. البتّه، اکنون نیز با پیشرفت فنّاوری و ترویج رسانه‌های ارتباط جمعی دیگر، هنوز منبر، از ویژگی اطّلاع‌رسانی و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، از طریق تبلیغ چهره به چهره برخوردار است. در پایان این نوشتار، ضمن برشمردن برخی از ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، علل کاهش کارکرد رسانه‌ای مسجد، بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفت.

**» کلیدواژه‌ها:**

اهمیّت کارکرد رسانه‌ای مسجد، تاریخچه اجمالی کارکرد رسانه‌ای مسجد، ابزارهای تبلیغی مسجد، شیوه‌های اطّلاع‌رسانی رسانه منبر، ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌ها، تعامل رسانه مسجد با سایر رسانه‌ها.

## » اشاره

مسجد، از صدر اسلام دارای کارکردهای متفاوتی بوده است و نخستین نهاد عینی تمدّن اسلامی محسوب می‌شود. این مکان مقدّس، به‌ویژه در صدر اسلام، زمانی که فاقد رسانه‌های گروهی برای اطّلاع‌رسانی بود، به عنوان مرکز اطّلاع‌رسانی مردم، پایگاه معنوی و مورد اعتماد همگان از نظر تبادل اطّلاعات بوده که به شیوه حضوری و غیرحضوری به رسالت رسانه‌ای خود عمل می‌کند.

اخبار، حوادث و پیشامدهای مهم، در مسجد به مسلمانان ابلاغ می‌شد. گاهی تصمیمات حکومتی در مسجد به اطّلاع مردم می‌رسید. مسلمانان نیز تنها، خبری را صحیح و معتبر می‌شمردند که از طریق مسجد و ائمّه جماعات منتشر می‌شد.

امروز، عنصر مهم در اطّلاع‌رسانی، صدق راوی و حقیقت این خبر است که حتّی بنگاه‌های عظیم خبری جهان را با چالش‌های جدّی و کمبود مخاطبان مواجه کرده است؛ امّا قداست مسجد و پیشینه تاریخی رسانه‌ای آن، اعتماد همگان، به‌ویژه نمازگزاران را به صداقت خبررسانی مساجد افزوده است و به صراحت می‌توان گفت که مساجد سالم‌ترین مراکز خبررسانی به مردم هستند.

در دنیای امروز، در بسیاری از کشورهای اسلامی، مساجد از نظر پخش خبرهای مربوط به جنبش‌های مردمی و نهضت اسلامی، نقش چشمگیری دارند؛ امّا سخن این است در عصری که به دلیل تحوّل شگرف ارتباطات، از دنیا به عنوان «دهکده جهانی» یاد می‌شود و روزنامه‌ها، مجلّات، رادیو و تلویزیون، اینترنت، ماهواره و...؛ نهایت تلاش خویش را در جذب مخاطب انجام می‌دهند و هر روز بر تنوّع کارشان می‌افزایند، نباید از نقش رسانه‌ای مسجد و ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن، غفلت ورزید.

در این نوشتار، کارکرد رسانه‌ای مساجد را ضمن تبیین امتیاز و تأثیر فوق‌العاده آن بر سایر رسانه‌های ارتباط جمعی که به عنوان مهم‌ترین وسائل ارتباطی در دنیا هستند، بررسی خواهیم کرد.

## » نگاهی گذرا به اهمیّت کارکرد رسانه‌ای مسجد

«مک‌لوهـان»، یکـی از نظریه‌پـردازان غـرب در زمینـه ارتباطـات، معتقـد اسـت کـه منشـأ تغییـرات اجتماعـی، رسـانه‌های ارتبـاط جمعی‌اند.[1] ازاین‌رو، بـرای کامیابی جوامـع اسـلامی در عرصه‌هـای مختلـف فـردی و اجتماعـی و نیـز نشـر اندیشـه‌های نـاب اسـلامی به بـلاد غیرمسـلمان، باید از قدرت رسـانه غفلـت ننمـود. در این میان، بازیابـی کارکرد سیاسـی مسـجد، بیشـتر ضـرورت پیـدا می‌کند.

جامعه‌شناسـان و روانشناسـان بـرای هـر مـکان، ویژگی‌هـا و مولّفه‌هایـی قائل‌انـد کـه موجـب تمایـز بیـن مکان‌هـا می‌شـوند. بـه عبـارت دیگـر، هـر مکانـی بـه اعتبار نـوع، ماهیّـت، مولّفه‌هـا و فعالیّت‌هایـی کـه در آن انجـام می‌گیـرد، از دیگـر مکان‌هـا متمایـز می‌شـود. بـر همین اسـاس، توقّعـات مربوط به آن مـکان نیز، نسـبت به دیگر مکان‌هـا متمایـز جلـوه می‌کنـد. یـک مـکان، مرکزی اسـت بـرای کُنـش و واکنش و ابـزار ظهـور انگیزه‌های مختلف و موقعیّتی اسـت که ما در آن و به واسـطه آن، معنایی را بـرای خـود پیـدا می‌کنیـم. بـه لحـاظ جامعه‌شـناختی، مکان‌ها در «معنابخشـی» و «هویّت‌دهـی» بـه آدمیـان مؤثّرنـد. بـه عبـارت دیگـر، یکـی از کارکردهـای مکان‌ها، معنابخشـی بـه زندگـی و تجـارب آدمی اسـت. یک مـکان، مرکز کنش و انگیزه اسـت و کانونـی اسـت کـه ما حـوادث معنادار وجود خـود را در آن تجربه می‌کنیـم. در واقع، رخدادهـا و کنش‌هـا، تنهـا در زمینـه مکان‌هـای خـاصّ بـا اهمیّـت و متأثّـر از هویّت ایـن مکان‌هـا در سـاختارهای انگیـزش، آگاهـی و تجـارب انسـان ادغام می‌شـوند.[2] به نظـر «لاکرمـن» ایـن، مکان‌هـا هسـتند کـه رخدادهـا و کنش‌هـای آدمیـان را بـا معنـی می‌سـازند. اگـر بـرای مکان‌هـا، ایـن اهمیّـت را قائـل نشـویم، در واقـع، یکـی از زمینه‌هـای مشروعیّت‌بخشـی بـه کنش‌هـای آدمیـان را نادیـده گرفته‌ایـم؛ یعنـی انسـان‌ها بـه خاطـر قرار نگرفتـن در بعضـی موقعیّت‌هـا از برخی واکنش‌های سـازنده و مؤثّـر بـر زندگـی خـود محـروم می‌مانند.

بنابرایـن، وجـود یـک مـکان بـه معنـی وجـود و ظهـور واکنشـی خـاصّ در افـراد

---

[1] . رضائیـان، مجیـد، کارکـرد مسـاجد، تحـوّل ارتباطـات و نقـش رسـانه‌ای مسـجد در مانـدگاری فرهنـگ اسـلامی، دوماهنامـه مسـجد، ش۶، ص۱۲۹.

[2] . سجادی، دکتر سید مهدی، کارکرد مساجد، مسجد و تعلیم و تربیت، دوماهنامه مسجد، ش۴۳، ص۲۰۶.

است.[1] به باور «گابریل مارسل»، یک فرد از مکان جدا نیست و او همان مکان است.[2] در ادامه، به مؤلّفه‌های بایسته‌ساز احیای کارکرد سیاسی مساجد در دنیای معاصر می‌پردازیم:

## الف) تبلیغ استکبار بر ضدّ اسلام

دشمن، با استفاده از فنّاوری رسانه، سعی دارد چهره اسلام را، به خصوص بعد از حادثه یازدهم سپتامبر، وارونه جلوه دهد؛ زیرا مساجد از دیرباز، سخنگوی رسمی اسلام مبین بودند. با احیای نقش رسانه‌ای مساجد، برای معرّفی چهره واقعی اسلام باید کوشش نمود. به خاطر دورغ‌پردازی‌های برخی از رسانه‌های دیجیتال، آنها هیچ‌گاه نتوانستند اعتماد مسلمانان را به اندازه اعتماد آنان به مساجد، جلب کنند.

## ب) تبلیغ اسلام به جهانِ نیازمندِ معنویّت

پس از نوشکوفایی علم‌تجربی در غرب، دلباختگان مدرنیسم به‌طور افراطی، دست به معنویّت‌ستیزی و دین‌گریزی زدند. این موضوع، با گذشت دوره کوتاهی، غرب را با بحران مواجه کرد. بشر، خسته از لجام‌گسیختگی مدرنیته، دنبال راه نجات افتاد و راه چاره را در برگشت به آیین مسیحیّت نیافت؛ زیرا نمی‌خواست تاریک‌خانه قرون وُسطی را دوباره تجربه کند. به گواه جامعه‌شناسان، نیاز به معنویّت، دغدغه اصلی انسان مدرن است. به همین دلیل است که در تبلیغ اسلام، باید از هر رسانه‌ای به‌ویژه رسانه مسجد کمک گرفت.

در آیات قرآنی، مخاطب مسجد فقط مسلمانان نیست؛ بلکه همه مردم جهان هستند. خداوند در کتابش، مسجد را «مثابه للنّاس»[3] پناهگاه مردم، معرّفی می‌کند. در قصّه قرائت آیات سوره برائت که حضرت علی علیه‌السلام مأموریت یافت تا در منی، در روز عید قربان، قرائت کند، قرآن از تعبیر «إِلَی النَّاسِ» به جای «الی

[1]. همان.
[2]. همان، ص۲۰۷.
[3]. بقره، آیه۱۲۵.

المشـرکین» اسـتفاده می‌کنـد. بـا اینکـه مخاطب ایشـان مشـرکان بودند؛ ولـی برای جاویـد مانـدن ایـن پیام که مسـجد از آن همه مردم اسـت، از این واژه اسـتفاده شـد. بـه تعبیـر نویسـندگان تفسـیر نمونـه، اسـتفاده از ایـن تعابیر، لـزوم ابلاغ ایـن پیام به همـه مـردم را نشـان می‌دهـد کـه در آن روز، در مکّـه حاضـر شـدند تا از ایـن طریق، غیرمشـرکان نیـز گـواه بـر این موضوع باشـند.[1]

## ج) قداست مساجد، اعتمادآور

آنچـه گسـترش اقبـال عمـوم بـه رسـانه‌ها را موجـب می‌شـود، میـزان اعتمـادی اسـت کـه مخاطبـان بـه آن رسـانه دارنـد. امروز، رسـانه‌ها، با صـرف هزینه‌هـای زیاد، در صـدد کسـب اعتمـاد مردم‌انـد. هـر چـه این اعتماد بیشـتر باشـد، مخاطبـان برای دریافـت اطّلاعـات، بیشـتر بـه آن رسـانه روی‌می‌آورند.

به‌طـور کلّـی، بـا توجّـه بـه فاصلـه زیـاد بیـن ادّعـا و عمـل رسـانه‌های دیجیتـال، آنـان نتوانسـته‌اند در جـذب عمـوم، موفّـق باشـند؛ ولی مسـاجد به خاطر عـدم وجود سـابقه تاریخی در تحریف حقایق در خبررسـانی، دارا بودن قداسـت و کانون مبارزات علیـه ظلـم و دورغ پردازی‌هـا، همـواره به‌طـور ذاتـی از ایـن اعتمـاد برخـوردار بـوده اسـت. هرچنـد در طـول تاریـخ، برخـی مسـاجد، دسـتاویز طاغوت‌ها قرار گرفـت تا از ایـن اعتمـاد عمومـی برای رسـیدن بـه مطامع خـود بهره جوینـد. حقیقت این اسـت کـه مخاطبـان، همـواره حسـاب این‌گونـه مسـاجد را از مسـاجدی که در خبررسـانی صداقـت داشـتند، جدا دانسـته‌اند.

## د) رفتارهای جمعی در مسجد، مقبولیّت‌ساز

مسـجد، بـه عنـوان یـک مـکان، از دو جلـوه یـا جنبـه متفـاوت برخوردار اسـت. به عبـارت دیگـر، دوگونـه رفتـار می‌توانـد در ایـن مـکان ویـژه، متجلّی شـود کـه در امر جهت‌دهـی بـه رفتارهـای فردی و جمعی بسـیار مؤثّر اسـت. «جنبه ظاهری» مسـجد کـه در آن، رفتارهـا و اعمـال و روابـط پسـندیده دینـی و مقبـول شـرع رخ می‌نمایـد.

[1]. مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج۷، ص۲۸۶.

«جنبـه باطنـی» کـه طـی آن رفتارهای شـخصی، غیرجمعـی و کنترلـی رخ می‌دهد. هنگامـی کـه انسـان‌ها بـه صـورت جمـع در حـال برگـزاری مناسـک و انجـام فرایض هسـتند، رفتارهـای جمعـی مقبـول، نمایان می‌شـود و هنگامـی که انسـان به صورت غیرجمعـی و بـه صـورت فردی در مسـجد ظاهر می‌شـود، خـود به خود، به محاسـبه و بررسـی رفتارهـای شـخصی خـود می‌پردازنـد. ویژگی مسـجد در مقابـل مکان‌های دیگـر این اسـت کـه از جنبه ماهیّتـی، علاوه بر اینکـه محلّی برای تجمّـع و رفتارهای جمعـی اسـت، فـرد را بـه درون خـود ارجـاع می‌دهد و فرد آنچـه را که جمـع از انجام آن پرهیـز می‌کنـد، در حالـت انفـرادی نیـز آن را ترک می‌کنـد. این رونـد تبلیغی در اصـلاح و ترمیـم رفتارها بسـیار مؤثّر اسـت.[1]

در بـاور و فرهنـگ مـردم، مسـجد، مکانـی مقـدّس اسـت. عُلمـا نیـز دارای درجـه معنـوی هسـتند. بنابرایـن، وقتـی کـه سـخنان و مواضـع آنـان، در مسـجد شـنیده می‌شـود، صحیـح قلمـداد می‌شـود.

جامعـه مدنـی ایـران، بـه عنـوان یـک فضـای مسـتقل از دولـت و دسـتگاه حاکم، چـه در دوران سـلطنت قاجاریـه و چـه در رژیم پهلوی، در مسـاجد، بازار، حسـینیه‌ها و... تجلّـی پیداکرده‌اسـت. این‌گونـه مراکز، گوشـه‌ای از شـبکه وسـیع مردمـی، مراکز اطّلاعـات و ارتباطـات و بسـیج عمومـی بوده‌اند.[2]

سـیّد جمـال الدّیـن اسـدآبادی، اندیشـه‌های اصلاح‌طلبانه‌اش را از طریق مسـاجد نشـر می‌داد.[3]مسـجد، از وسـایل عمده تبلیغاتی اخوان المسـلمین به شـمار می‌رفت؛ زیـرا ویژگـی بـارز اخـوان، ایـراد خطابه‌هـای آتشـین بـود کـه بایـد در مسـاجد اجـرا می‌شـد. مسـجد، اوّلیـن مرکـز اخـوان المسـلمین در شـهر اسـماعیلیّه مصـر بـود. سـپس، مسـاجد متعـدّدی در گوشـه‌وکنار سـاختند. به‌طـور اساسـی، ایـده تبلیـغ مبلّغـان توانمنـد، در ذهـن «حسـن البنا» از آن زمان کـه طلبـه‌ای در دارالعلوم قاهره بـود، جـولان داشـت. او در اوّلین مقاله خود در مجلّه «الشـبان المسـلمین»، در نوامبر

[1] . سجّادی، سیّد مهدی، کارکرد مساجد، مسجد و تعلیم و تربیت، دوماهنامه مسجد، ش۴۳، ص۲۰۷ و ۲۰۸.
[2] . فیضی تبریزی کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۳؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، تاریخ ۱۳۸۰/۴/۷.
[3] . جهانگیـری، یحیـی، کارکـرد سیاسـی مسـجد، دفتـر مطالعـات و پژوهش‌هـای مرکـز رسـیدگی بـه امـور مسـاجد، بخـش مسـجد، مرکـز قیام‌هـای اسـلامی.

۱۹۲۹م، مساجد را از مهم‌ترین مکان‌های آموزش و تهذیب عمومی معرّفی کرد.[۱]

### هـ) ترویج بی‌اخلاقی از رسانه‌های غیرمسجدی

نیم‌نگاهی به فعّالیّت‌های رسانه‌ای غرب، نشان می‌دهد که یک تهاجم گسترده، جوانان مسلمان را هدف قرار داده است. از تقویّت رسانه‌های دیجیتال تا جذب آنها به معابد ادیان دیگر، از استحاله کارکرد مساجد تا تصاحب مدیریت آن، نیمی از فعّالیّت‌های رسانه‌ای غربی، در تقابل با رسانه مسجد است که بیانگر توان بالای رسانه مسجدی است؛ ظرفیّت و توانی که متأسّفانه بیشتر مسلمانان از آن غافل‌اند.

دشمن، قصد دارد با تقویّت رسانه‌های هم‌عرض مسجد، جوانان را از مسجد گریزان سازد. بر این اساس، لازم است که همه تلاش کنیم تا این رسانه سنّتی دینی را تقویّت کنیم. دشمن، افزون بر این، می‌خواهد با توانمندسازی معابد ادیان دیگر، جوانان را از مسجد دور سازد. مسجد به جوانان، دوستان خوب، محتوای دینی و اخلاقی و در نهایت، اندیشه ارمغان می‌دهد؛ ولی رسانه‌های غیرمسجدی، دوستان نابابا، محتوای شرک‌آلود و ضدّ اخلاق و در نهایت، تخدیر و مستی را به روح آنها تزریق می‌کنند.

«اشاعه روح بی‌بندوباری و بی‌دینی در بین دختران و پسران و ایجاد شکّ در آنها، نسبت به اصول دین اسلام از راه تبلیغ در مدارس وابسته به کلیسا، انتشار کتاب‌های ضدّ اخلاق و اسلام، تأسیس باشگاه‌های خوش‌گذرانی و عیش‌ونوش، فراهم ساختن آنان برای فساد و بی‌دینی، تأسیس انجمن‌های سرّی با شرکت جوانان یهودی و مسیحی و... برای به‌دام انداختن جوانان مسلمان به هر وسیله‌ای که میسّر باشد».[۲]

امام خمینی‌ﷺ با درک این حقایق بود که به صراحت فرمودند: «مساجد سنگر مبارزه‌اند؛ ازاین‌رو، دشمن، سعی در خراب نمودن آنها دارد».[۳]

---

[۱]. نقیئی، عبّاس، کارکرد مساجد، نقش مسجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، دوماهنامه مسجد، ش۴۶، ص۴۳۶.
[۲]. مسترهمفر، «خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی»، ترجمه محسن مویّدی، ص۹۶.
[۳]. صحیفه نور، ج۱، ص۱۸۶.

## » مبانی کلامی، دینی کارکرد رسانه‌ای مساجد

اذعـان بـه یـک حقیقـت دینـی، بایـد بـا همـه شـاکله دینـی همخـوان باشـد و مسـتلزم آن اسـت کـه مبـادی تصـوّری و تصدیقـی آن گزاره دینـی، بـا روح حاکم بر آن دیـن، متعـارض نباشـد. بـا بررسـی مبانـی کلامـی کارکـرد رسـانه‌ای مسـاجد، به دنبـال آن هسـتیم تـا ضرورت‌هایی را کـه یک مسـلمان را وادار می‌کند تـا به کارکرد رسـانه‌ای مسـجد اذعان داشـته باشـد، جسـتجو نماییم؛ بایسـته‌های اساسـی اسلامی کـه پای‌بنـدی بـه آنهـا بر هـر مسـلمانی ضـروری اسـت. اکنون ایـن حقیقت روشـن می‌شـود کـه لازمـه اعتقـاد بـه ایـن اصـول، باور بـه کارکرد رسـانه‌ای مسـجد اسـت. در واقـع، نگارنـده ایـن مقالـه تأکید دارد کـه کارکرد رسـانه‌ای مسـاجد، یک حقیقت جدا از شـاکله اسـلامی نیسـت؛ بلکه شـاخه‌ای روئیده از اصول بدیهی اسـلامی اسـت. بنابرایـن، داشـتن مسـجدی بـا کارکرد رسـانه‌ای، مبتنی بـر گزاره‌هـای الهیّاتی متقن پیشـین اسـت کـه بـدون اثبات آنهـا، پذیـرش این موضـوع، غیرعقلانی اسـت.

### ۱. حجیّت سیره و سنّت پیامبر ﷺ

در اصطـلاح فهقـی، افعـال، اقـوال، و تقریـرات رسـول اعظـم ﷺ، «سـنّت» نامیده می‌شود.[۱] شـیعه و اهـل سـنّت در حجیّـت سـنّت نبـوی، تردیـد و اختلافـی ندارنـد.[۲]

سـخنرانی خُلفـا در منبـر بـرای رسـمیّت‌دادن بـه خـود، وعظ‌هـای اخلاقـی در مسـاجد و سـر دادن اذان در مأذنه‌هـا، اعـلان اخبـار عمومـی در مسـاجد، برگـزاری تجمّعـات در مسـجد و... نشـان از تأسّـی بـه سـنّت رسـول اکـرم ﷺ دارد.

یکـی از مبـادی تصدیقـی پذیـرش کارکـرد رسـانه‌ای مسـجد، اذعـان بـه حجیّـت سـیره و سـنّت پیامبـر اکـرم ﷺ اسـت. نظـر بـه اجماع مسـلمانان بـه حجیّـت اقوال، افعـال و تقریـرات منقـول از حضـرت محمّـد ﷺ و از سـوی دیگـر، بـا توجّه بـه انبوه روایـات دالّ بـر انجـام فعّالیّت‌هـای تبلیغـی و رسـانه‌ای مسـاجد در عصـر رسـالت،

---

۱. ر. ک بـه: کتـاب أنیـس الفقهـاء: «مـا واظـب علیـه صلّـی الله علیـه و سـلم و لـم یترکـه إلا مـره أو مرتیـن»؛ کتـاب الأدلـه: «مـا صـدر عـن الرسـول صلّـی الله علیـه و سـلم غیـر قـرآن مـن قـول و فعـل و تقریـر»؛ کتـاب الموجـز فـی أصـول الفقـه: «ما صـدر عن النبـی محمـد صلّـی الله علیـه و سـلم مـن أقـوال لـم یقصـد بهـا الإعجـاز و أفعـال غیـر جبلیـه و تقریـرات»؛ معجـم المصطلحـات و الألفـاظ الفقهیـه، ج۲، ص۲۹۹.

۲. مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، ص۲۲.

گریـزی از اقبـال نظـر بـه کارکـرد رسـانه‌ای مسـجد نیسـت؛ مگـر اینکـه یـا حجیّت اجماعـی را انـکار کنیـم یـا در روایـات بسـیاری که فعّالیّت رسـانه‌ای مسـجد در زمان رسـول الله ﷺ را گـزارش می‌دهنـد، تردیـد نماییـم. البتّه، هـر دو مورد مطرح شـده، در بیـن مسـلمانان، چیـزی جـز انـکار بدیهیّات نیسـت.

## ۲. عبادت، اعمّ از مناسک دینی

به‌طـور اساسـی، عبـادت فقـط نمـاز نیسـت، بلکـه هـر فعّالیّتی کـه در مسـیر خدا باشـد، عبادت محسـوب می‌شـود. اگر مسـجد محلّ عبادت اسـت و عبـادت، مفهومی اعـمّ از نمـاز دارد، پـس مسـجد، محلّـی فراتـر از این اسـت کـه فقط محلّ مناسـک و افعال خـاصّ مذهبی باشـد.

در روایـات، از جهـاد و تعلّـم، به عبادت تعبیر شـده اسـت. پس، معلوم می‌شـود که هرگونـه فعّالیّـت دینـی و اجتماعـی بـا صبغـه الهی کـه در مسـیر تعالی نام خـدا قرار گیـرد، عبـادت اسـت؛ اعـمّ از انجام مناسـک دینـی و فعّالیّت‌هـای دیگر. اگر مسـاجد، «یذکـر فیـه اسـم الله»[1] هسـتند، بی‌شـک، گسـترش نـام خـدا از ایـن محـلّ، تنهـا با برگـزاری مناسـک دینـی، محقّق نخواهد شـد. ازاین‌رو، بـاور به این آیه شـریف از یک سـو و انحصـار مسـجد در عبـادات صرف، چیـزی جز یک تناقض نیسـت.

مقـام معظّـم رهبـری، مفهـوم عبادت را با اسـتناد بـه متون دینی، بسـیار وسـیع‌تر از اعمـال عبـادی صـرف می‌شـمارند و می‌فرماینـد: «ملّت ایـران باید مسـاجد را مغتنم بشـمارد و پایـگاه معرفـت و روشـن‌بینی و روشـنگری و اسـتقامت ملّـی بـه حسـاب آورنـد. اگـر کسـی خیـال کنـد کـه در مسـجد، فقـط چنـد رکعـت نمـاز می‌خوانند و بیـرون می‌آینـد و ایـن چـه تأثیـری دارد، خطاسـت؛ این‌طور نیسـت. اوّل اینکـه، اگر [بـه] همـان چنـد رکعـت نماز هم با چشـم بصیرت نگاه شـود، خـودِ نماز کـه به زبان

[1]. بقـره، آیـه۱۱۴؛ «وَ مَـنْ أَظْلَـمُ مِمَّـنْ مَنَـعَ مَسـاجِدَ اللهِ أَنْ يُذْكَـرَ فيهَـا اسْـمُهُ وَ سَـعى فـى خَرابِهـا أُولئِـکَ مـا كانَ لَهُـمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاّ خائِفيـنَ لَهُـمْ فِـى الدُّنْيـا خِـزْىٌ وَ لَهُـمْ فِـى الْآخِـرَهِ عَـذابٌ عَظيـمٌ؛ کیسـت سـتمکارتر از آن کـس کـه از بـردن نـام خـدا در مسـاجد او جلوگیـری کـرد و در ویرانـی آنهـا سـعی نمـود؟! شایسـته نیسـت آنـان، جـز بـا تـرس و وحشـت، وارد ایـن (کانون‌هـای عبـادت) شـوند. بهـره آنهـا در دنیـا (فقـط) رسـوایی اسـت و در سـرای دیگـر، عـذاب عظیـم (الهـی)!»؛ نـور، آیـه۳۶: «فـى بُيُـوت أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَـعَ وَ يُذْكَـرَ فيهَـا اسْـمُهُ يُسَـبِّحُ لَـهُ فيهـا بِالْغُـدُوِّ وَ الْآصـالِ؛ ایـن چـراغ پرفـروغ در خانه‌هایـی قـرار دارد کـه خداونـدُ اذن فرمـوده تـا دیوارهـای آن را بـالا برنـد (تـا از دسـتبرد شـیاطین و هوسـبازان در امـان باشـد)، خانه‌هایـی کـه نـام خـدا در آنهـا بـرده می‌شـود، و صبـح و شـام در آنهـا تسـبیح او می‌گوینـد».

مُشَـرِّع مقـدّس نمـاز و اذان، خیرالعمـل و فـلاح اسـت، مایـه بـرکات زیادی می‌شـود. نمـاز، یـک ملّـت را بـه قیـام‌لله وادار می‌کنـد. نمـاز، انسـان‌ها را از فسـاد دور و بـه خلـوص و فـداکاری نزدیـک می‌کند.[1] عـلاوه بر آن، مسـجد فقط برای نماز نیسـت؛ در مسـجد انـواع عبـادات هسـت. از جمله آن عبادات، تفکّر اسـت کـه «تفکُّرُ سـاعَهٍ خَیرٌ مِـن عِبـادَهِ اَلـفِ سَـنَه»[2] یا در بعضـی از روایات اسـت که «مِن عِبـادَهِ أربَعین سَـنَه» یا «سـبعین سَـنَه»؛ البتّـه، فکـر کـردن درسـت، افراد مسـجدبرو، ایـن فکر را به وسـیله شـنیدن سـخنان عالـم دیـن و فقیه بـه دسـت می‌آورند.[3]

امـام علـی(ع) در روایتی ضمن مذمّت کسـانی که بیکار در مسـجد نشسـته بودند، آنهـا را «راهبـان عـرب» نامیـده، فرمودنـد: «مؤمـن، مسـجدش مجلـس و خانـه‌اش محـلّ زندگی اوسـت».[4]

اسـلام، در متـن زندگـی حضـور دارد نـه در حاشـیه. ازایـن‌رو، کلّیـه روابـط فردی و اجتماعـی در آن بـه خوبـی بیـان شـده اسـت. ایـن دیـن، بـرای همه شـئون حیات انسـانی، برنامـه دارد.

اگـر چـه امروز مسـجد بیشـترین کارکـردش عبادی اسـت، ولـی با گذر به فلسـفه تاریخـی سـاخت اوّلین مسـجد در زمـان پیامبـر(ص) می‌فهمیم که انگیزه‌هـای مهم‌تر از ایـن در سـاخت آن دخیـل بوده‌انـد کـه متأسّـفانه امـروز کمرنـگ شـده‌اند. البتّـه، مدّعـی نیسـتیم کـه بایـد تمـام کارکردهای مسـاجد در صدر اسـلام را مسـاجد عصر حاضـر نیز داشـته باشـند؛ زیرا این موضوع با روح اسـلام که با اقتضـای زمان همراهی دارد، ناهمگـون اسـت؛ امّـا آن کارکردهایی را که مسـاجد هنوز ظرفیّـت پذیرش دارد، نبایـد از مسـاجد جـدا سـاخت. امـام خمینـی(ره) در ایـن مـورد می‌فرماینـد: «ایـن مسـجدالحرام و مسـاجد دیگـر در زمان رسـول اکـرم(ص) مرکز جنگ‌ها و سیاسـت‌ها و مرکـز امـور اجتماعی و سیاسـی بوده [اسـت]. این‌طور نبوده اسـت [که] در مسـجدِ

---

[1]. عنکبـوت، آیـه۴۵: «اتْـلُ مَـا أُوحِـیَ إِلَیْـکَ مِـنَ الْکِتَـابِ وَ أَقِـمِ الصَّلـوةَ إِنَّ الصَّلـوةَ تَنْهَـی عَـنِ الْفَحْشَـاءِ وَ الْمُنکَـرِ وَ لَذِکْـرُ اللهِ أَکْبَـرُ وَ اللهُ یَعْلَـمُ مَـا تَصْنَعُـونَ؛ آنچـه را از کتـاب (آسـمانی) بـه تـو وحـی شـده تـلاوت کـن، و نمـاز را برپـا دار، کـه نمـاز (انسـان را) از زشـتی‌ها و گنـاه بازمـی‌دارد و یـاد خـدا بزرگ‌تـر اسـت و خداونـد می‌دانـد شـما چـه کارهایـی انجـام می‌دهیـد».

[2]. بحارالانوار، ج۶، ص۱۳۳.

[3]. ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در قم، ۱۹ دی ۱۳۷۵هـ.ش.

[4]. مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۲۲۰، ح۱۲۷۹۸؛ نهج السعاده، ج۷، ص۳۰۶.

پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه [مطرح] باشد. مسائل سیاسی آن بیشتر بود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمانان در آنجا [مسجد] فعّالیّت کنند».[1]

## ۳. مسجد همه‌جانبه، مسجدِ مطلوب قرآن

در قرآن کریم و منابع اصیل روایی شیعه و سنّی، همه به عمران و آبادی مساجد امر شده‌ایم؛ چنان‌که در این منابع، از تعابیر «بُنی» و «عَمَّر»، به معنای ساختن و آباد کردن[2] استفاده گردید. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسى أُولئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگزارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از ره‌یافتگان باشند».[3]

کلمه «یعمر» در لغت، به معنای اقامت و ملازمت به کار رفته است.[4] برخی مفسّران گفته‌اند که عمارت مسجد، تنها ساخت مسجد نیست؛ بلکه «عمارت هر چیزی نسبت به آن، فایده و نتیجه‌ای است که بایستی مترتّب بر آن گردد و خراب کردن مسجد که در قرآن اشاره بدان شده است نیز به لحاظ عدم ترتّب همان فایده است».[5] بنابراین، خراب کردن مسجد، تنها با بیل و کلنگ نیست؛ بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خراب کردن آن است.[6] با توجّه به تفسیر آیه «اِنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ...» و طبق صریح بعضی روایات، منظور از عمران و آبادی مسجد، تنها ساختمان آن نیست، بلکه حضور در آنها و توجّه به محافل و مجالس مذهبی که باعث یاد خدا است، یک نوع عمران و

---

[1]. خمینی روح الله الموسوی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج۱۸، ص۶۷.

[2]. فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج۲، ص۱۱۰۶.

[3]. توبه، آیه۱۸، مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.

[4]. توبه، آیه۱۸.

[5]. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج۲، ص۴۵.

[6]. تفسیر نور، ج۱، ص۱۸۶.

بلکـه مهم‌تریـن نوع آن شـمرده شـده اسـت. بنابرایـن، در نقطـه مقابل ایـن عمران و آبـادی، آنچـه باعـث شـود که مـردم از یـاد خدا غافل شـوند و از مسـاجد دور شـوند، ظلمـی بسـیار بزرگ اسـت.

رونـق مسـاجد در عصر رسـالت، منحصـر به فعّالیّت‌هـای عبادی نبـود. پررنگ‌ترین کارکـرد مسـاجد صـدر اسـلام، کارکـرد رسـانه‌ای بـود. ازایـن‌رو، احیای ایـن کارکرد، یک بایسـته قرآنی اسـت.

امـام خمینـی‌ﷺ در سـال‌های تبعیـد در نجـف، در مسـجد شـیخ انصـاری، درباره همیـن تفـاوت کلیـدی مسـجد و کلیسـا به علمـا فرمودنـد: «اسـلام بـرای اداره امور مملکـت برنامـه دارد. ممالـک بـزرگ را اداره می‌کنـد. بر رؤسـای جمهور، سـلاطین و دول اسـلامی [لازم] اسـت کـه اسـلام را بـه عالـم معرّفـی کننـد تا مسـیحی‌ها خیال نکننـد کـه اسـلام، چـون مسـیحیّت و مسـجد، مثـل کلیسـا اسـت. وقتـی نمـاز در مسـجد برپـا می‌شـد...، در زمـان رسـول خـداﷺ، در زمـان حضـرت علـی‌ؑ و در زمـان دیگـران، در روز جمعـه در خطبـه جمعـه مطالـب سیاسـی، مطالـب مربوط به جنگ‌هـا، مربـوط بـه سیاسـت مُـدُن مطـرح می‌شـد».[1]

در «تفسـیر کاشـف»، در ذیـل آیـات ۱۷ و ۱۸ سـوره توبـه، آمـده اسـت: «در ایـن آیـات می‌بینیـم کـه چگونـه از آغاز، مسـجد، پیوندی ناگسسـتنی با عبـادت، فرهنگ، اقتصـاد و سیاسـت دارد و چگونـه ولایـت مشـرکان را بـر مسـجدالحرام لغـو می‌کنـد. [خداونـد در ایـن آیـات] اجازه نمی‌دهد سیاسـت را از اسـلام و مسـجد جدا سـازند و اداره و عمـارت مسـجد و سـقایت حجّاج را کسـی از مشـرکان به دسـت گیرنـد؛ بلکه عمـارت و ولایـت مسـاجد خـدا بایـد بـه عهـده افـراد بـا ایمـان و متعهّـد و عامـل به دسـتورهای اسـلام (بـه ویـژه نمـاز، زکات) باشـد و آنهـا جز از خدا از کسـی نترسـند. بـا ایـن آیـات از زمـان پیامبـرﷺ، مسـجد بـه صـورت یـک کانـون عبـادی سیاسـی درآمد».[2]

[1]. روحانی سیّد حمید، نهضت امام خمینی، ج۲، ص۱۵۸.
[2]. بی آزار شیرازی عبدالکریم، تفسیر کاشف، ج۵، ص۲۹۲.

## ۴. سیاست و رسانه در مسجد

مسجد رسانه‌ای، بر تصوّر پیشین «مسجد سیاسی» مبتنی است. با عدم فرض مسجد سیاسی، تصوّر مسجد رسانه‌ای نامعقول است. «اگر روزنامه‌نگار و تشکیلات مطبوعاتی در چارچوب هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و مدنی مسجد کار کند، این‌گونه مطبوعات به کانون آزادی و حرکت‌های ضدّ ظلم تبدیل خواهد شد».[۱]

«اگر سیاست در مسجد است، چرا روزنامه‌نگاری و مطبوعات در سایه مسجد نباشد؟! مگر اطّلاع‌رسانی و آگاهی [دهی]، جزئی از منبر و نماز جمعه نیست؟!... چرا مساجد که قلب جامعه سالمی را تشکیل داده، غیرانتفاعی بوده و در چارچوب یک مسئولیّت و اخلاق اسلامی هستند، این مسئولیّت رسانه‌ای جامعه اسلامی ایران را [به‌طور رسمی و] قانونی به دوش نگیرند؟!... با پیوند مسجد و مطبوعات به صورت یک مرکز اطّلاعات و ارتباطات اجتماعی و همگانی، ما برای اوّلین بار موفّق خواهیم شد که مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری را از بستر نامشخص و منزوی، که به مدّت بیش از یک‌ونیم قرن به صورت یک نهاد وارداتی از غرب [بوده] و در انحصار یک طبقه کوچکی از دولت‌مردان، روشنفکران و دلّالان سیاسی و سوداگران رشد کرده، به خود مردم و جامعه برگردانیم و بستری مستحکم که بومی و اسلامی و منطبق با فرهنگ خودی است را برای این‌گونه رسانه‌ها ایجاد کنیم».[۲]

«در جامعه اسلامی، روزنامه‌نگاری یک نوع عبادت است و قرآن کریم، مسجد را خانه‌ای مقدّس، برای عبادت و جایگاهی برای ملاقات و اجتماع مردم می‌داند».[۳]

رهبر فرزانه معتقدند که باید با برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری، عمران معنوی مساجد را تقویّت کرد و از ظرفیّت شوق‌آوری و شورآفرینی مساجد برای جذب قشرهای مختلف مردم و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، بهره‌گیری کامل کرد.[۴]

---

[۱]. فیضی تبریزی کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۶؛ کیهان، مقاله مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.
[۲]. همان، ص۲۵۵؛ کیهان، مقاله مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.
[۳]. همان، ص۲۵۶.
[۴]. بیانات رهبر معظّم در دیدار با شرکت‌کنندگان در همایش هفته گرامی‌داشت مساجد،۳۰/۵/۸۴، قابل دسترس در: http://www.khamenei.ir

## » تاریخچه اجمالی از کارکرد رسانه‌ای مسجد

دائره‌المعارف مختصر اسلام، درباره نقش رسانه‌ای مسجد می‌نویسد: مسجد به‌طور عامّ و منبر به‌طور خاصّ محلّی بود که اعلان‌های رسمی داده می‌شد.[1]

«پیدرسن»، با استفاده از اطّلاعات مورّخان اوّلیه اسلام می‌نویسد که نتیجه جنگ‌ها و برخوردهای نظامی، به‌طور معمول در مساجد اعلام می‌شد و مشاوران جنگی در مسجد حضور داشتند».[2]

در سال‌های آغاز بعثت، به دلیل جوّ اختناق حاکم بر مکّه امکان تبلیغ علنی برای پیامبر ﷺ وجود نداشت تا این که با اسلام آوردن اَرقم‌بن ابواَرقم، خانه‌اش محلّی تبلیغی برای مسلمانان گشت. البته نبیّ مکرّم ﷺ و مسلمانان با اظهار گرویدنشان به اسلام، هر از چند گاهی در کنار کعبه به تبلیغ آئین‌شان می‌پرداختند و دامنه تبلیغ آنها در ایّام حجّ گسترش می‌یافت.[3] از این‌رو، کارکرد تبلیغی مسجد نسبت به آموزه‌های اسلامی را باید از مسجد قبا شروع نماییم. هر چند پیامبر ﷺ در هر فرصت مغتنمی در مسجدالحرام به تبیین اندیشه‌های اسلام می‌پرداختند؛ ولی این کار به‌طور کامل آزادانه نبود. البتّه کارکرد تبلیغی (اعمّ از اسلامی و غیراسلامی) مسجدالحرام به پیش از بعثت نیز مربوط می‌شود. اسلام آوردن شمار درخور توجّهی از مسلمان در مکّه به دلیل همین تبلیغات پیامبر ﷺ بود. آن قدر صدای رسای تبلیغی پیامبر ﷺ در جان مخاطبان مؤثّر واقع می‌شد که مشرکان دستور داده بودند گوش‌های خود را انباشته از پنبه کنند. طفیل‌بن‌عمرو یکی از این افراد بود. او سرانجام در کنار کعبه، نوای دلنواز رسول الله را شنید و ایمان آورد.

دامنه تبلیغی پیامبر در مسجدالحرام به شخص ایشان منحصر نمی‌شد. یاران او نیز از این رسانه عمومی برای نشر اسلام بهره می‌بردند. ابن‌هشام می‌نویسد: اوّلین کسی که پس از رسول خدا ﷺ در مکّه، بانگ قرآن سر داد، عبدالله‌بن‌مسعود بود. او نزدیک مقام ابراهیم آمد و آیات اوّل سوره الرّحمن را با

---

[1]. کارکرد مساجد، ص۳۱۷.

[2]. کارکرد مساجد، ص۲۸۹.

[3]. همان، ص۶۸ که نقل کرده از: ابن‌جوزی، الوفاء باحوال المصطفی، مصر، دارالکتب الحدیثه،ج۱، ص۱۸۲.

صـدای بلنـد تـلاوت نمود.[1]

مسـجدالحرام، محـلّ اعـلان اندیشـه‌های شـخصی نیـز بـود. عـدّه‌ای، ماننـد ابوذر کـه می‌خواسـتند بـا اعـلان بـاور خود به اسـلام، اعضـای دیگـری را نیز بـه آن جذب نماینـد، در مسـجدالحرام حاضـر می‌شـدند و آوای شـهادتین را سـر می‌دادنـد.[2]

در زمـان پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله، رسـم مسـلمانان ایـن بـود کـه هـر گاه حادثـه مهمّـی رخ مـی‌داد، منـادی نـدا مـی‌داد: «الصّـلاه جامعـه»، یعنـی بـرای نمـاز در مسـجد جمـع شـوید. ایـن جملـه بـرای مـردم آن زمـان معنایـی خـاصّ نداشـت. مسـلمانان از این نـدا می‌فهمیدنـد کـه یـک امـر الهـی مطـرح اسـت. ابن‌سـعد در «الطبقـات الکبری» بـه نقـل از سعیدبن‌مسـیب گفتـه اسـت: «پیـش از تشـریع اذان، مـردم را بـا نـدای «الصّـلاه جامعـه»، بـه مسـجد و نمـاز جماعـت فـرا می‌خواندنـد. پـس از آنکـه اذان تشـریع شـد بـا جملـه مزبـور مـردم را در اوقـات نماز بـرای کارهـای مهم به مسـجد فـرا می‌خواندنـد».[3]

سـنّت پیامبـر این بود که هر گاه مشـکلات فکری و ناهنجاری‌هـای اجتماعی پیش می‌آمـد، بـا حضور در مسـجد و ایراد سـخن بـه تنویر افـکار عمومـی می‌پرداخت. این سـخنرانی‌ها به‌طـور معمـول پـس از نمـاز جماعـت انجام می‌گرفـت و گاهی بـا ندای «الصّـلاه جماعـه»، مردم در مسـجد جمع می‌شـدند و حضرت سـخنرانی می‌کردند.[4]

در طـول تاریـخ اسـلام، مسـجد افـزون بـر «رسـانه عمومـی» بـودن، یک «رسـانه رسـمی» نیـز تلّقی می‌شـد. دولت‌هـا و خلفا بـرای بیان دسـتورات خاصّ خـود از این مجـرا بهـره می‌بردنـد تـا هـم جلـوی شـایعه‌ها را گرفتـه، هـم صحّـت خبـر را تأمین کننـد. جویریه‌بن‌اسـماء، از قـول اسـماعیل‌بن ابی‌حکیـم نقـل می‌کنـد: پیـش عمربن عبدالعزیـز بودیـم، وقتـی پراکنـده شـدیم، منـادی او بـرای جمـع شـدن در مسـجد نـدا داد؛ بـه مسـجد رفتـم؛ دیـدم عمربـن عبدالعزیـز بـر منبر اسـت. او نخسـت حمد و سـتایش خـدا را بـر زبـان آورد و سـپس گفـت: همانـا خلفـای امـوی پیـش از مـن،

[1]. کارکرد مساجد، ص۶۹ که نقل کرده از: ابن‌هشام، السیره النبویه، ج۱، ص۳۳۶.
[2]. همان، ص۷۰، که نقل کرده از: عاملی جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النّبی الاعظم، ج۱، ص۲۶۳.
[3]. همان، ص۲۷۲، به نقل از: محمّد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۹۸۵م، ص۱۵۲.
[4]. فرهنـگ مسـجد، ص۲۰۹، بـه نقـل از: السـیره النبویـه، ج۴؛ سـیمای مسـجد، ج۵، فصـل۸؛ شـرح نهـج البلاغـه، ج۱۱، ص۹؛ الکافـی ج۸، ص۳۴۲، ح۵۳۸ و ۵۶۴.

عطاهایی به ما داده‌اند که نه برای ما گرفتن آن روا بوده است و نه بخشیدن آن اموال به ما برای آنان جایز بوده است. من اینک می‌بینم که در آن مورد، کسی جز خداوند از من حساب نخواهد خواست و به همین سبب، نخست از خودم و سپس از خویشاوندان نزدیکم شروع می‌کنم. ای مزاحم بخوان! مزاحم، نامه‌هایی را شروع به خواندن کرد که همگی اسناد اقطاعات در نواحی مختلف بود. آنگاه عمربن عبدالعزیز آن قباله‌ها را گرفت و با قیچی ریزریز کرد و این کار تا هنگام اذان ظهر ادامه داشت.[1]

امام حسن علیه‌السلام از رسانه مسجد برای آگاه‌سازی مردم از خطر حمله معاویه، کمک گرفت. روای می‌گوید: لشکرها پیش معاویه جمع شدند و او همراه آنان آهنگ عراق کرد. خبر حرکت معاویه و رسیدن او به پل منبج به امام حسن علیه‌السلام رسید. امام حجربن‌عدی را گسیل فرمودند تا به کارگزاران و مردم، فرمان آماده شدن برای حرکت دهد و منادی هم برای جمع شدن مردم در مسجد ندا داد و مردم نیز با شتاب جمع شدند.[2]

این سنّت، مختصّ دوره صدر اسلام نبود. عبدالوهّاب می‌گوید: هنگامی که مخلدبن‌کداد علیه حکومت فاطمی شورید، سنّی‌های قیروان (تونس) در مسجد بزرگ شهر جمع شدند و ضمن بحث درباره این شورش، تصمیم گرفتند با نیروی انسانی و اسلحه از آن حمایت کنند. در سال ۳۳۳ (ه.ق) هزاران جنگجوی سنّی در مسجد قیروان جمع شدند و سپس به طرف المهدیه، پایتخت بنی‌میبد به راه افتادند.[3]

---

[1]. جلوه‌تاریخ، ج۷، ص۱۲۸.

[2]. همان، ص۳۲.

[3]. ضرابی، عبدالرضا، کارکرد مساجد، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، ص۲۸۹ و۲۹۰؛ فصلنامه معرفت، س۹، ش۳۳، فروردین و اردیبهشت۱۳۷۹.

## » تبیین ابزارهای تبلیغی مسجد

مسجد، دارای ابزارهایی برای تبلیغ و اطّلاع‌رسانی است. هر یک از این ابزارها با کارکردی ویژه در اطّلاع‌رسانی، نقش ایفا می‌کند. منبر، دکّه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی و خود ساختمان مسجد، به نوعی در تنویر افکار و آگاهی‌دهی نقش‌آفرینی می‌کنند. در این بخش، کارکرد هر یک از این موارد را به‌طور جداگانه تبیین خواهیم کرد.

### ۱. ساختمان مسجد

اگر محدوده رسانه را اعمّ از هرگونه آگاهی‌رسانی بدانیم، به‌طوری که رسانه هرگونه نیاز اطّلاعاتی مخاطب را برطرف کند، در این صورت مسجد را نباید فقط از منظر تبلیغ دینی، یک رسانه دانست؛ زیرا کارکرد آگاهی‌دهی مسجد به مخاطبان فراتر از یک تبلیغ دینی بوده است. با این رویکرد، ساختمان مسجد، خود، یک مرکز اطّلاع‌رسانی بوده است. منظور از ساختمان مسجد، معماری و نوع سازه به کار رفته در آن است که افراد ناآشنا و تازه وارد به شهر را، به محض اینکه چشمشان به آن می‌افتد، راهنمایی می‌کند و آگاهی می‌دهد. کارکردی که تابلوهای راهنمایی و رانندگی امروز ایفا می‌کنند، در گذشته، مساجد، این کارکرد را داشتند. مساجد، به دلیل داشتن معماری و نوع سازه خاصّ، افراد غیربومی را که وارد شهر می‌شدند به مرکز شهر هدایت می‌کرد؛ زیرا مساجد به‌طور معمول، در مرکز شهرهای اسلامی بود. بنابراین، غریبه‌ها با تعقیب مسجد، برای انجام کارهای خود به مرکز شهر راهنمایی می‌شدند. به عنوان مثال، برای انجام امور بازرگانی در یک شهر مساجد، اطّلاع‌رسان خوبی بودند؛ زیرا به‌طور عموم، بازار در کنار مساجد بود. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند به محض ورود به شهری، جهت اقامه دعوی، با ردگیری ساختمان مساجد، به مرکز قضاوت شهر رهنمون می‌شدند؛ زیرا دکّه قضاوت، همواره در جنب مساجد بود. با توجّه به هم‌جواری دارالخلافه با مسجد، نقش اطّلاع‌رسانی مسجد، روشن‌تر می‌شود. بدین ترتیب، تازه واردها برای انجام امور ادرای خود،

از ساختمان مسجد کمک می‌گرفتند. در نهایت، مهم‌ترین اطّلاعاتی که ساختمان مساجد در اختیار افراد تازه‌وارد قرار می‌داد این بود که این شهر، اسلامی است و یا حداقل یک شهر مسلمان‌نشین است. شاید از این روی بود که ساختمان مسجد را بلندتر از همه ساختمان‌ها می‌ساختند و نوع معماری به کار رفته در آن را متمایز از همه خانه‌ها انتخاب می‌کردند.

از دیگر کارکرد اطّلاع‌رسانی ساختمان مسجد، یادمان‌سازی در محلّ جنگ‌ها یا محلّ نماز رسول‌الله ﷺ است. مشاهده این مساجد، خود، ذهن مخاطب را به سوی آن حادثه معهود، رهنمون می‌کند. ساخت مساجد سبعه در محلّ جنگ خیبر و ساختن مسجد در اماکنی که رسول الله ﷺ نماز خوانده بود، از این‌گونه مساجد هستند.

## ۲. مناره و مأذنه

از دیگر قسمت‌های مسجد که کارکرد رسانه‌ای دارد، مأذنه یا مناره است. مناره یا مأذنه، جایگاهی برای اعلام مراسم مذهبی، به خصوص برای دعوت مسلمانان با اذان به نمازهای پنج‌گانه است. مناره، کارکردهای متفاوت رسانه‌ای در طول تاریخ از خود نشان داده است که فراخواندن با اذان یکی از جلوه‌های آن بوده است. کارکردهای رسانه‌ای مأذنه عبارتست از:

الف) از جمله کارکردهای مناره، این بود که هر کس از هر گوشه‌ای که وارد شهر می‌شد، با دیدن مناره (به خصوص مناره‌های مسجد جامع)، می‌توانست مسیر رسیدن به مرکز شهر را طی کند.[۱]

ب) این قسمت از مسجد، افزون بر راهنمایی افراد تازه وار به شهر (به دلیل ارتفاعش)، برای اعلان اوقات نماز نیز به کار می‌رفت. از این‌رو، فقها منظور از اذان را اعلان وقت نماز دانسته‌اند.[۲]

د) از کاربردهای دیگر مناره یا مأذنه، اعلان حوادث مهم بوده است و به دلیل

---

[۱]. نوری، مهدی، کارکرد مساجد، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص۴۵۵؛ فرهنگ اصفهان، ش۱۲، پاییز ۱۳۷۸.

[۲]. المبسوط فی فقه الامامیه، ج۱، ص۶۹؛ المهذب، ج۱، ص۸۹؛ العروه الوثقی، ج۱، ص۶۰۰.

ارتفـاع ایـن محـلّ، اخبار حـوادث به گوش همـگان می‌رسـید. به‌طور معمـول، باید از ایـن محـلّ هنگامی اسـتفاده می‌کردند که حادثـه غیرمترقّبه‌ای به وقوع می‌پیوسـت؛ زیـرا اخبـار عـادّی را در اوقـات دیگـر که مـردم در مسـجد تجمّع می‌کردنـد به گوش عمـوم می‌رسـاندند. ایـن کارکـرد اذان، در دوران نهضـت انقلاب اسـلامی ایـران نمودِ خاصّـی داشـت و بـرای فراخوانـدن عموم به مسـجد، اذان سـر می‌دادنـد. در دهه‌های چهـل و پنجـاه کـه بـه دلیل سـلطه نظام سیاسـی پهلـوی بر وسـایل ارتبـاط جمعی، نیروهـای انقـلاب از حقّ هرگونه فعالیّـت فرهنگی، اجتماعی و سیاسـی محروم بودند. مسـاجد، مناسـب‌ترین رسـانه ارتباط‌جمعـی بـه منظور آگاهی‌بخشـی به مـردم و نیز مهم‌تریـن پایـگاه بـرای هدایـت و سـازمان‌دهی نیـروی انقـلاب به شـمار می‌رفـت... . در حقیقـت، مسـجد، اصلی‌تریـن مرکز ارتباطـی و اطّلاعاتی بود که امـکان خبرگیری از تمامـی وقایـع وجـود داشـت. زمانی که مـؤذّن، اذن نابه‌هنگام سـر مـی‌داد، همگان می‌فهمیدنـد کـه حادثـه‌ای مهـم، اتّفاق افتاده اسـت و خود را به مسـجد می‌رسـاندند تـا از آن خبر مطّلـع گردند.

هـ) از دیگـر کاربردهای رسـانه‌ای اذان، اعلام آغاز سـخنرانی رسـمی بـود. هرچند این اذان ممکن بود در مأذنه سـرداده نشـود. اسـتاد فروزانفر در این مورد می‌نویسـد: در ممالـک بنی‌العبّـاس، بـرای اعـلان سـخنرانی و پیش‌مقدّمـه آن، موذّنـان به گفتن اذان هم‌آواز می‌شـدند.[1]

## غنای محتوی رسانه‌ای اذان از ناقوس کلیسا و بوق یهودیان

اذان، برخـلاف ناقـوس کلیسـا، دارای کلمـات و جمـلات معنـی‌دار و تداعی‌کننـده خیرهـا و سرشـار از کشـش بـه عالـم معناسـت. روزانـه چندیـن بـار مـردم به سـوی فـلاح و رسـتگاری فـردی و اجتماعـی فراخوانـده می‌شـوند کـه تأثیـر تربیتـی مهمّی دارد؛[2] ولـی ناقـوس کلیسـا حتّـی اگـر از حیـث قالب شـبیه اذان باشـد، به‌طـور حتم، بـه دلیل نداشـتن گزاره‌هـای پیـام‌دار، نمی‌تواند تأثیر اذان در نفوس را داشـته باشـد.

[1]. فروزانفـر، بدیـع الزّمـان، کارکـرد مسـاجد، مسـاجد و مـدارس اسـلامی و چگونگـی تعلیمـات و تشـکیلات آن، ص۳۴۷ و ۳۴۸ کـه نقـل کـرده از: مجیـدی، عنایـت‌الله، مجموعـه مقـالات و اشـعار اسـتاد فروزانفر، تهـران، نیـل، ۱۳۵۱.

[2]. نوری، مهدی، کارکرد مساجد، تحلیل جامعه شناختی مسجد، ص۴۵۵؛ فرهنگ اصفهان، ش۱۲، پاییز ۱۳۷۸.

## » جایگاه اذان در اندیشه اسلامی

### الف) جواز، بلکه ترجیح اذان با صدای بلند

با اینکه در اسلام، بلند کردن صدا در مسجد نهی شده و از علایم آخرالزّمان است؛[1] ولی به بلند کردن صدای اذان تأکید شده است. جابربن عبدالله انصاری می‌گوید: در حجّة الوداع، خدمت رسول الله ﷺ بودم. وقتی پیامبر اعمال واجب حجّ را تمام کردند، برای وداع، به خانه کعبه نزدیک شدند؛ حلقه در خانه خدا را گرفتند و با صدای بلند (به‌طوری که همه اهل مسجدالحرام و بازاریانی که صدای او را شنیدند، اجتماع کردند) فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند، برسانید... . سپس، به بیان حوادث آخرالزّمان پرداخت. آنگاه، سلمان از علائم آن پرسید که رسول الله ﷺ در جواب فرمودند: آنگاه که منکرات در جامعه شما رواج یابد و در مساجد صدای شما بلند بشود.[2] از طرف دیگر، فقها بلند کردن صدا در مسجد را به جز یک مورد مکروه دانسته‌اند. مورد استثنای فقها، بلند کردن صدا برای اذان است.[3] امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هنگام اذان، پیامبر اکرم ﷺ به بلال دستور می‌دادند[4] تا به بالای مسجد برود و با صدا بلند اذان بگوید.[5] امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هنگامی که اذان می‌گویی، با صدای بلند اذان بگو و صدایت را مخفی مکن؛ چرا که خداوند به میزان کشیدن صدایت، تو را پاداش می‌دهد.[6]

### ب) فصاحت و آرامش‌دهی اذان

به دلیل اهمیّت این رسانه (اذان)، فصیح بودن و درست گفتن جملات، وقف در آخر جملات با تأنّی و آرامش، از شرایط آن است. قرار دادن دو دست بر گوش هنگام اذان، به قول ظریفی، به خاطر این است که مؤذّن صدا را تا آنجا می‌تواند

---

[1]. جهانگیری، یحیی، مساجد و مهدویّت با رویکرد نقش مساجد در عصر ظهور، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص۱۰.
[2]. بحارالانوار، ج۵۲؛ ص۲۶۲-۲۶۴.
[3]. جواهر الکلام، ج۱۴، ص۱۱۱؛ العروه الوثقی، ج۱، ص۶۰۰.
[4]. این فعل مضارع، استمرار و همیشگی بودن دستور پیامبر را می‌رساند.
[5]. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۵۸، ح۲۰۶.
[6]. همان، ح۲۰۵.

بکشـد. البتّـه، تـا حـدّی کـه بـه گوشـش آسـیبی نرسـد. یعنـی، تـا ایـن حدّ صـدا را می‌توان کشـید.

### ج) تکرار جملات اذان

حکایـت نمـودن جمـلات اذان، توسّـط شـنونده در متـون دینـی مورد تأکیـد واقع شـده اسـت تـا بـه دلیـل هم‌نوایـی، ایـن نغمـه و پیـام الهـی بـر دل و جـان مخاطب تأثیر بیشـتری بگـذارد.[1]

### ۳. اجتماعات در مسجد، رسانه‌ای چهره به چهره

مسـجد، بـه خاطر ایـن که کانون تجمّعـات دینی و اجتماعی اسـت، همواره کارکرد رسـانه‌ای خـاصّ خـود را داشـته اسـت. در واقع، خـود اجتماعات در مسـجد، می‌تواند یـک فعّالیّـت رسـانه‌ای مسـتقل بـه حسـاب آیـد. مسـجد، محـلّ گردهمایـی روزانه، بـرای نمازهـای جماعـات و هفتگـی، بـرای نماز جمعه اسـت. ایـن موضوع، افـزون بر تجمّعاتـی اسـت کـه به صـورت دینی و یـا اجتماعی در مسـاجد رخ می‌دهـد. اهمیّت تجمّـع ایـن بود کـه آگاهـی و اطّلاع‌رسـانی عمومی را موجب می‌شـد. ایـن تجمّعات، یـک ویژگـی خـاصّ داشـت و آن اینکـه دهـان بـه دهـان و چهـره بـه چهره نیـز بود؛ یعنـی هـر کـس خبری که داشـت، به دیگـری منتقل می‌نمود. شـاید، تنها در رسـانه مسـجد اسـت کـه مخاطبـان فقـط «مسـتمع» نیسـتند؛ بلکه خـود، «گوینـده» خبر نیـز هسـتند. ایـن ویژگـی، در باورپذیـری مخاطـب یـا مخاطبـان بـه محتـوای خبـر بسـیار مؤثّـر اسـت؛ زیـرا خبر، توسّـط یک منبع رسـمی اعلان نمی‌شـود کـه احتمال محافظـه‌کاری (سانسـور) وجـود داشـته باشـد؛ بلکـه از یـک منبـع غیررسـمی اعلان می‌شـود.

بی‌جهـت نیسـت کـه متـون دینـی، تأکیـد فراوانـی بـر حضـور در اجتماعـات دینـی در مسـاجد دارنـد. بـه عنـوان نمونـه، در حدیثـی از امـام رضـا علیه‌السلام می‌خوانیـم: «انّمـا

[1]. بهائی، حسین عاملی، العروه الوثقی، ج۱، ۶۰۸- ۶۰۹.

جعلت الخطبه یوم الجمعه لان الجمعه مشهد عام، فاراد ان یکون للامیر سبب الی موعظتهم، و ترغیبهم فی الطاعه و ترهیبهم من المعصیه و توقیفهم علی ما اراد من مصلحه دینهم و دنیاهم و یخبرهم بما ورد علیهم من الافاق من الاهوال التی لهم فیها المضره و المنفعه... و انّما جعلت خطبتین لیکون واحده للثناء علی الله و التمجید و التقدیس لله عزّ و جلّ و الأخری للحوائج و الاعذار و الانذار و الدعاء و لما یرید ان یعلمهم من امره و نهیه ما فیه الصلاح و الفساد؛ خطبه، به این دلیل، در روز جمعه تشریع شده است که نماز جمعه، یک برنامه عمومی است. خداوند می‌خواهد به امیر مسلمانان امکان دهد تا مردم را موعظه کند و آنها را به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت الهی بترساند و آنها از آنچه مصلحت دین و دنیای آنان است، آگاه سازد و اخبار و حوادث مهمّی را که از نقاط مختلف به او می‌رسد و در سود و زیان و سرنوشت آنها مؤثّر است، به اطّلاعشان برساند».[1]

فقیه زمان‌شناس، امام خمینی‌ﷺ، با درک این حقایق در تحریر الوسیله در مسئله ۹ می‌فرمایند: «ینبغی للإمام الخطیب أن یذکر فی ضمن خطبته ما هو من مصالح المسلمین فی دینهم و دنیاهم و یخبرهم بما جری فی بلاد المسلمین و غیرها من الأحوال التی لهم فیها المضره أو المنفعه و ما یحتاج المسلمون إلیه فی المعاش و المعاد و الأمور السیاسیه و الاقتصادیه مما هی دخیله فی استقلالهم و کیانهم و کیفیه معاملتهم مع سائر الملل و التحذیر عن تدخل الدّول الظّالمه المستعمره فی أمورهم سیما السیاسیّه و الاقتصادیّه المنجر إلی استعمارهم و استثمارهم و بالجمله الجمعه و خطبتاها من المواقف العظیمه للمسلمین کسائر المواقف العظیمه مثل الحجّ و المواقف الّتی فیه و العیدین و غیرها و مع الأسف أغفل المسلمون عن الوظائف المهمّه السیاسیّه فیها و فی غیرها من المواقف السیاسیّه الإسلامی؛ سزاوار است که خطیب جمعه، در خطبه جمعه از مصالح دینی و دنیایی مسلمانان صحبت کند. [خطیب جمعه باید مسلمانان را] از آنچه که در بلاد مسلمان و غیرمسلمان از منافع مضرّات بر آنها می‌گذرد، آنچه که مسلمانان در معاد و معاش نیازمند آن هستند، امور سیاسی و اقتصادی که در

[1]. تفسیر نمونه، ج۲۴، ص۱۳۸.

استقلال و کیان آنها دخیل است، چگونگی تعامل با سایر کشورها، هشدار به دخالت دولت‌های ستمگر و استعماری در امور مسلمانان به خصوص در امور سیاسی و اقتصادی‌ای که منجر به استعمار و استثمار مسلمانان می‌شود، خبر دهد. خلاصه، نماز جمعه و دو خطبه آن، از جایگاه بلندی در میان مسلمانان به مانند حجّ و مواقف آن و نماز عیدین و... برخوردار است. متأسّفانه مسلمانان، این وظایف سیاسی را چه در نماز جمعه و غیر آن، فراموش کرده‌اند».[1]

### ۴. منبر، رسانه‌ای گفتاری

مشهودترین بخش رسانه‌ای مسجد، منبر است. سخنرانی‌های رسمی، وعظ‌های اخلاقی و اعلان خلافت، همه و همه از این رسانه به گوش همگان می‌رسید. شاید به خاطر پُررنگی رسانه‌ای این بخش از مسجد است که عدّه‌ای، از پرداختن به مناره و ساختمان مسجد و... غفلت کرده‌اند و فقط به رسانه منبر پرداخته‌اند. در لغت، درباره واژه منبر می‌خوانیم: «منبر، محلّ مرتفع، یرتقیه الخطیب او الواعظ یکلم منه الجمع، سمی به لارتفاعه و کسرت المیم علی التشبیه بالآله؛ منبر، مکان بلندی است که واعظ و خطیب از آن بالا می‌رود و به وعظ و خطابه می‌پردازد. همچنین، مکسور بودن آن به دلیل تشبیه به اسم ابزار است».[2]

به روایت دائرةالمعارف مختصر اسلام، مسجد به‌طور عامّ و منبر به‌طور خاصّ، محلّی بود که در آنجا اعلان‌های رسمی داده می‌شد... . ولید (خلیفه اُموی)، مرگ دو حاکم برجسته را از منبر به اطّلاع [عموم] رساند... . نتایج جنگ‌ها در خطبه‌ها به آگاهی [عموم] می‌رسید... . در دوران فاطمیّان و عبّاسیان نیز اعلان‌ها، فرمان‌ها، احکام مالیاتی و مانند اینها به وسیله فرمانروا در مسجد اصلی اعلان می‌شد... . احکام عزل و نصب صاحب‌منصبان عالی‌رتبه نیز از بالای منبر خوانده می‌شد... . مردم بسیاری برای شنیدن اعلام رسمی گرد می‌آمدند. در طول تاریخ اسلام، این رسانه نقش‌آفرینی فراوانی داشته است. علّامه عسگری

[1]. تحریر الوسیله، ج۱، ص۲۳۵.
[2]. منجد الطلاب، ذیل واژه منبر.

می‌نویسد: منبر نقش با اهمیّتی در نبردهای بین امام علی(ع) و معاویه داشت.[1]

خطابه در مسجد، جنبه رسمی داشت و مخصوص خلفاء و والیان بود. نشستن بر منبر نیز در اوایل عهد خلافت مخصوص خلفا بود. در غیر مسجد هر کس می‌توانست سخنرانی کند.[2]

به باور برخی از محقّقان دیگر، طبقات مختلف مردم بر اساس علاقه‌شان از موضوع بحث خطبه (اعمّ از سیاسی یا دینی و اخلاقی و اقتصادی و وعظ و رثاء و تهنیت و حماسه و...) استفاده می‌کردند.[3]

پس از رحلت پیامبر اعظم(ص)، ابوبکر در مسجدالنّبی بالای منبر رفت و اعلان خلافت نمود. دو سال بعد، عمر نیز با رفتن به فراز منبر، ضمن برشمردن فضائل سلف خود، خلافت خود را اعلام نمود.[4]

والیان، بر همان روش خلیفه در پایتخت با مسجد رابطه داشتند و ورود قراردادی خود را به محلّ ولایت با صعود به منبر... آغاز می‌کردند.[5]

تشنیع دشمنان حاکم وقت، از بالای منبر از طرف اموی‌ها مرسوم گشت. بعد از آن، به نام حاکم خطبه خواندن و در حقّ حاکم دعا کردن رواج یافت.[6]

از آنجا که مسجد یک رسانه رسمی به حساب می‌آمد، اخبار رسمی دولت‌ها و خلفا نیز از مسجد و منبر اعلان می‌شد. به خاطر گستره رسانه‌ای منبر بود که تهدیدها و تشویق‌های دولت و بخشنامه‌های صادره، در مسجد اعلان می‌شد. ابن ابی‌الحدید به استناد، نقل می‌نماید: «زیاد در منبر مشغول خطابه بود که اهل کوفه سنگ انداختند. وی قصد کرد خانه‌هایشان را ویران کند و درختان خرما را ببرّد. مردم را در مسجد جمع کرد تا ایشان را به برائت از علی(ع) وادار کند.[7] جالب آن که تکذیب همین دستور نیز بر فراز منبر اعلام شد. عبدالرّحمن‌بن

---

[1]. کارکرد مساجد، ص۳۱۶، به نقل از: سیّد مرتضی عسگری، «عایشه در زمان معاویه»، ترجمه فارسی، ص۹۵.

[2]. فروزانفر، بدیع‌الزّمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص۳۴۷، که نقل کرده از: مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱.

[3]. یادنامه دومین کنگره، ص۲۳۸.

[4]. کارکرد مساجد، ص۳۱۵ که نقل کرده از: احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۲، ترجمه از عربی به فارسی، ص۲ و ۲۰.

[5]. همان، ص۳۱۶.

[6]. همان.

[7]. مدرّس‌وحید، شرح نهج‌البلاغه، ج۴، ص۲۶.

سـائب انصـاری گویـد: مـن هم بـا خویشـاوندان خـود در آنجا بـودم... . کسـی از قصر آمـد و گفـت: برگردیـد؛ امیر می‌گویـد امروز مشـغولم».[1]

برخـلاف کارکـرد رسـانه‌ای منبر که در مطالب گذشـته مطرح شـد، منبـر هنوز توجّه جامعه‌شناسـان را بـه عنـوان یـک رسـانه عمومـی (medium of public communi-cation) بـه خـود جلب نکرده اسـت.[2]

## منبر در کلیسا

«pulpit» در مسـیحیّت، شـبیه منبـر اسـت؛ ولـی در حقیقـت، نمونـه مشـابه و شـناخته شـده منبـر همـان «Ambo» اسـت که میز مخصـوص قرائت کتـاب مقدّس و یا سـکّوی خطابه در کلیسـاهای قرون میانه اسـت و همچون تخت اُسـقف اعظم در کلیسـاهای روم باسـتان بود. در میزهای کلیسـاهای قبلی، سـادگی موجود در ساخت منبرهـا نیـز به چشـم می‌خـورد. قسـمتی بـه صـورت مثلـث قائم‌الزّاویه پلّـه‌داری در گوشـه دیـوار قـرار داشـت؛ امّـا منبـری قبـل ازاوایـل قـرن نهم به جـای مانده اسـت. بنابرایـن، نمی‌تـوان گفـت که ارتبـاط دقیقی میان سـاخت منبـر در میان مسـلمانان و نوع مشـابه آن در مسـیحیّت وجود داشـته اسـت.

[1]. همان.
[2]. کارکرد مساجد، ص۳۱۱.

## » تشریفات رسانه منبر

وعـظ، در قـرن پنجـم و ششـم، منصـب مهـم و مـورد توجّـه عـوام و خـواصّ واقع گردیـد. علمـا و فقهـای تـراز اوّل عالـم اسـلام بـه آن مباهـات می‌ورزیدنـد و لقـب «واعـظ»، یکـی از القـاب شـریف بـه شـمار می‌رفـت.[1]

خُطبـا دارای تشـریفات خـاصّ و نیـز لبـاس ویـژه‌ای بودنـد. خطیـب، در ممالـک بنی‌العبّاس، لباس و عمّامه سـیاه با تراز زر و طلیسـان مشـکی می‌پوشـید و شمشـیر می‌آویخـت و پیشـاپیش او دو عَلـم سـیاه می‌بردند.[2]یکـی هم که تازیانه‌ای موسـوم به فرقعـه در دسـت داشـت، جلـو می‌رفت. گاهی هم یکـی از مؤذّنان، شمشـیر خطیب را همـراه می‌بـرد. وقتـی که نزدیک منبـر می‌رسـید، آن را حمایل می‌کـرد و خطیب در هـر یـک از پلّه‌هـای منبر، پاشـنه شمشـیر را برای اعلام شـروع [سـخنرانی]، سـخت می‌کوفـت و... مؤذّنـان بـه گفتـن اذان هم‌آواز می‌شـدند و... . در بعضی از سـرزمین‌ها، رسـم خطبـا بـا آنچه گذشـت، مختصر تفاوتی داشـت. خطبای خراسـان، فقـط دراعه می‌پوشـیدند و در موقـع صعـود [بـه منبر] بر شـنوندگان سـلام نمی‌دادند».[3]

چنان‌کـه سـیره پیغمبـر بـود، در مجالـس بـه دو زانـو می‌نشسـتند و دسـت‌های خـود را بـه روی زانـو بـه حال تشـهّد می‌گذاشـتند یا آنکه زانـو را بر آورده و دسـت‌ها را حلقـه‌وار بـه زانـو می‌افکندنـد و از چهارزانـو نشسـتن که رسـم و آئین جبّـاران بود، اجتنـاب داشـتند... . اوّلیـن فـرد از صوفیـان که هنگام وعـظ و بیان معارف بر کرسـی نشسـت، یحیی‌بن‌معـاذ رازی بـود.[4]

وعّاظ قرن ششـم به تحقیق، تشـریفاتی داشـتند و در پیش منبر آنان کرسـی‌هایی نهـاده می‌شـد. قاریـان مخصـوص، بـر فـراز آن پیـش از شـروع وعـظ به تـلاوت قرآن هم‌آهنـگ می‌گردیدنـد و پـس از آن، وعّـاظ بـه فراخـور دانش خـود، به تفسـیر یکی از آیـات می‌پرداختند.[5]

---

[1] . فروزانفـر، بدیـع الزّمـان، کارکـرد مسـاجد، مسـاجد و مـدارس اسـلامی و چگونگـی تعلیمـات و تشـکیلات آن، ص۳۵۰ کـه نقـل کـرده از: مجموعـه مقـالات و اشـعار اسـتاد فروزانفـر، عنایـت الله مجیـدی، تهـران، نیـل، ۱۳۵۱.

[2] ۰ همـان، ص۳۴۷ کـه نقـل کـرده از: مجموعـه مقـالات و اشـعار اسـتاد فروزانفـر، عنایـت الله مجیـدی، تهـران، نیـل، ۱۳۵۱ کـه خـود نقـل نمـوده از: رحله‌بن‌جبیـر، مصـر، صـص۲۵ و۶۷ و۶۹.

[3] . همان منبع، ص۳۴۷ و۳۴۸.

[4] . مکی ابوطالب، قوت القلوب، مصر، ج۲، ص۴۷.

[5] . رحله‌بن‌جبیر، مصر، ص۱۹۸.

## منبر، رسانه پاسخگو

استاد فروزانفر می‌نویسد: در قرن ششم در میان وعظ، برگه‌هایی از سؤال را مردم به واعظ می‌دادند و واعظان هم همان دم یا در پایان وعظ، پاسخ می‌دادند.[1]

## منبر، رسانه‌ای معنوی

صرف‌نظر از جنبه ظاهری رسانه منبر که در مکان مرتفع است، این رسانه، یک تأثیر معنوی نیز داشت؛ زیرا خواندن خطابه و وعظ، نمادی روحانی و معنوی و مورد توجّه بزرگان اسلام بوده است. شاید این بیان رسول‌الله ﷺ اشاره به همین مقام بلند معنوی باشد که وقتی بر فراز منبری که برای ایشان ساخته بودند، رفتند، فرمودند: این منبر من بر ترعه‌ای از ترعه‌های بهشت قرار دارد و پایه‌های آن در بهشت استوار است.[2]

هنرمندان اسلامی، برای تجلّی دادن معنویّت و قداست حاکم به منابر، دست به نقش و نگارهای دینی زدند. البتّه در این راه، هیچ‌گاه از حریم شریعت فاصله نگرفتند؛ زیرا هدفی که از این رسانه دنبال می‌شود، القای پیام دینی است و نباید در این راه به ابزار هنری غیردینی دست زد.

انتخاب پلّه منابر بر مبنای اعداد، توجیه نمادین داشت و برگرفته از معارف اسلامی بوده است. به عنوان مثال، انتخاب عدد هفت، نمادی از هفت آسمان و هفت زمین و عدد نُه، کنایه از عرش اعلی و فلک نُهم است.[3]

طرح‌هایی که در منابر به کار می‌رفت، به‌طور عموم، اشکال هندسی بود که در داخل آنها، نقوش اسلیمی و اشکال نباتی نیز به کار می‌رفت. هنرمندان اسلامی در منابر از تصویرگری و چهره‌نگاری پرهیز می‌کردند.[4]

---

[1]. فروزانفر، بدیع‌الزّمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص۳۴۷ که نقل کرده از: مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱ که نقل کرده از: رحله‌ابن‌جبیر، مصر، ص۱۵۸ و ۲۰۰؛ تاریخ ابن‌خلکان، ج۲، صص۵۵ و۱۲۳.

[2]. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص۲۶۷.

[3]. محمّدی، ذکرالله، کارکرد مساجد، تاریخ و جایگاه منبر در مسجد، دوماهنامه مسجد، ش۳، ص۳۶۶.

[4]. همان.

## » شیوه‌های اطّلاع‌رسانی رسانه منبر

### ۱. خسته کننده و ملال‌آور نباشد

عبدالله‌بن‌مسعود، از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر ﷺ، می‌گوید: «کانَ رسولُ الله یتخولنا بالموعظه فی الأیام کراهةِ السامه علینا؛ رسول خدا ﷺ از آن رو که مبادا ما (شنوندگان) خسته و ملول شویم، فقط در برخی از روزها ما را موعظه می‌فرمودند».[۱]

درباره مدّت زمان سخنرانی‌های پیامبر ﷺ در مسجد، با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می‌توان گفت: مدّت این سخنرانی‌ها به‌طور معمول، کوتاه بوده است. آنچه از خطبه‌های پیامبر ﷺ در دست است، نشان می‌دهد که مدّت زمان سخنرانی‌های آن حضرت از چند دقیقه تجاوز نمی‌کرده است. مراعات اعتدال، حتّی در خطبه‌های نماز جمعه نیز که از سوی آن حضرت ایراد می‌شد، مورد توجّه قرار می‌گرفته است. در «سنن» ترمذی آمده است که پیامبر ﷺ در نماز جمعه و خطبه‌های آن، جانب اعتدال را مراعات می‌کرده است.

ابن‌عبّاس با پیروی از این رهنمود رسول خدا ﷺ، مجلس موعظه‌ای داشت که روزهای پنجشنبه هر هفته برگزار می‌نمود. با این که برخی به او پیشنهاد دادند تا آن را همه روز برپا کند، او ضمن امتناع از پذیرش، پاسخ داد: می‌ترسم این کار مایه خستگی شما شود. من نیز مانند رسول الله ﷺ، شما را به‌طور همیشگی و پیوسته موعظه نخواهم کرد؛ زیرا پیامبر ﷺ از ترس اینکه مبادا ما خسته شویم، هر روز ما را موعظه نمی‌نمود.

در «معالم القربه» از بخاری و او نیز از ابن‌مسعود نقل می‌کند که مردی به رسول خدا گفت: من به خاطر ضعف و ناتوانی، به نماز جماعت فلانی حاضر نمی‌شوم؛ زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. پیامبر ﷺ در این مورد [به‌گونه‌ای] سخنرانی فرمودند که من هرگز او را در حال سخنرانی، این چنین خشمگین ندیده بودم. برخی از شما، مردم را گریزان می‌سازید. باید از طولانی

[۱]. رواه البخاری فی کتاب العلم، باب: ما کان النبی ﷺ یتخولهم بالموعظه و العلم.

کـردن نمـاز بپرهیزیـد؛ چرا که در نمـاز جماعت افراد ناتوان، بزرگسـال و نیز کسـانی کـه کار و مشـغله دارنـد، یافـت می‌شـود.[1]

به‌طـور یقیـن، از عوامـل و نشـانه‌های دیگـر جذّابیّت و اثرگذاری سـخن، آن اسـت که بـه حداقـل اکتفـا و بهتریـن سـخن برگزیـده شـود. پُرگویـی و طولانی سـخن گفتن، عـلاوه بـر اینکـه بـه تدریج انسـان را از مقصود و غـرض اصلی دور می‌کنـد، پیامدهای فراوانـی دارد کـه از جملـه آنهـا «ملالـت و رنجـش» مخاطبـان اسـت. چنان‌کـه امام علـی علیه‌السلام می‌فرماینـد: «الإکثـارُ إضجار؛ پرگویـی، آزرده کننده اسـت».[2]

بنابرایـن، مسـئولان فرهنگـی مسـاجد، اعـمّ خطبـا و ائمّـه جماعـات و جمعـه باید توجّـه داشـته باشـند کـه موارد مـلال‌آور و آنچـه موجب گریز از مسـجد می‌شـود، به نمـاز جماعـت طولانی منحصر نمی‌شـود؛ بلکه جلسـات پی‌درپی مذهبی و سـخنرانی و مداحی‌هـای طولانـی نیـز ممکـن اسـت بـار منفـی داشـته باشـد. پس، هـر چه که گریـز از مسـجد و حتّـی خسـتگی مخاطبـان این رسـانه عمومـی را موجب می‌شـود، از منظـر پیامبـر اسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله محکـوم و مطرود اسـت و همیـن امور، یکـی از علل گریز مـردم، بـه ویژه جوانان از مسـاجد اسـت.

## ۲. آسان‌گیری

پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دیگران را به آسـان گرفتـن در تبلیغ و موعظه سـفارش می‌نمودند: «یَسّـروا و لا تُعسّـروا و بَشّـروا و لاتنفروا؛ آسـان بگیرید، سـخت‌گیر نباشـید، بشـارت بدهیـد و مردم را گریزان نسـازید».[3]

## ۳. استفاده بهینه از رسانه منبر در اوقات فراغت

کُتـب سـیره، بـر ایـن مطلـب گواه‌انـد کـه جلسـات سـخنرانی در مسـاجد پـس از نمـاز صبـح و شـام بیـش از دیگـر نمازها بـود؛ زیرا در وقـت ظهر و عصر، بیشـتر مردم مدینـه بـه کارهـای خـود، مانند کشـاورزی و دامپـروری و... می‌رسـیدند. بامـدادان و

[1]. کارکرد مساجد، ص۷۶ که نقل کرده از: ابن‌اخوه، معالم القره فی احکام الحسبه، ترجمه جعفر شعار، ص۲۶۶.
[2]. آمُدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص۲۱۲.
[3]. ابن ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج۱، ص۳۸۱.

شـامگاهان، فرصـت بهتـری بـرای تبیین احـکام و عقاید اسـلامی بود. با توجّـه به این سـنّت اسـلامی، در تابسـتان و ایّـام فراغـت و تعطیلـی باید مسـاجد فعّال‌تر بشـود.

### ۴. تبلیغ با ادبیات مخاطبان

امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرماینـد: «مَـا کَلَّـمَ رَسـولُ الله صلـی الله علیـه و آلـه اَلْعبـادَ بِکُنْه عَقْلِـهِ قَـطُّ، قَـالَ رَسُـولُ الله صلـی الله علیـه و آلـه: اِنّـا مَعاشِـرَ الاَنْبیـاءِ اُمِرْنا اَنْ نُـکَلِّمَ النّـاسَ عَلـی قَـدْرِ عُقولِهِـمْ؛ رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز با مردم بـه اندازه عقل خود سـخن نگفتنـد و فرمودنـد: مـا پیامبـران، مأموریـم کـه بـا مـردم بـه انـدازه عقل و فهمشـان سـخن بگوییم».[1]

آن حضـرت، دیگـران را نیـز بـه رعایـت ایـن امـر مهـم در عرصـه تبلیـغ توصیـه می‌کردنـد. ابن‌عبّـاس از حضـرت پرسـید: آیـا می‌توانیـم آنچـه از شـما می‌شـنویم، بـرای دیگـران نقـل کنیـم؟ پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله پاسـخ فرمودنـد: آری! جـز ایـن که سـخن با گروهـی در میـان بگذاریـد کـه خردشـان، تـوان فهـم آن را نداشـته باشـد و گـر نـه، گمراهـی عـدّه‌ای را موجـب می‌شـوید.[2]

[1]. مجلسی محمّدباقر، بحارالانوار، ج۱، ص۸۵.
[2]. کتانی عبدالحیّ، نظام الحکومت النبویّه، ج۲، ص۲۲۲.

## » مهم‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد رسانه مسجد

هرچند ممکن است چنین تلّقی شود که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، نقش تبلیغی مساجد اهمیّت قبلی خود را از دست داده است؛ ولی به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آنها در تمام نقاط شهری و رستایی و حرمت، قداست و معنویّت خاصّی که این مکان مقدّس نزد مخاطبانش دارد، از سوی دیگر، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و انکارناپذیر خود را نسبت به کارکرد تبلیغی، همچنان حفظ نماید. با توجّه به گستردگی رسانه‌های دیجیتال و... که بیشتر اطّلاعات را وارونه و خلاف واقع نشان می‌دهند تا به مطامع خود دست یازند، باید در توسعه این کارکرد مساجد کوشید؛ زیرا آنچه مخاطبان از این رسانه مقدّس می‌گیرند، برای آنها قابل‌باور است.

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از میان مکان‌های مذهبی کشور، مساجد با ۷۳ درصد بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است. در شهر تهران، از کلّ ۶۲۴۵ مورد مکان مذهبی، ۴۴۹۱ مورد مسجد است.[۱]

لازمه حفظ اطمینان مخاطبان به این رسانه قدسی، وابسته نکردن آن به احزاب و گروه‌های خاصّ سیاسی، پرهیز واعظان از غیرواقع جلوه دادن حقایق و مهم‌تر از همه روزآمد بودن اطّلاعات واعظان (و همه دست‌اندکاران تبلیغی مسجد، مثل گروه روزنامه‌دیواری و...) است. نقطه قوّت این رسانه سنّتی آن است که همچنان استوارتر از قبل به وظیفه خود در آگاهی‌بخشیدن درست به مخاطبانش عمل خواهد نمود. برخی از ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، به شرح ذیل است:

### ۱. تقدّم تاریخی رسانه مسجد

اگر ساخت مسجد، یعنی کعبه را مربوط به زمان آدمی علیه‌السلام بدانیم، سابقه تاریخی وجود مسجد، همزاد با تاریخ بشر است. این حقیقت تاریخی در آیات قرآنی نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً

[۱]. حجّت‌الاسلام حشمتی، مصاحبه با روزنامه «ابرار»، تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۷.

لِلْعالَمیـنَ؛ نخسـتین خانـه‌ای کـه برای مـردم (و نیایش خداوند) قرار داده شـد، همان اسـت کـه در سـرزمین مکّـه اسـت که پـر برکت و مایـه هدایـت جهانیان اسـت».[1] در آیـه فـوق، قـرآن می‌گویـد اگـر کعبـه به عنـوان قبله مسـلمانان انتخاب شـده اسـت، جـای تعجّـب نیسـت؛ زیـرا این، نخسـتین خانـه توحید اسـت و باسـابقه‌ترین معبدی اسـت کـه در روی زمیـن وجـود دارد. هیـچ مرکـزی پیـش از آن، مرکـز نیایـش و پرسـتش پـروردگار نبـود؛ خانـه‌ای اسـت کـه بـرای مـردم و به سـود جامعه بشـریّت، در نقطـه‌ای کـه مرکـز اجتمـاع و محلّی پر برکت اسـت، سـاخته شـده اسـت.[2] تاریخ و منابـع اسـلامی هـم بـه مـا می‌گویـد که خانـه کعبه به دسـت آدم علیه‌السلام سـاخته شـد و سـپس در طوفـان نـوح آسـیب دید و بـه وسـیله ابراهیم خلیـل علیه‌السلام تجدید بنا شـد.[3] نشـان کارکـرد رسـانه‌ای اوّلیـن مسـجد را از زمـان ابراهیـم علیه‌السلام در روایـات می‌تـوان یافـت. در روایتـی در تفسـیر «علی‌بن‌ابراهیـم» می‌خوانیـم: هنگامـی کـه ابراهیـم، دسـتور اعـلان حـجّ را دریافـت نمود، عـرض کرد خداونـدا، صدای من بـه گوش مردم نمی‌رسـد! خـدا بـه او فرمـود: «علیـک الاذان و علـیّ البـلاغ؛ تـو اعـلام کـن و مـن به گـوش آنهـا می‌رسـانم».[4] ابراهیـم، بر محـلّ «مقام» برآمد و انگشـت در گـوش گذارد و رو بـه سـوی شـرق و غـرب کـرد و صـدا زد: «ایّهـا النّـاس کتـب علیکـم الحـجّ الـی البیـت العتیـق فاجیبـوا ربّکـم؛ ای مردم، حجّ خانه کعبه بر شـما نوشـته شـده، دعوت پروردگارتـان را اجابـت کنیـد» و خداونـد صـدای او را به گوش همگان، حتّی کسـانی کـه در صُلـب پـدران و رحـم مـادران بودنـد، رسـانید و آنهـا در پاسـخ گفتنـد: لبیک اللهم لبیـک... .[5]

نکتـه مهـم آنکـه، خـود تقـدّم تاریخـی در نـگاه قرآنـی قابـل تجلیـل اسـت. بـا ایـن رویکـرد، مسـجد همچنـان رسـانه برتـر خواهد بـود؛ زیـرا در آیـه ۹۶ آل‌عمران، نخسـتین فضیلتـی کـه بـرای خانـه کعبه ذکر شـد، همـان سـابقه طولانی آن اسـت.

---

[1]. آل‌عمران، آیه۹۶.
[2]. تفسیر نمونه، ج۳، ص۱۰.
[3]. برای توضیح بیشتر درباره مدارک این موضوع در آیات و روایات ر. ک به: تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۳۰.
[4]. تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۶۹؛ نور الثقلین، ج۳، ص۴۸۸
[5]. تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۶۹؛ نور الثقلین، ج۳، ص۴۸۸.

## ۲. مسجد، رسانه‌ای گوینده و شنونده

در بخش ابزارهای تبلیغی مسجد گفتیم که خود اجتماعات در مسجد، می‌تواند یک فعّالیّت رسانه‌ای مستقل به حساب آید. مسجد افزون بر تجمّعاتی است که به صورت دینی و یا اجتماعی در مساجد رخ می‌دهد، محلّ گردهمایی هفتگی برای نماز جمعه و روزانه برای نمازهای جماعات است. همواره تجمّع، آگاهی و اطّلاع‌رسانی عمومی را باعث می‌شود. از ویژگی‌های تجمّعات، دهان به دهان و چهره به چهره بودن آن است. یعنی، هر کس که خبری داشت به دیگر منتقل می‌نمود. شاید تنها در رسانه مسجد است که مخاطبان، فقط «مستمع» نیستند؛ بلکه خود «گوینده» خبر نیز هستند. این موضوع در باورپذیری مخاطب یا مخاطبان نسبت به محتوای خبر، بسیار مؤثّر است؛ زیرا خبر توسّط یک منبع رسمی اعلان نمی‌شود که احتمال محافظه‌کاری (سانسور) وجود داشته باشد؛ بلکه از یک منبع غیررسمی اعلان می‌شود.

رهبر معظم در این خصوص می‌فرماید: «عرصه حضور روحانیّت، مسجد و منبر و مواجهه با مردم است و روحانیّت نباید از این عرصه جدا شود».[۱]

## ۳. مسجد، رسانه‌ای جذّاب و تأثیرگذار

ویژگی یکپارچگی و هم‌ترازی و نیز دسته‌جمعی بودن در مسجد، به‌گونه‌ای است که «دائره المعارف بریتانیکا»، در تعریف مسجد از آن کمک می‌گیرد و به دلیل برجسته بودن این ویژگی مسجد، نتوانسته است از آن چشم‌پوشی کند. «مسجد، واژه‌ای عربی است. در اسلام محلّ نماز و دعا و محلّ عبادت است. آن‌هم به منزله مرکز عبادت دسته‌جمعی، که در آن، همه به‌طور یکسان در برابر خداوند قرار می‌گیرند».[۲]

همگرایی، جذب افراد را موجب می‌شود و از این مرحله فراتر، باعث ادغام و عضویّت دیگران نیز می‌گردد. پس از این مرحله است که تأثیر این رسانه چندین

---

[۱]. از بیانات رهبر معظم در دیدار با جمع کثیری از علماء، فضلا و روحانیون کشور، ۲۶/۲/۱۳۸۶، قابل دسترس در: http://www.leader.ir

[۲]. دائره المعارف بریتانیکا، ذیل واژه Mosque

برابـر فزونـی می‌یابـد. سـه مرحله «جـذب»، «ادغام» و «تأثیر» در رسـانه مسـجد، به تمـام معنـا متبلـور اسـت. افـراد، با شـرکت در مناسـک جمعـی، عقایـد مذهبی خود را درونی‌شـده یافتـه و در مراسـم، حسّ همبسـتگی، [شـکل] گروهی گرفتـه و ارتقاء می‌یابـد.[1] از ایـن‌رو، شـاید تنهـا رسـانه، مسـجد اسـت کـه بـه معنـای واقعـی کلمـه، «رسـانه جمعـی» اسـت. تمـام وسـایل ارتبـاط جمعـی، نوعی ارتبـاط غیرحضـوری با مخاطـب برقـرار می‌کننـد. ایـن ارتباط غیرحضـوری برخـلاف جذّابیّت‌هـای فراوانش، حالـت تصنّعـی داشـته و به‌طـور حتمـی، دارای ارتبـاط عمیـق با مخاطبان نیسـت.

تأکیـد اسـلام بـر جماعت، تنهـا در جسـتجوی احوال دیگـر مسـلمانان و... خلاصه نمی‌شـود؛ بلکـه خـود ایـن رفتـار جمعـی در شـکل‌دهی بـه رفتار فـردی جمـع و نیز ترغیـب دیگـران بـه عضویّـت در جمع، کمـک می‌کند. این امـر، بهتریـن راه ارتباطی بـا مخاطـب و نیـز مؤثّرتریـن ابـزار نفـوذ (نـه تنهـا در فکـر و قلـب، بلکـه) در رفتـار اسـت. نفـوذ در قلب‌هـا بـه مراتب، اقتـداری افزون‌تـر از نفـوذ در افکار ایجـاد می‌کند. رسـانه‌های مـورد تأکیـد در فرهنـگ اسـلامی که مسـجد، واعـظ، منبـر و اذان، نمونه مهمّـی از آن اسـت، بـر محـور ایـن نکتـه می‌گردد کـه در این مـدل رسـانه‌ای ارتباط انسـان بـا انسـان، تمـاس حضـوری اسـت. ایـن شـیوه ارتباطـی، در تسـخیر افـکار به خصـوص، تصـرّف قلب‌هـا بـه مراتب مؤثّر اسـت.

شـاید، راز ایـن کـه گفته می‌شـود اقامه هر رکعت نماز در مسـجد جامع، معـادل ۱۰۰ رکعـت و در مسـجد محلّـه معـادل ۲۵ و در مسـجد بـازار معـادل ۱۲ رکعـت ذکـر شـده اسـت، نـوع کارکـرد رسـانه‌ای و منبع موثّـق و میزان جامع‌الاطـراف بودن آنها باشـد؛ زیرا در مسـجد محلّـه، فقـط اخبـار محلّ و در مسـجد بازار فقـط اخبار تجاری بیان می‌شـود. در واقـع، نـوع مردمی که به این مسـاجد می‌آیند، طیف خاصّی هسـتد؛ یعنی در مسـجد محلّـه به‌طـور معمـول، اهالـی محلّ و در مسـجد بـازار، اهل بـازار حاضر می‌شـوند؛ امّا در مسـجد جامـع، همـه نـوع مـردم در آن حضـور دارند. بـه همین دلیـل، هرگونـه اخباری دربـاره همه مناطق، در مسـاجد جامـع گزارش داده می‌شـود.

---

[1]. ضرابـی، عبدالرضـا، کارکـرد مسـاجد، نقـش و عملکـرد مسـجد در تربیـت، فصلنامـه معرفـت، س۹، ش۳۳، فروردین و اردیبهشـت ۱۳۷۹، ص۲۸۳.

## ۴. مسجد، رسانه خودی

رسانه مسجد، به خاطر عدم وابستگی به طاغوت و به تعبیری غیرانتفاعی بودن و نیز منتسب بودن آن به خدای متعال، همواره از قداست برخوردار بوده است. همه این مؤلّفه‌ها در باوراندان مسجد به عنوان رسانه خودی، بسیار مؤثّر بوده است. پروفسور حمید مولانا، استاد برجسته علم ارتباطات می‌گوید: «در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است. در حالی که روزنامه و مطبوعات، اغلب یک پدیده غیرخودی را در بین مردم به وجود آورده‌اند».[۱] بنابراین، اعتماد عمومی به این رسانه در طول تاریخ اسلام، بیش از اعتماد به هر رسانه دیگر بوده است. این حقیقت در نهضت انقلابی اسلامی، به‌طور کامل متجلّی بود. استاد مولانا در این مورد نیز می‌نویسد: «در طول تاریخ اسلامی ایران، مساجد، یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد، بزرگ‌ترین، متنفّذترین و مردمی‌ترین رسانه جمعی و کلامی بوده است. مسجد، در طول تاریخ تمدّن اسلامی، توانست برای نخستین بار، اطّلاعات شفاهی و مکتوب بشریّت را به صورت یک واحد اطّلاعاتی، علمی، فرهنگی و دینی به مردم عرضه کند».[۲]

مسجد، نهادی غیرگروهی و سازمانی (سازمان به معنای اصطلاحی) است. به دلیل غیرسازمانی بودن، به شدّت مردمی است و امکان تسلّط دیکتاتورها بر آن به کمترین حدّ می‌رسد. در عین غیرسازمانی بودن، دارای تشکیلاتی منظّم است و مخاطبان به هم مرتبط‌اند.

## ۵. مسجد، رسانه اطّلاع‌رسانی صرف نیست

در تمام نظریه‌های ارتباطی، رسانه جمعی، وظیفه‌اش اطّلاع‌رسانی و ارسال پیام است. در این بینش، باید افکار عمومی به سمت خاصّی که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند دنیا خواستار هستند، سوق داده شود و رفتار جمعی بر

---

[۱]. فیضی تبریزی کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.
[۲]. همان.

اساس الگوهایی که ارائه می‌شود، شکل گیرد تا به این ترتیب، ثبات اجتماعی در راستای اهداف سرمایه‌داری جهانی حفظ گردد.

بدیهی است در این نظریه، انسان ابزاری بیش نیست؛ ولی دیدگاه رسانه‌ای اسلامی، انسان را نه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطّلاع او می‌رسد، نمی‌نگرد؛ بلکه به منزله مخاطبی می‌داند که آگاهی به او، به‌ویژه تعالی او، همواره مورد توجّه است. میان تعالی و آموزش و تربیت انسان، تا به دست گرفتن افکار عمومی، تفاوت وجود دارد. از این‌رو، در مسجد، اخباری که بزهکاری اجتماعی را بالا ببرد، یا آبروی فردی ریخته شود یا موجب نشر فساد در جامعه بشود و... هیچ‌گاه مطرح نمی‌شود؛ همان چیزی که متأسّفانه در رسانه‌های امروز رعایت نمی‌شود. بنابراین، کارشناسان علوم تربیتی، کودکان را از تماس بیش از حدّ با تلویزیون، رادیو و ماهواره، پرهیز می‌دهند؛ زیرا این رسانه‌های به جای سالم‌سازی جامعه، هرگونه بی‌بندباری و رفتارهای غیراخلاقی را در قالب ادّعای اطّلاع‌رسانی، ترویج می‌دهند.

## ۶. مسجد، رسانه‌ای همه‌جانبه

مسجد، تنها یک رسانه شنیداری نیست؛ بلکه خودِ معماری، اعمال دینی و اهل مسجد نیز در تبلیغ مفاهیم دینی مؤثّرند. از این‌رو، باید مسجد را اعمّ از یک رسانه سمعی و حتّی بصری به شمار آورد؛ زیرا آنچه مخاطب می‌شنود و یا می‌بیند، یک حالت تصنّعی و بازیگری ندارد؛ بلکه یک حقیقتی برخاسته از دل مؤمنان است. این موضوع در تأثیرگذاری بر مخاطبان و باوراندن آنها به مفاهیم مورد تبلیغ مسجد، اثربخش‌تر است.[۱]

در بخش ابزارهای تبلیغی مسجد، گفتیم که مناره مسجد و اذان آن، ساختمان مسجد، منبر و وعظ آن و... همه در انتقال پیام معنوی یک رسانه‌اند؛ ولی دیگر ساختمان، و... رسانه‌های امروزی این توان را ندارند. در بخش ابزارهای رسانه‌ای

[۱]. رضائیان، مجید، کارکرد مساجد، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، دوماهنامه مسجد، ش۶، ص۱۳۲.

مسـجد، بـه تفصیـل در این مـورد سـخن گفته‌ایم.

## ۷. مسجد، رسانه تصویری

در طـول تاریـخ، از مسـجد، تنهـا به عنـوان «رسـانه شـنیداری»، بهـره نمی‌بردند؛ بلکـه گاهـی ایـن رسـانه را بـه «رسـانه سـمعی و بصـری» نیـز مبـدّل می‌کردنـد تـا اثربخشـی بیشـتری داشـته باشـد. هنگامـی کـه عثمان به وسـیله مخالفـان خلافتش بـه قتـل رسـید، معاویـه کـه از طـرف عثمـان، حاکـم شـام بـود، بـرای آنکـه حضرت علـی علیه‌السلام را بـه دسـت داشـتن در قتـل عثمـان، متّهم کنـد، پیراهن خون‌آلـود عثمان را در کنـار منبـر مسـجد دمشـق آویخـت. آنـگاه مدّعی شـد کـه انتقام خـون عثمان بـر عهـده اوسـت.[1] در همیـن راسـتا، تنبیه مجرمیـن نیز هـر از چند گاهی در مسـجد انجـام می‌گرفـت.[2] گاهـی نفریـن بـه اصحـاب پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله را بـر دیـوار مسـاجد بغداد می‌نوشـتند.[3]

پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بـرای تبییـن اهمیّـت حقوق‌النّـاس، افزون بـر بیانات گُهربـارش، به صـورت دیـداری نیـز اهمیّـت آن را در مسـجد بـه مـردم گوشـزد می‌نمـود. حضرت، در اواخـر عمـر شـریف در مسـجد فرمودنـد: آنکـه او را بـر مـن حقّـی باشـد بپاخیزد و قصـاص بکنـد؛ زیـرا قصـاص در دنیـا از قصـاص آخـرت بـه مـن محبوب‌تـر اسـت. سـواده‌بن‌قیس پیـش آمـد و گفـت: پـدر و مـادرم بـه فدایـت! روزی کـه از طایـف می‌آمـدی و مـن بـه اسـتقبال شـما آمـدم؛ در حالی که شـما سـوار بر ناقـه «غضباء» بـودی، در دسـت مبارکتـان «قضیب ممشـوق» بود. همین که خواسـتی ناقـه را بزنی، تازیانـه بـه بـدن من اصابت کـرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودنـد: «معاذ الله ان اکـون تعمّدت؛ به خـدا پنـاه می‌بـرم از اینکه این [کار] را عمدی کرده باشـم». سـپس به بـلال فرمودند کـه از منـزل فاطمـه علیهاالسلام همـان قضیـب ممشـوق را بیاورد. بـلال در بیرون مسـجد ندا مـی‌داد: کیسـت آنکـه قبل از قیامـت قصاص بدهد؟ این اسـت پیامبر اکـرم از خویش

---

[1]. کارکرد مساجد، ص۳۱۶.

[2]. ضرابـی، عبدالرّضـا، کارکـرد مسـاجد، نقـش و عملکـرد مسـجد در تربیـت، فصلنامـه معرفـت، س۹، ش۳۳، فروردین و اردیبهشـت ۱۳۷۹، ص۲۹۰.

[3]. همان.

قصـاص می‌دهـد. بـلال، بـه در خانـه فاطمـه علیها السلام آمـد و قضیب ممشـوق را خواسـت و آن را بـه محضـر پیغمبـر صلی الله علیه و آله آورد. حضـرت، آن مـرد را فراخوانـد. سـواده‌بن‌قیس از پیامبـر صلی الله علیه و آله خواسـت کـه پیراهنـش را کنـار بزند. همـان دم، شـیخ [سـواده‌بن‌قیس] گفـت: یـا رسـول الله، اذن فرمـا شـکمت را ببوسـم. سـپس، لـب بـه شـکم پیغمبـر نهـاد و گفـت: از آتـش جهنّـم بـه موضع قصـاص (از شِـکم) پیامبـر صلی الله علیه و آله پنـاه می‌برم. پیامبـر صلی الله علیه و آله دوبـاره فرمودنـد: یا سـواده، می‌بخشـی یا قصـاص می‌کنی؟ سـواده گفت: یـا رسـول الله، می‌بخشـم. پیغمبـر صلی الله علیه و آله فرمودنـد: خدایـا سـواده را ببخـش، چنان‌کـه پیامبرت را بخشـید.[1]

حُسـن ختـام ایـن بخـش، حدیثـی گران‌سـنگ از مولـود و شـهید مسـجد، حضـرت علـی علیه السلام اسـت که بـه کارکرد رسـانه‌ای مسـجد اشـاره دارد. آن حضـرت می‌فرمایند: «مَـنِ اختَلَـفَ اِلَـی المَسـجِدِ اَصـابَ اِحـدَی الثَّمـانِ؛ اَخـاً مُسـتَفاداً فِـی اللهِ، اَو عِلمـاً مُسـتَطرَفاً اَو آیَـهً مُحکَمَـهً اَو یَسـمَعُ کَلِمَـهً تَـدُلُّ عَلـی هُـدیً، اَو رَحمَـهً مُنتَظَـرَهً، اَو کَلِمَـهً تَـرُدُّهُ عَـن ردی، اَو یَتـرُکَ ذَنبـا خَشـیَهً اَو حَیاءً؛ کسـی که به مسـجد رفت‌وآمد می‌کنـد، یکـی از منافـع هشـت‌گانه نصیب او می‌شـود: برادری مفید و بـا ارزش در راه خـدا یـا علـم و دانش نو یـا دلیل و برهـان محکم [بـرای تثبیت عقاید] یـا کلماتی که موجـب هدایـت شـود [می‌شـنود] یا رحمت مـورد انتظاری [شـامل حال او می‌شـود] یـا مواعظـی کـه او را از فسـاد و گنـاه بـازدارد، [می‌شـنود،] یا بـه خاطر تـرس یا حیا و آبـروی خـود، گناهـی را تـرک می‌کند».[2]

ایـن حدیـث، به امتیازات رسـانه مسـجد، بـه نیکی اشـاره دارد. برخـی از این موارد بـر شـنیداری بـودن این رسـانه و مورد آخـر نیز به تأثیـر رفتار جمعـی و بصری بودن این رسـانه تأکید دارد.

[1]. مدرّس وحید، شرح نهج‌البلاغه، ج۱۲، ص۱۷۹.
[2]. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۳۷، ح۷۱۳.

## » مساجد رسانه عمومی تخصّصی

### ساخت مساجد تخصّصی

تصّـور ابتدایـی از مسـجد، غیرتخصّصی بودن آن را می‌رسـاند؛ امّـا عمومی بودن در مقابـل انحصـاری بـودن اسـت، نـه تخصّصی بـودن. امروز در عین داشـتن رسـانه‌های بین‌المللـی، برخـی از رسـانه‌ها در صـدد اطّلاع‌رسـانی خـاصّ برآمده‌انـد؛ مثـل برخی اخبـار آذری‌زبان‌هـا، اخبـار بـازار تجارت و برخـی... را عرضـه می‌کنند.

سـاخت مسـاجد تخصّصـی، مثـل مسـجد بـازار، مسـجد محلّـه یـا مسـجد اقـوام خـاصّ، مثـل مسـجد زنجانی‌هـای مقیـم مرکـز و... در راسـتای نیـل بـه ایـن هـدف بـوده اسـت کـه مسـاجد بتواننـد نقش رسـانه تخصّصـی را بـازی نماید. ایـن موضوع، در کنـار مسـاجد جامعـی اسـت کـه نقش اخبـار عـامّ را دارد. امروز نیز در رسـانه‌های جهـان از ایـن رویکـرد عمومـی و تخصّصـی بهـره می‌گیرنـد. در کنـار داشـتن اخبـار عمومـی، سـاعاتی را نیـز برای اخبـار تخصّصی، مثـل اقتصادی، مذهبـی و... اختصاص می‌دهنـد تـا مخاطبـان خـاصّ خـود را نیـز از دسـت ندهند.

در گذشـته، مسـاجدی در کنـار مـدارس سـاخته می‌شـد تـا دانش‌آموختـه‌گان در مسـاجد از اخبـار تخصّصـی مـورد نظـر خـود بهره‌منـد گردنـد. همچنیـن، در بـازار، مسـجدی بنـا می‌کردند تـا در آن بـه یادگیری فقه التّجاره، بپردازند. سـاخت مسـجد محلّـه بـرای اطّلاع‌یابـی و خبررسـانی در حوزه حوادث محلّه و بررسـی مشـکلات آن، از ایـن قبیـل بـوده اسـت. عـدّه‌ای غیربومـی یک شـهر، برای حفـظ اتّحاد خـود و نیز خبریابـی و خبررسـانی درباره همدیگر، به سـاخت مسـاجد محلّه‌ای اقـدام می‌کردند.

هرچنـد عـدّه‌ای از تعلّـق مسـجد بـه گـروه خـاصّ، مثـل مسـجد کرمانی‌هـا و... گله‌مندنـد و معتقدنـد کـه اگـر در برخـی محـلّات تهـران می‌گوینـد، ایـن مسـجد کرمانی‌هاسـت، ایـن مطلـب اثـر دافعـه خـودش را دارد.[1] بـا ایـن وجـود، بـه عقیـده نگارنـده، ایـن ویژگـی، تخصّص‌گرایـی در عیـن عمومی بودن اسـت و این بـه آن معنا نیسـت کـه به مسـجد بـازار، افـراد غیربازاری حـقّ ورود ندارنـد؛ بلکه تأسـیس چنین مسـجدی، در راسـتای تشـویق اهل بازار به حضور در آن مسـجد، برای کسـب اخبار

[1]. حجّت‌الاسلام حشمتی، مصاحبه با روزنامه ابرار، ۱۳۷۹/۱۲/۷.

تخصّصی حوزه تجارت بوده است.

## کارکرد تخصّصی مساجد همراه با کارکرد عمومی

مسجد، بیت عتیق و آزادی است که جز خدا، مالکی ندارد. از این‌رو، مکانی انحصاری نیست. این موضوع را نباید با تخصّصی کردن کارکرد مساجد، خلط نمود. از ابتدای تاریخ اسلام، مساجد در عین عمومی بودن، از فعّالیّت تخصّصی آموزشی، سیاسی، نظامی و حتّی برنامه‌های ویژه زنان، بی‌بهره نبوده است. رسانه‌های امروزی که در عین عمومی و در دسترس بودن برای همه، از تخصّصی بودن هم بی‌بهره نیستند و دارای برنامه‌های خاصّ کودکان، علمی، تفریحی و... هستند .

در عصر رسالت، بحث‌های آموزشی در مسجد، به عنوان رسانه آموزشی، انجام می‌گرفت. «در اصل، معنای فنّی مدارس، تا قرن چهارم شناخته شده نبود».[1] در متون دینی می‌خوانیم که گاهی افراد سؤال می‌پرسیدند، ولی اهل‌بیت علیهم‌السلام برای نشر پاسخ به همگان، به سؤال‌کننده، به تنهایی جواب را نداده، بلکه ندا می‌دادند تا همه در مسجد حاضر شوند و از پاسخ آن مطّلع گردند. کسی به حضرت علی علیه‌السلام گفت: یا امیرالمؤمنین، پروردگار را برای ما طوری توصیف کن که گویا او را با چشم خود می‌بینیم. امام علی علیه‌السلام از این سخن به خشم آمد و مردم را در مسجد جمع کرد و در ضمن سخنان خویش که معروف به خطبه اشباح است، فرمودند: «آنچه را قرآن در اوصاف خدا بیان کرده است، از آن پیروی کن و از نور هدایت آن، نور کسب نما و آنچه شیطان به فکر تو می‌آورد و در قرآن و کلام رسول و امامان نیست، علم آن را به خدا واگذار. بدان که راسخون در علم کسانی هستند که اقرار به جهل، آنها را از ورود به عالم غیب کفایت کرده است و خدا اعتراف به جهل آنها را، رسوخ در علم نامیده است. و اعلم انّ الراسخین فی العلم هم الذین اغناهم عن اقتحام السّدد المضروبه دون الغیوب، الاقرار بجمله ما

[1] . کارکرد مساجد، ص۱۱۲.

جهلوا تفسیره من الغیب المحجوب... و سمّی ترکهم التعّمق... رسوخا».[1]

امام علی علیه‌السلام در کنار این اطّلاع‌رسانی تخصّصی، آنجا که ضرورت بود باید در مسجد در انظار همگان قرار می‌گرفت تا موجب تنویر افکار عمومی گردد. امام در نامه‌ای به مالک اشتر، دستور می‌دهد که در صورت حدوث خطائی، جهت زدودن تشویش خاطر عموم، در حضور مردم در مسجد حاضر شود و ضمن اعتراف به خطا از مردم پوزش بطلبد. در این نامه می‌خوانیم: «بسم الله الرّحمن الرّحیم، این فرمانی است که بنده خدا علی، امیرالمؤمنین، به مالک پسر حارث نخعی، معروف به اشتر عطا می‌کند و به موجب آن، فرمانداری کشور مصر و خزانه خراج آن را به او می‌سپارد و نیز اختیارات سپاه اسلام را که در آنجا متمرکزند تحت فرمان او می‌گذارد... اگر روزی در طیّ انجام وظیفه به اشتباه، از حدود حقّ، پای بیرون گذاری و ملّت مصر از لغزش تو آگاه شوند، بر خطای خود اعتراف کن و در مسجد صلای عامّ بده و در دم و بی‌پروا از جامعه پوزش بخواه».[2]

[1]. مفردات نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۴۴۶، خطبه ۹۱.
[2]. نهج‌البلاغه، سخنان علی علیه‌السلام ص ۲۲۷-۲۷۴.

## » تعامل رسانه‌های دیگر با مسجد

ابزارهـای اطّلاع‌رسـانی، بـرای دسـت‌یابی بـه اعتمـاد مخاطبـان و اقبـال آنـان، بـه هـر وسـیله‌ای دسـت می‌یازنـد؛ امّـا یکـی از بهتریـن راه‌هـای جـذب اعتمـاد عمومـی، وابسته‌سـازی ایـن رسـانه‌ها بـه مسـاجد اسـت. مسـجد، بـه دلیـل داشـتن شـاخصه‌های خـاصّ، همـواره مقبـول مسـلمانان بـوده اسـت. از ایـن‌رو، در حـوادث اجتماعـی مسـلمانان، اقبـال عمومـی مـردم بـه مسـجد، بـرای درک حقیقـت ماجـرا را بیشـتر می‌بینیـم. در نهضت‌هـای اسـلامی علیـه اسـتکبار، برخـلاف شـبکه‌های اطّلاع‌رسـانی دیگـر، مسـلمانان اخبـار خود را از مسـاجد می‌گرفتند. ایـن همه اعتماد بـه مسـجد، ناشـی از قداسـت، خودی بـودن، سـابقه تاریخی خـوش در اطّلاع‌رسـانی اسـت. بنابرایـن، صاحب‌نظـران علـم ارتباطات، مثل پروفسـور مولانا،[1] بر تهیّه و شـروع مطبوعـات از مسـاجد، تأکیـد دارنـد؛ زیـرا مطبوعـات یـا جریـده‌ای که از یـک کانون قداسـت، خـودی و خـوش سـابقه در عرصه اطّلاع‌رسـانی، صادر شـود، به‌طـور کامل، مـورد اقبـال جامعه اسـت.

اسـلام در کنار مسـجد، اسـتفاده از وسـایل نوین رسـانه‌ای، مثل روزنامـه و جراید، رادیـو و تلویزیـون، آمفی‌تئاتـر و... را نیـز نفـی نمی‌کنـد. همچنیـن، پروفسـور حمیـد مولانـا بـر ایـن بـاور اسـت کـه اینهـا بایـد در کنـار مسـجد باشـد؛ زیـرا مخاطبی که مسـجد را محـلّ نیایـش یـا آرامـش روحی خـود برگزیده اسـت، آن را کانـون هدایت انسـان می‌شـمارد و ایـن تلّقـی از مسـجد، بـا طرز تلقّـی از دیگـر ابزار تبلیغـی که در کنـار مسـجد و همـراه با مسـجد اسـت، همسـان خواهد شـد. در آن صورت اسـت که تأثیـر آنهـا بـر مخاطب، بیشـتر خواهـد بود.

اکتفـا نمـودن بـه وسـایل تبلیغـی سـنّتی، لازم اسـت؛ ولی کافی نیسـت؛ زیـرا اگر همـه ابزارهـای تبلیغـی از آنِ مسـجد باشـد، تأثیرگذاری آنها بیشـتر خواهـد بود. این موضـوع، خـود رسـانه‌ها را در رسـیدن بـه اهدافشـان یاری خواهـد نمود.

میـزان موفّقیّـت کارکرد وسـایل ارتباط جمعی، وابسـته بـه مقدار موفّقیّـت آنها در برقـراری ارتبـاط بـا انسان‌هاسـت. این موضـوع مهم، تنها بـا قالب‌های نویـن و جذّاب

[1] . فیضی تبریزی، کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، نشر شکوفه یاس، ص۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

مفیـد نخواهـد بـود؛ بلکـه محتـوای پیام نیـز در این مورد نقـش مهمّـی دارد. واکنش رفتـار جمعـی انسـان‌های یـک جامعـه، در برابـر پیامی که بـه آنها می‌رسـد، به خوبی نشـان می‌دهـد کـه مرکـز ارسـال پیـام و ابـزار ارسـال آن پیـام، چـه انـدازه در القای پیـام موفّـق بوده‌انـد. با نیم‌نـگاه مقایسـه‌ای، به پیشـینه موفقیّت‌آمیز رسـانه مسـجد و دیگـر رسـانه‌ها، ایـن را درمی‌یابیـم کـه بـا وجـود پیشـرفته بـودن رسـانه‌های دیگر نسـبت بـه مسـجد، این کانـون الهی در پیام‌رسـانی به مخاطبـان موفّق‌تـر از آنها بوده اسـت. سـالیان متمـادی، غـرب در ایـران کوشـید تـا با ارسـال پیـام و القـای فرهنگ مـورد نظـرش، بـا گسـترش مراکـز مطبوعاتـی، سـینمایی، انجمن‌هـا و محفل‌هـای متعـدّد ارتباطـی، بـه سـلطه خویـش همچنـان ادامـه دهـد؛ امّـا در انقـلاب اسـلامی سـال ۱۳۵۷، پایگاه‌هـای ارتباطـی مـورد تأکیـد انقلاب، مانند مسـاجد و تشـکّل‌های مذهبـی توانسـتند بـا وجـود برخـورداری از شـکل سـنّتی، در ارسـال پیام به سـرعت بـر رسـانه‌های ارتبـاط جمعی پیشـرفته غـرب در ایـران، فایق آمده و واکنشـی خلاف آنچـه آنهـا انتظـار داشـتند، از خود نشـان دهند.[1]

در دنیـای امـروز کـه همـه رسـانه‌ها در کنتـرل صهیونیسـم و باندهـای قـدرت سیاسـی اقتصـادی اسـت، ضـرورت حفـظ کارکـرد رسـانه‌ای مسـاجد، بـه عنـوان مکان‌هـای مردمـی و آزاد، اهمیّتـی چنـد برابـر دارد؛ زیـرا تنهـا ایـن رسـانه اسـت کـه می‌توانـد صـدای مسـتضعفان را فریـاد بزنـد. حفـظ کارکرد رسـانه‌های مسـجد، اکتفـا بـه روش‌هـای گذشـته نیسـت؛ بلکـه با مسـجدی کردن رسـانه‌های مـدرن نیز می‌تـوان بـه ایـن اهداف نایـل آمد. در آن صـورت، اهمیّـت تقویّت این رسـانه عمومی بیـش از گذشـته اهمیّـت پیـدا می‌کنـد؛ در حالـی کـه امـروز رسـانه‌های قدرتمند با مسـجد در حـال رقابـت هسـتند. اگـر مسـاجد دیـروز بـه این وظیفـه اطّلاع‌رسـانی و تبلیـغ مشـغول بودنـد، رُقبایـی نبـود کـه جوانـان را جـذب کنـد و از مسـجد گریزان سـازد؛ ولـی اکنـون، بایـد مسـجد را ضمـن توانمندسـازی رسـانه‌ای، پرنفوذتـر کنیم.

بایـد دقّـت نمـود کـه در کشـور اسـلامی، رسـانه‌های مـدرن، رقیـب مسـجد و در

[1]. رضائیـان، مجیـد، کارکـرد مسـاجد، تحـوّل ارتباطـات و نقـش رسـانه‌ای مسـجد در مانـدگاری فرهنـگ اسـلامی، دوماهنامـه مسـجد، ش۶، ص۱۳۳.

عـرض مسـجد نباشـند؛ بلکـه یـار مسـجد و در طول آن قـرار بگیرنـد؛ زیرا رفتـار آنها اگـر از کارکـرد رسـانه‌ای مسـجد بکاهـد مصـداق «منـع مسـاجد» خواهند بـود. منع نمـودن مسـاجد از ذکـر حق‌تعالـی، بـه دو روش صـورت انجـام می‌شـود: اوّل، اینکـه بـا قهـر و سـلطه مؤمنـان را از دخـول در مسـاجد، منـع می‌نماینـد. دوّم، آنکـه بـه سـبب برخـی کارهـا و جذّابیّت‌هـای مؤسّسـات غیردینـی، آنهـا مـردم را از ورود در مسـاجد، بـاز می‌دارنـد. هرچند با نگاه سـطحی «منع از مسـاجد» شـامل دسـته دوّم نمی‌شـود، امّـا «شـخص عاقـل و زیـرک، بـا تدّبـر و تأمّل درمی‌یابـد کـه این‌گونه امور نیـز در منـع اشـخاص دارای ضعیـف ایمان از مسـاجد دخالت خواهد داشـت».[1] البتّه، آیـه منـع مسـاجد، هرچنـد هم، شـأن نـزول خاصّ داشـته باشـد، در مقـام بیان یک حکـم کلّـی اسـت و در مـورد تمـام افراد و یـا گروه‌هایی اسـت که مـردم را از رفتن به مسـاجد و انجـام عبـادات به هر دلیـل منع کنند و باعث ویرانی مسـاجد شـوند. ما در تاریـخ، نمونه‌هایـی از آن را دیده‌ایـم کـه گاهـی بـه خاطر اهداف سیاسـی، مسـاجد را بسـته‌اند و یـا گـروه خاصّـی را از ورود بـه آن منـع کرده‌اند.[2]نکتـه مهم ایـن که خراب نمـودن مسـجد تنهـا بـا بیـل و کلنگ نیسـت؛ بلکه هـر برنامـه‌ای که از رونق مسـجد بکاهـد، تـلاش در خـراب کردن آن اسـت.[3]

[1]. تفسیر اثناعشری، ج۱، ص۲۳۶.
[2]. کوثر، ج۱، ص۳۳۲.
[3]. تفسیر نور، ج۱، ص۱۸۶.

## » رسانه‌های مسجدی، مقبول جامعه

مسجد، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاصّ، بر دل‌های مردم حکمرانی می‌کند. مسجد، به دلیل قداستی که دارد، در بین مردم، به صدق بیان، شهرت یافته است و به علّت وابسته نبودن به دولت و احزاب، یک رسانه مردمی و به عبارت دیگر، خودی است. مسجد، به خاطر داشتن سابقه‌ای نیک در اطّلاع‌رسانی، مورد سوءِظنّ مردم نیست. بنابراین، رسانه وابسته به مسجد، در باور عموم، صادق‌القول، مردمی و غیر تحریف‌گراست؛ چیزی که رسانه‌ها با هزینه‌های کلان به دنبال دست یافتن به آن هستند. استاد مولانا در این مورد می‌گوید: «در طول تاریخ اسلامی ایران، مساجد، یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد، بزرگ‌ترین، متنفّذترین و مردمی‌ترین رسانه جمعی و کلامی بوده است. در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است. در حالی که روزنامه و مطبوعات، بیشتر یک پدیده غیرخودی را در بین مردم به وجود آورده‌اند. مسجد، در طول تاریخ تمدّن اسلامی توانست برای نخستین بار اطّلاعات شفاهی و مکتوب بشریّت را به صورت یک واحد اطّلاعاتی، علمی، فرهنگی و دینی به مردم عرضه کند».[1]

دکتر حمید مولانا، مدیریتِ مساجد بر مطبوعات را «الگوی جدید» مدیریت مطبوعات می‌داند. «مطبوعات ما موقعی اصیل، اسلامی، مردمی، ملّی و محلّی به معنای واقعی خواهد بود و به عنوان «الگوی جدید» مورد توجّه دیگران قرار خواهد گرفت که بنیاد مالکیّت و اهداف آن از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، در مهم‌ترین نهاد مکتبی و مذهبی جامعه اسلامی قرار گیرد. چنین پایگاهی، مساجد هستند. به‌طور خلاصه، ما باید مطبوعات را به مساجد بفرستیم و مسجد باید در هر شهر و قصبه، مرکز انتشار روزنامه یا مجلّه آن ناحیه در سطح محلّی یا ملّی شده و حرفه روزنامه‌نگاری، مطبوعاتی و استعداد نویسندگان، خبرنگاران و هنرمندان، همانند استادان دانش قرون گذشته، در

[1]. فیضی تبریزی، کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.

مساجد و مؤسّسات وابسته به آنها متمرکز شوند».[1]

متأسّفانه در جهان اسلام، مطبوعات تجربه وابستگی به احزاب و... را که در غرب ناکارآمد است، می‌آزمایند. ازاین‌رو، با وجود قوانین مطبوعاتی، همچنان در این عرصه ناموفّق هستیم. به این دلیل که هیچ‌گاه مطبوعات را با ظرفیت‌های اسلامی و ایرانی همخوان نکرده‌ایم. برای دست‌یابی به مطبوعات مطلوب جامعه اسلامی، باید استراتژی تعریف نمود. این امر، به زعم صاحب‌نظران علم ارتباطات، در وابستگی به مطبوعات به مساجد، خلاصه می‌شود.

برای ایجاد یک نظام وسیع مطبوعاتی بومی و اسلامی که با مردم‌سالاری اسلامی تطابق داشته و تا حدّ امکان از آسیب و ضررهای موجود در نظام‌های مطبوعاتی متداول در دنیا مصون باشد، چه باید کرد؟

ما [در ایران] قانون مطبوعاتی داریم؛ ولی یک استراتژی و برنامه ملّی نداریم که جایگاه مطبوعات را در جامعه و نظام اسلامی، مستحکم و مردمی کند. ما باید از تجربه تلخ نظام‌های مطبوعاتی دو قرن گذشته و امروزی دنیا، درس بیاموزیم و شالوده یک نظام مطبوعاتی اسلامی بومی را طرح‌ریزی کنیم که در آن، مردم مشارکت کنند؛ امّا به یک اصلاحات انقلابی و عظیم و به یک تصمیم‌گیری قاطع و به یک برنامه جامع احتیاج داریم که فراسوی تزئینات و وضع معلّق کنونی باشد.[2]

---

[1]. همان.

[2]. فیضی تبریزی، کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۴؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.

### » رسانه‌های مسجدی، صداقت در اطّلاع‌رسانی دارند

صداقت در اطّلاع‌رسانی، حلقه مفقود دنیای رسانه‌ای امروز است. با وجود گسترش کمّی بی‌شمار رسانه‌ها و مطبوعات، تردید و انکار وجود دارد که عموم، به صدق گزارشات آنها اذعان نمایند. نویسندگانی که در رسانه‌ها می‌نویسند، باید خود متخلّق به اخلاق باشند. تأکید اندیشمندان بر اخلاق در جامعه، ناشی از درک این واقعیّات تلخ است. قلم به‌دستانی که برای رسیدن به مادّیات، حاضر به تحریف هر حقیقتی هستند.

به همین دلیل است که باید محیط مرکز اطّلاع‌رسانی، خود محیط اخلاقی و دینی باشد تا فرد حاضر در آن مکان، نویسنده را از نوشتن هر مطلب نادرستی بازدارد. بی‌شک، خبرنویسی که در مسجد، خبر می‌نویسد، نمی‌تواند به تحریف واقعیّات بپردازد.

بنابراین، از دیگر پیامدهای مبارک وابستگی مطبوعات به مساجد این است که اقبال عمومی به این رسانه‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا نویسندگان و گویندگان این رسانه‌ها، افرادی متعهّد هستند که جز حقّ چیزی را ننگارند و بیان نکنند.

### » اهالی رسانه مسجد، اخلاقی‌اند

مسئولیّت‌شناسی و رعایت موازین اخلاقی توسط اهالی رسانه، در درست رساندن پیام به مخاطب، با محیطی که در آن انجام وظیفه می‌کنند، رابطه مستقیم دارد.[1] مسجد به عنوان محلّ نظارت حاکم عادل، خدای قهّار، نویسنده را از تحریف حقایق بازمی‌دارد؛ همان چیزی که امروز، در برخی رسانه‌ها، یک ترفند و حتّی یک راهبرد برای رسیدن به اهدافشان است. اگر روزنامه‌نگار احساس کند که در کجاست، در نظارت جدّی و بدون چشم‌پوشی خدای پاداش دهنده و جزا کننده قرار دارد؛ دیگر هر آنچه را که می‌خواهد، نمی‌نویسد، بلکه هر آنچه را که هست، می‌نگارد.

مسجد، به عنوان رسانه مقدّس بر دل‌ها نفوذ دارد. در این راستا، باید از نیروهای متدیّن و اخلاقی در مدیریّت این رسانه بهره برد. لازمه حفظ این اطمینان مخاطبان به این رسانه قدسی، وابسته نبودن آن به احزاب و گروه‌های خاصّ سیاسی است. آن وقت است که این رسانه سنتّی همچنان، مورد اعتماد مردم خواهد بود.

در قرآن، همه به عمران مساجد مأمور شده‌ایم. اگر عمران عامّ است و خاصّ کارهای ساختمانی مسجد نمی‌شود، در عرصه رسانه مسجد نیز باید کوشید. قرآن مجید برخی افراد را از عمران مسجد بازداشته است. پس، روشن می‌شود که هر کسی را نباید به مدیریّت رسانه مسجد و رسانه‌های مسجدی، گمارد. بنابراین، متولّیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند؛ نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروتشان یا به خاطر مقام یا نفوذ اجتماعی خود (چنان‌که در بسیاری از نقاط متأسّفانه رایج شده) بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند؛ بلکه باید تمام دست‌های ناپاک را از تمام این مراکز مقدّس کوتاه ساخت. از آن روز که گروهی از زمامداران جبّار و یا ثروتمندان آلوده و گنهکار به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی دست یازیدند، روح و معنویّت و برنامه‌های سازنده آنها مسخ شد. به همین دلیل می‌بینیم که

[1] . فیضی تبریزی، کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، ص۲۵۶؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.

بسیاری از این‌گونه مساجد، شکل مسجد ضرار را به خود گرفته است.[1]

در طول تاریخ اسلام، مسلمانان جایگاه منبر را بسیار مقدّس می‌شمردند. در نگاه آنان، خطیبی که بر فراز منبر می‌رفت، در واقع، در جای شخصی بلندمرتبه، مانند رسول‌الله ﷺ می‌نشست و این نگرش، اقتضا می‌کرد که این شخص خود را متخلّق به ویژگی‌های آن بزرگوار بنماید. بنابراین، اگر افراد نالایقی، این رسانه مقدّس را تصرّف می‌کردند، مورد اعتراض مردم متدیّن واقع می‌شدند و علما و شعرا و... به تقبیح و هجو آنان اقدام می‌کردند.

هرچند این رسانه مقدّس، هر از چند گاهی دست نااهلان افتاد؛ ولی این سبب نشده است که اعتماد مردم به این رسانه سنتّی، کاهش یابد. از تصاحب این جایگاه مقدّس توسّط معاویه گرفته تا تلاش استکبار نوین در استحاله رسانه‌ای مساجد و استفاده از این مقام مقدّس در راستای اهداف شوم خود، همه و همه نشان از قدرت نفوذ معنوی این رسانه دینی است. شُعرا نیز هر از چند گاهی در ابیّات خود، از این تسلّط مستکبران بر این رسانه مستضعفان، به تلخی یاد کرده‌اند.

فتح‌علی‌خان صبا می‌گوید:

گام بر منبر احمد زده اکنون بوجهل
تکیه بر مسند مهدی زده اینک دجّال

سنایی نیز چنین سروده است:

حسرت آن را کی بود کز دخمه زی دوزخ رود
حسرت آن را به دوزخ از سر منبر برد

نکته جالب آن که رسول مکّرم ﷺ مسجدی را که نااهلان به مدیریّت آن اقدام نمودند، تخریب کرد؛ مثل: مسجد ضرار. آن حضرت، اگر این رسانه را گاهی در ابتدا به دست کسی می‌سپرد که شایسته‌تر از او فرد دیگری می‌یافت، حتّی این مسئولیّت را از فرد قبلی پس می‌گرفت و به شخص لایق‌تر می‌سپرد. وقتی آیات سوره برائت نازل شد، رسول خدا ﷺ آن را به ابوبکر داد تا به مکّه ببرد و در

[1]. تفسیر نمونه، ج۷، ص۳۱۷.

منـی در روز عیـد قربـان بـرای مـردم قرائت کنـد. ابوبکر بـه راه افتاد؛ ولـی بی‌درنگ، جبرئیـل دسـتور آورد کـه ایـن مأموریـت را از ناحیـه تو (رسـول خدا) و مـردی جز از خانـدان خـودت، نبایـد انجـام دهـد. رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بـه دنبال ابوبکـر فرسـتاد و امـام در محـلّ «روحـاء» به وی رسـید و آیات نام‌بـرده را از او گرفت و روانـه شـد. ابوبکـر بـه مدینه بازگشـت و عرض کرد: یا رسـول‌الله، چیـزی درباره من نـازل شـد؟ فرمودنـد: نـه؛ ولـی خداوند دسـتور داد کـه ایـن مأموریت را جـز خودم و یـا مـردی از خاندانـم نباید انجـام دهد.[1]

میـزان توانمنـدی مسـجد در عرضه اندیشـه اسـلامی به همـه مردم دنیـا را باید در نـوع مدیـران آن جسـتجو کرد. مسـجدی که عمران آن به دسـت مردان متألّه باشـد، مسـجدی توانمنـد و جـذّاب و مـورد اعتمـاد عمـوم خواهـد بـود و اگر عمران مسـجد در اختیـار افـراد ناشایسـت باشـد، از منزلت آن مـکان مقدّس در اذهان عموم کاسـته خواهد شـد.

مولوی می‌گوید:

آن بنای انبیا بی‌حرص بود
لا جرم پیوسته رونق‌ها فزود
ای بسا مسجد برآورده کرام
لیک نبود مسجد اقصاش نام
کعبه را که هر زمان عزّ می‌فزود
آن ز اخلاصات ابراهیم بود

[1]. ترجمه تفسیر المیزان، ج۹، ص۲۱۶.

## » علل کاهش کارکرد رسانه‌ای مسجد بعد از انقلاب

### ۱. عدم ظرفیت‌سازی در مسجد

به دلیل این که رسانه‌های غیردینی، قبل از انقلاب در دست رژیم شاهنشاهی بود، مردم تمام اطّلاعات دینی، اجتماعی، آموزشی و... خود را از مسجد می‌گرفتند؛ چون، تنها رسانه سنّتی مسجد را به دلیل غیروابسته بودن به طاغوت، صادق می‌دانستند؛ ولی بعد از انقلاب، همه رسانه‌های مدرن، مانند: روزنامه، تلویزیون، رادیو و... به دلیل مدیریتِ نیروهای انقلابی، به عنوان رسانه‌ای در عرض مسجد و حتّی جایگزین آن قرار گرفتند.

اکنون، برای باز گرداندن مسجد به توان بالای رسانه‌ای که در دهه‌های چهل و پنجاه داشته بود، باید در مؤلّفه‌های نیاز مردم به مساجد، تغییراتی ایجاد گردد تا با احساس نیاز، همچنان توان بزرگ رسانه‌ای مسجد حفظ شود.

### ۲. عدم تعریف جایگاه رسانه رقیب و مدرن

فقدان بینش کافی مسئولان و سیاست‌گذاران، در تدوین راهبردی متناسب با فرهنگ بومی و فقدان تعریفی جامع و کامل از چگونگی تعامل نهادهای سنّتی و نوین در جامعه، از جمله دلایلی است که می‌توان از آنها به منزله عوامل «عدم ناکامی» در عرصه استفاده تبلیغی و رسانه‌ای از مسجد نام برد.

مقوله «سنّت» و «مدرنیته»، سازمان مسجد را نیز بی‌تأثیر نگذاشت. به دلیل عدم تعریف مشخص از روش تعامل این دو مقوله بعد از انقلاب، چنان تازیانه مدرنیته بر پیکر سازمان‌های سنّتی آسیب وارد ساخت که بازیابی نهادهای سنّتی، روزی با مشکل مواجه خواهد شد. تأسیس و توسعه سینما، فرهنگ‌سرا، صدا و سیما، مطبوعات و... بدون مشخّص نمودن جایگاه، محدوده فعّالیّت، وظایف و اختیارات، کارکرد رسانه‌ای مساجد را محدود ساخت.

یکی از راه‌های تغییر در مؤلّفه‌های نیاز به مسجد، تخصّص‌گرایی است. امروز که دوره تخصّص‌گرائی است و هر کس پاسخی خاصّ به نیاز ویژه خود را می‌طلبد. باید مساجد نیز با رویکرد تخصّص‌گرایی به احیای ظرفیت برخیزند.

چـرا مسـاجد مـا خطیـب و برنامـه ویـژه کـودکان، ویـژه جوانـان، زنـان و... نداشـته باشـد!؟ مگـر نـه آن اسـت کـه خطیبـی کـه بـه صـورت عمومـی صحبـت می‌کنـد، نمی‌توانـد نیـاز همـگان را پاسـخ دهـد. اگر مخاطب احسـاس نکند که می‌تواند پاسـخِ نیـازش را در مسـجد بیابـد، آیـا به مسـجد روی مـی‌آورد؟!

### ۳. روزآمد کردن این رسانه

بـرای پیـروزی در ایـن رقابـت نامتقـارن رسـانه‌ای غـرب بر ضدّ مسـاجد و اسـلام، بایـد در دو حـوزه «قالـب» و «محتوای» عرضه اندیشـه اسـلامی در عرصـه بین‌الملل را بـه روز و بلکـه پیشـرو نمود.

در حـوزه محتـوا، بایـد بـا تربیّـت افراد خـاصّ بـرای مدیریّـت بخش‌هـای مختلف مسـجد، همّـت گماشـت. در عصـر کنونـی کـه تخصّص نیـاز مدیریّـت اسـت، نباید از امـور مهمّـی، ماننـد مسـاجد بـه غفلـت بگذریـم. خـدای را سـپاس کـه غِنـای منابع اسـلام در ایـن زمینـه سـرآمد و بی‌نظیـر اسـت و تنها کافیسـت بـا اجتهـاد، محتوای لازم کشـف و بـه جهـان عرضـه شـود. در آن صـورت اسـت که هیـچ رسـانه‌ای از نظر محتـوا، نمی‌توانـد بـا اسـلام رقابـت کند.

در حـوزه قالـب نیـز، بایـد آن قسـمت از کارکردهـای سـنّتی مسـاجد که امـروز از نظـر موضوعـی، منسـوخ شـده‌اند را کنـار گذاشـت و بـا همگون‌سـازی کارکردهـای دیگـر سـنّتی مسـاجد بـه مقتضـای زمـان، در احیـای آنها کوشـید. بـه عنـوان مثال، بـرای احیـای تمـدّن نـاب اسـلامی، باید همـه مطبوعات در لـوای مدیریت مسـجدی قـرار گیـرد؛ زیـرا محتـوای بلنـد را بایـد در قالبی زیبـا، روانه بازار سـاخت. مـا در این مـورد در بخـش تعامـل رسـانه‌های دیگـر بـا مسـجد، به تفصیـل سـخن گفتیم.[۱]

[۱]. جهانگیری، یحیی، کارکرد رسانه‌ای مساجد، بخش تعامل رسانه‌های دیگر با مسجد.

## » نتیجه‌گیری

با امعان نظر در مطالب یادشده، به روشنی درمی‌یابیم که مساجد از صدر اسلام دارای کارکردهای متفاوتی بوده است و نخستین نهاد عینی تمدّن اسلامی محسوب می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ به این نهاد مقدّس توجّه ویژه‌ای داشته‌اند.

آنچه از بررسی تاریخ به دست می‌آید آن است که از صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم ﷺ تا قرون وسطی و حتّی تا دوران تسلّط غرب، مساجد جایگاه علم، آموزش و پرورش، اطّلاع‌رسانی و ارتباطات اجتماعی و... بود و همین گستردگی کارکردهای مسجد، موجب شد تا آن را از دیگر معابد جدا سازد.

کارکردهای مسجد، دارای ابعاد مختلفی است که یکی از آنها «رسانه بودن» این مکان مقدّس است که بر کسی پوشیده نیست و در این عصر ارتباطات، هنوز مسجد، جایگاه رسانه‌ای خود را فراموش نکرده است و روز به روز این جایگاه فعّال‌تر و مقتدرتر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که با راه‌اندازی دوره‌های آموزشی مختلف در مساجد توسّط کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، رسانه مسجد پر خبرتر می‌شود. بنابراین، مسجد، همواره بر بلندای برترین رسانه‌ها قرار دارد و خود یک اَبَررسانه به شمار می‌رود که بعد از این همه سال، هنوز کارکرد خود را از دست نداده است.

به هر حال، در طول تاریخ اسلام مسجد افزون بر «رسانه عمومی» بودن، یک «رسانه رسمی» نیز تلقّی می‌شد. دولت‌ها و خلفا برای بیان دستورات خاصّ خود از این مجرا بهره می‌بردند تا هم مانع رواج شایعه‌ها شوند و هم صحّت خبر را تأمین کنند.

رسانه مسجد، برخلاف سایر رسانه‌ها از ابزارهای متنوّعی برای تبلیغ و اطّلاع‌رسانی برخوردار است. هر یک از این ابزارها، با کارکردی ویژه در اطّلاع‌رسانی، نقش ایفا می‌کند. از منبر، دکّه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی تا خود ساختمان مسجد، به‌گونه‌ای در تنویر افکار و آگاهی‌دهی نقش‌آفرینی می‌کنند.

رسانه مسجد، نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است؛ زیرا تقدّم تاریخی رسانه مسجد، همزاد با تاریخ بشر است.

چنان‌کـه ایـن حقیقـت تاریخـی در آیـات قرآنـی نیـز مـورد تأیید قـرار گرفته اسـت. مسـجد، رسـانه‌ای گوینده و شـنونده اسـت؛ زیرا این مـکان مقدّس، محـلّ گردهمایی هفتگـی بـرای نمـاز جمعـه و روزانـه بـرای نمازهای جماعات اسـت و هـر کس خبری دارد، بـه دیگر منتقل می‌کند. شـاید تنها در رسـانه مسـجد اسـت کـه مخاطبان فقط «مسـتمع» نیسـتند؛ بلکـه خـود، «گوینـده» خبـر نیـز هسـتند. دیگـر از ویژگی‌های منحصربه‌فـرد رسـانه مسـجد، جـذّاب و تأثیرگـذار بودن آن اسـت.

مسـجد، رسـانه‌ای خـودی اسـت. به خاطـر عدم وابسـتگی به طاغوت و بـه تعبیری غیرانتفاعـی بـودن و نیـز انتسـاب آن بـه خدای متعـال، همـواره از قداسـت برخوردار بـوده اسـت. مسـجد، رسـانه اطّلاع‌رسـانی صـرف نیسـت. بر اسـاس دیدگاه رسـانه‌ای اسـلامی، رسـانه مسـجد انسـان را نـه تنهـا بـه عنـوان مخاطبی کـه پیامی بـه اطّلاع او می‌رسـد، نمی‌نگـرد؛ بلکـه او را بـه منزلـه مخاطبـی می‌دانـد کـه آگاهی‌دهـی به او و به‌ویـژه تعالـی وی، همـواره مـورد توجّـه اسـت. مسـجد، تنها یک رسـانه شـنیداری نیسـت؛ بلکـه معماری مسـجد، اعمال دینی و اهل مسـجد نیز خـود در تبلیغ مفاهیم دینـی مؤثّرنـد؛ بنابراین، مسـجد رسـانه‌ای همه‌جانبه اسـت.

## » منابع و مآخذ


» قرآن کریم.
» نهج البلاغه.
» مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۲هـ.ش.
» ـــــــــــــــ ترجمه قرآن، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، دوّم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
» فولادوند، محمّدمهدی، ترجمه قرآن، نشر دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اوّل، ۱۴۱۵هـ.ق.
» روژه گارودی، مسجد آئینه اسلام، انتشارات ژگوار.
» دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، کارکرد مساجد، رسانش، تهران، اوّل، ۱۳۸۴ هـ.ش.
» مجیدی، عنایت الله، مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۱هـ.ش.
» خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیّدی.
» نجفی، محمّدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقّق و مصحح: شیخ‌عبّاس قوچانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
» بهائی، بهاءالدین محمّدبن حسین عاملی، العروه الوثقی، قم، کتابفروشی بصیرتی، چاپ اوّل، ۱۳۹۰هـ.ق.
» طوسی، ابوجعفر محمّدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، مصحح: سیّد محمّدتقی کشفی، تهران، چاپ مکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوّم، ۱۳۸۷هـ.ق.
» ـــــــــــــــ تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» ابن‌برّاج قاضی، عبدالعزیزبن نحریر طرابلسی، المهذّب، محقّق و مصحح: جمعی از محقّقان و مصححان تحت اشراف شیخ جعفر سبحانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۶ هـ.ق.
» شیخ صدوق، محمّدبن علی‌بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوّم، ۱۴۱۳هـ.ق.
» ـــــــــــــــ معانی الأخبار، به تصحیح: علی اکبرغفاری، انتشارات دارلمعرفه، لبنان، بیروت، سال ۱۳۹۹ه/۱۹۷۹م.
» نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، چاپ اوّل، ۱۳۷۲هـ.ش.
» کلینی، ابوجعفر محمّدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
» سیّاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد). تهران، انتشارات اسلام.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار علیهم‌السلام، بیروت، مؤسّسه الوفا، چاپ دوّم، ۱۴۰۳هـ.ق.
» طوسی، ابوجعفر محمّدبن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوّم، ۱۴۰۰ هـ.ق.
» طبرسی، فضل‌بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اوّل، ۱۳۶۰هـ.ش.
» ـــــــــــــــ ترجمه تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: با مقدّمه آیت‌الله واعظزاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوّم، ۱۳۷۷هـ.ش.
» مطهرّی مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
» جعفریان، رسول، آشنایی با آثار اسلامی مکّه و مدینه، نشر مشعر.

» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسّسه آل‌البیت علیهم‌السلام، بیروت، چاپ اوّل، ۱۴۰۸ هـ.ق.
» شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰هـ.ش.
» ثقفی تهرانی، محمّد، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوّم، ۱۳۹۸هـ.ق.
» عبدالسّتار عثمان، محمّد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶هـ.ش.
» ابن‌سعد، محمّد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۹۸۵م.
» واقدی، محمّدبن‌عمر، المغازی، بیروت، مؤسّسه الاعلمی، ۱۹۸۹م.
» موسوی الخمینی، سیّد روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسّسه دار العلم، چاپ اوّل.
» ـــــــــــــــــ صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰هـ.ش.
» فیضی تبریزی، کریم، پروفسور مولانا طنین تعهّد، نشر شکوفه یاس، چاپ اوّل، پائیز ۱۳۸۰.
» بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳هـ.ش.
» کنت ول اسمیت، ویلفرد، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسن‌علی مهروی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶هـ.ش.
» روحانی، سیّدحمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی قدس‌سره، انتشارات راه امام، چاپ یازدهم، ۱۳۶۰هـ.ش.
» طباطبایی، سیّد محمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سیّد محمّدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴هـ.ش.
» قمّی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سیّدطیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷هـ.ش.
» السیّدالرضی، یادنامه علّامه شریف رضی (مقالات کنگره ششم)، منشورات روشنگر، چاپ اوّل، ۱۴۰۸هـ.ق.
» ناظم‌زاده قمی، سیّداصغر، جلوه‌های حکمت، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ دوّم، ۱۴۱۷هـ.ق.
» احمد المدرّس الوحید، شرح نهج‌البلاغه (مدرّس وحید)، ۱۴۰۱هـ.ق.
» ابن ابی‌الحدید، عزّالدین‌بن هبه‌الله‌بن محمّدبن‌محمّد، شرح نهج‌البلاغه، مصحح: محمّد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی العامه، ۱۳۷۸هـ.ش.
» الخوانساری، جمال‌الدّین محمّد، شرح غررالحکم و دررالکلم (خوانساری)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوّم، ۱۴۰۸هـ.ق.
» فاضل، جواد، سخنان علی علیه‌السلام از نهج‌البلاغه، تهران، مؤسّسه‌الإعلام‌الإسلامی، چاپ یازدهم، ۱۴۱۷هـ.ق.
» یادنامه دوّمین کنگره نهج‌البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسّسه نهج‌البلاغه، چاپ اوّل، ۱۴۰۵هـ.ق.
» قرشی بنابی، سیّد علی‌اکبر، مفردات نهج‌البلاغه، مصحح: محمّدحسن بکائی، تهران، مؤسّسه قبله الثقافیه للطباعه و النشر، چاپ اوّل، ۱۴۱۹هـ.ق.
» صبحی صالح، فرهنگ نهج‌البلاغه، مترجم: مصطفی رحیمی‌نیا، تهران، منشورات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۴۱۲هـ.ق.
» دشتی، محمّد، فرهنگ موضوعات کلّی نهج‌البلاغه، قم، مؤسّسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام چاپ اوّل.
» جمعی از نویسندگان دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسّسه فرهنگی ثقلین، چاپ اوّل، ۱۳۸۵هـ.ش.

» ابـن ابی‌جمهـور، محمّدبـن زین‌الدّیـن (۹۰۱ق)، عوالـی اللئالـی الغریزیـه فـی الاحادیـث الدینیـه، محقّقیـن: مرعشـی، شـهاب‌الدّین، عراقـی، مجتبـی، الطبعـه الاولـی، مطبعـه سیّدالشّـهداء، قـم، ۱۴۰۳ ه‍/۱۹۸۳ م.
» عبدالرّحمن، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، چاپ قاهره، ۱۹۹۹م.
» مشکینی اردبیلی، میرزاعلی، مصطلحات الفقه، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ دوّم، ۱۳۷۷هـ‌ش.
» محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳هـ‌ش.
» آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، طوس، ۱۳۶۵هـ‌ش.
» ارفـع، سیّدکاظم، ترجمـه قـرآن، تهـران، مؤسّسـه تحقیقاتـی و انتشـاراتی فیـض کاشـانی، چـاپ اوّل، ۱۳۸۱هـ‌ش.
» محمـودی، محمّدباقـر، نهـج السـعاده فـی مسـتدرک نهج‌البلاغـه، بیـروت، مؤسسـه الاعلمـی للمطبوعـات، مؤسّسـه التضامـن الفکـری، الطبعـه الاولـی، ۱۳۹۷هـ‌ق/۱۳۸۵هـ‌ش.
» امیـن، نصرت‌بیگـم، تفسـیر مخـزن العرفـان در تفسـیر قـرآن، تهـران، انتشـارات نهضـت زنان مسـلمان، ۱۳۶۱هـ‌ش.
» ابـن ابی‌الحدیـد معتزلـی، عبدالحمیدبـن هبـه‌الله، جلـوه تاریـخ در شـرح نهج‌البلاغـه ابـن ابی‌الحدیـد، مترجـم: مهـدوی دامغانـی، محمـود، تهران، نشـر نـی، ۱۳۷۵هـ‌ش.
» الملکـی، ابوطالـب محمّدبـن علـی بـه عطیّـه الحارثـی الملکـی، قـوت القلـوب فـی معاملـه المحجـوب، چـاپ مصـر.
» ابـن جببر(سـیّاح قـرن ششـم)، محمّدبن‌احمـد، رحلـه ابـن جبیـر، مصـر، قاهـره، چـاپ حسـین نصّـار، ۱۹۹۲هـ‌ق.
» کتانـی، عبدالحـی، نظـام الحکومـه النبویـه (الترتیـب الاداریـه)، مترجـم: علیرضـا ذکاوتـی قراگزلـو، تهـران ـ قـم، پژوهشـگاه حـوزه و دانشـگاه بـا همـکاری سـمت، ۱۳۸۴هـ‌ش.
» عروسـی حویـزی، شـیخ عبدالعلی‌بن‌جمعـه، تفسـیر نورالثقلیـن، تحقیـق: سیّدهاشـم رسـولی محلّاتـی، قـم، مؤسّسـه مطبوعاتی اسـماعیلیان.
» لویس معلوف، المنجد فی اللغه، قم، انتشارات اسماعیلیان.
» دائره المعارف بریتانیکا: http://www.britannica.com
» حسـینی شـاه‌عبدالعظیمی، حسـین‌بن احمـد، تفسـیر اثناعشـری، تهـران، انتشـارات میقـات، چـاپ اوّل، ۱۳۶۴هـ‌ش.
» جعفری مراغی (جعفری‌نیا)، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، نشر هجرت، ۱۳۷۶هـ‌ش.
» قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳هـ‌ش.
» فصلنامه معرفت، س۹، ش۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ هـ‌ش.
» فرهنگ اصفهان، ش ۱۲، پاییز ۱۳۷۸.
» دوماهنامه مسجد، ش۳، ش۶، ش۱۵، ش۴۳، ش۴۵، ش۴۶.
» کیهان، مسجد و مطبوعات، ۷/۴/۱۳۸۰.
» فصلنامه معرفت، س۹، ش۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹هـ‌ش.
» روزنامه ابرار، ۷/۱۲/۱۳۷۹.
» روزنامه خرداد، ۲۶/۵/۱۳۷۸.

## منابع لاتین

» Encyclopedia, Britanica, 1976.

## سایت‌ها


۱. پایگاه پژوهشی مسجد: www.Pajouheshi.org
۲. خبرگزاری شبستان:www.shabestan.ir
۳. خبرگزاری مهر: www.mehrnews.ir
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی مساجد ایران: ww.masajed.info
۵. پایگاه سازمان عمران مساجد: www.omranemasajed.com
۶. مرکز رسیدگی به امور مساجد: www.masjed.ir

# مسجد، رسانه بدون مرز

موسی کاظم‌زاده، رقیه کاظم‌زاده و اکبر کاظم‌زاده

## » چکیده

مساجد، تنها محلّ عبادت نیستند، بلکه از صدر اسلام مهم‌ترین مرکز برای رشد و تعالی فرهنگ اسلامی، سازمان‌دهی جهان اسلام و مهم‌ترین پایگاه عقیدتی، فکری و معنوی اسلام و کانون هدایت و مبارزه علیه کفر و نفاق و مأمن دلباختگان حقّ و فضیلت بوده است. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مساجد، مهم‌ترین ارکان و بارزترین عامل شکل‌گیری حیات جنبش اسلامی مردم ایران بود. به طوری که امروز، نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از ممالک اسلامی، می‌توان نقش‌آفرینی مساجد را در سونامی بیداری اسلامی انقلاب‌های اخیر در منطقه، به روشنی مشاهده نمود. بسیاری از کارشناسان معتقدند که با توجّه به گستردگی عصر ارتباطات، دنیای امروز، عرصه جنگ بین رسانه‌هاست، از این‌رو، از عصر کنونی، به عنوان عصر ارتباطات و عصری است که از آن به «دهکده جهانی» یاد می‌شود؛ در چنین عصری که روزنامه‌ها، مجلّات، رادیو و تلویزیون، اینترنت، ماهواره و...، در صدد ایجاد، خلاقیّت و آفرینش الگوهای نوینی در زندگی بشر هستند، نباید از آثار سوء رسانه‌های گروهی بر زندگی افراد غافل شویم. متأسّفانه امروز، بیشتر رسانه‌های مطرح و قدرتمند دنیا در اختیار نظام

سلطه و در راستای اهداف غیرانسانی آنان قرار دارند؛ در این راستا، مسجد، به عنوان پایگاه ارتباطی مهم در آیین اسلام، این قابلیّت را دارد که در هر زمان به دلیل تنوّع فعّالیّت‌ها در زمینه‌های مختلف، به منظور تکامل و تعالی انسان‌ها و ارتباط مستقیم با مخاطبان، به روز باشد و پاسخ‌گوی نیازهای جدید مخاطبان باشند. بنابراین، نباید از نقش رسانه‌ای مسجد و ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن برای تقویّت زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی و مقابله با جنگ رسانه‌ای دنیای غرب غفلت ورزید؛ چرا که در صورت تجهیز مساجد به تمام امکانات مادّی و معنوی و با به‌کارگیری تمامی امکانات فنّاوری روز دنیا، می‌توان به راحتی در مقابل تهدیدات دشمن ایستادگی کرد. اکنون نیز وجود و رونق مساجد از ضروریات بقای جهان اسلام به شمار می‌رود. در این نوشتار، تلاش شده است تا پس از تبیین نقش مسجد به عنوان رسانه‌ای بدون مرز در رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و بررسی منبر به عنوان اوّلین رسانه تاریخ اسلام، کارکردهای مسجد و نقش مسجد در افزایش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی گردد و در پایان تحقیق، ضمن ارائه راهکارهایی برای فعّال‌سازی مساجد به عنوان رسانه بدون مرز، روشی منسجم را برای رسیدن به تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد معرّفی نماید.

» **واژگان کلیدی:**
مسجد، رسانه، اسلام، خطابه، مسجدْ رسانه‌ای دینی.

## » مقدّمه

مسجد، واژه «مَسجد» اسم مکان است که از «سَجَدَ» مشتق شده و به معنای سجده‌گاه و محلّ عبادت است و با کلماتی، مانند «سَجده» و «سُجود» هم‌خانواده است. لغت‌دانان بزرگی، مانند «فراء» بر این عقیده‌اند که مسجد به فتح عین‌الفعل نیز جایز است؛ اگرچه با این تلفّظ تاکنون استعمال نشده است؛[1] به گفته سیبویه هرگاه فعل و عمل در این واژه مورد نظر نباشد، طبق قیاس، مفتوح خوانده می‌شود.[2]

در تعریف لغوی مسجد، در معاجم و فرهنگ‌های لغت، تعابیر گوناگون وجود دارد که در واقع، تمامی آنها به یک معنا بازگشت می‌کند. زجاج، در تعریف مسجد می‌گوید:

«المَسجَد و المَسجِد، الذی یُسجَد فیه وَ کلُّ مَوضعٍ یُتَعَبَّد فیه فَهُو مَسجِد؛ مسجَد یا مسجِد، جایی است که در آن سجده می‌شود و هر جایگاهی که در آن عبادت شود، آنجا مسجد است».[3] ابن‌اعرابی گفته است: «المسجَدُ یفتح الجیم، محرابُ البیوت و مصلّی الجماعات».[4] همچنین، در مفردات راغب اصفهانی آمده است: «المسجدُ موضعِ الصّلاه اعتباراً بالسّجود».[5]

در دایره المعارف انگلیسی بریتانیکا، ذیل واژه (Mosque) آمده است: مسجد، واژه‌ای عربی است. در اسلام، محلّ نماز و دعا و محلّ عبادت است؛ آن‌هم به منزله مرکز عبادت دسته‌جمعی که در آن همه به طور یکسان در برابر خداوند قرار می‌گیرند.

به این ترتیب، مسجد که در زبان عربی اسم مکان مشتق شده از ریشه ثلاثی مجّرد «سجد» است، در زبان فارسی به معنای جایگاه نماز و محلّ عبادت به کار رفته است. در اینکه چرا کلمه مسجد برای مکان عبادت و محلّ نماز استعمال شده است، گفته‌اند: از آنجا که سجود، شریف‌ترین و مهم‌ترین ارکان نماز است،

---

[1]. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع‌البحرین، ج۳، ص۶۵.
[2]. اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشواره، ص۴۹۵.
[3]. تاج العروس، ج۲، ص۳۷۱.
[4]. همان.
[5]. مفردات الفاظ القرآن، ص۲۷۱.

در آن بیش از دیگر افعال نماز، انسان به خداوند نزدیک می‌شود؛ بنابراین، اسم این مکان را از این فعل اتّخاذ و بر محلّ عبادت و نماز اطلاق کرده‌اند.[1]

اصطلاح شرعی، مسجد، به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق شده و در متون فقهی در این باب چنین آمده است: «المراد بالمسجد، المکانُ الموقوف علی کافّه المسلمین للصّلاه».[2]

مسجد، نیایشگاه و محلّ گردهمایی مسلمانان است. مسجد، قدمتی به اندازه خود اسلام دارد و اوّلین مسجد با ورود پیامبر اسلام ﷺ به مدینه تأسیس شد. مسجد رسول خدا ﷺ (مسجد نبوی یا مسجدالنّبی)، مسجدی در وسط مدینه است که پیامبر اسلام ﷺ، پس از هجرت به این شهر، آن را بنا فرمود. سپس، در طول تاریخ بارها تجدید بنا شد و توسعه یافت. مرقد مطهّر پیامبر در آنجا قرار دارد و نیز منبر و محراب و روضه شریف که در آنجا نماز می‌گزارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمود: «ما بَینَ بیتی وَ مِنْبَری روضهٌ مِنْ ریاضِ الجنّه وَ مِنْبَری عَلی حَوْضی؛ فاصله بیت و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من در بالای حوض من قرار گرفته است».[3]

پیامبراکرم ﷺ برای دعوت مردم به اسلام، در اوّلین فرصتی که به دست آورد، به بنای مسجد قبا (مسجد تقوا) اقدام کرد. بعد از آن، هر جا اسلام قدم نهاد، به دنبال آن، یک مسجد، به عنوان پایگاه رسمی اسلام ساخته شد. در قرون نخستین، هر شهر فقط یک مسجد جامع داشت؛ امّا به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ، دارای چند مسجد جامع شدند که به طور معمول، در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند طرف آن، بازار امتداد می‌یافت. در پیرامون مسجد نیز مؤسّسات اجتماعی، مانند دارالحکومه، کاروان‌سرا، مهمان‌خانه‌ها برای مسافران، مکان‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشّفا، خانقاه، آب‌انبار، حمّام و مدارس قرار داشت.[4]

---

[1]. اعلام المساجد باحکام المساجد، ص۲۸.
[2]. جواهرالکلام، ج۱۴، ص۶۱.
[3]. فروع کافی، ج۴، ص۵۵۶؛ صحیح بخاری، ابواب فضائل المدینه، ح۱۷۸۹ و ابواب التطوّع، ح۱۱۳۷؛ صحیح مسلم، ح۱۳۹۰ و ۱۳۹۱؛ مسند احمد، ج۲، ص۲۳۶، ۲۹۷، ۴۳۸ و ۴۶۶.
[4]. عبّاسی حسینی، ابراهیم، مروری بر جامعه‌شناسی مسجد، فصلنامه مشکوه، ص۹۵.

واژه «مسجد»، در مجموع ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد[۱] و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع[۲] آمده است. در این آیات، به اهمّیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجدالحرام و احکام خاصّ آن، مسجدالاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است.

در قرآن، مسجد، به معنای اعمّ نیایشگاه خداوند به کار رفته. مسجدالاقصی، که معبد یهودیان یا کنیسه بوده است در زمان نزول قرآن کاربردی غیر از آن نداشته است. «قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَ أَقِیمُواْ وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ؛ بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [این که] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان‌گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید».[۳]

پیامبر گرامی اسلام ﷺ پایه‌گذار اوّلین مسجد است. او مکانی را پایه‌گذاری کرد که علاوه بر عهده‌دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعّالیّت‌های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار می‌رفت.

به همین دلیل، مسجد، در طول تاریخ اسلام از ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. در گذشته همه امور مسلمانان در ابعاد مختلف، از جمله عقاید و فعّالیّت‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی و اقتصادی در مساجد انجام می‌شد.

در این راستا، آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که امروز، مساجد، به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با تهاجم فرهنگی وظیفه سنگینی بر عهده دارند. مسجد و محراب، در آموزه‌های دینی دارای جایگاهی فقط معنوی نیست و بیشتر به عنوان پایگاهی برای پاسخگویی به غالب نیازهای مسلمانان به وجود آمد و در اندک زمانی با روحی که از لطافت ایمان و جذبه حضور درآمیخته بود، به زیباترین بنای اسلامی بدل شد. به‌گونه‌ای که شکل و

---

[۱] . ر. ک به: بقره، آیات۱۴۵، ۱۹۱،۱۵۱،۱۵۰، ۱۹۶، ۲۱۷؛ مائده، آیه۲؛ اعراف، آیات۲۹ و ۳۱؛ انفال، آیه۳۴؛ توبه، آیه۷؛ اسراء،آیه۱؛ کهف، آیه۲۱؛ عنکبوت، آیه۷؛ فتح، آیات۲۵ و ۲۷؛ حجّ، آیه۲۵.

[۲] . بقره، آیات۱۴و ۱۸۷؛ توبه، آیات۱۷ و ۱۸؛ حجّ، آیه۴۰؛ جنّ، آیه۱۸.

[۳] . أعراف، آیه ۲۹.

ساخت مساجد در کشورهای اسلامی، زیربنای هنر و معماری اسلامی را تشکیل داد. معماری زیبا، با کاشی‌کاری‌های منحصربه‌فرد، کتیبه‌ها، گچ‌بری‌ها، معرّق‌ها و دیگر عناصر معماری درهم‌آمیخت و معماری اسلامی را پدیدآورد که هم‌اکنون مایه فخر و مباهات ملل اسلامی و یکی از جاذبه‌های گردشگری این کشورهاست. ۲۱ آگوست، برابر با ۳۰ مرداد، بنا به در خواست جمهوری اسلامی ایران، از سوی سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان روز جهانی مسجد نام‌گذاری شده است.[۱]

از این‌رو، ضرورت دارد، در دنیای پیچیده امروزی، بیش از گذشته به نقش‌آفرینی مساجد در تمامی عرصه‌ها و شئون جامعه اسلامی، در جهت توسعه و گسترش فرهنگ و تمدّن اسلامی توجّه ویژه‌ای داشته باشیم؛ چرا که مساجد، در عصر نبوّت پیامبر عظیم‌الشّأن اسلام ﷺ و ائمّه معصوم علیهم‌السلام کارکردی فراتر از برگزاری مراسم عبادی داشته و در اعصار بعد نیز کم و بیش این رسالت را به دوش کشیده و کارکردهای ویژه‌ای پیدا کرده است.

در این راستا، آنچه مهم به نظر می‌رسد این که مسجد، نامی آشنا برای همه مسلمانان جهان است. با این بیان، می‌توان برای مثال به برخی از مهم‌ترین، زیباترین و تأثیرگذارترین مساجد جهان اشاره نمود: مسجدالحرام در مکّه مکرّمه- حجاز، مسجدالاقصی (قبله اوّل مسلمانان) در بیت‌المقدّس- فلسطین، مسجدالحمراء در گرانادا (غرناطه)- اسپانیا، مسجد امام خمینی در اصفهان- ایران، مسجد کبود در استانبول- ترکیه، مسجد جامع (بزرگ‌ترین مسجد خشتی جهان) در دجینه- مالی، مسجد پادشاهی (با آجرهای سرخرنگ) در لاهور- پاکستان، مسجدالنّبوی در مدینه- عربستان، مسجد ظهیرکداه در مالزی، مسجد سلطان عمر علی سیف‌الدّین بندر سری بگاوان در برونئی، مسجد تاجول شهر بوپال در هند، مسجد بیت‌الرّحمان باندا آچه در اندونزی، مسجد سلطان در سنگاپور، مسجد فیصل اسلام‌آباد در پاکستان، مسجد بایتول مکرّم داکا در بنگلادش، مسجد ۱۰۰ گنبدی شاه جهان در پاکستان، مسجد جامع قیروان مغرب در مراکش، مسجد چنجیاو در چین، مسجدهای امیر چخماق، جامع اردکان، حظیره

[۱]. ملّاحسینی، محمّد، روزنامه همشهری، ۱۶خرداد ۱۳۸۸، آشنایی با مسجد.

و مسـجد فهرج در اسـتان یزد، مسـجد سـرخ و مسجد جامع سـاوه در استان مرکزی، مسـجد حسـینیّه اعظم در زنجان، مسـجد سـنگی ترک در آذربایجان‌شـرقی، مسـجد سـنگی داراب، مسـجد وکیل و مسـجد نصیرالملک در اسـتان فارس، مسـجد دو مناره و مسـجد جامع سـنندج در کردسـتان، مسـجد جامع تاتارسـتان در روسـیه، مسـجد مقدّس جمکران در قم، مسـجد بالاسـر و مسجد گوهرشـاد در خراسان رضوی، مسجد مقـدّس محدّثیـن در بابل- مازندران، مسـجد ذوالفقار، مسـجد جامع و مسـجد شـیخ لطـف‌الله در اصفهـان، مسـجد و مدرسـه سپهسـالار (شـهید مطهّری) و مسـجد جامع ورامیـن در تهـران، مسـجدالنّبی در قزوین، مسـجد اتابـکان در چهارمحال‌وبختیاری، مسـجد متحرّک در آلمـان و... .

بـا توجّـه بـه مطالـب گفتـه شـده، ایـن پرسـش مطـرح اسـت کـه مسـجد، چگونـه جایگاهـی اسـت کـه تا ایـن حدّ، شـارع مقدّس بـه آن توجّـه دارد. پیامبـر ﷺ درباره آن فرمودنـد: سیاسـت امّـت مـن در مسـاجد اسـت.[1]

در پاسـخ بـه ایـن پرسـش می‌توان گفـت، فعّالیّت‌هـای مختلفـی که از همـان ابتدای بنای مسـجد در اسـلام مشـاهده شـد، اهمّیت این مکان مقدّس را آشـکار می‌سـازد.[2] در ایـن مقالـه، ضمن بررسـی جایـگاه واقعی مسـجد در دنیای جهان اسـلام، به نقش مسـجد بـه عنـوان رسـانه بـدون مـرز در افزایـش آگاهی‌هـای سیاسـی، اجتماعـی و فرهنگـی کشـورها، نقـش مسـجد در تکوین و رشـد فرهنـگ و تمدّن اسـلامی، تحوّل ارتباطـات و نقـش رسـانه‌ای مسـجد، راهبردها و روش‌های دسـت‌یابی به مسـجد تراز اسـلامی، با بررسـی فرصت‌ها و تهدیدها ، با اسـتفاده از روش اسـنادی و کتابخانه‌ای، بـه بررسـی نظـرات محقّقـان و صاحب‌نظـران ایـن عرصـه از جملـه تاریـخ، فرهنـگ، دین و رسـانه پرداخته شـده اسـت.

[1] . تفسیر نمونه، ج۸، ص۱۵۱.
[2] . ملکی احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، ص۳۹۷.

## » مسجد در آینه روایات

مسجد، تنها یک مکان نیست، بلکه سازمانی بسیار مهم برای اجتماع مسلمانان و اتّحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این‌رو، هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان ساخته شد، خداوند، به رسولش فرمود که آن را ویران کند.[1]

مسجد، میدان بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان، در هر شهری که از سوی سپاهیان اسلام فتح می‌شد، مسجدی می‌ساختند. هدف این نبود که مساجد فقط مکان عبادت باشد، بلکه منظور این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدّن و تکوین افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکان جدیدی کوچ می‌کردند، مسجدی می‌ساختند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد.[2]

مسجد، از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای داشته و زیربنای شکل‌گیری تمدّن اسلامی محسوب می‌شود. در قرآن کریم در این ارتباط چنین تأکید شده است: «وَ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ اللهِ إِنَّ اللهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و مشرق و مغرب از آن خداست. پس، به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست؛ آری! خدا گشایش‌گر داناست».[3] تمامی جهان محضر خدا و جایگاه عبادت است؛ امّا مسجد، قداست و ویژگی و آداب مخصوص به خود را دارد. مسجد، مهمان‌سرای خداست. آرامش، گم شده عصر فنّاوری و ارتباطات، در فضای قدسی مسجد قابل‌بازیابی است.

مسجد، غیر از اینکه محلّ عبادت و تهذیب است، دانشگاه علم و تربیت، مرکز تشکیلات سیاسی، محلّ قضاوت و اجرای عدالت، پایگاه تمدّن و فرهنگ اسلامی و جایی برای بهبود ارتباطات اجتماعی است که در احادیث مختلف به عظمت و فضای قدسی آن تأکید شده است.

با تأمّلی در روایات، به اهمّیت بنای مسجد از نظر شارع مقدّس پی می‌بریم.

---

[1]. صحیح بخاری، ج۱، ص۱۶۲.
[2]. صحیفه نور، ص۲۷.
[3]. بقره، آیه۱۱۵.

احادیث فروانی از طریق اهل بیت علیهم‌السلام و اهل سنّت و سیره موجود است که اهمّیت زیاد این امر را می‌نمایاند.

در این راستا، به برخی از روایات در مورد مسجد پرداخته می‌شود. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «اَلمَساجِدُ سُوقٌ مِنْ اَسْواقِ الآخِرَهِ، قِراها اَلْمَغْفِرَهُ وَ تُحْفَتُها الْجَنَّهُ؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است که [مردم] در آن بر سفره آمرزش می‌نشینند و با هدیه بهشتی بدرقه می‌شوند».[1]

قال الحسن علیه‌السلام: «اَهْلُ الْمَسْجِدِ زُوّارُ اللهِ وَ حقٌّ عَلَی الْمَزُورِ اَلتُّحفَهُ لِزائِرِهِ؛ اهل مسجد زائر خدا هستند و بر صاحب‌خانه است که به زائرانش هدیه‌ای بدهد».[2]

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «مَنْ کانَ الْقُرآنُ حَدیثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَیْتَهُ بَنَی اللهُ لَهُ بَیتاً فی الْجَنَّهِ؛ هر کس که کلامش قرآن و خانه‌اش مسجد باشد، خداوند، منزلی در بهشت برای او بنا می‌کند».[3]

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «اِنَّ الْمَساجِدَ بُیُوتُ الْمُتَّقینَ وَ مَنْ کانَتِ الْمَساجِدُ بُیُوتَهُ فَقَدْ خَتَمَ اللهُ لَهُ بِالرَّوحِ وَ الرَّحْمَهِ وَ الْجَوازِ عَلَی الصّراطِ اِلَی الْجَنَّهِ؛ مساجد، خانه پارسایان است و هر کس خانه‌اش مسجد باشد، خداوند کار او را بر رحمت و شادی قرار می‌دهد و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد».[4]

قال الصّادِقُ علیه‌السلام: «مَنْ بَنی مَسْجِداً، بَنَی اللهُ لَهُ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ؛ هر کس مسجدی بسازد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد».[5]

قال علیّ علیه‌السلام: «مَنْ اَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْیَدْخُلْ عَلی سُکُونٍ وَ وَقارٍ فَاِنَّ الْمَساجِدَ بُیُوتُ اللهِ وَ اَحَبُّ الْبِقاعِ اِلَیْهِ؛ هر کس می‌خواهد به مسجد داخل گردد، با آرامش و با طمأنینه وارد شود؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا و محبوب‌ترین محل‌ها در نظر اوست».[6]

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «شَرُّ بِقاعِ الْاَرضِ اَلْاَسْواقُ وَ خَیْرُ الْبِقاعِ اَلْمَساجِدُ وَ اَحْبَّهُمْ اِلَی

---

[1]. بحارالانوار، ج۸۴، ص۴.
[2]. کلمه الامام الحسن، ص۴۱؛ الحکم الزاهره، ص۱۵۰.
[3]. وسائل‌الشّیعه، ج۳، ص۴۸۱.
[4]. مستدرک‌الوسائل، ج۷، ص۶۵۹.
[5]. وسائل‌الشیعه، ج۳، ص۴۸۵؛ کنزالعمال، ج۷، ص۶۴۹.
[6]. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۷۰.

اللهِ اَوَّلُهُـمْ دُخُـولاً و آخِرُهُـمْ خُروجـاً مِنْهـا؛ بدتریـن جاهـای زمیـن، بـازار و بهتریـن مکان‌هـای آن، مسـاجد اسـت و محبوب‌تریـن افـراد نـزد خداونـد کسـی اسـت کـه پیش‌تـر از همـه بـه مسـجد وارد شـود و دیرتـر از همـه از مسـجد خـارج شـود».[1]

قـال رسـول الله ﷺ: «مَـنْ سَـمِعَ النِّداءَ فِی الْمَسْـجِدِ فَخَـرَجَ مِنْ غَیْـرِ عِلَّهٍ فَهُـوَ مَنافِقٌ اِلّا اَنْ یُریـدَ الرُّجُـوعَ إلَیْـهِ؛ هر کس در مسـجد ندای نماز را بشـنود و بـدون علّت خارج شـود، منافق اسـت؛ مگر این که قصد برگشـت (و خواندن نماز را) داشـته باشـد».[2]

قـال الرِّضـا علیه‌السلام: «اِنَّ الجنَّـه وَ الْحُـورَ لَتَشْـتاقُ اِلـی مَنْ یکْسِـحُ الْمَسْـجِدَ أو یَأخُـذُ مِنْهُ الْقَذی؛ بهشـت و حوریان بهشـتی، مشـتاق کسـی هسـتند که مسـجد را تمیز کند یا آلودگی‌هـای آن را بگیـرد».[3]

قـال الصـادق علیه‌السلام: «ثَلاثَـهٌ یَشْـکُونَ اِلَی الله عزَّ و جَلَّ: مَسْـجِدُ خَرابٍ لا یُصلّـی فیهِ اَهْلُهُ وَ عالِـمٌ بَیْـنَ جُهّـالٍ وَ مُصْحَـفٌ مُعَلَّقٍ قَـدْ وَقَعَ عَلَیْـهِ الْغُبارُ لا یُقْرَأُ فیه؛ سـه چیز به خدا شـکایت می‌کننـد: مسـجد خرابـی کـه اهلـش در آن نمـاز نخواننـد؛ دانشـمندی که بیـن نادانـان اسـت؛ قـرآن رها شـده‌ای که غبـار بر آن نشسـته و خوانده نمی‌شـود».[4]

قـال عَلـیٌّ علیه‌السلام: «مَـنْ وَقَّـرَ مَسْـجِداً لَقَـی اللهُ یَـوْمَ یَلْقاهُ ضاحِـکاً مُسْتَبْشِـراً وَ اَعْطـاهُ اللهُ کِتابَـهُ بِیَمینِـهِ؛ هـر کـس حرمـت مسـجد را حفـظ کنـد، خـدا را در روز قیامـت بـا چهـره‌ای خنـدان و شـادمان ملاقـات می‌کند و خداوند، نامه‌اش را به دسـت راسـتش می‌دهـد».[5]

قال رسـول الله ﷺ: «مَنْ اَسْـرَجَ فی مَسْـجِدٍ مِنْ مَسـاجِدِ اللهِ سِـراجاً، لَمْ تَزَلِ الْمَلائِکَهُ وَ حَمَلَـهُ الْعَـرْشِ یَسْـتَغْفِرونَ لَـهُ مـادامَ فی ذالِکَ الْمَسْـجِدِ ضـوْءٌ مِنَ السِّـراجِ؛ هر کس در مسـجدی از مسـاجد خـدا، چراغـی روشـن بیفـروزد، تـا زمانـی کـه آن چـراغ در مسـجد روشـنایی می‌دهـد، فرشـتگان و حامـلان عرش بـرای او اسـتغفار می‌کنند».[6]

قـال رسـول الله ﷺ: «لَحَدیـثُ الْبَغْـیِ فِـی الْمَسْـجِدِ، یَـأکُلُ الْحَسَـناتِ کَمـا تَـأکُلُ

---

[1]. وسائل الشیعه، ج۳، ص۵۵۳.
[2]. همان، ص۵۱۳.
[3]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۸۵.
[4]. وسائل‌الشیعه، ج۳، ص۴۸۴.
[5]. بحارالانوار، ج۸۴، ص۱۶.
[6]. من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۶۹.

الْبَهیمَهُ الْحَشیشَ؛ سخن ناروا در مسجد، حسنات و خوبی‌های انسان را می‌خورد؛ همان‌گونه که چارپایان، علف‌ها را می‌خورند».[1]

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اِذا نَزَلَتِ الْعاهاتُ وَ الْافاتُ، عُوفی اَهْلُ الْمَساجِدِ؛ وقتی مشکلات و بلاها نازل می‌شود، اهل مسجد نجات می‌یابند».[2]

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا اَباذَرٍّ کُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لغوٌ اِلّا ثلاثهٌ: قَرائهٌ مُصلٍ أوْ ذاکِرُ الله تَعالی اَوْ سائلٌ عنْ عِلْمٍ؛ ای ابوذر! در مسجد هر نشستنی، به‌جز برای سه چیز، بیهوده است: نماز خواندن، ذکر خدا گفتن، بحث علمی کردن».[3]

بر این اساس، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره نیز می‌فرمایند: «اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟»[4] همچنین، در جایی دیگر می‌فرمایند: «مساجد و محافل دینیّه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهّز نگه دارید».[5]

«مسجد، محلّی است که از آن [جا] باید امور اداره بشود؛ این مساجد بود که این پیروزی را برای ملّت ما درست کرد؛ این مراکز حسّاسی است که ملّت باید به آن توجّه داشته باشند؛ این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است».[6]

«مسجد، در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده... از مسجد، تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفّار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و اصحاب آن سرور پیروی کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیّت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبرین قرار دهید».[7]

---

[1]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۷۱.
[2]. همان، ج۳، ص۳۵۶.
[3]. بحارالانوار، ج۸۳، ص۳۷۰.
[4]. صحیفه نور، ج۲۰، ص۳۱۶.
[5]. همان، ج۲، ص۴۵۱.
[6]. همان، ج۱۳، ص۱۵.
[7]. همان، ج۷، ص۶۵.

مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حلّ می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حلّ می‌کند، این طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیرمرد».[1] در جایی دیگر فرمودند: «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. اجتماعاتتان را حفظ کنید. مساجدتان را محکم نگه دارید».[2]

بنابراین، تردیدی نیست که تأکیدهای پیشوایان دین در مورد مسجد، این است که این مکان مقدّس، قلب جامعه اسلامی است. در این راستا، آنچه ضرورت دارد این است که در دنیای امروز باید به این پایگاه ارتباطی مهم بیش از گذشته بها داده شود؛ چرا که ماندگاری و تحرّک ما در حال و آینده به برکت وجود همین مساجد بوده و خواهد بود.

[1]. صحیفه نور، ج۱۳، ص۳۲۵.
[2]. همان، ج۱۲، صص۳۹۳ و ۳۹۴.

## » مسجد و نیازهای جوامع بشری

تاریخ درخشان اسلام گواه است که مساجد، به عنوان یک نهاد مدنی، بهترین پایگاه برای اجتماع مسلمانان و ایجاد وحدت و همدلی و نیز تبیین معارف و احکام دینی و رفع و دفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بررسی مسائل علمی، سیاسی و دینی بوده است. مساجد، همواره نقطه آغاز هرگونه حرکت و اصلاحی بوده‌اند؛ چنان‌که یکی از مراکز و اماکنی که در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی، بیشترین نقش‌ها را ایفا کرد، همین مساجد بودند.

مسجد، نماد معنوی هر محلّه و منطقه و تجلّی‌گاه جامعیّت اسلام است و بسیاری از احکام فقهی ما مبتنی بر مؤلّفه‌هایی، مانند مسجد، محراب و اذان است.

مقام معظّم رهبری در مورد وظیفه معنوی مساجد می‌فرماید: «هر چه بتوانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است. مسجد، کانون دین است. الآن هم همین است. هیچ چیز جای مسجد را پر نمی‌کند... مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و با دین آشنا می‌کند».[1]

براساس آیات قرآن کریم، مسجدها به خداوند متعال اختصاص دارند و کسانی این مکان‌ها را آباد می‌کنند که به پروردگار جهانیان و روز قیامت، ایمان دارند؛ نماز را بر پای می‌دارند و زکات می‌پردازند و از کسی جز خدا نمی‌ترسند. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدًا؛ مساجد ویژه خداست. پس، هیچ کس را با خدا مخوانید».[2]

قرآن در این مورد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلاَةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللهَ، فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجدِ خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده باشند و جز از خدا نترسیده‌اند. پس، امید است که

[1]. باشگاه اندیشه، بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:http://bashgahandishe.com .
[2]. جن، آیه۱۸.

اینـان از هدایت‌یافتگان باشـند».[1]

بـر اسـاس حدیثـی قدسـی، انسـانی کـه بـا مسـجد ارتبـاط دارد، حق‌تعالـی را در خانـه او زیـارت می‌کنـد و بـا عبـادت خالصانـه و حضـوری راسـتین، در اوج تقـرّب به خداونـد متعـال قـرار می‌گیـرد و ایـن ویژگـی، بـه صـورت نوری بـرای وی در سـرای جاویـد، جلوه‌گـر می‌شـود.[2]

از ایـن‌رو، رسـول اکـرمﷺ فرمودنـد: «تـا زمانـی کـه در مسـجد نشسـته‌ای، حق‌تعالـی بـه تعـداد هر نفسـی که می‌کشـی، در بهشـت یـک درجه به تـو می‌دهد و فرشـتگان بر تـو درود می‌فرسـتند».[3]همچنین، آن حضرت تأکید فرمودند: «مسـاجد، انـوار الهی هسـتند».[4]

همچنیـن، فرمودنـد: «محبوب‌تریـن جـای شـهرها نـزد خداونـد، مسـاجد آن شهرهاسـت».[5]بنابراین، در قـرآن و حدیـث، اساسـی‌ترین مـکان، مسـجد اسـت.

بـر ایـن مبنـا، بـه طـور کلّی بایـد یادآور شـد کـه مسـاجد از گذشـته، کارکردهای گوناگونـی داشـته و اکنـون هـم ایـن نقش‌هـا را تـا حـدودی حفـظ کـرده اسـت. این نقش‌هـا عبارت‌انـد از:

- مرکز ارشاد و تبلیغ اسلامی و کانون رعایت قواعد و قوانین خاصّ.
- اعتقـاد بـه عبـادت، نمازگـزاران و نیایـش بـه خـدا، از عوامـل و انگیزه‌هـای بنیـاد مسجدهاسـت.
- مسـجد، تجّسـم خارجـی پیونـد دیـن و سیاسـت اسـت و بسـیاری از تصمیم‌گیری‌هـای حکومتـی، اجتماعـی، کشـوری و منطقـه‌ای، در ایـن مـکان صـورت می‌گرفتـه اسـت.
- در برخـی دوره‌هـای تاریخـی، در مسـجد، قاضـی شـهر، احـکام قضایی خود را در حضـور مـردم اعـلام می‌کرد.
- برنامه‌ریـزی دربـاره رسـیدگی بـه امـور بـازار، کـوی و بـرزن، تجـارت،

---

[1]. توبه، آیه۱۸.
[2]. وسائل‌الشیعه، ج۱، ص۲۶۸.
[3]. بحارالانوار، ج۷۶، ص۳۳۶.
[4]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۴۴۷.
[5]. نهج الفصاحه، حدیث۷۱.

جلوگیری از تقلّب در کار کسبه و اصناف، امر به معروف و نهی از منکر و سایر امور شهری، در مسجد انجام می‌پذیرفت.

- مسجد، مکان مهمّی برای ارتباط‌های اجتماعی به شمار می‌رفت و به عنوان کانون نشر اخبار، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد. این کارکرد، نه تنها در روزگاران گذشته که وسایل ارتباطات جمعی گسترده نبود، اهمّیت داشت، بلکه در زمان حاضر نیز که رسانه‌ها فراگیر و مجهّز به فنّاوری‌های جدید هستند، ارزش خود را از دست نداده است. در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس، مساجد از مهم‌ترین مراکز انتشار اخبار مربوط به روند این جنبش اسلامی و عملیات رزمندگان بودند و حتّی سازمان‌دهی نیروهای رزمی و مردمی و شکل‌گیری بسیج، در مسجد انجام می‌شد.
- بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، توسّط روحانی محلّ یا برخی نهادهای مربوط در مسجد حلّ می‌شد. برآوردن نیازهای افراد برای به دست آوردن کسب و کار، ساخت و خرید خانه، ازدواج و تشکیل خانواده و رفع اختلافات، در مسجد، امکان‌پذیر بود.
- مسجد که کانون بندگی خداست، همواره محلّ آموزش و تقویّت آگاهی‌های نمازگزاران بوده است و از آنجا که دانش‌اندوزی، فریضه‌ای همگانی به شمار می‌آید، مسجد، پایگاه مهم آموزش و سوادآموزی به شمار می‌رود و در پیوند آموزش با عبادت، مساجد بزرگ، از کتابخانه‌های عظیم و گرانبهایی برخوردار بوده‌اند.
- انسان مسلمان، همان‌گونه که می‌کوشد بنده خدا باشد و از شیطان درون و بیرون پرهیز کند، در برابر نابرابری‌های اجتماعی، ستم و زورگویی هم ساکت نمی‌ماند و در همان مکانی که عبادت می‌کند، با همکاری دیگر مؤمنان، می‌کوشد تا قیام و حرکتی اصلاحی را علیه حکّام جور و اهل بی‌داد و بی‌عدالتی ترتیب دهد و این کارکرد مسجد، در قیام سربداران، قیام مسجد گوهرشاد و قیام ۱۵ خرداد، آشکار بوده است.[۱]

[۱] . گلی زواره، غلامرضا، مسجد، قلب پرتپش شهر من، ماهنامه پرسمان، ش۵۹.

با این حال، مسجد در نزد مسلمانان، قداستی خاصّی دارد و از جانب شرع مقدّس اسلام، برای آن احکام ویژه‌ای صادر شده است؛ نجس کردن زمین، سقف، بام و اطراف داخل مسجد، حرام است. هر کس بفهمد که این موارد، نجس شده است، باید بدون درنگ، نجاست آن را بر طرف کند. تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ در آن مستحبّ است.

کسی که می‌خواهد به مسجد برود، مستحبّ است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد. همچنین، مستحبّ است پس از وارد شدن به مسجد، دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام بخواند. چنان‌که دیده می‌شود، مسجد، مکان مورد احترام مسلمانان است.

امروز، با وجود اینکه هر یک از نقش‌های مسجد، جایگاه خاصّی را در نظام حکومتی کشورهای اسلامی به خود اختصاص داده‌اند، امّا قدمتِ زمانی از ارزش این مکان مقدّس کم نکرده و همواره در طول تاریخ، زمینه‌ساز تحوّلات و دگرگونی‌های اساسی فکری و فرهنگی بوده است.[1]

[1]. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، تهران، صص۳۹۴،۳۹۳ و ۴۰۵.

## » مسجد و ارتباط

امـروز در عصـر تحوّل شـگرف ارتباطـات قرار گرفته‌ایم؛ عصری کـه از آن به دهکده جهانـی یـاد می‌شـود. نبایـد یکسـره مرعـوب ایـن تحـوّلات شـد و از کار فرهنگـی، تبلیغـی و ارتباطـیِ عظیمـی کـه در ایـن مقطـع حسّـاس تاریخـی بـر دوش مبلّغان، علمـا، خطبـا و عناصـر فرهنگـی نهـاده شـده اسـت، نبایـد غفلـت ورزیـد. مانـدگاری فرهنـگ اسـلامی، بـه حفـظ ایـن تـلاش و افزوده‌تر شـدن آن بسـتگی تامّ پیـدا کرده است.[1]

مسـجد، قلـب جامعـه اسـلامی اسـت و اهمّیـت آن بـا تأکیـد آیـات وحـی، کلام گهربـار ائمّـه معصـوم علیهم‌السلام و نقـش تاریخـی که در تمدّن اسـلامی تا به امـروز ایفا کرده اسـت، بی‌نیـاز از دلیـل و برهان اسـت. متأسّـفانه در سـال‌های گذشـته، قلـب جامعه اسـلامی دچار آسـیب‌هایی شـده اسـت و تلّقی جامعه از مسـجد به نازل‌ترین کارکرد آن، یعنـی فقـط برپایی نمازهای یومیّه، تغییر کرده اسـت؛ حتّی بسـیاری از مسـاجد، کارکردهـای عبـادی خـود را نیـز بـه درسـتی ایفـا نمی‌کننـد و همـان نمـاز جماعت عـادّی، در بیشـتر مسـاجد کشـور، صبح‌هـا تعطیل اسـت و حال آن که در گذشـته‌ای نـه چنـدان دور، مسـجد مهم‌تریـن مرکز فرهنگـی قابل اعتمـاد برای مردم محسـوب می‌شـد و در زندگـی مـردم و حیـات اجتماعـی یـک ملّـت نقـش مؤثّر ایفـا می‌کرد.[2]
از آنجـا کـه مسـجد عبادتـگاه عاشـقان حـق و تجلّی‌گاه عشـق و محبّت اوسـت، یکی از مهم‌تریـن فوایـد ارتبـاط بـا ایـن کانـون معنـوی، «ذکـر» و یاد خداسـت؛ قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «فِی بُیُـوتٍ أَذِنَ اللهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْـمُهُ یُسَـبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُـدُوِّ وَالْآصَـالِ، در خانه‌هایـی کـه خـدا رخصت داده کـه [قدر و منزلـت] آنها رفعت یابـد و نامـش در آنهـا یـاد شـود، در آن [خانه]هـا هـر بامـداد و شـامگاه او را نیایـش می‌کننـد».[3]
از دیگـر فوایـد ارتبـاط بـا مسـجد، «اتّحـاد بیـن مؤمنـان» اسـت کـه ایـن فایـده از مذمّـت خداونـد متعال نسـبت به مسـجد ضـرار اسـتفاده می‌شـود؛ قـرآن می‌فرماید:

---

[1]. رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، ص۱۳۶.
[2]. حشمتی، محمّدرضا، پیشگفتار، کارکرد مسجد، ص۷.
[3]. نور، آیه۳۶.

«وَ الَّذِیـنَ اتَّخَـذُواْ مَسْـجِدًا ضِرَارًا وَ کُفْـرًا وَ تَفْرِیقًا بَیْـنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ إِرْصَـادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللهَ وَ رَسُـولَهُ مِـن قَبْـلُ وَ لَیَحْلِفَـنَّ إِنْ أَرَدْنَـا إِلاَّ الْحُسْـنَى وَ اللهُ یَشْـهَدُ إِنَّهُـمْ لَکَاذِبُونَ؛ و آنهایـی کـه مسـجدی اختیـار کردند که مایـه زیان و کفـر و پراکندگی میـان مؤمنان اسـت و [نیـز] کمین‌گاهـی اسـت بـرای کسـی کـه مدّتی قبـل با خـدا و پیامبـر او به جنـگ برخاسـته بودند و سخت‌سـوگند یـاد می‌کنند کـه جز نیکی قصدی نداشـتیم؛ و[لـی] خـدا گواهـی می‌دهـد کـه آنان به طـور قطـع، دروغگو هسـتند».[1]

یکـی دیگـر از فوایـد ارتبـاط بـا مسـجد، «پاکیزگـی روحـی و روانـی» اسـت؛ قـرآن می‌فرمایـد: «لاَ تَقُـمْ فِیهِ أَبَدًا لَّمَسْـجِدٌ أُسِّـسَ عَلَى التَّقْـوَى مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَـقُّ أَن تَقُومَ فِیـهِ، فِیـهِ رِجَـالٌ یُحِبُّـونَ أَن یَتَطَهَّـرُواْ وَ اللهُ یُحِـبُّ الْمُطَّهِّرِیـنَ؛ هرگز در آنجا نَایسـت [توقّـف نکـن]؛ چرا که مسـجدی کـه از روز نخسـتین بر پایه تقوا بنا شـده، سـزاوارتر اسـت کـه در آن [بـه نمـاز] ایسـتی [و] در آن مردانی‌انـد کـه دوسـت دارنـد خـود را پـاک سـازند و خدا کسـانی کـه خواهـان پاکی‌اند را دوسـت مـی‌دارد».[2]

خداونـد در قـرآن می‌فرمایـد: «إِنَّمَـا یَعْمُـرُ مَسَـاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِـاللهِ وَ الْیَـوْمِ الآخِرِ وَ أَقَـامَ الصَّـلاَةَ وَ آتَـى الزَّکَاةَ وَ لَمْ یَخْـشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسَـى أُوْلَئِکَ أَن یَکُونُواْ مِـنَ الْمُهْتَدِینَ؛ مسـاجد خـدا را تنهـا کسـانی آبـاد می‌کننـد که به خـدا و روز بازپسـین ایمـان آورده و نمـاز برپـا داشـته و زکات می‌دهنـد و جـز از خـدا نترسـیده‌اند؛ پس، امید اسـت که اینان از راه‌یافتگان باشـند».[3]

بـا توجّـه بـه اینکه «آباد سـاختن مسـاجد»، تنها به معنی سـاختمان و تأسیسـات آن نیسـت، بلکـه مفهـوم آن شـامل اجتمـاع و شـرکت و ارتباط با مسـجد اسـت، روشـن می‌شـود کـه ارتبـاط با ایـن کانون عبـادی، باعـث تقویّت ایمان بـه خدا و ایمـان، روز رسـتاخیز شـده و بایـد افـزون بر پیونـد فرد با خدا به وسـیله نمـاز، باعـث پیوندش با خلـق خـدا بـه وسـیله پرداخت زکات باشـد و یکـی دیگر از آثـارش، توحیـد در ترس از خداسـت؛ یعنـی جز از خدا نترسـیدن».[4]

---

[1]. توبه، آیه۱۰۷.
[2]. همان، آیه۱۰۸.
[3]. همان، آیه۱۸.
[4]. تفسیر نمونه، ج۷، ص۳۱۶.

این همه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دوران اوّلیه ظهور اسلام، مسجد، مرکز و کانون ارتباطات اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شد. اطّلاع یافتن مسلمانان از آخرین اخبار، در این مکان صورت می‌گرفت. این کارکرد مسجد، هنوز به صورت صددرصد از آن سلب نشده است و اگر کمی دقّت نمائیم، می‌بینیم که برخی مساجد شهرها و روستاهای کشور، پس از اتمام نماز جماعت، محلّ تجمّع جوانان است که گروه‌گروه با هم به ردّ و بدل اطّلاعات و اخبار می‌پردازند.[1]

نهضت جاودانه پیامبر ﷺ چشمه‌ساری زلال از بینش و دانش، در پهن‌دشت اندیشه‌های انسانی جاری ساخت. پیامبر ﷺ از هر فرصتی برای روشن‌گری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیره آن حضرت، نشان می‌دهد که مسجد، در مجموعه دوران ۲۳ سال رسالت، مهم‌ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر ﷺ بوده است، گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی ایفا کرده است، همواره یکسان نبود.[2]

به طور کلّی، ملاک ارتباط و عدم ارتباط مردم با مسجد، به مردمی بودن رابطه روحانی با مردم و توجّه به خواسته‌های مردمی که در مسجد حاضر می‌شوند، باز می‌گردد. چنان‌که رونق مساجد در انقلاب اسلامی به این دلیل بود که در آنها، همان مسائلی مطرح می‌شد که مردم خواستار آن بودند. بنابراین، اگر در مساجد مباحثی طرح شود که پرسش مردم نباشد و نیازی را از مردم، چه علمی و چه عملی نتواند رفع کند، به تدریج جدایی میان مردم و روحانیّت مساجد پدید می‌آید.[3]

در این قسمت از بحث، مناسب است که به برخی ویژگی‌های خاصّ رسانه‌ای مسجد اشاره داشته باشیم.

- پیام مسجد، برخلاف برخی رسانه‌ها، همگانی است و اخبار خصوصی و محرمانه ندارد.

---

[1]. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، کارکرد مسجد، ص۴۵۸.
[2]. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر ﷺ، کارکرد مسجد، تهران، ص۶۶.
[3]. تاج‌الدّینی، علی، نسبت مسجد و حکومت در اندیشه مطهری، کارکرد مسجد، ص۹۶-۹۷.

- مسجد، پیام منفی ندارد؛ برخلاف بعضی رسانه‌ها که پیام منفی نیز دارند.
- پیام مسجد، برخلاف اخبار تعدادی از رسانه‌ها، موجب نفوذ در قلب‌ها و افکار مخاطبان می‌شود.
- پیام مسجد، می‌تواند انقلاب‌ساز باشد؛ ولی اخبار برخی رسانه‌ها انقلاب‌سوز است.
- اخبار رسانه‌ها، برخلاف پیام‌های مسجد در روز بعد و یا حتّی چند ساعت بعد کهنه می‌شود.
- در رسانه مسجد، اولویّت با پیام دینی و تحت تأثیر احکام دین است؛ امّا در اکثر رسانه‌ها، اولویّت با مسائل اقتصادی و سیاسی است.
- شاید هیچ پایگاهی به اندازه «مساجد»، در تبلیغ اسلامی ایفای نقش نکرده باشد؛ از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تاکنون اذان، نماز، وعظ و خطابه از مهم‌ترین برنامه‌های مساجد بوده و هستند.
- پیام مسجد، ارشاد و هدایت است؛ برخلاف اخبار برخی رسانه‌ها که فقط اطّلاع‌رسانی است و با تخریب و گمراهی همراه است.
- پیام‌دهنده در مسجد (امام جماعت)، باید عادل و عالم باشد؛ برخلاف پیام‌دهنده در بعضی از رسانه‌ها که شرایط خاصّی ندارد و هر کسی می‌تواند در مقام پیام‌دهنده باشد.
- پیام‌دهنده مسجد، مخاطب را می‌شناسد و طبق ظرفیّت او پیام می‌دهد؛ ولی رسانه‌ها به طور عمده به هر گیرنده‌ای پیام می‌دهند.
- پیام مسجد، برخلاف عمده رسانه‌ها، آرامش‌بخش است.
- در طول تاریخ، مساجد واقعی (نه مساجدی مثل مسجد ضرار)، مخاطبان خود را از مسیر حقّ منحرف نساخته اند؛ ولی رسانه‌ها، معاویه را امیر و حضرت علی علیه‌السلام را کافر و امام حسین علیه‌السلام را خارجی معرّفی کردند.

## » مسجد و رسانه‌های جمعی دیگر

در تعریف لغوی «رسانه» چنین آمده است: وسیله‌ای که اخبار و اطّلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجلّه و شبکه‌های رایانه‌ای.[1] در «دانشنامه علوم اجتماعی»، رسانه (رسانه جمعی)، بدین‌گونه تعریف شده است: رسانه‌های گروهی، یک نهاد اجتماعی را تشکیل می‌دهند که به تولید و توزیع دانش در حیطه‌ای فراتر از کلمات می‌پردازد و دارای مشخّصه‌های برجسته و بارزی، مانند استفاده نسبی از فنّاوری پیشرفته در تولید و پخش پیام‌ها هستند.[2]

در این راستا، از کارکردهای وسایل ارتباط جمعی (Functions Media Mass) می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: کارکرد نظارتی، کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ، کارکرد سرگرم‌سازی و پر کردن اوقات فراغت، کارکرد نوگرایی و توسعه، کارکرد همگن‌سازی، کارکرد راهنمایی و رهبری، کارکرد بحران‌زدایی، کارکرد آگاه‌سازی، اعطای پایگاه اجتماعی، حمایت از هنجارهای اجتماعی (وظیفه اخلاقی)، انتقال میراث‌های فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، نقش و کارکرد بیان عقاید، ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی و کارکرد تبلیغی. از طرف دیگر، عصر حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند؛ زیرا ارتباطات و اطّلاعات انتقالی از آن، ابزاری مهم برای تصمیم‌گیری، تعامل بین انسانی، هویّت‌بخشی و هویّت‌ستاندن، جهت‌دهی به افکار و اندیشه‌ها و ابزاری برای سلطه است.

از نظر تحلیل‌گران سیاسی، امروز، سرنگونی نه به وسیله مسلسل و سلاح آتشین، بلکه با رسانه‌هاست. با گسترش روند جهانی شدن حضور رسانه‌ها، دیگر دولت‌ها چندان نمی‌توانند کنترلی آهنین بر زندگی مردم داشته باشند؛ زیرا مانند گذشته، قدرت انحصاری و سانسور ندارند. نظم اجتماعی مفید، که به نفع تمام اعضای جامعه است، امروز به کارکرد رسانه‌ها بستگی دارد؛ زیرا روابط انسانی، اگرچه همواره در حال تغییر است، امّا با حضور رسانه‌ها و انتقال مفاهیم، نمادها و اطّلاعات، این تغییرات تشدید یافته است.

---

[1] . انوری، حسن، ج۴، ص۳۶

[2] . مک کوئیل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز جلالی، انتشارات مرکز مطالعات رسانه.

بنابرایـن، هـر چـه شـیوه‌های پاسـخگویی دولت‌هـا بـا ابزارهـا و اهرم‌های خـود، با ایـن تغییـرات هماهنـگ باشـد، میزان نظـم اجتماعی بیشـتر تضمیـن می‌گردد.

حـال کـه ضـرورت ارتباطـات در بسـیج و انقـلاب انکارناپذیـر اسـت، بایـد دید که مسـجد چـه نقشـی در ایـن زمینـه ایفـا کرده اسـت؟ آیـا در عصـری که عصـر انقلاب ارتباطـات و بـه تعبیـر مـک لوهـان «دهکـده جهانـی» نـام گرفتـه اسـت، مسـجد، می‌توانـد بـا قدمتـی بیـش از ۱۴۰۰ سـال، بـا رسـانه‌های ارتباطـی نویـن بـه رقابـت بپردازد؟

در پاسـخ بـه ایـن سـؤالات، ابتـدا نگاهـی بـه وضعیّـت رسـانه‌های نویـن، اعـمّ از مکتـوب، دیـداری و شـنیداری و ورود آنها به زندگی افراد داریم و سـپس، به مقایسـه مسـجد بـا آنهـا پرداختـه و کارویژه‌هـای ارتباطـی مسـجد را در عرصه‌هـای مختلـف، مـورد بحـث و بررسـی قـرار می‌دهیم.

کارکـرد وسـایل ارتبـاط جمعـی در برقـراری هـر چـه عمیق‌تـر ارتبـاط بـا انسـان بـه عنـوان مهم‌تریـن مخاطـب، خلاصـه و متمرکـز می‌شـود. اگـر چنیـن باشـد، باید ببینیـم مسـجد بـه عنـوان یـک پایـگاه ارتباطـی بسـیار مهم، چـه نقشـی در افزایش پیوندهـای انسـانی و توسـعه فرهنـگ اسـلامی ایفـا کرده اسـت.[۱]

یکـی از دلایـل موفّقیّت مسـجد در کارکرد رسـانه‌ای خود، بهره‌گیـری از ارتباطات چهـره بـه چهـره بـود. ویلیام‌هاکتـن بـا بررسـی تجربـه ارتباطـات سـنّتی در انقـلاب اسـلامی تأکیـد می‌کنـد: «آنچـه در ایـران رویـداد، بی‌سـابقه بـود؛ چـون از ارتباطات چهـره بـه چهـره، ارتباطـات سـنّتی، راهپیمایی‌هـا و خطبه‌هـای نمـاز جمعـه بـرای خدمـت بـه انقلاب اسـتفاده می‌شـد».[۲]

دلیـل دیگـر بـه مسـئله مشـروعیّت رسـانه‌ها و پذیـرش آن توسّـط مـردم بـر می‌گـردد. بـا توجّـه بـه اینکه رسـانه باید حامـل پیامی بـرای مخاطب خود باشـد، هر چـه ایـن پیـام با فرهنـگ و اعتقادات جامعه تناسـب بیشـتری داشـته باشـد، بیشـتر مـورد پذیـرش قـرار می‌گیـرد. در حالـی کـه رسـانه‌های نویـن از ابتـدا بـا طراحـی

---

۱. رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، ص۱۳۱.
۲. فرقانی، محمّدمهدی، درآمدی بر ارتباطات سنّتی در ایران، ص۶۳.

بیگانگان وارد زندگی افراد شدند و در ادامه نیز مروّج فرهنگ بیگانه بودند، از مشروعیّت چندانی در جامعه برخوردار نبودند؛ امّا مسجد، با قدمتی بیش از ۱۴۰۰ سال که حامل پیام اسلامی و مروّج اعتقادات جامعه بود، از مشروعیّت بالایی در جامعه برخوردار بود. به گفته حمید مولانا «مسجد، در جامعه اسلامی به عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، بلکه به عنوان منبع دانش و اطّلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است».[1]

در عصر حاضر، مک لوهان یکی از نویسندگان و نظریه‌پردازان غربی در زمینه ارتباطات، معتقد است که منشأ تغییرات اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی هستند، اگرچه نظریه‌پردازان اقتصادی و فرهنگی، هر کدام به طور جداگانه به اقتصاد و نهادهای فرهنگی به عنوان منشأ تغییرات اجتماعی، اعتقاد داشتند؛ امّا امروز که از آن به عصر حاکمیّت اراده ملّت‌ها، بیداری ملّت‌ها و بیداری اسلامی، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و عصری که از دنیا به یک دهکده جهانی یاد می‌کنند، نقش انکارناپذیر و قدرتمند افکار عمومی در عرصه تحوّلات اجتماعی و فرهنگ ملّت‌ها، توجّه همگان را به خود جلب کرده است. فرهیختگان و فرزانگان ملّت‌های جهان اسلام، امروز نمی‌توانند و نباید از کنار انقلاب شگرف فنّاوری در عرصه ارتباطات، بی‌تفاوت بگذرند و مسئله را به حال خود بگذارند. افکار عمومی و فرهنگی ملّی و ایدئولوژیک، پایه‌های اقتدار حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که در جوامع اسلامی، فرهنگ و نظام اسلامی برای ماندگاری و تداوم، به مدافعانی آگاه نیازمند است که پدیده ارتباطات و رسانه‌های جمعی به خوبی می‌توانند از عهده این مهم برآیند.

سخن در این است که «کارکرد رسانه ارتباط جمعی»، با همه تحوّلات تکنیکی، زمانی قرینِ توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب خود برقرار سازد. مساجد، در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی

[1]. ساسان، جعفر، ۴ آذر ۱۳۸۸، نقش مساجد در انقلاب اسلامی (۱)، مرکز اسناد انقلاب، قابل دسترس در:
http://www.irdc.ir.

سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند.

ویژگی‌های منحصربه‌فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم، به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود؛ بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویّت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبانش بسیار مؤثّر باشد. ماندگاری فرهنگ اسلامی، تاکنون به دلیلِ پویایی و تحرّک این کانون‌های سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیّرهای مهم این ماندگاری تحرّک همین پایگاه‌هاست.

امروز، این موضوع به طور کامل پذیرفته شده است که تمام وسایل ارتباط جمعی، به نوعی، ارتباط غیرحضوری با مخاطبان خویش برقرار می‌سازد و این ارتباط، برخلاف جذّابیّت‌های ظاهری، حالتی تصنّعی دارد. این در حالی است که رسانه جمعی اسلام به‌ویژه مسجد، به دلیل ارتباط مستقیم با مخاطب، دارای بیشترین تأثیر است و این تفاوت را هر فرد می‌تواند با مقایسه حالت خود، قبل و بعد از خروج از مسجد احساس کند؛ در حالی که رسانه‌ای، مانند سینما و تلویزیون به این صورت نیست و اگر هم احساسی به بیننده القاء کند، موقّتی، احساسی و سست خواهد بود.

مسجد حداقل در هر سه وعده، پیام دینی، مذهبی خود را به مخاطبان ارائه می‌دهد. مسجد به عنوان پایگاه ارتباطی مهم در آیین اسلام، این قابلیّت را دارد که در هر زمان به روز باشد و پاسخ‌گوی نیازهای جدید مخاطبان باشد.

بر مسلمانان عصر حاضر، عصر بیداری و بازگشت به خویش، فرض و لازم است که فرهنگ مسجد را احیا کنند و این مراکز روحانی و فرهنگی و عبادی را با همان منزلت واقعی و مأموریت اصلی و فلسفه حقیقی‌اش مطرح سازند.

## » منبر، اوّلین رسانه تاریخ اسلام

منبـر، بـه عنـوان یـک رسـانه عمومـی (Te Minbar as a Medium of Public Com-munication) در اسـلام مطـرح بوده اسـت.

واژه منبـر، بـه ایـن معنی آمده اسـت: «محلّ مرتفـع، یرتقیه الخطیـب او الواعظ یکلم منـه الجمـع، سـمی بـه لارتفاعـه و کسـرت المیم علـی التشـبیه بالآله؛ منبـر، جایگاه بلنـدی اسـت کـه سـخنران یـا موعظه‌گر بر بـالای آن با جمـع صحبت می‌کنـد. منبر را بـه دلیـل ارتفاعـش، منبـر گفته‌انـد و برای تشـبیه به اسـم آلت، به حـرف میم آن، کسره داده شـده است».[1]

جمـع واژه منبـر، منابـر اسـت. در زبـان فارسـی، واژه‌هـای متعدّدی مانند کرسـی، اورنـگ، سـریر و تخـت وجـود دارد کـه تا حـدود زیادی از نظر شـکل و ظاهر، مشـابه و متـرادف همیـن منبـر اسـت؛ امّـا کاربـرد آنهـا، نه بـرای وعـظ و خطابه، بلکـه برای جلـوس و بـاردادن پادشـاهان در نظر گرفته شـده اسـت.[2]

در طـول تاریـخ اسـلام، مسـلمانان بـا تأسّـی از حضـرت پیامبـر ﷺ جایـگاه رفیع منبـر را بسـیار مقـدّس و روحانـی می‌دانسـتند. از نظـر مسـلمانان، امـام جماعـت یـا خطیبـی کـه بـالای منبـر می‌رفـت، در واقـع در جایـگاه یک شـخص مقدّسـی، مانند رسـول اکـرم ﷺ می‌نشسـت و اقتضـای آن مکان ایجـاب می‌کرد که آن شـخص خود را متخلّـق بـه ویژگی‌هـای آن بزرگـوار بنماید و راه و روش پیامبـر اکرم ﷺ و مکتبش را بـه مـردم القـاء بکنـد. اگـر افـراد نالایقی بـر منبـر می‌رفتند، مـورد اعتـراض مردم قـرار می‌گرفتنـد و علمـا آن را نشـانه نخـوت و جاه‌طلبـی آنها می‌دانسـتند و شـعرا با لسـان شـعر به هجـو و تقبیـح این‌گونـه افـراد می‌پرداختند.

چنان‌که فتح‌علی‌خان صبا می‌گوید:

گام بر منبر احمد زده اکنون، بوجهل
تکیه بر مسند مهدی زده اینک، دجال

همچنین، سنایی می‌گوید:

---

[1] . المنجد فی اللغه، ص۷۸۵.

[2] . ر. ک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌های کرسی، اورنگ، تخت گاه و سریر.

حسرت آن را کی بود کز دخمه زی دوزخ رود
حسرت آن را کش به دوزخ از سر منبر برند

در دنیای ارتباطات، یکی از نیازهای مهم بشر، وسایل ارتباطی است تا انسان‌ها را از اخبار مهم مطّلع سازد و آنان را در حوادث، به یاری یکدیگر طلبیده و از حمله دشمنان آگاهی داده، آنان را آماده دفاع نماید. دین مبین اسلام، از ۱۴۰۰ سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرّفی کرده است. به همین دلیل، کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحوّلات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد و این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود.

هر چند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد، اهمّیت قبلی خود را از دست داده است؛ ولی از یک سو، گسترش مساجد در تمامی نقاط شهری و روستایی و از سوی دیگر، حرمت، قداست و معنویّت خاصّی که مسجد نزد مسلمانان دارد، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و انکارناپذیر خود را در این کارکرد ایفا نمایند.[1]

در مجموع، مساجد در طول تاریخ و به درجات مختلف، علاوه بر محلّ عبادت و تشکیل نمازهای جمعه و جماعت، مکانی برای تشکیل جلسات بحث و درس، تعلیمات دینی و علمی، انجام امور قضایی، حلّ‌وفصل اختلافات، رسیدگی به امور عمومی و منفعت عامّه، دستگیری از مستمندان، نگهداری خزانه (بیت‌المال) و برگزاری مراسم سیاسی بودند. به این ترتیب، گستره اجتماعی و سیاسی مساجد بسیار چشمگیر بود و انبوهی از پیام‌های اجتماعی و سیاسی از فراز منبر مساجد منتشر می‌شد.

به‌ویژه اهمّیت منبر در مساجد، بدان پایه بود که در کنار محراب و مقصوره و شبستان و گنبد، یکی از ۵ جزو مهم مساجد به شمار می‌آمد و دارا بودن آن یکی از لوازم جامع بودن تلّقی می‌شد.

[1]. فجری، محمّدمهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، ماهنامه مبلّغان، ش ۱۲۰.

محقّقان حوزه ارتباطات، منبر را یک رسانه عمومی اسلامی و یک نظام تشکیلات یافته ارتباطی در جامعه اسلام دانسته‌اند که بُرد اطّلاعاتی آن، نسبت به هرگونه تماس بین فردی مؤثّرتر است؛ زیرا اوّلین و آخرین حالت توصیف در منبر یکنواخت‌تر است تا وقتی که همان موضوع از طریق واسطه‌های متعدّد انتقال می‌یابد.

همچنین، سرعت ارتباط از طریق منبر به این علّت که مخاطبان همزمان در معرض پیام قرار می‌گیرند، نسبت به ارتباطات بین فردی و روز به روز بیشتر است.[1]

نکته دیگر اینکه، بسیاری از لغت‌دانان عرب، واژه منبر را از ریشه عربی «نَبَرَ»، به معنای عالی و بلند دانسته‌اند.[2]

اهمّیت منبر در دوره اسلامی با جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی پیوند دارد. منبر، در دوره اسلامی، دو کارکرد اساسی اطّلاع‌رسانی و آموزش عمومی را به عهده داشت که به عنوان رسانه‌ای با نفوذ، نقش بارزی ایفا می‌کرد.

این رسانه، به سبب اینکه فرستنده پیام در آن دارای وجاهت دینی است، دارای اعتبار است. کار واعظ، از آنجا که متضمّن یادآوری مسئولیّت‌ها و توجّه دادن به عوامل سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی بود، با حکایت و داستان‌های آموزنده اخلاقی همراه می‌شد و از همین رو بود که وعظ را علم تذکیر و قصص می‌خواندند و واعظ را به این جهت مذکِّر یا قصه‌گو نیز می‌گفتند.

دقیق‌تر اینکه بر اساس تکلیفی که اسلام برای تبلیغ دین قائل است، همواره مبلّغان و واعظانی بوده‌اند که پیگیر رشد اخلاقی و عملی مردم بوده‌اند؛ امّا منبر به دلیل تأثیرش، فقط به این محدود نمی‌شد و پیام‌هایی فراتر از آموزه‌های دینی را نیز مخابره می‌کرد.

نقش منبر، به عنوان مجرای ارتباطی حاکمان با مردم، در گذشته اهمّیت

---

[1]. حسینی، رضا، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، نقش مسجد در ارتباطات عمومی، پورتال نور، قابل دسترسی در http://noorportal.net.

[2]. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج۲، ص۹۰۴.

زیـادی داشـت و منحصـر به سلسـله خاصّـی نبود؛ بـه عنوان مثـال، وقتـی قراخانیان بـا پیشـروی خـود، بخـارا، پایتخت سـامانیان را تهدید کردنـد، «واعظان بر فـراز منابر مسـجدها رفتنـد و بـه نـام سـامانیان از مـردم خواسـتند به آنهـا بپیوندنـد». چنان‌که پیـش از ایـن نیز اشـاره شـد، وعـظ و اندرز مؤمنـان، به عنـوان تکلیفی دینـی همواره مـورد توجّـه شـماری از وعّاظ بوده اسـت.

بنابرایـن، در آغـاز انقلاب ایران، رسـانه منبر، یکـی از مهم‌ترین ابزارهـای انقلابی‌ها بـرای پیگیـری اهداف انقلاب اسـلامی بود. همزمان با شـکل‌گیری انقـلاب در دهه ۴۰ علمـا و دانشـوران اسـلامی بـرای مقابلـه با دسـتگاه تبلیغاتـی پهلوی از این رسـانه به نحـو شایسـته اسـتفاده می‌کردنـد. در مقـام مقایسـه، هیـچ یـک از رسـانه‌های تحت اختیـار رژیـم شاهنشـاهی، قـدرت برابری بـا تأثیرگـذاری منبر را نداشـت. مردمی که پـای منابـر علمـای دینـی می‌نشسـتند، ضمن دریافـت احـکام دینـی و بهره‌گیری از دسـتورات اخلاقـی ائمّـه دیـن، با آخریـن اخبار روز آشـنایی پیـدا می‌کردند.

بـه طـور اساسـی، در تجمّعاتـی کـه در مسـاجد برگـزار می‌شـد، قبـل و بعـد از سـخنرانی وعّـاظ و مبلّغـان، انقلابی‌هـا، ضمن برگزاری جلسـاتی محـدود و کم تعداد، در جریـان آخریـن اخبـار قـرار می‌گرفتنـد و بـرای ادامـه تحریـکات سیاسـی خـود، هماهنگی‌هـای لازم را کسـب می‌کردنـد. روحانیـان بـا سـخنرانی‌های خـود، علاوه بر ایـن کـه بـه سـخنرانی‌های مذهبـی و تقویّـت باورهـای مـردم می‌پرداختند، پـرده از جنایـات رژیم شـاه برمی‌داشـتند و مردم را از اوضـاع خفقان‌بار جامعـه آگاه می‌کردند و آنهـا را بـه مبـارزه و تظاهـرات علیـه رژیـم دعـوت می‌کردند کـه به واقع هم بسـیار مؤثّـر بـود. در واقـع، منبر، به عنوان یک رسـانه عمومی نقش شگفتی‌سـاز و حماسـی را در انقـلاب اسـلامی ایفـا کـرد؛ زیـرا سـخنرانان روحانـی بـا اسـتفاده از آن به‌عنوان تریبونـی در جهـت رسـاندن صـدای انقـلاب به گـوش ملّت ایـران اسـتفاده کردند. از منظـر ارتباطـی، انتخـاب تکنیـک سـخنرانی و خطابه از سـوی انقلابی‌ها، حـاوی پیام روشـن و آگاهانـه‌ای اسـت؛ زیـرا سـخنرانی‌ها و خطابه‌هـا با برقـراری ارتبـاط نزدیک و بـدون خدشـه، میـان سـخنران و مخاطبـان می‌توانـد بـه عنوان‌عنصـر تعیین‌کننده عمـل کند.

پیام‌رسانی از طریق منبر، در دو مقطع زمانی از تاریخ انقلاب اهمّیت فراوان پیدا کرد. مقطع اوّل، زمان ابتدای نهضت که هنوز امام خمینی قدّس‌سرّه از ایران تبعید نشده بود و مقطع دوّم، از تبعید امام تا پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شد. طیفی از وعّاظ در طی این دو مقطع، از سال ۱۳۴۱ تا بهمن ۱۳۵۷ در صدد برآمدند با استفاده از رسانه منبر، مشروعیّت نظام حاکم را به چالش بکشانند و توانستند افکار عمومی جامعه را به سوی نهضت جلب کنند.[۱]

در تمامی نظریه‌های ارتباطی تاکنون، رسانه‌های جمعی، وظیفه اطّلاع‌رسانی و ارسال پیام داشته‌اند؛ در این بینش، باید افکار عمومی به سمتی خاصّ که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند و بیشتر دنیاطلب هستند، سوق داده شود و رفتار جمعی بر اساس الگوهایی که عرضه می‌شود، شکل گیرد و در نهایت، ثبات اجتماعی در تحقّق اهداف سرمایه‌داری جهانی حفظ شود.

بدیهی است در این نظریه‌ها، انسان، ابزاری بیش نیست؛ ولی دیدگاه رسانه‌ای اسلام، انسان را نه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطّلاع او می‌رسد، بلکه به منزله مخاطبی که آگاهی و به‌ویژه تعالی او همواره مدّنظر است، می‌نگرد.

رسانه‌های جمعی مورد تأکید فرهنگ اسلامی، که به طور عمده بر نقش رسانه‌ای مسجد و خطابه و ارتباط‌ها و پیوندهای حضوری (و تشکّل‌های ارتباطی خاصّ) تأکید دارد و البتّه وسایل و تکنیک‌های نوین را هم نفی نمی‌کند و می‌پذیرد؛ در این جمله یک نکته حکمت‌آمیز هدایتی دیده می‌شود؛ چون در این مدل ارتباطی، انسان با انسان به صورت حضوری در ارتباط است و این شیوه ارتباط، در تصرّف قلب‌ها و تسخیر افکار به مراتب مؤثّرتر است.

در این راستا، مسجد و خطابه، بر فرهنگ شنیداری تأکید دارد. بدیهی است که در جوامع اسلامی که از تحوّلات فرهنگ دیداری، آثار مهمی دیده نمی‌شود، مسجد و خطابه با استفاده از فرهنگ شنیداری، مؤثّرترین پیام‌رسان است. ضمن آنکه مسجد، به عنوان پایگاه و رسانه ارتباطی مهم، از هر دو حالت می‌تواند به

[۱]. رزمجو، جمال، ۳خرداد ۱۳۹۰، منبر، اوّلین رسانه تاریخ اسلام، پورتال نور، قابل دسترس در http://noorportal.net.

طـور بالقوّه برخوردار باشـد.[1]

عـلاوه بـر ویژگی‌های بیان شـده، یکـی از نهادهایی کـه در کنار مسـجد و از طریق آن، رفتارهـای سیاسـی مـردم سـازماندهی و هدایـت می‌شـود، منبـر اسـت. منبـر، نخسـت بـه عنـوان وسـیله ارتباطی میان امّـت و رهبرانش و سـپس به دنبـال جدایی فزاینـده منبـر از حکومـت، بـه صـورت مسـتقل، امّـا قدرتمند و سیاسـی کـه هیچ‌گاه فرصـت در افتـادن بـا قدرت‌های مسـتقر را از دسـت نمی‌داد، خدمـت و عمل می‌کرد و رهبـران و وعّـاظ انقلابـی از منبـر، همچـون کانالـی بـرای بیـداری مـردم و انتشـار نظریـات ضـدّ نظـام و مـرام حکومـت و برانگیختن توده‌های مردم سـود می‌جسـتند.[2]

[1] . رضایی، علی، نقش مساجد در جوامع اسلامی، قابل دسترس در: http://www.rasekhoon.net.

[2] . لطیف‌پور، یدالله هنری، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۱۵۶-۱۵۷.

## » ویژگی رسانه‌ای مسجد بر وسایل ارتباط جمعی

سخن از طلوع اسلام و مطلع آن و فجر صادق آیین محمّدی ﷺ و مرکز اشاعه آن، یعنی مسجد است. مسجد، مهمان‌خانه خدا در زمین،[1] جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی،[2] خانه راز و نیاز، عشق و محبّت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلّی بهشت خدا در زمین[3] و محلّ آرامش موحّدان است.

- ویژگی‌های ارتباط رسانه‌ای مسجد بر سایر رسانه‌ها را می‌توان در سه بخش مهم خلاصه کرد.

### ویژگی سیاسی

- مسجد اختصاص به هیچ ارگان و حزبی ندارد؛ امّا هیچ رسانه‌ای نیست که به جایی وابسته نباشد.
- مسجد تابع هیچ نهاد و حکومتی نیست و افکار اجتماعی را به سوی صحیح سوق می‌دهد. برخلاف سایر رسانه‌ها که موظّف هستند افکار عمومی را به سمتی خاصّ، که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند و بیشتر دنیاطلب هستند، سوق دهند تا رفتار اجتماعی بر اساس الگوهایی که عرضه می‌شود، شکل گیرد.
- مسجدی‌ها، برخلاف مخاطبان رسانه‌های دیگر، به طور معمول از سیاسی‌بازی و حزب‌گرایی متنفّر و دور هستند.
- در عین حالی که مسجد، گروهی و سازمانی نیست؛ امّا حالتی تشکیلاتی داشته و با مخاطبان ارتباط تشکیلاتی برقرار می‌کند.
- این ارتباط، به دلیل غیرسازمانی و غیرگروهی بودن، زمینه بازرسی مردمی از تشکیلات را فراهم کرده و امکان بهره‌برداری سیاسی را به حداقل می‌رساند.

---

[1] . وسایل‌الشیعه، ج۳، ص۵۱۷.
[2] . من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۷۷.
[3] . ترمذی دعوات، ج۳، ص۸.

- مقابلـه حـکّام جـور بـا رسـانه مسـجد، یـا بایـد شـکل علنـی داشـته باشـد کـه ایـن مسـئله پـرده از چهـره غیردینـی حکومت‌های سـلطه برمـی‌دارد و باعث تحریـک عواطـف علیـه سـلطه‌گر می‌شـود و یـا بایـد بـه شـکل مخفـی باشـد که در ایـن صـورت، کاربـرد چندانـی نداشـته، بلکـه نتیجـه معکـوس خواهد داشـت. سـلطه‌گران نیـز تـلاش می‌کننـد (اگرچـه در ظاهـر) بـا مسـجد همـراه باشـند تا بتواننـد اطّلاع‌رسـانی مسـجد را مهـار سـازند.
- مراکز رسـانه‌ای دنیا محلّ رشـد و فعّالیّت جاسوسـان اسـت؛ امّا در مسـجد، جاسـوس (منافق) جایی ندارد و اگر وارد شـود، زود رسـوا می‌شـود.

## » ویژگی اجتماعی و فرهنگی

رسانه مسجد نفوذناپذیر است، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُواْ مَسَاجِدَ اللهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش شهادت می‌دهند؛ آنان هستند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودان هستند».[1]

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلاَةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده‌اند و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس، امید است که اینان از هدایت‌یافتگان باشند».[2] این ویژگی، برخلاف بیشتر رسانه‌های دنیا است که توسّط مشرکین و معاندین اسلام، اداره و یا تأیید می‌شود.

- برخلاف سایر رسانه‌ها، مغرض و منافق در سیستم مسجد جایگاهی ندارد.
- وجود مسجد در هر مکانی، موجب رشد مردم می‌شود؛ امّا وجود برخی رسانه‌ها مردم را از دین دور می‌کند.
- رسانه‌ها یکدیگر را نفی می‌کنند؛ امّا هیچ مسجدی، مساجد دیگر را نفی نمی‌کند؛ بلکه مساجد مؤیّد یکدیگرند.
- مسجد، نه هر پیامی را می‌گیرد و نه هر پیامی را به مخاطبان می‌دهد؛ چرا که رسانه مسجد، پیامی را ارائه می‌دهد که از وحی و اهل بیت علیهم‌السلام باشد و در تربیت و رشد مخاطبان دخالت داشته باشد، برخلاف رسانه‌های دیگر که هر خبری را دریافت و پخش می‌کنند.
- مسجد، برخلاف سایر رسانه‌ها و ادیان که پذیرش هفتگی، ماهیانه و

[1]. توبه، آیه۱۷.

[2]. همان، آیه۱۸.

سـالیانه دارنـد، پذیـرش روزانـه داشـته و تعطیل‌بردار نیسـت.

- تأثیـر اخبـار رسـانه‌ها در دنیـا متفـاوت اسـت؛ برخـلاف تأثیـر پیام‌هـای مسـجد کـه یکسـان هسـتند.
- مسـجد محلّـی اسـت که همیشـه مردم به دنبـال آن بوده‌انـد. بنابراین، پیام مسـجد عمیـق اسـت؛ برخلاف رسـانه‌ها (رادیـو، تلویزیـون، ماهـواره، اینترنت) که حتّـی در خانه‌هـا به دنبـال مخاطبـان می‌روند.
- اخبـار مسـجد آرامـش بخـش اسـت؛ ولـی اخبـار رسـانه‌ها بـه طـور عمـده تشـنّج‌زا و تزلزل‌آفریـن اسـت.
- اخبـار مسـجد، همیشـه گواراسـت؛ برخـلاف اخبـار غیرمسـجدی که برخی ناگـوار اسـت و حتّـی بعضـی از اخبـار خوب آن نیز مشـکل‌زا اسـت.
- مخاطبـان رسـانه مسـجد، عامّ اسـت و هر کـس و در هر موقعیّتـی می‌تواند از آن بهـره جویـد؛ امّـا رسـانه‌ها به طـور معمول، مخاطبـان خاصّی داشـته و حتّی هـر صفحه از یـک روزنامه، مخاطبی خـاصّ دارد.
- مسـجد تولیّت خاصّ ندارد؛ امّا هیچ رسـانه‌ای بدون مسـئول و مدیرمسـئول و سـردبیر و... نمی‌تواند فعّالیّت داشـته باشد.
- مسـجد، نـزد عمـده مـردم (حتّـی افـراد لاابالـی)، مقـدّس اسـت؛ برخـلاف برخـی رسـانه‌ها کـه هیچ‌گونـه سـابقه و لاحقـه تقـدّس ندارنـد.
- پیامـد منفـی در اخبـار و پیامدهـای مسـجد (اعـمّ از اخبـاری کـه می‌دهد و می‌گیـرد) وجـود نـدارد؛ چـون هـدف پیام‌هـای مسـجد، اصلاح اسـت؛ برخلاف اخبـار برخـی رسـانه‌ها کـه پیـام مثبـت آنها بیـش از پیـام منفی آن نیسـت.
- رسـانه مسـجد، مشکل‌گشـا اسـت؛ برخلاف بعضی رسـانه‌ها که مشکل‌سـاز هستند.
- بـه طـور اساسـی، تمامی وسـایل ارتباط جمعـی، نوعی ارتبـاط غیرحضوری را بـا مخاطـب برقـرار می‌سـازند؛ ولـی مسـجد ارتبـاط غیرحضـوری را نمی‌پذیرد؛ چـون حـالات و اوقـات و شـرایط افراد مرتبط با مسـجد، متفاوت اسـت و به همین دلیـل، پیام‌هـا نیز متفاوت اسـت.

- مسجد، پایگاهی ارتباطی- دینی است و موجب ماندگاری فرهنگ اسلامی در مخاطب می‌شود.
- کارکرد ارتباطی و رسانه‌ای مسجد، عمیق‌تر است؛ زیرا با دل‌ها و افکار هماهنگ با یکدیگر سر و کار دارد و این، برخلاف سایر رسانه‌های دیگر است.
- مسجد، پایگاهی ارتباطی و سهل‌الوصول و رسانه‌ای قابل دسترس برای کلّیه مخاطبان و علاقه‌مندان است.
- مسجد، جدا از نقش رسانه‌ای و ارتباطی خود، از طریق خطبا و علما، در مخاطبان ایجاد انگیزش کرده و علاوه بر نقش اطّلاع‌رسانی، نقش هدایتی را نیز به دوش می‌گیرد.
- در طول تاریخ، مساجد، عامل اتّحاد و همبستگی میان مردم بوده است؛ برخلاف برخی رسانه‌ها که موجبات تفرقه را در جامعه فراهم کرده‌اند.

## » ویژگی پیام مسجد

- پیـام مسـجد همگانـی بـوده و اخبـار خصوصـی و سـرّی و محرمانـه ندارد؛ برخـلاف برخی رسـانه‌ها که دارای بولتن سـرّی، اخبار گزینشـی، تدویـن و دوبلاژ هستند.
- پیـام مسـجد، موجـب نفـوذ در قلب‌هـا و افـکار مخاطبـان می‌شـود؛ ولـی اخبـار رسـانه‌های دیگـر چنیـن نیسـت.
- پیـام مسـجد، همیشـه انقلاب‌سـاز اسـت؛ ولـی اخبـار برخـی رسـانه‌ها، انقلاب‌سـوز اسـت.
- اخبـار رسـانه‌ها در روز بعـد و یـا حتّـی چندسـاعت بعـد کهنـه می‌شـود؛ برخـلاف پیام‌هـای مسـجد کـه همیشـه تـازه و زنـده هسـتند.
- در رسـانه مسـجد، اولویّـت بـا پیـام دینـی و تحت تأثیـر احکام دین اسـت؛ امّـا در رسـانه‌ها اولویّـت با مسـائل اقتصادی و سیاسـی اسـت.
- پیـام مسـجد، ارشـاد و هدایـت اسـت؛ برخـلاف اخبـار رسـانه‌ها کـه فقـط اطّلاع‌رسـانی اسـت یـا همـراه بـا تخریـب و گمراهـی هسـتند.
- همـه مسـاجد، حتّـی مسـاجد قدیمـی و خالـی از جمعیّـت نیـز دارای پیام است.
- مسجد، تنها رسانه‌ای است که در تمام دنیا اسم و پیام واحدی دارد.
- هـر چـه مسـجد سـاده‌تر باشـد، پیـام و جاذبـه‌اش بیشـتر اسـت؛ برخـلاف رسـانه‌های دیگـر کـه مجبـور هسـتند تا بـا آب و رنگ خاصّـی پیام دهنـد و بدون آن، خالـی از ارزش و مخاطـب می‌شـوند؛ مثـل: تلویزیـون سـیاه و سـفید.
- پیام‌دهنـده مسـجد بایـد عـادل و عالـم باشـد؛ برخـلاف پیام‌دهنـده در رسـانه‌ها کـه شـرایط خاصّـی نداشـته و هـر کـس می‌توانـد در مقـام پیام‌دهنـده باشد.
- پیام‌دهنـده مسـجد (امـام)، مخاطب را می‌شناسـد (و باید بشناسـد) و طبق ظرفیّـت او، پیـام می‌دهـد؛ ولـی رسـانه‌ها بـه طـور عمـده به هـر گیرنـده‌ای پیام می‌دهنـد.

- نحوه پیام دادن در مسجد، شرایط و زمان خاصّ دارد؛ امّا پیام سایر رسانه‌ها هیچ شرایط و زمان و مکان خاصّی ندارد.
- هر چه مسجد سنّتی‌تر باشد، پیامش بیشتر است؛ برخلاف رسانه‌ها که جاذبه‌اش در مدرن‌تر بودن آن است.
- پیام مسجد، به شرطی قابل انتقال است که بافت آن با ارزش‌ها، هنجارها و مبانی دینی مطابقت داشته باشد؛ برخلاف سایر پیام‌ها که از راه‌های گوناگون و از عموم رسانه‌ها قابل انتقال است.
- هیچ‌گاه مسجد و پیام آن، تابع بودجه نبوده است؛ برخلاف رسانه‌ها که قبض و بسط آن، تابع بودجه است.
- در طول تاریخ، هیچ مسجدی (به جز مسجد ضرار که تخریب شد)، مخاطبان خود را از مسیر حق منحرف نساخته است؛ ولی رسانه‌ها، معاویه را امیر و حضرت علی علیه‌السلام را کافر و امام حسین علیه‌السلام را خارجی معرّفی کردند.
- رسانه‌ها یا ناطق‌اند (رادیو و تلویزیون) یا مکتوب (روزنامه‌ها) و یا الکترونی (ماهواره و اینترنت)؛ امّا مسجد هر کسی را به نحوی اطّلاع‌رسانی می‌کند؛ گاهی نگاه به ساختمان مسجد و یا خطوط نوشته شده در آن و... پیام‌دهنده و بیدارکننده است.[1]

در این زمینه، باید به این نکته اشاره کرد که خود مسجد یک رسانه است. از قدیم نیز، مسجد محلّ خبررسانی بوده و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هر وقت می‌خواستند خبری را به مردم برساند، از طریق مسجد اطّلاع‌رسانی می‌کرد. مسجد، در فرهنگ اسلام و ایران مهم‌ترین محلّ برای عبادت‌های جمعی، روشن‌فکری و اتّحاد مسلمانان به شمار می‌رود. از گذشته تاکنون، مساجد، نقش ویژه‌ای در هدایت مسلمانان در جوامع گوناگون اسلامی داشته است. جهان اسلام باید برای مسجد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های مردمی و رسانه‌ای با قابلیّت فراوان، حساب ویژه‌ای باز کنند؛ چرا که امروز، مساجد، علاوه بر مزیّت‌های این رسانه دینی، نسبت به سایر رسانه‌ها در محلّات می‌توانند در انتقال خبر و بیان

[1]. فجری، محمّدمهدی، روزنامه کیهان، مسجد، رسانه‌ای قوی و متفاوت، صفحه معارف، ش ۱۹۸۸۰.

حقیقت به دیگر رسانه‌ها نیز کمک کنند.

### » نقش رسانه‌ای مسجد در تحوّل ارتباطات

در طول تاریخ، انسان همیشه تلاش کرده تا وسیله‌ای برای برقراری ارتباط در اختیار داشته باشد؛ هر چند که در دوره‌های اوّلیه این وسایل، قدرت زیادی برای حمل پیام و اطّلاعات نداشته‌اند؛ ولی برای انسان آن روز مطلوب بوده است. این فنّاوری‌های ابتدایی به تدریج گسترش یافتند؛ تا جایی که در زمان حال، با فنّاوری‌های اطّلاعاتی روبه‌رو هستیم که در حال متحوّل کردن نحوه زندگی و تفکّر انسان معاصر است.

کارکرد وسایل ارتباط جمعی، برقراریِ هر چه موفّق‌تر ارتباط با انسان‌هاست. این برقراری ارتباط به تحوّل‌های تکنیکی بازنمی‌گردد. ماهواره‌ها و رایانه‌ها، البتّه قادر خواهند بود که پیامی را در یک لحظه به تمامی دنیا مخابره کنند و به وظیفه اطّلاع‌رسانی و ارتباطی خود عمل نمایند؛ امّا مهم، پیام و حرفی است که ارسال و القاء می‌شود. واکنش رفتار جمعی انسان‌ها در یک جامعه در برابر پیام‌هایی که به او می‌رسد، به خوبی نشان می‌دهند که کانون‌های ارسال پیام و وسایل ارتباط جمعی تا چه اندازه در القای پیام‌هایشان موفّق بوده‌اند. سالیان متمادی، غرب در ایران کوشید، تا با ارسال پیام و القای فرهنگ مورد نظرش و با گسترش مراکز مطبوعاتی، سینمایی، انجمن‌ها و محفل‌های متعدّد ارتباطی به سلطه خویش همچنان ادامه دهد؛ ولی دیدیم که در انقلاب اسلامی، سال ۱۳۵۷ پایگاه‌های ارتباطی مورد تأکید انقلاب، مساجد، خطبا و هیئت‌ها و تشکل‌های مذهبی، توانستند، با وجود برخورداری از شکل سنّتی در ارسال پیام، به سرعت بر رسانه‌های ارتباط جمعی پیشرفته غرب در ایران، فایق آمده و واکنشی خلاف آن چه در رسانه‌های قدرتمند ارتباطی آن روز انتظار می‌رفت، از خود نشان دهند.

رسانه‌ها کارکردهای متفاوتی، همانند انتقال ارزش‌ها و میراث فرهنگی را بر عهده دارند؛ امّا از نظر صاحب‌نظران، این ابزارها تنها بخشی ار میراث گرانبهای

نسـل پیـش را منتقـل می‌کنـد و بیشـتر خواهان و مـروّج نوآوری هسـتند. رسـانه‌ها، موجـد تغییـر در الگوهـای سـنّتی جوامع هسـتند و با تشـویق ارزش‌هـا و هنجارهای جدیـد، الگوهـای نسـل پیـش را بـه چالـش می‌کشـند. رسـانه‌ها، بـا وابسـته کـردن نسـل جدیـد از نظـر اطّلاعـات و دانش و سـرگرمی، سـعی در دیکته کـردن ارزش‌ها و هنجارهـای متضـادّ و مغایـر بـا فرهنـگ غالب دارنـد؛ به‌طوری‌کـه به جـرأت می‌توان گفـت کـه نسـل فعلـی، بیشـتر برداشـت‌های فکـری و ظاهـری خـود را از رسـانه‌ها می‌گیـرد. البتّـه نبایـد به رسـانه‌ها با دید منفـی نگاه کـرد و نبایـد کارکردهای مثبت آنهـا را در عرصـه آمـوزش و اطّلاع‌رسـانی و ترویـج دانش‌هـای نوین و نقـش آنها را در توسـعه جوامـع، نادیـده گرفـت. باید بـا شـناخت جایـگاه رسـانه‌ها در جامعه‌پذیری و ارائـه و انتقـال محتواهـای فرهنگـی بـه جامعه، بـه تدوین و سیاسـت‌گذاری مناسـب در بـرای اسـتفاده مناسـب از آنهـا پرداخـت و برای تقویّـت فرهنگ و پالایـش عناصر فرهنگـی، بـرای ارتقـای فرهنگـی جامعـه و انتقـال میـراث فرهنگـی بـه نسـل آینده کوشـش کـرد تـا شـکاف نسـلی ـ کـه حاصـل متغیّرهـای بسـیاری از جملـه نفـوذ و رخنـه رسـانه‌ها در فرهنـگ و جامعـه اسـت ـ کاهـش پیـدا کنـد و یـا به‌هیچ‌وجـه بـه وجـود نیاید.[1] بنابرایـن، در تمامـی نظریه‌هـای ارتباطـی، رسـانه‌های گروهـی وظیفـه اطّلاع‌رسـانی و ارسـال پیـام را بـر عهـده دارنـد و این بدین معنی اسـت کـه صاحبان قـدرت بـر روابط مردم، به‌وسـیله رسـانه نظـارت می‌کننـد؛ آن‌هم به‌گونـه‌ای که خود می‌خواهنـد و نتیجـه آن نیـز حفـظ نظام سـرمایه‌داری و مصرف کالای بیشـتر اسـت. بـه ایـن ترتیـب، ایـن امـر موجـب می‌شـود کـه انسـان را با دیـد ابـزاری بنگرنـد؛ در حالـی کـه رسـانه اسـلام، بـه دنبـال تکامـل و تعالی مخاطبان اسـت تـا آنها در سـایه رعایـت آداب مسـجد، از جملـه چگونگی ورود، خروج، نشسـتن و برخاسـتن، آراسـتن خویـش، خوشـبو کـردن، طهارت داشـتن، نظافـت و کرامت بخشـیدن به کسـانی که بـا مسـجد در تماس‌انـد، جـزء بهترین‌ها شـوند.

مسـجد، همـواره در دسـترس همـگان اسـت. رسـانه دینـی به هیـچ عنـوان، مانند بلندگـو نیسـت کـه هر پیامی را چه مثبت و چه منفی اشـاعه دهد؛ بلکه رسـانه دینی،

[1] . رئیسی وانانی،۱۳۹۰، دانشکده صدا و سیما قم، قابل دسترس در: http://www.qiu.ir.

رسانه‌ای «دین محور» است و این عاملی است که باعث فرق بین رسانه‌های دینی و غیردینی می‌گردد. ویژگی منحصربه‌فرد دیگر در تمامی رسانه‌های دینی، علاوه بر محوریّت دینی، واقعیّت‌گرایی است؛ بدین معنا که برای ارائه حقیقت دین، رسانه‌ای که غیرحضوری بوده و فقط برای مخاطبانش تصاویر دو بعدی پخش کند، کافی نیست؛ چرا که حقیقت، واقعیّتی سه‌بعدی است؛ امّا تصاویر، هر چند بر کیفیّت، تأثیر و رنگ و لعاب آن بیفزاییم، جای یک لحظه حضور در مکانی مانند مسجد، نماز جمعه، حجّ یا حتّی حضور در نماز را نمی‌گیرد.[1]

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که پایه‌گذار اوّلین مسجد در اسلام است، آن را به‌گونه‌ای پایه‌گذاری نمود که علاوه بر عهده‌دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعّالیّت‌های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار رود. به همین دلیل، مسجد در طول تاریخ اسلام از ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. در گذشته، همه امور مسلمانان در ابعاد مختلف، از جمله عقاید و فعّالیّت‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی و اقتصادی، در مساجد انجام می‌شد.[2]

به طور کلّی مسجد، نماد فعّالیّت فکری، معنوی، مذهبی و سیاسی و به طور عمده، پایگاهی برای درخواست مشارکت سیاسی یا براندازی حکومت است. به همین دلیل است که دولت‌های استبدادی در جوامع اسلامی بیشترین واهمه را از مساجد داشته و دارند؛ زیرا این مراکز، می‌توانند نیروهای بالقوّه سیاسی را در خود متمرکز کنند.[3]

سخن در این است که تحوّل ارتباطات در دنیای امروز، که در نظریات آلوین تافلر در کتابش تحت عنوان «جا به جایی قدرت» آمده است، نخواهد توانست فرهنگ‌های مقاوم و غنی را از درون تهی کند و البتّه بدیهی است که فرهنگ کشورها در تقابل با فرهنگ جهانی تأثیر می‌پذیرند؛ ولی این تأثیر، به میزانی که خرده‌فرهنگ (فرهنگ یک کشور) قوی باشد، به مراتب کمتر خواهد بود.

---

[1] . سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران، ۱۳۸۸، قابل دسترس در: http://www.ido.ir.

[2] . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۸۹۷۸.

[3] . جوانمرد، احسان، نگاهی به نقش مسجد در مبارزات سیاسی استاد شهید مطهری ، قابل دسترس در

http://www.irdc.ir.

بنابرایـن، بایـد دوبـاره نگاهـی به درون افکنـد و به جایـگاه عمده رسـانه‌های ارتباطی جهـان اسـلام، به‌ویـژه مسـاجد، توجّه جـدّی کرد. برای اینکه مسـئله بیشـتر روشـن شـود، بـه ویژگی‌های مسـجد در برقراری ارتباط و سـازماندهی حرکت‌هـای اجتماعی کـه عمده‌تریـن متغیـر و عامـل مانـدگاری فرهنـگ اسـلامی تـا کنـون بـوده اسـت، می‌پردازیـم.

- مسجد، غیرگروهی و سازمانی است (سازمان در شکل مصطلح آن).
- مسـجد، از حالـت تشـکیلاتی برخـوردار اسـت و امـکان ارتبـاط تشـکیلاتی مخاطبـان بـا همدیگر وجـود دارد.
- ایـن ارتبـاط، بـه دلیـل غیرسـازمانی و غیرگروهـی آن، بـه شـدّت مردمـی اسـت کـه یـک ویژگـی عمده بـه شـمار می‌آید، امـکان بهره‌بـرداری دشـمن را در جوامـع بسـته دیکتاتـوری (ماننـد مصـر امـروز)، بـه حداقل می‌رسـاند.
- مسـجد، به عنوان یک پایگاه ارتباطی دینی اسـت و این در عمل، جهت ارتباطات را روشـن می‌کند و در ماندگاری فرهنگ اسلامی نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید.
- کارکـرد ارتباطـی و رسـانه‌ای مسـجد، عمیق‌تـر اسـت؛ زیرا با دل‌هـا و افکار هماهنـگِ با هم سـر و کار دارد.
- مسـجد، یـک پایـگاه ارتباطـی اسـت که به آسـانی یافت می‌شـود و در عین حـال، یک رسـانه قابل دسـترس برای همـه مخاطبان و علاقمندان اسـت.
- مقابلـه حـکّام جور با مسـجد، از نظر سیاسـی باید شـکل علنی داشـته باشـد. ایـن مسـئله در ابتـدای امر، به افشـای چهره غیردینـی حکومت‌های سـلطه‌گر (که متأسّـفانه، در کشـورهای اسـلامی، به اسـلام‌پناهی دسـت می‌زنند) می‌انجامد. اگر مبـارزه حکومـت با مسـجد به روش مخفی باشـد، کاربـرد چندانی نخواهد داشـت.
- مسـجد، جـدای از نقـش رسـانه‌ای و ارتباطـی، وسـیله‌ای برای خطبـا و علما در ایجـاد انگیـزش در مخاطبـان اسـت تـا نقش اطّلاع‌رسـانی، نقـش هدایتی خود را ایفـا کند.[1]

[1] . رضاییـان، مجیـد، تحـوّل ارتباطـات و نقـش رسـانه‌ای مسـجد در مانـدگاری فرهنـگ اسـلامی، کارکرد مسـجد، صـص۱۳۵،۱۳۴،۱۳۳ و۱۳۶.

## » موانع و راهکارها

دیـن اسـلام، بـرای تمامـی شـئون زندگـی انسـان برنامـه و هـدف دارد؛ مسـجد نیـز می‌توانـد سـازمان‌دهنده رفتـار دینـی مـردم در قالـب یـک نظـم رفتـاری در حیـات اجتماعـی باشـد. مسـاجد، پایگاه تبلیغ دین اسـلام هسـتند و بسـیاری از آثار اجتماعـی، ماننـد اخـلاص و درسـت‌کاری، سـازمان‌دهی زندگـی و نظـم و تقـوی بـر آنهـا مترتّـب اسـت. افرادی که بیشـتر به مسـجد می‌روند، رفتارشـان در تمـام مراحل زندگـی دارای نظـم و توجّـه بیشـتری اسـت و در کلّ، آثار رفتار دینی آنـان در زندگی اجتماعـی نیـز بـه چشـم می‌خـورد. از طـرف دیگـر، نقصـان ارزش‌های دینی، سـبب بـروز بی‌نظمی‌هـا و آشـوب‌های اجتماعـی اسـت.

بنابرایـن، لازم اسـت بـرای جذب افراد به سـمت مسـجد، چاره اندیشـی شـود. اوّل بایـد بررسـی کـرد کـه در نـزد افـکار عمومی چـه جایگاهـی دارد؛ آیـا در عمـل، مؤثّر بـوده اسـت و یـا تنهـا در لفـظ؛ علّـت کم‌توجّهـی مـردم بـه آن چیسـت؟ چـرا کـه بر اسـاس تعالیـم اسـلام، بـه طـور حتم، خیـری در وجود مسـجد بـرای مسـلمانان بوده و خواهـد بود.

مسـجد، کارکـرد خـاصّ خـود را دارد و هیـچ نهـاد دیگـری جـای آن را نمی‌توانـد بگیـرد؛ مثـل زمانـی کـه می‌گفتیـم مطبوعات، جـای خالی احـزاب را خواهـد گرفت؛ چنیـن چیـزی امکان نـدارد.

در حـال حاضـر، متولّیـان امـور بیشـتر بـه افزایش کمیّـت و یا چندمنظـوره کردن کارکردهـای ایـن نهـاد دینی توجّـه می‌کنند؛ امّـا در دنیـای امروز و ارتباطات وسـیع و گسـترده‌ای کـه به‌ویـژه شـهرهای کلان بـه آن دسترسـی دارنـد، بـه وجـود آوردن زمینـه اعتقـادات قلبـی و مؤثّر بیـش از هر چیز دیگـری لازم به نظر می‌رسـد. یکی از عوامـل مؤثّـر بر کاهـش توان کارکـردی مسـجد، بی‌توجّهی بـه نیازهـای و مقتضیّات زمـان اسـت. کار فرهنگـی در ایـن مکان‌هـا بایـد از یـک سـو، مبتنـی بـر معـارف و ارزش‌هـای اصیـل دینـی باشـد و از طـرف دیگـر، منطبق بـر نیازهای زمان باشـد.

بنابرایـن، در عصـر حاضـر، تحـوّلات و تغییـرات جدیـد، یـک دسـته پرسـش‌ها و نیازهـا را بـرای مـا انسـان‌ها ایجـاد کـرده اسـت. مسـئولانی کـه وظیفـه آمـوزش را

بـر عهـده دارنـد و یـا امـام جماعـت مسـجد هسـتند، بایـد تـوان پاسـخ‌گویی بـه این پرسـش‌های جدید را داشـته باشـند. جوانی که به سـمت مسـجد کشـیده می‌شـود، اگـر نتوانـد پاسـخ خـود را در آن جا بیابد، به طـور قطع، آن را در جای دیگر جسـتجو خواهـد کـرد و ایـن همـان آثـاری را بـه دنبـال دارد که بارها از آن سـخن گفته شـده اسـت. متولّیـان و امامـان جماعـت مسـاجد باید بر دانش وسـیع و فراگیر مسـلّط بوده و خـارج از مسـائل سیاسـی و جناحـی، بـه نیازهای روحی قشـر جوان پاسـخ دهند تا ایـن گـروه دل‌زده و سَـرخورده، نیازهـای خـود را در مکان‌هـای دیگـر و یا بـا امکانات دیگـری جسـتجو نکنند.

سـازمان مسـاجد می‌توانـد کارکردهـای متنوّعـی داشـته باشـد و هـر قـدر ایـن کارکردهـا از تنـوّع بیشـتری برخـوردار باشـد، بـه طـور طبیعـی جاذبـه افزون‌تـری بـرای اقشـار مختلـف جامعـه بـه دنبـال خواهـد داشـت. بـه عبارتـی دیگر، هـر چه از پیچیدگـی بالاتـری بهـره ببـرد، طیف گسـترده‌تری را به سـمت خود جـذب می‌کند. نتیجـه ایـن امـر، تأثیـر و بـاور عمیـق دینـی مردمـی اسـت کـه در هـر جـای زندگی شـهری، بـه دنبـال روزنـه امید آسـمانی و مطمئـن می‌گردنـد و این ویژگـی، قانون و نظـم را در زندگـی و رفتـار اجتماعـی آنـان ایجـاد خواهـد کرد.[1]

مسـجد، پایـگاه انسـجام و یکپارچگـی مسـلمانان اسـت و نمـاز جماعت و تشـکیل صفـوف به‌هم‌فشـرده نمازگـزاران، بـه خوبـی بیانگـر هماهنگی و انسـجامی اسـت که حضـور در مسـجد، آن را فراهـم مـی‌آورد. در اینجاسـت کـه افـراد نمازگـزار، ماننـد قطره‌هـای آب بـه یکدیگـر می‌پیوندنـد تـا دریایـی از اتّحـاد را بـه نمایـش درآورنـد. همـه در کنـار یکدیگـر در برابـر پروردگار یکتا به سـوی یـک قبلـه رو می‌کنند و زبان بـه حمـد و ثنـای آن یگانـه نازنیـن می‌گشـایند و هماهنگ بـا یکدیگر، سـرود توحید را زمزمـه می‌کننـد.

«هـر کـس بـه مسـاجد رفت‌وآمـد کنـد، بـه یکـی از این هشـت چیـز می‌رسـد: یا بـرادری دینـی کـه از او بهره‌منـد می‌شـود یـا دانـش و نکتـه حکمت‌آمیـز یـا آیـت و نشـانه‌ای محکـم یـا رحمتـی مـورد انتظار یـا سـخنی کـه او را از هلاکت بـاز می‌دارد

[1] . روزنامه ابرار، ۹/۱۲/۱۳۷۹، ص۷و۸، کارکرد مسجد، ص۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۲ و ۴۸۳.

یـا کلامـی می‌شـنود کـه او را بـه هدایـت رهنمـون می‌شـود یـا گناهـی را بـه خاطـر خشـیت خـدا یـا از روی شـرم و حیـا تـرک می‌کند».[1]

مسـجد، عـلاوه بـر اینکـه محـلّ عبـادت ذات باری‌تعالی اسـت، به عنوان رسـانه‌ای نو در ترویج فرهنگ و رشـد و نموّ مدنیّت اسـلامی شـناخته شـده اسـت و پیامبر ﷺ، گزاره‌هـای دینـی و اخلاقـی خویـش را در ایـن مـکان ویـژه القـاء می‌نمودنـد و ایـن کارکـرد تمدّن‌سـاز مسـجد بـه جائی رسـید کـه به عنـوان دارالامـاره تلّقی می‌شـد و چنانچـه بیـن حکوت‌هـا و تمدّن‌ها ملازمه وجود داشـته باشـد، مسـجد از همـان ابتدا بـه عنـوان نمـاد تمدّن اسـلامی مـورد توجّه بوده اسـت.

پیونـد مسـجد و حکـوت بـه حـدّی بـود که از آغاز گسـترش اسـلام موجب شـد تا سـاخت مسـجد بـه طور عمـده توسّـط حکومت‌ها صـورت گیرد و نـوعِ اُمـرای جوامع اسـلامی، سـاختن مسـجد را وظیفه خویش تلّقـی می‌نمودند و منابـع عمومی را برای ایـن کار اختصـاص می‌دادند.

بـر اسـاس آنچـه ذکـر شـد، مسـجد، بـه عنـوان شـالوده حکومـت اسـلامی در تمـدّن اسـلامی نقـش ایفـا می‌نمایـد به‌طـوری کـه اگـر کسـی می‌خواسـت در غلبه بـر مسـلمانان شـهر را از نشـانه‌ها و تمـدّن اسـلامی پاک‌سـازی نمایـد بـه خـراب نمـودن مسـاجد آن شـهر اقـدام می‌نمـود. این امر نشـان دهنـده از بین رفتـن تمدّن اسـلامی تلّقـی می‌شـد. بـه همیـن دلیل اسـت کـه اگر کفّـار بر شـهرهای مسـلمانان و خداپرسـتان دسـت می‌یافتنـد، بـه خـراب کـردن مسـاجد و صومعه‌هـا و کنیسـه‌ها اقـدام می‌نمودنـد؛ در قـرآن مجیـد نیـز بـه ایـن مطلب اشـاره شـده اسـت:

«الَّذِيـنَ أُخْرِجُـوا مِـن دِيَارِهِـمْ بِغَيْـرِ حَـقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُـوا رَبُّنَا اللهُ وَلَـوْلَا دَفْـعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُـم بِبَعْـضٍ لَّهُدِّمَـتْ صَوَامِـعُ وَبِيَـعٌ وَصَلَـوَاتٌ وَمَسَـاجِدُ يُذْكَـرُ فِيهَـا اسْـمُ اللهِ كَثِيـرًا وَلَيَنصُـرَنَّ اللهُ مَـن يَنصُـرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَـوِيٌّ عَزِيـزٌ؛ همـان کسـانی کـه بـه ناحـق از خانه‌هایشـان بیـرون رانـده شـدند [آنهـا گناهـی نداشـتند]، جـز اینکـه می‌گفتنـد پـروردگار مـا خداسـت و اگـر خـدا بعضـی از مـردم را بـا بعـض دیگـر دفـع نمی‌کرد، صومعه‌هـا و کلیسـاها و کنیسـه‌ها و مسـاجدی کـه نـام خـدا در آنهـا بسـیار بـرده

[1]. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۵۱.

می‌شود، سخت ویران می‌شد و به طور قطع، خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد؛ چرا که خدا نیرومندِ شکست‌ناپذیر است».[1]

تخریب دیگری که در رابطه با مساجد صورت گرفته است، تخریب فرهنگی مساجد به وسیله شبیخون فرهنگی است. البتّه ناگفته نماند که متصدّیان امر فرهنگی در کشورهای اسلامی نیز با کم کاری‌های خود در این امر دخیل هستند. یکی از دسیسه‌های مربوط به این مقوله، دور نمودن مردم، به خصوص جوانان از مسجد است که خود، یکی از مصادیق بارز تخریب مساجد است.

در گذشته مردم به خود اجازه نمی‌دادند مساکن خویش را بلندتر از مساجد بسازند و احترام آن را در احداث فضای شهری مراعات می‌کردند و به‌طوری که هم‌اکنون نیز در بسیاری از شهرهای کویری و نقاط مرکزی ایران، گنبد و مناره مسجد، بلندترین ساختمان شهر به شمار می‌آید تا بتواند نقش مهم و حیاتی خویش را در زنده نگاه‌داشتن فرهنگ و هویّت دینی به طور کامل به انجام برساند.

امروز، با وجود و توسعه روابط اجتماعی- اقتصادی و پیروی از مدل‌های شهرسازی غربی، اگرچه از مرکزیّت مساجد کاسته شده است؛ ولی با اتّکا و کمک‌گیری از اعتقادات دینی و احترام معنوی که مردم برای مساجد قائل هستند، به عنوان نیروی محرّکه قوی و نیرومند می‌توان مساجد را به مکان رفیع گذشته باز گرداند و تمهیداتی اندیشید که مساجد به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصربه‌فرد در شهر همان نقش اساسی خویش را ایفا کند.[2]

تجلّی‌گاه وحدت و پایگاهی برای فعّالیّت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و کانون یکپارچگی و انسجام مسلمانان، فقط برازنده مسجد است و هر زمانی که این کانون مورد توجّه دقیق مسلمانان قرار گرفت، آن عصر، دوران شکوفایی معنویّت و فرهنگ و مدنیّت بوده است.

مسجد، علاوه بر اینکه کانون معرفت الهی است، سنگری وحدت‌ساز در

---

[1]. حجّ، آیه ۴۰.

[2]. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۰، قابل دسترس در: http://www.masjed.ir

راستای ایجاد الفت و همگرایی ملّی و انسجام اسلامی محسوب می‌شود.

مسجد، قبل از آنکه مجموعه‌ای موزون و متناسب از سنگ و آجر و کاشی باشد، سرچشمه جوشنده معرفت است؛ جایی که حضور در آن، معنایی جز مهر و محبّت به خالق و مخلوق نداشته باشد و در وجود آدمی جز پویایی و حیات معنوی نیفزاید.

این ضرورت نباید فقط در مناسبت‌های مذهبی، نظیر ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، تاسوعا و عاشورا، روز جهانی مساجد و یا حتّی مراسم عزاداری و مجلس ختم مسلمانان باشد. تبیین معرفت دینی در کنار تقویّت مبانی علمی و اجرایی در سطح اجتماع و به‌ویژه مکانی برای تقویّت این مبانی در میان جوانان و نوجوانان، از جمله ضرورت‌هایی است که می‌توان مساجد امروز ما را به اصالت خود نزدیک‌تر سازد.

با توجّه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان ما مسلمانان، در ابتدا رعایت حرمت و حفظ نظافت آن بر همه واجب است. در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید شده است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد و به مسجد احترام نگذارد، از رحمت خدا به دور است. از این‌رو، مسجد، این خانه دوّم ما مسلمانان، دارای احکام مخصوصی است؛ از جمله: وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت و پاکیزگی مستمر و غبارروبی و عطر افشانی آن. به این دلیل که مسجد محلّ تجمع مردم و کانون راز و نیاز، تکریم، نیایش و سجود در برابر خداست. پس، باید چنین مکان مقدّسی را پاک و تطهیر نگه داریم.[1]

[1]. ر. ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹، ش۸۹۷۸.

## » نتیجه‌گیری

مساجد، به عنوان یک نهاد سنّتی در جامعه و دارای قدمتی بیش از چهارده قرن و با ارائه کارکردهای گوناگون در حوزه‌های مختلف، از جمله رسانه‌ای ـ ارتباطی، حمایتی ـ پشتیبانی و فرهنگی ـ هویّتی، توانسته است با اقتدار، متناسب با نیاز روز جامعه، گویِ سبقت را از دیگر نهادهای مدرن، مانند وسایل نوین ارتباط جمعی برباید. مسجد، به عنوان ستون فقرات جامعه اسلامی و بشریّت، توانست نقش عظیمی در بیداری اسلامی و سازمان انقلاب‌های مردمی به ایفای نقش بپردازند.

اگرچه اندک زمانی بیش نیست که وسائل ارتباط جمعی دنیا از مطبوعات و رادیو و تلویزیون گرفته تا اینترنت و ماهواره مورد استفاده انسان قرار گرفته است؛ امّا دین مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم برای افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرّفی کرده است. همچنین، کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحوّلات تکنیکی، زمانی موفّق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود. آنچه از بررسی تاریخ به دست می‌آید آن است که از صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم ﷺ گرفته تا قرون وسطی و حتّی تا دوران تسلّط و استیلای غرب، مساجد جایگاه علم، آموزش و پرورش، اطّلاع‌رسانی و ارتباطات اجتماعی و... بوده و همین گستردگی کارکردهای مسجد، موجب شد تا آن را از دیگر معابد جدا سازد.[1]

اهمّیت اسلام و فرهنگ آن و توجّه یکجا به نقش رسانه‌های امروزی و مساجد به عنوان مدل ارتباطی و رسانه‌ای سنّتی در جوامع اسلامی، نباید نادیده انگاشته شود. مساجد در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند .

[1] . فجری، محمّدمهدی، مسجد رسانه‌ای قوی و متفاوت، روزنامه کیهان، ش ۱۹۸۸۰، صفحه معارف.

ویژگی‌های منحصربه‌فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم، به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود؛ بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویّت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبانش بسیار مؤثّر باشد؛ ماندگاری فرهنگ اسلامی تاکنون به لحاظ پویایی و تحرّک این کانون‌های سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیّرهای مهم این ماندگاری ما تحرّک همین پایگاه‌هاست.

خلاصه آنکه، اگر پذیرفتیم که مسجد به عنوان رسانه‌ای، نه صددرصد بهتر از رسانه‌های دیگر، بلکه مساوی با رسانه‌های دیگر است و باید اذعان نمائیم که مسجد بزرگ‌ترین، قدیمی‌ترین و ماندگارترین رسانه‌ای است که در جهت رشد و پرورش انسان‌ها تلاش کرده و لحظه‌ای از تکاپو نایستاده است و نیز با همه تجدّدها و تمدّن‌ها و سرعت‌ها، هنوز رسانه‌ای بودنش ضعیف نشده است.

بی‌توجّهی به سلیقه مخاطب، منجر به شکست رسانه‌های گروهی خواهد شد. امروز ما این مسئله را در فعّالیّت‌های رسانه‌های نوین به وضوح مشاهده می‌کنیم. در این راستا، مسجد، به عنوان رسانه‌ای فراگیر، قوی و متفاوت از سایر رسانه‌های نوین دیگر، ضمن برتری قدرت برقراری ارتباط با مخاطب، حفظ کرامت انسان‌ها، تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها، پذیرش رسانه‌های جمعی دیگر، میزان سنجش انسان‌ها، رسانه‌ای منحصربه‌فرد و در دسترس‌ترین رسانه می‌تواند این خلأ را پر کند.

## » منابع و مآخذ


» قرآن کریم
» آیت الله مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
» نجفی، محمّدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ هـ.ق.
» زرکشی، محمّدبن‌عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، تحقیق ابوالوفاء مصطفی المراغی، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۴۰۳ هـ.ق.
» راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دارالکتب العلمیه.
» زبیدی، محمّدمرتضی، تاج العروس، لبنان، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاه.
» ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، قم، مؤسّسه الصادق علیه السلام للطباعه و النشر، ۱۴۱۸هـ.ق /۱۳۷۷هـ.ش.
» الخوزی اشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشواره، بیروت، المکتبه الحجازیه.
» لویس معلوف، المنجد فی اللغه، تهران، ۱۳۶۲هـ.ش.
» قشیری نیشابوری، محمّدبن‌مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
» امام، ابراهیم، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، کارکرد مسجد، ترجمه و اقتباس، سپهری، محمّد، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسّسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
» حسینی شیرازی، سیّدحسن، کلمه الامام الحسن علیه السلام کتابخانه تاریخ، بیروت، دارالصّادق، چاپ سوّم، ۱۳۸۸هـ.ق.
» صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره (عن النبی و عترته الطاهره)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۳هـ.ش.
» کلینی، محمّدبن‌یعقوب، الکافی، تهران دارالکتب الأسلامیه، ۱۳۶۵.
» شیخ حرعاملی، وسائل‌الشیعه، مؤسّسه احیاءالتراث الاسلامی، بی‌تا.
» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسّسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.
» متقی الهندی، کنزالعمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوهالصفا، بیروت، مؤسّسه الرساله، بی‌تا.
» شیخ صدوق، من لایحضرالفقیه، قم، جامعه المدرّسین، ۱۴۱۴ هـ.ق.
» موسوی الخمینی، سیّد روح‌الله، صحیفه نور، مؤسّسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره.
» حیدری، غلامحسن، نهج الفصاحه، مؤسّسه انصاریان، قم، ۱۳۷۹ش.
» محمّدبن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبدالطیف، بیروت، دارالفکر،۱۴۰۳ هـ.ق.
» بخاری جُعفی، محمّدبن‌اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱هـ.ق.
» ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، تهران، نشر رسانش،۱۳۸۴هـ.ش.
» رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» حشمتی، محمّدرضا، پیشگفتار، کارکرد مسجد، تهران نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، کارکرد مسجد، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، کارکرد مسجد، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
» تاج‌الدّینی، علی، نسبت مسجد و حکومت در اندیشه مطهری، کارکرد مسجد، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.

» انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، ۱۳۸۱هـ.ش.
» مـک کوئیـل، دنیـس، درآمـدی بـر نظریـه ارتباطـات جمعـی، ترجمـه پرویـز جلالـی، انتشـارات مرکـز مطالعـات رسـانه، ۱۳۸۲هـ.ش.
» محمّـدی، ذکـرالله، تاریـخ و جایـگاه منبـر در مسـجد، کارکـرد مسـجد، تهـران، نشـر رسـانش، ۱۳۸۴هــ.ش.
» فرقانـی، محمّدمهـدی، درآمـدی بـر ارتباطـات سـنّتی در ایـران، تهـران، مرکـز مطالعـات و تحقیقـات رسـانه‌ها، ۱۳۸۲هــ.ش.
» فتحـی، اصغـر، منبـر یـک رسـانه عمومـی در اسـلام، تهـران، پژوهشـکده علـوم ارتباطـی و توسـعه ایـران، ۱۳۵۸هـ.ش.
» حسـن، سـتایش، بررسـی مفهـوم خطابـه و منبـر و سـیر تاریخـی پیدایـش آن، مجموعـه مقـالات همایـش بزرگداشـت اسـتاد فلسـفی، تهـران، انتشـارات مرکـز اسـناد انقـلاب اسـلامی، ۱۳۸۶هــ.ش.
» لطیف‌پـور، یـدالله هنـری، فرهنـگ سیاسـی شـیعه و انقـلاب اسـلامی، ۱۳۴۲ـ ۱۳۵۷هــ.ش، مرکـز اسـناد انقـلاب اسـلامی، تهـران ۱۳۷۹هــ.ش.
» عبّاسی حسینی، ابراهیم، مروری بر جامعه‌شناسی مسجد، فصلنامه مشکوه، ش۱۶، پائیز ۱۳۶۶.
» ملّاحسینی، محمّد، آشنایی با مسجد، روزنامه همشهری،۱۶ خرداد، ۱۳۸۸هـ.ش.
» گلی زواره، غلامرضا، مسجد، قلب پرتپش شهر من، ماهنامه پرسمان، شماره ۵۹، آبان ۱۳۸۶.
» فجـری، محمّدمهـدی، آشـنایی بـا کارکردهـای مسـجد، ۱۳۸۸هــ.ش، پایـگاه حـوزه، قابـل دسترسـی در: http://www.hawzah.net.
» کرباسـیان، قاسـم، کارکردهـای وسـایل ارتبـاط جمعـی، پژوهشـکده باقرالعلوم،۱۳۹۰هــ.ش، قابـل دسترســی در: http://www.pajoohe.com.
» ساسـان، جعفـر، نقـش مسـاجد در انقـلاب اسـلامی (۱)، مرکـز اسـناد انقـلاب،۴ آذر ۱۳۸۸هــ.ش، قابل دسترس در: http://www.irdc.ir.
» رضایـی، علـی، نقـش مسـاجد در جوامـع اسـلامی، ۲۹ مـرداد ۱۳۸۷هــ.ش. قابـل دسترسـی در :http://www.rasekhoon.net.
» فجـری، محمّدمهـدی، آشـنایی بـا کارکردهـای مسـجد، ماهنامـه مبلّغـان، شـماره ۱۲۰، شـهریور و مهـر ۱۳۸۸.
» حسـینی، رضـا، نقـش مسـجد در ارتباطـات عمومـی، ۵ اردیبهشـت ۱۳۹۰، پورتـال نور، قابل دسترسـی در:http://noorportal.net.
» رزمجـو، جمـال، منبـر، اولیـن رسـانه تاریـخ اسـلام، ۳ خـرداد۱۳۹۰، پورتـال نـور، قابـل دسترسـی در: http://noorportal.net.
» ذکرالـه محمّـدی، المنبـر تاریخـه و موقعـه فـی المسـجد، مجلّـه آفـاق الحضـاره الاسـلامیه، آبـان ۱۳۷۷هـ.ش.
» هفته‌نامه پنجره، شماره ۳۲.
» فجـری، محمّدمهـدی، مسـجد رسـانه‌ای قـوی و متفـاوت، روزنامـه کیهـان، ۱۵اسـفند۱۳۸۹، صفحـه معـارف، شـماره۱۹۸۸۰.
» رئیسـی وانانـی، حسـین، تحـوّل ارتباطـات و تأثیـر آن بـر جوامـع معاصـر، ۲۵اردیبهشـت۱۳۹۰، دانشـکده صـدا و سـیمای قـم، قابـل دسـترس در: http://www.qiu.ir.
» جوانمـرد، احسـان، نگاهـی بـه نقـش مسـجد در مبـارزات سیاسـی اسـتاد شـهید مطهـری، مرکز اسـناد انقلاب اسـلامی، ۹ اردیبهشـت ۱۳۸۷، قابـل دسـترس در: http://www.irdc.ir.
» مـکارم شـیرازی، ناصـر، بـا همـکاری جمعـی از نویسـندگان، تفسـیرنمونه، تهـران، دارالکتب الاسـلامیه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.

» طریحی، شیخ فخرالدّین، مجمع‌البحرین، تهران، المکتبه المرتضوی، چاپ سوّم، ۱۴۱۶هـ‌ق.
» روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۹۷۸، ۱۳۸۹هـ‌ش.
» روزنامه ابرار،۹/۱۲/۱۳۷۹هـ‌ش.

## پایگاه‌های اینترنتی:

» http://www.parsquran.com.
» http://www.roshd.ir.
» http://www.hamshahrionline.ir/news.
» http://www.masjedshefa.net.
» http://www.rasekhoon.net.
» http://www.ido.ir.
» http://bashgahandishe.com.
» http://www.irdc.ir.
» http://www.masjed.ir.
» http://www.hawzah.net.
» http://www.qiu.ir.
» http://noorportal.net.
» http://www.irdc.ir.

# مسجد و ضرورت نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت

حسنعلی محمودی

## چکیده

نوشتار حاضر در صدد تبیین نقش مسجد به عنوان کانون مهم نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت است. به‌طور کلّی، نوآوری در همه ابعادش با تفکّر و هم‌اندیشی همراه است و شکوفایی، ثمره چنین اندیشه‌ای است. یکی از ابعاد نوآوری و شکوفایی، تعلیم و تربیت در مسجد است. نگارنده با استفاده از آیات و روایات به مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی و بررسی ابعاد آن و نقش محوری مسجد در تعلیم و تربیت پرداخته است. همچنین، راهکارهایی عملی در این زمینه و پیش‌نیازهای آن را بیان نموده و در پایان، نوآوری در راستای شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد را آسیب‌شناسی کرده است.

## واژگان کلیدی:

نوآوری، شکوفایی، مسجد، تعلیم، تربیت، آسیب‌شناسی.

## » مقدّمه

اسلام، مکتب تعلیم و تربیت و به کمال رساندن انسان‌ها است. امر تعلیم و تربیت در اسلام چنان مقدّس است که پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نخستین معلّم، هدف خود از بعثت را اتمام و اکمال بزرگواری‌های اخلاقی در راستای حفظ کرامت انسانی بیان نموده و فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاق؛ همانا من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی فرستاده شده‌ام».[1]

پیامبر اسلام ﷺ، برای هدایت و تعلیم و تربیت اسلامی به حدّی تلاش می‌کرد که خدای تعالی فرمودند: «مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی».[2]

«اوّلین تعلیمات در جوامع، تعالیم دینی بوده و اوّلین محلّ اجتماع مؤمنان، مسجد بوده است. بنابراین، مسجد به عنوان اوّلین مکان آموزش و تعلیم و تربیت در جهان اسلام شناخته شده است و نهادهای تعلیمی امروزی، اعمّ از تعلیمات دینی و غیر آن، انشعاباتی از مساجد آن روز است.[3] بر این اساس، پس از پیدایش اسلام در ایران، نخستین محلّی که پایگاه تعلیم و تربیت قرار گرفت، مسجد بود؛ زیرا به وسیله مسجد، منظور مسلمانان که ترویج دین مبین اسلام و تعلیم مبانی آن بود، برآورده می‌شد. پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نخستین معلّم، در مسجد، امر تعلیم و تربیت را آغاز کرد. به همین دلیل، هر جا پیامبر اسلام ﷺ برای تعلیم و تربیت افراد مسلم و مؤمن وارد می‌شد، نخست برای عبادت و برنامه‌های تربیتی مسجدی می‌ساخت. بنابراین، با نگاهی به تاریخ اسلام درمی‌یابیم که مسجد، از آغاز تأسیس و به خصوص در عصر پیامبر اکرم ﷺ نقش‌های مهمّ و متنوّعی داشته و کارکرد آن فقط به عنوان مکان مقدّسی برای عبادت خداوند و اقامه نماز جماعت و جمعه و یا قرائت قرآن نبوده است؛ بلکه پس از کارکرد اوّلیه‌اش که نقش عبادی و نیایشی است، دوّمین نقش مهم آن، تعلیم و تربیت مسلمانان و آشنا کردن آنان با معارف دینی و علوم گوناگون است.

---

[1]. بحارالانوار، ج۶۸، ص۳۸۲، باب۹۲،حسن‌الخلق.
[2]. طه، آیه۲.
[3]. عبّاس‌نیا، سعید، کتابشناسی مسجد، ص۵.

سیره نورانی رسول اعظم ﷺ به ما نشان می‌دهد که آن حضرت، مسائل علمی مختلفی را در مسجد مطرح می‌کرد و به مسئله آموزش و تعلیم و تربیت بیش از عبادت و خواندن نماز اهمّیت می‌داد. به دستور قرآن کریم، مهم‌ترین محورهای کاری و مسئولیّتی آن حضرت، تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس بود که بیش از همه در مسجد انجام می‌شد. برنامه کاری پیامبر اکرم ﷺ در مسجد، برپایه دو محور اساسی و سازنده دنبال می‌شد:

۱. مردم را با فنّ‌های جنگ با کفّار و مشرکان آشنا کند؛

۲. تعلیم و تربیت افراد را در ابعاد مختلف دنبال کند.

بنابراین، مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مرکز مهم تعلیم و تربیت از جایگاه و منزلت بالایی در میان مسلمان برخوردار هستند؛ زیرا این مکان مقدّس نسبت به دیگر اماکن، مراکز و پایگاه‌ها، از ظرفیّت، توان و پتانسیل بالایی برخوردار بوده است. این مرکز مهم تعلیم و تربیت، از تجربیّات چند قرن گذشته در زمینه نوآوری نیز بهره‌مند است.

به هرحال، آنچه که به این مکان مقدّس در میان مسلمانان، شأنیّت و جایگاه ویژه بخشیده است، نقش و زمینه‌ای است که مساجد توانسته‌اند در ایجاد نوآوری و شکوفایی علوم، فنون و کارکردهای متنوّع مطابق با مقتضیّات زمان و مکان در جوامع اسلامی ایجاد نمایند. بنابراین، شایسته است برای عمران و آبادانی مسجد، به‌ویژه عمران معنوی و آبادانی مورد نظر اسلام و شکوفایی‌اش در امر تعلیم و تربیت به طرح‌های نو توجّه کرد. به علّت اهمّیت نوآوری و خلاقیّت در امر تعلیم و تربیت و ظرفیّت، توان و پتانسیل بالای مسجد در این امر، در این مقاله قصد داریم، نقش مسجد را به عنوان کانون مهم نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت، مورد بررسی قرار دهیم.

## » مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی

### الف) معنای لغوی نوآوری و شکوفایی

نوآوری کلمه‌ای مرکّب از دو جزء «نو» و «آوری» است که به معنای ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنای بدعت‌گذاری است.[1] نوآوری از ادراک سرچشمه می‌گیرد و در اثر دیدن اشیاء و پدیده‌ها از زاویه‌ای نو پدید می‌آید و گاه محصول خلاقیّت انسان است؛ از این‌رو، پیوند و ارتباط عمیقی با خلاقیّت دارد. نواندیشی، وصف فرد یا جامعه‌ای است که اندیشه‌هایی نو دارد.

شکوفایی به‌معنای شکفتن، بازشدن غنچه، پدیدارشدن و آشکارشدن است. شکوفایی نیز نوعی خلاقیّت است. نوآوری همچون دانش و شکوفایی همچون فنّاوری است؛ یعنی شکوفایی کاربرد و به صحنه زندگی کشاندن نوآوری است؛ مانند درختانی که در فصل بهار تجدید حیات می‌کنند و شکوفه اوّلین آثار رشد و نموّ است که در وجودشان جوانه می‌زند.

### ب) معنای اصطلاحی نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی آن است و به معنای ابتکار، خلاقیّت، چیزی تازه کشف‌کردن و به‌وجودآوردن است؛ امّا در علوم مختلف، معنای متناسب با آن علم را دارد. برای مثال، نوآوری در صنعت به معنای اختراعات و اکتشافات، در مدیریت به معنای برنامه‌ریزی جدید، در اقتصاد به معنای طرح و روش نو در سیستم اقتصادی و نظام بانک‌داری و... است.

گاهی مراد از نوآوری در دین، حکم جدیدی است که در شریعت سابقه نداشته است؛ این‌گونه نوآوری بدعت در دین بوده و مذموم و ممنوع است. اگر مراد از نوآوری در دین، پیشرفت علوم اسلامی، استنباط احکام جدید و برداشت نو از سنّت پیشوایان دین باشد، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و کار مردان سخت‌کوش و فقیهان است. به دلیل بازبودن باب اجتهاد در مذهب شیعه، این

[1]. لغتنامه لسان‌العرب، ج۸، ص۶؛ قاموس قرآن، ج۲، ص۱۷۱.

سـنّت در طـول تاریـخ، بـه صـورت متـداول، جریان داشـته اسـت. از ایـن‌رو، می‌توان گفـت کـه نـوآوری و شـکوفایی در دیـن، سـند زنده بودن اسـلام در هر عصری اسـت و جواب‌گـوی مسـائل و احـکام جامعـه در هـر شـرایطی خواهـد بود.

## » نوآوری و شکوفایی در آیینه آیات و روایات

بـا توجّـه بـه تعریف‌هایـی کـه از نوآوری و شـکوفایی شـد، به‌ویژه نـوآوری در دین، بـه معنـای اسـتنباط احکام و مسـائل مسـتحدثه، به‌خوبی مشـخّص اسـت که اسـلام طرفـدار آن اسـت و از نوآوری و شـکوفایی مفیـد برای فرد و جامعه اسـتقبال می‌کند. در آیـات قـرآن و روایـات اهل‌بیـت علیهم‌السلام بـه ایـن مفهـوم، ویژگی‌هـای آن، ریشـه‌ها و عوامـل، نتایـج، ضرورت‌هـا و نمونه‌هـا اشـاره‌های فراوانـی شـده اسـت کـه به بخشـی از آنهـا اشـاره می‌کنیم:

### الف) آیات

بعضـی از اسـماء و صفـات الهـی دربردارنـده مفهـوم نوآوری بـوده و بیانگر شـکوفا نمـودن اسـت کـه در ادامـه بـه برخـی از آنها اشـاره می‌شـود:

۱. الخالـق: «اللهُ خَالِـقُ کُلِّ شَـیْءٍ».[۱] همچنین، در دعـای جوشـن می‌خوانیـم: «یـا مَنْ خَلَـقَ الاَشْـیاءَ مِـنَ العَـدَم». خالقیّـت بـه معنـای آفرینش اسـت و نـوآوری را به همرا دارد.

۲. البـاری: «هُـوَ اللهُ الْخَالِـقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْـمَاءُ الْحُسْـنَی».[۲] همچنین در جایی دیگـر از قـرآن کریـم آمده اسـت: «فَتُوبُـواْ إِلَـی بَارِئِکُمْ».[۳] «بـارئ»، همان خالق اسـت کـه بـا نـوآوری و بدون مـواد قبلی چیـزی را آفریده اسـت.

۳. البدیـع: «بَدِیـعُ السَّـمَاوَاتِ وَالأَرْضِ».[۴] بدیـع، بـه معنـی مبـدع و ابداع‌کننده اسـت و خداونـد کـه موجـودات را نـو و بدون سـابقه و پیشـینه قبلـی و بدون نقشـه و مثال آفریـده، بدیع اسـت.

---

۱. زمر، آیه۶۲.
۲. حشر، آیه۲۴.
۳. بقره، آیه۵۴.
۴. بقره، آیه۱۱۷؛ انعام، آیه۱۰۱.

همچنین نام‌های دیگر پروردگار، مانند «مصّور، فاطر، مبدئ، کاشف، باسط، منشئ، قابض، باعث، معلن، مبین، مبیّن، واسع، موسع، مفصّل، فتّاح، فالق، فارق، فارج و فاتح»، همگی متضمّن معنای نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدیدآورندگی، گشایش‌دهندگی، کارگشایی، برطرف‌کنندگی، بازکنندگی، پیونددهندگی، آشکارکنندگی، نخستین آفرینی، نوآفرینی و امثال آن است که در آیات و روایات دیده می‌شود. البتّه جامع‌ترین نامی که دربردارنده همه مفهوم‌های فوق است، همان «ربّ» در «ربّ‌العالمین» است که نشان می‌دهد پروردگار، همه هستی و اجزای آن را از عدم با ابداع آفریده، پرورش داده و شکوفا کرده است.

قرآن در آیه ۲۹ سوره الرحمن می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». از این آیه، چنین استفاده می‌شود که خداوند پیوسته در حال نوآوری است. تفکّر در آفرینش و چرخه پیوسته حیات و ممات نیز ما را به نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌کند.

در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ و امّتش پدیده‌ای نو هستند و ویژگی نوشوندگی، زایندگی، بالندگی، فزایندگی و گستردگی را دارند. در اصل، ظهور دین‌های الهی به منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسان‌ها است. این مطلب از آیات متعدّدی برداشت می‌شود؛ از جمله آیه ۲۹ سوره فتح که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ اَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَرهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلا مِنَ اللهِ وَ رِضواناً سيماهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْراهِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الاِنْجِيلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوى عَلى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّراعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفّارَ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ امَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ اَجْراً عَظِيماً؛ محمّد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛ در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنها در تورات است و مَثَل آنان در انجیل این است. همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است

و بـه قـدری رشـد و نمـو کـرده کـه زارعـان را بـه شـگفتی وا مـی‌دارد. این، بـرای آن اسـت کـه کافـران را به خشـم آورده؛ (ولی) خداوند، کسـانی از آنها را کـه ایمان آورده و کارهـای شایسـته انجـام داده‌انـد، وعـده آمرزش و اجـر عظیمی داده اسـت».

ایـن مثـال جالـب و زیبـا که توصیفـی از تـورات و مثالی از انجیـل دارد، دربـاره یاران واقعـی پیامبـر اکرم ﷺ اسـت و از یک سـو، آنچـه را حکایت می‌کند که یـاران پیامبر اکـرم ﷺ متّصـف بـه آن بوده‌اند و از سـوی دیگر، به کسـانی که می‌خواهند مسـلمان حقیقـی و یـاور واقعـی پیامبـر اکـرم ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام باشـند، می‌آموزد کـه باید چه صفت‌هـا و ویژگی‌هایـی داشـته باشـند. «وَ مَثَلُهُـمْ فِـی الاِنْجِیـلِ کَزَرْع»، مَثَـل پیروان صـادق و مُخلـص پیامبـر اکرم ﷺ اسـت. در کتاب آسـمانی مسـیحیان، انجیـل، مَثَل مزرعـه و زراعتـی اسـت که ایـن ویژگی‌های پنج‌گانـه را دارد:

۱. «اَخْـرَجَ شَـطْئَهُ»: «شَـطَأ» در عربـی دو معنـا دارد: نخسـت، بـه جوانه‌هایـی گفتـه می‌شـود کـه کنـار گیاهـان یـا درختـان می‌رویـد و کم‌کـم رشـد می‌کنـد و مسـتقل می‌شـود. همچنیـن، بـه نـوزادان حیوانـات گفتـه می‌شـود کـه بـر اثـر زاد و ولـد زیاد می‌شـوند.[1] بنابراین، «شَـطَأ» بـه معنـای زایندگی، بالندگـی، فزایندگی، گسـتردگی و مانند آن اسـت.

نخسـتین ویژگـی تشـبیه یـاران پیامبـر اکرم ﷺ بـه زراعت، این اسـت کـه تنها و محـدود نیسـتند، بلکـه جوانه می‌زنند و زاینده هسـتند. بـه عبارت دیگـر، عقیم و نازا نسـیتند، بلکـه همواره در حـال تولید و تکثیر هسـتند.

۲. «فَـآزَرَهُ»: «آزر و مـوازرت»، بـه معنـای حمایـت و تقویّـت اسـت. «وزیـر» را بـه دلیـل اینکـه از «شـاه» حمایـت می‌کنـد و او را تقویّـت می‌کنـد وزیـر می‌نامنـد. امام علـی علیه‌السلام وزیـر پیامبـر اکرم ﷺ بـود؛ زیرا حامی آن حضـرت بـود و در راه تقویّت دین اسـلام تـلاش فراوانـی کرد.

زراعتـی کـه نـام بـرده شـد، نـه تنهـا رشـد و بالندگـی و زایندگـی دارد و جوانـه می‌زنـد، بلکـه همـواره از جوانه‌هـا حمایـت می‌کنـد و مانع‌هـا را از سـر راهـش برمـی‌دارد، نیازهایـش را بـرآورده می‌کنـد و تقویتـش می‌کنـد.

---

[1]. ر.ک: لغتنامه لسان‌العرب، ج۱، ص۱۰۰.

۳. «فَاسْتَغْلَظَ»: ویژگی سوّم مزرعه این است که جوانه‌های حمایت شده، کم‌کم محکم می‌شوند و در سایه حمایت و تقویّت مزرعه استحکام می‌یابند.
۴. «فَاسْتوی عَلی سُوقِهِ»: حمایت از جوانه‌ها و تقویّتشان تا آنجا که احساس استقلال کنند و روی پای خود بایستند، ادامه پیدا می‌کند. هنگامی که دوران وابستگی به سر بیاید، خودشان جوانه می‌زنند و جوانه‌هایشان نیز به همان شکل سابق مراحل سه‌گانه «حمایت»، «استحکام» و «استقلال» را سپری می‌کنند.
۵. «یُعْجِبُ الزُّراعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ»: تولید، رشد و تکثیر این مزرعه با برکت به قدری زیاد و چشم‌گیر است که کشاورزان را در حیرت فرو می‌برد؛ به‌گونه‌ای که از تعجّب، انگشت بر دهان می‌گذارند؛ زیرا برخی از درختان و گیاهان در مدّت کوتاهی سراسر باغ را پوشانده‌اند و در مقابل، کافران در خشم فرو می‌روند.
«وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنهُمْ مَغْفِرَةً وَ اَجْراً عَظِیماً».[1] خداوند متعال فقط به آن گروه از یاران و اصحاب پیامبر عظیم‌الشأن ﷺ وعده بخشش و اجر بزرگ داده است که نخست ایمان بیاورند و اعتقادات خود را اصلاح کنند؛ سپس اعمال و کردار شایسته داشته باشند؛ نه به همه یاران و اصحاب آن حضرت. کلمه «منهم»، به اصطلاح ادبای عرب «تبعیضیه» است و فقط برخی از اصحاب پیامبر مکرّم ﷺ را شامل می‌شود که صفاتشان در آیه آمده است و نه همه اصحابشان. طبق این آیه شریف، برخی از اصحاب پیامبر گرامی ﷺ به مزرعه‌ای زاینده و بالنده تشبیه شده‌اند و به دلیل ایمان و عمل صالحشان، خداوند به آنها بشارت «مغفرت» و «اجر عظیم» داده است.[2]
همچنین، شأن نزول آیه فوق، مصداق بارز نوآوری است که آثار فراوانی داشت؛ مانند داستان صلح حدیبیّه و نوآوری پیامبر اکرم ﷺ در برخورد با مشرکان و حرکت بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکّه و در هم شکستن همه تصوّرهای مشرکان که همان «فتح‌المبین» است.
قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ لاَ یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ».[3] بر اساس

[1]. فتح، آیه۲۹.
[2]. مکارم شیرازی، ناصر، مثال‌های زیبای قرآن، ص۲۱۸.
[3]. رعد، آیه۱۱.

مضامیـن ایـن آیـه می‌تـوان گفـت کـه سـنّت پـروردگار در ایـن اسـت که سرنوشـت دنیـا و آخـرت دگرگـون نمی‌شـود؛ مگر بـا پویایی، تغییـر و نوآوری انسـان‌ها.
همچنیـن، در آیـه‌ای دیگـر می‌فرمایـد: «وَ إِذا قیـلَ لَهُـمُ اتَّبِعُـوا ما أَنْـزَلَ اللهُ قالُـوا بَلْ نَتَّبِـعُ مـا أَلْفَیْنـا عَلَیْهِ آباءَنـا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُـمْ لا یَعْقِلُونَ شَـیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ؛ و چون به آنـان گفتـه شـود از آنچـه خدا نـازل کرده اسـت، پیروی کنیـد، می‌گویند نـه؛ بلکه از چیـزی پیـروی می‌کنیـم کـه پدران خـود را بـر آن یافته‌ایم. اگـر پدرانشـان چیزی را درک نمی‌کـرده و بـه راه ثـواب نمی‌رفته‌انـد، آیـا بـاز هـم در خور پیروی هسـتند؟»[1]
از منظـر قـرآن کریـم، نواندیشـی و نـوآوری در اندیشـه بـرای اصـلاح گذشـته، اصلی مسـلّم و ضـروری اسـت؛ زیـرا قـرآن تقلیـد از باورهـای باطـل و کهنه پدران را بسـیار نکوهـش کـرده اسـت و انسـان‌ها را به خـردورزی و یافتـن راه هدایت دعـوت می‌کند. قـرآن انسـان‌ها را بـه نواندیشـی در مسـیر هدایت دعـوت می‌کند تا هم خردهایشـان را بیـدار کنـد، هـم راه‌هـای تـازه‌ای فـراروی آنها بگشـاید. بـر همین اسـاس، در آیات زیـادی بـه فکـر، علـم، عقـل، تدبّـر، حکمـت، نـور و امثـال آن تأکیـد شـده اسـت و انسـان‌های هدایت‌شـده را مردگانـی زنـده شـده می‌دانـد و بـرای آنان نـور هدایت‌گر قرار داده اسـت.
قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «یَهْـدی بِـهِ اللهُ مَـنِ اتَّبَـعَ رِضْوانَـهُ سُـبُلَ السَّـلامِ وَ یُخْرِجُهُمْ مِـنَ الظُّلُمـاتِ إِلَـی النُّـورِ بِإِذْنِـهِ وَ یَهْدیهِـمْ إِلی صِراطٍ مُسْـتَقیمٍ؛ خداوند بـه برکت آن، کسـانی را کـه از خشـنودی او پیـروی کننـد، بـه راه‌های سـلامت، هدایـت می‌کند و بـه فرمـان خـود از تاریکی‌هـا به سـوی روشـنایی می‌بـردو آنها را به سـوی راه راسـت رهبـری می‌کند».[2]
همچنیـن، در جایـی دیگـر می‌فرمایـد: «أَوَ مَـن کَانَ مَیْتًـا فَأَحْیَیْنَـاهُ وَ جَعَلْنَـا لَـهُ نُورًا یَمْشِـی بِـهِ فِـی النَّـاسِ کَمَـن مَّثَلُـهُ فِـی الظُّلُمَـاتِ لَیْـسَ بِخَـارِجٍ مِّنْهَـا کَذَلِـکَ زُیِّـنَ لِلْکَافِرِیـنَ مَـا کَانُـواْ یَعْمَلُـونَ؛ آیا کسـی که مرده بود، سـپس او را زنـده کردیم و نوری برایـش قـرار دادیـم کـه با کمـک آن در میـان مردم راه برود، همانند کسـی اسـت که

[1]. بقره، آیه ۱۷۰.
[2]. مائده، آیه۱۶.

در ظلمت‌هـا باشـد و از آن خـارج نگـردد؟ این‌گونـه بـرای کافران، اعمال (زشـتی) که انجـام می‌دادنـد، تزیین شـده اسـت».[1]

قـرآن کریـم در آیـه ۱۰۴ مائـده می‌فرمایـد: «وَ إِذَا قِیـلَ لَهُـمْ تَعَالَـوْاْ إِلَی مَا أَنـزَلَ اللهُ وَ إِلَـی الرَّسُـولِ قَالُواْ حَسْـبُنَا مَـا وَجَدْنَا عَلَیْـهِ آبَاءنَا أَوَلَـوْ کَانَ آبَاؤُهُمْ لاَ یَعْلَمُونَ شَـیْئًا وَ لاَ یَهْتَـدُونَ؛ و چـون بـه آنـان گفتـه شـود به سـوی آنچـه خدا نـازل کرده اسـت و به سـوی پیامبـرش بیاییـد، می‌گوینـد؛ آنچـه پـدران خـود را بـر آن یافته‌ایـم مـا را بس اسـت. آیـا حتّـی اگر پدرانشـان چیـزی نمی‌دانسـتند و هدایـت نیافتـه بودند؟»[2]

«إِنَّ الَّذِیـنَ کَفَـرُواْ سَـوَاءٌ عَلَیْهِـمْ أَأَنذَرْتَهُـمْ أَمْ لَـمْ تُنذِرْهُـمْ لاَ یُؤْمِنُـونَ؛ در حقیقـت کسـانی را کـه کفـر ورزیده‌انـد چـه بیمشـان بدهـی و چـه بیمشـان ندهی، برایشـان یک‌سـان اسـت و ایمـان نخواهنـد آورد».[3]

بنابرایـن، نواندیشـی و پویایـی فکـری، جوهـره تفکّر دینی اسـت و ایسـتایی و جمود، نشـانه کفـر اسـت. قـرآن کریـم بـرای دانـش، پژوهـش، تولیـد علـم، فهـم عمیـق و اسـتنباط ارزش بسـیار زیـادی قائـل اسـت و مؤمنان را مکلّف کرده اسـت تا پیوسـته نیـاز علمـی و فکـری خـود را بـا تفقّه در دیـن به دسـت آورنـد؛ از ایـن‌رو، می‌فرماید: «وَ مَـا کَانَ الْمُؤْمِنُـونَ لِیَنفِـرُواْ کَآفَّةً فَلَـوْلاَ نَفَرَ مِن کُلِّ فِرْقَـةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَـةٌ لِّیَتَفَقَّهُواْ فِی الدِّیـنِ وَ لِیُنـذِرُواْ قَوْمَهُـمْ إِذَا رَجَعُـواْ إِلَیْهِـمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ؛ و شایسـته نیسـت مؤمنان همگـی [بـرای جهـاد] کـوچ کننـد. پـس، چرا از هـر فرقـه‌ای از آنـان دسـته‌ای کوچ نمی‌کننـد تـا [دسـته‌ای بماننـد و] در دیـن آگاهی پیدا کننـد و قوم خـود را وقتی به سـوی آنـان بازگشـتند، بیـم دهند؟ باشـد که آنـان [از کیفـر الهی] بترسـند».[4]

در شـریعت اسـلام بـر درک عمیـق و صحیـح دیـن تأکیـد زیـادی می‌شـود. آنـان کـه نمی‌داننـد بایـد از آنـان کـه می‌داننـد بپرسـند؛ زیـرا سـؤال‌کردن، خـود، ارزش اسـت؛ قـرآن کریـم در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «فَاسْـأَلُواْ أَهْـلَ الذِّکْـرِ إِن کُنتُـمْ لاَ تَعْلَمُونَ».[5] همچنیـن، خداونـد در آیه ۸۳ سـوره نسـاء دسـتور داده اسـت تا در صورت

---

[1]. انعام، آیه۱۲۲.
[2]. مائده، آیه۱۰۴.
[3]. بقره، آیه۶.
[4]. توبه، آیه۱۲۲.
[5]. نحل، آیه۴۳؛ انبیاء، آیه۷.

ناتوانـی در حـلّ مسـئله، نـزد کسـانی برویـد کـه توانایـی اسـتنباط (پویایـی، توانایی فکـری و علمـی) دارنـد. در حقیقـت، دعـوت بـه فکـر، نقـد، اندیشـه و خـردورزی در قـرآن، دعـوت بـه نـوآوری، پویایـی فکـری، شـکوفایی ذهنـی و علمـی، کشـف، فهم، ادراک مجهـولات و معلـوم کـردن نادانسته‌هاسـت.

در قـرآن کریـم مصداق‌هـای متعـدّدی از نوآوری برای شناسـاندن و آمـوزش دادن به مسـلمانان آمـده اسـت. در آیه ۳۱ سـوره مائـده، خداوند نحوه دفن جسـد هابیل را به واسـطه یـک کلاغ بـه قابیـل آمـوزش داده و می‌فرمایـد: «فَبَعَـثَ اللهُ غُرابـاً یَبْحَثُ فِی الْأَرْضِ لِیُرِیَـهُ کَیْـفَ یُـواری سَـوْأَهَ أَخیـهِ قـالَ یـا وَیْلَتـی أَ عَجَـزْتُ أَنْ أَکُونَ مِثْـلَ هذَا الْغُـرابِ فَـأُواریَ سَـوْأَهَ أَخـی فَأَصْبَـحَ مِـنَ النَّادِمیـن؛ سـپس خداوند زاغی را فرسـتاد کـه در زمیـن جسـتجو (و کنـدوکاو) می‌کـرد تا به او نشـان دهـد چگونه جسـد برادر خـود را دفـن کنـد. او گفـت: وای بر من! آیا من نتوانسـتم مثل این زاغ باشـم و جسـد بـرادرم را دفـن کنـم؟! سـرانجام (از ترس رسـوایی و بر اثر فشـار وجـدان، از کار خود) پشـیمان شد».

همچنیـن خداونـد در سـوره انبیاء، آیـه ۵۷ و ۵۸، نوآوری و ابتکار ابراهیـم را در بیدار کـردن فطـرت بت‌پرسـتان بیـان می‌کنـد و نقشـه او را مبنـی بـر شکسـتن بت‌هـا و قـراردادن تبـر بـر دوش بت بـزرگ، ابتکاری مؤثّـر بیان می‌کنـد؛ آنجا کـه می‌فرماید: «وَ تَـاللهِ لَأَکِیـدَنَّ أَصْنَامَکُم بَعْدَ أَن تُوَلُّـوا مُدْبِرِینَ* فَجَعَلَهُمْ جُـذَاذًا إِلَّا کَبِیرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَیْـهِ یَرْجِعُـونَ؛ بـه خـدا سـوگند، در غیـاب شـما، نقشـه‌ای بـرای نابـودی بت‌هایتان می‌کشـم. سـرانجام، ابراهیـم قهرمـان (بـا اسـتفاده از فرصتی مناسـب)، همـه آنها را، جـز بـت بـزرگ آنهـا، قطعه‌قطعـه کرد؛ شـاید سـراغ او بیاینـد (تـا او حقایـق را بازگو کند)».

خداونـد در سـوره کهـف، آیـه۹۲، نـوآوری ذوالقرنیـن را بیـان می‌کنـد که با سـاخت سـدّ، مانـع یأجـوج و مأجـوج می‌شـود و آن را رحمتـی از سـوی خـود می‌دانـد.

یکـی دیگـر از نمونه‌هـای بـارز نـوآوری و خلاقیّـت، کشـتی حضـرت نـوح علیه‌السلام اسـت. پـروردگاردر قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «وَ هِـیَ تَجْـری بِهِـمْ فی مَـوْجٍ کَالْجِبـالِ وَ نادی نُـوحٌ ابْنَـهُ وَ کانَ فـی مَعْـزِلٍ یـا بُنَـیَّ ارْکَـبْ مَعَنـا وَ لا تَکُنْ مَـعَ الْکافِرین؛ آن کشـتی،

آنها را از میان أمواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام،) نوح، فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد و گفت: پسرم! همراه ما سوار شو و با کافران مباش!».[1]

در پرتو همین آموزه‌های نورانی قرآن کریم بود که در موارد متعدّدی پیامبر ﷺ و مسلمانان، با ابتکار عمل و خلاقیّت خود، نوآوری‌های بزرگی کردند و تمدّن اسلامی را شکل دادند؛ از جمله حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ اُحُد و بسیاری از احکام و حِکَم که ائمّه معصومان علیهم‌السلام بیان کرده‌اند. در واقع، هدف اصلی پیامبر اکرم ﷺ از بعثت در فضای سنگین جاهلیّت و همه معارفی که آن پیامبر امّی برای بشر آورد، نوآوری در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه مادّی و معنوی زندگی انسان‌ها بود.

انقلاب اسلامی ایران نیز برگرفته از همین الگو است و نوآوری‌هایش حاصل تفکّر اسلامی است؛ اکنون آنچه در نظام مردم‌سالار دینی یا در راهبردها و رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشاهده می‌کنیم، از آثار این نوآوری‌ها در عرصه‌های گوناگون است. توفیق‌های نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های سنگین دشمنان، هشت سال دفاع مقدّس و... نیز در پرتوی همین خودباوری و نوآوری‌های برگرفته از آموزه‌های دینی و قرآنی است.

### ب) روایات

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده شد، در روایات و البتّه با تفصیل و تبیینِ به مراتب افزون‌تر در مورد نوآوری، خلاقیّت و شکوفایی، عوامل مؤثّر بر آن، شاخص‌ها، الزام‌ها و بایدها و نبایدهای آن، مطالب فراوانی آمده است. در اینجا، فقط به نمونه‌هایی از روایات متناسب با موضوع بحث اشاره می‌کنیم.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا یُدْرَکُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِینَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛

[1]. هود، آیه۴۲.

همـه خوبی‌هـا را بـا عقل می‌تـوان به دسـت آورد».[1]
امـام علـی علیه‌السلام فرمودنـد: «الْعَقْلُ غَرِیـزَةٌ تَزِیـدُ بِالْعِلْـمِ وَ التَّجَارِبِ؛ عقل غریزه‌ای اسـت کـه با علـم و تجربـه رشـد می‌کند».[2]
امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ؛ انسان با عقلش، انسان است».[3]
همچنین آن حضرت فرمودند: «الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ؛ فکر آینه‌ای بدون زنگار است».[4]
امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام می‌فرماینـد: «مَـنْ أَسْـهَرَ عَیْـنَ فِکْرَتِـهِ بَلَـغَ کُنْـهَ هِمَّتِهِ؛ کسـی که چشـم اندیشـه‌اش را بیـدار بـدارد، بـه نهایت مطلوبـش خواهد رسـید».[5]
مـولای متّقیـان، امـام علـی علیه‌السلام فرمودند: «یَـا کُمَیْلُ! مَا مِـنْ حَرَکَـةٍ إِلَّا وَ أَنْـتَ مُحْتَاجٌ فِیهَـا إِلَـی مَعْرِفَـةٍ؛ ای کمیـل! هیـچ حرکتـی نیسـت، مگـر آنکـه تـو در آن محتـاج شناخت هسـتی».[6]
امیرمؤمنـان، امـام علـی علیه‌السلام فرمودند: «کَثْـرَةُ النَّظَرِ فِی الْعِلْـمِ یَفْتَحُ الْعَقْـلَ؛ نظر فراوان در علـم، عقل را روشـن می‌کند».[7]
آن حضـرت فرمودنـد: «کَثْـرَةُ النَّظَرِ فِـی الْحِکْمَهِ تَلْقَـحُ الْعَقْلَ؛ نظر فـراوان در حکمت، عقـل را بـارور می‌کند».[8]
در جایـی دیگـر امـام علـی علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّمَـا الْبَصِیرُ مَنْ سَـمِعَ فَفَکَرَ وَ بَصُـرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَـعَ بِالْعِبَـرِ ثُـمَ سَـلَکَ جَدَداً وَاضِحـاً یَتَجَنَّبُ فِیـهِ الصَّرْعَـةَ فِی الْمَهَـاوِی؛ اهل بینش کسـی اسـت که بشـنود، بیاندیشـد و ببیند و با بینـش در آن درنگ کنـد، از رخدادها پنـد گیـرد، بهره‌مند شـود و خـود را از پرتگاه‌ها نـگاه دارد».[9]
پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودنـد: «تَذَاکَـرُوا وَ تَلَاقَوْا وَ تَحَدَّثُوا فَـإِنَ الْحَدِیثَ جِـلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُـوبَ لَتَرِیـنُ کَمَـا یَرِیـنُ السَّـیْفُ جِلَاؤُهَـا الْحَدِیثُ؛ به یـاد هم آورید، بـا هم مباحثه کنیـد و دربـاره مسـائل گوناگـون سـخن بگوییـد؛ زیـرا سـخن‌گفتن دل‌هـا را صیقـل

[1]. بحارالانوار، ج۷۴، ص۱۶۰.
[2]. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص۵۳.
[3]. همان، ص۴۹، ح۲۹۵.
[4]. نهج البلاغه، سیّدرضی، ص۵۳۸.
[5]. غررالحکم، ص۵۷.
[6]. بحارالأنوار، ج۷۴، ص۲۶۹.
[7]. قطب‌الدّین راوندی، الدعوات، ص۲۲۱.
[8]. بحارالانوار، ج۷۵، ص۲۴۷.
[9]. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۹، ص۱۵۷.

می‌دهـد. به‌راسـتی کـه دل‌هـا زنـگار می‌گیـرد، چنان‌کـه شمشـیر زنـگار می‌گیـرد و جـلای دل‌هـا، سـخن‌گفتنِ خوب اسـت».[1]

پیامبـر اسـلام ﷺ فرمودنـد: «مَـنِ اسْـتَوَى يَوْمَـاهُ فَهُوَ مَغْبُـونٌ وَ مَـنْ كَانَ آخِـرُ يَوْمَيْهِ شَـرَّهُمَا فَهُـوَ مَلْعُـونٌ وَ مَـنْ لَـمْ يَعْرِفِ الزِّيَـادَةَ فِي نَفْسِـهِ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْـرَبَ وَ مَنْ كَانَ إِلَـى النُّقْصَـانِ أَقْـرَبَ فَالْمَـوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاهِ؛ اگر کسـی دو روزش برابر باشـد، مغبـون اسـت. اگـر فردای کسـی بدتـر از امروزش باشـد، ملعون اسـت. اگر کسـی در پـی تـدارک کاسـتی در عمـل خود نباشـد، کاسـتی در عقلش خواهد بود و اگر کسـی در عمـل و عقل کاسـتی داشـته باشـد، عدمـش از وجودش بهتر اسـت».[2]

امـام علـی ؑ فرمودنـد: «أَدَلُّ شَـيْءٍ عَلَـى غَـزَارَهِ الْعَقْـلِ حُسْـنُ التَّدْبِيـرِ؛ محکم‌ترین دلیـل بـر کمـال عقـل، تدبیر نیکو (سـنجیده و حسـاب شـده) اسـت».[3]

[1] . الکافی، ج۱، ص۴۱.
[2] . دیلمی، ارشادالقلوب، ج۱، ص۸۷.
[3] . غررالحکم، ص۳۵۴، ح۸۰۸۰.

### » ضرورت‌های نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد

اگـر بخواهیـم هر برنامه‌ای درسـت اجرا شـود و بازدهی مورد نظر را داشـته باشـد، طـرح و برنامـه‌ای بـرای تبیین و تشـریح الگوها، هدف‌هـا و شـاخصه‌های فعّالیّت‌های امـور لازم اسـت تـا در طـول مسـیر با سـر در گمـی و انحراف از مسـیر اصلـی مواجه نشـویم. در غیـر ایـن صـورت، خلاف مطلوب به دسـت خواهد آمد. مسـئله نـوآوری و شـکوفایی در ابعـاد گوناگـون و در رشـته‌های مختلـف نیازمند کارشـناس و متخصّص همـان رشـته اسـت تـا بـا داشـتن تصویـر درسـت از نـوآوری و شـکوفایی، بـه مدوّن کـردن شـاخصه‌ها، برنامه‌ریـزی و طراحـی پرداخته شـود. بـه عنوان مثال، بـه منظور نـوآوری و شـکوفایی برنامـه آموزشـی و تعلیـم و تربیـت، نخسـت کارشناسـان بایـد شـاخصه‌های نـوآوری در ایـن راسـتا را شناسـایی و الگویـی درسـت ترسـیم کننـد و سـپس، مربّیـان و معلّمـان آن را دنبـال کنند.

بنابرایـن، در نـوآوری و شـکوفایی در تعلیـم و تربیـت در مسـجد کـه بیشـتر بـه فعّالیّت‌هـای قرآنـی و علـوم دینـی می‌پـردازد، نیازمنـد طـرح و برنامه‌ای هسـتیم که بیانگـر شـاخصه‌های نـوآوری و شـکوفایی باشـد؛ امّا قبـل از طراحـی و برنامه‌ریزی در راسـتای تعلیـم و تربیـت در مسـجد، ضـروری اسـت شـاخصه‌های نـوآوری مطلوب و مـورد نظـر مقـام معظّم رهبری شناسـایی شـود تا به نتیجـه مؤثرتر و مفیدتر برسـیم.

### » شاخصه‌های نوآوری از منظر مقام معظّم رهبری

نـوآوری مطلـوب و مدّنظـر رهبـر معظّـم انقلاب مختصاتـی دارد که بـه نتایج مفید و مؤثّـری منتهـی و مانع برداشـت‌های غلط می‌شـود. پـاره‌ای از شـاخصه‌های نوآوری مطلوب عبارت اسـت از:

۱. نـوآوری در عرصـه فکـری و فلسـفی بایـد در مسـیر دیـن مبین اسـلام باشـد و درسـت مقابـل بدعت‌هـا، تحریف‌هـا، خرافه‌هـا و تحجّرگرایی‌هـا قـد علـم کنـد.

۲. نـوآوری مطلـوب نـه تنها هنجارشـکن و ساختارشـکن نیسـت، بلکـه در جایگاه هنجـار مطـرح می‌شـود تـا اسـلام و انقـلاب را زنـده و پویا نگـه دارد.

۳. نوآوری مطلوب در چارچوب اصول، سنّت‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

۴. نـوآوری در روش و شـیوه‌های اجرایـی بـر اسـاس تجربه‌هـا صـورت می‌گیـرد تا راه میان‌بـر بـرای رسـیدن بـه مقصود باشـد، نـه اینکه بیراهه باشـد.

۵. نـوآوری مؤثّـر بایـد در راسـتای نوآوری‌های گذشـته و مکمّل آن باشـد. چنانچه اصـل انقـلاب و جمهـوری اسـلامی نـوآوری به‌حسـاب می‌آید و سـایر نوآوری‌هـا باید مکمّل آن باشـد.

## » مخاطبان اصلی نوآوری و شکوفایی

به نظر می‌رسد سه طیف مخاطب اصلی و مجری نوآوری باشند:

۱. مربّیان، معلّمان و متولّیان مسجدها؛

۲. مسئولان و مدیران عالی جامعه؛

۳. نخبگان و خواصّ.

هر یک از گروه‌های اجتماعی ذکرشده نیز می‌توانند در (حداقل) سه حوزه نوآوری داشته باشند:

۱. حوزه فردی؛

۲. حوزه مدیریتی و تحت امر؛

۳. حوزه اجتماعی و ملّی.

بنابراین، مسجد در جایگاه کانون تعلیم و تربیت، در هر یک از حوزه‌هایی که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد می‌تواند نوآوری داشته باشد:

### الف) در حوزه فردی

در فرهنگ اسلام، مسجد نهادی مقدّس و کانون تربیت است و بیشترین نقش خودسازی و جامعه‌سازی مورد نظر اسلام را برعهده دارد. در حوزه‌های ذکرشده، مسجد می‌تواند در این موردها نوآوری داشته باشد:

۱. نوآوری در برقراری ارتباط با خالق و تقرّب جستن به او؛

۲. نوآوری در شیوه‌های تعامل مفید و وحدت‌آفرین افراد جامعه و محکم‌کننده پایه‌های اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی؛

۳. نوآوری در چگونگی تهذیب نفس و خودسازی.

### ب) در حوزه مدیریتی

مربّیان و متولّیان مسجدها، در حوزه مدیریتی تحت امر خود و در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، در این امور سه‌گانه می‌توانند نوآوری داشته باشند:

۱. نوآوری در برنامه‌ریزی؛

۲. نـوآوری در سـاختار، تشـکیلات هیئت‌هـا و دسـته‌ها کـه احیاکننـده و حافـظ دسـت‌آوردهای فرهنـگ اسـلام اسـت؛

۳. نـوآوری در روش‌هـای اجرایـی شـدن برنامه‌هـا و طرح‌هـا، به‌گونـه‌ای که سـدّی بـر بهانه‌جویـی دشـمن و متّهـم کردن اسـلام به خرافات باشـد.

## ج) حوزه اجتماعی و ملّی

گرچـه نـوآوری در سـطح کلان ایـن حوزه به متصدّیـان و نخبگان عالی‌رتبه کشـور مربـوط می‌شـود، امّـا هـر کـس بایـد در حـوزه کاری خـود بـه این امـر توجّه داشـته باشـد. در ایـن راسـتا، مسـجد، رسـانه‌ای سـنّتی اسـت و در اطّلاع‌رسـانی چهـره بـه چهـره و آگاهـی‌دادن و به صحنه کشـاندن مـردم نقش مهم خـودش را دارد؛ بنابراین، سـخنوران مسـجد، می‌تواننـد راهکارهای نـوآوری را در یکی از موارد زیـر ارائه دهند:

۱. نوآوری در حیطه زندگی و کار؛

۲. نوآوری در سطح محلّی و منطقه‌ای؛

۳. نوآوری در سطح شهری و کشوری.

## » مسجد، کانون نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت

یکی از مکان‌های مؤثّر و مفید برای نوآوری و شکوفایی در حوزه اجتماعی، در سطح محلّی، منطقه‌ای یا شهری، مسجد است؛ زیرا در طول تاریخ ـ از صدر اسلام تاکنون ـ مسجد کانون آموزش علوم دینی و به‌ویژه علوم قرآنی بوده است؛ ولی این آموزش‌ها تاکنون به صورت سنّتی بوده است و آن‌گونه که شایسته بود، مورد توجّه قرار نگرفته و برای آن برنامه‌ریزی نشده است تا جذّابیت و کارآیی خوبی برای اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه برای جوانان، داشته باشد.

بیشتر وقت‌ها اصول، هدف‌ها، رویکردها، کلّیات آموزش‌ها و فعّالیّت‌های قرآنی مفروض گرفته می‌شود؛ در نتیجه نوآوری‌ها فقط معطوف به عوامل و اجزای فرعی شده و ظاهرسازی می‌شود. برای مثال، رنگ‌آمیزی، نقاشی و تنوّع در زینت مسجد بیشتر مورد توجّه قرار می‌گیرد. گرچه این امر نیکو و بجاست، امّا هیچ‌گاه به درجه اهمّیت آموزش و تعلیم و تربیت در مسجد نمی‌رسد.

نوآوری در تعلیم و تربیت نیازمند آن است که:

۱. از جدیدترین ابزارهای آموزشی استفاده شود؛

۲ . متن‌های درسی و مواد آموزشی که قرار است در مسجد تعلیم داده شود، کارشناسی شود و مطابق با نیازهای دانش‌آموزان مسجدی تدوین گردد؛

۳. سبک و شیوه آموزش باید به‌روز باشد و از شیوه‌های قدیمی پرهیز شود که تاکنون بازدهی موفّقی نداشته است.

## » اهدف اصلی تعلیم و تربیت در مسجد

بررسی هدف‌های تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه، تعلیم و تربیت افرادی است که با اتّکا به نیروی اراده و تعقّل خویش، منطقی بیندیشند و به جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای دیگران، در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خود، مولّد دانش و فنّاوری برای زندگی در عصر طلایی باشند. در طول تاریخ، کانون تربیت چنین افرادی در اسلام، مسجد بوده است. با توجّه به فراگیر بودن دین مقدّس اسلام و دخیل بودن آن در ابعاد گوناگون زندگی انسان، مسئله تعلیم و تربیت در مسجد نیز ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد. هدف اصلی از تعلیم و تربیت در مسجد، آموزش انسان‌ها در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... است. در صدر اسلام، مسجد کارکردهای فراوانی در زمینه‌های مختلفی داشته است؛ امّا امروز به دلیل به وجودآمدن کانون‌ها و مراکز جدید، بسیاری از کارکردهای مسجد در این مکان‌ها انجام می‌شود و به مسجد در جایگاهِ مکانی برای عبادت و تقرّب جستن به خدای تعالی نگاه می‌کنند؛ در حالی که در فرهنگ اسلام، مسجد نقش به‌سزایی در متحوّل کردن بنیادهای زندگی افراد داشته است. بنابراین، مسجد می‌تواند در تحوّل عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و رفتاری افراد جامعه مؤثّر باشد.

گرچه با ایجاد کانون‌های فرهنگی این مقوله کم‌رنگ شده است؛ امّا حداقل آموزش‌های قرآنی نیز همانند سابق در مساجد ادامه دارد. نوآوری در شیوه آموزش‌های قرآنی، اولویّت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در اسلام، مسجد از همان نخست، محلّ آموزش برترین کتاب الهی، یعنی قرآن بوده است. از این‌رو، باید برای شکوفا شدن هر چه بیشتر تعلیم قرآن، ترویج فرهنگ قرآن‌خوانی در مسجد و گسترش آن در سطح کلّی جامعه چاره‌اندیشی کرد. البتّه باید این نکته را بیان کرد که مراد از قرآن‌خوانی، فقط روخوانی صرف و بهره نبردن از معنا و فهم عمیق این کتاب مقدّس نیست، بلکه هدف نهایی، فهمیدن قرآن و پیاده کردن معارف تربیتی آن کتاب مقدّس در زندگی است. در این‌باره باید به چند چیز توجّه شود:

## ۱. توجّه به فرهنگ آموزش قرآن

امـروزه در دنیـا، به خصوص در کشـورهای پیشـرو، نـگاه به مقوله آمـوزش، نگاه به رویـدادی فرهنگـی اسـت. توجّه به فرهنگ آموزش قرآن در کشـورهای مشـرق‌زمین، نیـازی اساسـی اسـت؛ زیـرا این کشـورها، از جملـه ایران، بسـیاری از رفتارهـا و حتّی افـکار خـود را از فرهنـگ، ادبیات، عرفـان و ادیان خود به‌دسـت می‌آورنـد. عدم توجّه بـه فرهنگ‌سـازی در امـر آمـوزش و یادگیـری، باعـث می‌شـود تعلیـم و تربیت عمیق نباشد.

## ۲. قرآن‌خوانی مقدّم بر قرآن‌دانی

بـه ایـن مثـال توجّـه کنید: فرض کنید شـما کـودک خـود را برای یادگیـری نماز بـه مسـجد یـا کانـون فرهنگـی می‌فرسـتید؛ او در مـدّت کوتاهـی بـا صحیح‌خوانـی، فصیح‌خوانـی، تلفّـظ حـروف خـاصّ عربـی، ترجمـه عبارت‌هـای نمـاز، آداب، شـرایط و احـکام عملـی نمـاز آشـنا می‌شـود؛ امّـا کـودک، در آموزش‌هـا، بـه ایـن مسـئله نمی‌رسـد کـه بایـد در طـول زندگـی نمـاز بخوانـد. هر سـاله اعتبـارات زیـادی صرف آمـوزش قـرآن بـه بزرگسـال، معلّمـان و... می‌شـود. بـا کمی دقّـت متوجّه می‌شـویم کـه ایـن نـوع آموزش‌هـا از اسـاس زائـد اسـت و سـود چندانی نـدارد.

آمـوزش روخوانـی قـرآن، هـدف کلاس اوّل تـا سـوّم ابتدایـی اسـت؛ در حالـی که آمـوزش عالـی بـرای دانشـجویان دوره‌های کاردانـی، کارشناسـی و کارشناسی‌ارشـد یـک واحـد پیش‌نیـاز آموزش روخوانـی برگزار می‌کنـد یا آموزش و پرورش همه‌سـاله دوره‌هـای متعـدّدی بـرای فرهنگیـان برگـزار می‌کنـد؛ امّا همانند گذشـته مشـکل به قـوّت خـود باقـی اسـت. مشـکل در نداشـتن قواعـد قرآنی نیسـت، بلکه در این اسـت کـه افـراد در اصـل، قرآن نمی‌خواننـد و اینکه قـرآن خواندن روزانه، در طـول زندگی، بـه صـورت فرهنـگ و رفتـار در نیامده اسـت. همه مـا نمـاز می‌خوانیم؛ زیـرا از همان دوران کودکـی کـه چشـم خـود را باز کردیـم، دیدیم پـدر و مادرمان نمـاز می‌خوانند یـا پـدر و مـادر خـود را مشـغول خـوردن سـحری دیدیـم، در حالـی که رادیـو دعای سـحر را زمزمـه می‌کـرد؛ در نتیجـه، همـه روزه‌گیـر شـدیم. امّـا کـودکان چندبـار ما

را مشـغول خوانـدن قـرآن دیده‌انـد؟ آنچـه متولّیـان، برنامه‌ریـزان و مجریـان بایـد به آن توجّـه کننـد، همیـن مطلـب اسـت. اجرای طـرح تلاوت نـور در مسـجدها، یکی از طرح‌هـای موفّـق اسـت کـه باید بیشـتر مـورد توجّـه و تعمیم قـرار گیرد.

### ۳. از مسجد شروع کنیم

اگـر نمازگـزاران مسـجد، در سراسـر کشـور، روزی یـک صفحـه قـرآن بخوانند، در فهـم آیـات سـاده و پرکاربـرد آن کوشـش و تدّبر کنند، امـام جماعت انجـام همه‌روزه ایـن کار را نهادینـه کنـد و از قاریـان برجسـته در مسـجدها دعـوت شـود تـا قـرآن را بـا صـدای دلنشـین زمزمـه کنند و بقیّـه نمازگـزاران نیـز او را همراهی کننـد، به‌طور قطـع آثـار و بـرکات قرآن شـامل حـال حاضران خواهد شـد.

قـرآن را نبایـد بـرای ختم‌کـردن، نکته‌بـرداری و اسـتفاده در سـخنرانی‌ها بخوانیـم، بلکـه بایـد بـرای دل خـود بخوانیم و مانند کسـی که بـرای یافتـن داروی درد خود به داروخانـه مـی‌رود، دنبـال دوای دردهایمـان در قرآن باشـیم؛ زیرا هدایـت، ثمره قرآن اسـت و قـرآن در این مـورد می‌فرمایـد: «تَعَلَّمُوا الْقُـرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِیـعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْـفُوا بِنُـورِهِ فَإِنَّـهُ شِـفَاءُ الصُّـدُورِ؛ قـرآن را بیاموزیـد، زیرا قرآن بهـار دل‌هاسـت. از نور قرآن شـفا بجوییـد؛ زیرا که شـفای سـینه‌ها اسـت».[۱]

آمـوزش روخوانـی و روان‌خوانـی صـرف یـا کلاس حفظ قـرآن و آمـوزش قرائت، به تنهایـی، نمی‌توانـد پاسـخگوی نیازهای مختلف دانش‌آموزان و فراگیران باشـد. شـاید یکـی از رمزهـای جاودانگـی و جذّابیت مجلس‌هـای عزاداری حضرت سیّدالشّـهدا علیه‌السلام یـا مراسـم شـب‌های احیـاء، همیـن تنـوّع برنامه‌هـا و فعّالیّت‌هـا باشـد کـه بایـد در آمـوزش قـرآن و تعلیـم و تربیت در مسـجد نیـز بـه آن توجّه کرد.

### ۴. فعّالیّت‌های فوق برنامه باید مکمّل برنامه درسی قرآن باشد

دانش‌آمـوزان در حالـی در مسـابقه‌های قرآنـی و معارف اسـلامی شـرکت می‌کنند کـه محتـوای پیش‌بینی‌شـده مسـابقه را در مدرسـه آمـوزش نمی‌بیننـد. در مقابـل،

[۱]. آمدی، تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص۱۱۲.

محتـوای کتاب‌هـای درسـی قـرآن، دینـی و سـایر کتاب‌هـا کمتـر در مسـابقه‌ها می‌آیـد؛ کتاب‌هایـی کـه پژوهشـگران دفتـر برنامه‌ریـزی و تألیـف کتاب‌های درسـی، بـا دقّـت فـراوان و متناسـب بـا نیازهـا و علائـق دانش‌آمـوزان، طراحی کرده‌انـد. برای مثـال، مسـابقه‌های قرائـت و حفـظ قـرآن کـه یـک فعّالیّـت قرآنـی تخصّصی اسـت، هیـچ‌گاه جـزء هدف‌هـای کلان آمـوزش و پـرورش نبـوده اسـت. در مقابـل، کسـب مهـارت روخوانـی و روان‌خوانـی قـرآن از هدف‌هـای اصلـی آمـوزش قـرآن در دوره ابتدایـی اسـت. بنابرایـن بسـیار شایسـته اسـت کـه مربّیـان قرآن‌آمـوز مسـاجد بـه جـای برگـزاری مسـابقه‌های قرائـت و حفظ، مسـابقه‌های روخوانی (بـرای کلاس‌های اوّل تـا سـوّم) و روان‌خوانـی (بـرای کلاس‌هـای چهـارم و پنجـم) برگـزار کننـد یا در دوره راهنمایـی بـه مسـابقه‌های روان‌خوانـی (ترتیـل آموزشـی) و درک و فهم آیات و عبارت‌هـای قرآنـی اهمّیـت داده شـود.

## ۵. مهارت‌آموزی به جای قاعده آموزش

علّـت مهجوریّـت قـرآن در جامعـه ایـن نیسـت کـه افـراد بـا قواعـد روخوانـی و روان‌خوانـی آشـنا نیسـتند، بلکـه اشـکال ایـن اسـت کـه در اصـل، افـراد بـا قـرآن مأنـوس نیسـتند. یکـی از راهکارهـای مهـم در ایـن زمینـه، توجّـه بـه مهارت‌آمـوزی بـه جـای قاعده‌آمـوزی اسـت. در جلسـه‌های موفّـق و معتبـر قـرآن، روش حاکـم، مهارت‌آمـوزی اسـت. اسـتاد در صدر جلسـه می‌نشـیند و افـرادی که در حلقـه انس با قـرآن نشسـته‌اند، هـر یـک چند آیـه می‌خوانند و اسـتاد اشـکال‌های آنـان را موردی و تلگرافـی برطـرف می‌کنـد؛ امّـا در مـدارس و کلاس‌هـا، قواعـدِ قرآن محـورِ آموزش اسـت. در ایـن کلاس‌هـا معلّـم ارتباط یک‌سـویه دارد و به‌طـور معمـول، متکلّم وحده می‌شـود و آنچـه بیـش از همـه مـورد غفلـت قـرار می‌گیـرد، کم‌خواندن قرآن اسـت.

## ۶. اجرای کامل برنامه درسی قرآن

مهم‌تریـن عامـل در موفّـق نبـودن برنامه‌هـا و طرح‌هـا، از جملـه برنامـه درسـی قـرآن در آمـوزش و پـرورش و به‌ویـژه در دوره ابتدایـی، اجرا نکردن کامـل برنامه‌های

پیش‌بینی شـده اسـت. در برنامه درسـی قرآن، سـه عامل مهم که در ادامه می‌گوییم بایـد بـه صـورت هم‌عـرض اجرا شـود تـا هدف‌ها محقّق شـود:

۱. معلّمـان و مربّیـان قرآن‌آمـوز مسـاجد، بایـد با ابعـاد و اجزاء برنامه درسـی قرآن آشـنا شـوند و مهـارت لازم را در آمـوزش قرآن به دسـت آورند؛

۲. بایـد وسـایل آموزشـی (ازقبیـل لـوح آموزشـی، نـوار آمـوزش قـرآن معلّـم و دانش‌آمـوز، کتـاب راهنمـای تدریـس معلّـم و ضبط‌صوت) فراهم باشـد تـا آموزش با اختـلال رو بـه رو نشـود؛

۳. بـه نقـش خانـواده در آمـوزش توجّـه شـود؛ زیـرا بیـش‌از یک‌پنجـم آمـوزش بر عهـده خانواده اسـت.

## ۷. خانواده و زمینه‌های لازم آموزش قرآن

مـواردی کـه خانواده‌هـا بایـد توجّـه کننـد تـا زمینه‌های لازم بـرای آمـوزش قرآن فراهـم شـود، در مقدّمـه هر یـک از کتاب‌های درسـی دانش‌آموزان آمده اسـت. خوب اسـت معلّمـان در آمـوزش خانواده به این شـیوه عمـل کنند:

پدر و مادر به مدرسه دعوت شوند و در کلاس درس قران حضور یابند؛

- نمونـه‌ای از روش آمـوزش قـرآن بـا حضـور دانش‌آمـوزان بـرای خانواده‌هـا اجـرا شـود تـا آنهـا بـا تـلاوت و ریزه‌کاری‌هـای آمـوزش آشـنا شـوند؛
- موارد گفته شده در مقدّمه کتاب برای آنها بازگو شود؛
- با خانواده‌ها میثاق شـفاهی بسـته شـود کـه روزی یک صفحه قـرآن بخوانند تـا این فرهنگ به کـودکان آنها منتقل شـود.

## ۸. فراگیرکردن قرآن‌خوانی

مربّیـان و معلّمـان مسـجدها، حوزه‌های علمیه، سـازمان صدا و سـیما، نهضت قرآن آمـوزی، سـازمان تبلیغات اسـلامی، مرکز توسـعه و ترویج فعّالیّت‌هـای قرآنی و وزارت آمـوزش و پـرورش بایـد بـه ایـن نکته توجّـه کننـد کـه متأسّـفانه رونـد فعّالیّت‌های قرآنـی بـه جـای عمومـی شـدن بـه سـوی تخصّصی شـدن حرکـت می‌کند و شـاهد

ایـن مسـئله هسـتیم کـه روز به روز ارتبـاط عموم مردم با قـرآن کمتر می‌شـود. البتّه ایـن مطلـب به معنـای کنار گذاشـتن فعّالیّت‌هـای تخصّصی نیسـت، بلکه بایـد توجّه شـود تـا فعّالیّت‌هـای تخصّصـی روز بـه روز سـاده‌تر و عمومی‌تـر شـود. بـه خصـوص مراکـزی کـه در ایـن زمینـه مسـئولیّت اصلی و مسـتقیم را دارنـد، بایـد در هدف‌ها و روش‌هـای خود تجدیدنظـر کنند.

### » پیش‌نیازهای زمینه‌ساز نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

پیش‌نیازهـای مهمّـی وجـود دارد کـه زمینه‌سـاز نـوآوری و شـکوفایی تعلیـم و تربیـت در مسـجد اسـت، بـه عنـوان نمونـه بـه مـوارد زیـر توجّـه نمائیـد:

- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی بین افراد جامعه، با کمک مسجدها؛
- برگزاری کلاس‌های احکام، اخلاق و قرآن به شیوه نو و جذّاب؛
- برگزاری کلاس‌های هنری برای جوانان، در مسجد؛
- برگزاری کلاس‌های آموزش رایانه برای استفاده از علوم اسلامی؛
- برگزاری کلاس‌های روش تحقیق، تبلیغ، سخنرانی و مدّاحی؛
- پخش سی‌دی‌های مذهبی بین جوانان و کودکان؛
- برگزاری نماز جماعت دانش‌آموزان؛
- فراخوانی والدین دانش‌آموزان و کمک‌گرفتن از آنان در امرآموزش؛
- تأسـیس و بازسـازی کتابخانه‌هـای مسـجدها، متنوّع‌کـردن کتاب‌هـای موجـود در مسـجدها مطابـق بـا سـطح فکـری اقشـار مختلـف جامعـه؛
- ارتباط دوسویه مسجدها با سایر کانون‌های فرهنگی؛
- دعـوت دانش‌آمـوزان مـدارس و آموزشـگاه‌ها بـه مسـجد در مناسـبت‌ها و عیدهای اسـلامی؛
- امکان دسترسی آسان مردم به امکانات فرهنگی مسجد؛
- زیباسازی مسجدها.

## » راهکارهای عملی در اجرای طرح نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

آنچه در تحقّق نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد درخور توجّه است، داشتن برنامه‌های نو در قالب شیوه‌های اجرایی جدید و در سطح کلان مسجدهای کشور و همچنین، تلاش برای شکوفاکردن تلاش‌های گذشته است که به مقدّمات زیادی نیاز دارد و نبودن بسترها، امکان تحقّق آن را از ذهن دور می‌کند.

بنا بر سخنان رهبر معظّم انقلاب، یکی از مقدّمه‌های لازم برای تحقّق نوآوری، بسترسازی برای نوآوری است که امامان جمعه و جماعت می‌توانند نقش بسیار مهمّی در اجرای آن داشته باشند. به عنوان نمونه، برخی از این نقش‌ها در ادامه بیان می‌شود:

۱. امامان جمعه و جماعت باید در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور فضای آرام روانی ایجاد کنند و از تنش‌ها و چالش‌های ساختگی و حاشیه‌ای بپرهیزند که جز اتلاف وقت هیچ دردی را دوا نمی‌کند.

۲. کشاندن همه مردم به صحنه نوآوری و شکوفایی، به‌ویژه تعلیم و تربیت در مسجد امری ضروری است؛ امیدواریم با عزم ملّی و اراده جمعی، در اجزای مختلف آموزشی و در مساجد فضای نوآوری حاکم گردد.

۳. هماهنگ‌کردن مسئولان، مدیران و نخبگان تا نوآوری مطلوب در فضای جامعه گسترش یابد.

۴. اجرایی‌کردن نگاه فراجناحی حزب‌ها و تشکّل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره آن به نفع گروه یا جناحی خاصّ.

۵. شناسایی نقصان و کاستی‌های موجود در سیستم‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت که تاکنون وجود داشته است و بن‌بست‌ها و کمبودها در معرض دید عموم قرار گیرد تا برای رفع آنها چاره‌جویی شود.

۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه نوآوری‌ها و فراخوانی مدیرِ مدبّر و موفّق در سیستم تعلیم و تربیت در مساجد.

۷. پرهیز از بلندپروازی‌ها جهت عملیاتی‌کردن طرح‌ها.

۸. شناسایی تناسب نوآوری‌ها با ظرفیّت‌ها و امکانات موجود مساجد مختلف کشور و متناسب بودن آنها با سطح فکری اهالی آن منطقه.

۹. تلاش شود تا نوآوری بر اساس مطالبات عمومی جامعه باشد و به دور از افزایش نیازها و غیرواقعی‌کردن آنها باشد.

۱۰. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو، به‌ویژه طرح‌هایی که از سوی جوانان ارائه می‌شود.

۱۱. تلاش برای فراگیرکردن نوآوری.

از یک نگاه، همه جامعه مخاطب رهبر معظّم انقلاب هستند و هر کس باید به اندازه توان خود، در جهت رسیدن به نقطه مطلوب، تلاش کند. گرچه نخبگان جامعه بیش از دیگران مورد خطاب قرار می‌گیرند.

### » آسیب‌شناسی نوآوری و شکوفایی در نظام تعلیم و تربیت مسجد

ممکـن اسـت نـوآوری و شـکوفایی واقعـی، در نظـام تعلیـم و تربیـت مسـجد، بـا مانع‌هایـی مواجـه شـود کـه توجّـه نکردن بـه آنهـا موجب انحـراف یا سـطحی نگری می‌شـود. از ایـن‌رو، لازم اسـت بـا نگاهـی آسیب‌شناسـانه مانع‌ها را شناسـایی کنیم و بـرای رفـع آنهـا بکوشـیم. در ادامـه بـه برخـی از ایـن مانع‌هـا اشـاره می‌کنیم:

۱. جزئـی نگـری به‌جـای کلان نگـری: مشـغول شـدن بـه امـور فرعـی و اشـتغال ذهـن بـه مسـائل جزئـی سـبب می‌شـود مسـائل و هدف‌هـای اصلـی تعلیـم و تربیت فرامـوش شـود و بـه نتیجـه‌ای مطلوب نرسـیم.

۲. بخشـی نگـری و مصـادره بـه مطلـوب: سـوق‌دادن نوآوری‌هـا بـه حوزه‌هـای خـاصّ، حتّـی در صـورت نتیجـه بخـش بـودن، سـبب رشـد ناهمگـون می‌شـود و در نتیجـه اثرهایـی معکـوس بـه دنبـال خواهـد داشـت. گرچه ایـن راهبرد باید از سـوی همـه مسـئولان و نخبـگان دنبـال شـود، امّـا بایـد مراقـب باشـیم در نظـام تعلیـم و تربیـت مسـجد کـه هویّـت مسـلمانان در آن شـکل می‌گیـرد، بـا رشـدی نامـوزون و بی‌قـواره مواجـه نشـویم.

۳. نـوآوری نبایـد بـا غرض‌هـای سیاسـی همـراه باشـد و بـه منفعت‌هـای جناحـی آلوده شـود.

۴. افـراط و تفریـط: برخـورد افراطـی بـا مقولـه نـوآوری بـه معنای برهـم‌زدن همه سـاختارها، برنامه‌هـا و شـیوه‌های قبلـی و مرسـوم اسـت. تعجیـل و شـتاب‌زدگی در ایـن راهبـرد امـکان دارد بـه همـان انـدازه مخاطره‌آمیـز و منفـی باشـد کـه تفریط و مقاومـت در برابـر هرگونـه ابتـکار و خلاقیّـت، مخاطره‌آمیـز اسـت.

۵. عـدم شـناخت مـرز بیـن نـوآوری و بدعـت: اگـر شـناخت درسـتی از نـوآوری، به‌ویـژه در بخـش تعلیـم احـکام و اخلاق و الگودادن به جوان‌ها، وجود نداشـته باشـد، ممکـن اسـت نـوآوری بـه بدعـت و الگودهـی ناسـازگار با اصول اسـلام منجر شـود.

## » نتیجه سخن

مساجد در میان مسلمانان از جایگاه ویژه و والایی برخوردار هستند. به‌یقین می‌توان اذعان داشت، بعد از کعبه معظّمه که خانه خدا و قبله آمال و آرزوهای مسلمانان است، مسجد از منظر مکانی، مقدّس‌ترین مکان است. این اهمّیت و قداست از آغاز بنای آن به وسیله پیامبر اکرم ﷺ به عنوان آموزه‌ای ماندگار به همه مسلمانان آموخته شده است.

آنچه که به این مکان مقدّس شأنیّت و جایگاه ویژه در میان مسلمانان بخشیده است، نقش و زمینه‌ای است که مساجد توانسته‌اند در ایجاد نوآوری و شکوفایی علوم، فنون و کارکردهای متنوّع تربیتی و آموزشی مطابق با مقتضیّات زمان و مکان در جوامع اسلامی ایجاد نمایند. بدون تردید، بسیاری از کارکردهایی را که ابتدا در مسجد نوآوری شده و در طی سالیان بعد به شکوفایی رسیده‌اند، برای تبیین دقیق مدّعا یادآور می‌شویم:

اوّلین حلقه‌های درسی که در نهایت موجب تشکیل مدرسه گردید، در مساجد ایجاد شد. در بحث کتاب و کتابخوانی، اوّلین کتاب، یعنی قرآن کریم، ابتدا در مسجد قرار گرفت و سپس دیگر کتب احادیث و بدین ترتیب، شکل‌گیری اوّلیه کتابخانه‌ها از مسجد شروع شد. اوّلین دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در مساجد رشد و گسترش یافته‌اند. اوّلین کانون و مرکز فرهنگی در مسجد و توسّط پیامبر اسلام ﷺ ایجاد شد. در بُعد اطّلاع‌رسانی، مناره‌ها و مأذنه‌ها که نماد اطّلاع‌رسانی بوده‌اند، در مساجد به وجود آمده‌اند. اوّلین نشست‌ها و معاهدات سیاسی و گفت‌وگو بین نمایندگان طوایف و قبایل مختلف با رسول گرامی اسلام ﷺ در مسجد تشکیل می‌شد. بستر نوآوری، شکوفایی و اوج قالب‌ها و سبک‌های مختلف هنر و معماری اسلامی، مساجد بوده و ده‌ها نمونه دیگر در زمینه‌های مختلف که نقش بسیار مهم مساجد در ابداع، و نوآوری و بالندگی آنها انکارناپذیر است.

به هر حال، مساجد ضمن اینکه از جایگاه و منزلت بالایی در میان مسلمان برخوردار هستند، نسبت به دیگر اماکن، مراکز و پایگاه‌ها از ظرفیّت، توان و

پتانسیل بالایی برخوردار بوده و از تجربیّات چند قرن گذشته در زمینه نوآوری نیز بهره‌مند هستند.

در حال حاضر، نیز مساجد دارای فعّالیّت‌های گسترده در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در بعد تعلیم و تربیت است. هر قدر این فعّالیّت‌ها و کارکردها از تنوّع بیشتری برخوردار گردد، به طور مسلّم از زمینه جذّابیت و اقبال بیشتری برخوردار شده و از استقبال گسترده‌تری از سوی تمامی اقشار جامعه، به‌ویژه قشر نوجوان و جوان مواجه خواهد شد و نتیجه‌ای که از این مهم عاید می‌گردد، افزایش اعتقادات مذهبی و دین‌باوری در سطح جامعه است و وصول و دست‌یابی به اهداف عالی نظام و منویّات مقام معظّم رهبری است.

با توجّه به آنچه در مورد شاخصه‌ها، الزامات و آسیب‌های نوآوری بیان شد، این نکته روشن می‌شود که برای تحقّق راهبرد نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد، قبل از هر چیز، باید رفتارهای شخصی و اخلاق کاری متولّیان فرهنگی مسجد و مسجدی‌ها اصلاح شود. بی‌تردید، برخی ویژگی‌ها وجود دارد که از مقدّمه‌های ضروری پیشرفت جامعه هستند؛ مانند: مسئولیّت‌پذیری، نظم، قانون‌پذیری، اعتماد به نفس، داشتن روحیّه کار و تلاش و هم‌اندیشی با نخبگان و مردم. این ویژگی‌ها نخست، باید در روحیّه و شخصیّت معلّمان، متولّیان و مربّیان مسجدها بروز کند تا بتوان راهبردهای اساسی و کلان را در این نهاد مقدّس عملی کرد.

برای افزایش بهره‌مندی از پایگاه مسجد در ایجاد و تقویّت و تثبیت و بسط زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی، شایسته است متولّیان فرهنگی مساجد مانند گذشته در روش تعلیم و تربیت یا در طرّاحی و برنامه‌ریزی در امور مسجدها به صورت جذّاب و محوری، نوآوری را سرلوحه کارشان قرار دهند. آموزش و پرورش و نهادهایی غیر از مسجدها، چه در کشورهای اسلامی و چه غیراسلامی، به روز می‌شود؛ ولی در روش تعلیم و تربیت یا در طرّاحی و برنامه‌ریزی این مکان تربیتی با آن قدمت زیاد، هیچ نوآوری صورت نمی‌گیرد. بنابراین، احیاء زمینه‌ها و بسترهای نوآوری در مسجد، به عنوان بزرگ‌ترین کانون نوآوری و شکوفایی در

تعلیـم و تربیـت، امـری ضروری اسـت. از این‌رو، بر مسـئولان فرهنگی کشـور و عموم افـراد جامعـه، پژوهشـگران، محقّقـان و اندیشـمندان اسـلامی بـه عنـوان نگهبانـان و حافظـان مکتـب رهایی‌بخـش اسـلام، فـرض اسـت کـه ضمـن کنـکاش و تحقیق در امـور مربـوط بـه مسـاجد و فعّالیّت‌های آن، با ارائـه راهکارهای اصولی و مناسـب برای ارتقـاء و افزایـش کمّـی و کیفـی آن گام برداشـته و با فرهنگ‌سـازی، بسـترهای لازم را بـرای تحقّـق ایـن اهـداف فراهـم نماینـد و تمامی ابعـاد و کارکردهای مسـاجد را با شـیوه‌ای نوین کاربـردی نمایند.

نوجوانـان و جوانـان مـا به‌طـور طبیعـی، بـه کارهـای نـو و افـکار جدیـد علاقمنـد هسـتند. آنان شـیفته مطالب و مقالات تازه و سـبک‌های نوین روزگار خود هسـتند و بـه سـخنان جدیـد با کمـال دقّت گـوش می‌دهند و دربـاره مطالب نو با علاقـه فراوان گفت‌وگـو می‌کننـد. بنابراین، مسـجدهای ما باید متحوّل شـوند و پاسـخ‌گوی نیازهای روز جوانـان باشـند. مسـجدها بایـد بـه امکانـات و ابزارهـای آموزشـی و اطّلاع‌رسـانی روز دنیـا، ماننـد کامپیوتـر، انواع سـایت‌های مذهبـی و فرهنگی، برنامه‌های آموزشـی در رشـته‌های مختلـف و... مجهّـز شـوند و جاذبه‌هـای جدیـد و کافـی را بـرای جـذب نوجوانـان و جوانـان به خود داشـته باشـند.

## منابع و مآخذ


» قرآن کریم
» سیّد رضی، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اوّل، ۱۴۱۴هـق.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، مؤسّسه الوفا، چاپ دوّم، ۱۴۰۳هـق.
» نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسّسه آل‌البیت، بیروت، چاپ اوّل، ۱۴۰۸ هـق.
» ابن‌منظور، محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوّم، ۱۴۱۲هـق.
» قمی، حاج شیخ عبّاس، مفاتیح الجنان، انتشارات پیروز.
» قریشی بنابی، سیّدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۴هـش.
» مکارم شیرازی، ناصر، مثال‌های زیبای قرآن، قم، انتشارات نسل جوان، چاپخانه مدرسه الامام امیرالمؤمنین، چاپ اوّل، ۱۳۷۸هـش.
» تمیمی آمُدی، ناصح‌الدّین ابوالفتح عبدالواحدبن محمّد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اوّل، ۱۳۶۶ هـش.
» قطب رواندی، سعیدبن‌هبه‌الله، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷هـق.
» حرّانی، ابن‌شعبه، تحف‌العقول، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۰۴هـق.
» ابن ابی‌الحدید، عزّالدین‌بن هبه‌اللهبن محمّدبن محمّد، شرح نهج‌البلاغه، مصحح: محمّدأبوالفضل ابراهیم، قم، دارإحیاء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاه، مؤسّسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اوّل، ۱۹۵۹م.
» الکلینی الرازی، ابوجعفر محمّدبن‌یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـق.
» دیلمی، شیخ حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ اوّل، ۱۴۱۲هـق.

# نقش مسجد در امنیت اجتماع محلّه‌ای

محمّد عارفی

**» چکیده**

نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطّلاعات از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است. نگارنده، در صدد تبیین نقش مسجد در امنیت اجتماع محلّه‌ای است. بدین منظور، ابتدا به اصل اِبشار (تأیید اعمال منطقی مطابق با دستورات الهی) و اِنذار (ردّ اعمال غیرمنطقیِ مخالف با دستورات الهی) اشاره نموده، سپس به نقش تربیتی و امنیتی مساجد محلّه‌ای، به عنوان خرده‌نظام‌های اُرگانیستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی افراد و کنترل کنش‌های نابهنجار در محلّات شهری پرداخته است.

**» واژگان کلیدی:**

امنیت اجتماعی، آسیب اجتماعی، خرده نظام اُرگانیستی، سَرخوردگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، مفاسد اجتماعی.

## » مقدّمه

بـه یقیـن، یافتـن راه‌حـلّ بـرای همـه مشـکلات اجتماعی، از تـوان دولت‌هـا خارج اسـت. نگـرش سیاسـی و امنیتـی به مسـائل اجتماعـی نیـز روش لاپوشـانی[1] را تجویز نمـوده و بـه تخریـب بیشـتر جامعـه می‌انجامـد. در چنیـن مـواردی، مراکـز علمـی و پژوهشـی، نهادهـای مدنـی مردمـی، به‌ویـژه مسـاجد در جامعه اسـلامی هسـتند که در کنـار مـردم و دولت‌هـا یـا حتّـی پیشـاپیش آنـان بـه چاره‌جویـی برمی‌خیزنـد. مسـجد، پایـگاه تبلیـغ دیـن اسـلام اسـت و بسـیاری از آثـار اجتماعی، نظیـر اخلاص و درسـت‌کاری، سـامان‌دهی زندگـی و نظـم و تقـوی بر آن مترتّب اسـت. افـرادی که بیشـتر در مسـجد حاضـر می‌شـوند، کمتـر حقـوق دیگـران را ضایـع نمـوده، زندگی خـود را بـا نظـم بیشـتری تـوأم می‌سـازند و آثار و رفتـار دینـی در زندگـی اجتماعی آنـان نیـز به چشـم می‌خـورد.

از سـوی دیگـر، نقصـان ارزش‌هـای دینـی سـبب بـروز بی‌نظمی‌هـا و آشـوب‌های اجتماعـی می‌گـردد. مشـکلاتی که بدین وسـیله بـه فرد منتقل می‌شـود، بـه خانواده وی نیـز سـرایت می‌کنـد. سـپس، ایـن درگیـری و تشـنّج بـه محـلّ کار نیـز تسـرّی می‌یابـد. ایـن دور باطـل به‌طـور مرتّـب تکـرار می‌شـود و در نهایـت، نابسـامانی فـرد و خانـواده را در پـی خواهـد داشـت و عـدم امنیـت در سـاختار کلـی جامعـه به‌ویـژه در سـطح محلّـه‌ای را افزایـش می‌دهـد. هـدف از انجـام ایـن تحقیـق، بیـان اهمّیـت تشـکیل سـتادهای حفاظـت اجتماعـی در مسـاجد، به‌ویـژه مسـاجد محلّـه‌ای و اداره آن در قالـب تشـکّل‌های مردمـی بـرای پیشـگیری از بـروز و گسـترش جرایـم و آسـیب‌های اجتماعـی اسـت. بـه طـور کلـی، هـدف ایـن پژوهـش، بیـان نقـش دین در کاهـش آسـیب‌پذیری اجتماعـی و ارتقـای سـطح ارزش‌هـای اخلاقـی و انسـانی و بـالا رفتـن ضریـب امنیـت و مشـارکت‌های مردمـی و مسـئولیّت‌های اجتماعـی برای کاهـش مفاسـد اجتماعـی و اخلاقـی، در سـطوح محلّـه‌ای و شـهری و توجّـه به نقش امنیتـی مسـجد در شـناخت مناطـق و محـلّات فقرآلود و برقـراری عدالـت اجتماعی

---

[1] . لاپوشـانی کـردن، در تـداول عـوام، بـه فریـب و تردسـتی، چیـزی را مسـتور کـردن معنـی می‌دهـد. همچنیـن بـه مفهـوم عیـب کسـی را بـه حیلتـی پوشـیدن یـا بـا زبردسـتی و حیلـه عیـب یـا خطـای کسـی را پنهـان کـردن اسـت؛ دهخـدا، علی‌اکبـر، لغت‌نامـه دهخـدا، ذیـل واژه «لاپوشـانی کـردن».

در میـان اقشـار مختلـف جامعـه، در راسـتای افزایش هر چه بیشـتر امنیـت اجتماعی محلّه‌هـای شـهری اسـت.

در ایـن نوشـتار مختصـر، بـا اشـاره بـه اصـل ابشـار و انـذار (تأییـد اعمـال منطقی مطابـق بـا دسـتورات الهـی و ردّ و انـکار اعمـال غیرمنطقـی)، بـه نقـش تربیتـی و امنیتـی مسـاجد محلّـه‌ای، به عنـوان خرده نظـام اجتماعی در از میان بردن احسـاس سـرخوردگی اجتماعـی افـراد و کنتـرل کنش‌هـای نابهنجـار در محـلّات شـهری می‌پردازیـم.

## » کارکرد اجتماعی مساجد

مسجد، به عنوان یک مکان، از دو جلوه متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر، دوگونه رفتار در این مکان ویژه متجلّی می‌گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی افراد بسیار مؤثّر است. در جلوه ظاهری مساجد، رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی و مذهبی و مقبول شرع و دین رخ می‌نماید. در حالی که در جلوه پنهانی مساجد، رفتارهای شخصی، غیرجمعی و کنترلی رخ می‌دهد. هنگامی که انسان‌ها به صورت جمعی در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول و عمومی ظاهر می‌گردد.

هنگامی که افراد به صورت غیرجمعی و به صورت فردی در مسجد ظاهر می‌شوند، خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای شخصی و فردی خود می‌پردازند. ویژگی مساجد به عنوان مکان‌های مقدّس در مقابل سایر اماکن در این است که مسجد از نظر ماهیّت، علاوه بر این که محلّی برای تجمّع و همبستگی جمعی است، به‌طور مکانی و موقعیّتی، خود به خود فرد را به درون خود ارجاع می‌دهد. بدین ترتیب، فرد آنچه را که در جمع از طرح آن پرهیز می‌نمود، در حالت انفرادی به طرح آن می‌پردازد. گفتنی است که طرح موضوعات و مسائل رفتاری و فکری، بیشتر حالت اصلاح‌کنندگی، ترمیمی و کنترلی دارد. بر این اساس، می‌توان پذیرفت که هم حضور جمعی و هم حضور فردی در مساجد، می‌تواند رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برانگیزاند و این در حالی است که سایر اماکن، ممکن است تنها یکی از این حالات تأثیری را بر جای گذارند.

به عنوان مثال، حضور در مدرسه، از نظر ماهیّتی و به لحاظ موقعیّتی که دارد، حضوری جمعی است و اثرات احتمالی آن تنها با حضور جمع، معنادار می‌گردد. به عبارت کلّی، مدرسه جایی نیست که افراد بخواهند به طور انفرادی در آنجا حاضر شوند و به فعّالیّت بپردازند. بدین ترتیب، برای مساجد نیز می‌توان نقشی دوگانه قائل شد. نقش نخست، کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی افراد

است؛ چـرا کـه افـرادی کـه در مسـاجد گردهـم می‌آینـد، از طریـق دیـن و آیین‌هـا و مناسـک جمعـی بـه یکدیگـر متّصـل می‌گردنـد. بـه ایـن دلیل کـه عقایـد مذهبی، درونـی اسـت و نیـاز بـه انجـام آیین‌ها و شـرکت در مناسـک را در پـی دارد. افـراد، با حضـور در ایـن مراسـم و انجـام فعّالیّت‌هـای عبـادی، هویّـت جمعـی خود را سـامان می‌بخشـند. اگـر بـه رابطـه میان دیـن و مذهب و ماهیّـت روابط و نهادهـای اجتماعی توجّـه کنیـم، در ایـن صورت، کارکـرد اصلی دین، تنظیـم نیازها و کنش‌های انسـانی از طریـق جلـب اعتمـاد بـه امـور مقـدّس و اتّصـال افـراد از طریـق آیین‌ها و مناسـک جمعـی بـه گـروه خواهـد بـود. بـه هـر حـال، مسـاجد می‌تواننـد بـه ایجـاد و تقویّت رفتارهـای مقبـول، کمـک کننـد. رفتارهایـی کـه ممکـن اسـت انجـام آن در جامعـه معمول باشـد یا ممکن اسـت در مسـجد پسـندیده و مقبول نباشـد. از این‌رو، کارکرد مهـم مسـاجد، ایجـاد تمایـز میـان رفتارهای بطـن جامعه بـا رفتارهای داخل مسـجد است.

بـه عبـارت دیگـر، برای ظهـور و تجلّـی برخـی رفتارها، ناگزیـر به موقعیّـت مکانی بـه نام مسـجد، نیاز اسـت.[1]

## مساجد و تعاون اجتماعی

مسـاجد، پایـگاه عمومـی مسـلمانان و محلّ حضور اقشـار مختلف اجتماع به شـمار می‌آینـد. از ایـن‌رو، مسـجد، جایـگاه مناسـبی بـرای تعـاون اجتماعـی مسـلمانان و مشـارکت آنـان در برطـرف نمـودن نارسـایی‌ها و آسـیب‌های اجتماعـی اسـت.

گفتگـو در مـورد مشـکلات اجتماعـی و چاره‌اندیشـی بـرای رفـع آنهـا، هنگامی به نتیجـه نهایـی می‌رسـد کـه اقداماتـی عملـی را نیـز به همراه داشـته باشـد. مسـجد، پایـگاه عمومـی مسـلمانان و محـلّ حضـور قشـرهای گوناگـون اسـت. از ایـن‌رو، جایـگاه مناسـبی بـرای تعـاون اجتماعی مسـلمانان و مشـارکت آنان در راسـتای رفع نارسـایی‌های اجتماعـی محسـوب می‌شـود.

در صـدر اسـلام توجّهـی همه‌جانبـه بـه تهیدسـتان و محرومان در مسـجد به عمل

[1]. سجادی، سیّدمهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص۲۴۷.

می‌آمد که باید الگوی مساجد در این عصر قرار گیرد. نمونه‌هایی از این توجّه عبارت بود از:

**الف) کمک مالی:** مسجد، تنها محلّ خواندن نماز نبود، بلکه جایگاهی برای دادن صدقه و کمک به مستمندان نیز به شمار می‌آمد. داستان معروف و تاریخی امام علی علیه‌السلام که در حال رکوع، انگشتر خویش را به مستمندی بخشید، در مسجد به وقوع پیوست.

مسجد، باید باعث برطرف کردن اندوه‌های دنیوی، افسردگی، و پناه‌گاه مسلمانان باشد.[1] در روایت آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد با تهیدستان هم‌غذا می‌شد و با آنان افطار می‌کرد.[2]

امام رضا علیه‌السلام در گفتاری نورانی، یکی از فواید و آثار سازنده نماز جماعت را ـ که به‌طور معمول در مسجد برپا می‌شود ـ همیاری و تعاون مسلمانان بر «بِرّ و تقوا» بیان نموده است. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِراً مَكْشُوفاً مَشْهُوداً... الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ الزَّجْرِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللهِ عَزَّ وَ جَلَ؛ [نماز] جماعت، مقرّر شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و پرستش خدا همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشند...، همچنین، مساعدت در نیکوکاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از نافرمانی‌های خداوند عزیز و جلیل با حضور در نماز جماعت محقّق می‌شود».[3]

این سخن امام رضا علیه‌السلام، باب علمی است که صدها باب علم دیگر از آن به روی انسان گشوده می‌شود. کارهایی مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدامات برای تسهیل ازدواج زوج‌های جوان، برنامه‌ریزی برای عیادت و سرکشی از بیماران و...، همگی از مصادیق تعاون بَر «بِرّ و تقوا» است. اهل مسجد، باید فقر را از میان خویش برچینند. با این همه، مساجد امروز، سنگینی این رسالت را کمتر بر دوش خود حس می‌کنند. در مساجد، کمک به تهیدستان فراموش شده است یا حداقل به سمت و سوی

---

[1] . وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۲۶۳.
[2] . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۸؛ بحارالانوار، ج۸۰، ص۳۵۰.
[3] . وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۳۷۲، باب ۱ از ابواب صلاه الجماعه، روایت ۹.

نادرستی کشیده شده است. تهیدستانی که نقاب تعفّف بر چهره زده‌اند و در هاله‌ای از شرم و نجابت، فقر را بی‌نیازی جلوه می‌دهند، مستحقّان واقعی کمک‌ها در مساجد هستند؛ امّا ایستادن و سرافکندگی و ذلّت را روبه‌روی جمعیّت تمرین کردن کاری ناشایست است که متأسّفانه امروز رواج پیدا کرده است که با مرام اهل مسجد و حرمت خانه خدا سازگار نیست.

**ب) اسکان مستمندان:** اهل صُفّه، گروهی از مهاجرین و انصار بودند که از تهیدستی، منزل و سرپناه نداشتند. پیامبر ﷺ اینان را در صفّه مسجدالنّبی ﷺ (سایبانی در آن مسجد) جای داد. مسجد، در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش‌گذاری است؛ به عبارت دیگر، ارزش‌های فراموش شده دوباره در مساجد مطرح می‌گردد.

از دیگر نقش‌های اجتماعی مساجد، می‌توان به کارکرد مسجد در پرورش نیروهای متعهّد اشاره نمود که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد، بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت‌وآمد افراد به مساجد، اخلاق، آداب و خط‌مشی آنان تا حدود زیادی هویدا می‌گردد که این خود در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثّر است.

حاکمیّت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهّد مورد نیاز خود را برای تحقّق فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناسایی کند. در این راستا، در سایه تجمّع و انسجامی که مؤمنان در مساجد ایجاد می‌کنند، می‌توان بهترین تشکّل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد و آسیب‌های اجتماعی پی‌ریزی نمود.

## مساجد و برقراری عدالت اجتماعی

برقراری امنیت و رفاه اجتماعی در جامعه، دامنه وسیعی از فعّالیّت‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه، حمایتی و امنیتی و خدمات اجتماعی خاصّ را شامل می‌گردد که تحت نظارت و کمک دولت‌ها و نهادها و گروه‌های مردمی نظیر مساجد، کانون‌های اجتماعی ـ فرهنگی، به منظور حفظ سلامت تمامی افراد جامعه، صورت گرفته و از دو رویکرد در جهت‌گیری عامّ و خاصّ برخوردار است.

در رویکـرد عـامّ، بـرای برقـراری امنیـت اجتماعی با محوریّـت قرار دادن سـلامت و با تأکیـد بـر اصـول پیشـگیری از ارتکاب جرم بـرای ارتقـای کیفیّت زندگـی آحاد مردم و مشـارکت همه‌جانبـه آنـان، برنامه‌هـای ارتقایـی پی‌ریـزی و مـورد اجـرا گـذارده می‌شـود. در رویکـرد خـاصّ، ارائـه خدمـات اجتماعـی به افـرادی خاصّ، بـه خصوص افـرادی کـه در معرض خطر بیشـتری نسـبت به آحاد دیگر جامعه هسـتند، در سـطح خـرد (محلّـه‌ای) مدّنظـر قـرار می‌گیـرد. در این راسـتا، اصـول راهنمایی بـرای تحقّق امنیـت اجتماعـی به شـرح ذیـل مدّنظر هسـتند:

۱. تأکیـد بـر سـلامت و سـلامت‌محوری جامعـه و ارتقای مسـتمر کیفیّـت زندگی آحـاد جامعه؛

۲. تأکید بر ارائه خدامت امنیتی، علاوه بر ارائه خدمات حمایتی؛

۳. محـور قـرار دادن آسـیب‌های اجتماعـی و جرائـم در مقابـل افراد آسـیب دیده و پیشـگیری از بـروز آنها؛

۴. بهبـود و شـناخت علمـی و سیسـتماتیک آسـیب اجتماعـی و انجـام برنامه‌های اجرایـی پیشـگیرانه در ایـن خصوص؛

۵. تأکیـد بـر تسـهیل شـرایط مشـارکت و رقابـت مـردم بـا نهادهای مرکـزی نظیر مسـاجد و تکایـا در برنامه‌هـای امنیتـی بـه ویـژه امنیـت محلّه‌ای.

## ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی

همان‌گونـه کـه مسـاجد از صـدر اسـلام تاکنـون بـه عنـوان مردمی‌تریـن پایـگاه اعتقـادی و اجتماعـی و مرکـز نشـر فرهنـگ اسـلام مطـرح بوده‌انـد، امـروز نیـز در مبـارزه بـا تهاجـم فرهنگـی و تقویّـت فریضـه امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر پیش قـدم هسـتند. با تشـکیل سـتادهای حفاظـت اجتماعـی در مسـاجد، به‌ویژه مسـاجد محلّـه‌ای و اداره آنهـا در قالـب تشـکّل‌های مردمـی و سـازمان یافته، کارکـرد امنیتی و پیشـگیرانه مسـاجد از بـروز و گسـترش جرائـم و آسـیب‌های اجتماعـی پررنگ‌تـر شـده و بـه همـان نسـبت، امنیـت اجتماعی افـراد جامعـه به‌ویـژه در سـطح محلّه‌ای افزایـش می‌یابـد.

با تشکیل هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی، به عنوان نهاد حفاظت اجتماعی صددرصد مردمی در بیش از یکصد هزار محلّه کشور، برقراری امنیت اجتماعی در سطوح شهری و محلّه‌ای هر چه بیشتر تضمین می‌گردد.

در حقیقت، ستاد حفاظت اجتماعی عهده‌دار نقش کشف و پیشگیری از وقوع جرم و در نهایت، حفاظت از امنیت و نیازهای اجتماعی جامعه توسّط خود شهروندان است. به عبارت دیگر، این ستادها به عنوان سیستم دفاعی هر محلّه در برابر بزهکاران و مجرمان فعّالیّت می‌نمایند. با راه‌اندازی چنین هسته‌های اجتماعی در محلّات و اماکن عمومی، آسیب‌های اجتماعی هر محلّه، شناسایی و تحرّکات مجرمان و بزهکاران اجتماعی محلّات، زیر ذرّه‌بین اعضای مردمی ستاد قرار می‌گیرد. در اغلب کشورهای پیشرفته، امور امنیتی و حفاظت اجتماعی، به تشکّل‌های مردمی و یا بخش‌های خصوصی نظیر کارآگاهان غیررسمی واگذار می‌گردد. به عبارت دیگر، این چنین تفکّری از سال‌ها پیش در جوامع توسعه یافته در حال اجرا بوده است.

امروز، حفاظت از محیط‌زیست با تخریب‌کنندگان طبیعت و محیط‌زیست به مقابله می‌پردازد. حفاظت اجتماعی نیز نقش مبارزه با بزهکاران و خاطیان اجتماعی را بر عهده داشته و از آلوده شدن جامعه به جرم و بزه و ناامنی جلوگیری می‌کند. در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد و یا کتابخانه‌های محلّه‌ای تشکیل می‌یابد.

با تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد محلّات، حقوق و آزادی‌های شهروندان تضمین شده و با جلوگیری از تعرّض‌های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان، امنیت گروه‌های سنّی و جنسی مختلف تأمین می‌گردد.

## نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی

عنصر عظیم اجتماعی دین، کارکردهای ارزشمندی در تحرّک و شادابی اجتماعی در عرصه‌های مختلف داشته و عامل مهمّی در سلامت جامعه و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی محسوب می‌گردد. از این‌رو، بدیهی است که تقویّت آن

در جامعـه، به‌ویـژه در سـطح محلّـی و محلّـه‌ای، به ارتقای سـطح ارزش‌هـای اخلاقی و انسـانی و سـلوک اجتماعـی و بـالا رفتـن ضریـب امنیـت و مشـارکت‌های مردمـی و مسـئولیّت‌های اجتماعـی منجـر می‌گـردد و کاهـش مفاسـد اجتماعـی و اخلاقـی و بسـیاری از جرایـم را نیـز در پـی دارد. ایـن کارکـرد ارزشـمند و منحصربه‌فـرد عنصـر دیـن، آن را در میـان سـرمایه‌های اجتماعـی متفـوّق سـاخته و بر این اسـاس، بایـد در صـدر کالاهـای عمومـی در نظـام برنامه‌ریـزی کشـور قـرار گیـرد. بـا نگاهی اجمالـی بـه برخـی کشـورها، از جملـه جمهـوری ترکیـه می‌تـوان مشـاهده کـرد که آنهـا نیـز برخـلاف تمایلات‌شـان در پرداختـن بـه مباحث دینـی، به لحـاظ کارکردها و تأثیـرات عمیـق دیـن بـر بهبـود و سـلامت زندگـی فـردی و اجتماعـی و برقـراری امنیـت اجتماعـی، بـه انجـام سـرمایه‌گذاری‌های کلانـی در ایـن بخـش مبـادرت نموده‌انـد. مسـجد، محلّـی اسـت کـه مشـکلات اجتماعـی بـا امیـد و وحـدت در آن مطـرح شـده و ارضـای نیازهـای جسـمی و روحـی در سـطوح تصمیم‌گیـری بـا نیّت خیـر در آن منعقـد می‌گـردد. در مسـاجد، می‌تـوان شـاهد بازگشـت تمامـی طبقات و اقشـار مختلـف جامعـه بـود. کـدورت طبیعـی افـراد جامعـه در آب زلال مسـاجد شست‌وشـو داده شـده و حـبّ و بغض‌هـای بیهـوده و مظاهـر دنیـوی بـه فراموشـی سـپرده می‌شـوند. اگـر مسـجد، نقش‌آفرینـی خـود در تهذیـب روح اجتمـاع را بـه درسـتی انجـام ندهـد، شـدّت مشـکلات و اضطراب‌هـای تمـدّن بـه ظاهـر ماشـینی، جامعـه را درهم‌ریختـه و انحرافـات و آسـیب‌های بسـیار اجتماعـی در جامعـه بـروز می‌نمایـد. از ایـن‌رو، مسـاجد بـا برخورداری از کارکـرد امنیتی خود، نقش بسـزایی در مهـار و از میـان بـردن آسـیب‌های اجتماعـی، به‌ویژه در سـطح محلّه‌ای ایفـا نموده و بدیـن ترتیـب، موجـب برقـراری امنیـت در محلّه‌ها و شـهرها می‌شـوند. بـا حضور در مسـاجد بـه عنـوان مراکـز عبادی اسـلام، در اصـل ظهور یـک واکنش و رفتـار و نه بر حسـب لـزوم در کیفیّـت آن اسـت. نقـش امنیتـی مسـاجد، نقـش تکمیلـی و تربیتی بـرای ایجـاد و تقویّـت رفتارهای مطلـوب و نه فقط نقـش تثبیت رفتارهایی اسـت که در مسـاجد رخ می‌دهنـد.[1]

[1]. سجّادی، سیّدمهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص۳۱.

مساجد، حافظ و پاسدار جهان اسلام هستند. در جهان اسلام، شهرهایی که از دیوارهایی بلند و مستحکم، مانند سایر شهرهای جهان برخوردار باشند، بسیار اندک هستند. در جهان، دژهای استواری برپاست که ضخامت و درازای برخی از آنها به دیوار معروف چین می‌رسد و برج‌هایی بلند و مستحکم، مانند برج‌های مستقر در شهرهای اروپایی وجود دارند. این موضوع در حالی است که در جهان اسلام، تعداد دژها و دیوارها بسیار اندک است؛ زیرا در تمامی شهرها و محلّات اسلامی، مساجد به عنوان دژهای اسلام و مراکز مدافع امنیت اجتماعی و ایمان، قدرت برتر آن به شمار می‌آید. در گذشته، امّت‌های مسلمان، تنها به فضل دین اسلام و وجود مساجد متعدّد از فتنه‌های کوبنده و ویرانگر و آسیب‌های اجتماعی در امان مانده‌اند.

## نقش مساجد در کنترل کنش‌های نابهنجار محلّات شهری

به راستی آیا هنجارها در حال دگرگونی است؟

آیا بی‌هنجاری در حال گسترش است؟

آیا به سوی فروپاشی اجتماعی پیش می‌رویم؟

بی‌تردید، یافتن راه‌حلّ برای مشکلات اجتماعی، فقط از طریق دولت‌ها، خارج توان آنها است. سیاسی و امنیتی دیدن مسایل اجتماعی نیز که روش لاپوشانی را تجویز می‌کند، به تخریب بیشتر می‌انجامد. در این میان، مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی و به‌ویژه مساجد در جامعه اسلامی و رسانه‌های همگانی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتّی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. بی‌هنجاری یا نابهنجاری (Anomy) متضمّن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. این اصطلاح از منظر دورکیم، مبیّن حالتی نابهنجار است که در نتیجه گذار جامعه از انسجام مکانیکی به ارگانیک رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، بسط تقسیم‌کار، اگرچه زمینه‌ساز نیل جامعه به انسجام ارگانیک می‌گردد؛ امّا سبقت گرفتن رشد اقتصادی بر اصول و تنظیمات اخلاقی در فرآیند تفکیک‌پذیری ساخت‌های اجتماعی و تخصّصی شدن وظایف کارکردی، علل بروز

آسیب‌های نابهنجار را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، احساس سَرخوردگی اجتماعی و همچنین نبود پیوندهای جمعی، فرد را وادار می‌کند تا کنش‌های نابهنجاری را از خود بروز دهد و با گذشتن از نظم اجتماعی، درصدد ارضای تمایلات خویش برآید. البتّه انجام این اعمال نیز چیزی از بی‌معنایی و احساس آشفتگی درونی فرد نابهنجار نمی‌کاهد؛ امّا با این حال، نظم عمومی را مخدوش می‌نماید.

این مفهوم، از نظر مرتن، نارسایی فشارهای ساختی جامعه، در هم‌نوایی با ارزش‌های فرهنگی و دینی بازگشته و بروز انحراف را ناگزیر می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر افراد برای نیل به اهداف مطلوب فرهنگی و دینی، نتوانند از ابزار مناسب اجتماعی بهره گیرند، ناچار به تأکید یک‌سویه به اهداف ساختی یا ارزش‌های فرهنگی و دینی بسنده می‌کنند و یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش گرفته، و در نهایت سر از انحرافات اجتماعی در می‌آورند. از آنجا که بحران‌ها و انحرافات اجتماعی، محصول عدم تراز مبادلات داده‌ـ ستانده خرده نظام‌های اجتماعی بوده و تنش‌های اجتماعی، از ناتوانی خرده نظام‌های اجتماعی در ایفای کارکردهای ساختی آنها حکایت دارد، از این‌رو، اگر خرده نظام‌های اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای نتوانند پول، قدرت، نفوذ و تعهّد ایجاد کند و یا خرده نظام‌های ارگانیستی شخصیّتی، اجتماعی و رفتاری، از تولید نقش به تعلّق، هنجار و ارزش ناتوان گردند، بدین ترتیب، بروز بحران‌ها و تنش‌های اجتماعی حتمی است. در چنین وضعیّتی نقش تربیتی و امنیتی کانون‌های عبادی اسلام (مساجد) محلّه‌ای به عنوان خرده نظام‌های ارگانیستی و اجتماعی در رفع احساس سَرخوردگی اجتماعی و برقراری ارتباطات گروهی، فرد یا افراد جامعه (به‌ویژه در سطح محلّه‌ای) را وامی‌دارد تا به کنترل کنش‌های نابهنجار خود پرداخته و با رعایت نظم اجتماعی، از ارضای تمایلات خویش که برخلاف مصالح اجتماعی آنان است، پرهیز نمایند. نقش امنیتی مساجد با نقش تربیتی این مراکز در ارتباط متقابل هستند. منظور از نقش تربیتی مساجد، نقشی است که این نهادهای مقدّس در زمینه‌های روحی ایفا می‌نمایند. آنگاه که مؤمن به

مسـجد وارد می‌شـود، در فضای آکنده از قداسـت و طهارت، کانونی سـاده و عاری از پیرایه‌هـای مـادّی، ولـی انباشـته از جلوه‌هـای معنـوی و الهی، قـرار می‌گیـرد. با آنکه گنـاه در همـه جـا نکوهیـده و زشـت اسـت، امّا در مسـجد قباحتـی دو چنـدان دارد؛ ازایـن‌رو، مؤمـن بایـد تـلاش و کوشـش بیشـتری در جهـت آلوده نشـدن به گنـاه، به زبـان نیـاوردن سـخنان ظالمانـه، تجـاوز نکـردن به حقـوق دیگـران، عدم ارتـکاب به جرائـم و آسـیب‌های اجتماعـی در چنیـن اماکن مقدّسـی بـه عمـل آورد. در حقیقت، مراقبـت بـر بـه کار بسـتن چنیـن امـوری، خـود نوعـی تمرین انجـام کارهـای خیر و دوری از بدی‌هـا و برقـراری امنیـت در اجتمـاع اسـت. ازایـن‌رو، حضـور در مسـجد، تمریـن توجّـه به خداسـت.

آزمـون مبـارزه بـا نفـس، تـرک گناهـان و دوری از فعّالیّت‌هـای خـلاف (جرائـم) اسـت. بـه واسـطه برخـورداری مسـاجد از روحیّـه گروهـی، آثـار سـازنده و تربیتـی حضـور در مسـاجد، بـه تدریـج بـه دیگر اعمال فـرد و عملکرد سـایر افراد نیز سـرایت می‌کنـد. در مکتـب تربیتـی اسـلام، انزواطلبـی و جمع‌گریـزی به عنوان یـک بیماری روحـی در فـرد، مطـرح شـده اسـت. در مقابـل، اجتماعـی بـودن و جمـع گرایـی ـ در حـدّ معقـول آن ـ نشـانه سـلامت روح و روان آدمـی و تعـادل فکـری فـرد بـه شـمار می‌آیـد. افـزون بـر آنچـه گذشـت، به‌طـور معمول، مسـاجد، جایـگاه طرح مشـکلات و نارسـایی‌های اجتماعـی هسـتند. بـه طـور طبیعـی، حضـور در چنین اماکنـی، روح تعهّـد و دردمنـدی را در افـراد می‌دمـد.

پـرورش ایـن خوی پسـندیده در اشـخاص، خود نوعی مبـارزه با روحیّـه بی‌تعهّدی و بی‌تفاوتـی اسـت؛ یعنـی روحیّـه‌ای که هـرگاه در افـراد جامعـه، به‌ویژه نسـل جوان پیـدا شـود، آسـیب‌های اساسـی بر پیکـره آن جامعـه وارد می‌گردد.

## مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان

از آنجایـی کـه دیـن مبین اسـلام بـرای تمام شـئون زندگی انسـان برنامـه و هدف دارد، مسـاجد نیـز بـه عنـوان سـامان‌دهندگان رفتـار دینـی مـردم و در قالـب نظـم رفتـاری در حیـات اجتماعـی مطـرح می‌گردنـد. مسـاجد، پایـگاه تبلیـغ دین اسـلام

بـوده و بسـیاری از آثـار اجتماعـی، نظیر اخلاص و درسـتکاری، سـامان‌دهی زندگی و نظـم و تقـوی بـر آنهـا مترتّب اسـت. افـرادی که بیشـتر به مسـاجد رفت‌وآمـد دارند، اثـرات مثبـت مسـجد در تمامـی رفتارشـان در مراحـل زندگی مشـهود اسـت. چنین افـرادی کمتـر حقـوق دیگـران را ضایـع می‌کننـد و زندگی‌شـان بـا نظـم و توجّـه بیشـتری همـراه اسـت و آثـار رفتـار دینـی و مسـجدی آنـان در زندگـی اجتماعـی آنهـا نیـز بـه چشـم می‌خـورد. از دیگـر سـو، نقصـان ارزش‌هـای دینـی، سـبب بـروز بی‌نظمی‌هـا و آشـوب‌های اجتماعـی و در نهایـت، عـدم برخـورداری شـهروندان از امنیـت اجتماعـی می‌گـردد. مشـکلاتی کـه بدین‌وسـیله بـه فـرد منتقـل می‌شـود، بـه خانـواده وی منتقـل شـده و ایـن درگیـری و تشـنّج بـه محـلّ کار فرد نیز تسـرّی می‌یابـد. ایـن دور باطـل، به‌طـور مرتّـب تکـرار شـده و سـرانجام، نابسـامانی فـرد و خانـواده وی را بـه دنبـال خواهـد داشـت و عـدم امنیـت در کل جامعـه را گسـترش می‌دهـد.

اشـخاصی کـه پیوسـته بـه مسـاجد آمدوشـد دارنـد، بـا اهـل ایمـان و نمازگـزاران و افـراد منظّـم و متعبّـد در معاشـرت و رفت‌وآمـد هسـتند. ایمـان و تعهّـد عملـی چنیـن افـرادی در معـرض دیـد همـگان قـرار می‌گیـرد و ایـن جمعیّـت، در روند داد و سـتدهای اقتصـادی، خانوادگـی و روابـط اجتماعـی، رفتـار آنـان مـلاک اعتبـار و اطمینـان قـرار می‌گیـرد.

### » نقش امنیتی مساجد در شناخت مناطق فقرآلود

افزایش بحران در جهان سوّم، اکولوژیست‌ها را در تحقیق بر روی موضوعاتی مانند فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به موادّ مخدّر و ناآرامی‌های اجتماعی مصمّم‌تر ساخته است. در مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی، اغلب بر این مطلب که عامل فقر، بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل و آسیب‌های اجتماعی شهرها و محلّات شهری مؤثّر است، تأکید می‌گردد. از این‌رو، نقش امنیتی مساجد شهری، در زمینه شناخت مناطق فقرآلود محلّه‌ای و شهری، میزان درآمد خانواده و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف مردم بسیار اهمّیت دارد.

### » نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار

وجـه تمایـز انسـان بـا دیگـر موجـودات خلقت در این اسـت کـه انسـان، موجودی متفکّـر و دارای قـوّه اندیشـه و تعقّـل اسـت. هـر شـخص، در اجتمـاع و طـول زندگی روزمرّه، به افعال و اعمالی مبادرت می‌نماید که ناشـی از تراوشـات فکری و ذهنی وی اسـت. ممکن اسـت هـر فعلی که انجـام می‌گیرد، در راسـتای دسـتورات و فرمان‌های دینـی و اعتقـادی نباشـد. گاهـی ممکن اسـت برخی از ایـن اعمال در تناقـض با دین باشـند؛ در ایـن جاسـت کـه مسـاجد بـه عنـوان کانون‌هـای محـوری دین اسـلام، در تأییـد اعمـال منطبـق با دسـتورات الهـی و ردّ و انکار اعمـال غیرمنطبق با دسـتورات الهـی ایفـای نقـش می‌نمایند.

## » نتیجه سخن

از آنجا که اسلام دین جامعی است، حامل پیام و دستور برای تمام شئونات و مسائل زندگی انسان است. بنابراین، بهترین مکان برای دریافت و پذیرش این دستورات، کانون‌های عبادی دین اسلام (مساجد) هستند؛ همچنان که یکی از خصوصیّات بارز دین اسلام که توسّط پیامبر اکرم ﷺ ابلاغ گردید، اصل بشارت و انذار است. بشارت در واقع تأیید و تشویق اعمال است که فرد یا افراد جامعه در راستای دین اسلام و دستورات الهی مطابق با قوانین زندگی اجتماعی، به انجام آن مبادرت می‌نمایند. در مقابل، انذار (ترسانیدن و هشدار دادن) به انکار و نهی فرد یا افراد جامعه از انجام اعمال خلاف و معصیّت‌زا و جرایم اطلاق می‌گیرد.

تجربه نشان داده که تأمین امنیت اجتماعی و اخلاقی در عصر ارتباطات و دهکده جهانی، با اتّکاء به قوّه قهریّه و از عهده دولت‌ها (نیروی انتظامی) خارج است و مشارکت مردم، به‌ویژه کانون‌های عبادت اسلام (مساجد) در این امر ضروری است.

مساجد، با تقویّت روحیّه دینداری افراد مسجدی، تأثیر به‌سزایی بر دیگر افراد و به تبع آن در سطح گسترده اجتماع دارند. تأکید بسیار دین اسلام بر رعایت حقّ‌النّاس بر هیچ کس پوشیده نیست؛ تا جایی که در بین مردم عوام، این گفته رایج است که خداوند از حقّ خود می‌گذرد؛ ولی از حقّ مردم نمی‌گذرد. کسانی که به مساجد رفت‌وآمد دارند، با معارف عالی اسلام اعمّ از آیات و احادیثی که بر رعایت حقوق اجتماعی تأکید دارد، بیشتر از دیگران آشنا شده، در نتیجه، در رعایت حقّ‌النّاس بیشتر می‌کوشند.

همچنین، مساجد با تقویّت نفس لوامّه[1] زمینه کنترل اجتماعی[2] و مبارزه با انحرافات اجتماعی را فراهم می‌سازند. ناگفته روشن است که کنترل اجتماعی به

---

[1] . نفس لوّامه، یعنی ملامت‌کننده؛ در آیاتی از سوره قیامت خداوند متعال می‌فرماید: «لا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيامَةِ* وَ لا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ؛ نه! سوگند به روز رستاخیز و باز هم نه! سوگند به وجدان سرزنشگر! نفس لوّامه، یعنی نفسی که بسیار انسان را سرزنش می‌نماید. نفس انسان در این مرتبه، بیشتر گرایش به خیر و نیکی دارد و اگر انسان دچار انحراف و افراط و تفریط گردد، این (نفس) آدمی از درون او را سرزنش می‌کند تا دوباره به سوی نیکی و خیر بازگردد.

[2] . کنترل اجتماعی، شامل فرآیندی است که جریان تأثیرگذاری بر رفتار جامعه را بر عهده دارد تا هم‌نوایی با هنجارهای گروه صورت گیرد.

دو صـورت رسـمی و غیررسـمی صـورت گیـرد. کنترل غیررسـمی شـامل تمـام امر و نهی‌هایـی اسـت کـه بر فرد اِعمال می‌شـود تـا بتواند بـا هنجارهـای اجتماعی گروهی سـازگار شـود و ایـن امر بـر عهده خانواده و مسـاجد اسـت.

اگـر مسـاجد و ائمّـه جماعـات و همه مـردم، خـود را در مقابل تخلّفـات دیگر افراد، مسـئول دانسـته و آن را تنهـا وظیفـه نیـروی انتظامـی ندانند، جامعـه از بسـیاری از آفت‌هـا و پلیدی‌هـا زدوده می‌شـود. البتّـه در ایـن میـان، نهـاد مقـدّس مسـجد، یکی از نهادهایـی اسـت کـه در از بیـن بـردن فرصت‌هـای بزهـکاری تأثیـر به‌سـزایی دارد و عـلاوه بـر ایـن کـه حجـم کاری دسـتگاه‌های رسـمی مبارزه بـا بزهـکاری (پلیس و نیـروی انتظامـی و...) را کاهـش می‌دهـد، مُوجب هدایـت رفتار و تربیت افـراد جامعه در انطبـاق بـا هنجارهـای پذیرفته شـده نیز می‌شـود.

نقـش امـام جماعـت، بـه عنـوان یکـی از ارکان و عوامـل تأثیرگذار در امور مسـجد و جـذب و نگهـداری مـردم، بـه ویـژه اقشـار جـوان، دارای اهمّیـت زیـادی اسـت. در ایـن زمینـه، ایجـاد ارتبـاط عاطفی، گذاشـتن وقت کافی بـرای جوانان، مـورد پذیرش مـردم و جوانـان بـودن، داشـتن تقـوا و فضایـل اخلاقـی و عدالـت، رعایـت نظافـت و تمیـزی، نظـم و انضبـاط داشـتن، سـعه صـدر و بردبـاری، آسـان‌گیری و عمـل بـه گفته‌هـا، مـواردی هسـتند کـه رعایت آن از طـرف امـام جماعت، در جـذب و هدایت جوانـان مؤثّـر اسـت. وجود تعامـل و همکاری بین امـام جماعـت و کلانتری‌ها و مراکز نیـروی انتظامـی، در هدایـت و تربیـت دینـی افـراد جامعـه نقـش به‌سـزایی دارد. در پرتـو ایـن همـکاری و همیـاری اسـت که امنیـت و آرامش در محلّه و شـهرک و شـهر و کشـور حاکـم خواهد شـد.

## منابع و مآخذ


» قرآن کریم
» نوری، میرزاحسین نوری، مستدرک‌الوسائل، مؤسّسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ‌ق.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳۰ هـ‌ق.
» شیخ حرّ عاملی، محمّدحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسّسه آل‌البیت لإحیاء التراث [بی‌تا].
» سجّادی، سیّدمهدی، معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۶، مسجد و تعلیم و تربیت، قابل دسترس در: http://library.tebyan.net.
» الیاده، میرچا، دین‌پژوهی، دفتر اوّل، ترجمه: بهاءالدّین خرّمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵هـ‌ش.
» جعفری، محمّدتقی، فلسفه دین، تهران، مؤسّسه فرهنگی اندیشه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵هـ‌ش.
» هیگ، جان، نقش اجتماعی دین، ترجمه: بهرام راد سالکی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲هـ‌ش.

# نقش مسجد در توسعه محلّه‌ای

بابک نگهداری

## » چکیده

نوشتار حاضر، یک پژوهش توصیفی (Descriptive) بوده که در صدد تبیین نقش مسجد در توسعه محلّه‌ای است. نگارنده، علاوه بر مطالعه اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از روش مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز برای جمع‌آوری اطّلاعات استفاده کرده است. نگارنده، با استفاده از الگوی توسعه درون‌زای برونگر، به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه شهری، توسعه محلّه‌ای از طریق پژوهش در گذشته تاریخی، مذهبی و بومی نمودن ویژگی‌های ساختاری محلّی را مورد بحث قرار داده است. در ادامه، نقش مساجد به عنوان محور فعّالیّت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی و همچنین نقش مساجد محلّات در استفاده از ابزارهای فنّاوری اطّلاعات و ارتباطات در راستای توسعه محلّه‌ای را بررسی و تبیین نموده و در نهایت، آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلّات و بروز توسعه نیافتگی شهری و محلّه‌ای را بیان نموده است.

## » واژگان کلیدی:

سرمایه‌های اجتماعی، توسعه فراگیر، توسعه محلّی، توسعه درون‌زای برونگر، توسعه نیافتگی، تنوّع فرهنگی.

## » اشاره

یکـی از مهمّ‌تریـن رویکردهـای توسـعه، توجّـه به سـرمایه‌های اجتماعـی و تقویّت شـاخص‌های کمّی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسـعه کشـور اسـت. این رویکرد، نه تنهـا از قابلیّـت زمینه‌سـازی برای رشـد و گسـترش سـرمایه‌های اجتماعـی برخوردار اسـت، بلکـه معتقـد اسـت تقویّـت سـرمایه‌های اجتماعـی، نقـش مهـم و حیاتـی در ابعـاد مختلـف توسـعه جامعـه داشـته و نـگاه تقلیل‌گرایانـه و صـرف، بـه معیارهـا و جنبه‌هایـی از رشـد را کاهـش خواهـد داد و زمینه‌سـاز توسـعه‌ای فراگیـر، متـوازن و پایـدار خواهـد شـد. چنیـن رویکـردی، ضمـن توجّـه بـه محیط پـر شـتاب و متلاطم اطـراف، بـه بازشناسـی زیرسـاخت‌ها و زیربناهـای فکـری و فرهنگی خـود پرداخته و اسـاس توسـعه را بـر پایـه بنیـان معرفتـی و نظـام فکـری خـود پی‌ریـزی می‌نماید و ضمـن اسـتفاده از تجارب سـایر جوامـع، از نـگاه کلیشـه‌ای، اقتباسـی و تقلیل‌گرایانه اجتنـاب می‌کنـد.

عنصـر دیـن، به‌ویـژه دیـن اسـلام و تجلّـی‌گاه آن کـه همانـا «مسـجد» اسـت، از جملـه مهمّ‌تریـن سـرمایه‌های اجتماعـی محسـوب می‌گـردد کـه همـواره از نقـش تعیین‌کننـده در توسـعه جوامـع، به‌ویـژه در طـول تاریـخ انقـلاب اسـلامی برخـوردار بـوده اسـت. در حـال حاضـر، بـه دلیـل اینکه مـردم نسـبت بـه مزیّت‌هـای فرهنگی، مذهبـی، اعتقـادی و تاریخـی خـود، دچـار فراموشـی شـده‌اند، بـرای مشـارکت در توسـعه، دسـت خـود را تهـی می‌بیننـد و سـهمی از توسـعه را مطالبـه می‌کننـد؛ در صورتـی کـه اگر آنهـا به ظرفیّت‌ها و اسـتعدادهای بالقـوّه و متنوّع تاریخـی، مذهبی و فرهنگـی خـود پی‌ببرنـد و بداننـد که بـرای تسـریع جریان توسـعه، به‌ویژه در سـطح توسـعه محلّـه‌ای، از چنیـن سـرمایه‌های مهمّـی بـرای عرضـه برخوردارنـد، خواهـان ایفـای نقـش مثبـت در توسـعه خواهنـد شـد. در این نوشـتار مختصـر، با اسـتفاده از الگـوی توسـعه درون‌زای برونگـر، بـه عنـوان مبنـای برنامه‌ریـزی توسـعه محلّـه‌ای و شـهری، بـه بررسـی نقش مسـاجد به عنـوان محـور فعّالیّت‌هـای تبلیغـی و مهم‌ترین وسـیله ارتبـاط جمعـی، در اسـتفاده از ابزارهـای فنّـاوری اطّلاعـات و ارتباطـات در توسـعه محلّـه‌ای و سـایر مباحـث مرتبـط بـا ایـن مقولـه می‌پردازیم.

## » رابطه دین و نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسـان و انسان‌شناسـان در قرون گذشته، از انسـان به عنوان هوموارکتوس (انسـان مسـتوی‌القامه) و هوموفابریگوس (انسان ابزارسـاز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاسـت‌وَرز) سـخن می‌گفتنـد. ایـن در حالـی اسـت کـه امـروز، از انسـان بـا عنوان هومورلیجیوسـوس (انسـان دیـن‌وَرز) نیـز سـخن بـه میـان می‌آیـد؛ چرا کـه بر طبق جدیدتریـن پژوهش‌هـای جامعه‌شـناختی، چـه در آفریقـای جنوبـی و مکزیک (که به نسـبت توسـعه نیافته‌انـد) و چـه در آمریـکا کـه پیشـرفته‌ترین جامعه بشـری (از نظر فرهنـگ مـادّی) اسـت، بیـش از نودوپنـج درصـد انسـان‌ها، به وجـود خداونـد ایمان دارنـد. ایـن واقعیّـت، نظریـه‌ای را کـه مدّعـی بـود بـا پیشـرفت و توسـعه اجتماعی و افزایـش رفـاه مـادّی، دین و اندیشـه دینـی انحطاط یافتـه و در واقع، ایـن دو در نقطه مقابـل یکدیگـر قـرار دارند، ابطـال می‌کند. دیـن، کهن‌ترین، نافذتریـن و اثرگذارترین نهـاد اجتماعی بشـر اسـت. شـاید نماد علـم، تحوّل آفرین‌تـر و فرهنگ و تمدّن‌سـازتر از دیـن باشـد؛ ولـی می‌تـوان اذعان داشـت که دیـن، به علم و توسـعه، بیشـتر از علم و توسـعه بـه دیـن، مـدد رسـانده اسـت. به عبـارت کلّی‌تـر، هرگاه بشـر اندیشـه‌ورز با انگیزه‌هـای صـلاح یـا از سـر تحیّـر بـه تأمّـل در محیـط اجتماعـی خویـش پرداخته اسـت، ناخواسـته، خـود را بـا شـاخص‌ترین پدیـده اجتماعـی تأثیرگـذار در حیـات انسـان‌ها، یعنـی دیـن مواجه دیده اسـت، از ایـن‌رو، سـابقه اندیشـه‌های اجتماعی در خصـوص دیـن، بـه قدمت اندیشـه‌ورزی‌های اجتماعی بشـر اسـت که از گذشـته‌های دور توسّـط فلاسـفه و متکلّمیـن هـر عصر صورت گرفته اسـت. هنگامی کـه افلاطون، طـرح اتوپیای[1] خویـش از یـک جامعـه ایـده‌آل را ارائـه مـی‌داد یـا ارسـطو از سـهم ارزش‌هـای اخلاقـی در حیـات اجتماعـی سـخن می‌گفـت یـا هنگامی که آگوسـتین در کتـاب «شـهر خـدا»، تصویـری آرمانـی از نظام دنیوی همسـان با نظـم ازلی عرضه می‌نمـود و فارابـی انـواع مدینه فاضلـه و رذیله را بر اسـاس میزان پایبنـدی مردمانش بـه تعالیـم الهـی معرّفـی می‌نمـود و ابن‌خلدون نقـش دیـن و عصبیّت قبیلـه‌ای را در

[1] . اصـل واژه اتوپیـا (utopia) یونانـی اسـت و معنـی آن «جایـی کـه وجـود نـدارد» یـا «ناکجاآبـاد» بـوده و از لحـاظ لغـوی بـه مفهـوم «لامـکان» یـا «آرمان‌شـهر» اسـت. ایـن واژه در فلسـفه اسـلامی بـه مفهـوم «مدینـه فاضلـه» اشـاره دارد. دانشـنامه آزاد ویکی‌پدیـا: wikipedia.org.

فـراز و فـرود حکومت‌هـا تحلیـل می‌نمـود و جـان کانـون تـلاش می‌نمـود تـا الگویی از جامعـه مسـیحی مـورد نظـر خـود را در ژنـو بیـان کنـد و بـه طـور کلی، هـر زمان کـه فیلسـوف یـا متکلّمـی دربـاره اجتمـاع یا آرمـان اجتماعی مـورد نظر خود سـخن می‌گفتـه، در واقـع، همـه آنهـا بی‌آنکـه تصریـح یـا تفکیـک نماینـد، دربـاره نقـش و حضـور اجتماعـی دیـن، سـخن می‌گفته‌انـد. از آنجایـی که دین، بـه عنوان امـر الهی، بـرای سـعادت انسـان آمـده اسـت، بر هـر دو افق فـردی و اجتماعـی سـایه افکند. به مفهـوم دیگـر، دیـن بـرای امـور اجتماعی، بیشـتر از امـور فـردی اهمّیت قائل اسـت؛ چـرا کـه در تفکّـر اسـلامی، حیثیّـت اجتماعی نسـبت بـه حیثیّت فردی اقوی اسـت؛ حتّـی در اسـتنباط احـکام اسـلامی، وقتـی چیـزی بـه مصلحت عامّ باشـد، بـر اموری کـه جنبـه فـردی دارد، ترجیـح پیـدا می‌کنـد. همان‌گونـه کـه در دو اثـر گرانبهـای مرحـوم علّامـه طباطبائـی، یعنـی «جامعه و تاریـخ» و «المیـزان» نیز لحـاظ گردیده اسـت، در تفکّـر اسـلامی، نـگاه بـه جامعـه بـر مصالـح فـردی اولویّـت دارد. اهمّیـت موضـوع دیـن در جامعـه، نـه بـه خـودی خـود، بلکـه بـه تبـع تأثیراتـی اسـت که بر حیـات اجتماعـی دارد یـا از آن تأثیـر پذیرفتـه اسـت. هنجارهـا و رفتارهـای دینـی افـراد در سـطح خُـرد، حیـات اجتماعـی جامعـه در سـطح کلان را متأثّـر می‌سـازد. ادیـان، عـلاوه بـر تأثیـرات باواسـطه از طریـق پیروی‌های فـردی، دارای آثـار و تبعات مسـتقیم بـر محیـط اجتماعـی خویـش هسـتند؛ چـرا کـه خـود را صاحـب نقـش و رسـالت اجتماعی می‌شناسـاند.

## » توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی

سابقه مبحث توسعه، به عنوان موضوعی مشخّص، به پس از جنگ جهانی دوّم بازمی‌گردد. در این دوره، به طور عمده، دوگونه نظریّه‌های مربوط به توسعه، با عنوان توسعه اقتصادی و نوسازی ظاهر می‌شود. طرفداران نظریّه نخست به طور عمده، از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریّه نوسازی، بیشتر از مفاهیم جامعه‌شناسی سود می‌جویند. بعد از آن، توجّه به چارچوب‌های نمادی و ساختاری لازم برای توسعه اقتصادی، به مفهومی بیشتر کیفی و جامعه‌شناختی تغییر یافت.

با گسترش فضای مفهومی توسعه، از واقعیّتی اقتصادی به واقعیّتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، سبب گردید تا توسعه، موضوع تحلیل جامعه‌شناختی کلان (که مدّعی شناخت واقعیّت‌های اجتماعی در قالب یک نظام و با نگرش کلّی است) قرار گیرد.

به دلیل این تلقّی از توسعه، مکتب نوسازی شکل گرفت. توسعه، با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی و تلاش پیشگامان این علم، مانند دورکیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنّت بررسی جوامع کلان بودند و مکاتب شکل‌گرفته بر اساس کارهای آنان، از جمله مکتب کارکردی- ساختی معنی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که رشد مستمر درآمد سرانه (که توسعه جوامع با آن سنجیده می‌شد)، متّکی بر ساختار ویژه اقتصادی و در نتیجه، ساختار ویژه جامعه بود، توسعه بیشتر در رابطه تنگاتنگ با نوع خاصّی از سازمان جامعه و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج، شاخص‌های غیراقتصادی توسعه، تدوین گردید. در ابتدا، محقّقین بر این باور بودند که توسعه، تنها در گستره واحد اجتماعی کلان به نام «دولت- ملّت» یا «جامعه» محقّق است؛ امّا با گذشت زمان، این مسئله آشکار گردید که توسعه، نوعی تغییر تاریخی است که در محدوده کلّیه واحدهای اجتماعی، اعمّ از دولت، ملّت، جامعه، شهر و محلّه رخ می‌دهد. مفهوم توسعه، با ارجاع به زندگی اجتماعی در مجموعه‌ای از جوامع، تعریف می‌گردد.

توسـعه (نوسـازی)، بـه عنـوان یـک رونـد شـناخته می‌شـود؛ رونـدی تجمّعی که نتیجـه تعامل مجموعه‌ای از عوامل اسـت. این روند (توسـعه)، با شـکل‌گیری سـاختار مشـخّص و تولیـد دوبـاره آن، ملازمـه دارد. از ایـن‌رو، مسـتلزم نوعی تغییـر اجتماعی ـتغییـری در سـاختار جامعـه و بـه تعبیـر تاریخی‌ـ اسـت. برخلاف تنوّع سـاخت‌هایی کـه ایـن تغییـر در آنهـا رخ می‌دهـد، سـاختاری کـه توسـعه بـا آن ملازمـت دارد، سـاختاری واحـد اسـت. از ایـن‌رو، در ایـن چارچوب‌هـای مفهومـی، به‌طـور معمول از دوتایی‌هایی نظیر سـنّتی و مدرن، قبل از سـرمایه‌داری و سـرمایه‌داری، توسـعه‌نیافته و توسـعه‌یافته و خـرد و کلان بـرای طبقه‌بندی سـاخت‌ها اسـتفاده می‌گـردد که یک طـرف آن، بـا سـلب طرف دیگـر تعریف می‌شـود.

### » رویکردهای توسعه

مهم‌ترین رویکرد توسعه، توجّه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویّت شاخص‌های کمّی و کیفی و به کارگیری آن در توسعه کشور است.

این رویکرد، نه تنها از قابلیّت زمینه‌سازی برای رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است، بلکه معتقد است که تقویّت سرمایه‌های اجتماعی، نقش مهمّی در ابعاد مختلف توسعه کشور داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف را به معیارها و جنبه‌هایی از رشد، کاهش خواهد داد. همچنین، زمینه‌ساز توسعه‌ای فراگیر، متوزان و پایدار خواهد شد. این رویکرد، ضمن توجّه به محیط پرشتاب و متلاطم اطراف، به بازشناسی زیرساخت‌ها و زیربناهای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایرین، از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌نماید. عنصر دین، به‌ویژه دین اسلام و تجلّی‌گاه آن که همانا مساجد هستند، از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردند که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعه و تحوّلات، در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به‌ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده‌اند.

## » مساجد و هویّت توسعه شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام، تنها معبد نیست؛ زیرا به طور اساسی، عبادت در اسلام، فقط به دعا و نیایش و انجام امور ویژه دینی محدود نمی‌گردد. عبادت، هر عمل و حقّی است که آدمی نه برای نفع فردی خود، بلکه برای خلق انجام می‌دهد و همین کار برای خلق ـ که در اسلام از آن به عنوان «برای خدا» تلقّی می‌گردد ـ نمونه‌ای از ظهور توسعه در جوامع اسلامی است. به بیانی دیگر، مسجد در اسلام، کانون عبادت است؛ امّا عبادتی که دامنه تعریف و توسعه آن، چگونگی و چیستی کلّیه امور مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام را در برگرفته و گزاره‌های دینی را مفهوم و عینیّت می‌بخشد.

بر اساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجدِ پیامبر، برای کارکردی چندگانه اختصاص یافته و سنّت بهره‌برداری چند منظوره را بنیان نهاده شد.

نکته ظریف و پرمعنایی که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و دیگر معابد، فاقد آن شاخصه مهم‌اند، پیوند دیانت و سیاست در تاروپود و در ساختار پیکره مسجد است؛ زیرا که تولّد مسجد با ظهور و طلوع خورشید حکومت اسلامی آمیخته و همراه بوده و نظام مهندسی آن نشأت گرفته از تعالیم عالی و مفاهیم هدفدار و بلند آسمانی و فرهنگ و ادبیات وحیانی است. از آنجایی که بقاء و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و وحیانی، همواره مستلزم وجود کانون فعّالیّت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است، اسلام در راستای شکل‌بندی چنین ستادی که بیشتر مبتنی بر مرام‌نامه الهی و توحیدی است، مسجد را پایه‌گذاری می‌نماید؛ به‌طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعّالیّت‌ها و تأثیرگذاری آن در حرکت‌های اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و خواهیم بود. هویّت شهرهای اسلامی به واسطه بنای مساجد دارای بلندی گنبدها و مناره‌ها و آوای دلنشین اذان، از دیگر شهرهای غیراسلامی متمایز است و به‌طور اساسی، اطلاق شهر اسلامی به شهرهای فاقد مسجد، وجه تسمیه‌ای در اسلام به خود اختصاص نمی‌دهد.

مساجد در اسلام که همزاد با هجرت، فرصت تاریخی می‌یابد، نخستین طرح و بنایی هستند که با مشارکت مردم، در جامعه مدینه‌النّبی به مورد اجرا گذارده شد. در کلام دل‌نواز پیشوایان معصوم اسلام علیهم‌السلام، از مسجد با عناوین زیبا و دل‌نشینی تمجید شده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

**۱. مسجد، خانه مؤمنان پرهیزکاران:** در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که حضرت فرموده‌اند: «المَسْجِدُ بَیْت کل مُؤمِن؛ مسجد، خانه هر مؤمنی است».[۱] آن حضرت در حدیثی دیگر مساجد را خانه پارسایان و پرهیزکاران دانسته‌اند و فرموده‌اند: «اِنَّ الْمَساجِدَ بُیُوتُ الْمُتَّقِین وَ مَنْ کانَتِ الْمَساجِدُ بُیُوتَهُ فَقَدْ خَتَمَ اللهُ لَهُ بِالرَّوحِ وَ الرَّحْمَهِ وَ الْجَوازِ عَلَی الصّراطِ اِلَی الْجَنَّه؛ مساجد، خانه پارسایان است و هر کس خانه‌اش مسجد باشد، خداوند کار او را با رحمت و شادی قرار داده، اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد».[۲]

**۲. مسجد، باغی از باغ‌های بهشت:** مسجد در فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام، مهمان‌خانه خدا در زمین، جایگاه نزول خیرات و برکات آسمانی، خانه آگاهی و عبادت، عشق و محبّت، صفا و صمیمیّت، ایثار و رحمت، تجلّی‌گاه بهشت در زمین و تفریح‌گاه موحّدان است.[۳]

ابی‌هریره در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «إذا مَرَرتُم بِریاضِ الجَنَّهِ فَارتَعوا؛ قُلتُ: یا رَسولَ اللهِ و ما رِیاضُ الجَنَّه؟ قالَ: المَساجِدُ؛ هرگاه از باغ‌های بهشت گذر کردید، [در آن] گردش کنید. گفتم: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت چه هستند؟ فرمود: مسجدها».[۴]

**۳. مسجد، بازاری از بازارهای آخرت:** رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَهِ قِرَاهَا الْمَغْفِرَهُ وَ تُحْفَتُهَا الْجَنَّهُ؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن، مغفرت و هدیه آن، بهشت است»؛[۵] یعنی همان‌گونه که بازار محلّ خرید و فروش و مبادله کالا و متاع‌های دنیوی است، مسجد نیز محلّ

---

[۱]. کنزالعمال، ج۷، ص۶۵۰ و مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۵۹، ۵۵۴.
[۲]. کنزالعمال، ج۷، ص۶۵۹، حدیث ۲۰۷۸۵.
[۳]. سنن ترمذی، کتاب دعوات، ج۳، ص۸.
[۴]. ترمذی، سنن‌الترمذی: ج۵ ص۵۳۲، ح۳۵۰۹، کنزالعمّال: ج۷، ص۶۵۱ ، ح۲۰۷۳۹.
[۵]. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۱؛ بحارالانوار، ج۸۱، ص۴.

کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر است. از سوی دیگر، از آنجا که بیشترین اهتمام انسان مؤمن متوجّه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت بدان نیاز دارد، شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست و در جانب مقابل، آنان که دنیا و حرص بر متاع آن را وجه همّت خویش قرار داده‌اند، به طور معمول با سودجویی و سودگرایی انس بیشتری دارند. از این‌رو، می‌بینیم که مؤمنان در هنگام رفتن به مساجد سعی می‌کنند بر دیگران پیشی بگیرند و به هنگام خروج، دیرتر از همه مسجد را ترک گویند، و در مقابل، اهل دنیا پیش از همه به بازار رفته و پس از همه خارج می‌شوند.

**۴. مسجد، بهترین مکان‌ها:** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خَیرُ البقاع المَساجدُ؛ بهترین مکان‌ها، مسجد است».[۱] زیرا، مساجد خانه خدا،[۲] انوار الهی،[۳] جایگاه پیامبران[۴] است.

بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی، مساجد از نظر مکانی، مرغوب‌ترین قطعه زمین، محبوب‌ترین نقاط هر شهر، خانه مؤمنان و پرهیزکاران و باغی از باغ‌های بهشت و بازاری از بازارهای آخرت، تعریف شده و مسلمانان نسبت به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق گردیده‌اند و ائمّه معصومان علیهم السلام نیز پاداش‌های بزرگی برای این کار ذکر نموده‌اند. با تتبّع در روایات، درمی‌یابیم که وعده‌ها و پاداش‌های الهی برای بانیان مسجد بسیار است؛ برای اختصار به چند مورد که برجسته‌تر از سایر پاداش‌ها است، اشاره می‌کنیم:

### ۱. مقام «ولیّ الله» برای سازندگان مساجد

«هر کس در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال به هر وجبی یا ذراعی از آن، شهری در بهشت از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرّد و زبرجد و مروارید برای

---

۱. کنزالعمال، ج۷، ص۶۵۲، حدیث ۲۰۷۴۸.
۲. وسائل‌الشیعه، ج۱، ص۲۶۸.
۳. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۴۷.
۴. همان، ص۳۱۳ و ۳۵۹.

او بنـا می‌کنـد کـه بزرگـی آن بـه اندازه پیمودن مسـافت چهل هزار سـال راه باشـد و در هـر شـهری هـزار هـزار قصر، در هـر قصری چهل هزار هـزار خانـه و در هر خانه‌ای چهـل هـزار هـزار اتـاق، و در هر اتاقـی چهل هزار هـزار تخت و بر هر تختی همسـری از حوریـان و در هـر اتاقـی چهـل هـزار هـزار خـادم و چهـل هزار هـزار کنیـز و در هر اتاقـی چهـل هـزار هـزار سـفره گسـترده و بـر هـر سـفره‌ای چهل هـزار هـزار ظرف و در هـر ظرفـی چهـل هزار هـزار نـوع از انواع طعـام وجـود دارد و خداوند به «دوسـت خـود» (در حدیـث بـه صـورت «یعطـی الله لولیه» آمده اسـت)، چنان تـوان و نیرویی می‌دهـد کـه بتوانـد از همـه همسـران و خوردنی‌ها و آشـامیدنی‌ها بهـره ببرد».[1]

## ۲. خانه بهشتی، پاداش مسجدسازان

پیامبـر اکـرم ﷺ: «مـن بنـی لله مسـجداً لا یریـد به ریـاء و لا سـمعه بنی الله لـه بیتاً فـی الجنـه؛ هر کسـی برای خدا مسـجدی را بسـازد و آن را بـرای ریـا و خودنمایی به کار نبـرد، خـدای تعالـی در بهشـت، خانه‌ای بـرای او بنـا می‌کند».[2]

ابوعبیـده حـذّاء می‌گویـد: از امـام صـادق علیه‌السلام شـنیدم کـه می‌فرمـود: «مَـن بَنـی مَسـجِداً بَنَـی اللهُ لَـهُ بَیتـاً فِی الجَنَّه، قـالَ أبو عُبَیـدَهَ: فَمَرَّ بی أبوعَبـدالله علیه‌السلام فی طَریقِ مَکَّـه و قَـد سَـوَّیتُ بِأَحجارٍ مَسـجِداً؛ فَقُلـتُ لَهُ: جُعِلتُ فِـداکَ، نَرجو أن یَکـونَ هذا مِن ذلِـکَ، فَقـالَ: نَعَـم؛ هر کس مسـجدی برپا کند، خداوند در بهشـت برایـش خانه‌ای بر پـا خواهـد کـرد. ابوعبیده می‌گویـد: امام صادق علیه‌السلام در مسـیر مکّه بر من گذشـت، در حالـی کـه مـن با سـنگ‌ها، مسـجدی را فراهم کـرده بودم. بـه حضرت گفتـم: فدایت شـوم! آیـا امیـدوار باشـیم که ایـن [کارِ من]، از آن جمله اسـت؟ فرمـود: آری».[3]

## ۳. مسجدسازی، مانع نزول عذاب الهی

آبادگـران مسـاجد نـزد خداونـد چنـان محبوبند که خداونـد نه تنها آنهـا را از آفات و امراضـی کـه می‌خواهـد بـر قومـی فـرود آورد، دور می‌کنـد، بلکـه بـه احتـرام آنان،

---

[1]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۶۳؛ عقاب الاعمال، ص۵۰.
[2]. همان، ص۶۵۵.
[3]. تهذیب الأحکام، ج۳، ص۲۶۴، ح۷۴۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۲۳۵، ح۷۰۴.

کیفـر و مجـازات بنـدگان گناهـکار را به تأخیـر می‌اندازد.
رسـول خـدا ﷺ: «إنَّ الله تعالـی، اذا انـزل عاهةً مِـنَ السَّـماءِ علَیَ اَهـلِ الاَرضِ صرفَت عـن عَمّـار المسـاجد؛ خداونـد وقتی مرضی را از آسـمان بر مـردم فـرود آورد، آن را از بانیـان مسـاجد دور می‌گرداند». [1]
امـام صـادق علیه‌السلام بـه نقـل از امـام علـی علیه‌السلام می‌فرمایـد: «إنّ الله عـزّ و جـلّ، اذا اَراد أن یُصیـبَ أهـلُ الأرض بِعـذابٍ یقـولُ: لـولا الّذیـن یتحـاّون فِـیَّ و یَعمُرون مسـاجدی و یسـتغفرون بالاسـحارِ لا نزلـت عذابـی؛ خداوند متعال آنـگاه که بخواهد اهـل زمین را بـه کیفـر اعمـال بدشـان عـذاب نمایـد، می‌فرمایـد: بـه احترام آنـان که بـه خاطر من بـا یکدیگـر دوسـتی و محبّـت می‌ورزنـد و مسـاجدم را آبـاد می‌نمایند و سـحرگاهان بـه اسـتغفار می‌پردازنـد، عـذاب خـود را بر آنـان نـازل نمی‌کنم». [2]

## ۴. آبادگران مساجد، همسایگان خداوند

پرداختـن بـه سـاخت یـا آبـاد کـردن مسـجد بـرای مسـلمانان از اهمّیـت ویـژه‌ای برخـوردار اسـت. در کلامـی زیبـا از رسـول خـدا ﷺ، چنیـن افـرادی همسـایگان پـروردگار نامیـده شـده‌اند: «قـول الله عزوجـل یـوم القیامـه: ایـن جیرانـی؟ فتقـول الملائکـه: و مـن ینبغـی ان یکـون جـارک؟ فیقـول: عُمّـار مسـجدی؛ در روز قیامـت خداونـد متعـال می‌فرمایـد: همسـایگان مـن کجاینـد؟ ملائکـه می‌گویند: پـروردگارا! چـه کسـی شایسـتگی همسـایگی تـو را دارد؟ خداوند در پاسـخ می‌فرمایـد: آبادگران مسـاجدم». [3]

بـه هرحـال، وعده‌هـا و پاداش‌هـای الهـی بـرای بانیـان مسـجد، و توجّـه شـریعت اسـلام بـه ایـن مراکـز توحیـدی اجتماعـی، موجـب علاقـه و نشـاط وصف‌نشـدنی در مسـلمانان نسـبت بـه بنـای ایـن مـکان مقـدّس در جوامع اسـلامی گردیـد. به‌طوری کـه محوریّـت ایجـاد و توسـعه شـهری را همواره مسـاجد رقـم می‌زدند. تاریخ نشـان می‌دهـد کـه عملیـات سـاختمانی شـهرهای نوسـاز، ابتـدا با سـاختمان مسـاجد آغاز

[1]. نهج‌الفصاحه، حدیث ۶۸۲.
[2]. ثواب‌الاعمال، ص۱۷۸.
[3]. کنزالعمال، ج۷، ص۵۷۸، ح۲۰۳۳۹.

می‌گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می‌شد و مسلمانان در آن مستقر می‌گردیدند، اوّلین اقدام‌شان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می‌نمودند. به‌طور کلّی، شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز از یک ویژگی مهم داشتند و آن اینکه به عنوان وجه تمایز آنها از روستاها، دارای مسجد جامع و منبر بودند. طی قرون اوّلیه در هر شهری تنها یک مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن برگزار می‌گردید؛ امّا به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شده و حتّی برخی از روستاهای پرجمعیّت از مسجد جامع و منبر برخوردار گردیدند.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی، همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیّت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمّیت آن، اساس طرّاحی شهری به شمار می‌رفت. اوّلین نقطه‌ای که طرّاحی می‌شد، مسجد جامع شهرها بود و بر اساس آن، محلّه‌های شهری را طرّاحی می‌کردند و آنگاه به خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و کوچه‌ها می‌پرداختند.

مدینه الرّسول، نخستین الگوی این طراحی بود؛ زیرا مسجدالنّبی اوّلین بنایی بود که در وسط شهر طرّاحی شد و بعد از آن، محلّه‌های مهاجران (که بیشتر، قطاع‌ها و فضاهای باز محلّه‌های انصار بودند که به مهاجران هدیه می‌شد و یا این که زمین‌های خشک و بدون مالک که رسول خدا ﷺ آنها را میان مهاجرین تقسیم می‌نمود) طرّاحی می‌شد. بقیّه شهرهای نوبنیاد اسلامی که بعد از شهر مدینه ساخته شدند، همه از این قاعده پیروی می‌کردند؛ مثل: شهرهای کوفه، بصره، فسطاط و قیروان. از آن پس، پیروی از این شیوه در طرّاحی شهری به صورت سنّتی متداول درآمده و شهرهایی مانند واسط، بغداد، فاس و... به همین ترتیب طرّاحی و ساخته شدند. بعد از آنکه رسول اکرم ﷺ خانه خود را در مجاورت مسجد بنا نمود، این کار وی بعدها به هنگام تأسیس شهرها و محلّات جدید به صورت سنّتی درآمد که از آن پیروی می‌شد.

## » نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت‌های صنعتی و عصر الکترونیک، از جمله مهم‌ترین وسایل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم، گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه‌ای بود در تنظیم آنها ذوق و سلیقه‌ای به کار می‌رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه‌ای نسبت به یک عمل ایراد می‌شد، «خطابه» اطلاق می‌گردید و چون عامّه مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می‌شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد و میادین محلّات و شهر آمده و به سخنان خطیبان گوش فرامی‌دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و منابر هم‌چنان از اهمّیت بسزایی برخوردار است. پیشوایان دینی و واعظان مساجد و مراکز مذهبی به تبیین مصالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می‌پردازند. سخنواران توانا و چیره‌دست با سخنان مهیّج خود، گاهی گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت، نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرامی‌خوانند؛ زیرا هنر سخنور در این‌گونه امور آن است که در روح و قلب مردم نفوذ کرده و آنان را با طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد.[1]

در شالوده نظام اسلامی، مسجد که بنیانی اعتقادی و عبادی و محلّ آمدوشد مداوم مسلمانان در اوقات پنج‌گانه است، محور فعّالیّت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، مسیر تحوّل و تطوّر و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محلّه‌ای، تأمّلی را فراروی مسلمین می‌گشاید.

در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعّال دارند و نقش محوری ایفا می‌نمایند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت‌وآمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز، با قرار گرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر شده و در جریان مسائل روز قرار می‌گیرند. همچنین، وجود منبر در مسجد که از آن به عنوان یک رسانه عمومی در اسلام نام برده می‌شود، نقش مهمّی در نشر افکار ایفا می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که سخنران با استفاده از آن به نشر

[1]. مینایی، علی‌اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، ماهنامه مسجد، ش۶، ص۲۸.

عقایـد اسـلامی و انتقـال مسـائل مهـم جامعـه بـه مـردم می‌پـردازد. هرچنـد ممکن اسـت چنیـن تلقّـی گـردد که با وجـود وسـایل ارتباط جمعی پیشـرفته امـروزی، این نقـش مسـاجد اهمّیـت قبلـی خـود را از دسـت داده اسـت؛ امّـا بـه دلیـل پراکندگی مسـاجد در جوامع اسـلامی و گسـترش آنها در تمامی نقاط شـهری و محلّات از یک سـو و حرمت و قداسـت و معنویّت خاصّ آن در نزد مسـلمانان از سـوی دیگر، سـبب شـده اسـت تـا این مراکز نقـش مهـم و غیرقابل‌انکاری در کارکرد رسـانه‌ای و توسـعه ارتباطـات ایفـا نمایند.

در ایـران، منبـر و خطابه همواره از برترین وسـایل ارتباط جمعی محسـوب شـده و می‌شـوند. خطیبـان مذهبی و سیاسـی در مسـاجد و مجالـس وعظ، زمام افـکار مردم را در دسـت گرفتـه و بـر روی منابـر، سرنوشـت مـردم را رقـم می‌زننـد. در چنیـن جوامعـی هنـوز رادیـو، تلویزیـون و صدهـا وسـیله ارتبـاط جمعـی نتوانسـته‌اند جای منابـر را پـر کننـد و گاهـی خـود این ابـزار نیـز در اختیار خطیبـان درآمـده و به نفوذ و کارآیـی خطابـه آنـان، هرچـه بیشـتر افزوده می‌شـود.

بـا ایـن حـال، چندی اسـت که مقولـه شـکاف دیجیتالی موجـود میان کشـورهای توسـعه‌یافته و کشـورهای در حـال توسـعه و عقب‌مانـده، بسـیار مـورد توجّـه محافل گوناگـون فکـری- سـازمانی قـرار گرفتـه اسـت. واقعیّت امر این اسـت که کشـورهای توسـعه‌یافته بـا دسترسـی به سـرمایه کافـی، فنّاوری‌های نویـن ارتباطـی- اطّلاعاتی، منابـع انسـانی غنـی و مدیریـت پیشـرفته و متخصّـص، سـهم قابـل توجّهـی از بـازار فنّاوری‌هـا را بـه خـود اختصـاص داده‌انـد و ایـن در حالـی اسـت کـه کشـورهای عقب‌مانـده، همچنـان گرفتار بحث‌هـای اوّلیه، نگاه غیرسیسـتماتیک بـه موضوع و در برخـی مواقـع فقـر مادّی هسـتند. موضـوع مقاله حاضر در مورد این مسـئله اسـت که بـا چـه برنامه‌ریزی‌هـا و سیاسـت‌گذاری‌هایی در زمینـه آمـوزش کاربـردی فـردی - اجتماعـی در بـه کارگیـری فنّاوری‌های نوین ارتباطی- اطّلاعاتی و گسـترش اسـتفاده از ایـن امـکان در عرصه‌هـای مختلـف جامعـه، به‌ویـژه جوامـع محلّـه‌ای می‌تـوان این شـکاف دیجیتالـی را کاهـش داده و در جهـت دسـت‌یابی بـه توسـعه همه‌جانبـه، گام‌های اساسـی برداشـت.

در ابتـدا پرداختـن بـه ایـن موضـوع ضـروری اسـت کـه فنّاوری‌هـای اطّلاعـات و ارتباطـات تنهـا شـامل اینترنت نیسـت، بلکـه پخش مسـتقیم برنامه‌هـای تلویزیونی‌ـ ماهـواره‌ای و دیگـر امکانـات دیجیتالـی را نیـز در برمی‌گیـرد. در خصـوص توسـعه آمـوزش در جامعـه و در دسـترس قـرار دادن فنّاوری‌هـای نویـن ارتباطـی‌ـ اطّلاعاتی بایـد اذعـان داشـت کـه این مشـکل، تنها مشـکل کشـور ایـران و کلان شـهری چون تهـران نبـوده و حتّـی در کشـورهای بسـیار پیشـرفته نیز مشـهود اسـت. انسـان‌ها از یـک سِـنّی تمایـل چندانـی به یادگیـری مطالـب و عناوین جدیـد ندارنـد. به‌ویژه اگر بـه آن زمینـه خـاصّ، نیاز نداشـته و یا حداقل احسـاس نیاز نکنند. از ایـن‌رو، فاصله و شـکافی میـان نسـل‌ها ایجـاد می‌گـردد، یعنی نسـلی که بـا کامپیوتـر به میـزان زیاد فعّالیّـت نمـوده و نسـل دیگـری کـه حتّی ممکن اسـت با وجـود برخورداری از سـواد بـالا، به‌طـور کامـل از ایـن قبیـل امکانـات دور بـوده و بـه انـدازه نسـل قبـل، توانایی اسـتفاده از ایـن ابـزار را نـدارد. در حقیقـت، ایـن همان بحثی اسـت که تحـت عنوان سـواد رقومـی در دنیـا مطرح شـده اسـت؛ یعنـی اگر در گذشـته، درصد بی‌سـوادی و تحوّلاتـش را در کشـورهای مختلـف مـورد بررسـی قـرار می‌دادیـم، آن زمـان مبحث جدیـد بی‌سـوادان رقومـی و معرّفـی این افـراد به عنوان افـراد بیگانه با ابـزار دیجیتال مطـرح نبـوده اسـت. در حـال حاضر، ایـن موضوع، نـه تنها در ایـران، بلکـه در تمامی نقـاط جهان مطرح اسـت.

در حـال حاضـر، در کشـورهایی چون نروژ و ژاپن، دولت‌ها بـا تخصیص بودجه‌هایی مشـخّص، برنامه‌ریزی‌هایـی در راسـتای کاهـش شـکاف سـواد رقومـی در جامعه آغاز کرده‌انـد. بـه عنـوان مثـال، در بلژیک، در سـاندویچ فروشـی‌ها، دسـتگاه‌های اینترنت در اختیـار مشـتریان قـرار می‌گیـرد تـا از ایـن طریـق هنـگام صـرف غـذا بتواننـد در آخریـن لحظـات جعبـه پسـت الکترونیـک خود را نیـز بازبینـی نمایند. طبیعی اسـت در چنیـن وضعیّتـی، افراد سـالخورده‌ای کـه در چنین محیطی به صـرف غذا مبادرت می‌نماینـد، زمانـی کـه می‌بیننـد مـردم از اینترنـت اسـتفاده می‌نماینـد، احسـاس می‌کننـد کـه چیـزی هسـت کـه آنهـا نمی‌داننـد و اگـر در چنیـن جایـی نمی‌بودند، شـاید چنیـن احساسـی نیز نداشـتند؛ چرا کـه در اصل حرفـه اصلی این افـراد به این

موضـوع ارتباطـی ندارد.

به‌طـور کلّـی، می‌تـوان گفـت کـه بـرای دسـت یافتـن بـه توسـعه، برخـورداری صـرف از سـخت‌افزارهایی نظیـر اینترنـت کافـی نیسـت. ایـن قبیـل ابزارهـا، زمانـی می‌تواننـد مؤثّـر باشـند کـه در یـک جامعـه عقلانیّـت، توسـعه یافتـه باشـد. در حال حاضـر، خودبـاوری یکـی از ابزارهـای کلیـدی توسـعه، به‌ویـژه در کشـورهای در حال توسـعه محسـوب می‌گـردد. بـه عبـارت دیگـر، هـر جامعـه‌ای کـه عـزّت نفـس خود را از دسـت دهـد، اگـر از تمامـی امکانـات اقتصـادی نیـز برخـوردار باشـد، به توسـعه دسـت نمی‌یابـد، در مقابـل، هـرگاه بتـوان ایـن امکانـات را در راسـتای خودبـاوری، عقلانیّـت و تبدیـل خلاقیّـت و نـوآوری بـه ارزش به کار گرفـت، این اتّفـاق می‌افتد. از ایـن‌رو، در کشـورهای اسـلامی، از جملـه کشـور ایـران، مسـاجد می‌توانند در سـاعت غیرعبـادی و پرداختـن بـه فریضـه نمـاز بـه طـور عملـی بـرای بـه کارگیـری چنیـن امکاناتـی قابـل اسـتفاده باشـند؛ چـرا که عـلاوه بر حضور و مشـارکت مردم در سـطح محلّـه‌ای، توسـعه‌ای نیـز در زمینـه اطّلاع‌رسـانی و ارتباطات بـه وقـوع می‌پیوندد. در چنیـن حالتـی به واسـطه مرجعیّت داشـتن مسـاجد برای اقشـار مختلـف جامعه اعمّ از باسـواد، کم‌سـواد، بی‌سـواد و پیـر و جـوان، کلّیـه اقشـار مختلـف جامعـه، به‌ویـژه در سـطح محلّـه‌ای بـه اسـتفاده از فنّاوری‌هـای نویـن اطّلاعاتـی- ارتباطـی گرایـش می‌یابنـد کـه ایـن خـود بـه افزایـش اندوخته‌هـای دینـی و علمـی افـراد و در نتیجه، بـر توسـعه محلّـه‌ای در راسـتای نیـل بـه توسـعه پایـدار منتهـی می‌گـردد. از جملـه اقداماتـی کـه در راسـتای گسـترش فنّاوری‌هـای نویـن اطّلاعاتی- ارتباطی در سـطح محلّـه‌ای در کلان شـهری چـون تهـران قابل‌انجـام اسـت، می‌تـوان مـوارد زیـر را نام بر د.

**۱. راه‌اندازی ایسـتگاه مطبوعات در مسـاجد؛** با راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در مسـاجد محلّه‌هـای شـهری، می‌تـوان شـاهد روی‌آوردن اقشـار مختلـف جامعـه بـرای کسـب اطّلاعـات و اخبار در زمینه‌هـای گوناگون فرهنگـی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسـی، خانوادگـی، بهداشـتی، ورزشـی، مذهبـی، هنـری و... بـه مسـاجد و افزایش سـطح آگاهـی و در نتیجـه دسـت‌یابی بـه توسـعه محلّـه‌ای خواهیم بود.

**۲. آمـوزش و خدمـات رایانه‌ای در مسـاجد؛** با وجـود معرّفی رایانـه به عنوان ابـزار برای اطّلاع‌رسـانی سـریع و آموزشـی علـوم و یافته‌های جدید و انتقـال اطّلاعات از یـک سـو و عـدم برخـورداری افـراد و گروه‌هـای مختلـف از تـوان خرید یا اسـتفاده از ایـن پدیـده نویـن از سـوی دیگـر، سـبب می‌گـردد تا مسـاجد با به خدمـت گرفتن رایانه‌هـا، خدمـات فرهنگـی، آموزشـی، مذهبـی، هنـری و اجتماعـی و... را در اختیـار مردم قـرار دهند.

**۳. نمایش فیلم‌های آموزشی در مساجد؛**

**۴. استفاده از برنامه‌های مثبت ماهواره‌ای در مساجد؛**

**۵. راه‌اندازی حداقل یک خط اینترنت در هر مسجد محلّه.**

از جملـه مهم‌تریـن مزایـای اسـتفاده از ابزارهـای فنّـاوری اطّلاعـات و ارتباطات در مسـاجد محلّـه می‌تـوان بـه مـوارد زیر اشـاره نمود:

۱. جـذب اقشـار مختلـف جامعه، به‌ویژه قشـر تحصیـل کرده و قـرار گرفتن آنان در کنـار کـودکان، نوجوانـان، جوانـان و افراد بزرگسـال و تحـت آموزش قـرار گرفتن این افـراد توسّـط افـراد تحصیل کـرده کـه در نهایت، به ایجاد پـل ارتباطی میـان اجتماع و مسـاجد منتهـی می‌گردد.

۲. غنی‌سـازی اوقـات فراغـت اقشـار مختلف جامعـه در چارچـوب ارزش‌های دینی و در راسـتای افزایـش آگاهـی از اطّلاعـات در زمینه‌های مختلف؛

۳. افزایـش انگیزه‌هـای حضـور مـردم در مسـاجد و علاقـه بیشـتر اقشـار جامعه در راسـتای برطرف نمودن مسـائل و مشـکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسـی، بهداشـتی، مذهبـی، اخلاقـی و... موجود در محلّات شـهری؛

۴. برقـراری امـکان حضور فرهیختگان، اسـاتید، محقّقان و دانشـجویان در مسـاجد محلّـی در راسـتای ارتقـای سـطح فرهنگ دینی و توسـعه محلّه؛

۵. آشـنایی بـا کارکردهـای مسـاجد کشـورهای اسـلامی در راسـتای اداره هـر چه بیشـتر و بهتـر امـور محلّـه و نیل بـه توسـعه محلّه‌ای؛

۶. ایجـاد فرهنـگ گفتمـان و تبـادل اطّلاعـات فرهنگـی، مذهبـی، علمـی و... در مسـاجد محلّـی کـه خـود موجـب تقویّـت کلان فرهنـگ و مشـارکت و تعامل‌نگـری

فرهنـگ دینـی و در نهایـت، توسـعه محلّـه‌ای خواهـد گردیـد.

## » مساجد، محوریّت ایجاد و توسعه شهری و محلّه‌ای

با افزایش جمعیّت و توسعه شهرهای بزرگ و در نتیجه، پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس با محلّات جدید به دور از مسجد جامع موجب شد تا اهالی محلّات مختلف جهت انجام فرایض خود به بنای مسجد جدیدی در محلّ خود مبادرت نمایند؛ زیرا همان‌گونه که از قبل نیز به آن اشاره گردید، محوریّت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. افزایش تعداد مساجد در محلّات مختلف شهرهای گوناگون، در وهله اوّل به توسعه محلّه‌ای و وهله دوّم، به توسعه شهری و ازدیاد جمعیّت منجر گردید. از مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد در محلّات شدند، می‌توان موارد زیر را نام برد:

### ۱. فضیلت وقف و باقیات‌الصّالحات در فرهنگ اسلامی

فضیلت ارزشمند وقف، یعنی به جای گذاشتن باقیات‌الصّالحات از خود، علاوه بر تأثیرگذاری بر رفتار فردی، باعث تاثیرگذاری رفتار جمعی و عملکردهای مثبت در جامعه می‌شود. به‌طور کلّی، پرونده اعمال هر انسانی با مرگ او بسته می‌شود و ثبت و ضبط اعمال خاتمه می‌یابد، مگر اعمالی که دارای آثار عامّه مستمر باشند که جزء باقیات‌الصّالحات خواهند بود.

در روایتی از پیامبراسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، عِلْمًا عَلَّمَهُ وَ نَشَرَهُ وَ وَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَ مُصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَ حَيَاتِهِ يَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ؛ چند چیز است که بعد از مرگ مؤمن پاداش آنها به او می‌رسد؛ علمی که از خود به یادگار گذاشته باشد، فرزند صالحی که جانشین خوبی برای او باشد، قرآنی که به ارث گذاشته باشد، مسجدی که ساخته باشد، منزلی که برای مسافران در راه مانده بنا کرده، نهری که آن را جاری ساخته است و صدقه‌ای که در حال حیات و زندگی خود انجام داده باشد».[1]

[1] . نهج‌الفصاحه، ص۱۸۳، ح۹۰۶؛ سنن ابن‌ماجه، ج۱، ص۸۸.

در برداشت عمومی، باقیات الصّالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می‌گردد که دارای اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدّت بوده و مردم در زندگی خود به نوعی از آن منتفع می‌گردند. بر اساس چنین تلقّی است که باقیات‌الصّالحات، بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی، به‌ویژه در احداث مساجد تجلّی یافته و دولت‌مردان و افراد متمکّن را بدان ترغیب نموده است. در نهایت، این نگرش معنوی، سبقت در امر مسجدسازی، افزایش تعداد مساجد و توسعه محلّه‌ای و شهری را به همراه داشته است.

### ۲. عدم پیش‌بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاهی کمبود امکانات مادّی و محدودیّت مکانی و گاهی عدم آینده‌نگری، سبب می‌شد که مساجد در مساحت‌های کوچک‌تری احداث گردند. بعدها که در اثر افزایش جمعیّت، نیاز به مساجد بزرگ‌تر احساس گردید و به علّت عدم‌امکان توسعه آن، ناگزیر از زمین بزرگ‌تری برای احداث مسجد دیگری استفاده می‌کردند. بنابراین، مساجد کوچک در ظاهر کاربری خود را از دست می‌دادند؛ امّا بنا به وظیفه شرعی، همچنان نگهداری شده و برای اجتماعات کوچک‌تر مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند.

### ۳. روحیّه راحت‌طلبی

خصیصه راحت‌طلبی انسان، همواره وی را به عبادت در نزدیک‌ترین معابد و مساجد ترغیب نموده و در صورت احساس بُعد مسافت، برای رسیدن به فیض نماز جماعت و حضور پنج‌گانه در مساجد، ایجاد مسجد در نزدیک‌ترین محلّ سکونت را در رأس برنامه‌های اجتماعی خود قرار داده است. از این طریق با احداث مساجد متعدّد در محلّات مختلف، توسعه محلّه‌ای و شهری به وقوع می‌پیوست.

### ۴ . اختلافات قومی و منطقه‌ای

زندگـی اقـوام مختلـف در شـهرها، کـه اغلـب در انجـام اعمـال عبـادی دارای روش‌هـای مختلفـی نیـز بودنـد، موجب احـداث مسـجدی جداگانه برای آنها می‌شـد تـا برحسـب اعتقـادات و سـنن خـود، مراسـم عبـادی را بهتـر برگـزار نماینـد. گاهی در سـکونت‌گاه‌های شـهری برخـلاف هم‌کیـش بـودنِ جمعیّتـی، افتـراق سـلایق، رقابت‌هـای محلّـی، اختلافـات قومـی و قبیلـه‌ای، پیدایـش مسـاجد جدیـد و سـپس توسـعه محلّـه‌ای و شـهری را بـه دنبـال داشـته اسـت.

## » آسیب‌شناسی عدم‌توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلّات

عدم‌رعایت اصول مسلّم شهرسازی در گذشته، به‌ویژه در بنای مساجد، آثار منفی فرهنگی- اجتماعی خود را امروز به روشنی آشکار می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که، اغلب در محلّی از محلّات شهری با تورّم مساجد و در محلّه‌ای دیگر با نبود یا کمبود آن مواجه هستیم. شهر بزرگ تهران، خود نمونه بارز چنین وضعیّت اسفباری است. تعداد زیاد مساجد در محلّات قدیمی و جنوب شهر و نبود یا کمبود مساجد در محلّات جدید و شمال شهر، به‌طور کامل مشهود است؛ البتّه، چه بسا که عدم‌انتخاب محلّ مرغوب و حواشی خیابان برای احداث مساجد، چنین نمودی را به وجود آورده است. اگر فرد غریبه‌ای از داخل و یا خارج از کشور در طی مسیر خود از ابتدا تا انتهای خیابان ولی‌عصر که از خیابان‌های اصلی و محوری شهر تهران است، به اطراف دقّت نماید، چه تصویری از امّ‌القرای جهان اسلام، به لوح تفکّرش نقش می‌بندد. اگر همان فرد، برای ادای فریضه نماز اراده نماید و به‌طور احتمالی در اثر حواس‌پرتی متوجّه مهدیّه تهران نشود، بدون پرس‌وجو به کجا می‌تواند مراجعه کند؟

پیامد چنین وضعیّتی، آثار آشکاری است که در بررسی محلّات گوناگون شهر تهران، اعمّ از محلّات قدیمی و نوساز به دست آمد و آن این که هرچه به سمت محلّات قدیمی‌تر پیش می‌رویم، محلّات از غنای فرهنگی، اجتماعی و اسلامی بیشتری برخوردار است و مساجد، به خوبی به ایفای نقش در شناساندن جایگاه محلّه در ساختار بافت کلان شهر تهران پرداخته‌اند؛ در مقابل، هر چه از محلّات جدید گذر می‌کنیم با فقر فرهنگی، اجتماعی و قرابت با فرهنگ بیگانه و توسعه مفاهیم غیراقتصادی آن مواجه می‌شویم.

علّت عمده توسعه‌نیافتگی، به‌ویژه در سطح محلّه‌ای را باید در انتخاب الگوی توسعه جستجو نمود. در گذشته، الگوی توسعه درون‌زا بود و این در حالی است که در دوران اخیر، الگوی توسعه برون‌زا مورد توجّه قرار گرفته است.

در الگوی برون‌زا، کلّیه ویژگی‌های ملّی و محلّی به عنوان مانع تلقّی می‌شود و باید از سر راه برداشته شوند تا بستر برای استقرار الگوی برون‌زا آماده گردد.

بنابرایـن، عمـده سـرمایه‌ها صـرف مقابلـه بـا مزیّت‌های تاریخـی، فرهنگـی و مذهبی کشـور می‌شـود. بـه دلیـل اینکـه فرهنـگ، پدیـده‌ای پویـا بـوده، هـر از چنـد گاهـی ترمیـم خـود را آغـاز نمـوده و آن چـه مصنـوع و پیونـدی اسـت را بـه هـم می‌ریـزد؛ هماننـد نهنگـی کـه یـک فـرد سـاکن دریا، بـه زعم خـود آن را جزیـره‌ای امـن تصّور نمایـد و بـا خیالـی آسـوده، اجاقـش را بـر روی آن روشـن نمایـد؛ امّـا به یـک حرکت نهنـگ، همـه چیـز درهـم می‌ریـزد. از ایـن‌رو، بیشـترین سـرمایه‌ها صـرف مقابلـه با مزیّت‌هـای تاریخـی، فرهنگـی و مذهبی کشـور می‌گـردد؛ در حالی که الگوی توسـعه درون‌زا، چنیـن مزیّت‌هایـی بـه عنـوان سـرمایه‌هایی تلقّـی می‌گردنـد کـه بایـد در توسـعه پایـدار، به‌ویـژه در سـطح محلّـه‌ای نقش مثبت خـود را ایفا نمـوده و به عوض آنکـه مـردم مناطـق و محـلّات، سـهم خود را از توسـعه مطالبـه کنند، نقـش خود در توسـعه را جسـتجو می‌کننـد. بنابرایـن، راه حـل این اسـت که الگوی توسـعه شـهری را، به‌ویـژه بـر مبنـای توسـعه محلّـه‌ای قـرار دهیـم. در ایـن راسـتا، بایـد در گذشـته تاریخـی- مذهبـی خـود پژوهش کـرده و با توجّه بـه ویژگی‌های سـاختاری هر محلّه، آنهـا را بومـی کـرد تـا بتـوان توسـعه‌ای مبتنـی بـر مزیّت‌هـای تاریخـی، فرهنگـی و مذهبـی برنامه‌ریـزی نمود.

## » نتیجه‌گیری

انسان‌های روی کره خاکی، برای رفع نیازهای اوّلیه و مشترک‌زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت، دست به اقدامات گوناگونی زده‌اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویّه متنوّعی گردیده است.

این نیازهای ثانویّه، در برخی مواقع، اهمّیتی فراتر از نیازهای اوّلیه به خود گرفته است. تلاش‌های متنوّع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اوّلیه و مشترک در سرزمین‌های مختلفع سرمنشأ ایجاد تنوّع فرهنگی گردیده است. بنابراین، شناخت تنوّع فرهنگی در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیّت‌های متفاوت مناطق است که ما از آن به عنوان مزیّت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنیم و از سرمایه‌های جاودانه بشر محسوب می‌گردند. چنانچه این مزیّت‌ها، به خوبی شناخته و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه بشری را به همراه خواهند آورد. متأسّفانه در طول یک‌ونیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن، مردم در جوامع مختلف، به‌ویژه جوامع محلّه‌ای، سرمایه‌های اصلی خود را به فراموشی سپرده‌اند؛ در صورتی که در نهضت بازگشت به خویشتن، چنانچه مردم هر شهر، منطقه و محلّه‌ای از زاویه مزیّت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود بتوانند وارد میدان توسعه شوند، سرمایه‌های مهمّی را برای عرضه خواهند داشت. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیّت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند؛ در صورتی که اگر آنها به ظرفیّت‌ها و استعدادهای بالقوّه و متنوّع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود پی ببرند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه، به‌ویژه در سطح توسعه محلّه‌ای، سرمایه‌های مهمّی برای عرضه دارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در شهرها و محلّات اسلامی مساجد، اصلی‌ترین منبع چنین سرمایه‌هایی به‌شمار می‌آیند.

نکته آخر اینکه، بر اساس نتایج حاصله از این پژوهش، می‌توان اذعان داشت که در حقیقت، چنانچه تنوّع فرهنگی که ما از آن به عنوان مزیّت‌های فرهنگی،

مذهبـی، عقیدتـی و تاریخـی یـاد می‌کنیم و از سـرمایه‌های جاودانه بشـری اسـت، به خوبـی شناسـایی و به‌کار گرفته شـوند، رشـد و توسـعه جوامـع، از جوامـع محلّه‌ای تا جوامـع شـهری را در پی خواهد داشـت.

## منابع و مأخذ


» متقی الهندی، کنزالعمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوهالصفا، بیروت، مؤسّسه الرساله، بی‌تا.
» نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۴ق.
» ترمذی، محمّدبن‌عیسی، سنن الترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳هـ‌ق.
» طوسی، محمّدبن‌حسن، الأمالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
» ـــــــــــــ تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوّم، ۱۴۰۶هـ‌ق.
» علامه مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسّسه الوفا، ۱۴۰۴هـ‌ق.
» حرّعاملی، محمّدبن‌حسن، وسایل الشیعه، مؤسّسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اوّل، قم، ۱۴۰۹ هـ‌ق.
» شیخ صدوق، ابوجعفر محمّدبن علی‌بن حسین‌بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه بیروت، دارالأضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵هـ‌ق.
» ـــــــــــــــــــــــــــــــ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴هـ‌ش.
» نهج‌الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اوّل، ۱۳۷۴هـ‌ش
» ابن‌ماجه قزوینی، محمّدبن یزید، سنن ابن‌ماجه، تحقیق: محمّدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دارإحیاء التراث، ۱۳۹۵هـ‌ق.
» الترمذی السلمی، ابوعیسی محمّدبن عیسی(متوفّای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، تحقیق: أحمد محمّد شاکر، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
» نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور ۱۳۸۳، سال ۶۲، شماره ۱۸۰۲۹.
» لادن، اعتضادی، توسعه در پرتو توحید.
» میرخانی، عبّاس، مساجد و توسعه اجتماعی در ایران.
» آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی.
» مینایی، علی‌اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، ماهنامه مسجد، ش۶.

# نقش حیاتی و حمایتی مسجد در مسئله قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه

حسین اسلام‌پور


## » چکیده

مسئله قانون و اهمیّت قانون‌گرایی، به اندازه سنّ تاریخ بشر قدمت دارد. انسان‌های اوّلیه، پس از تشکیل اجتماعات کوچک و پایه‌ریزی اجتماعات بزرگ، متوّجه این امر مهم شدند که افراد یک اجتماع باید از برخی محدودیّت‌ها و مقرّرات وضعی، پیروی کنند تا آزادی برای همه به یک اندازه به دست آید. این نوشتار، اهمیّت و نقش مسجد و تربیت مسجدی را در قانون‌گرایی آحاد جامعه بررسی می‌کند. بدین منظور، نگارنده ابتدا برخی از مفاهیم نظری و بنیادینِ بحث، مانند تعریف قانون، تاریخچه قانون‌شکنی و اهمّیت آن، ویژگی حقوقی و قانونی مسجد تراز اسلامی و سایر مفاهیم جانبی را بیان می‌کند. سپس، برای تبیین بحث، به اثرگذاری اعمال عبادی و مناسک اعتقادی مسجد بر کنترل درونی انسان و نفس لوّامه اشاره کرده است. در نهایت نگارنده، برخی از آموزه‌های پُرارزش مسجدی، مانند اعتکاف، اعتراف به گناه، استغفار و توبه را در قالب عواملی برای افزایش سطح قانونگرایی و قانون‌پذیری فردی تشریح نموده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که با عنایت بیشتر به آموزه‌های مسجدی، به دلیل مقبولیّت رفتارهای مسجدی از نظر اعتقادی و اجتماعی، افراد از قانون‌گریزی و تهاجم فرهنگی در امان خواهند بود. بنابراین، مسجد با بهبود سطح تقیّد افراد به موازین شرعی، باعث امنیت فردی و اجتماعی می‌شود که نتیجه آن، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه است.



## » واژگان کلیدی:

قانون، قانون‌گرایی، قانون‌پذیری، مسجد تراز اسلامی.

## سؤال‌های تحقیق

۱. آیـا مسـجد و آموزه‌هایـی کـه در مسـجد مفهـوم پیدا می‌کنـد، بـر قانون‌پذیری افـراد تأثیـر می‌گذارد؟

۲. نقـش مسـجد در افزایـش کنتـرل درونـی افـراد بـرای دوری از خطـا و جـرم و قانون‌گرایـی آنهـا چیسـت؟

۳. مسـجد، در کاهـش جرایـم و بزهـکاری و هرگونـه خطـاکاری یـا ارتـکاب گنـاه، چه نقشـی دارد؟

## فرضیه‌های تحقیق

- فعّالیّت‌هـای مسـجدی و آموزه‌هـای اسـلامیِ قابل‌انجـام در مسـجد، بـه دلیـل مقبولیّـت جامـع از جملـه، وجهـه شـرعی و جمعی، نوعـی تمریـن رفتارها قانون‌گرایانـه و هنجارپذیـری اسـت و باعـث قانون‌گرایـی بیشـتر در افـراد جامعـه می‌شـود.
- مسـجد، بـا آموزه‌هایـی کـه ارائـه می‌کنـد، باعـث تحریـک و ترغیـب نفس سـرزنش‌گر انسـان شـده، وی را از قانون‌گریـزی منـع می‌کنـد.
- بـا توجّـه بـه فعّالیّت‌هـای فرهنگـی مسـجدی، بسـیاری از جرایـم اخلاقـی و گناهـان مربـوط بـه تهاجـم فرهنگـی مورد نظر دشـمنان اسـلام، کاهـش یافته، امنیـت اجتماعـی و قانون‌گرایـی آحـاد جامعـه بیشـتر می‌شـود.

## » مقدّمه

قانـون و تمکیـن بـه آن، یکـی از موضوعـات مهـمّ جامعه‌شناسـی اسـت. بایـد باور کنیـم کـه قانـون یـک برکـت اسـت. حتّـی وضع‌کننـدگان قانـون، خودشـان هـم به پیـروی از قانون مکلّف هسـتند. جوامع اسـلامی باید بیشـتر از سـایر جوامـع قانون‌گرا و قانون‌پذیـر باشـند. در واقـع، انسـان‌ها بـرای زندگـی فـردی و اجتماعـی، بـه قانـون نیـاز دارنـد. دیـن کامل اسـلام هم بـا تأکید بـر این نیـاز اجتماعـی، تمهیـدات تعالی ایـن جنبـه از زندگـی فـردی و اجتماعـی را فراهـم نمـوده اسـت. مسـجد، بـه عنوان مظهـر و نمـاد دیـن اسـلام و بـه منزلـه یـک نهـاد مدنـی،[1] اعتقـادی و مذهبـی در قانون‌گرایـی و قانون‌پذیـری اثرگـذار اسـت. ایـن نوشـتار در پـی آن اسـت تـا پـس از تعریـف قانـون و مفاهیـم مرتبـط، نقـش مسـجد را در قانون‌گـرای و قانون‌پذیـری افـراد بیـان نمایـد. بـه همیـن منظـور، نگارنده بـا رویکـردی توصیفی و بـا بهره‌گیری از آیـات و روایـات، بـه تبییـن تأثیـر مسـجد و تربیـت مسـجدی در کاهـش مصادیق قانون‌گریـزی ماننـد: خطـا، گنـاه، بـزه و... پرداخته اسـت. نگارنده بر این عقیده اسـت کـه اگـر آموزه‌هایـی ماننـد توبـه و اسـتغفار و اعتـکاف و اعتـراف بـه گنـاه در فضـای سرشـار از معنویّـت مسـجد، نمـود پیـدا می‌کند، به این دلیل اسـت که مسـجد نقش حمایتـی در افزایـش قانون‌گرایـی افـراد دارد. وقتـی افراد مسـجدی با انجام مناسـک دینـی در قالـب نمـاز جماعـت، دعـا خوانـدن، گوش فـرا دادن بـه منابر وعـظ و... (به خصـوص بـه صـورت دسـته جمعـی)، بـه درجـات معنـوی تربیـت دینی‌ـ مسـجدی نایـل می‌شـوند، دیگـر وجـود شـریف خـود را بـا قانون‌گریزی به گنـاه و جرائـم آلوده نمی‌کننـد. آنـان خـود را هماننـد همـان لحظاتی که در مسـجد هسـتند، در پیشـگاه خـدا و در خانـه خـدا حاضـر می‌بیننـد و بسـیار قانون‌مـدار و قانون‌پذیـر خواهند بود. بـرای ورود بـه بحـث، ابتـدا بـه بررسـی واژه قانـون پرداخته می‌شـود.

[1] . Civil Society.

## » بحث واژگانی و اصطلاحی قانون

«قانـون» واژه‌ای عربـی و بـه معنـای «اصـل» اسـت. برخـی می‌گوینـد: «قانـون» معـرّب کانون[1] یونانـی اسـت و عربـی نیسـت؛ امّـا در عربـی بـه کار رفته اسـت. قانون، امـری کلـی اسـت که بـر همـه جزئیـات منطبـق می‌گـردد و احـکامِ جزئیـات، از آن شـناخته می‌شـوند. این واژه به معنای قاعده، رسـم و دسـتور نیز آمده اسـت.[2] قانون، مسـیری اسـت کـه توسّـط حکومـت یـا جامعـه بـرای رشـد انسـان و جامعـه تعییـن می‌شـود. قانـون، در زبـان فرانسـه بـه «loi» و در زبـان انگلیسـی بـه «law» ترجمـه می‌شـود.[3] قانـونِ هـر چیـزی، راه و طریـق سـنجش آن اسـت... .[4]

## قانون‌پذیری و قانون‌گرایی

«قانون‌گرایی»،[5] بـه گرایـش فـرد یـا جامعه به قانون اشـاره دارد. اصـل قانون‌گرایی، پدیـده‌ای اسـت کـه ادیـان الهـی و رهبـران دینـی، پیـام‌آور اصلـی آن هسـت. یکـی از اهـداف همـه انبیـاء بـر قـراری قسـط و عدالـت بیـان شـده اسـت.[6] قانون‌گرایـی، یعنـی حفـظ و اجـرای قوانیـن به‌طـور عادلانـه و رعایـت حقوق همـه افـراد. بنابراین، جامعـه‌ای قانون‌گـرا خواهـد بود کـه در آن، قوانین رعایت شـود و همه مـردم در برابر اجـرای قوانیـن مسـاوی و رهبـران آن قانـون پذیرترین انسـان‌ها باشـند.[7]

«قانون‌پذیـری»، بـه میـزان حاکمیّـت قانون بـر رفتار فرد یـا اجتماع تأکیـد دارد. حاکمیّـت قانـون، یعنـی وجـود زمینه‌هـای ذهنـی و عینـی بـرای تطبیـق قانـون و برتـری قانـون نسـبت به تمـام مراجـع دیگـر در جامعه.[8]

قانون‌پذیـری بـه معنـای پذیرش آگاهانـه، داوطلبانـه و ارادی اغلب قریـب به اتّفاق

---

[1] -Canon.

[2] . دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۳۸، ذیل واژه «قانون».

[3] . دانشنامه ویکی‌پدیا، به آدرس: www.wikipedia.org

[4] . ابن منظور، محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، ج۱۱، ص۳۲۸.

[5] . legal positivism.

[6] . ر. ک به: حدید، آیه۲۴.

[7] . ر. ک به: انصاری، علیرضا، قانون‌گرایی در سیره معصومان علیهم‌السلام، فرهنگ کوثر، ش۲۵، ص۲۸-۳۵.

[8] . جعفری لنگرودی محمّد، ترمینولوژی حقوق، ص۵۱۷.

مـردم از قوانیـن و مقـرّرات موجـود جامعـه و عمـل بـه آنهاسـت. اگـر تـوده مـردم با بینـش و آگاهـی خـود، به این نتیجه رسـیده باشـند کـه رعایت قوانین و مقـرّرات هم بـه نفـع خـود آنهـا و هـم به نفـع جامعـه اسـت، می‌توان گفـت کـه قانون‌پذیـری در جامعه فراگیر شـده اسـت.

## » اوّلین قانون و اوّلین قانون شکن

اوّلیـن قانـون، از همـان زمـان خلقـت، قانونی بود کـه از طرف خداوند وضع شـد. این قانـون، مربـوط بـه ماجـرای میوه ممنوعـه یا همان گندمی اسـت کـه خداوند حضرت آدم و حـوّا﴿ع﴾ را از خـوردن آن منـع کـرد. قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «وَ قُلْنـا یـا آدَمُ اسْـکُنْ أَنْـتَ وَ زَوْجُـکَ الْجَنَّـةَ وَ کُلا مِنْهـا رَغَـداً حَیْـثُ شِـئْتُما وَ لا تَقْرَبـا هـذِهِ الشَّـجَرَةَ فَتَکُونـا مِـنَ الظَّالِمین؛ و گفتیم: ای آدم، خود و همسـرت در این باغ سـکونت بگیر [یـد]؛ و از هـر کجـای آن بخواهیـد فـراوان بخورید؛ و [لی] به ایـن درخت نزدیک نشـوید که از سـتمکاران خواهیـد بود».[1]

ایـن دسـتور الهـی، یـک قانـون بود کـه باید از سـوی حضـرت آدم و حـوّا﴿ع﴾ رعایت می‌شـد و رعایـت نشـدن آن، تاوانـی داشـت و آن تـاوان، این بـود که از بهشـت رانده شـد. البتّـه خداونـد نصیحت‌هـای مهمّـی بـرای آدم و همسـرش﴿ع﴾ مطـرح کـرد که برخـی از آنهـا به شـرح زیر اسـت:

اوّلیـن نصیحـت آن اسـت کـه می‌فرمایـد: «فَقُلْنـا یـا آدَمُ إِنَّ هذا عَـدُوٌّ لَـکَ وَ لِزَوْجِکَ فَـلا یُخْرِجَنَّکُمـا مِـنَ الْجَنَّـهِ فَتَشْـقی* إِنَّ لَـکَ أَلاَّ تَجُـوعَ فیهـا وَ لا تَعْـری* وَ أَنَّـکَ لا تَظْمَـؤُا فیهـا وَ لا تَضْحـی؛ پـس گفتیـم: ای آدم! در حقیقت، این [ابلیس] دشـمن تو و همسـر توسـت؛ مبـادا شـما را از بهشـت بیرون کند که بـه رنج و زحـت خواهید افتاد؛ زیـرا تـو در بهشـت (در آسایشـی و) گرسـنه و برهنـه نخواهـی شـد و در آنجـا تشـنه نمی‌شـوی و آفتـاب آزارت نمی‌دهـد».[2]

نصیحـت دوّم ایـن بـود کـه خداوند فرمـود: «وَ قُلْنا یا آدَمُ اسْـکُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُـکَ الْجَنَّةَ

[1]. بقره، آیه۳۵.
[2]. طه، آیات۱۱۷- ۱۱۹.

وَ کُلا مِنْها رَغَداً حَیْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَکُونا مِنَ الظَّالِمین؛ و گفتیم ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید در کمال فراوانی بخورید؛ (ولی) به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد».[1]

برخلاف این نصحیت‌ها و تأکید خداوند بر رعایت این قانون، سرانجام در اثر وسوسه‌های شیطانی، آدم و حوّا فریب خوردند و از فرمان پروردگارشان نافرمانی کردند و گرفتار شدند.[2] بر اساس آیات مطرح شده، اوّلین قانون و اوّلین قانون‌شکنی، در بدو خلقت شکل گرفت. به عبارت دیگر، قانون و قانون‌شکنان، همزاد بوده‌اند.[3]

[1]. بقره، آیه۳۵.
[2]. طه، آیه۱۲۱.
[3] -بابایی، علی، برگزیده تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۴-۶۵.

### » اهمّیت قانون‌مداری در اسلام و سیره نبوی ﷺ

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین عوامل موفّقیّت پیامبر اکرم ﷺ در گسترش فرهنگ و تمدّن اسلامی، قانون‌پذیری ایشان بود. همچنین، محوری‌ترین اصول در سیره آن حضرت نیز تعبّد به قوانین الهی بود. پاسداری از حریم قانون و مجازات متجاوزانِ حریم قانون، با رعایت عدل و انصاف و حقّ‌محوری، جایگاه مهمّی در دین اسلام دارد. رسول گرامی ﷺ نیز توجّه خاصّی نسبت به این امر داشتند. قانون، جایگاه بسیار بالایی در سیره آن حضرت داشت؛ به‌گونه‌ای که در برابر هر نوع بدرفتاری که به شخص ایشان می‌شد، نهایت گذشت و اغماض را به خرج می‌دادند، امّا در مورد کسانی که به حریم قانون تجاوز می‌کردند، به هیچ‌وجه گذشت و اغماض نمی‌کردند و نسبت به مجازات قانون‌شکنان و اجرای قانون در مورد آنان، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند. رسول اکرم ﷺ بدون مسامحه، امّا با رعایت عدل و انصاف، قانون الهی را اجرا می‌کردند؛ چرا که قانون حافظ امنیت و کیان جامعه است و نمی‌توان آن را بازیچه قرار داد و جامعه را فدای فرد نمود.[1]

[1]. ر. ک به: نوری، محمّدموسی، قانون‌مداری در سیره نبوی، معرفت، ش۸۶، ص۳۳-۲۳.

## » کارکرد حقوقی و نقش قانون‌گراییِ مسجد تراز اسلامی

یکی مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با قانون و قانون‌پذیری، قضاوت و دادرسی است. در صدر اسلام، مسجد به عنوان دادگاه قضاوت مطرح بود و از ابتدا، در جامعه مسلمانان، صدور رأی به طریق حکمیّت از وظایف حاکم به شمار می‌آمد.

حضرت علی علیه‌السلام ایّام معینی از هفته را در مسجد جامع می‌نشستند تا بین مردم قضاوت نمایند و در پرتو عدالت اسلامی، به حلّ و فصل اختلافات و منازعات مردم بپردازند.[1] پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، بیشتر اختلافات را در مسجد حلّ و فصل می‌کردند و مسجد، یک دادگستری به تمام معنا بود و عموم کارهای دادخواهی در آنجا صورت می‌پذیرفت. حتّی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد، قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبر، شأن ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها، مراسم سوگندخوردن بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، مراسم سوگندخوردن را کنار منبر، معمول ساختند و فرمودند: «هر کس در کنار منبرم دروغ گوید، هر چند برای یک چوبه مسواک باشد، جایگاهش در آتش خواهد بود».[2] بنابراین، انجام این‌گونه امور، در مسجد، پیش از تشکیل دادگاه‌های معمولی، رایج بود. این موارد همگی به نقش مسجد در ایجاد و حمایت از رویکرد قانون‌گرایی در مسلمانان دلالت دارد.[3]

### نقش مسجد در قضاوت و توسعه قانونمندی

بر طبق آیاتی از قرآن کریم، خداوند به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد تا قضاوت و عدالت را برپا کند؛ زیرا اسلام، دین عدل‌گستر جهانی است و همواره پیامبران را به این دستور مهمّ، امر فرموده است. در نتیجه، آنان ناگزیر به داشتن محکمه‌ای برای اجرای امر الهی بودند و «مسجد» نخستین محکمه‌ای بود که پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن به قضاوت می‌نشستند. بدین ترتیب، نخستین قاضی در اسلام، وجود مبارک حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند.

---

[1]. الولی، محمّد طه، المساجد فی الاسلام، ص۱۶۲.
[2]. محمّدبن‌سعد، طبقات الکبری، ج۱، ص۲۳۶.
[3]. برومند اعلم، عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی (منبع الکترونیکی)، مؤسّسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام، ص۲۵-۲۶.

یکی از دلایلی که پیامبر اعظم ﷺ مسجد را جایگاه قضاوت قرار دادند، این بود که همه افراد در همه سطوح، شاهد اقامه عدل و اجرای احکام الهی باشند و به آن روی آورند که این موضوع، تهذیب نفوس را موجب خواهد شد.[1] از سوی دیگر، چون در سرزمین‌های اسلامی، آیین دادرسی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی بود، تشکیلات خاصّ و مکان ممتازی جز مسجد برای قضاوت وجود نداشت. «همچنین، در مسجد کوفه جایی به نام «دکّهالقضاء» وجود داشت که حضرت علی علیه‌السلام در آنجا به قضاوت می‌پرداختند».[2] بدین ترتیب، مبانی نظری اجرای قانون و اشاعه قانون‌گرایی، از صدر اسلام در مسجدها آغاز گردید و سپس نقش حمایتی مسجد از قانون‌پذیری افراد به همه ابعاد زندگی تسرّی یافت.

## نقش غیرمستقیم اعمال عبادی مسجد در قانون‌پذیری

مسجد، محلّ عبادت و بندگی در آستان پروردگار جهانیان است. در مسجد، اعمال عبادی متعدّدی شامل ذکر، تسبیح، دعا، نماز و... انجام می‌گیرد که به نوبه خود در قانون‌گرا شدن افراد مؤثّر هستند.

از مهم‌ترین اعمال عبادی مسجد، اقامه نماز به صورت فردی یا جماعت است که بیشتر از سایر فعّالیّت‌های عبادی در مساجد انجام می‌گیرد. نماز، بالاترین فریادها و کارخانه انسان‌سازی است.[3]

نکته بسیار مهم این است که عبادت فقط نماز نیست؛ بلکه هر فعّالیّتی که در مسیر خالق یکتا باشد، عبادت محسوب می شود. مسجد، محلّ عبادت است و عبادت، مفهومی اعمّ از نماز دارد. بنابراین، مسجد، محلّی فراتر از این است که فقط محلّ انجام مناسک و افعال خاصّ مذهبی باشد. در روایات، از جهاد و تعلّم، به عبادت تعبیر شده است. پس، معلوم می‌شود که هرگونه فعّالیّت دینی و اجتماعی که با صبغه الهی در مسیر تعالی نام خدا قرار گیرد، عبادت است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللهِ أَنْ يُذْكَرَ

[1] . عبدالوهّاب، حموده، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه اسفندیاری مهدی، ص۱۱۵.
[2] . نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص۴۵۸.
[3] . الموسوی الخمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج۱۲، ص۳۹۲-۳۹۳.

فیهَا اسْمُهُ وَ سَعی فی خَرابِها أُولئِکَ ما کانَ لَهُمْ أَنْ یَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفینَ لَهُمْ فِی الدُّنْیا خِزْیٌ وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذابٌ عَظیمٌ؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و در ویرانی آنها سعی نمود؟! شایسته نیست که آنان جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!»[1]

با توجّه به مضمون با ارزش این آیه می‌توان گفت که اگر مساجد، «یذکر فیه اسم الله»[2]هستند، بی شک، گسترش نام خدا از این محلّ، تنها با برگزاری مناسک دینی، محقّق نخواهد شد. از این رو، باور داشتن به این آیه شریف و انحصار قائل شدن مسجد برای انجام عبادات، چیزی جز یک تناقض نیست.

با این وجود، در مورد نماز می‌توان گفت که تعالیم و مفاهیم زیادی در آن نهفته است که همانند دیگر اعمال عبادی در قانونمند شدن افراد و جلوگیری از فحشا و منکر در هر درجه و سطح مؤثّر است.[3]رعایت قانونمندی و عدالت در انتخاب امام جماعت، مراعات حقوق دیگران و توجّه به غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار، همراه بودن نماز با ولایت معصوم و توجّه به معاد و حساب و کتاب و عقاب اعمال و...[4] که در اذکار نماز به آن اشاره می‌شوند، آموزه‌هایی هستند که به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه تأکید و اشاره دارند.

پای‌بندی عملی به فریضه با ارزش نماز جماعت و پیروی همه مأموم‌ها از امام جماعت مسجد در هنگام نماز جماعت، قانون‌گرایی و قانونمند بودن را به صورت غیرمستقیم به افراد آموزش می‌دهد. کم یا زیاد کردن یک رُکن در نماز، باعث باطل شدن آن می‌شود. در هنگام اقامه نماز جماعت، تبعیّت از امام جماعت مسجد، چنان مهم است که زیاد کردن عمدی یک رُکن (مانند سجده یا رکوع) نماز مأموم را باطل نمی‌کند؛ به عنوان مثال، اگر کسی به گمان اینکه امام جماعت سر از رکوع برداشته، از حالت رکوع خارج شود و متوجّه شود که

[1]. بقره، آیه۱۱۴.
[2]. همان، آیه۱۱.
[3]. -عنکبوت، آیه۴۵.
[4]. بابائیان، عباس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، ص۱۴۰-۱۳۹.

امـام جماعـت هنـوز در حال رکـوع باقی مانده اسـت، باید دوبـاره به رکـوع بازگردد.[1] ایـن نکتـه بیانگـر آن اسـت کـه متابعـت از امـام جماعت بـر همه چیـز اولویـت دارد. چنیـن فـردی بـه صـورت عملی می‌آمـوزد کـه قوانین جمعی بـر قوانین فـردی ارجح اسـت و بایـد در جامعـه بـه قوانیـن مختلـف پای‌بند باشـد.

به‌طـور خلاصـه می‌تـوان گفـت که همـه قوانین مشـخّصی کـه مورد خود مسـجد و طـرز سـاختن آن و احـکام مربوط بـه اسـتفاده‌کنندگان و گردانندگان امور مسـاجد و برخـی مقوله‌هـای دیگـر، ماننـد عدم حضور مشـرکان در مسـجد، احـکام اقامه نماز جماعـت در مسـجد، احـکام خـاصّ وقـف در مسـاجد، دسـتورات پـاک نگه‌داشـتن مسـجد و... کـه در نصـوص قرآنـی و روایـی و سـیره مطرح هسـتند، همگی بـه قانون گرایـی و قانونمنـدی افـراد جامعه و مسـئولان امـر دلالت و تأکیـد دارد.[2]

## نقش حیاتی مسجد در کنترل درونی و قانون‌پذیری فردی

نقـش اخـلاق و وجـدان در جلوگیری از نابسـامانی‌های اجتماعـی و فردی و برتری آن بـر عوامـل بازدارنـده بیرونـی بـر هیچ‌کـس پوشـیده نیسـت. کنترل‌هـای درونـی، جایـگاه خاصّـی در جلوگیـری از وقـوع جـرم دارنـد. کنتـرل درونـی، شـامل کنترلـی اسـت کـه در قالـب آن، خـودِ فـرد، علاقـه دارد بـا هنجارهـای اجتماعـی، هم‌نوایی و هماهنگـی پیـدا کنـد و اگـر کسـی او را کنتـرل نکنـد، وی خـود را با هنجارهـا هم‌نوا می‌کنـد. اسـلام، تأکیـد بسـیاری بـر خویشـتن‌داری و کنترل درونـی دارد.

حضـرت علـی(ع) می‌فرماینـد: «اِعْلَمُـوا أَنَّـهُ مَـنْ لَـمْ یُعَـنْ عَلَـی نَفْسِـهِ حَتَّـی یَکُـونَ لَـهُ مِنْهَـا وَاعِـظٌ وَ زَاجِـرٌ لَـمْ یَکُـنْ لَـهُ مِـنْ غَیْرِهَـا لاَ زَاجِـرٌ وَ لاَ وَاعِـظٌ؛ یعنـی، بدانیـد کـه هـر کـه از سـوی خویشـتن یـاری نشـود، به‌گونـه‌ای کـه از درون، پنددهنـده و بازدارنـده‌ای بـرای خود نداشـته باشـد، از سـوی دیگران بـرای او بازدارنـده‌ای نخواهد بود».[3] مسـجد می‌توانـد کنتـرل درونـی را بـه بهتریـن شـیوه در فـرد ایجـاد و تقویت

[1]. ایـن در حالـی اسـت کـه در نمـاز فُـرادا، کوچک‌تریـن تغییـر در یکـی از ارکان نمـاز، موجـب بطـلان آن خواهـد شـد. ر ک: مـکارم شـیرازی ناصـر، رسـاله توضیـح المسـائل، احـکام نمـاز جماعـت، ص۲۳۹ و ۲۴۰.

[2]. مرکز رسیدگی به امور مساجد، ماهنامه مسجد، ش۱۶۳، ص۵۱-۴۳.

[3]. دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، خ۹۰، ص۱۰۸ - ۱۰۹.

کنـد. مسـاجد، بـا تقویّـت روحیّه دیـن‌داری افـراد، تأثیری انکارنشـدنی بر افـراد و به تبـع آن، جامعـه دارنـد. کسـانی کـه بـه مسـاجد رفت‌وآمـد دارند، بـا احادیثـی که بر رعایـت حقـوق اجتماعـی تأکید دارد، بیشـتر از دیگر مردم آشـنا شـده، در نتیجه، در رعایـت حقّ‌النّـاس و سـایر قوانیـن اجتماعـی بیشـتر می‌کوشـند.

## » تشریح حدود الهی در مسجد و تأثیر آن بر قانون‌پذیری

«حدود» جمع «حدّ»، به معنی فاصله بین دو چیز است. در آیات متعدّدی از قرآن کریم به حدود الهی یا حدود خدا اشاره شده است.[1] در واقع، منظور از مرزهای خدا، احکام حلال و حرام خدا یا حدّ بین حقّ و باطل، معروف و منکر، زیبایی و زشتی، ظلمت و نور یا به‌طور کلی انسانیّت و غیرانسانیّت است.[2] این حدود، در مورد رفتارهای فردی و اجتماعی، مانند روزه و اعتکاف، نکاح و طلاق، جنگ و جهاد، ارث و...، مرزهایی را مطرح نموده است. بر همین اساس، هرگونه اِعمال تغییر در این حدود یا عدم رعایت این مرزها، قانون‌شکنی یا قانون‌گریزی محسوب می‌شود.[3]

انجام اعمال عبادی در مسجد و شرکت در سخنرانی‌ها یا جلسات مذهبی و برنامه‌های فرهنگی مسجد، فرصتی گرانبها برای افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کند تا آنها با موازین شرعی یا حدود الهی آشنا شوند. آموزش نکات مهمّ اعتقادی و تشریح حدّ و مرز الهی، در واقع، تبیین، تشریح، تفسیر و آموزش قوانین اسلامی است. در جامعه اسلامی، این قوانین، خود معیار وضع قوانین وضعی دیگر هستند. با آموزش حدود الهی به نماز گزاران و افرد اهل مسجد و توسعه فرهنگ اسلامی، میزان تمکین به قانون و گرایش به قانون در افراد بیشتر خواهد شد و آحاد جامعه با شناخت بیشتر، قانون را می‌پذیرند.

## تأثیر مسجد بر نفس لوّامه در راستای قانون‌پذیری فردی

نفس انسان، حالت‌های مختلفی دارد. با شناخت حالات نفس انسان، این موضوع روشن می‌شود که چگونه می‌توان از این حالات در راه تعالی و کمال فردی و اجتماعی بهره جست. مهمّ‌ترین حالات نفسانی انسان، از منظر آیات قرآن کریم عبارت‌اند از:

---

[1] . ر.ک به: بقره، آیات۲۲۹ و ۲۳۰ و۱۸۷؛ طلاق، آیه۱؛ توبه، آیه۹۷.

[2] . ر.ک به: ولی‌نژاد، نورالله، حدود الله یا مرزهای الهی در جامعه، سازمان تبلیغات اسلامی، قابل دسترس در آدرس: http://www.ido.ir

[3] . مائده، آیه۸؛ ر.ک به: جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج۵، ص۵۹.

**حالت ملهمه:** در این حالت، نفس، قدرت الهام‌گیری از خداوند متعال را دارد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها* فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها؛ سوگند به روح [نَفْس] آدمی و آن کس که آن را آفرید و موزون ساخت؛ سپس، شرّ و خیرش [پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش] را به او الهام کرد».[1]

**حالت مطمئنّه:** در این حالت، نفس دارای آرامش و اطمینان است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ* ارْجِعی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً* فَادْخُلی فی عِبادی* وَ ادْخُلی جَنَّتی؛ تو ای نفس مطمئنّه! در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او [خدا] از تو خشنود است، به سوی پروردگارت باز گرد و در سلک بندگان (خاصّ) من در آی و در بهشت من داخل شو».[2]

**حالت امّاره:** در این حالت، نفس به بدی امر می‌کند. قرآن در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ ما رَحِمَ رَبِّی؛ نفسِ (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند».[3]

در آیات دیگری از قرآن، به این نوع نفس اشاره شده است؛ در جایی، از لفظ «هوی» برای این حالت نفس استفاده می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «وَ أَمَّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی* فَإِنَّ الْجَنَّهَ هِیَ الْمَأْوی؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا (و تمایلات نفسانی) باز دارد، به‌طور قطع، بهشت جایگاه اوست».[4]

همچنین، قرآن در جایی دیگر با لفظ «وسواس» به شرارت این نوع نفس اشاره دارد: «مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ* الَّذی یُوَسْوِسُ فی صُدُورِ النَّاسِ* مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاس؛ [بگو به پروردگار پناه می‌برم] از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار که در درون سینه انسان وسوسه می‌کند؛ خواه جن باشد یا از انسان».[5]

حضرت علی علیه‌السلام در مورد نفس امّاره می‌فرمایند: «وَ إِنَّهَا لا تَزالُ تَنْزِعُ إِلَی مَعْصِیَهٍ

---

[1]. شمس، آیات ۷ و ۸.
[2]. فجر، آیات ۳۰-۲۷.
[3]. یوسف، آیه ۵۳.
[4]. نازعات، آیات ۴۰ و ۴۱.
[5]. ناس، آیات ۴-۶.

فِـی هَویً؛ نفس، پیوسـته خواهـان نافرمانی و معصیت اسـت».[1]

**حالـت لوّامـه:** در حالت لوّامه، نفس انسـان، وی را نسـبت به گناه سـرزنش می‌کند. قـرآن در ایـن مـورد می‌فرمایـد: «وَ لا أُقْسِـمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَـه؛ و سـوگند بـه نفـس ملامت‌گـر (و سـرزنش‌کننده و وجـدان بیـدار کـه رسـتاخیز، حـقّ اسـت)».[2]

در مباحـث اخلاقـی، از ایـن نفـس (لوّامـه) به وجـدان بیدار یـا وجدان اخلاقـی تعبیر شـده اسـت. همچنـان کـه در بعضـی از آیـات نیـز ایـن تعبیـر اسـتفاده شـده اسـت. به‌طـوری کـه قـرآن کریـم در داسـتان حضـرت ابراهیـم﵇ بعـد از شکسـتن بت‌هـا می‌فرمایـد: «فَرَجَعُـوا إِلـی أَنْفُسِـهِمْ فَقالُـوا إِنَّکُـمْ أَنْتُـمُ الظَّالِمُـون؛ آنـان بـه وجـدان و فطرتشـان بازگشـتند و بـه ضمیرهـای خـود مراجعه کـرده، گفتند حقّا که شـما ظالم و ستمگر هسـتید».[3]

علّامـه محمّدتقـی جعفـری، کتابـی بـا عنـوان «وجدان» نوشـته کـه به نقـد و تحلیل مطالـب در مـورد آن پرداختـه اسـت. ایشـان در ایـن کتـاب، وجدان را چنیـن تعریف می‌کنـد: وجـدان از نقطـه نظرهـای روان‌شناسـی حـالات پسـیکولوژیک[4] و اخلاقـی روان اسـت و وجـود پدیده‌هـای روانـی خـودآگاه را طـرح می‌کند.[5] بنابرایـن، وجـدان یکـی از عوامـل مهـم بـرای تزکیه نفـس و اخلاق و توبه انسـان از گناهی اسـت که در گذشـته انجام داده اسـت.

جنبـه انفعالـی وجـدان ایـن اسـت کـه اگـر بـر وفـق درک و میـل آن رفتـار کردیـم، احسـاس مسـرّت و شـادی می‌نمایـد و موجـب انبسـاط و آرامـش خاطـر می‌گـردد. اگـر بـر خـلاف میـل و درک آن عمـل نمودیم، احسـاس شرمسـاری و خجلـت کرده، بـا ضربـات جانکاهـی کـه بـر روان و اعصاب مـا وارد می‌کند، مـا را شـکنجه می‌دهد،؛ مهم‌تـر اینکـه وجـدان اخلاقـی در مـورد کارهـای دیگران نیـز دخالـت می‌نماید و در مـورد افعـال دیگـران، بـه خـوب بـودن یـا بـه بد بـودن حکـم می‌دهـد. حتّـی فرمان

---

[1] . دشـتی، محمّـد، ترجمـه نهـج البلاغـه، خ۱۷۶، ص۲۳۶ و۲۳۷؛ همچنیـن ر.ک بـه: محمّـدی ری‌شـهری محمّـد، میزان‌الحکمـه، ج۹، ص۶۰.

[2] . قیامت، آیه۲.

[3] . انبیاء، آیه۶۴.

[4] -Psychologic.

[5] . جعفری، محمّدتقی، وجدان، نشر کرامت، ۱۳۷۶ه. ش.

می‌دهـد کـه نسـبت به اشـخاص بـا وجـدان، احتـرام و علاقه نشـان بدهیـم و از افراد بـی وجـدان، نفـرت داشـته و از آنهـا دوری نمائیم.[1]

بـا حضـور در مسـاجد، ضمن تضعیـف نفس امّـاره و تقویت نفس لوّامه (که انسـان را هنـگام سـرپیچی از قوانیـن و مقـررات و اسـلامی سـرزنش می‌کنـد)، زمینه بهتری بـرای کنتـرل اجتماعـی و مبـارزه بـا انحرافـات اجتماعـی فراهم می‌شـود. مسـجد به عنـوان کانونـی دینـی، بـا تقویّـت برتری‌هـای اخلاقـی، حـسّ خدابـاوری را در افـراد اهـل مسـجد بـارور می‌کنـد و بدیـن ترتیـب، افـراد در همـه حال، خـدا را بـر کارها و فعّالیّت‌هـای خـود، ناظـر و شـاهد می‌بیننـد. در آن صـورت، بـدون اینکـه کسـی بـر رفتـار و کـردار آنهـا نظـارت کنـد، وظایـف خود را بـه بهترین شـکل انجـام می‌دهند.

مسـجد، بـا افزایـش شـناخت و آگاهـی، تبییـن، حفـظ و گسـترش ارزش‌هـا و آرمان‌هـای اسـلامی، تربیـت عملی دینـی و تربیت الگوهـا، یک نظام تربیتی منسـجم و قوام‌یافتـه‌ای را ایجـاد می‌کنـد کـه بـر شـاخصه‌های هویّـت دینی تأثیـر می‌گذارد و آنهـا را تقویّـت می‌کنـد. این امـر، کاهش خطاهـا و لغزش‌های اخلاقی و تقلیل سـطح ارتـکاب جرایـم اجتماعی را به دنبـال دارد.[2]

[1]. حقّانی زنجانی حسین، وجدان اخلاقی، ماهنامه مکتب اسلام، ش۹، ص۴۰ -۴۷.

[2]. ر.ک به: نگارش حمید، هویّت دینی و انقطاع فرهنگی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص۲۶- ۵۶.

## » اعتراف به گناه در مسجد و قانونگرایی اخلاقی

«اعتـراف»، یعنـی خبـر دادن بـه کسـی از نـام و حال و صفـت خود و اقـرار کردن بـه خطـا و گنـاه خود.[1] اعتـراف، به معنی بر زبان آوردن اشـتباه یا خطـای خود و آن را بـه گـردن گرفتن، به سـخن یـا امری به صورت شـفاهی یـا کتبی اقرار کردن اسـت.[2]

یکـی از امـوری کـه باعـث تخفیـف عـذاب و بخشـیدن گنـاه و افزایـش نعمـت می‌شـود، اقـرار بـه گنـاه، در پیشـگاه خداوند متعال اسـت کـه بیانگر خضـوع و ناچیز شـمردن خـود در برابـر حقّ‌تعالـی اسـت و اعتـراف بـه نعمت‌هـای او کـه موجـب افزایـش آن خواهنـد شـد.

امـام محمّـد باقـر علیه‌السلام در مـورد اعتـراف به گنـاه فرمودنـد: «وَ اللهِ مَـا يَنْجُو مِـنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَـنْ أَقَـرَّ بِـهِ؛ بـه خـدا سـوگند (هیچ‌کـس) از گنـاه نجات نیابـد (و رها نشـود)، جز کسـی که بـدان اعتـراف کند».[3]

در آیـات متعـدّدی از قـرآن کریـم بـه اعتـراف (بـه گناه) اشـاره شـده اسـت. آنجا که می‌فرمایـد: «فَاعْتَرَفُـوا بِذَنْبِهِـمْ فَسُـحْقاً لِأَصْحـابِ السَّـعيرِ؛[4] پس بـه گنـاه خـود اقـرار می‌کننـد و مـرگ بـاد بـر اهـل جهنّم».

در جایـی دیگـر قرآن می‌فرمایـد: «قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَـا اثْنَتَيْـنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْـنِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنـا فَهَـلْ إِلـى خُـرُوجٍ مِـنْ سَـبيلٍ؛ می‌گویند: پـروردگارا، دو بـار مـا را بـه مـرگ رسـانیدی و دو بـار مـا را زنـده گردانیـدی. بـه گناهانمان اعتـراف کردیم؛ پـس آیا راه بیرون‌شـدنی [از آتش] هسـت؟»[5]

نکتـه بسـیار مهـم این اسـت کـه بیـن آداب اعتراف بـه گنـاه، از منظر دیـن مبین اسـلام و ادیـان دیگـر مثـل مسـیحیّت بسـیار تفـاوت وجـود دارد. در مسـحیّت فـرد گنهـکار بـرای اعتـراف بـه خطا باید نـزد انسـانی مثل خودش بـرود و با سـرافکندگی پیـش همنـوع خـود و بـا ذلّـت، بـه گناهانـش اعتـراف کنـد. ایـن در حالی اسـت که، مسـلمان در دیـن اسـلام بایـد فقط بـه پیشـگاه خداوند خالق هسـتی و سـتّارالعیوب

---

[1] . دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۲، ص۲۹۲۸.
[2] . انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج۱، ص۴۶۱.
[3] . اصول کافی، ج۴، ص۱۵۷، روایت۱، باب اعتراف به گناهان و پشیمانی از آنها.
[4] . ملک، آیه۱۱.
[5] . غافر، آیه۱۱.

حاضـر شـود و بـه خطاهایـش اعتـراف نماید.

در مطالـب قبلـی، در بخـش اوّلیـن قانون و اوّلین قانون شـکنی به داسـتان حضرت آدم و حـوا علیهما السلام اشـاره شـد. این قانون‌شـکنی یـا همان ترک اُولی، سـرانجام بـا اعتراف حضـرت آدم و حـوّا علیهما السلام بـه خطـای خـود، از سـوی خـدا بخشـیده شـد. ایـن اعتراف، در مکانـی گران‌سـنگ بـه نـام خانـه کعبه کـه اوّلین و ارزشـمندترین مسـجد یا خانه خداسـت، انجام شـده بود.

امـام صـادق علیه السلام فرمودنـد: «وقتـی حضـرت آدم علیه السلام بـر اثـر تـرک اُولی، از بهشـت رانـده شـد، بـه سـرزمین مکّـه آمـد و بـه انجـام مراسـم حـجّ در منـی و عرفـات و مشـعر و مکّـه پرداخـت و پـس از طـواف کعبه، بـه ملتزم (مکان مشـخّصی در پشـت کعبـه اسـت کـه گناهـکاران، صـورت یـا سـینه خـود را بـه آن می‌چسـبانند و ملازم آنجـا می‌شـوند و دعـا می‌کننـد) رفـت؛ جبرئیـل بـر او نـازل شـد و بـه او گفـت: بـه گناهـان خـود در ایـن مـکان اقرار کـن. حضـرت آدم علیه السلام در آنجا ایسـتاد و عرض کرد: «پـروردگارا! بـرای هـر عمل‌کننـده‌ای پاداشـی اسـت. مـن هـم عمـل کـردم (و توبـه نمـودم و اطاعـت از فرمانـت کـردم)، پاداشـم چیسـت؟ خداونـد بـه او وحی کـرد: ای آدم! هـر کـس از ذرّیـه و فرزنـدان تـو به این مـکان بیایند و بـه گناه خود اقـرار کنند، گناهانشـان را می‌آمـرزم».[1]

در واقـع، اعتـراف کـردن بـه گنـاه، چـه اینکـه در وجـود فـرد و در بطـن وجـدان اخلاقـی وی صـورت گیـرد و چـه اینکه بـه صورت اقـرار به گنـاه باشـد، از زمینه‌های رسـیدن بـه توبـه نصـوح اسـت. توبه‌ای کـه زنگار گنـاه را از قلـب فـرد می‌زداید و وی را از تکـرار گنـاه برحـذر می‌دارد.

اگـر مـوارد ارتـکاب گنـاه را مورد بررسـی قـرار دهیم، متوجّـه خواهیم شـد که هر گنـاه در واقـع، سـرپیچی از یکـی از قوانیـن الهی یا سـنّت الهی یا نادیـده گرفتن یک قاعـده اجتماعـی مسـلّم اسـت. ایـن مـوارد، همـان قانون‌شـکنی و قانون‌گریـزی فرد خاطـی اسـت. به‌طـور قطـع، می‌تـوان گفـت کـه تـا یـک قانون‌شـکنی از فـردی سـر نـزد، گنـاه مفهـوم پیـدا نمی‌کنـد؛ یعنـی هـر گنـاه، یک ظلـمِ صـورت گرفته توسّـط

[1]. بحارالانوار، ج۱۱، ص۱۷۹.

یـک فـرد اسـت کـه نسـبت به خـود یا نسـبت به دیگـران یا نسـبت به خالـق خویش انجام شـده اسـت.

از طـرف دیگـر، می‌دانیـم کـه فـرد خطاکار که بـه توفیق اعتراف نایل شـده اسـت، هیـچ جایـی را بهتـر از خانـه خـدا و محـلّ عبادت خـدا نمی‌دانـد و نمی‌شناسـد تا در آنجـا بـه اقـرار گناهـان خـود بپـردازد. گناهکار یا فـردی که قانونـی را زیر پا گذاشـته اسـت، در وهلـه اول بـا اقـرار بـه گنـاه در مسـجد، دوبـاره فاصلـه خـود را نسـبت بـه خالـق کمتـر کـرده، بـه سرچشـمه قـدرت و حاکمیّـت جهـان نزدیک می‌شـود. نکته مهـم ایـن اسـت فـردی کـه بـا حضـور در مسـجد و شـرکت در محافـل معنـوی بـه قانون‌شـکنی‌های خـود در پیشـگاه الهـی اقرار و بـه گناهانش اعتـراف می‌کند، قدرت درونـی و معنـوی بیشـتری بـرای کنترل خود به دسـت خواهـد آورد. در واقع، اعتراف کـردن در هـر زمـان و مکانـی، آثار یکسـانی ندارند؛ بلکه آثـار تربیتی اعتـراف به گناه در مسـجد در روح و وجـدان فـرد، ریشـه‌دارتر و پایدارتـر خواهـد بود.

## » نقش مسجد در بهبود سطح قانون‌گرایی مجرمان و خطاکاران

همـه نقش‌هـای مسـجد در مقوله قانون‌گرایی آحـاد جامعه، به مبحـث پیش‌گیری ختـم نمی‌شـود؛ بلکـه اهمیّـت و تأثیرگذاری مسـجد حتّـی در مرحله پـس از ارتکاب جرایـم نیـز چنـان قابل توجّه اسـت کـه اهمیّت قانـون و قانون‌گرایـی را در فرد بهبود می‌بخشـد تـا ایـن فـرد بـار دیگـر به سـمت ارتـکاب جـرم یا بـزه قـدم برنـدارد. افرد گناهـکاری کـه پـس از ارتـکاب انـواع خطـا، به نـدای فطـری نفـس لوّامه خـود یا به کمـک قوانیـن دیگر (که از سـوی حکومت وضع شـده اسـت) به سـمت وجـدان بیدار خـود حرکـت می‌کننـد بـا توفیـقِ انجـام آموزه‌هـای ارزشـمندی مانند «اسـتغفار» و «توبه»، مسـیر بازگشـت خود را به سـهولت پیدا می‌کنند. برای روشـن شـدن بحث، در ادامـه بـه توضیح این دو واژه اشـاره می‌شـود.

«اسـتغفار»، بـه معنـی «آمـرزش خواسـتن»، «غفـران طلبیـدن»، «توبـه کردن»، «مغفـرت طلبیـدن» اسـت.[1] مغفرت نیـز در لغـت بـه مفهوم آمـرزش، عفو و بخشـش گناهان، بخشـایش سـیّئات کسـی وآمـرزش گناهان اسـت.[2] در قرآن، سـوره توبه، آیه ۱۱۴ به واژه اسـتغفار اشـاره شـده اسـت.[3]

توبـه از «تـوب» بـه معنـای «بازگشـت» و «رجـوع» اسـت. توبـه، از سـوی بنده به مفهـوم بازگشـت از معصیـت و خطـا و پشـیمانی اسـت.[4] همچنین، منظـور از اصطلاح «توبـه شکسـتن»، برگشـت بـه گنـاه و مرتکـب شـدن بـه هـر گناهـی (کـه فـرد در گذشـته مرتکـب نمی‌شـد) اسـت و نیز به معنای شکسـتن عهـد و میثاق اسـت.[5] توبه، زمینه‌سـاز تبدیـل بدی‌هـا و گناهـان بـه حسـنات اسـت.[6] اهمیّت توبه تا به آنجاسـت

---

[1] . دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱، ص۲۱۶۸.

[2] . همان، ج۱۴، ص (سریالی) ۲۱۲۱۳.

[3] . «وَ مـا کانَ اسْـتِغْفارُ إبْراهیـمَ لِأَبیـهِ إلّا عَـنْ مَوْعِـدَه وَعَدَهـا إیّـاهُ فَلَمّاتَبَیَّـنَ لَـهُ أَنَّـهُ عَـدُوٌّ لِلّه تَبَـرَّأَ مِنْـهُ إنَّ إبْراهیـمَ لَأَوّاهٌ حَلیـمٌ؛ و اسـتغفار ابراهیـم بـرای پـدرش [سرپرسـتش کـه در آن زمـان، عمویـش آزر بـود]، فقـط بـه خاطـر وعـده‌ای بـود کـه بـه او داده بـود (تـا وی را بـه سـوی ایمـان جـذب کنـد)؛ امّـا هنگامـی کـه بـرای او روشـن شـد وی دشـمن خداسـت، از او بیـزاری جسـت. بـه یقیـن، ابراهیـم دلسـوز و بردبـار بـود؛ توبه، آیـه۱۱۴.

[4] . هاشمی رفسنجانی اکبر، فرهنگ قرآن، ج۹، ص۷۰.

[5] . دهخدا، همان مشخصات، ج۵، ص۷۰۷۹

[6] . خداونـد در آیاتـی از سـوره فرقـان، پـس از نکوهـش گناهـکاران و اشـاره بـه عـذاب نمـودن آنهـا، چنیـن می‌فرمایـد: «إلاَّ مَـنْ تـابَ وَ آمَـنَ وَ عَمِـلَ عَمَـلاً صالِحـاً فَأُولئِـکَ یُبَـدِّلُ اللهُ سَـیِّئاتِهِمْ حَسَـناتٍ وَ کانَ اللهُ غَفُـوراً رَحیـم؛ مگـر کسـی کـه توبـه کنـد و ایمـان آورد و کار شایسـته کنـد. پـس خداونـد بدی‌هایشـان را بـه نیکی‌هـا تبدیـل می‌کنـد و خـدا همـواره آمرزنـده مهربـان اسـت؛ فرقـان، آیه۷۰.

کـه در قـرآن سـوره‌ای به نـام توبه وجـود دارد که حـاوی مضامین عالـی و قهرآمیزی در مورد مشـرکان اسـت.

اسـتغفار و توبـه از آموزه‌های عبادی خاصّ مسـجد اسـت و انسـان موحّـد، دریافته اسـت کـه بعـد از سـرپیچی از دسـتورات الهـی، باید به خانـه خداوند یا همان مسـجد برگـردد و تـلاش کنـد تـا بـه مقـام توبـه نایل گـردد. ایـن دسـتورات نادیده انگاشـته شـده، شـاید جنبـه درونـی و فردی داشـته باشـد یـا یک خطـای اجتماعی محسـوب شـود و دارای تبعـات گسـترده اجتماعـی باشـد. بـر اسـاس ایـن آموزه‌هـا، بـه دلیـل رحمـت و حکمـت الهـی، راه اصـلاح و تعالی فردی بر روی کسـی بسـته نیسـت و هر کسـی در شـرایط لازم، مشـمول رحمـت و محبّـت الهی خواهد شـد.

حضـرت علـی﵇ در مـورد توبـه و اسـتغفار می‌فرماینـد: «...مَـنْ اءُعْطِـیَ التَّوْبَـةَ لَـمْ یُحْـرَمِ الْقَبُـولَ، وَ مَـنْ اءُعْطِیَ الاِسْـتِغْفَارَ لَـمْ یُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ...؛ کسـی را کـه توفیق توبه دهنـد، از پذیرفتـه شـدن توبـه محـروم نمانـد و کسـی را کـه بـه او توفیـق اسـتغفار دهنـد، از آمـرزش محروم نمانـد...».[1]

همچنیـن، آن حضـرت در جایـی دیگـر می‌فرمایند: «...لا خَیْـرَ فِی الدُّنْیـا إلا لِرَجُلَیْنِ، رَجُـلٍ اءَذْنَـبَ ذُنُوبـا فَهُوَ یَتَدارَکُهـا بِالتَّوْبَهِ وَ رَجُلٍ یُسـارِعُ فِی الْخَیْـراتِ...؛ در این جهان خیـری نیسـت، مگـر بـرای دو کـس کسـی کـه گناهـی می‌کنـد و بـه توبـه جبرانش می‌نمایـد و کسـی که بـرای کارهـای خیر می‌شـتابد».[2]

در آیـات متعـدّدی از قـرآن کریـم به توبه‌پذیـر بودن و مهربـان بودن پروردگار اشـاره شـده اسـت در ایـن خصـوص قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «هُـوَ الَّـذِی یقْبَـلُ التَّوْبَـةَ عَنْ عِبـادِهِ وَ یعْفُـوا عَـنِ السَّـیئاتِ».[3]تأکید قـرآن در ایـن مـورد بـه حدّی اسـت کـه حتّی ترک‌کننـدگان توبـه را ظالـم خطـاب نمـوده و این‌گونـه افـراد را مسـتحقّ هلاکـت و عـذاب دردناک دانسـته اسـت.[4]

توجّه به توبه و بازگشت مجرمان از دو جنبه قابل بررسی است:

---

[1] . دشتی محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، ح۱۳۵، ص۴۶۸ و ۴۶۹.
[2] . همان، ح۹۴، ص۴۵۸ و ۴۵۹.
[3] . شوری، آیه۲۵.
[4] . ر. ک به: بابائیان، عبّاس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ص۳۵۱ تا ۳۵۲.

الـف) جنبـه توجّـه به اجـرای قوانیـن موضوعه که از طریـق مبادی قضایی کشـور، در خصـوص فرد اعمال می‌شـود. البتّه، روشـن اسـت کـه این قوانین، بر مبنای شـارع مقـدّس اسـلام و قوانیـن الهـی و بر حسـب تفقّـه در منابـع اصلی و فرعـی فقهی دین اسـتخراج و تشـریح شده‌اند.

ب) جنبـه دیگـر این اسـت که افـراد مجرم یا خطـاکار، پس برخورد بیرونی توسّـط مبـادی قانونـی و قضایـی، در نهایـت بـه وجـدان بیدار خـود رجوع می‌کننـد و پس از حضـور در محافـل مذهبـی و شـرکت در خلوتگاه مسـجد، اُنس دوباره خـود را با مبدأ هسـتی برقـرار می‌کنند.

توجّـه بـه مسـجد و بـه یـاد خانه خـدا افتادن، پـس لغـرش و قانون شـکنی امری تـازه نیسـت. انسـان معتقـد بـه خداونـد می‌دانـد که پـس ارتکاب خطـا باید بـه خانه صاحبخانـه ایـن جهـان هسـتی بـرود، راه توبه را جسـتجو کنـد. این احسـاس و ندای فطری در وجود مسـلمانان نهادینه شـده اسـت. در زمان صدر اسـلام، مسـلمانانی که دچـار لغـزش و خطـا می‌شـدند و خـود را نیازمنـد بـه لطف و احسـان خـاصّ خداوند می‌دانسـتند، بـه مسـجد پناه می‌آوردنـد؛ زیرا این جایـگاه مقدّس را جلـوه‌گاه رحمت خـاصّ خداونـد مهربـان می‌دانسـتند.[1] ابوسـعید ابی‌الخیـر ایـن مطلـب را در قالـب رباعی چنین سـروده اسـت:

باز آی؛ باز آی؛ هر آنچه هستی باز آی
گر کافر و گبر و بت پرستی باز آی
این درگه ما، درگه نومیدی نیست
صد بار اگر توبه شکستی، باز آی.[2]

رابطـه عاطفـی کـه بـا راز و نیـاز بیـن انسـان و خداونـد برقـرار می‌شـود، روح و روان آدمـی را تقویّـت می‌کنـد و موجـب آرامـش وی می‌گـردد. مسـجد خانـه خداسـت و صاحب‌خانـه بـا آمـرزش گناهـان و خطاهـای میهمانـش از وی پذیرایـی می‌کند. امام صـادق علیه‌السلام می‌فرماینـد: «عَلَیْکُـمْ بِإِتْیَـانِ الْمَسَـاجِدِ فَإِنَّهَـا بُیُـوتُ اللهِ فِـی الْأَرْضِ وَ مَنْ

[1] . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۳۷.
[2] . از رباعیّـات مشـهور ابوسـعید ابی‌الخیـر؛ لازم بـه یـادآوری اسـت کـه در برخـی از چاپهـا، حـرف «ی» از فعـل «بـاز آی» حـذف شـده اسـت.

أَتَاهَـا مُتَطَهِّـراً طَهَّـرَهُ اللهُ مِـنْ ذُنُوبِـهِ وَ كُتِـبَ مِنْ زُوَّارِهِ... ؛ بر شـما باد که به مسـجدها بیاییـد؛ آنهـا خانه‌هـای خـدا در زمیـن هسـتند و هـر کـس پاکیزه بـه مسـجد بیاید، خداونـد گناهانـش را پـاک می‌گردانـد و نـام او در زمـره زائـران خـود می‌نویسـد». [1]

چـه بسـیار هسـتند افـرادی کـه بـا حضـور در مسـجد و توبـه واقعی، مسـیر کلّی زندگـی خـود را تغییـر دادنـد و مسـیر هدایـت و طریـق الهـی را یافتنـد. بنابرایـن، می‌تـوان گفـت کـه مسـجد، مهم‌تریـن محـلّ ندبـه و انابـه بـه درگاه الهـی محسـوب می‌شـود در قانون‌گرایـی افـراد مجـرم و خطـاکار، پـس از اشـتباه و جبـران آن نقـش بااهمّیتـی دارد.

[1] . کافی، ج۲، ص۴۷۷، ح۷؛ بحارالانوار، ج۸۰، ص۳۸۴.

### » مقبولیّت رفتارها در مسجد و اثر آن بر قانون‌گرایی

در بـاور و فرهنـگ مردم مسـلمان و حتّی همه ادیان، مسـجد مکانی مقدّس اسـت. عُلمـا نیـز دارای درجه معنوی هسـتند. بنابرایـن، وقتی که سـخنان و مواضع آنان، در مسـجد شـنیده مـی شـود، صحیـح قلمداد مـی شـود. جامعه مدنـی ایران، بـه عنوان یـک فضـای مسـتقل از دولت و دسـتگاه حاکم، چـه در دوران سـلطنت قاجاریه و چه در رژیـم پهلـوی، در مسـاجد، بازار، حسـینیّه هـا و... تجلّـی پیداکرده اسـت. این‌گونه مراکـز، گوشـه ای از شـبکه وسـیع مردمی بودنـد که رفتارهـای مقبول عامّـه در آنجا انجام می شـد.

مسـجد، بـه عنـوان یـک مـکان مقـدّس و عبـادی، از دو جلـوه رفتـاری برخـوردار اسـت. یکـی تأثیـر آن بـر رفتـار فردی اسـت و دیگـری تأثیر بـر رفتار جمعـی. این دو جنبـه از آثـار مسـجد با هـم متفاوت هسـتند؛ ولی بـر هم تأثیـر متقابل دارنـد. وقتی مراسـم‌های فراگیـری ماننـد آییـن عبـادی ماه مبـارک رمضـان و محرم و صفـر و... با سـبک‌های تأییـد شـده، در مسـاجد و تکایـا اجـرا می‌شـود، جنبـه جمعـی آن به اوج خـود می‌رسـد. بـه عبـارت دیگـر، دوگونـه رفتـار می‌توانـد در این مـکان گرانقـدر، از فـرد یـا جمـع شـرکت‌کننده متجلّـی شـود. رفتارهـای جمعـی آن بـر جهت‌دهـی به رفتارهـای فردی بسـیار مؤثّرتر اسـت.

بـا توجـه بـه مطالـب مطـرح شـده، می‌توان گفـت کـه مسـجد دارای دو بُعـد کلّی است:

«بُعـد ظاهـری» مسـجد کـه بـه رفتارهـا و اعمـال و روابـط پسـندیده دینـی مورد قبـول و مناسـک مذهبـی و مراسـم‌ها مربـوط می‌شـود کـه همـه افـراد بـه صـورت جمعـی آن را انجـام می‌دهنـد.

«بُعـد باطنـی» مسـجد کـه بـه تأثیـر رفتارهـای جمعـی بـر رفتارهـای شـخصی و کنتـرل فـردی مربـوط می‌شـود.

هنگامـی کـه انسـان‌ها بـه صـورت دسـته‌جمعی و بـه عنوان قطـره‌ای گم شـده در دریـای خروشـان اجتمـاع، در حـال برگزاری مناسـک و انجـام فرایض دینی هسـتند، رفتارهـای جمعـی مقبـول عامّـه، نمایـان می‌شـود. همچنیـن، زمانـی کـه انسـان به

صـورت غیرجمعـی یـا فـردی در مسـجد ظاهر می‌شـود، خود بـه خود، به محاسـبه و بررسـی رفتارهـای شـخصی خـود می‌پـردازد. ویژگی مسـجد در مقابل دیگـر مکان‌ها ایـن اسـت کـه از جنبـه ماهیّتـی، عـلاوه بـر اینکـه محلّـی بـرای تجمّـع و رفتارهای جمعـی اسـت، فـرد را بـه درون خـود ارجـاع می‌دهد.

بدیـن ترتیـب، آنچـه عمـل شایسـته محسـوب می‌شـود همـان چیزی اسـت که از جمـع سـر می‌زنـد و مـورد تأییـد آنهاسـت. همچنیـن آنچـه عمل ناپسـند محسـوب می‌شـود، همـان چیـزی اسـت کـه جمـع از انجـام آن پرهیـز می‌کنـد. بـر همیـن اسـاس، می‌تـوان گفـت که چنین فـردی در حالـت انفرادی نیـز آن اعمال ناشایسـت یـا خـلاف قانـون را تـرک می‌کنـد. ایـن رونـد تهذیـب کـردار، در اصـلاح و ترمیـم رفتارهـا بسـیار مؤثّر اسـت.

بنابرایـن، به‌طـور خلاصـه می‌تـوان گفـت کـه حضـور منظّـم در مسـاجد، ایجـاد معرفـت افـراد نسـبت بـه رفتارهای پسـندیده و مورد قبـول عامّه و رفتارهای ناپسـند مـورد انزجـار جامعـه را موجب می‌شـود. ایـن معرفـت، قانون‌گرایی فـرد و در مجموع قانونمنـدی جامعـه را به همـراه دارد.

## » اهمّیت مساجد در برابر تهاجم فرهنگی و کاهش قانون‌گریزی

آن سخن معروف و پُر ارزش امام خمینی۷ که با درک حقایق کارکردهای مسجد همراه بود، امروز بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان به صراحت فرمودند: «مساجد سنگر مبارزه‌اند؛ از این‌رو، دشمن، سعی در خراب نمودن آنها دارد».[1]

با بررسی دقیق فعّالیّت های دولت‌های غربی، متوجّه این موضوع می‌شویم از سوی دشمنان اسلام، یک تهاجم یا شبیخون فرهنگی همه مسلمان، به ویژه نوجوانان و جوانان جوامع اسلامی را هدف قرار داده است. آنان حتّی با تقویّت و فرهنگ‌سازی برای برخی معابد غیر از مسجد و جذب برخی مسلمانان ضعیف‌الایمان به معابد یا ادیان دیگر، در پی استحاله کارکردهای قانون‌گرای مساجد هستند. این امر، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که متأسّفانه بیشتر فعّالان فرهنگی و عموم مسلمانان از آن غافل شده‌اند.

دشمن، قصد دارد با اجرای برنامه‌های خود، مسلمانان را از مسجد گریزان سازد تا روح قانون‌گریزی را در آنان ایجاد و تقویت کند. در همین راستا، دشمنان به اقدامات گسترده دست می‌زنند. این اقدامات، خود تمهیداتی برای لاأُبالی‌گری و قانون‌گریزی را برای عدّه‌ای از افراد فراهم می‌کند.

«اشاعه روح بی‌بندوباری و بی‌دینی در بین جوانان و ایجاد شکّ در آنها نسبت به اصول دین اسلام، انتشار کُتب ضدّ اخلاق و اسلام، تأسیس مراکز خوش‌گذرانی و عیش‌ونوش، فراهم ساختن امکانات لازم برای فساد و بی‌دینی و بسیاری از فعّالیّت‌های مشابه دیگر، تنها گوشه‌هایی از اقدامات دشمنان مسجد برای به‌دام انداختن مسلمانان است».[2]

بر این اساس، لازم است که همه مسلمانان تلاش کنند تا کارکردهای قانون‌گرایی و قانون‌مدارانه مساجد را تقویّت نمایند؛ زیرا دشمن می‌خواهد با توانمندسازی معابد ادیان دیگر، به غیر از اسلام و مساجد، این خانه‌های خدا،

---

[1]. صحیفه نور، ج۱، ص۱۸۶.

[2]. ر. ک به: مسترهمفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیدی، ص۹۶.

مسـجدگریزی و دوری و بیـزاری از مسـاجد را در بیـن مسـلمانان تقویّـت نمایـد. این موضـوع در حالـی اسـت کـه می‌دانیـم مسـجد، بـرای نوجوانـان و جوانـان و همـه گروه‌هـای شـرکت‌کننده، دوسـتانی خـوب، محتوایـی دینـی و اخلاقـی و در نهایـت، تفکّـر و تعقّـل در انجـام افعـال را بـه ارمغـان مـی‌آورد. در حالی کـه، قربانیـان تهاجم فرهنگـی همیشـه اسـیر نتایجـی ماننـد دوسـتان ناباب، یـک زندگـی بـا محتـوای شـرک‌آلود و ضـدّ اخـلاق و در نهایـت، تخدیـر و مسـتی خواهنـد بـود.

به‌طـور خلاصـه می‌تـوان گفـت کـه هـر نـوع توجّـه بـه مسـجد و شـرکت در فعّالیّت‌های مسـجدی و انجام مناسـک و فرایض در مسـاجد، موجب بیمه‌شـدن افراد در برابـر تهاجـم فرهنگـی می‌شـود و مهم‌تریـن عامـل قانون‌گریزی و عـدم قانومندی حـذف خواهد شـد. روشـن اسـت که نتیجـه این امـر، بهبود میـزان قانونمنـدی آحاد جامعـه خواهـد بود.

## » کاهش بزهکاری و قانون‌گریزی با تربیت مسجدی

«بـزه»، در مفهـوم کلـی بـه معنـی هـر فعلـی اسـت کـه خـلاف قانـون باشـد. بـه عبـارت دیگـر، بـزه، بـه سرکشـی فـرد در برابـر اراده اجتماع که به وسـیله مقـرّرات و قوانیـن تعییـن شـده اسـت، گفته می‌شـود.[1] بزهکار، یعنی آن کسـی کـه عملی خلاف قانـون انجـام داده و همچنیـن بـه مفهـوم مجـرم، بزه‌منـد و گناهکار اسـت.[2] کجروی و تخطّـی از هنجارهـا، همـواره در طـول تاریـخ بشـر وجـود داشـته اسـت. شکسـتن نظـم اجتماعـی و انحـراف از هنجارهـا در جوامـع کوچـک و ابتدایـی بـه نـدرت اتّفاق می‌افتـد و اقـوام و قبایـل، بـر حسـب سـنّت‌ها و عرف جامعـه از هنجارهـای اجتماعی تبعیّـت می‌کردنـد؛ امّـا در جوامـع امـروز بـا توجّه بـه تحـرّک اجتماعـی و جغرافیایی شـدید، انسـجام فرهنگی کم شـده اسـت و توافق اخلاقی به ندرت مشـاهده می‌شـود. گـزارش رسـانه‌های جمعـی و پژوهش‌هـای علمـی نشـان می‌دهـد که شکسـتن نظم اجتماعـی و انحـراف از هنجارهـای جامعـه در شـهرها، بـه ویـژه شـهرهای بـزرگ بـا وجـود پیشـرفت فنّـاوری و صنعـت، نـه تنهـا کاهـش نیافته اسـت، بلکـه افزایش هم یافته اسـت.

یکـی از عوامـل بـزه، تربیت نامناسـب یا فقـدان و ضعف تربیت دینی اسـت. افرادی بـا مسـجد و در کنـار مسـجد بـه تربیـت و تعالـی دینـی رسـیده‌اند و فاصلـه خـود را بـا خـدا و خانـه خدا بسـیار نزدیـک کردنـد، به راحتـی هنجارشـکنی نمی‌کننـد و به هـر نـوع قوانیـن احتـرام می‌گذارنـد. تربیـت یافتـن افـراد در هـر سـنّ و موقعیّت در متـن فعّالیّت‌هـای فرهنگـی و اعتقـادی مسـجد، قوی‌تریـن عاملـی اسـت کـه امـروز اندیشـمندان فرهنگـی از آن بـه عنـوان درمـان و کنتـرل بزهـکاری در جامعـه یـاد می‌کننـد.

نکتـه مهـم ایـن اسـت کـه کنتـرل درونـی، زمانـی رخ می‌دهـد کـه جریـان جامعه‌پذیـری به‌طـور کامـل موفّـق بـوده باشـد. در ایـن صـورت فـرد، هنجارهـا و ارزش‌هـای اجتماعـی را درونـی کـرده، حتّـی در خلـوت خـود نیـز آنچـه را جامعـه

---

[1]. ر.ک به: عالی‌زاده، مریم، بررسی عوامل مؤثّر در بزهکاری نوجوانان و جوانان، طوبی، ش۲۵، ص۷۰.
[2]. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج۲، ص۹۶۱.

ترجیح می‌دهد، انجام می‌دهد. فردی که به‌طور کامل، اجتماعی شده است، چنانچه به شکستن یک هنجار یا زیرپانهادنی قانونی، وسوسه شود، وجدان اجتماعی او مانع از این کار وی می‌شود و فرد، داوطلبانه از انجام آن خودداری می‌کند. با توجّه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت که مسجد و مسجدگرایی با تقویّت ایمان و حسّ انسان‌دوستی در فرد، موجب تربیت مذهبی وی شده و در نهایت بزه و بزهکاری را در سطح اجتماع کاهش می‌دهد. بنابراین، سطح قانونمندی و قانون‌گرایی آحاد جامعه افزایش می‌یابد.

## » کارکرد آموزشی مسجد و نقش آن در قانون‌گرایی

یکی از کارکردهای مهم مساجد، کارکرد آموزشی یا تعلیم و تربیت است.[1] این آموزش به معنای گسترده، به مفهوم فراگیری همه آموزه‌های اسلامی است. مساجد محلّ آموزش احکام و فقه هستند. در یک نگاه سطحی، رابطه بین فقه‌مدار بودن و قانون‌گرا بودن در رابطه با نهاد مسجد مشخص می‌شود. فقه همانند قانون، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست و در واقع خود، قانون دین است که بر اساس منابع استخراج می‌شود.[2] بنابراین، کسانی که دستورات دینی را اجرا می‌کنند و به مسجد رفت‌وآمد دارند، راحت‌تر به قانون تمکین می‌کنند. به دلیل اینکه این افراد در مسجد رعایت و احترام به قانون را آموزش دیده‌اند. یکی از راه‌های ایجاد جامعه قانون‌مدار، آشنایی با قوانین است. مسجد مکانی مناسب برای این نوع آموزش است تا ضمن آشنا کردن مردم با قوانین، اهمّیت رعایت آنها را نیز از نظر آموزه‌های اسلامی و از جنبه شارع مقدّس اسلام مطرح شود.

---

[1] . مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، ص۱۳.

[2] . ر.ک به: محمّدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص۷؛ صدر، سیّد محمّدباقر، علم اصول، ترجمه نصرا... حکمت، ص ۲۹؛ مطهّری مرتضی، کلّیات علوم اسلامی، ج۳، ص۱۴.

## » اعتکاف در مسجد، تمرین رفتارهای قانون‌گرایی

«اعتکاف»، مصدر باب افتعال از ریشه «عکف»، به معنی پیوستگی بر چیزی داشتن و حبس کردن است. مفهوم اعتکاف از نظر لغوی، درنگ کردن و ادامه دادن است. از نظر اصطلاحی، اعتکاف، به معنی درنگ کردن در مسجد جامع (یعنی مسجدی که روزانه در آن حداقل یک بار نماز جماعت بخوانند) به قصد عبادت است. اعتکاف، به مفهوم خود را بازداشتن و گوشه‌نشین شدن در مسجد است.[1]

یکی از آیین‌های عبادی مسلمانان که در مسجد صورت می‌پذیرد، «اعتکاف» و خلوت کردن با خداوند است. اعتکاف، تأثیر به‌سزایی در ریشه‌کن کردن گناهان انسان دارد. گناهانی که هر کدام نوعی عصیانگری از مسیر قوانین الهی یا اجتماعی محسوب می‌شود.

در مورد پیشینه اعتکاف همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای پرورش روح، قبل از رسالت به این امر می‌پرداختند؛ به این صورت که مدّتی را در غار حرا واقع در جبل‌النّور، یکی از کوه‌های مکّه، به عبادت به سر می‌بردند.

حضرت علی ؑ در این مورد می‌فرمایند: «پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حرا می‌گذراند؛ تنها من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید».[2]

پس از رسالت و بعثت هم، آن حضرت به اعتکاف اهمیّت می‌دادند؛ با این تفاوت که این بار «مسجد» جایگاه این عمل عبادی بود.

امام صادق ؑ می‌فرمایند: «وَ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَ ضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْشَعْرٍ وَ شَمَّرَ الْمِئْزَرَ وَ طَوَى فِرَاشَه؛ رسول خدا ﷺ در ده روز آخر ماه رمضان، در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای معیّن برپا می‌کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را برمی‌چیدند و به اعتکاف مشغول بودند».[3]

لازم به ذکر است که سنّت حسنه اعتکاف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی

---

[1] . دهخدا، همان مشخّصات، ج۲، ص۲۹۱۹ تا۲۹۲۰.
[2] . دشتی، همان مشخّصات، خ۱۹۲، ص۳۹۹.
[3] - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۴ ح۲۰۸۷. باب الاعتکاف.

احیـاء گردیـد. ایـن سـنّت، در طـول تاریـخ اسـلام و ادیـان آسـمانی، طرفـداران و عاملانـی داشـته و در بـلاد اسـلامی به‌طور عموم و شـهرهای شـیعه و مراکـز حوزوی به‌طـور خـاصّ مـورد توجّه بوده اسـت. معتکفان «ایّـام البیض» ماه رجـب و در برخی مـوارد، دهـه آخـر مـاه رمضـان را در اعتـکاف بـه سـر می‌بردند.

بـه عبـارت دیگـر، ایـن عبـادت، قبـل از پیـروزی انقـلاب اسـلامی، حالـت فراگیـر نداشـته اسـت. در چنـد سـال اخیـر، در میـان جمـع کثیـری از خواهـران و بـرادران دینـی، از اقشـار گوناگون اجتماعی، به ویژه دانشـجویان و طـلّاب و نوجوانان و جوانان مرسـوم گردیـده اسـت. امـروز شـاهد آن هسـتم کـه بسـیاری از مسـاجد شـهرها و روسـتاها و محـلّات پذیـرای مهمانـان خـدا و معتکفـان در ایّـام البیـض هسـتند.

نکتـه بسـیار مهـم ایـن اسـت کـه اشـتغال انسـان بـه کار و زندگـی روزمـرّه و مسـؤلیّت‌های اجتماعـی، غفلـت از خـود و غفلـت از خـدای جهانیـان را بـه دنبـال دارد. همیـن غفلـت اسـت کـه زمینه گنـاه یا هر نـوع قانون‌شـکنی را فراهـم می‌کند؛ همیـن غفلت اسـت که بسـتر لازم برای سـقوط از ارزش‌هـای انسـانی و اخلاقی را در فـرد ایجـاد کـرده، آن را تقویـت می‌کند و وی را به ورطه پسـتی و حیوانی می‌کشـاند. بسـیاری از جرایمـی کـه مجرمـان انجـام می‌دهند، ناشـی از غفلتی اسـت کـه در آنها پیـدا می‌شـود. ایـن غفلـت، موجـب نادیـده انگاشـتن قانـون می‌شـود و فـرد بـرای اهـداف خـود، قانون‌شـکنی می‌کنـد.

بـر اسـاس مطالـب مطـرح شـده می‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه شـرکت کـردن در اعتـکاف موجـب ایـن می‌شـود کـه فـرد، رفتـار نیـک را تمریـن کنـد و با شـرکت در جمعـی کـه همگی دارای یک هدف هسـتند و به رفتارهای مقبول، مشـغول هسـتند، قانونمنـد بـودن و قانون‌گرایـی را تمریـن کنـد تا پس از اتمـام این رفتـار و این مدّت، در قانونمنـد بـودن در سـایر امـور زندگـی، موفّق‌تر باشـد. در واقع، می‌تـوان گفت که اعتـکاف موجـب بهبـود قانونمنـدی در فرد می‌شـود.

## » نقش حمایتی مسجد در قانون‌پذیری فردی و کاهش هزینه امنیت اجتماعی

امنیت در لغت به معنی «ایمنی»، «جای امن»، «بی‌خوفی»، «در امان بودن» است.[1] به زبان ساده، امنیت، یعنی دور بودن از خطراتی که علیه منافع مادّی (جان، مال، سرزمین و...) و ارزش های معنوی (دین، فرهنگ، اعتقادات و...) انسان‌ها وجود دارد. امنیت، یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری است. از جوامع اوّلیه، مانند قبایل کوچک، گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت شهرهای یونان، با واژه امنیت آشنا بوده‌اند. به همین دلیل، امروز نیز تلاش برای رسیدن به «وضعیت امن» و یا «Situation Secure» اوّلویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده است و راه‌های تأمین آن از جایگاه خاصّی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت اجتماعی و ملّی برخودار است. اساس جست‌وجوی امنیت را می‌توان در انگیزه‌ها و کشش‌های انسان‌ها دنبال کرد؛ به این معنی که جستجوی امنیت از مهم‌ترین کشش‌ها و انگیزه‌های انسانی بوده که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. البتّه مفهوم امنیت یک امر ذهنی[2] و یک امر نسبی[3] بسیار گسترده و دارای ابعادی مانند امنیت بین‌المللی، امنیت ملّی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت فردی و... است و ابعاد مرتبط به قانونمندی و قانون‌گرایی، به‌طور کلّی، در دو بُعد امنیت اجتماعی و امنیت فردی گنجانده می‌شوند.

مسجد و فعّالیّت‌های مذهبی می‌توانند با ابزارهایی، مانند ستایش، نکوهش و خشم اخلاقی، بر رفتار فرد اثر بگذارند. بخش زیادی از کنترل افراد، از راه کنترل رسمی صورت می‌گیرد. این کنترل، با ابزارهای بیرونی و قانون‌مدارانه انجام می‌شود. البتّه، عوامل بازدارنده بیرونی، مثل اجرای حدود و زندان، ضمن تأثیر مهمّی در حفظ سلامت اجتماعی جامعه دارد؛ امّا باید گفت که پیش‌گیری، بهتر از درمان است و مجازات زندان، هزینه سنگینی را بر دولت تحمیل می‌کند. بنابراین، همراه با کنترل بیرونی، کنترل درونی که همان اثرگذاری بر انگیزه‌های

[1] . دهخدا، همان مشخّصات، ج۳، ص۳۳۷۶ تا ۳۳۷۷.

[2] . Subjective.

[3] . Relative.

درونـی فـرد اسـت، توصیـه می‌شـود. کنترل‌های درونـی، ویژگی‌هـای خاصّـی دارند؛ از جملـه اینکـه برخـلاف کنترل‌های بیرونـی، نیازمنـد هزینه‌های هنگفت نیسـتند و در زمانـی کـه امـکان ایجـاد یـا اعمـال کنترل‌هـای بیرونی نیسـت، همچنـان کارایی خـود را دارند.

بـر اسـاس مفهـوم روایتـی از امـام علـی(ع)، تأثیرات رفتـاری که حضور در مسـجد بر جـای می‌گـذارد، می‌توانـد جامعـه را از فسـاد و گنـاه پاک کنـد؛ آنجا که در قسـمتی از یـک روایـت می‌فرماینـد: «...اَو کلِمَـهً تَرُدُّهُ عَـن رِدی اَو یترُک ذَنبا خشـیهً اَو حیاءً...؛ یـا کلماتـی می‌شـنود کـه او (فـرد اهـل مسـجد) را از فسـاد و گناه بـاز مـی‌دارد یا به خاطـر تـرس (از پـروردگار) یا حیـا و آبـرو، گناهی را تـرک می‌کند».[1]

مهم‌تریـن دسـتاورد رعایـت قانـون، «امنیـت اجتماعـی»[2] اسـت. در واقـع، امنیت اجتماعـی، حالـت فراغـت همگانـی از هرگونـه تهدیـد اسـت. کاهش نظارت گسـترده و کنتـرل رسـمی در سـطح اجتماعـی بـر ابعاد کلان اقتصـادی مؤثّر اسـت و با کاهش هزینه‌هایـی کـه دولت‌هـا صـرف نظـارت بـر نیروهـای اجرایـی یـا مردمـی می‌کنند، صرفه‌جویـی را بـه همـراه دارد. بنابرایـن، افراد اهل مسـجدع با اتّکا بـر اخلاق مذهبی و دینـی و بـدون تـرس از نیروهـای انتظامی و زنـدان و مانند آنها، خودشـان به تأمین امنیـت اجتماعـی مبـادرت می‌ورزنـد کـه ایـن موضـوع در سـطح کلان، بسـیاری از هزینه‌هـای امنیتـی را کاهـش می‌دهـد.

[1] . حرّ عاملی، وسایل‌الشیعه، ج۳، ص۴۷۰.

[2] . Social security.

## » نتیجه سخن

مسجد و فعّالیّت‌های مذهبی و مسجدی، با تکّیه بر قوانین شرعی، روح قانون‌گرایی را در افراد تقویّت می‌کند و توسعه می‌دهد؛ زیرا آموزه‌هایی مانند نماز جماعت و دعا کردن، گوش فرادادن به منابر وعظ و... توبه و استغفار و اعتکاف و اعتراف به گناه، در فضای معنویّت مسجد نمود پیدا می‌کند و افراد مسجدی با وجود تربیت مسجدی، کرامت نفس خود را پایمال نکرده، روح شریف انسانی خود را با قانون‌گریزی، به گناه و جرایم، آلوده نمی‌کنند. برای ایجاد جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌پذیر باید به نقش حیاتی و حمایتی مساجد توجّه بیشتری شود. این توجّه باعث می‌شود که بسیاری از جرایم اخلاقی و گناهان مربوط به تهاجم فرهنگی کاهش یافته، امنیت اجتماعی و قانون‌گرایی بیشتر شود. متولّیان فرهنگی و اجرایی مساجد، به خصوص امام جماعت مسجد باید با رویکردی کاربردی به تشریح حدود الهی و موازین اسلامی بپردازند و با آموزش این حدود و تشریح فلسفه و تبیین آثار فردی و اجتماعی آموزه‌هایی مانند، نماز جماعت، مراسم‌های مذهبی دسته‌جمعی، استغفار، توبه، اعتکاف، اعتراف به گناه و... در قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه نقش خود را به درستی ایفا نمایند.

## » منابع و مآخذ


» قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
» ابن‌منظور محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، دارالفکر، دار صار، بیروت، ج۱۱، ص۳۲۸.
» ابوسعید ابی‌الخیر، مجموعه رباعیّات.
» الموسوی الخمینی روح‌الله، صحیفه نور، مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، ج۱و۱۲، تهران، ۱۳۸۵
» انصاری علیرضا، قانونگرایی در سیره معصومان ﷺ، فرهنگ کوثر، ش۲۵، فروردین ۱۳۷۸.
» انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چ۴، ج۱ و۲، ۱۳۸۶.
» بابائیان عبّاس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ۲، تابستان ۱۳۸۸.
» برومند اعلم عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی، مؤسّسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت ﷺ، ۱۳۸۵، (منبع الکترونیکی).
» جعفری لنگرودی محمّد، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چ۲۲، ۱۳۸۸.
» جعفری علّامه محمّدتقی، وجدان، انتشارات اسلامی، تهران، نشر کرامت، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ه. ش.
» جمعی از فضلا و نویسندگان، تفسیر نمونه، (زیر نظر مکارم شیرازی ناصر) تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیّه، ج۵، چ۶، ۱۳۶۸.
» حر العاملی، محمّدحسن، وسائل‌الشیعه، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، انتشارات مهر، چاپ دوم، ج۳، ۱۴۱۴هـ‌ق.
» حقّانی زنجانی حسین، وجدان اخلاقی، ماهنامه مکتب اسلام، ش۹، سال ۱۳۷۶.
» حموده، عبدالوّهاب، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه: مهدی اسفندیاری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۸۴ هـ‌ش.
» دشتی محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسّسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین ﷺ، چ۹، ۱۳۸۲،
» دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، با همکاری گروهی از نویسندگان، دانشگاه تهران، ج۱ و۲ و ۵ و ۳۷، چ۲، ۱۳۷۷.
» صدر سید محمّدباقر، علم اصول، ترجمه: نصرا... حکمت، انتشارات امیر کبیر، چ۲، ۱۳۶۴.
» طه الولی، المسجد فی الاسلام، دارالعلم للملابین، بیروت، ۱۴۰۹ هـ‌ق.
» عالی‌زاده، مریم، بررسی عوامل مؤثّر در بزهکاری نوجوانان و جوانان، طوبی، ش۲۵، آذر۱۳۸۶.
» علی‌بن‌حسین، ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، مؤسّسه الاعلمی المطبوعات، چ۱، ج۲، سال۱۴۰۶هـ
» علی‌بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، زیر نظر مکارم شیرازی ناصر، دارالکتب الاسلامیّه، ج ۱، ۱۳۸۲.
» کلینی ابوجعفر محمّدبن یعقوب، اصول کافی، انتشارات ولیّ عصر، تهران، ج۲و ۴، ۱۳۷۵.
» مجلسی ﷺ علاّمه محمّدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامیّه، ج۱۱و۸۰، سال ۱۳۶۲.
» محمّدی ری‌شهری، محمّد، میزان الحکمه، قم، مرکز النشر، چ۱، ج۹، ۱۳۶۲.
» محمّدبن‌سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران فرهنگ و اندیشه، بی تا، ج۱، ۱۳۸۸.
» محمّدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چ۲۴، ۱۳۸۵.
» مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد تراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش۱۶۲، شهریور ۹۱.
» ـــــــــــــــــ احکام فقهی مستفاد از آیات در باب مساجد، ماهنامه مسجد، ش۱۶۳، مهر و آبان ۱۳۹۲.
» مستر همفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه: محسن مؤیّدی،

انتشـارات امیـر کبیـر، تهـران، ۱۳۸۶.
» مطهّـری مرتضـی، کلّیـات علـوم اسـلامی، ج۳ (اصـول فقـه، فقـه)، انتشـارات صـدرا، چ۲۳، شـهریور ۱۳۸۲.
» مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علیّ‌ابن ابی‌طالب﵇ چ۳۱، ۱۳۸۹.
» نـگارش حمیـد، هویّـت دینـی و انقطـاع فرهنگـی، نمایندگـی ولـیّ فقیـه در سـپاه، مرکـز تحقیقـات اسـلامی، ۱۳۸۰.
» نوبهار رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلّف، ۱۳۷۷هـ.ش.
» نـوری، محمّدموسـی، قانون‌مـداری در سـیره نبـوی، معرفـت، مؤسّسـه آموزشـی و پژوهشـی امـام خمینـی﵀، قـم، سـال سـیزدهم، ش۸۶، ۱۳۸۳.
» نـوری، مهـدی، تحلیـل جامعه‌شـناختی مسـجد، مجموعـه مقـالات کارکـرد مسـاجد، تهـران، رسـانش، چـاپ اوّل، تابسـتان ۱۳۸۴ هـ.ش.
» ولی‌نـژاد، نـورالله، حـدود الله یـا مرزهـای الهـی در جامعـه، سـازمان تبلیغـات اسـلامی، فروردیـن ۱۳۸۸، قابـل دسـترس در آدرس: http://www.ido.ir.
» ویکی‌پدیا، به آدرس: www.wikipedia.org.
» هاشـمی رفسـنجانی، اکبـر، فرهنـگ قـرآن، مؤسّسـه بوسـتان کتـاب، (بـا همـکاری محقّقـان فرهنـگ و معـارف قـرآن)، ج۹، چـاپ دوم، ۱۳۸۶.
»
»

# مسجد و بهداشت روان

جعفر حیدری

## چکیده

در ایـن تحقیـق توصیفـی کتابخانـه‌ای، نگارنـده بـه بررسـی و تبییـن رابطـه کمّی و کیفـی بهداشـت روان بـا مسـجد می‌پـردازد و از منظـر روان‌شناسـی، با اسـتفاده از آیـات و روایـات، نقـش مسـجد در بهداشـت روان افـراد را بررسـی می‌کنـد. تحقیـق حاضـر در یـک مقدّمـه و سـه بخـش تنظیم شـده اسـت. در مقدّمه، تعریف بهداشـت عمومـی، بهداشـت روانـی، ضـرورت آن در عصـر کنونـی بـرای فـرد و جامعـه و رابطه مسـجد بـا بهداشـت روان بیان شـده اسـت. در بخـش اوّل، از دیدگاه آیـات و روایات، روابـط سـه‌گانه بررسـی می‌شـود؛ یعنی ارتباط با خویشـتن، بـا خداوند و بـا هم‌نوعان و جامعـه. در بخـش دوّم، پنـج عامـل مهـم از اصـول بهداشـت روانـی مطرح می‌شـود کـه در مقایسـه بـا عوامـل دیگـر، ارتبـاط بیشـتری بـا مسـجد دارنـد و فراهم‌شـدن زمینـه بهداشـت روانـی را موجـب می‌شـوند کـه عبارت‌انـد از: مناجـات بـا خداونـد، دوست‌داشـتن خـود و دیگـران، نظـم و سـازماندهی در زندگـی فـردی و اجتماعـی، وحـدت و تعـاون و تـوکّل کـه همه این عوامـل، زیرمجموعـه یکی از روابط سـه‌گانه و

از مصداق‌هـای آن بـه شـمار می‌رونـد. بخـش سـوّم، بـه آسـیب‌های بهداشـت روانـی در مسـجد اختصـاص داده می‌شـود. مهم‌تریـن مصادیـق آن، کـه در قـرآن و روایـات بـه عنـوان مکروهات و محرّمات مسـجد آمده ، بررسـی می‌شـود. در یـک جمع‌بندی، بیـان خواهـد شـد کـه همـه آنهـا در مفهومـی کلّـی با هـم مشـترک هسـتند و همه اختـلال در یکـی از روابط سـه‌گانه را موجب می‌شـوند و بهداشـت روانی را در مسـجد در معـرض آسـیب قـرار می‌دهند.

**» کلیدواژه‌ها:**

بهداشـت، بهداشـت عمومـی، بهداشـت روانـی، ارتبـاط بـا خویشـتن، ارتبـاط بـا خداونـد، ارتبـاط با هم‌نوعان و جامعه، عوامل بهداشـت روانی در مسـجد، آسـیب‌های بهداشـت روانی در مسـجد.

## » کلّیات و مفاهیم

### مقدّمه

انسان، موجودی اجتماعی است که از نظر فطری به رابطه با دیگران نیاز دارد؛ ارتباطی که از هنگام تولّد تا آخرین لحظه حیات ادامه می‌یابد. ارتباط با دیگران آثار سودمند بسیاری دارد؛ از جمله شکوفایی استعدادهای درونی، رشد و تکامل انسان را موجب می‌گردد و آرامش و نشاط روحی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. بنابراین، نداشتن ارتباط با دیگران و یا مناسب نبودن ارتباطات در زندگی، اختلالات روحی و روانی و حتّی بیماری‌های جسمی را به دنبال دارد. در عصر حاضر که روابط انسانی دچار اختلال شده است، مشاهده می‌کنیم که بیشتر افراد جامعه به نوعی دچار مشکلات روحی و عدم تعادل روانی هستند و از اضطراب، نگرانی و افسردگی رنج می‌برند؛ این در حالی است که اگر نیاز طبیعی انسان، به‌گونه‌ای مطلوب تأمین و اصلاح گردد، سلامت فکر و بهداشت روان در فرد و جامعه را موجب می‌شود.

در این نوشتار می‌کوشیم تا از منظر آیات و روایات، انواع روابط انسانی را بررسی و نقش بسیار مهم مسجد را در تحقّق مطلوب و صحیح این ارتباطات بیان کنیم.[1]

### سؤالات تحقیق

#### سؤال اصلی

۱. مسجد چه نقشی در بهداشت روانی فرد و جامعه دارد؟

#### سؤال‌های فرعی

۲. مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در مسجد کدام‌اند؟

۳. آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد کدام‌اند؟

---

[1]. تاکنون فقط دو مقاله کوتاه در این باره نوشته شده است که تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند: مسجد و آرامش، سایت مرکز تحقیقاتی جوادالائمه علیه‌السلام نقش مسجد در سلامت روانی جامعه، فروغ مسجد، ج۵، ص۲۰۹.

## فرضیه‌های تحقیق

۱- مسجد، مهم‌ترین پایگاه عبادی و اجتماعی مسلمانان است که با توجّه به کارکردها و ابعاد مختلف آن، می‌تواند در عصر حاضر، که انسان بی‌هویّت شده است و با وجود پیشرفت عظیم فنّاوری، آرامش ندارد، در ایجاد بهداشت روانی فرد و جامعه نقش مهمّی به عهده داشته باشد.

۲- بر اساس آیات و روایات، شرکت در اجتماعات مسجد از عوامل مهمّ آرامش روحی و بهداشت روان است؛ از این‌رو، تشویق افراد به حضور در مسجد در تأمین بهداشت روانی آنان، به‌ویژه برای جوانان و نوجوانان، بسیار مؤثّر است؛ حتّی اگر این حضور، به صورت مستمر نباشد.

۳- پرهیز از محرّمات و مکروهات مسجد، زمینه‌ساز بهداشت روانی افراد مسجدی است؛ زیرا ترک مکروهات و محرّمات را در سایر امور زندگی نیز باعث می‌گردد.

۴- تشویق والدین برای رفت‌وآمد جوانان و نوجوانان به مسجد، ایجاد زمینه‌های جذّاب در مسجد و نیز پرهیز نمودن اولیای مسجد از رفتاری که گریز افراد از مسجد را موجب می‌گردد، زمینه‌ساز بهداشت روانی اهل مسجد می‌شود.

## » اهمیّت و ضرورت بهداشت روانی

بهداشت روان در زندگی فردی و اجتماعی انسان، نقش بسیار مهمّی دارد؛ زیرا اگر فرد و جامعه از سلامت فکر و روان برخوردار نباشند، نمی‌توانند در روابط خود با دیگران و حتّی با خویشتن، تعامل منطقی و مناسبی برقرار کنند. اگر در زندگی خود یا دیگران کمی دقّت کنیم، درمی‌یابیم که بیشتر مشکلات روحی و حتّی جسمی ما به نحوه دیدگاه و تعاملی مربوط می‌شود که در روابط روزمرّه خود داریم. روان‌شناسان معتقدند که بیماری‌های روانی در اصل ناشی از مشکلات ارتباط نامناسب است. بنابراین، اصلاح روابط انسانی، مهم‌ترین عامل نشاط و سلامت فکر و روان انسان است.

اگر انسان، از نعمت روان سالم و متعادل بهره‌مند نباشد، در هیچ کاری موفّق نمی‌شود و هیچ وقت به آسایش و سعادت انسانی نمی‌رسد. داشتن سلامت فکر و روان، طعم زندگی و لذّت حیات را به انسان می‌چشاند و او را در مسیر هدف خلقت قرار می‌دهد؛ یعنی آرامش روحی و نَفْس مطمئنّه در دنیا و رسیدن به آرامش وجدان در آخرت.[1]

[1] . شعراء، آیه۸۹.

## » مفهوم‌شناسی

### ۱- بهداشت در لغت

بهداشت در لغت به معنای «نیکو نگاه‌داشتن» و «نگهداری تندرستی» است که در زبان عربی به آن «حفظ الصّحّه» می‌گویند. «بهداشت روانی» بخشی از بهداشت عمومی است که در باره حفظ سلامت روانی انسان بحث می‌کند.[۱]

### ۲- بهداشت در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان علم روان‌شناسی، تعاریف زیادی برای بهداشت روانی ذکر شده است که نیازی به مطرح‌کردن همه آنها نیست و به ذکر چند مورد بسنده می‌شود:

کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، سلامتی فکر و بهداشت روانی را این‌چنین تعریف کرده‌اند:

«قابلیّت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حلّ تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و عادلانه و مناسب».[۲]

«بهداشت روانی، علمی است برای بهزیستی و رفاه اجتماعی که تمام زوایای زندگی از محیط خانه تا مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مسجد و نظایر آن را در برمی‌گیرد».[۳]

### ۳- موضوع بهداشت روان

موضوع علم بهداشت روان، انسان است. این علم، روانِ انسان را از نظر سلامت افکار و رفتار، ارزش‌ها و تکامل معنوی و مادّی بررسی می‌کند تا دریابد که چه چیزی درخور انسان است.

---

۱. معین، محمّد، فرهنگ معین، ج۱، ص۳۹۲؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج۱۱، ص۴۹۳.

۲. میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی، ص۳.

۳. همان، ص۳. مؤلّف بعد از مطالعه ده تعریف از دانشمندان بنام روان‌شناسی، پس از جمع‌بندی، تعریف مذکور را برای بهداشت روانی ارائه نموده است.

ارتباط، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال یکی از عالی‌ترین دستاوردهای بشر است که میان دو یا چند نفر اتّفاق می‌افتد. همه ما در هر شبانه‌روز، در مکان‌های متفاوت، به دلایل گوناگون، با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کنیم؛ مانند: روابط خانوادگی، شغلی و روابطی برای بیان اختلاف عقاید که هر یک از آنها در سه سطح کلامی، غیرکلامی و ترکیبی رخ می‌دهد. هیچ ارتباطی رخ نمی‌دهد، مگر به دلیل احساس نیاز شدید انسان به تعامل اجتماعی؛ زیرا انسان، موجودی اجتماعی است و از لوازم ضروری اجتماعی بودن وی، ارتباط با دیگران است. رشد شخصیّت و بهداشت روانی و جسمی، با توانایی برقراری ارتباط، رابطه دارد و هر فرد، بدون تعامل با انسان‌های دیگر، انسان کاملی نخواهد شد.

از منظر آیات و روایات، برای انسان سه نوع ارتباط قابل تصوّر است: ارتباط با خویشتن، ارتباط با خداوند، ارتباط با همنوع.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى آدَمَ علیه‌السلام: يَا آدَمُ إِنِّي أَجْمَعُ لَکَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ؛ وَاحِدَةٌ لِي وَ وَاحِدٌ لَکَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَکَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَکَ وَ بَيْنَ النَّاسِ. فَأَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي وَ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئاً وَ أَمَّا الَّتِي لَکَ فَأُجَازِيکَ بِعَمَلِکَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ أَمَّا الَّتِي فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَکَ فَعَلَيْکَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنَکَ وَ بَيْنَ النَّاسِ، فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِکَ؛ خداوند تبارک و تعالی به حضرت آدم علیه‌السلام وحی کرد: ای آدم، من تمام خوبی‌ها را در چهار کلام برای تو جمع می‌کنم. یکی مربوط به من، یکی مربوط به تو و یکی در رابطه بین من و تو و دیگری در رابطه بین تو و مردم است. آنچه مربوط به من است این است که مرا بپرستی و با من چیزی را شریک قرار ندهی و آنچه مربوط به توست این است که تو را در مقابل رفتارت جزا می‌دهم، در آن وقتی که به جزای عملت بیشترین نیاز را داری و آنچه میان من و توست آن است که بر تو باد دعا کردن و بر من اجابت نمودن و آنچه بین تو و مردم است آن است که برای مردم آن را بخواهی که برای خود می‌خواهی».[1]

[1]. آستان قدس رضوی، سفینهالبحار، ج۱، ص۱۵.

در ایـن روایـت، بـه طـور کلّـی، سـه نـوع ارتباط مطرح شـده اسـت که بـه توضیح آن می‌پردازیـم:

### ۱- ارتباط با خویشتن

اگـر مـا بخواهیـم بـه رابطه انسـان با خـودش قائل شـویم، بایـد نوعی تعـدّد وجوه و ابعـاد را در وجـود انسـان بپذیریـم. در ایـن صورت، مقصـود از رابطه انسـان با خود، روابطـی اسـت کـه میـان ابعـاد وجـودی وی برقـرار می‌شـود و یکـی از آشـکارترین ابعـاد وجـودی انسـان کـه از یکدیگر متمایز می‌شـود، نَفْس و بدن اوسـت. بـه عبارت دیگـر، رابطـه انسـان بـا خـودش بـه ایـن معناسـت کـه خـود را بشناسـد؛ ارزش‌هـا و اسـتعدادهای بالقـوّه و خـدادای خـود را تشـخیص دهـد؛ فلسـفه وجـودی خـود را بررسـی کنـد تـا بـه قـدر واقعـی گوهرِ وجـود خویـش واقـف گردد.

### روابط انسان با خود از منظر آیات و روایات

هـر کـس بـا تأمّـل در خویشـتن درمی‌یابـد کـه درون خـود روابطـی با خـود دارد. بنابرایـن، اصـل وجـود رابطـه بـا خـود، نیازمنـد اثبـات نیسـت؛ ولـی بـرای آنکـه هم تصـوّری واضح‌تـر پدیـد آیـد و هـم تصدیـق بـه وجـود رابطـه مطمئن‌تـر باشـد، چند نمونـه از آیـات و روایـات را ذکـر می‌کنیـم کـه بـه ایـن موضـوع مربوط هسـتند:

روابط انسان با خود، به طور کلّی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) روابط شناختی؛

ب) روابط عملی.

«روابـط شـناختی» کـه به معرفت انسـان از خویشـتن و داوری‌هـای او درباره خودش مربـوط می‌شـود، در ادبیـات بـه آن «معرفه‌النّفس» می‌گویند.

قـرآن کریـم در ایـن مورد می‌فرمایـد: «بَلِ الْإِنْسـانُ عَلَـی نَفْسِـهِ بَصیرَهٌ؛ بلکه، انسـان از وضـع خود آگاه اسـت».[1]

حضـرت علـی﵇ می‌فرماینـد: «کَفَـی بِالْمَـرْءِ مَعرفَـه ان یَعْـرِفُ نَفْسَـه وَ کَفَـی بِالْمَرْءِ

[1]. قیامت، آیه۱۴.

جَهْلاً أَنْ يَجْهَلَ عُيُوبَ نَفْسِه؛ در دانش انسان، همین بس که خود را بشناسد و در نادانی وی همین بس که از عیوب خود ناآگاه باشد».[1]

رابطه عملی انسان با خویشتن، همه فعّالیّت‌های او را در برمی‌گیرد؛ یعنی انسان در رابطه با محیط و دیگران، در حقیقت، به رابطه با خودش تحقّق می‌بخشد و در واقع، هر چه با دیگران می‌کند، به خود می‌کند.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ؛ انسان با آنچه انجام می‌دهد یا بر خود ستم می‌کند یا احسان می‌ورزد».[2]

خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها؛ اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود بدی کرده‌اید».[3]

شناخت خود و ارتباط با خویشتن، در واقع، مقدّمه‌ای برای شناخت و ارتباط با خداوند متعال است؛ چنان‌که در روایت آمده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خود را بشناسد، به تحقیق خدای خود را شناخته است».[4] به بیان دیگر، هر کس قدر و منزلت خود را دریابد، به مقدار شناخت خود، از شناخت خداوند بهره‌مند می‌گردد؛ یعنی شناخت خود و شناخت خداوند نه در طولِ هم، بلکه در عرضِ هم هستند.

### ۲- ارتباط با خداوند

هر انسانی، نیازمند به ارتباط با خداوند است. بدون ارتباط با خداوند نمی‌توان به یک زندگی مطلوب و آرام رسید. بخشی از این ارتباط به صورت تکوینی برای انسان و همه موجودات وجود دارد؛ یعنی انسان و همه موجودات عالم با خداوند متعال ارتباطی خاصّ دارند. به‌علاوه، ارتباط دیگری نیز وجود دارد که انسان می‌تواند با خالق خود داشته باشد و از آن بهره‌مند گردد. در این نوع از ارتباط،

[1]. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، فصل ۵۶.
[2]. فاطر، آیه ۳۲.
[3]. اسراء، آیه ۷.
[4]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۳.

فـرد بایـد همـواره بـه فکـر خداونـد باشـد؛ به‌گونـه‌ای کـه حضـور خداونـد را در قلب خـود احسـاس کنـد. قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «فَاذْکُرُونِـی أَذْکُرْکُـمْ؛ مرا یـاد کنید تا شـما را یـاد کنم».[1]

سرچشـمه همـه خوبی‌هـا، خیرهـا، زیبایی‌هـا و روشـنایی‌ها خداسـت و ریشـه همـه بدی‌هـا، شـرارت‌ها، زشـتی‌ها و تاریکی‌هـا غفلـت از خداسـت.[2]هر شـخص، قـوم و ملّتـی بـه انـدازه اتّصـال بـه خـدای متعـال، از او رحمت و برکـت می‌گیرد و بـه اندازه دوری از خداونـد از نعمت‌هـا و موهبت‌هـای خـدای تعالـی محـروم می‌گردد.[3]قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «أَلاَ بِذِکْـرِ اللهِ تَطْمَئِـنُّ الْقُلُـوبُ؛ فقـط بـا یـاد خداونـد، دل‌هـا آرام می‌گیـرد».[4]

طبـق بیـان قـرآن و روایـات، مهم‌تریـن دلیل وجود مسـجد، ذکـر و یاد خداوند اسـت کـه در ایـن مـورد به چنـد آیه و روایت اشـاره می‌شـود:

«فِـی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْـمُهُ یُسَـبِّحُ لَهُ فِیهـا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ*رِجالٌ لا تُلْهِیهِـمْ تِجـارَهٌ وَ لا بَیْـعٌ عَـنْ ذِکْـرِ اللهِ؛ در خانه‌هایـی کـه خـدا رخصت داده اسـت کـه [قـدر و منزلـتِ] آنجـا رفعـت یابـد و نامـش در آنهـا یـاد شـود؛ در آن خانه‌ها هر بامـداد و شـامگاه او را نیایـش می‌کننـد. پاک‌مردانـی کـه هیـچ کسـب و تجارتی آنان را از یـاد خـدا غافـل نمی‌گرداند».[5]

بـر اسـاس آیـه بیـان شـده، یکـی از ویژگی‌هـای مسـجد این اسـت کـه مـکان ذکر و تسـبیح خداونـد متعال اسـت. قرآن کریـم در جایی دیگـر می‌فرماید: «مَسـاجِدُ یُذْکَرُ فِیهَـا اسْـمُ اللهِ کَثِیراً؛ مسـاجد، مکان‌هایی هسـتند کـه در آن نام خداونـد، فراوان ذکر می‌شـود».[6]در روایـات نیـز آمده اسـت که: «بُنِیـتْ المَسـاجِد لِذِکْرِالله وَ الصَـلاه؛ همانا مسـاجد بـرای ذکر و یـاد خداوند و نماز سـاخته شـده‌اند».[7]

---

[1]. بقره، آیه۱۵۲.
[2]. همان، آیه۱۲۴.
[3]. نساء، آیه۷۹.
[4]. رعد، آیه۲۸.
[5]. نور، آیات۳۶ و ۳۷.
[6]. حجّ، آیات۳۹ و ۴۰.
[7]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۳.

### ۳- ارتباط با هم‌نوعان و جامعه

ارتباط با دیگران یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی هر فرد است؛ مثل: ارتباط با افراد خانواده و بستگان یا ارتباط با مدرسه و دانشگاه. مسئله مهم این است که چگونگی این ارتباط، حاصل برآیند دو ارتباط قبلی است؛ یعنی اگر کسی با به‌کارگیری اصول بهداشت روانی به جایگاه ارزشی وجودش پی‌ببرد و ضمن آشنایی از خصوصیّات مثبت و محدودیّت‌های خویش، در ارتباط با خود موفّق شود، می‌تواند در ارتباط با خدا نیز رابطه‌ای آگاهانه و عاشقانه داشته باشد. به طور قطع، چنین فردی در ارتباط با جامعه نیز موفّق است و از آرامش روانی مطلوبی برخوردار خواهد بود. ارتباط با دیگران از چند جنبه ضروری است:

الف) بر اساس بینش اسلامی، یکی از وظایف انسان مؤمن ارتباط با مردم است.

امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند: «خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ وَ إِنْ غِبْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ؛ با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت و آنها را در کارها یاری کنید و از جامعه منزوی نشوید».[۱]

ب) فرد مسلمان در رابطه با دیگران وظیفه‌هایی بر عهده دارد:

«كُلُّكُمْ راعٍ و كُلُّكُمْ مَسؤولٌ عَنْ رَعْيّته؛ همه، نگهبان و مسئول یکدیگر هستید».[۲]

همه باید در انجام این مسئولیّت‌ها تلاش کنند و پشتیبان یکدیگر باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاس؛ شما بهترین امّتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید».[۳]

در اسلام، همه افراد جامعه در برابر یکدیگر حقّ و حقوقی دارند که امام سجّاد علیه‌السلام در رساله حقوق، آنها را بیان فرموده‌اند. ایشان درباره معاشرت با دیگران می‌فرمایند: «كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ صَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَ أَوْسَطَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخ؛ پیران را به منزله پدر خود، کوچک‌ترها را به منزله فرزندان خود و میانسالان را به منزله برادران خود تصوّر کن».[۴]

---

[۱]. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج۸، ص۳۱۴؛ عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۳.
[۲]. مجلسی، بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۸.
[۳]. آل‌عمران، آیه ۱۱۰.
[۴]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۳۰.

مسجد، یکی از بهترین مکان‌ها برای برقراری روابط سالم و سازنده است که در بهداشت روانی انسان نقش اساسی دارد. حضور منظّم و مستمر افراد در مسجد برای اقامه نماز، بین آنها ارتباطی قلبی برقرار می‌کند؛ زیرا همه با هم در برابر یک معبود سجده می‌کنند و از او یاری می‌جویند.

بسیاری از ما نمی‌دانیم چگونه با افراد دیگر ارتباط برقرار کنیم. به همین دلیل، در روابط خود با دیگران دچار مشکل می‌شویم. بسیاری از افراد، همواره علّت اصلی این رابطه ناموفّق را شیوه رفتار دیگری می‌دانند؛ حال آنکه در بسیاری از موارد، مشکل از خود فرد است. اگر ما هنر برقراری ارتباط با دیگران را بیاموزیم و از راز و رمز آن آگاهی یابیم، ارتباط بهتری با دیگران خواهیم داشت و در نتیجه، ما و دیگران، بهداشت روانی مطلوب‌تری خواهیم داشت. در برقراری ارتباط موفّق، چهار عامل مهم وجود دارد:

**الف) مدارا و سازش با دیگران**

یکی از خصوصیّات مهم اخلاقی که در سیره نبوی ﷺ و ائمّه معصوم علیهم‌السلام به آن توصیه شده است و در برقراری ارتباط با دیگران نقش بسیار مهمّی دارد، مدارا نمودن و سازش با دیگران است؛ یعنی انسان در رفتار و گفتار خود، انعطاف‌پذیر و نرم‌خو باشد. در این زمینه، به یک آیه و چند روایت اشاره می‌شود:

خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام در برخورد با فرعون می‌فرماید: «اذْهَبا إِلی فِرْعَوْنَ إِنَّه طَغی*فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَیِّناً لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشی؛ ای موسی، با برادرت به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. با او به نرمی سخن گویید؛ شاید پند گیرد یا بترسد».[1]

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «أَمَرَنی رَبّی بِمُدَارَاهِ النَّاسِ کَمَا أَمَرَنی بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ خداوند مرا به سازش با مردم توصیه کرده است؛ همان‌طور که به ادای واجبات سفارش کرده است».[2]

---

[1]. طه، آیه۴۴.

[2]. العاملی، الحر، وسائل‌الشیعه، ج۱۲، ص۲۰۲.

آن حضـرت در روایـت دیگـر می‌فرماینـد: «مُـدَارَاهُ النَّـاسِ نِصْـفُ الْإِیمَـانِ؛ نرمـی و سـازش بـا مـردم، نصـف ایمان اسـت».[1]

**ب) تواضع و فروتنی**

یکـی دیگـر از عوامـل مهـم در ایجـاد رابطـه موفّـق، فروتنـی در برابـر دیگران اسـت. خداونـد، نبـیّ اکـرم ﷺ را بـه تواضع امـر می‌کنـد: «وَاخْفِـضْ جَنَاحَـکَ لِمَـنِ اتَّبَعَکَ مِـنَ الْمُؤْمِنِیـنَ؛ ای پیامبـر مؤمنانـی را کـه از تو پیـروی می‌کنند دور خـود جمع کن و پـر و بـال لطـف و رحمـت و تواضـع را برای ایشـان بگُسـتران».[2]

پیامبـر اکـرم ﷺ در جـای دیگری فرمودند: «هـر گاه تواضع‌کنندگان امّـت مرا دیدید، شـما هـم در برابـر آنـان تواضـع کنیـد و در برابـر متکبّران تکبّـر کنید تا ذلّـت آنان را باعث شـود».[3]

مسـجد در پـرورش خـوی فروتنـی افـراد نقش مهمّـی دارد؛ زیـرا مسـجد، جایگاه حضـور اقشـار گوناگـون از جملـه ضعیفـان و مسـتمندان اسـت و بـه طـور معمـول، آنهایـی کـه با فقیران جامعه همنشـینی دارنـد از منش‌های تکبّرآمیز به دور هسـتند.

**ج) احترام به شخصیّت افراد**

خـود دوسـتی، فطـری اسـت و هـر کـس بـه طـور غریـزی بـه خـودش احتـرام می‌گـذارد و بـرای خـودش ارزش ویـژه‌ای قائـل اسـت؛ از ایـن‌رو، کسـی در برقـراری ارتبـاط خـوب موفّق‌تر اسـت کـه به دیگران نیـز احترام بگـذارد که نتیجـه آن چیزی نیسـت، جـز احتـرام متقابـل و برقـراری رابطـه دوسـتانه. سـیره معصومـان علیهم‌السلام نیـز چنیـن بـوده اسـت و آنهـا در برخـورد با افـراد و حتّـی مخالفان خـود با احتـرام رفتار می‌کردنـد. ایـن روش آنـان، در بسـیاری از مـوارد، آگاهـی طرف مقابـل و هدایت او را موجـب می‌شـد. وقتـی جـوان، نوجـوان یـا کودکی به مسـجد می‌آیـد، اگـر همه اهل مسـجد (اعـمّ از امـام جماعـت، مؤمنـان، خادم و سـایر افـراد) بـه او احتـرام بگذارند،

[1]. همان.
[2]. شعراء، آیه۲۱۵.
[3]. فیض کاشانی، محجّهالبیضاء، ج۳، ص۳۴۶.

او احساس بزرگی و شخصیّت می‌کند. با چنین کاری نه تنها زمینه جذب او به مسجد را فراهم آورده‌ایم، بلکه زمینه مناسبی برای آرامش مجموعه افراد حاضر در مسجد ایجاد کرده‌ایم. امام باقر(ع) می‌فرمایند: «کودکانی را که در نماز جماعت شرکت می‌کنند از صف نماز جماعت خارج نکنید؛ بلکه آنان را (در میان بزرگسالان) پراکنده سازید».[1]

**د) ابراز محبّت صادقانه**

یکی از نیازهای روانی انسان، نیاز به محبّت است. این نیاز ابتدا با کمک پدر و مادر و سپس در تعامل با برادر، خواهر، خویشان، همسالان و دیگران که فرد با آنها ارتباط دارد، تأمین می‌گردد. در آموزه‌های اسلامی، به دوستی با برادران دینی سفارش زیادی شده است؛ تا حدّی که دوست داشتن برادران دینی جزء دینِ انسان شمرده شده است.[2] همچنین، سفارش شده است که محبّت خود را به برادر دینی‌مان ابراز کنیم.[3] اگر ابراز محبّت و دوستی با دیگران همراه با عمل انسان باشد، تأثیر آن بیشتر خواهد بود؛ برای مثال، با سلام، دست‌دادن و چهره‌ای متبسّم با دیگران رو به رو شویم و هنگام مشکلات به دیگران کمک کنیم .

یکی از مهم‌ترین آثار محبّت، تقویّت بهداشت روانی برای افراد است و سیره ائمّه معصوم(ع) که اُسوه و اُلگوی[4] ما هستند، چنین بوده است. وقتی کودکان و نوجوانان به مسجد می‌آمدند، پیامبر اکرم(ص) از آنان استقبال می‌کردند و به آنها احترام می‌گذاشتند. روزی، آن حضرت با اینکه بر بالای منبر نشسته بودند و برای مردم سخن می‌گفتند؛ همین که دیدند امام حسن و امام حسین(ع) وارد مسجد شدند، از منبر پایین آمدند و به استقبال آن دو بزرگوار رفتند.[5]

اگر امام جماعت، خادم و نمازگزاران مسجد به‌گونه‌ای رفتار کنند که چهار

---

[1]. شیخ طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج۲، ص۳۸۰.
[2]. شیخ صدوق، خصال، ح۱۴۶۷.
[3]. راوندی، نوادر، ص۱۲، ح۵۰۹.
[4]. ممتحنه، آیه۴.
[5]. سجستانی ابی‌داوود، سنن ابی داوود، باب ۲۲۵.

ویژگـی مطـرح شـده را رعایـت کننـد، یعنـی در گفتـار و رفتـار اهـل مـدارا باشـند و بـه همـگان احتـرام بگذارنـد و بـا محبّـت بـا دیگـران رفتـار کنند، مسـجد بـه مکانی مناسـب بـرای آرامـش و آسـایش روحـی افـراد تبدیـل خواهد شـد.

## » بخش دوم: مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در مسجد

برای تبیین تأثیر مسجد و نقش آن در فراهم‌شدن ارتباطات مناسب و در نتیجه بهداشت روانی، باید عوامل مهم بهداشت روانی در مسجد را توضیح دهیم:

### ۱- مناجات با خداوند

یکی از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی، راز و نیاز با خداوند بی‌نیاز است. از دیدگاه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، نیایش، نگرش مثبت به زندگی و کاهش ناهنجاری‌ها را موجب می‌گردد. هر کسی دست‌کم برای لحظه‌هایی، در این جهان پرازدحام، احساس غربت می‌کند. گاهی اوقات، هیچ همدمی نمی‌تواند غربت آدمی را برطرف کند؛ مگر نیایش با آفریدگار مهربان. در هیچ‌یک از فعّالیّت‌های روانی انسان، پدیده‌ای وجود ندارد که از نیایش عمیق‌تر باشد. نیایش، هوش و عقل آدمی را می‌شوراند و این شورش، چنان عظیم است که نه تنها درون ما را از آلودگی‌ها پاک می‌کند، بلکه در حالت نیایش، احساس می‌کنیم روح ما که با گسترش بر همه هستی، روزگار هجرانش سر آمده، با ورود به جذبه کمال الهی به آرامش نهایی رسیده است.[۱]

خداوند متعال، در قرآن مجید، با مهرآمیزترین سخنان، انسان‌ها را به نیایش دعوت کرده است: «وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجیبُوا لی وَ لْیُؤْمِنُوا بی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُون؛ چون بندگان من از تو درباره من بپرسند، [بگو] همانا من [به آنها] نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس آنها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».[۲]

با بررسی سیره عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه معصوم علیهم‌السلام می‌بینیم که آنان به نیایش و رازونیاز با خداوند اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و پیروان خود را نیز به ارتباط مستمر با خداوند سفارش می‌کردند. راز و نیاز با خداوند مصداق‌های

---

[۱]. نیایش امام حسین علیه‌السلام در صحرای عرفان، ص۷۰.
[۲]. بقره، آیه۱۸۶.

فراوانـی دارد؛ مثـل نمـاز، دعا، اعتـکاف و... . در ایـن مورد، چند روایـت ذکر می‌کنیم:

پیامبـر اکـرم ﷺ در روایتـی می‌فرماینـد: «هـر گاه بـه مسـجد وارد می‌شـوید ننشـینید؛ مگـر آنکـه دو رکعـت نمـاز بگزاریـد و بعـد از آن، خداونـد را بخوانیـد و بـر پیامبـر او و خاندانـش درود بفرسـتید؛ بـه درگاه خداونـد دعا کنید و نیاز خـود را از او بخواهید».[1]

پیامبر اکرم ﷺ در هنگام رویارویی با سختی‌ها به نماز پناه می‌برد.[2]

امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرماینـد: «هـرگاه حاجتـی از خداونـد دارم، هنـگام ظهر برای دعا به مسـجد مـی‌روم».[3]

امـام صـادق علیه‌السلام در شـبی از شـب‌های قدر بـا آنکه به شـدّت بیمار بود، دسـتور داد وی را بـه مسـجد ببرنـد تا در خانه خـدا به دعا و عبـادت بپردازد.[4]

حضـرت علـی علیه‌السلام در موقیّعت‌هـای مهـم و دشـوار بـه نمـاز پناه می‌بـرد و ایـن آیه را تـلاوت می‌فرمودنـد: «وَ اسْـتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاه؛ از شـکیبایی و نماز یاری بجوئید».[5]

امـام صـادق علیه‌السلام بـه اصحابـش سـفارش می‌فرمودنـد: «چـرا در هنـگام غـم و انـدوه وضـو نمی‌گیریـد، بـه مسـجد نمی‌رویـد و بـرای رفـع انـدوه، دو رکعـت نمـاز نمی‌خوانیـد؟! مگـر نشـنیده‌اید کـه خداوند فرموده اسـت: «از شـکیبایی و روزه و نماز یـاری بجوئید».[6]

رابطـه عاطفـی کـه بـا راز و نیـاز بین انسـان و خداوند برقـرار می‌شـود، روح و روان آدمـی را تقویّـت می‌کنـد و موجـب آرامـش وی می‌گـردد. مسـجد، زیارتـگاه انسـان بـا خداسـت. کسـی کـه بـه مسـجد مـی‌رود زائـر و مهمـان خداسـت. خداونـد از زائر خـود، بـه بهتریـن وجـه پذیرایـی می‌کنـد. امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «بر شـما باد کـه بـه مسـجدها بیاییـد؛ آنهـا خانه‌هـای خـدا در زمیـن هسـتند و هـر کـس پاکیزه بـه مسـجد بیایـد، خداونـد گناهانـش را پـاک می‌گرداند و نـام او در زمـره زائران خود

---

[1]. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، ص۱۴۴.
[2]. مجلسی، بحارالانوار، ج۸، ص۱۱۶.
[3]. همان، ج۴۷، ص۳۴۷.
[4]. عاملی، الحر، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۵۳، ح۸۷.
[5]. بقره، آیه۱۵۳.
[6]. مجلسی، بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۹۲.

می‌نویسد».[1]

در روایت دیگری چنین آمده است: «خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود وضو می‌گیرد و سپس مرا در خانه‌ام زیارت می‌کند؛ بی‌گمان، زیارت‌شونده زائر خود را بزرگ می‌شمارد و او را مورد لطف خود قرار می‌دهد».[2]

ارتباط با خداوند مهربان، در هر مکان و زمان، آرامش و بهداشت روان انسان را موجب می‌گردد؛ امّا بهترین و مؤثّرترین مکان برای ارتباط صمیمانه، عاشقانه و آگاهانه، خانه دوست، یعنی مسجد، است؛ زیرا مسجد یک مرکز ویژه برای ارتباط انسان با خداست.

## ۲- دوست‌داشتن خود و دیگران

یکی دیگر از عوامل بهداشت روانی، دوست داشتن خود و داشتن نگرش مثبت به خود و دیگران است. کسی که خود را دوست نداشته باشد، نمی‌تواند دیگران را دوست بدارد و نگرش مثبتی به دیگران داشته باشد. بنابراین، یکی از نیازهای روانی انسان، نیاز به محبّت است که همواره به آن نیاز دارد.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ قَلْبُ الظَّمْآنِ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛ به درستی که انسان مؤمن با برادر مؤمنش آرامش می‌یابد؛ چنان‌که قلب تشنه با آب خنک آرامش می‌یابد».[3]

در دین اسلام، بر مسئله دوستی و محبّت تأکید فراوان شده است و دوستی با مؤمنان از ضروریات ایمان شمرده می‌شود؛ چنان‌که نبیّ اکرم ﷺ فرمودند: «به بهشت وارد نخواهید شد، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نخواهید آورد، مگر آنکه یکدیگر را دوست بدارید».[4]

آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: «خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: محبوب‌ترین بندگان نزد من کسانی هستند که برای من با یکدیگر دوستی

---

[1]. شیخ کلینی، کافی، ج۲، ص۴۷۷، ح۷.
[2]. عاملی، حرّ، وسائل الشّیعه، ج۱، ص۲۶۸، باب۱۰ از ابواب وضو، ح۵.
[3]. مجلسی، بحارالانوار، ج۷۶، ص۲۸۰.
[4]. قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج۱، ص۹۳-۷۴، ح۲۷۰.

می‌کننـد، دل‌هایشـان بـه مسـاجد پیوسـته اسـت و سـحرگاهان بـه اسـتغفار مشـغول‌اند».[1]

هـر انسـانی دوسـت دارد مـورد احتـرام و محبّت قرار گیـرد و مؤثّرتریـن عاملی که موجـب دوسـتی می‌شـود، محبّـت بـه دیگـران و هم‌نوعان اسـت؛ به خصـوص محبّت بـه مؤمنـان. مسـجد جایـگاه تجمّـع انسـان‌های صالـح اسـت. از ایـن‌رو، هر مسـلمان بایـد دوسـتان صمیمـی و بـرادران ایمانـی خـود را از میـان مسـجدیان برگزینـد. بـه دلیـل صفـات نیکـی کـه در قـرآن و احادیـث در مقـام اهل مسـجد ذکر شـده اسـت، نبایـد نقـش مسـجد، کـم اهمیّـت تلقّـی شـود؛ زیـرا نقش دوسـت خوب در سـعادت انسـان، نقشـی ممتاز اسـت و مسـجد سرشـار از انسـان‌های نیک اسـت.

## ۳- نظم و سازمان‌دهی در زندگی

سـوّمین نقـش مسـجد در ایجـاد بهداشـت روانـی، برقـراری نظـم و هماهنگی در زندگـی اسـت. نظـم، از نیازهـای روانـی انسـان اسـت و هـر کسـی میـل دارد زندگی خصوصـی و جمعـی خـود را بـر اسـاس نظمـی مشـخّص تنظیـم کنـد. بی‌نظمـی، بر خـلاف «طبیعـت انسـان» اسـت. جهـان هسـتی، بـر اسـاس نظم اسـتوار اسـت. همه چیـز در جهـان، هماهنـگ اسـت و تخلّـف و انحـراف از نظـم، اختـلال و آشـفتگی را موجـب می‌گـردد. پیروی از نظم هسـتی، آرامش، اعتدال و سـلامت را بـه دنبال دارد. بـه همیـن دلیـل، هـر کسـی از بی‌نظمی و آشـفتگی رویگردان اسـت؛ زیـرا بی‌نظمی، پریشـانی روان انسـان را موجـب می‌گردد. در قـرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام بر مسـئله نظـم، تأکیـدی زیـادی شـده اسـت. در ایـن خصـوص، یـک آیـه و چنـد روایـت ذکر می‌شـود:

خداونـد متعـال در قـرآن بـه اقامـه نمـاز در وقـت خاصّـش سـفارش فرمـوده اسـت: «حافِظُـوا عَلَـی الصَّلَـواتِ؛ بـر اوقـات نمازهـا مراقبـت کنیـد».[2]

حضـرت علـی علیه‌السلام در آخریـن وصیّـت بـه فرزندانـش، بعـد از امـر بـه رعایـت تقـوا و

[1]. طبرسی رضی‌الدّین، مکارم اخلاق، ج۲، ص۳۷۵.
[2]. بقره، آیه۲۳۸.

پرهیزکاری، می‌فرمایند: «أُوصِیکُمَا وَ جَمِیعَ وُلْدِی وَ أَهْلِی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتَابِی بِتَقْوَی اللهِ وَ نَظْمِ أَمْرِکُمْ؛ شما همه فرزندان و هر کس که نامه‌ام به او می‌رسد را به ترس از خدا و نظم در کارها سفارش می‌کنم».[1]

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند: «انسان مؤمن باید اوقات شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی از آن را برای مناجات با خداوند، بخشی را برای تأمین معاش و اصلاح زندگی و بخش سوّم را برای بهره‌بردن از لذّت‌های حلال قرار دهد».[2]

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «إجتهدوا فی اَن یکون زمانکم اربعَ ساعاتٍ: ساعةٌ لمناجاهِ الله و ساعةٌ لامرار معاشٍ و ساعةٌ لِمعاشرهِ الاخوانِ و الثُقّات الذینِ یَعرفونَکم عُیوبَکم و یَخلصونَ لَکم فی الباطنِ و ساعةٌ تخلونُ فیها للذّاتِکم فی غیر محرَّمٍ و بهذهِ الساعهِ تقدرونَ علی الثلاثِ ساعاتٍ...؛ بکوشید تا فرصت‌های بیداری خویشتن را به چند بخش تقسیم کنید و از آنها برای ساختن دنیا و آخرت خود با کار و تلاش بهره گیرید:

الف) بخشی را برای راز و نیاز با خدا و رابطه عاشقانه با او؛

ب) بخشی را برای کار و تلاش و تأمین هزینه زندگی و ساختن اقتصاد سالم و پاینده؛

ج) بخشی را برای همراهی و همنشینی با انسان‌های مورد اعتماد؛ با کسانی که اندیشه و عملکرد شما را آگاهانه و خالصانه مورد نقد قرار می‌دهند و کاستی‌ها را می‌گویند و در نهان و آشکار به شما اخلاص و صفا می‌ورزند.

د) آخرین بخش را نیز برای تفریح و لذّت‌های سالم قرار دهید که این بخش به شما نشاط و طراوت می‌بخشد و شما را برای انجام وظایف و عمل به برنامه روزانه نیز نیرو و توان می‌دهد».[3]

درباره نظم در مسجد، روایاتی وارده شده است که به یک مورد اشاره می‌شود:

امام صادق علیه‌السلام در روایتی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَقِیمُوا

---

[1]. دشتی، محمّد، نهج‌البلاغه، خ۱۵۷، ص۴۹۹.

[2]. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص۱۲۴۱.

[3]. حرّانی، حسین‌بن‌شعبه، تحف‌العقول، ص۳۹۴.

صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ أَلَا وَ إِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ خَلْفِي...؛ صف‌هایتان را منظّم کنید و شانه‌ها را به هم متّصل کنید تا میان شما فاصله‌ای نباشد. نامنظّم نایستید، در غیر این صورت، خداوند دل‌هایتان را با هم ناهماهنگ خواهد کرد...».[1]

شاید این سخن پیامبر ﷺ که در احادیث فراوان دیگری نیز مکرّر بیان شده است،[2] به نکته‌ای روانی اشاره دارد که همان تأثیر نظم و انضباط، در وحدت و هماهنگی است. بپا داشتن نماز در صف‌هایی منظّم و آراسته و با شانه‌های به‌هم پیوسته که بیشتر اوقات در مسجد و به جماعت برگزار می‌شود، علاوه برآنکه شیاطین را افسرده و ناامید می‌کند، دل‌های مؤمنان نمازگزار را با یکدیگر مهربان می‌کند و به آنان رنگ وحدت و همدلی می‌بخشد.[3]

## ۴- وحدت و همدلی

همدلی و وحدت، از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی است که بسیاری از مشکلات را حلّ می‌کند؛ زیرا یکی از پایه‌های اساسی حلّ مشکلات روحی انسان، همدلی و تعاون است. اگر دو یا چند نفر با یکدیگر همدل و هم‌نظر شوند، می‌توانند با آرامش بیشتری با یکدیگر زندگی کنند. پایه همه ادیان الهی، بر وحدت استوار است. دین مقدّس اسلام، بیش از دیگر دین‌ها به مسئله وحدت سفارش کرده است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بحبلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا؛ به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرّق نشوید».[4]

حضرت علی ؑ می‌فرمایند: «إِنَ النُّفُوسَ إِذَا تَنَاسَبَتْ ائْتَلَفَتْ؛ افراد بشر به هنگام تناسب فکری، با هم الفت پیدا می‌کنند».[5]

در روایت دیگر آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ؛ با یکدیگر رفت‌وآمد کنید و با هم سخاوتمند باشید و از جدایی و پشت کردن

---

[1]. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۴۷۲، از ابواب صلاه الجماعه، روایت۴؛ همان منبع، ج۸، ص۴۲۴.
[2]. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۴۷۲، ابواب صلاه الجماعه.
[3]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۲۵۱.
[4]. آل‌عمران، آیه۱۰۳.
[5]. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص۴۳۴، ح۹۷۱۴.

به یکدیگر بپرهیزید».[1]

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنَانِ كَالْيَدَيْنِ يُغْسَلُ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى؛ انسان‌های مؤمن همانند دو دست هستند که در شستشو، هر دو به یکدیگر نیاز دارند».[2]

یکی از برکت‌های حضور در مسجد، همکاری است که از عوامل وحدت‌آفرین و استحکام‌بخش جامعه به شمار می‌رود و در نماز جماعت، بیش از سایر عبادت‌ها، به چشم می‌خورد. در نماز جماعت، مراعات حقوق دیگران، یاری‌رساندن به آنها و رسیدگی به مشکلات برادران دینی مطرح می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «به هم بپیوندید و به هم نیکی و مهربانی کنید».[3]

## ۵- توکّل

توکّل، یکی دیگر از عوامل بهداشت روانی جامعه است. توکّل، یعنی اعتماد به خداوند و واگذاری کارها به او؛ البتّه در کنار تلاش و حرکت انسان. تکیه کردن بر آنچه ناپایدار است به انسان احساس ناپایداری می‌دهد و آن‌که بر زمین سست ایستاده است، نمی‌تواند گام‌های استوار بردارد. کسی که پشتوانه‌ای همچون خداوند دانا و توانا دارد، به‌راحتی دچار مشکل روحی نمی‌شود و احساس بی‌پناهی نمی‌کند. توصیه قرآن به مؤمنان این است که بر خداوند توکّل کنند و از او یاری بخواهند تا همواره در آرامش به سر ببرند. توکّل بر خداوند سبب افزایش مقاومت انسان در برابر مشکلات و پرورش روحیّه خودباوری و اعتمادبه‌نفس انسان می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ کسی که بر خداوند اعتماد کند، خداوند برای او کافی است».[4] خداوند متعال، نصرت مؤمنان را حقّی بر عهده خود قرار داده است؛[5] از این‌رو، اگر ما به او توکّل و اعتماد کنیم، همواره ما را یاری خواهد کرد و این، آرامش روحی و روانی ما را موجب خواهد شد. البتّه، چنان‌که اشاره شد، توکّل باید با تلاش

[1]. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج۹، ص۴۹؛ مجلسی، بحارالأنوار، ج۴۲، ص۲۵۶.
[2]. همان، ج۹، ص۴۹.
[3]. شیخ کلینی، اصول کافی، ج۳، ص۲۶۹۰.
[4]. طلاق، آیه۳.
[5]. همان.

و حرکت انسان همراه باشد. بنابراین، در روایت، توکّلِ بدون تلاش مذمّت شده است. حضرت علی(ع) از گروهی که در عین برخورداری از سلامت جسمی، به جای تلاش و طلب معاش، در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند، پرسیدند: «شما چه کسانی هستید؟ جواب دادند ما توکّل‌کنندگان بر خدائیم. حضرت فرمودند: شما سربار اجتماع هستید که از دسترنج دیگران روزی می‌خورید».[1]

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «...مَیْمُونٌ أَهْلُهَا... مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ وَ اللهُ فِی حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِی مَسَاجِدِهِمْ وَ اللهُ مِنْ وَرَائِهِمْ؛ اهالی مسجد مبارکند؛ آنها محفوظ هستند؛ وقتی اهل مسجد در حال نماز خواندن هستند، خداوند نیازهای آنان را برآورده می‌کند و مُشْرف بر آنهاست».[2]

در پایان این بخش، باید گفت که عوامل بهداشت روانی در مسجد، مصادیق زیادی دارد که بخشی از مهم‌ترین آنها بیان شد؛ امّا به طور کلّی می‌توان گفت بسیاری از اعمال مستحبّی مسجد از عوامل بهداشت روانی هستند که برخی از آنها مربوط به امام جماعت و برخی دیگر مربوط به آن دسته از مأمومین است که به مسجد رفت‌وآمد دارند؛ به عنوان مثال: خواندن بعضی دعاها هنگام ورود به مسجد و خروج از آن؛[3] پوشیدن لباس پاکیزه و شایسته؛[4] خوشبوکردن خود[5] و مسجد؛[6] روشن کردن چراغ در مسجد؛[7] نظافت مسجد[8] و نظافت پاها و کفش‌ها قبل از ورود به مسجد؛[9] خواندن نمازهای یومیّه در مسجد؛ فاصله‌نیانداختن بین کسانی که در صف نماز جماعت ایستاده‌اند؛ رعایت نظم در صف‌های نماز جماعت؛ خواندن نماز جماعت برای کسی که قبل از برپایی نماز جماعت نمازش را فُرادا خوانده است. همه این موارد[10] در یک هدف با هم اشتراک دارند و آن اینکه

---

[1]. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۲۲۰، ح۱۲۷۹۸.
[2]. همان.
[3]. شیخ کلینی، اصول کافی، ج۳، ص۳۰۹. ح۲.
[4]. همان، ج۶، ص۴۸۹، ح۷.
[5]. همان، ص۵۱۷، ح۵.
[6]. متقی، هندی، کنزالعمّال، ج۷، ص۶۵۸، ح۲۰۷۸۱.
[7]. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۸۵.
[8]. عاملی، حرّ، وسائل‌الشّیعه، ح۵، ص۲۳۹.
[9]. شیخ طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج۳، ص۲۵۵، ح۲۹.
[10]. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، ص۲۳۹.

همگـی آنهـا بی‌شـکّ در فراهـم‌آوردن بهداشـت روانی افراد در مسـجد مؤثّر هسـتند؛ زیـرا ذکـر خدا در دعاهای مسـجد، توجّه و ارتباط بیشـتر انسـان با خداونـد را موجب می‌گـردد. در نتیجـه، بهداشـت روان انسـان تأمیـن می‌شـود. همچنیـن، پوشـیدن لبـاس پاکیـزه و خوشـبو، عـلاوه بر ایجـاد جذّابیّـت، آرامش روانی انسـان را بـه دنبال دارد و شـرکت در نمـاز جماعـت و رعایـت نظـم در صفـوف، اتّحاد و همبسـتگی افراد را موجـب می‌شـود.

## » بخش سوّم: آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد

هدف از آسیب‌شناسی بهداشت روانی مسجد دو چیز است:

۱. شناخت آسیب‌ها و پیشگیری از وقوع آنها در مسجد؛

۲. راهکارهای برطرف‌کردن آسیب‌ها.

در این بخش، در پی این هستیم تا مهم‌ترین آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد را بیان کنیم. اگرچه در ضمن بحث از آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد، بسیاری از راهکارها نیز روشن می‌گردد؛ امّا چون هر دو قسمت به تفصیل بیشتری نیاز دارد و تحقیق مستقلی را می‌طلبد، فقط به قسمت نخست می‌پردازیم.

چنان‌که در بخش نخست بیان شد، پایه بهداشت روانی در انسان، تنظیم و متعادل نمودن ارتباط انسان با خود، خداوند و هم‌نوعان است؛ امّا آنچه بهداشت روانی در مسجد را در معرض آسیب قرار می‌دهد، عوامل فراوانی است که در منابع اسلامی بیش از شصت مورد آن با عنوان مکروهات و محرّمات مسجد ذکر شده است. همه این موارد، در یک نکته مشترک هستند و آن نکته این است که همه آنها به نوعی در ارتباطات سه‌گانه و آرامش روحی و روانی انسان اختلال ایجاد می‌کنند. یکی از خصوصیّات مهم مسجد، سکوت و فضای آرام‌بخش آن است که ویژگی ظاهری و معنوی آن، با ورود به مسجد احساس می‌شود. بنابراین، هر امری که فضای آرام‌بخش مسجد را برهم زند، مصداق آسیب بهداشت روانی مسجد خواهد بود.

علاوه بر این ویژگی، در اسلام، بر بهداشت فردی و اجتماعی و حضور با طهارت در مسجد تأکید زیادی شده است. همه این دستورها با بهداشت روان انسان ارتباط محکمی دارد و عدم رعایت آنها به بهداشت روانی او آسیب می‌رساند. اسلام، پیوند طهارت ظاهر و باطن را ناگسستنی می‌داند و برای بهداشت مسجد حکم‌های زیادی وضع کرده است. آدمی در محیطی پاکیزه قدرت و زیبایی الهی را نیکوتر می‌بیند و روح خویش را راحت‌تر به زلال طهارت باطنی می‌سپارد. مسجدی که همواره تمیز و معطّر است، برای انسان جذّاب‌تر است. در چنین

مکانـی، نمازگـزار بهتـر می‌توانـد بـه عبـادت با خدای خـود بپـردازد و با خالـق خود، ارتباط بهتری داشـته باشـد.

بـا جمع‌بنـدی کلّـی آیـات و روایاتی کـه درباره مکروهـات و محرّمات مسـجد بیان شـد، می‌تـوان حکمـتِ حرمـت و کراهت ایـن امـور را در چند مورد خلاصـه نمود:

۱. انجـام برخـی از ایـن امـور، غفلـت از یـاد خداونـد را موجـب می‌شـود و با هدف حضـور در مسـجد، منافـات دارد؛ زیـرا مسـجد خانـه یـاد خداسـت.[۱] به همیـن دلیل، روایـات بـه مـا دسـتور می‌دهند نباید در مسـجد درباره مسـائل مـادّی و دنیوی،[۲] مثل خریـد و فروش[۳] صحبـت کـرد؛ زیـرا فراموش کـردن خـدا و اخلال در کارکرد مسـجد را باعـث می‌شـود.

۲. انجـام برخـی از ایـن امـور، آزار و اذیّـت دیگـران و ضایـع کـردن حقـوق آنهـا را موجـب می‌شـود؛ در روایـات، انجـام امـوری ماننـد: بلند سـخن گفتن،[۴] حضـور یافتن بـا دهـان بدبو،[۵] غصـب کـردن جـای دیگـران،[۶] اعـلان نمودن گمشـده[۷] و... در مسـجد نهی شـده اسـت.

۳. بعضـی از امـور نهـی شـده، مـواردی هسـتند کـه تصویـری ناخوشـایند و همراه بـا غـم و انـدوه از مسـجد در ذهـن افـراد می‌سـازند؛ در روایات، انجـام امـوری مانند: نمـاز خوانـدن بـر میّت،[۸] غسـل دادن میّت، گدایی کـردن، اجرای حـدود و قصاص[۹] و... در مسـاجد نهی شـده اسـت. برگزاری مجلس ترحیم در مسـجد نیز یکی از مصادیق بـارز ایـن امـور اسـت که اکنـون در جامعه ما مرسـوم اسـت. همه ایـن مـوارد، تنفّر و دوری افـراد، بـه خصـوص جوانـان و نوجوانان، از مسـجد به دنبـال دارد؛ زیرا تصویری نامطلـوب از مسـجد در ذهـن می‌سـازند کـه بـر بهداشـت روحـی و روانی افـراد تأثیر

---

۱. بقره، آیه۱۱۴.
۲. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۲۱۴.
۳. همان، ص۲۳۳.
۴. همدانی، مصباح الفقیه، ج۲، ص۷۰۷.
۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج۶، ص۳۷۴.
۶. بهائی، محمّدبن‌حسین عاملی، العروه الوثقی، ج۱، فصل فی مکان المصلی، ص۵۷۴- ۵۷۵.
۷. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۲۳۶.
۸. شیخ کلینی، اصول کافی، ج۳، ص۱۸۲.
۹. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۳، ص۵۰۷، باب ۲۷.

منفی می‌گذارد.

۴. برخی از این موارد که از محرّمات مسجد است، با طهارت و قداست معنوی مسجد ناسازگار است و هتک حرمت و از بین رفتن طهارت مسجد را موجب می‌گردد؛ مثل: ورود مشرکان،[۱] نجس کردن مسجد،[۲] به‌همراه بردن اشیاء نجس،[۳] حضور در مسجد با حالت جنابت، حیض، نفاس.[۴] بدون تردید، رعایت نکردن آنها علاوه بر این که سبب هتک حرمت مسجد می‌گردد، بر آرامش روحی و بهداشت روانی انسان نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

[۱]. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۷۸ و ۳۸۱.
[۲]. بهائی، محمّدبن‌حسین عاملی، العروه‌الوثقی، ج۱، ص۸۵.
[۳]. عاملی، حرّ، وسائل‌الشیعه، ج۵، ص۲۲۹، ح۶۴۱۰.
[۴]. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۷۱، ح۲۵.

## » نتایج تحقیق

مسجد، کارکردها و ابعاد مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین آنها، نقش مسجد در بهداشت روانی انسان است که می‌توان دلایل زیر را برای آن بیان کرد:

۱. مسجد، اوّلین پایگاه و مرکز عبادی مسلمانان و بهترین مکان برای ارتباط با خالق مهربان هستی است؛ زیرا همه شرایط برقراری ارتباط خوب و قوی در آن مهیّا است.

۲. مسجد، مهم‌ترین محلّ تجمع مسلمانان و سالم‌ترین مکان برای رفت‌وآمد و معاشرت با دیگران است؛ زیرا خانه خدا بر روی زمین[۱] است و قداست معنوی خاصّی دارد. بنابراین، کسانی که به مسجد رفت‌وآمد بیشتری می‌کنند، مورد لطف و توجّه ویژه خداوند هستند و یکی از مهم‌ترین برکت‌های آن، آرامش روح و بهداشت روان انسان است.

۳. بنا بر اتّفاق‌نظر روان‌شناسان، یکی از عوامل مهم در تحقّق بهداشت روانی انسان، فضا و محیط است. مسجد به دلیل دارا بودن سکون و سکوت خاصّ معنوی و برخورداری از عوامل دیگری، مانند معماری هدفمند و کاربرد رنگ‌های آرامش‌بخش، در بهداشت روان انسان نقش مهمّی دارد.

۴. بهداشت روان انسان، مانند بهداشت جسم، در معرض آسیب‌های زیادی است که مهم‌ترین آنها در عصر حاضر عبارت‌اند از:

الف) عواملی مانند تزئین غیرضروری و صرف هزینه‌های هنگفت زیباسازی مسجد، در بیشتر موارد، کاهش معنویّت، غفلت انسان از توجّه به خدا و یاد خداوند و اختلال در ارتباط با خالق هستی را موجب می‌شود.

[۱]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص۳۱۸، ح۱.

ب) رعایت بهداشت ظاهری که مقدّمه بهداشت معنوی و روحی در مسجد است، اهمیّت فراوانی دارد و آرامش روحی و روانی انسان را موجب می‌شود و عدم رعایت آن، بهداشت جسمی و روحی انسان را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

نکته پایانی اینکه مسجد می‌تواند در تقویّت، اصلاح و تنظیم روابط سه‌گانه، نقشی بسیار مهم داشته باشد که نتیجه آن، تحقّق بهداشت روان انسان است. البتّه، باید آسیب‌ها را شناخت و برای برطرف‌کردن آن تلاش نمود.

## » منابع و مآخذ:


» قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، ۱۳۸۰هـ.ش.
» دشتی، محمّد، نهج‌البلاغه، مؤسّسه تحقیقاتی امیرالمؤمنان علیه‌السلام، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» فاضل، جواد، صحیفه سجّادیه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰ هـ.ش.
» حسینی، دکترابوالقاسم، اصول بهداشت روان، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» کلینی، محمّدبن‌یعقوب، اصول کافی، ترجمه باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳۰ هـ.ق.
» میلانی فر، دکتر بهروز، بهداشت روانی، نشر قومس، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
» طباطبایی، سیّد محمّدحسین، تفسیرالمیزان، قم، نشر جامعه مدرّسین، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» طوسی، محمّدحسن، تهذیب الأحکام، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» عبداللهی، دکتر محمّدباقر، جان عبادات، نشر فارس الحجاز، ۱۳۸۷ هـ.ش.
» شیخ صدوق، الخصال، قم، نشر جامعه مدرّسین، ۱۳۶۱ هـ.ش.
» رابرت بولتون، روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه حمیدرضا سهرابی، ۱۳۸۶ هـ.ش.
» انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سفینه البحار، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» سجستانی ابی‌داوود، سنن ابی‌داوود، بیروت، دارالاحیاء السنه النبوبه، چاپ ششم، ۱۳۰۲ هـ.ق.
» نوبهار، عبدالرحیم، قم، سیمای مسجد، ۱۳۷۲ هـ.ش.
» قشیری نیشابوری، مسلم‌بن‌حجّاج، صحیح مسلم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
» دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.
» عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ هـ.ش.
» معین، محمّد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰هـ.ش.
» فرهنگ مسجد، کاری گروهی از دفتر مطالعات و پژوهش‌های رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» نوبهار، عبدالرحیم، کوی دوست، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
» نجاتی، عثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» شیخ صدوق، محمّدبن علی‌بن بابویه قمی، علل الشرایع، ۱۳۸۳ هـ.ش.
» ـــــــــــــــــــ من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ.ش.
» فیض کاشانی، ملّامحسن، محجّه البیضاء، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» نوری، میرزا حسین، (محدّث نوری)، مستدرک‌الوسائل، مؤسّسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
» حیدری، جعفر، مسجد و آرامش، سایت مرکز تحقیقاتی جوادالائمّه علیه‌السلام.
» رضی الدّین طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ ششم، ۱۳۰۲ هـ.ق.
» آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
» شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۷هـ.ق.
» حیدری، کبری، نقش مسجد در سلامت روانی جامعه، فروغ مسجد، ج۵.
» جعفری، محمّدتقی، نیایش در صحرای عرفان، نشر آثار علّامه محمّدتقی جعفری، ۱۳۸۷هـ.ش.
» همدانی، رضا ابن‌محمّدهادی، مصباح الفقیه، محقّق: باقری، محمّد، المؤسّسه الجعفریه لاحیاء التراث، قم، ۱۳۷۶.
» بهائی، بهاءالدین محمّدبن‌حسین عاملی، العروه الوثقی، قم، کتابفروشی بصیرتی، چاپ اول، ۱۳۹۰هـ.ق.
» متقی هندی، کنزالعمال، تصحیح: صفوه سقا، مکتبه التراث الاسلام، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۷ هـ ق.

» حرّانی، ابی محمّد الحسن‌بن علی‌بن الحسین‌بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۰هـ‌ق.
» راوندی کاشانی، سیّدجلیل ابوالرضاء ضیاءالدّین فضل‌الله‌بن علی‌بن عبدالله، النوادر، قم، مؤسّسه دارالحدیث، ۱۳۷۷هـ‌ش.

# نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان

حسین علوی مهر


## » چکیده

سلامت روحی و زندگی فارغ از نگرانی و اضطراب، یکی از آرزوهای دیرینه انسان و از نیازهای اساسی وی است. با وجود پیشرفت‌های علمی گوناگون و چشم‌گیری که برای آرامش انسان، به‌ویژه در زمینه‌های روان‌پزشکی و روان‌درمانی، صورت گرفته است، همچنان صاحب‌نظران عرصه بهداشت روان بر نیاز به دین تأکیدی فراوان دارند. شرکت در مراسم‌های دینی و حضور در مکان‌های مذهبی می‌تواند نقشی بسیار مؤثّر در تأمین بهداشت روان انسان داشته باشد. این نوشتار، با نگاه به آیات و روایات، در صدد بیان نقش مسجد در تأمین بهداشت روانی است. همچنین، به راهکارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری اشاره کوتاهی می‌شود. ارتباط وثیق مسجد با ایمان به خدا، ذکر خدا، اعتقاد به قضا و قدر و رضایت از زندگی، برخی از مهمّ‌ترین راهکارهای معرفتی است که در نقش‌آفرینی مسجد برای بهداشت روانی تأثیر دارد. همچنین، حضور انسان در مسجد و اجرای کارهایی عاطفی، مثل دعا خواندن و توبه کردن نیز تأثیری بسزا در پاکی روح آدمی دارد. علاوه بر آن، می‌توان به نقش مسجد در ایجاد راهکارهای رفتاری، مانند حجاب، ازدواج، کار، رابطه اجتماعی مناسب و آراستگی اجتماعی اشاره کرد.



## » واژگان کلیدی:

مسجد، بهداشت روان انسان، راهکارهای ایجاد آرامش، پاداش رفتن به مسجد.

## » مقدّمه

مسجد، مهمّ‌ترین مکان مذهبی است که کارکردهای متعدّدی در زمینه بهداشت روان دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که حضور در مسجد می‌تواند در از بین بردن برخی مشکل‌ها، مانند احساس تنهایی، غم و اندوه، بسیار مؤثّر باشد. امید به زندگی و استجابت دعا، احساس اعتماد و تکیه به خداوند، جلب محبّت خداوند با نیایش (به‌ویژه به صورت دسته‌جمعی) و تقویّت خیرخواهی و نوع دوستی به وسیله ارتباط با دیگر مسلمانان، از نتیجه‌های مثبت مسجد است.

سلامت روح، آرامش خاطر و زندگی فارغ از نگرانی و گرفتاری از نیازهای اساسی بشر هستند. روان‌شناسان برای تأمین بهداشت روانی افراد تلاش می‌کنند که باورها، عواطف و رفتارهای نادرستی را بشناسند که باعث بیماری‌ها و ناراحتی‌ها می‌گردد. آنها در پی تغییر این عامل‌ها و یافتن قاعده‌هایی برای زیست بهتر هستند. یکی از بهترین راه‌ها برای این مقصود عمل به فرمان خالق روح انسان است؛ زیرا او نیازهای انسان و قوانین حاکم بر جهان را بهتر از هر کس دیگری می‌داند. بسیاری از روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روزنه امید برای رهایی از ناراحتی‌ها، ایمان به خدا و اعتقاد به قدرت مافوق انسان است.[1] معبد در ادیان و به‌ویژه مسجد در اسلام، بهترین مکان برای حفظ ایمان، اعتقاد به خدا و ارتباط با مبدأ قدرتمند و مافوق انسانی است. بشر باید در راستای نیازهای مادّی، برای نیازهای روحی و روانی خود نیز تلاش کند. روح بشر به نظام اخلاقی، ایمان، اعتقاد و محبّت نیاز دارد. انسان، محتاج تکیه‌گاهی است که به او توکّل کند و از او کمک بخواهد. این موارد، به منزله موادّ لازمی است که برای روح ضروری است و اگر تعادل آن به‌هم بخورد، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند مایه خوشی و آرامش شود.[2]

این مقاله در صدد ارائه تأثیرات مسجد در تأمین بهداشت روانی است. از مجموعه برخی آیات و روایات، درمی‌یابیم که مسجد می‌تواند در سه راهکار

---

[1]. صانعی صفدر، آرامش روانی و مذاهب، ص۶.
[2]. شهید مطهّری، حکمت‌ها و اندرزها، ص۲۰.

«شـناختی»، «عاطفـی» و «رفتـاری» بـر روح انسـان تأثیـر بگـذارد کـه بـا توضیحی مختصـر بـدان اشـاره می‌کنیـم.

## » مبحث اوّل: کلّیات (مفهوم‌شناسی)

### مسجد

در لغت، «مسجد» اسم مکان یا زمان، مشتق از «سَجَدَ» است و مسجد به مکانی می‌گویند که در آن، خداوند سجده و عبادت می‌شود.[1] از این‌رو، مسجد، محلّ حصول قرب الهی و مکان از بین بردن خودخواهی و تاریکی‌ها است و سزاوار است که انسان به مسجد روی آورد تا قرب الهی را تحصیل کند و از غیر خدا منقطع گردد و نفْس خود را از عیوب پاک کند.[2]

از نظر «شرعی» نیز مسجد به مکانی گفته می‌شود که مخصوص نماز و عبادت خداوند است و ورود به آن شرایطی دارد که در کتاب‌های فقهی بیان شده است. مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: «و المراد بالمسجد شرعاً المکان الموقوف علی کافه المسلمین للصلاه؛ مقصود از مسجد در اصطلاح شرعی، مکانی است که برای اقامه نمازِ تمام مسلمانان وقف شده است».[3]

### بهداشت روان

در تعریف بهداشت روانی چنین گفته شده است: «استعداد روان برای هماهنگ و خوشایند بودن و مؤثّر کار کردن در موقعیّت‌های دشوار و انعطاف‌پذیر بودن و توانایی داشتن برای بازیابی تعادل خود».[4]

طبق این تعریف، شخصی که بتواند با محیط خود (اعضای خانواده، همکاران، همسایگان و به‌طور کلّی اجتماع) خوب باشد، از نظر بهداشت روانی «به‌هنجار» خواهد بود. این شخص با تعادل روانیِ رضایت‌بخشی رفتار، تعارض‌های خود را با دنیای بیرون و درون حلّ خواهد نمود و در مقابل ناکامی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مقاومت خواهد کرد.[5]

منظور از تأثیر مسجد در بهداشت روان این است که فرد با مهمّ‌ترین نماد

---

[1]. ابن‌منظور، لسان العرب ماده سجد، ج ۶، ص۱۷۵.
[2]. مصطفوی، التحقق فی کلمات القرآن، ماده سجد، ج۵، ص۵۵.
[3]. نجفی، محمّدحسن، جواهرالکلام، ج۱۴، ص۶۹.
[4]. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ص۱۰ (برگرفته از فرهنگ روان‌شناسی لاروس).
[5]. همان.

دینـی یعنـی مسـجد، خـود را هماهنـگ کنـد و تعارض‌های خـود را با دنیـای بیرون و درون حـلّ نمایـد و در مقابـل ناکامی‌هـا، یأس‌هـا و مشـکلات اجتناب‌ناپذیر زندگی مقاومـت نشـان دهـد و مسـجد در روح او تأثیـر بگذارد.

## جایگاه مسجد

مسـجد مکان یـاد خدا،[1] خانه خـدا در زمین،[2] محـلّ توجّه به خدا،[3] جایـگاه مطهّران و راسـتگویان،[4] منزلگاه پیامبرانـی، همچـون حضـرت ابراهیـم و خضر،[5] مکانـی بـرای کسـب دانش،[6] بـازار آخرت،[7] خانه‌هـای پرهیـزگاران و مؤمنـان[8] اسـت. ایـن وصف‌های مسـجد، بـه خوبـی ماهیّت مسـجد و جایـگاه آن را برای ما روشـن می‌سـازد که دارای ماهیّـت عبـادی و مکانی بـرای پرهیزگاران و ارتبـاط معنوی بین بنده و معبود اسـت.

همچنیـن، مسـجد از آغـاز پیدایـش نقشـی ویـژه در فرهنـگ و تمـدّن اسـلامی، به‌ویـژه در تربیـت دینی مسـلمانان داشـته اسـت و یکـی از مکان‌های پـر رونق تربیت فکـری در سـرزمین‌های اسـلامی بوده اسـت.

---

۱. بقره، آیه۱۱۴؛ «مَساجِدَاللهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ».
۲. وسایل‌الشـیعه، ج۱، ص۳۸۰، ح۶۵۹۰؛ «عَـنِ الصَّـادِقِ جَعْفَرِبْـنِ مُحَمَّـدٍ ﷺ أَنَّـهُ قَـالَ عَلَیْکُـمْ بِإِتْیَـانِ الْمَسَـاجِدِ فَإِنَّهَـا بُیُوتُـا للهِ فـی الأَرْض».
۳. اعراف، آیه۲۹؛ «وَأَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُالدِّینَ».
۴. بحارالانوار، ج۸۳، ص۳۷۴.
۵. بحارالانـوار، ج۱۰۰، ص۳۳۴، ج۹۷، ص۴۳۶، ح۷، بـاب مسجدالسـهله و سائرالمسـاجد؛ «مَسْـجِدِ السَّـهْلَه...قُلْتُ یَکُـونُ مَنْزِلَـهُ جُعِلْتُ فِـدَاکَ قَـالَ نَعَـمْ کَانَ فِیـهِ مَنْـزِلُ إِدْرِیـسَ وَ کَانَ مَنْـزِلَ إِبْرَاهِیـمَ خَلِیـلِ الرَّحْمَـنِ وَ مَـا بَعَـثَ اللهُ نَبِیّـاً إِلَّا وَ قَـدْ صَلَّـی فِیـهِ وَ فِیـهِ مَسْـکَنُ الْخَضِـر».
۶. بحارالانوار، ج۷۷، ص۸۶.
۷. مستدرک‌الوسـائل، ج۳، ص۳۶۱، ح۱۵۳۳۴، بـاب اسـتحباب الاختـلاف إلـی المسـجد؛ «قَـالَ رَسُـولُ اللهِ ﷺ: الْمَسَـاجِدُ سُـوقٌ مِـنْ أَسْـوَاقِ الْآخِـرَهِ قِرَاهَـا الْمَغْفِـرَهُ وَ تُحْفَتُهَـا الْجَنَّهُ».
۸. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۲، ح ۱۸، باب استحباب الاختلاف إلی المسجد؛ «قَالَ النَّبِیِّ ﷺ: الْمَسَاجِدُ بُیُوتُ الْمُتَّقِین».

## » مبحث دوّم: مسجد، بهداشت روان و راهکارها

در میان مسلمانان، مسجد بهترین مکان برای عبادت و ذکر و تسبیح خداوند است. فضای مسجد، فضایی نورانی و الهی است و بر همین اساس، بر روح انسان تأثیرگذار می‌گذارد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:«مَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحَةِ؛ هر کس که مساجد را خانه خودش قرار دهد، خداوند آرامش روحی و روانی را برای او ضمانت می‌کند».[1]

در روایتی دیگر پیامبر اسلام ﷺ مسجد را مایه آرامش اهل آن معرّفی می‌کند و می‌فرماید: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللهِ وَ يَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ گروهی در مسجدی از مساجد الهی برای تلاوت و آموزش قرآن نمی‌نشینند، مگر آنکه آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود».[2]

هر دو روایت به خوبی نشان می‌دهد که حضور در مسجد، آسایش روحی و روانی، سکینه الهی را به همراه دارد.

## راهکارهای ایجاد آرامش

در اینکه مسجد، چگونه آرامش روح می‌آورد و روان انسان را سیراب می‌کند، راهکارهایی وجود دارد. حال، به مهمّ‌ترین راهکارهایی می‌پردازیم که برای کسب این آرامش وجود دارد:

### ۱. راهکارهای معرفتی

منظور از معرفت، شناخت خود، خدا و نیز جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. شناخت صحیح و ارزشیابی دقیق انسان از رویدادهای زندگی، می‌تواند نقشی بسیار مهمّ در سلامت روحی داشته باشد. دنیا، همیشه همراه

[1]. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۳.
[2]. همان، ص۳۶۳.

بـا گرفتاری‌هاسـت؛ امّـا ایـن مشـکلات به‌طور مسـتقیم انسـان را ناراحـت نمی‌کنند؛ بلکـه طـرز تفکّـر و نحـوه برخـورد فـرد بـا مشـکل اسـت کـه اهمیّـت دارد و می‌تواند زندگـی فـرد را از مشـکل رهـا سـازد. بـرای مثـال، اگـر فـرد بیمـار از خـوردن برخی غذاهـا پرهیـز کنـد یـا داروهـای تلـخ و تنـد را بخـورد، بهبـود می‌یابـد و چـه بسـا به جـای ناراحـت شـدن از تلخـی دارو، خوشـحال هـم باشـد که بیمـاری را از خـود دور کرده اسـت.

ایـن همـان شـناختی اسـت کـه می‌توانـد راه صحیـح زندگی را بـه انسـان بیاموزد و نیـز بـا تغییـر شـناخت، از شـناخت مـادّی بـه سـوی اعتقاد بـه خداوند و شـناختن ایـن کـه جهـان، فعل خداوند و ناشـی از اراده اوسـت،[1] می‌توان بهداشـت روانی افراد را تأمیـن کـرد. رابطـه و أنـس فرد بـا مسـجد، در بسـیاری از مؤلّفه‌های معرفتـی، مانند ایمـان و اعتقـاد صحیـح، کسـب دانـش و غیـره می‌توانـد نقشـی اساسـی و تقویّـت کننـده ایفـا کند.

### ۲. راهکارهای عاطفی

منظـور از راهکارهـای عاطفـی، مؤلّفه‌هایـی اسـت کـه احساسـات فـرد را نشـان می‌دهـد؛ ماننـد تـرس، وحشـت، شـادی، غـم و رضایـت.[2] گرایش‌هـای عاطفـی افراد نیـز همـواره بـر نگرش‌هـای شـناختی آنهـا مبتنی اسـت. بـرای مثـال، افراد بـا ایمان در آرامـش روحـی و روانـی به‌سـر می‌برنـد و همـواره نوعـی رضایت در آنان به چشـم می‌خـورد.[3] ارتبـاط بـا مسـجد هـم، می‌توانـد نقشـی مسـتقیم و اساسـی در شـادی، نشـاط و امیـدواری افراد داشـته باشـد.

### ۳. راهکارهای رفتاری

منظـور، رفتـار و اعمالـی اسـت کـه افراد بر اسـاس نگرش‌هـای شـناختی و عاطفی انجـام می‌دهنـد؛ مثل بسـیاری از وظایفـی مانند: اسـتعانت از نماز و صبر، اسـتفاده از

[1] . شجاعی، محمّدصادق، توکّل به خداوند، ص۳۹.
[2] . آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناختی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص۱۳۷.
[3] . خوشبختی با نگرش دینی، ص۹۱- ۹۲.

روزی‌هـای پـاک و حلال کـه خداوند بـرای افـراد مؤمن مقـرّر می‌فرماید.[1]

بـا توجّـه بـه عقایـد انسـان و احساسـات صحیـح عاطفـی، ارتبـاط بـا مسـجد در این‌گونـه مـوارد تأثیـری مثبـت دارد. کسـب روزی پـاک با وجـود ارتباط با مسـجد و آموزه‌هایـی کـه در ایـن بـاره وجـود دارد، با کسـب روزی از شـیوه‌های دیگـر متفاوت خواهـد بـود. همچنیـن، حضـور زنـان در مسـجد بـا لباسـی خـاصّ، نقشـی مهـمّ در شـخصیّت آنـان دارد. بـه همیـن ترتیـب، آراسـتگی مـردان و لباس‌های نظیـف و زیبا پوشـیدن و اسـتعمال بـوی خـوش و نیـز روابـط اجتماعی مناسـب با افراد مسـجدی، می‌توانـد شـخصیّت رفتـاری انسـان را زیباتـر کند.

[1]. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناختی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص۱۴۱.

## » مبحث سوّم: تبیین راهکارهای سه‌گانه

### الف) نقش مسجد در راهکارهای معرفتی

#### ۱. ایمان به خداوند

مسجد، نماد رابطه انسان با خداست و حضور در آن نشانه‌ای از ایمان به خداوند است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وقتی مردی در رفت‌وآمد به مسجد مداومت دارد، گواه دهید که او فردی مؤمن است».[۱]

بنابراین، مداوم‌تر رفتن به مسجد، نشانه ایمان به خداست و افراد با ایمان روحی، مطمئن‌تر، اعصابی آرام‌تر و قلبی سالم‌تر دارند؛ زیرا انسان مؤمن همواره مورد لطف الهی قرار می‌گیرد و خداوند آرامش بر آنان نازل می‌کند قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ السَّکِینَهَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَعَ إِیمَانِهِمْ؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزاید».[۲]

استاد مطهّری؛ می‌نویسد: «آمار نشان می‌دهد که همه بیماران روانی یا بیشتر آنان در میان طبقه‌ای هستند که از ایمان به خدا و اعتقاد خالص به مبدأ متعال بی‌بهره‌اند. منشأ این بیماری‌های روانی احساس محرومیّت‌ها و مصونیّت‌های اجتماعی است. ایمان، حکم داروی پیش‌گیری را دارد. با وجود ایمان، محرومیّت‌ها انسان را از پا در نمی‌آورد و تعادل او را محفوظ می‌دارد».[۳]

#### ۲. ذکر و یاد خدا در مسجد

مسجد، بهترین محلّ برای ذکر خداست و ذکر، هم ذکر لفظی و هم ذکر معنوی را شامل می‌شود. خداوند می‌فرماید: «أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ؛ هنگام عبادت در هر مسجدی به سوی او توجّه کنید، او را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید».[۴]

---

[۱]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۶۲، ح۳۷۸۶؛ «قَالَ النبی ﷺ إِذَا رَأَیْتُمُ الرَّجُلَ یَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِیمَانِ لِأَنَّ اللهَ یَقُولُ إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ».

[۲]. فتح، آیه۴.

[۳]. مطهّری، مرتضی، بیست گفتار، ص۲۲۸.

[۴]. اعراف، آیه۲۹.

خداونـد متعـال یکـی از ویژگی‌های مسـجد را ذکـر و یاد خدا و نـام خداوند معرّفی می‌کنـد: «مَسَـاجِدُ یُذْکَـرُ فِیهَـا اسْـمُ اللهِ کَثِیـرًا؛ مسـاجدی که نـام خدا در آن بسـیار بـرده می‌شـود».[1] همچنین، خداونـد بزرگ‌تریـن ظلـم و سـتم را ممانعـت از ذکـر نام خـدا در مسـجد می‌داند.[2] مسـجد، خانه‌هـای نورانی خداوند اسـت و خـدا رخصت داده اسـت کـه سـاخته شـوند و نامـش در آنجا بـرده شـود و مـردم بامـدادان، عصرگاهان و شـب‌هنگام خـدا را در آنجـا تسـبیح می‌گویند.[3] بـه همیـن دلیـل، رسـول خـدا ﷺ فرمود: هر نشسـتی در مسـجد بیهوده اسـت، مگر اینکه برای سـه کار باشـد؛ خواندن قـرآن، ذکر خـدا، پرسـش از علم.[4]

همچنیـن، در روایتـی آمـده اسـت که مردی از رسـول خدا ﷺ پرسـید: بهترین اهل مسـجد چه کسـانی‌اند؟ حضـرت فرمود: آنان که بیشـترین ذکـر را برای خـدا بگویند.[5]

اسـتاد مطهّـری رحمه‌الله در ایـن بـاره می‌نویسـد: «اگـر بشـر خیـال کند که با رسـیدن بـه ثـروت و رفـاه به مقام آسـایش می‌رسـد و از اضطـراب و ناراحتی و شـکایت بیرون می‌آیـد، اشـتباه کـرده اسـت. فقـط بـا یاد خداسـت کـه دل‌ها آرامـش پیـدا می‌کند. بسـیاری از مکتب‌هـا، تکیـه روی دور مانـدن انسـان از اصـل خـود دارنـد. مکتب‌های دیگـری هسـتند کـه تکیـه انسـان، روی درد انسـان اسـت بـرای خلـق خـدا، نـه درد انسـان بـرای خـدا. دیگـری می‌گویـد: انسـان و سـوّمی می‌گویـد: خـدا و انسـان؛ در حالـی کـه خـدا و انسـان از یکدیگـر جدا نیسـت تا خدا نباشـد، انسـان هم نیسـت، تا آن درد، خدایـی را کـه در انسـان اسـت نشناسـد و تا انسـان به سـوی خدا نـرود، درد انسـانی او هـم بـه جایـی درمان نخواهد شـد. انسـانیّت، درد خداسـت؛ درد انسـان از درد خـدا [داشـتن] اسـت».[6] بنابراین، چـون مسـجد محـلّ ذکـر خـدا، قرائـت قرآن و نمـاز اسـت ،بهتریـن مـکان نیز بـرای آرامـش دل خواهـد بود.

---

[1]. حجّ، آیه۴۰.
[2]. بقره، آیه۱۱۴؛ «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَاللهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَ سَعی فی خَرابِه».
[3]. نور، آیه ۳۶؛ «فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَوَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ».
[4]. وسائل‌الشّیعه، ج۴، ص۱۷، ۳۸۰۸، باب استحباب الجلوس فی المسجد، «یَا أَبَاذَرٍّکُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَهً قِرَاءَهُ مُصَلٍّ وَ ذَاکِرٌلِلَّهِ تَعَالَی أَوْ مُسَائِلٌ عَنْ عِلْم».
[5]. الکافی، ج۲، ص۴۹۸، ح۸۹۸۵، باب ذکرالله عزّ و جل کثیراً؛ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ مَنْ خَیْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ،ف قَالَ أَکْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِکْرا».
[6]. مطهّری، مرتضی، انسان کامل، ص۹۶.

### ۳. علم و کسب دانش

یکـی از کارکردهـا و نیـز آثـار بسـیار مهـم حضـور در مسـجد، «تعلیـم و تعلّـم» اسـت. نادانـی، بزرگ‌تریـن دشـمن انسـان اسـت. از ایـن‌رو، اسـلام از همـان آغـاز بـر علـم و دانـش تأکیـد نمـوده اسـت و نخسـتین آیاتـی کـه بر پیامبـر اسـلام ﷺ نازل شـد، دربـاره قلم[۱] بـود. پیامبـر اسـلام ﷺ و امامـان معصـوم ﷺ، تحصیـل دانـش را از مهمّ‌تریـن ویژگی‌هـای هـر مسـلمان برشـمرده و مسـلمانان را بـر دانش‌انـدوزی تشـویق می‌کردنـد. بـر همین اسـاس، مسـجد در آن دوره، مهمّ‌ترین مرکـز اجتماعات علمـی ـآموزشـی بـوده اسـت و ایـن ویژگـی در قرن‌هـای متمـادی بـه حیـات خـود ادامـه داده اسـت.

امـام علـی ﷺ یکـی از آثـار هشـت‌گانه رفت‌وآمد بـه مسـجد را دسـت‌یابی به علم و دانـش نـو و تـازه می‌داند.[۲]

روزی سـول خـدا ﷺ در مسـجد، دو گروه را مشـاهده کردند؛ گروهـی به بحث‌های علمـی می‌پرداخـت و گـروه دیگـری به دعـا و عبادت مشـغول بودند. از حضرت سـؤال کردنـد، [کـدام مجلـس بهتر اسـت] فرمود: هـر دو مجلـس کار نیک انجـام می‌دهند؛ امّـا آن گروهـی کـه دانـش فـرا می‌گیرنـد و بـه دیگـران می‌آموزنـد، بافضیلت‌ترنـد و مـن بـرای یاد دادن مبعوث شـده‌ام؛ سـپس، بـه همان گروه پیوسـتند.[۳]

#### مسجد و تعلیم قرآن

امـام صـادق ﷺ تـلاوت و آمـوزش قـرآن را مایـه آرامـش قلبـی انسـان می‌دانـد و می‌فرمایـد: هیـچ گروهـی در مسـجد بـرای تـلاوت کتـاب خـدا و آمـوزش و تعلیـم نمی‌نشـینند، مگـر اینکـه آرامـش قلبـی آنـان را فـرا می‌گیرد و فرشـتگان آنـان را در بـر می‌گیرند.[۴] پیامبـر اسـلام ﷺ کسـانی را کـه در مسـجد بـه بحـث و تعلیـم قـرآن

---

[۱]. علق، آیه۱ تا ۵.

[۲]. مـن لا یحضـره الفقیـه، ج۱، ص۲۳۷، ح۷۱۳، بـاب فضـل المسـاجِد و حرمتهـا؛ کانَ أَمیرُالْمُؤْمِنیـنَ ﷺ یَقُـولُ مَـنِ اخْتَلَـفَ إِلَـی الْمَسَـاجِدِ أَصَـابَ إِحْـدَی الثَّمَـانِ أَخـاً مُسْـتَفَاداً فِـی اللهِ عَـزَّ وَ جَـلَّ أَوْ عِلْماً مُسْـتَطْرَفاً أَوْ آیَـهً مُحْکَمَـهً أَوْ رَحْمَـهً مُنْتَظَـرَهً أَوْ کَلِمَـهً تَـرُدُّهُ عَـنْ رَدًی أَوْ یَسْـمَعُ کَلِمَـهً تَدُلُّـهُ عَلَـی هُـدًی أَوْ یَتْـرُکُ ذَنْبـاً خَشْـیَهً أَوْ حَیَـاءً».

[۳]. بحارالانـوار، ج۱، ص۲۰۶؛ «فَـإِذَا فِـی الْمَسْـجِدِ مَجْلِسَـانِ مَجْلِـسٌ یَتَفَقَّهُـونَ وَ مَجْلِـسٌ یَدْعُـونَ اللهَ وَ یَسْـأَلُونَهُ فَقَالَ کِلَا الْمَجْلِسَـینِ إِلَـی خَیـرٍ أَمَّـا هَـؤُلَاءِ فَیَدْعُـونَ اللهَ وَ أَمَّـا هَـؤُلَاءِ فَیُعَلِّمُـونَ وَ یَفَقِّهُـونَ الْجَاهِـلَ هَـؤُلَاءِ أَفْضَـلُ بِالتَّعْلِیـمِ أُرْسِـلْتُ ثُـمَّ قَعَـدَ مَعَهُـمْ».

[۴]. عوالی‌اللآلـی، ج۱، ص۳۷۵، ح۳۷۸۸؛ مستدرک‌الوسـائل، ج۳، ص۳۶۳، ح۳۷۸۸، بـاب اسـتحباب الاختـلاف إلـی المسـجد؛ «عَـنِ

می‌پردازند، میهمانان خدا می‌نامد و می‌فرماید: تا زمانی که به مباحثه‌های علمی مشغول هستند، فرشتگان آنان را حمایت و حفاظت می‌کنند.[1]

این روایات یکی از مهمّ‌ترین کارکردها و آثار معرفتی مسجد را که تعلیم و تعلّم است، مطرح نموده تا افراد روح و فکر خود را تقویّت و قلب خود با علم و دانش آرامش بخشند. بر همین اساس، یکی از زیرمجموعه‌های مهمّ مساجد، کتابخانه و محلّ مطالعه و درس و بحث بوده است.

«مارسل بوازا» اسلام‌شناس سوئیسی می‌نویسد: «تأسیس کتابخانه‌ها و شبستان و تالار اجتماعات در مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان‌گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصر برای نماز نیست، بلکه به‌طور یقین یکی از مراکز مهمّ فرهنگی اسلام است».[2]

حضور دانشمندان اسلامی در مساجد و وجود کتاب‌های مفید بدون تردید، در قرون متمادی پاسخ‌گوی پرسش‌های فراوانی بوده است که اقشار مختلف مردم در مسجد به دنبال پاسخ‌های آن بوده‌اند.

### ۴. مسجد و کسب رضایت الهی

رضایت از آنچه خداوند برای انسان مقّدر ساخته است، موجب إلتیام سختی‌ها و مشکلات زندگی فرد و درمان بسیاری از دردهای جسمی و روحی است. امام حسین علیه‌السلام با وجود آن همه سختی‌های شدید زندگی (با این اندیشه که در جست‌وجوی رضایت الهی هستم)، به هنگام شهادت فرمود: «الهی رضاً بقضائک»[3] و همه سختی‌ها را بر خود آسان کرد.

رضایت الهی در زندگی در تأمین بهداشت روانی افراد نقشی مهمّ دارد؛ زیرا اگر حادثه‌ای پیش بیاید و خدای متعال مانع رخ دادن حادثه نشود، درمی‌یابیم که

---

النَّبِیّ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِی مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِاللهِ تَعَالَی یَتْلُونَ کِتَابَ اللهِ وَ یَتَدَارَسُونَهُ بَیْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَیْهِ وحفتهم الملائکه».

[1] . مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۶۳، ح۳۷۸۸، باب استحباب الاختلاف إلی المسجد؛ «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِی بَیْتٍ مِنْ بُیُوتِ اللهِ یَدْرُسُونَ کِتَابَ اللهِ وَ یَتَعَاطَوْنَهُ بَیْنَهُمْ إِلَّا کَانُوا أَضْیَافَ اللهِ تَعَالَی وَ أَظَلَّتْ عَلَیْهِمُ الْمَلَائِکَهُ بِأَجْنِحَتِهَا مَادَامُوا فِیهِ حَتَّی یَخُوضُوا فِی حَدِیثٍ غَیْرِهِ».

[2] . مارسل بوازا، اسلام در جهان امروز، ص۱۰۱ و ۱۰۲.

[3] . سیّدبن‌طاووس، اللهوف، ص۵۳.

مصلحت در وقوع آن حادثه بوده است. اگر انسان به این حقیقت ایمان داشته باشد، به دنبالش «خُلق توحیدی» هم پیدا می‌شود؛ یعنی انسان پس از وقوع حادثه بد هم ناراضی نباشد و آن را ناشی از مصلحتی نامعلوم بداند که فقط خدا از آن آگاه است.[1]

رفت‌وآمد به مسجد، ارتباط با خدا و تفکّر درباره او به اتّکاء به خدای بزرگ می‌انجامد. انسان درمی‌یابد که همه قدرت‌ها و مکتب‌ها در دست خداست. حضور در مسجد به آدمی نشان می‌دهد در حقیقت مسبّب اصلی خداست و ناکامی‌ها و ناملایمت‌ها خواست خداوند و اقتضای طبیعی زندگی است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: من، نشستن در مسجد جامع را بهتر از نشستن در بهشت می‌دانم؛ زیرا نشستن در بهشت رضایت نفس من است؛ امّا نشستن در مسجد جامع رضایت پروردگار من است.[2] این نشستن، اگر همراه با تفکّر و اندیشه به معبودی باشد که قادر بر همه چیز است، می‌تواند همه مشکل‌ها را آسان کند.

امام علی علیه‌السلام در سخنی دیگر می‌فرماید: «اَلرِّضَا بِقَضَاءِ اللهِ یُهَوِّنُ عَظیمَ الرَّزَایَا؛ راضی بودن به قضای الهی، سختی‌ها و مشکلات را آسان می‌کند».[3]

امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ وَثِقَ بِأَنَّ مَا قَدَّرَ اللهُ لَهُ لَنْ یَفُوتَهُ اسْتَرَاحَ قَلْبُهُ؛ هر کس به این نکته اعتقاد داشته باشد که هر چه برای او مقدّر شده است از بین نمی‌رود، قلب او آرام می‌گیرد».[4]

## ب) راهکارهای عاطفی

### ۱. دعا و درخواست از خدا

انسان عصرِ حاضر، با وجود همه پیشرفت‌ها و تسلّط بر تکنولوژی‌ها و طبیعت، باز هم در وجود خویش احساس ضعف می‌کند و به هنگام سختی‌ها و مشکلات

---

[1]. مطهّری، مرتضی، انسان و سرنوشت، ص۹۸.
[2]. إرشادالقلوب، ج۲، ص۲۱۸؛ «الجلسه فی المسجد خیر لی من الجلسه فی الجنه فإن الجنه فیها رضاً نفسی و الجامع فیه رضاً ربی».
[3]. غرر الحکم، ص۱۰۳.
[4]. همان

می‌خواهد به قدرتی ماوراء طبیعت پناه ببرد. این ضعف باعث احساس محرومیّت می‌شود که می‌تواند بهداشت روانی فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا اگر شخص احساس بیچارگی و تنهایی کند، زمینه بروز اضطراب ایجاد می‌شود.[1]

ادیان الهی، به‌ویژه اسلام به این نیاز بشر پاسخ گفته‌اند و راه‌حلّی مناسب پیشنهاد کرده است. اسلام، انسان را به دعا و أنس با خداوند تشویق می‌کند؛ زیرا دعا و پیوند عاطفی با خداوند، انسان را از تنهایی می‌رهاند. به قول «آلکسیس کارل»، دعا پرواز روح است؛ دعا اظهار عبودیّت است و دعا کمال انسانیّت است. دعا برقرار شدن پیوند بنده با خدا است؛ پیوندی که قطع ناشدنی است.[2]

**دعا و نیایش در مسجد**

هر چند دعا و درخواست از خداوند مکان‌مند نیست، امّا در برخی مکان‌ها تأکید بیشتری بر آن شده است و امکان اجابت، افزون‌تر است. «مسجد» مکان ویژه عبادت و ارتباط با خدا است. از این‌رو، خداوند ما را دعوت می‌کند که به مسجد برویم و با اخلاص او را بخوانیم. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ در هر مسجدی به سوی او توجّه کنید و او را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید».[3]

خداوند نیز به افرادی که در مسجد بیایند و با اخلاص او را بخوانند، عنایتی ویژه خواهد کرد؛ زیرا خود دعوت کرده است و خود نیز پاسخ میهمان را خواهد داد. امام صادق علیه‌السلام ضمن اینکه مسجد را خانه خدا معرّفی می‌کند و می‌فرماید هر کس با طهارت به مسجد برود، آمرزیده است: «فَأَكْثِرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ؛ در آنها نماز و دعا زیاد بخوانید».[4]

خداوند از مسجد و اهل آن محافظت می‌کند. مسجد از مکان‌های پر برکت و فرخنده روی زمین است.[5] به همین دلیل، شایسته است که انسان درخواست‌های

---

[1]. شاملو، سعید، بهداشت روانی، ص۲۳۲.
[2]. مطهّری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص۴۸.
[3]. اعراف، آیه۲۹.
[4]. شیخ صدوق، امالی، ص۳۵۸- ۳۵۹.
[5]. این مضمونِ روایتی از امام صادق علیه‌السلام است؛ ر.ک: امالی، ص۳۵۸- ۳۵۹.

خـود را در مسـجد از خداونـد بخواهـد و خداونـد وعـده داده اسـت یـاور و پشـتیبان آنانی باشـد که در مسـجد هسـتند.[1]

امـام صـادق علیه‌السلام بـه افـرادی کـه به مسـجد می‌رونـد، ایـن امیـد را می‌دهـد که به خانـه بـاز نمی‌گـردد، مگـر اینکه دعاهـای او به گونه‌ای به اجابت رسـیده اسـت؛ بدین نحـو کـه خداونـد بـه برکـت آن دعـا او را به بهشـت می‌برد یا به سـبب آن بـلای دنیا را از او دور می‌کنـد.[2]

**مسجد و نیایش دسته‌جمعی**

تأکیـد اسـلام بـر ارزش‌گـذاری نمـاز جماعـت، حضـور در نمازهـای جمعـه و نماز بـاران و آوردن کـودکان بـه مسـجد می‌توانـد حاکـی از ایـن مسـأله باشـد کـه حضور در اماکـن مقـدّس و مسـاجد و شـرکت در مراسـم‌های جمعـی، سـبب افزایـش امیـد در مسـلمانان می‌شـود. در نیایـش جمعـی فـرد، بـا هماهنـگ کـردن خود بـا محیط، لحظاتـی کشـمکش درونـی و تضادّهـای روحـی و روانـی خویش را فرامـوش می‌کند؛ زیـرا وضعیّـت مسـلمانان و هم‌نوعـان خویـش را از نزدیـک مشـاهده می‌کنـد و بـه کمـک آنهـا بـر اختـلالات روحـی و روانـی خویـش فائـق می‌آید.

سـؤال: شـاید کسـی بپرسـد آیـا خداوند فقط در مسـجد اسـت کـه باید دعـا را در مسـجد و بـه صـورت دسـته‌جمعی برگـزار کنیم؟

جـواب: در پاسـخ می‌گوییـم، گرچـه خداونـد مکان‌منـد و زمان‌منـد نیسـت و قـرآن کریـم فرمـوده اسـت: «فَأَیْنَمـا تُوَلُّـوا فَثَـمَّ وَجْـهُ الله؛ هـر کجـا روی آوریـد همان‌جـا خـدا اسـت»؛[3] امّـا تأکیـد کـرده اسـت کـه مـن، برخـی مکان‌هـا یـا برخـی حالت‌هـا را بیشـتر دوسـت دارم؛ بـرای مثـال، خداونـد جایـگاه خاصّـی بـه «مسـجدالحرام» یا «مسـجدالنّبی» یـا «مسـجد کوفـه» نسـبت بـه سـایر اماکـن داده اسـت. همچنیـن، خداونـد حالـت جماعـت را بهتـر از فُـرادی می‌دانـد و بـه حالـت گریه، خشـوع، قطع امیـد از غیـر خـدا، اخـلاص و حالـت دل‌شکسـتگی امتیـازی خـاصّ داده اسـت.

---

[1]. بحارالانوار، ج۸۵، ص۹۸، ح۶۸.
[2]. شیخ طوسی، الامالی، ص۴۶- ۴۷، ح۵۷.
[3]. بقره، آیه۱۱۵.

نقل شـده اسـت که شـیخ‌الرئیس، ابوعلی سـینا، برای ابوسـعید ابوالخیر نوشـت: «چه لزومـی دارد مـردم همـه در مسـجد اجتمـاع کنند بـا اینکـه خداونـد از رگ گردن به انسـان نزدیک‌تـر اسـت: «نَحْـنُ أَقْـرَبُ إِلَيْـهِ مِنْ حَبْـلِ الْوَرِيـد؛ ما از رگ گـردن هم به او نزدیک‌تریم».[1] هـر جـا کـه باشـی اگـر رابطه‌ات بـا خدا برقرار باشـد نتیجـه خواهی گرفـت. وی در پاسـخ نوشـت: اگـر چنـد چـراغ در یک‌جا روشـن باشـد و یکـی از آنها خامـوش گـردد، چراغ‌هـای دیگـر روشـن و محیـط همچنـان روشـن اسـت؛ امّـا اگـر همـان چراغ‌هـا هـر کـدام در یـک اتاق باشـد، اگـر یکی از آنهـا خاموش شـد، آن اتاق در تاریکـی فـرو خواهـد رفـت. انسـان‌ها نیـز این‌گونـه هسـتند».[2] هر شـخص دارای ظرفیتـی خـاصّ اسـت کـه می‌تواند بـه نحوی بـرای دیگـران مفید باشـد.

### ۲ـ امیدواری به فضل خداوند

یکـی از چیزهایـی کـه در تأمین بهداشـت روانـی افراد اثـر زیـادی دارد، امیدواری اسـت؛ روح و روان انسـان به‌گونـه‌ای اسـت کـه بـا پدیـد آمـدن مشـکلی یـا ارتـکاب عملـی ناشایسـت و نامعقـول از آینـده خـود ناامیـد می‌شـود، خـود را نمی‌بخشـد و قـدرت جبـران را از دسـت می‌دهـد و از آمـرزش مأیـوس می‌گـردد. امیـد بـه رحمت خداونـد، می‌توانـد بـه هنـگام گرفتـاری، بـه انسـان کمـک کند.

بنـا بـه دیـدگاه برخی از دانشـمندان، از جملـه «لازاروس» و «فولکمـن» امیدواری موجـب می‌شـود کـه فرد:

۱. بـه خـود اعتماد داشـته باشـد و بر اثـر این اعتمـاد راهبردهای سـازگاری خاصّ خـود را بـه کار گیرد؛

۲. بـه دیگـران اعتمـاد پیدا کنـد، همچنان که بیمار به پزشـک معالج خـود اعتماد پیـدا می‌کند.

۳. به خدا متوجّه شود و در اثر این توجّه قوّت قلب یابد.[3]

در فرهنـگ اسـلام بـر حفـظ امیـدواری و راه‌هـای کسـب آن تأکید شـده اسـت و

---

[1]. ق، آیه ۱۵.
[2]. مطهری، مرتضی، داستان‌ها و پندها، ج۹، ص۵۸.
[3]. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ص۸۴.

ناامیـدی و یأس، گناه شـمرده می‌شـود. اسـلام، در همـه برنامه‌هـا و آموزه‌هایش روح امیـد و حرکـت را در افـراد می‌دمـد و از ایسـتایی و تنبلـی و ناامیـدی نهـی می‌کنـد. اسـلام، دسـت‌یابی بـه نتایـج مطلـوب را مرهون تـلاش و کوشـش مضاعـف می‌داند.

## مسجد و روحیّه امیدبخشی

یکـی از مهمّ‌تریـن راهکارهـای دسـت‌یابی بـه امیدواری، حضور در مسـاجد اسـت. در روایـات مربـوط بـه حضـور انسـان در مسـجد، ضمـن دسـت‌یابی بـه فضیلت‌هـا، آینـده‌ای بـرای او در نظـر گرفتـه می‌شـود کـه روح امیـد و نشـاط را در انسـان زنـده می‌کنـد. توجّـه بـه آنهـا کمک می‌کنـد، آدمی یـأس و افسـردگی را دور کنـد. حضور در مسـجد، باعـث می‌شـود انسـان از زندگی احسـاس رضایـت بکند و برای به دسـت آوردن زندگـی سـالم و بی‌نقـص تـلاش بیشـتری بکنـد. فـرد بـا حضـور در مسـجد با صاحب‌خانـه‌ای ارتبـاط برقـرار می‌کنـد کـه او را محتـرم شـمرده و در رفـع نواقص او کوشـا خواهـد بـود. برخـی از نـکات که با حضـور در مسـجد باعث امیدواری می‌شـود عبارت اسـت از:

۱. حضـور در مسـجد بـه نوعـی زیارت خـدا و خانه اوسـت و خداونـد میهمان خود را محتـرم شـمرده و به او اکـرام می‌کند؛[۱]

۲. گناهان شخص آمرزیده و نیکی‌های او افزایش می‌یابد؛[۲]

۳. مسـجد، ماننـد خانـه پادشـاه بزرگی اسـت کـه اگر حرمتش پاس داشـته شـود، عبـادات کـم را بـه زیـادی می‌پذیـرد و ثواب فـراوان بـر آن می‌دهد؛[۳]

۴. اگـر نمـاز بـا توجّـه و یـاد خدا باشـد، قبـل از پایـان نمـاز جماعت، خداونـد او را می‌آمـرزد و بهتریـن جایـگاه آخـرت را بـه او عطـا می‌کند؛[۴]

۵. خداوند ضمانت کرده است که نمازگزار را به بهشت ببرد؛[۵]

۶. دعـای او مسـتجاب می‌شـود و اگـر دعـا بـرای دفـع بـلا کنـد، بـلا از او دور

---

[۱] . شیخ صدوق، علل الشرایع، ج۲، ص۳۱۸، ح۲.
[۲] . وسائل الشیعه، ج۱،ص۳۸۰.
[۳] . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۳۷، ح۳۹۴۶؛ بحارالانوار، ج۸۰، ص۳۷۳، ح۴۰.
[۴] . بحارالانوار، ج۸۵، ص۹۸ ح ۶۸.
[۵] . سنن ابی‌داود، ج۱، ص۵۵۹، ح ۲۴۹۴.

می‌شـود؛[1]

۷. آسایش روحی و جسمی می‌یابد؛[2]

۸. با اهل ایمان دوست می‌شود تا در امر الهی از او استفاده کند؛

۹. علم و دانشی نو و تازه پیدا می‌کند؛

۱۰. نشانه‌ای مستحکم و استوار در زندگی می‌یابد؛

۱۱. سخنی می‌شنود که او را هدایت می‌کند؛

۱۲. رحمتی که از جانب خداوند انتظار می‌کشد به دست می‌آورد؛

۱۳. سخنی که او را از پستی و خواری و گمراهی باز دارد؛

۱۴. در او روح خشـیت و خداترسـی و یـا حیـاء از بـرادران ایمانـی پیـدا می‌کند که باعث می‌شـود گنـاه را تـرک کند.[3]

## پاداش‌های امیدبخش رفتن به مسجد

بـدون تردیـد، یکـی از ابزارهـای تربیتـی، تشـویق و تنبیه اسـت کـه در اسـلام به هر دو جنبـه اهمیّـت فـراوان داده شـده اسـت. پیامبران الهی هم مبشّـر به بهشـت و هم منـذر بوده‌انـد کـه مـردم را از عواقـب بد گنـاه و کفر می‌ترسـاندند، پیامبر اسـلام ﷺ نیـز همین‌گونـه بـود؛ «إِنَّا أَرْسَـلْنَاکَ شَـاهِدًا وَ مُبَشِّـرًا وَ نَذِیرًا؛ ما تو را به عنوان شـاهد و بشـارت‌دهنده و ترسـاننده از جهنّم فرسـتاده‌ایم».[4]

خداونـد متعـال همـواره در قـرآن کریـم کارهـای خـوب انسـان را تشـویق می‌کند و پاداش‌هایـی هـم بـرای او در نظـر می‌گیرد؛ مثل آیه شـریفه: «مَنْ جـاءَ بِالْحَسَـنَهِ فَلَهُ عَشْـرُ أَمْثالِهـا؛ اگـر کسـی کاری نیک انجـام دهـد ده برابر پـاداش می‌بینند».[5]

رفت‌وآمـد بـه مسـجد باعـث ایجـاد روحیّـه امید می‌شـود؛ زیرا افـزون بـر پاداش‌های دنیـوی، پاداش‌هـای امیدبخـش خاصّی نیـز دارد، مانند:

---

[1]. شیخ طوسی، الامالی، ص۴۶- ۴۷.
[2]. مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۳۶۲.
[3]. التهذیب، ج۳، ص۲۴۸- ۲۴۹، ح۱.
[4]. احزاب، آیه ۴۵.
[5]. انعام، آیه ۱۶۰.

۱. آسایش در سرای آخرت و بنیان خانه‌ای بهشتی؛[۱]
۲. تکریم و احترام خداوند؛[۲]
۳. زائر خدا؛[۳]
۴. نورانیّت در روز قیامت؛[۴]
۵. آمرزش و پاکی گناهان؛[۵]
۶. به دست آوردن هفتاد هزار حسنه؛
۷. برتری و ترفیع درجات؛
۸. انس و هم‌نشینی با فرشتگان در قبر؛
۹. استغفار فرشتگان؛[۶]
۱۰. پاداش جهاد در راه خدا.[۷]

**۳ـ طلب حاجت در مسجد و پناه بردن به آن**

در طول زندگی، برای انسان خواسته یا ناخواسته نیازهایی پیش می‌آید که به سادگی برآورده نمی‌شود؛ بدین جهت ذهن و روح آدمی مشغول می‌شود و چه بسا آن نیاز خواسته بسیار مهمّی هم باشد، در این‌گونه موارد نیاز به پناهگاهی قابل اطمینان و مددکاری غم‌خوار نیاز داریم. روایات مسجد در این‌گونه موارد، آدمی را دعوت می‌کند که به مسجد پناه ببرد و از خداوند توانا کمک بخواهد؛ زیرا او مددکاری توانا و غم‌خواری بی‌نقص است و پناه بردن به هر جای دیگری پناه به نقصان و ضعف به شمار می‌آید. از این‌رو، در نماز می‌گوییم: «إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاکَ نَسْتَعين؛ تنها تو را می‌پرستم و از تو کمک می‌خواهیم»[۸].

پناه بردن به مسجد و درخواست از خداوند به انسان آرامش روحی می‌بخشد

---

۱. بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۲۱.
۲. همان، ج۸۳، ص۳۸۳.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان، ص۳۸۴.
۶. بحارالانوار، ج۷۶، ص۳۳۶.
۷. المعجم الکبیر، ج۸، ص۱۷۷- ۱۷۸.
۸. حمد، آیه۵.

و شـخص بهتـر می‌توانـد مشـکلات را کنار بزنـد. در روایاتِ مسـجد بـه دو موضوع در ایـن باره اشـاره شـده اسـت: یکـی درخواسـت حاجت در مسـجد و دیگری پنـاه بردن به مسـاجد هنـگام بلاها و سـختی‌ها.

### الف) درخواست حاجت در مسجد

اگرچـه در همـه جـا انسـان می‌توانـد از خداونـد طلـب حاجت کنـد، امّا پیشـوایان دیـن بـه مـا آموخته‌اند کـه هرگاه حاجتـی داریـد، آن را در مسـجد و از خداوند طلب کنیـد؛ آنهـا خـود نیـز این چنیـن بودند. شـاید علّـت آن اعتماد بیشـتر به اسـتجابت دعـا و سـرعت در اجابت آن باشـد.

«عامربن‌سـعید» گویـد: روزی پیامبر اسـلام ﷺ به مسـجد بنی‌معاویه وارد شـدند، دو رکعـت نمـاز خواندنـد و ما نیز بـا او نماز خواندیم؛ سـپس، حضـرت دعایی طولانی بـه درگاه خداونـد کـرد و بعـد بـه مـا فرمود: سـه چیز از خـدای خود طلب کـردم، دو درخواسـت مـن را اجابـت کـرد و یکی را منـع نمود: درخواسـت کردم امّتـم را در این سـال هـلاک نکنـد و نیـز امّتـم را بـا غـرق شـدن هلاک نکنـد؛ خداونـد ایـن دو را به مـن عطـا کـرد، امّا درخواسـت کـردم بین آنـان دشـمنی و کینه واقـع نشـود و مرا از این منـع کرد.[1]

امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرمایـد: حاجتـی بـرای مـن پیـش آمـد، بـه مسـجد رفتـم [حاجتـم را بـا خداونـد در میـان گذاشـتم]؛ همـواره هـرگاه بـرای مـن حاجتی پیش می‌آیـد این‌گونـه عمـل می‌کنـم.[2]

همچنیـن آن حضـرت علیه‌السلام می‌فرمایـد: پـدرم هـرگاه می‌خواسـت حاجتـی طلـب کنـد، هنـگام زوال خورشـید طلـب می‌کـرد؛ او ابتـدا صدقـه مـی‌داد و مقـداری بـوی خـوش اسـتفاده می‌کـرد و بـه مسـجد می‌رفـت و بـرای طلـب حاجتش بـه آنچه خدا می‌خواسـت دعـا می‌کـرد.[3]

روزی رسـول خـدا ﷺ وارد مسـجد شـد. مـردی نمـازش تمام شـده بـود و با ادب

---

[1]. ص‌حیح مسلم، ج۸، ص۱۷۱- ۱۷۲.
[2]. عیاشی، محمّدبن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج۲، ص۲۹؛ بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۱۸۰، ح۸.
[3]. الکافی، ج۲، ص۴۷۷- ۴۷۸

و بـا یـاد عظمـت خداونـد، از خداوند می‌خواسـت کـه او را بیامرزد. پیامبر اسـلام ﷺ فرمـود: خداوند او را سـه مرتبه بخشـید.[1]

### ب) پناه بردن به مسجد هنگام بلا

وقتـی بلاهـای طبیعـی، ماننـد زلزلـه، خورشـید و ماه‌گرفتگـی، بادهای ترسـناک، انسـان‌ها را رنـج می‌دهـد، در ایـن هنـگام به‌طـور عـادّی افـراد دچـار بحـران روحـی می‌شـوند و درون انسـان نوعـی تـرس ایجاد می‌شـود. روایـات برای آرامش بخشـیدن بـه انسـان، او را دعـوت می‌کننـد که به مسـجد پناه ببـرد و از خدا برای برطرف‌شـدن آن کمـک بگیرید.

امـام محمّـد باقـر ؑ می‌فرماید: «إِنّ الـزّلاَزِلَ وَالْكُسُـوفَيْنِ وَالرِّيَاحَ الْهَائِلَـةَ مِنْ عَلاَمَاتِ السّـاعَةِ فَـإِذَا رَأَيْتُـمْ شَـيْئاً مِـنْ ذَلِـكَ فَتَذَكّرُوا قِيَـامَ السّـاعَةِ وَافْزَعُـوا إِلَى مَسَـاجِدِكُمْ؛ زلزلـه، خورشـید و مـاه گرفتگـی و بادهای ترسـناک همگـی از نشـانه‌های روز قیامت اسـت. هنـگام ایـن حادثه‌هـا روز قیامـت را بـه یـاد آوریـد و بـه مسـجدهایتان پنـاه ببرید».[2] هنگامـی کـه جنـاب ابراهیـم فرزنـد رسـول خـدا ﷺ از دنیا رفت، خورشـید گرفـت؛ مـردم گفتنـد بـه خاطر مرگ پسـر پیامبر اسـلام ﷺ ایـن چنین شـد. پیامبر اسـلام ﷺ نـزد مـردم آمـد و فرمـود: ای مـردم! خورشـید و مـاه دو نشـانه الهی‌انـد و گرفتگـی آنهـا بـه دلیـل مرگ و حیات کسـی نیسـت؛ هـرگاه ایـن واقعـه را دیدید به مسـاجد پنـاه ببرید.[3]

در روایـات دیگـر نیـز مشـابه مفاهیـم فـوق وارد شـده اسـت کـه نشـان می‌دهـد «مسـجد» جایـگاه خوبـی بـرای تأمیـن بهداشـت روان فـرد و جامعه و محلّـی أمن از جانـب خـدا اسـت کـه نـه تنها بـرای برطـرف شـدن نیازهـا می‌توان بـه آن پنـاه برد، بلکـه بـه هنـگام بلاهـای سـخت طبیعـی، مکانـی آرامش‌بخـش و اطمینان‌آور اسـت.

---

[1] . سنن نسایی، ج۳، ص۵۲.

[2] . وسائل‌الشیعه، ج۷، ص۴۸۷، ح۹۹۲۷.

[3] . مسـتدرک الوسـائل، ج۶، ص۱۶۸،ح۲۴۶۸؛ «انْكَسَـفَتِ الشَّـمْسُ يَـوْمَ مَاتَ‌ إِبْرَاهِيـمُ بْـنُ رَسُـولِ اللهِ ﷺ فَقَـالَ النَّـاسُ انْكَسَـفَتْ لِمَوْتِـ إِبْرَاهِيـمَ بْـنِ النَّبِـيِّ فَخَـرَجَ رَسُـولُ اللهِ ﷺ حِيـنَ سَـمِعَ ذَلِـكَ فَحَمِـدَ اللهَ وَ أَثْنَـى عَلَيْـهِ ثُـمَّ قَـالَ أَمَّـا بَعْـدُ أَيُّهَـا النَّـاسُ إِنَّ الشَّـمْسَ وَ الْقَمَـرَ آيَتَـانِ مِـنْ آيَـاتِ اللهِ لَايَنْكَسِـفَانِ لِمَـوْتِ أَحَـدٍ وَ لَالِحَيَاتِـهِ فَـإِذَا رَأَيْتُـمْ ذَلِـكَ فَافْزَعُـوا إِلَـى الْمَسَـاجِدِ».

### دو تشبیه

۱) در روایات، پناه بردن به مساجد به پناه بردن عقاب‌ها به آشیانه‌هایشان تشبیه شده است[۱] که می‌توان دو نکته از آن برداشت کرد:

اوّل: آشیانه عقاب بالاترین قسمت کوه و قلّه‌ها قرار دارد که دستبرد و تجاوز به آن ممکن نیست و هیچ موجودی به راحتی نمی‌تواند به آنجا دسترسی بیابد و این امر از امنیّت چنین خانه‌ای حکایت می‌کند.

دوّم: خانه و آشیانه انسان یا هر موجود دیگر، محلّ أمن و آرامش خاطر اوست؛ زیرا همسر و فرزندان انسان در آن خانه زندگی می‌کنند و از حال آنها آگاه می‌شود و به آرامش روانی دست می‌یابد.

۲) در برخی روایات دیگر، مسجد به باغ‌های بهشت تشبیه شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه از باغ‌های بهشت عبور کردید، با خوشی و کامرانی بهره ببرید؛ راوی گوید: پرسیدم: باغ‌های بهشت کجاست؟ فرمود: مساجد.[۲]

#### ۴ـ مسجد و ترک گناه و آمرزش

گاه انسان بر اثر گناه و اشتباهی که انجام داده است، احساس یأس و ناامیدی از رحمت خدا می‌کند. بنابراین، روان او زیر فشار سنگینی قرار می‌گیرد. راه خروج از این فشار روانی چیست؟

یکی از بهترین راه‌ها برای از بین بردن بن‌بست یأس و عادت بد، حضور در مسجد و استغفار و آمرزش از خداوند است. امام علی علیه السلام در یک روایت ضمن برشمردن آثار هشت‌گانه حضور در مسجد، به سه نکته اشاره می‌فرماید:

۱. سخنی بشنود که موجب هدایت او شود؛

۲. گناهی را به دلیل روح خشیّت و خداترسی ترک کند؛

---

[۱]. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۱، ح۳۷۸۲؛ امام سجاد علیه السلام از حضرت موسی‌بن‌عمران نقل می‌کند که فرمود: «یَا رَبِّ مَنْ أَهْلُکَ الَّذِینَ تُظِلُّهُمْ فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لَاظِلَّ إِلَّا ظِلُّکَ قَالَ فَأَوْحَی اللهُ إِلَیْهِ... الَّذِینَ یَأْوُونَ إِلَی مَسَاجِدِی کَمَا تَأْوِی النَّسُورُ إِلَی أَوْکَارِهَا»؛ محاسن برقی، ج۱، ص۱۶، ح۴۵ و ص۱۲۹۳.

[۲]. سنن ترمذی، ج۵، ص۱۹۳؛ «قَالَ نَبِیُّ اللهِ صلی الله علیه و آله: بَادِرُوا إِلَی رِیَاضِ الْجَنَّةِ، قَالُوا یَا رَسُولَ اللهِ وَ مَا رِیَاضُ الْجَنَّةِ؛ قَالَ: المساجد».

۳. گناهی را به خاطر حیا از برادران ایمانی ترک کند.[۱]

طبق این روایت، حضور در مسجد آثار روحی و روانی مهمّی را به همراه دارد و می‌تواند فرد و جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کند و مسلمانان را به سمت جامعه‌ای سالم هدایت کند. در واقع، حضور در مسجد، نقش بازدارندگی در ارتکاب جرم و گناه دارد. چه بسا شخصی در بیرون مسجد تصمیم به ارتکاب جرم یا گناهی بگیرد، امّا پس از حضور در مسجد و در جمع برادران دینی، به دلیل موعظه یا صِرف حضور در جمع مسلمانان از انجام آن چشم بپوشد. خداوند انسان را دعوت می‌کند که از گناه دست بکشد و تأکید می‌کند که نباید از رحمت الهی مأیوس گردد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».[۲]

استاد مطهّری رحمه‌الله در این باره می‌نویسد: در صورتی که انسان خدا را بشناسد و در وجودش، یکسره عناصر مقدّس و پاک باقی باشد، توفیق توبه پیدا می‌کند و به سوی خدا برمی‌گردد. او احساس می‌کند که لطف و عنایت الهی بر روح او سایه افکنده است. خداوند می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا»؛ این ندای حقّ است که می‌فرماید ای بندگان معصیت‌کار من، از رحمت من ناامید مباشید و به سوی من بیایید؛ من می‌پذیرم. او لطف خودش را شامل حال شما می‌کند و از آن پس یک لذّتی، یک حالتی ایجاد می‌شود که شیرینی عبادت را در ذائقه خودتان احساس می‌کنید.[۳] حضور در مسجد، که حضور در یک محیط پاک و نورانی است، سبب دور شدن فرد از محلّ گناه و جرم می‌شود.

## ج) راهکارهای رفتاری

### ۱. حجاب

رعایت حجاب توسّط زنان در جامعه موجب آرامش روحی و روانی خانواده‌ها،

---

[۱]. التهذیب، ج ۳، ص۲۴۸، ح۶۳۱۹؛ «كانَ أَميرُالْمُؤمِنينَ عليه‌السلام يَقُولُ مَن اخْتَلَفَ إلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إحْدَى الثَّمَانِ أَخاً مُسْتَفَاداً فِي اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشْيَةً أَوْ حَيَاءً».

[۲]. زمر، آیه۵۳.

[۳]. مطهّری، مرتضی، گفتارهای معنوی، ص۱۲۹.

افـراد و جامعـه می‌شـود و نبـودن حریـم میـان مـرد و زن و آزادی در معاشـرت‌های بی‌بندوبـار، هیجان‌هـا و التهاب‌هـای جنسـی را فزونـی می‌بخشـد. کنار رفتـن پرده‌ها و بی‌حجابـی بـه مـرور زمـان بـه جریـان بی‌بندوبـاری تبدیـل می‌شـود و تقاضـای سـکس بـه صـورت عطـش روحـی و یـک خواسـت اشـباع نشـدنی در می‌آیـد. غریزه جنسـی، غریـزه‌ای نیرومنـد، عمیـق و «دریـا صفت» اسـت و هـر چند بیشـتر اطاعت شـود، سـرکش‌تر می‌گـردد؛ همچـون آتش که هـر چه به آن بیشـتر خـوراک بدهند، شـعله‌ورتر می‌گـردد.

**مسجد و حجاب و عفاف**

آیـه مربـوط به پوشـش زنان در سـوره احـزاب، به زنـان و دختران دسـتور می‌دهد بـا جلبـاب؛ (چیـزی شـبیه چـادر) خـود را بپوشـانند. ایـن آیـه، وقتـی نازل شـد که زنـان می‌خواسـتند بـه مسـجد بروند. علّـت رعایت حجـاب، آرامش روحی و جسـمی زن بیـان شـده اسـت که مـورد اذّیـت و آزار واقع نشـوند.

در روایـت آمـده اسـت کـه زنـان از خانـه بیـرون می‌آمدنـد، بـه مسـجد می‌رفتنـد و پشـت سـر رسـول خـدا ﷺ نمـاز می‌خواندنـد. آنان شـب برای نمـاز مغـرب مغرب و عشـا و بامـداد از خانـه بـه سـوی مسـجد روانـه می‌شـدند؛ امّـا جوانان در مسیرشـان می‌نشسـتند و ایجـاد مزاحمـت می‌کردنـد. خداونـد آیـه ۵۹ از سـوره احـزاب را نازل فرمـود: «یَـا أَیُّهَـا النَّبِـیُّ قُـلْ لِأَزْوَاجِـکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَـاءِ الْمُؤْمِنِیـنَ یُدْنِیـنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِـنَّ ذَلِـکَ أَدْنَـی أَنْ یُعْرَفْـنَ فَـلَا یُؤْذَیْـنَ وَ کَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِیمـاً؛ ای پیامبر، به همسـران و دختـران خـود و زنـان مؤمـن بگـو کـه خویشـتن را در چادر فرو پوشـند. ایـن کار مناسـب‌تر اسـت تـا بـه پاکدامنـی شـناخته شـوند و مـورد اذّیـت و آزار واقع نشـوند و خداونـد آمرزنـده و مهربان اسـت».

بی‌شـکّ، حجـاب بـه نفـع زن خواهـد بود اسـت و این مهـمّ در مکان‌هـای مذهبی، اماکـن زیارتـی و مسـاجد بیشـتر مـورد تأکیـد قـرار گرفتـه اسـت. چه بسـا ایـن نوع پوشـش در ایـن مکان‌هـا به‌ویـژه مسـجد، مقدّمـه‌ای بـرای پوشـش و رعایـت حجاب در کوچـه و بازار بشـود.

استاد مطهّری می‌نویسد: «اسلام یک وظیفه هم، خاصّ زنان مقرّر کرده و آن پوشاندن بدن خود از مردان بیگانه و جلوه‌گری و دل‌ربایی نکردن در جامعه است و گرنه هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجّه کردن مردان و تصاحب قلب آنان سیر نمی‌شود و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه به نوعی احساس محرومیّت مقرون است. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و روانی می‌گردد».[1]

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: غریزه جنسی انسان (مانند غریزه جاه‌طلبی، علم‌طلبی و...) فقط ظرفیّت جسمانی ندارد، بلکه ظرفیّت روحی هم دارد که سیرشدنی نیست.[2]

با توجّه به بی‌حدّ و اندازه بودن غریزه جنسی، ترویج حجاب، ایجاب می‌کند که زنان در مکان‌های مقدّس، به‌ویژه در مساجد با چنین پوششی حاضر شوند تا مانع ارضاء غلط غریزه جنسی و بی‌بندوباری شوند. پس از آن، زن متوجّه خواهد شد که پوشش و حجاب چه تأثیر مثبتی بر روح و روانش می‌گذارد و چه آرامش خاصّی به او می‌بخشد.

### ۲. مسجد، کار و روزی حلال

کسب و کار برای سلامتی روان، مفید است. هنگام کار، سلامت روانی افراد بهبود می‌یابد و در هنگام بی‌کاری، سلامتِ روان مختل می‌شود. افراد بی‌کار بیشتر افسرده یا مضطرب هستند یا دیگر نشانه‌های سلامت روانی ضعیف را نشان می‌دهند.[3] کار و فعّالیّت از ضروریات زندگی است و اسلام کار و تلاش را برای به دست آوردن روزی را مانند جهاد در راه خدا برشمرده است. کار در عین اینکه معلول فکر، روح، خیال، دل و جسم آدمی است، سازنده خیال، عقل، فکر، دل و قلب و به‌طور کلّی سازنده و تربیت‌کننده انسان است.[4] از دیگر فائده‌های

[1]. مطهّری، مرتضی، مسأله حجاب، ص۸۸.
[2]. مطهّری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج۴، ص۹۵ (تفسیر سوره نور).
[3]. آرگایل مایکل، روان‌شناسی شادی، ص۱۶۱.
[4]. مطهّری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص۴۲۳.

کار، مسأله حفظ شخصیّت، جنسیّت و استقلال است که تعبیرهای مختلفی دارد؛ برای مثال به آن، آبرو هم می‌گویند.[1] کار بر عزّت انسان می‌افزاید و او را در نظر خودش محترم می‌نماید؛ یعنی حسّ احترام به ذات و اعتماد به شخصیّت در او ایجاد می‌کند. در مقابل، کوچک‌ترین اثر بی‌کاری این است که احترام و شخصیّت انسان را نزد دیگران و نزد خودش از بین می‌برد و همین درهم شکستن شخصیّت انسان، سبب می‌شود که تن به هر پستی و بیچارگی بدهد.[2]

امّا از منظر اسلام، کسب و کار وقتی ارزش پیدا می‌کند و آثار ارزشمند روحی دارد که از راه مشروع به دست بیاید. ارتباط فرد با مسجد، می‌تواند نقشی مهمّ در بالا رفتن کیفیّت و حتّی کمّیت رزق و روزی داشته باشد. آغاز کردن کار با حضور در مسجد و با دعا و ذکر و یاد خدا، حلاوت و شیرینی خاصّی برای انسان خواهد داشت.

ابوسعید می‌گوید: در زمان رسول خدا ﷺ هنگام صبح زود به مسجد می‌رفتیم، در آن نماز می‌خواندیم، سپس کسب روزی را آغاز می‌کردیم.[3]

امام صادق ؑ از فردی بازاری به نام ولید، پرسید: «يَا وَلِيدُ! أَيْنَ حَانُوتُكَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ فَقُلْتُ: عَلَى بَابِهِ؛ ای ولید! مغازه‌ات چقدر از مسجد فاصله دارد؟ وی گفت: کنار در مسجد است؛ سپس امام ؑ فرمود: إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ أْتِيَ حَانُوتَكَ فَابْدَأْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلِّ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعاً ثُمَّ قُلْ غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلَاحَوْلٍ مِنِّي وَلَاقُوَّهٍ بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ اللهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ؛ هرگاه خواستی به مغازه‌ات بروی، ابتدا به مسجد برو؛ در آنجا دو یا چهار رکعت نماز بخوان، سپس بگو: صبح کردم به حول و قوّت الهی، نه به حول و توان خودم. ای پروردگار، من بنده تو هستم و از فضل تو درخواست می‌کنم، همان‌گونه که خود فرموده‌ای؛ روزی را بر من آسان گردان و من در پناه لطف و عنایت تو آسایش دارم».[4]

---

[1]. همان، ص۴۲۶.
[2]. استاد مطهّری، حکمت‌ها و اندرزها، ص۲۰۰.
[3]. سنن نسایی، ج ۲، ص۵۵.
[4]. کلینی، الکافی، ج۳، ص۴۷۴، ح۴.

این آسایش که در پناه لطف الهی از خداوند درخواست می‌شود، همان آسایش روحی است.

روایت دیگری نیز به همین مضمون از امام صادق علیه‌السلام درباره کسی که وقتی برای کسب و کار از مسجد أعظم کوفه عبور می‌کرده، آمده است که انسان ابتدا به مسجد برود و از خداوند درخواست برکت و روزی حلال کند تا بتواند در سایه عنایت خداوند در آسایش باشد.[1]

### ۳. مسجد و مراسم ازدواج

یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر «ازدواج» است. از اهداف ازدواج از نظر اسلام، رشد و تکامل معنوی افراد است، از نظر اسلام، ازدواج موجب کمال و ارزش یافتن زن و شوهر می‌شود.[2] خداوند متعال هدف از ازدواج را رسیدن به آرامش می‌داند: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش بیابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد».[3]

«مسجد» می‌تواند جایگاهی شایسته برای برگزاری مراسم عقد ازدواج باشد. در چنین مراسمی، اجتماع مسلمانان به هم گره می‌خورد و سبب استحکام خانواده نیز می‌شود. زن و شوهر با برگزاری این مراسم می‌توانند از نظر اخلاقی متعهّد شوند که یاور خوبی برای یکدیگر باشند و برگزاری مراسم آنان در مسجد، سبب تقویّت روحیّه دینی آنان می‌شود.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مراسم عقد ازدواج فاطمه زهرا علیهاالسلام و امام علی علیه‌السلام را در مسجد برگزار کردند.[4] به دستور آن حضرت سفره وسیعی در مسجد گستردند و به بسیاری

---

[1]. کلینی، الکافی، ص۴۷۵، ح۵؛ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِالله علیه‌السلام إِنَّهُ كَانَ فِي يَدِي شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَ ضِقْتُ ضِيقاً شَدِيداً فَقَالَ لِي أَ لَكَ حَانُوتٌ فِي السُّوقِ قُلْتُ نَعَمْ وَ قَدْ تَرَكْتُهُ فَقَالَ إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَاقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ وَ اكْنُسْهُ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سُوقِكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ تَوَجَّهْتُ بِلَا حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ...».

[2]. علی قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص۵۲.

[3]. روم، آیه۲۱.

[4]. بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۰۶؛ «لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَنْ يُزَوِّجَ فَاطِمَةَ عَلِيّاً علیه‌السلام قَالَ لَهُ اخْرُجْ يَاأَبَاالْحَسَنِ إِلَى الْمَسْجِدِ...».

از مسلمانان غذا دادند.[1] آنگاه حضرت، عروس و داماد را به مسجد فرا خواندند و دست حضرت فاطمه علیها السلام را در دست امام علی علیه السلام گذاشتند و برای آن دو دعا کردند.[2]

به پیروی از آن حضرت، برخی مساجد جایگاه خاصّی را برای این منظور اختصاص داده‌اند؛ از جمله امروز می‌توان مسجد بزرگ «مالزی» و «اندونزی» را مثال زد که بخشی از مسجد را برای برگزاری مراسم عقد اختصاص داده‌اند. انسان باید به راهکارهایی توجّه کند که باعث باقی ماندن محبّت و آرامش می‌شود و بنیان خانواده را محکم می‌کند. یکی از چیزهایی که پایه و محیط خانوادگی را محکم می‌کند، رعایت عفاف و عدم بی‌بندوباری جنسی است.

مراسم عقد در مسجد سبب تعهّدی مذهبی برای زوجین ایجاد کند که به جامعه و محیط اسلامی وابسته‌اند و بی‌بندوباری در اسلام و برای کسی که مسجدی است، صحیح نیست. این روحیّه می‌تواند استحکام بیشتری به زندگی بد هد.

### ۴ـ مسجد و روابط اجتماعی

نیاز به پیوند اجتماعی در رأس نیازهای انسانی به شمار می‌آید؛ زیرا انسان به ناچار در محیطی زندگی می‌کند که در آن ارضای تمام نیازهای مادّی و معنوی‌اش بر تعامل با دیگران متوقّف است.[3] در این ارتباطات، ما در ضمن رفع مشکلات خود، امکانات اجتماعی مناسبی به وجود می‌آوریم.[4]

اسلام برای بهبود روابط افراد، دستورهایی داده است؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَ لَاتَكُنْ فَظّاً غَلِيظاً يَكْرَهِ النَّاسُ قُرْبَكَ؛ تندخو و بد برخورد مباش که مردم مباشرت با تو را دوست نداشته باشند».[5]

مسجد، مکانی مقدّس برای رابطه فرد و خدا و نیز فرد با افراد است. از صدر

---

[1]. همان، ص۱۱۴.
[2]. همان، ص۱۱۶؛ ثُمَّ أَنْفَذَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله إِلَى عَلِيٍّ وَ دَعَاهُ إِلَى الْمَسْجِدِ...ثُمَّ دَعَا لَهُمَا».
[3]. بستانی، محمود، اسلام و روان‌شناسی، محمود هویشم، ص۲۰۸.
[4]. جولیانی وود، ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروز بخت، ص۳۰.
[5]. وسائل الشیعه، ج۲، ص۲۰۳.

اسلام تاکنون، اصلی‌ترین مرکز برای روابط اجتماعی مناسب بین مسلمانان، مسجد بوده است. «محمّد سلیمان تاکیوچی» عضو جامعه قوم‌شناسی ژاپن در پاسخ به این پرسش که چرا از میان تمام ادیان و مذاهب، دین اسلام را انتخاب کرده‌ای، می‌نویسد: «مذهب بودا و مسیحیّت علایق معنوی را از علایق مادّی جدا کرده و انسان را به کناره‌گیری از جامعه ترغیب می‌کند؛ بعضی از فرقه‌های بودایی و مسیحی، معبدها و صومعه‌ها را در کوه‌ها و اماکن دور از دسترس جامعه بنا می‌کنند؛ امّا در اسلام مساجد در قلب اجتماعات، در روستاها و شهرها بنا می‌شود و نیایش با جماعت و در خدمت جامعه مورد تقدیر است. من اطمینان دارم این زمان بهترین فرصت برای اشاعه اسلام در ژاپن است».

در هر صورت، مسجد کارکردها و نقش‌های اجتماعی فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱ـ یافتن دوست خوب؛

۲ـ اطعام در مسجد و رسیدگی به امور فقرا؛

۳ـ جویا شدن از احوال مسلمانان و برادران ایمانی؛

۴ـ اجتماع مؤمنان به عنوان پشتوانه جامعه دینی؛

۵ـ تأثیرگذاری مثبت در خانواده؛

۶ ـ وحدت و همبستگی میان مسلمانان؛

۷ـ مشورت و گرفتن تصمیم‌های سیاسی از جمله جنگ و صلح.

**۱ـ ۴ـ یافتن دوست خوب**

هیچ فردی در زندگی اجتماعی از دوستان خوب بی‌نیاز نیست. دوست خوب، یاور انسان در مسیر راه سعادت و غم‌خواری دلسوز در هنگام بروز مشکل‌ها و سختی‌ها است. یکی از مکان‌هایی که روایات آن را کانون یافتن دوست خوب و صمیمی می‌دانند، «مسجد» است. امام علی علیه‌السلام یکی از آثار مهمّ مسجد را، یافتن برادری دینی و دوستی مفید می‌داند «اخاً مستفاداً فی الله؛[1] یعنی برادری ایمانی

[1]. شیخ طوسی، التهذیب، ج۳، ص۴۴۹.

کـه در مسـیر خداونـد از او اسـتفاده کنـد؛ زیـرا در مسـجد افـراد برگزیـده و صالـح و پرهیـزگار رفت‌وآمـد می‌کننـد؛ «الْمَسَـاجِدُ بُیُـوتُ الْمُتَّقِیـن؛ مسـجد جایـگاه پاکان و صدّیقان اسـت».[1]

امـام صـادق علیه‌السلام فرمـود: شـخصی وارد مسـجد رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شـد و از خـدا درخواسـت کـرد کـه از تنهایـی رهایـی پیدا کنـد و همدمـی نیکو و هم‌نشـینی صالح نصیبـش شـود. خداونـد متعال ابوذر غفـاری کـه از صحابه بزرگ رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود را بـه عنـوان هم‌نشـین بـرای او فرسـتاد.[2] انسـان از بین افـراد مؤمن دوسـتی انتخاب می‌کنـد کـه آثـار سـلامتی روح و روان آن بـه خوبی آشـکار اسـت.

**۲ـ ۴ـ مسجد و اطعام و کمک به فقرا**

یکـی از ویژگی‌هـای مسـجد رسـیدگی بـه امـور فقـرا و اطعـام دادن به آنان اسـت. ایـن سـنّت حسـنه از زمـان رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وجـود داشـته اسـت. روزی آن حضرت دسـتور داد از هر باغدار بخشـنده، ده بار شـتر خوشـه خرما بگیرند و در مسـجد برای فقـرا بیاویزند.[3] همچنیـن، در زمـان رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله افـرادی کـه از نظـر مالـی ناتوان بودنـد، بـه مسـجد رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رفتنـد و آن حضـرت بـه آنهـا کمـک می‌کرد و اگـر وقـت نمـاز بـود، پـس از نمـاز بـه آنهـا چیـزی عطـا می‌کرد.[4] بـه همیـن علّت، در کنـار مسـجد پیامبـر اسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله جایـی بـا نام «اصحـاب صُفّه» بـرای فقـرا در نظر گرفته شـد.

**۳ـ۴ـ مسجد پایگاه اتّحاد و همبستگی**

مسـجد کانـون اتّحـاد و همبسـتگی، انـس و الفـت مسـلمانان بـا یکدیگـر اسـت.

---

[1]. مستدرک‌الوسائل، ج۳، ص۳۶۲، ح۳۷۸۶.

[2]. الکافـی، ج۸، ص۳۰۷، ح۴۷۸؛ قَـالَ کَانَ رَجُـلٌ بِالْمَدِینَـهِ یَدْخُـلُ مَسْـجِدَ الرَّسُـولِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَـالَ اللهُـمَّ آنِـسْ وَحْشَـتِی وَصِـلْ وَحْدَتِـی وَارْزُقْنِـی جَلِیسـاً صَالِحـاً فَـإِذَا هُـوَ بِرَجُـلٍ فِـی أَقْصَـی الْمَسْـجِدِ فَسَـلَّمَ عَلَیْـهِ وَقَـالَ لَـهُ مَـنْ أَنْـتَ یَـا عَبْـدَ الله؟ فَقَـالَ: أَنَـا أَبُـو ذَرٍّ فَقَالَ الرَّجُـلُ اللهُ أَکْبَـرُ اللهُ أَکْبَـرُ؛ فَقَـالَ أَبُـو ذَرٍّ وَلِـمَ تُکَبِّـرُ یَـا عَبْـدَ الله؟ فَقَـالَ: إِنِّـی دَخَلْـتُ الْمَسْـجِدَ فَدَعَـوْتُ اللهَ عَـزَّ وَجَـلَّ أَنْ یُؤْنِـسَ وَحْشَـتِی وَأَنْ یَصِـلَ وَحْدَتِـی وَأَنْ یَرْزُقَنِـی جَلِیسـاً صَالِحـاً، فَقَـالَ لَـهُ أَبُـو ذَرٍّ أَنَـا أَحَـقُّ بِالتَّکْبِیـرِ مِنْـکَ...».

[3]. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص۳۷۵، ح۱۶۶.

[4]. ر.ک: صحیح بخاری، ج۱، ص۱۰۸ و ج۴، ص۳۰ و ۳۱.

مسـلمانی کـه به‌طـور منظّـم و در زمان‌هایـی ویـژه، ماننـد نمازهـای روزانـه و نمـاز جمعـه و بـا آدابـی خاصّ، مانند بـا وضو و طهارت بـودن، در اجتماعی عبادی شـرکت می‌کنـد، خـودآگاه یـا ناخـودآگاه در معـرض تربیـت دینی قـرار می‌گیرد و آثـار مهمّ اخلاقـی و رفتـاری و حـسّ همبسـتگی اجتماعـی در وجـود او نمایـان می‌شـود.

«مارسـل بـوازا» اسلام‌شـناس سوئیسـی می‌نویسـد: «مسـجد، عامـل نیرومندی از همبسـتگی و اتّحـاد مسـلمانان جهـان اسـت و اهمیّـت اجتماعـی و فرهنگـی آن را از ایـن بابـت نمی‌تـوان نادیده گرفت؛ بـه خصوص در روزگار معاصر که مسـلمانان شـور و حـرارت صـدر اسـلام را دگـر بـار از خود نشـان می‌دهند، مسـاجد به صـورت مراکز تربیـت روحانـی و پایـگاه جنبش امّت مسـلمان نسـبت به سـتمگران و سـلطه‌جویان در آمـده اسـت و بـه تدریـج مسـاجد موقعیّت سـال‌های نخسـتین ظهور اسـلام را به دسـت آورده‌اند».[1]

**۴ـ۴ـ مسجد پشتوانه جامعه دینی**

اجتمـاع مؤمنـان بـه دلیـل ماهیّـت دینـی و مذهبـی خاصّـی کـه دارد، می‌توانـد نسـلی را پدیـد آورد کـه پشـتوانه جامعه اسـلامی باشـد. چنین اجتماعـی می‌تواند در مسـائل سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار باشـد و در مسـائل سیاسی هوشیاری لازم را پدیـد خواهـد آورد. مسـلمانان می‌تواننـد در برابر توطئـه مخالفان، تصمیم‌های مناسـب بگیرنـد و از نظـر اقتصـادی یـار و یـاور یکدیگـر و جامعـه باشـند و از نظـر فرهنگـی، فرهنـگ صحیـح دینـی را با روشـی صحیـح از جملـه امر به معـروف و نهی از منکـر در جامعـه پیـاده کنند.

**۵ـ۴ـ مسجد و خانواده**

زنـان و مـردان در دسـت‌یابی بـه فوایـد و ثمره‌هـای حضور در مسـجد مشـترک‌اند و ارمغـان آن نصیـب خانـواده آنـان می‌شـود. حضـور بانـوان کـه رکـن اصلـی خانواده محسـوب می‌شـوند، نقشـی به‌سـزا در تربیـت و آرامـش روانـی خانـواده دارد؛ چـون

[1]. مارسل بوازا، اسلام در جهان امروز، ص۱۰۱- ۱۰۲.

بانـوان فرصـت بیشـتری دارنـد، می‌تواننـد بـا حضـور منظّـم و دائم در مسـجد، بیش از مـردان بـرای خانـواده نقش‌آفرینـی کننـد. همچنین، همبسـتگی و دلبسـتگی بین زنان بیشـتر از مردان اسـت و آنان قدرت انتقال و سـرعت انتقال بیشـتری نسـبت به مـردان دارنـد. آنهـا در تبـادل اطّلاعات دینی، سیاسـی، اخلاقـی و اجتماعـی موفّق‌تر هسـتند و نیـز بـه دلیـل لطافـت روحـی و صافـی قلـب و عاطفـه مـادری و همسـری تـوان تأثیرگـذاری بیشـتری در خانـواده دارنـد. از این جهـت، حضور آنان در مسـجد می‌توانـد فضـای خانـواده و بـه دنبـال آن جامعـه را دگرگـون کنـد. کـودکان نیـز بـا حضـور در مسـجد، راه و رسـم مسـائل دینـی و مذهبـی را می‌آموزنـد. تأثیرپذیـری آنـان بسـیار قـوی و دقیـق اسـت و چون مسـجد محـلّ امنی بـرای آموزه‌هـای دینی و اخلاقـی و فکـری اسـت، هـر گفتـار یـا کـرداری کـه می‌آموزنـد، تأثیـری بسـزا در عملکـرد و روحیّـه کـودکان دارد و در نتیجه، بـا انتقال آن به خانواده، جامعه‌ای سـالم و سـودمند ایجـاد می‌شـود.

**۶ـ۴ـ مسجد و مشورت تصمیم‌های سیاسی**

مسـجد تأثیرهـای سیاسـی گوناگونـی دارد. مشـورت‌ها و تصمیم‌هـای سیاسـی کـه در مسـجد گرفتـه می‌شـود و آگاهی‌بخشـی‌های مسـجد، در موفّقیّـت و پیـروزی مسـلمانان بسـیار تأثیرگـذار خواهـد بـود، بـر همیـن اسـاس، پیامبـر اسـلام ﷺ در مسـجد، جلسـات مشـورتی تشـکیل مـی‌داد و تصمیم‌هـای سیاسـی مهمّ زمـان او در مسـجد گرفتـه می‌شـد. در زمان پیامبر اسـلام ﷺ زمینـه آمادگی عمومی مسـلمانان بـرای جهـاد، در مسـجد تـدارک دیده می‌شـد. حضرت رسـول ﷺ مسـلمانان را برای جنـگ أحـد در مسـجد مدینـه گـرد آورد و دربـاره چگونگـی اداره جنـگ و موقعیّـت مکانـی جهـاد بـا آنـان مشـورت کـرد کـه آیـا در مدینـه بماننـد یـا بیـرون مدینـه به جنـگ بـا آنها بپـردازد.[1]

[1]. طبری، محمّدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج۴، ص۴۴.

### ۵ـ آراستگی برای رفتن به مسجد

روح انسان از آراستگی زیبایی و بوی خوش و مانند آن لذّت می‌برد در مقابل ژولیدگی، رعایت نکردن نظافت و پاکیزگی جسم انسان را اذّیت و آزار می‌دهد و باعث کند شدن فعّالیّت‌های انسان و چه بسا اعمال ناهنجار بشود.

اسلام در موقعیّت‌های مختلف به پاکی، آراستگی، استفاده از لباس نو و زیبا، بوی خوش و مانند آن دعوت نموده است. وضو گرفتن برای نمازهای پنج‌گانه، غسل‌های واجب و مستحّب، استعمال بوی خوش در جاهای متعدّد همیشه مورد تأکید اسلام است.

یکی از مواردی که اسلام تأکید بر آراستگی و زیبایی تأکید می‌کند، آراستگی هنگام وارد شدن به مسجد است. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ هنگام رفتن به مسجد، زینت برگیرید».[1] این فراز از آیه شریف، در روایات اسلامی بر زینت به لباس خوب و تمیز،[2] شانه‌زدن به موهای سر و صورت،[3] پوشیدن لباس‌های زیبا در روز جمعه و روزهای عید، مانند عید فطر و قربان،[4] پوشیدن کفش و انگشتر تفسیر شده است. البتّه، اسلام در همه موارد حدّ اعتدال را رعایت می‌کند؛ نه مانند بعضی (مسیحیّت) است که زهد و پارسایی غلط را پیشه کرده‌اند و استفاده از هرگونه آراستگی و زینت را نمی‌پذیرند و نه مانند دنیاپرستانی (یهود) است که غرق در زینت و تجمّل‌پرستی شده‌اند.

زیبایی و آرستگی، تأثیر زیادی در روح و روان انسان دارد. حضور در مسجد، اگر با آراستگی و زیبایی همراه باشد، نگاه غیرمسجدی‌ها هم به ایشان مثبت و باعث جذب افراد جامعه می‌شود. افزون بر آنکه، پاکیزگی افراد، سبب مهار بیماری‌ها می‌شود. همچنین، از نظر روان‌شناسی، زیبایی «خواست فطری انسان» است. بنا به گواهی روان‌شناسان، «حسّ زیبایی» یکی از چهار بُعد فطرت انسانی است که در کنار «حسّ نیکی»، «حسّ دانایی» و «حسّ مذهبی یا پرستش»

---

[1] . اعراف، آیه ۳۱.
[2] . تفسیر العیاشی، ج۳، ص۱۲.
[3] . همان، ص۱۳.
[4] . مجمع البیان، ج۴، ص۲۴۲؛ بحارالانوار، ج۸۶، ص۱۹۶.

ابعـاد اصلـی روان آدمـی را تشـکیل می‌دهنـد. بنابرایـن، در اسـلام، اسـتفاده کردن از زیبایی‌هـای طبیعـت، لباس‌هـای زیبـا، عطرهـای خوشـبو و امثـال آن نـه تنهـا مجاز شـمرده شـده اسـت که به آن توصیّه و سـفارش نیز شـده اسـت.[1] اسـتفاده از زیبایی در هنـگام حضـور در مسـجد، باعـث تقویّـت این حسّ انسـان و شـکوفا شـدن فطرت سـالم انسـان خواهد بود.[2]

[1] . مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج۶، ص۱۵۰.
[2] . ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج۱۱، ص۹؛ ر.ک: بحارالانوار، ج۳۲، ص۲۳.

## » نتیجه سخن

یکـی از نعمت‌هـای بـزرگ الهـی در زندگـی انسـان، تندرسـتی اسـت. در مقابـل، بیمـاری همـواره بـه عنـوان خطـری، انسـان و جامعـه را تهدیـد می‌کنـد و زیان‌های اقتصـادی، خانوادگـی و اجتماعـی را بـه دنبـال دارد. امـروز از نظـر کارشناسـان ایـن حقیقـت مسـلّم اسـت کـه بـرای سـازگاری منطقـی بـا خـود و محیـط و رسـیدن به تندرسـتی و آرامـش بایـد بـه بهداشـت روان توجّـه کافـی مبـذول داشـت. بـا وجـود پیشـرفت‌های علمـی چشـم‌گیری کـه در زمینه‌هـای روان‌پزشـکی و روان‌درمانـی صـورت گرفتـه، صاحب‌نظـران، همچنـان بـر نیـاز به دیـن در زمینـه بهداشـت روانی تأکیـد فـراوان دارند.

آنهـا عقیـده دارنـد کـه اعتقـادات مذهبـی در تسـکین آلام روحـی بسـیار مؤثّـر اسـت. داشـتن ایمـان و دل‌سـپردن به خداونـد و قرار گرفتن در مسـیری کـه او برای سـعادت بشـر تعییـن کـرده، در انسـان اطمینانـی مؤثّر و نیـروی قوی پدیـد می‌آورد. در ایـن میـان، شـرکت در مراسـم دینی و حضـور در اماکن مذهبی مثل «مسـاجد» و زیارتگاه‌هـا نقـش بسـیار مؤثّـری در تأمیـن بهداشـت روانی انسـان دارد.

مسـاجد، از اماکـن بسـیار مهمّ مذهبی هسـتند کـه کارکردهای فـردی و اجتماعی متعـدّدی را در ارتبـاط بـا بهداشـت روان بـر عهـده دارند. تحقیقات نشـان داده اسـت کـه حضـور در مسـجد می‌توانـد در از بیـن بـردن مشـکلاتی، مانند احسـاس تنهایی، غـم و انـدوه و حتّـی انزواگرایی بسـیار مؤثّر باشـد. گردهمایی‌های مذهبی در مسـاجد کـه مسـلمانان در اجـرای مناسـک آن به‌طـور متّحـد عمـل می‌کننـد، پیوندهـای عاطفـی آنهـا را تقویّـت می‌کنـد و صمیمیّـت بیشـتری را در بین آنها وجـود می‌آورد.

دوری از انـزوا، رهایـی از اندوه‌های جانکاه و احسـاس توانمندی در همراهی و تعاون بـا دیگـران، همـه به‌طـور غیرمسـتقیم، در زمـره درمان‌هـای روانی قـرار می‌گیرند که بـا حضـور در مسـجد و در جمع صمیمی انسـان‌های باایمان تحقّـق می‌پذیرد.

بنابرایـن، ارتبـاط وثیـق مسـجد با ایمان بـه خدا، ذکر خـدا، اعتقاد به قضـا و قدر و رضایـت از زندگـی برخـی از مهمّ‌تریـن راهکارهای معرفتی اسـت کـه در نقش‌آفرینی مسـجد برای بهداشـت روانی تأثیر دارد. همچنین، حضور انسـان در مسـجد و اجرای

کارهایی عاطفی، مثل دعا خواندن و توبه کردن نیز تأثیری به‌سزا در پاکی روح آدمی دارد. علاوه بر آنکه، می‌توان به نقش مسجد در ایجاد راهکارهای رفتاری، مانند: حجاب، ازدواج، کار، رابطه اجتماعی مناسب و آراستگی اجتماعی اشاره کرد.

با مطالعه در منابع روایی که به برخی در این نوشتار اشاره شد، درمی‌یابیم که مسجد می‌تواند در سه راهکار «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» بر روح انسان تأثیر به‌سزایی بگذارد. مقصود از معرفت، شناخت خود، خدا و نیز جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. رابطه و أنس فرد با مسجد، در بسیاری از مؤلّفه‌های معرفتی، مانند ایمان و اعتقاد صحیح، کسب دانش و غیره می‌تواند نقشی اساسی و تقویّت‌کننده ایفا کند.

مراد از راهکارهای عاطفی، مؤلّفه‌هایی نظیر احساسات فرد است؛ مانند ترس، وحشت، شادی، غم و رضایت. گرایش‌های عاطفی افراد نیز همواره بر نگرش‌های شناختی آنها مبتنی است. به عنوان مثال، افراد با ایمان از آرامش روحی و روانی بهتری برخوردارند و همواره نوعی رضایت در آنان به چشم می‌خورد. ارتباط با مسجد هم، می‌تواند نقشی مستقیم و اساسی در شادی، نشاط و امیدواری افراد داشته باشد.

به هر حال، ارتباط با مسجد، بر اعمالی که افراد بر اساس نگرش‌های شناختی و عاطفی انجام می‌دهند، مثل بسیاری از وظایفی همچون استعانت از نماز و صبر، استفاده از روزی‌های پاک و حلال که خداوند برای افراد مؤمن مقرّر می‌فرماید، تأثیری مثبت دارد. کسب روزی پاک با وجود ارتباط با مسجد و آموزه‌هایی که در این باره وجود دارد، با کسب روزی از شیوه‌های دیگر متفاوت خواهد بود.

## منابع و مآخذ


» قرآن کریم
» جولیانی، ودود، ارتباطات میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، نشر آفتاب، بی‌جا، چاپ اوّل، ۱۳۷۹ هـ.ش.
» بستانی، محمود، اسلام و روان‌شناسی، ترجمه: محمود هویشم، ج۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵هـ.ش.
» شیخ صدوق، الامالی، قم، درالثقافه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
» ـــــــــ ثواب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
» ـــــــــ علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
» ـــــــــ من لایحضره الفقیه، قم، جامعه المدرّسین، ۱۴۱۴ هـ.ق.
» مطهّری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۴ هـ.ش.
» ـــــــــ بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ هـ.ش.
» ـــــــــ تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، بی‌تا.
» ـــــــــ آشنایی با قرآن، تفسیر سوره نور، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، بی‌تا.
» ـــــــــ حکمت‌ها و اندرزها، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ هـ.ش.
» ـــــــــ مسأله حجاب، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ هـ.ش.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسّسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
» گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، انتشارات ارسباران، ۱۳۸۷ هـ.ش.
» شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، انتشارات رشد، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» عیاشی سمرقندی، محمّدبن‌مسعود، تفسیرالعیاشی، تهران، انتشارات علمیّه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» شیخ طوسی، التهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» مسعودآذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، انتشارات مؤسّسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اوّل، ۱۳۸۲ هـ.ش.
» سلیمان‌بن الاشعث السجستانی، سنن ابی‌داود، تحقیق: سیّد محمّد اللحام، بیروت، دارالفکر، چاپ اوّل، ۱۴۱۰ هـ.ق.
» محمّدبن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالوّهاب عبدالطیف، بیروت، دارالفکر،۱۴۰۳ هـ.ق.
» النسایی، احمدبن شعیب، سنن النسائی، دارالفکر، بیروت، ط اوّل، ۱۳۴۸ هـ.ق.
» ابن ابی‌الحدید المعتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
» محمّدبن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.ق.
» مسلم‌بن الحجاج النیسابوری صحیح مسلم، بیروت، درالفکر، بی‌تا.
» کلینی، محمّدبن یعقوب، الکافی، تهران، درالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» المتّقی الهندی، کنزالعمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوهالصفا، بیروت، مؤسّسه الرساله، بی‌تا.
» ابوعلی الفضل‌بن‌الحسن الطبرسی، مجمع‌البیان، بیروت، مؤسّسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اوّل، ۱۴۱۵ هـ.ق.
» محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسّسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.
» سلیمان‌بن‌احمدبن ایوب اللخمی الطبری، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، انتشارات ابن تیمیه، چاپ دوّم.
» علی قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، قم، انتشارات دارالتبلیغ، بی‌تا.

» شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، مؤسّسه احیاءالتراث الاسلامی، بی‌تا.
» Islam our choice ashra publications Karachi 1976 P.P. 106- 100

# بررسی فقهی و تاریخی قضاوت در مسجد

مرتضی رستگار

## چکیده

نوشتار حاضر، پس از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی «قضا»، تلاش می‌نماید تا با جمع‌آوری دیدگاه‌های فقهای متقدّم و متأخّر، اثبات کند که نه تنها قضاوت در مسجد کراهت ندارد، بلکه در بعضی شرایط، ضروری است. نگارنده، هم نظرات فقهای بزرگوار را نقل کرده (مانند: خاتم‌المجتهدین شیخ انصاری، محقّق حلّی، ابن‌برّاج، شیخ طوسی و شیخ مفید) و هم در پنج قسمت مهم، کراهت نداشتن قضاوت در مسجد را با استناد به بعضی از روایات از جمله روایت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام اثبات کرده است. نگارنده، استدلال بعضی از فقها مانند: استدلال شیخ طوسی رحمه‌الله را مخدوش دانسته که با استناد به مرسله نبوی «جنبوا المساجد جیانکم و مجانینکم و خصوماتکم و الحکومه» قضاوت در مسجد را نادرست می‌دانند. به نظر نگارنده، منظور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از این حدیث، فضای جنجالی همراه با فریاد است که کراهت قضا در مسجد را موجب می‌شود. همچنین، با استناد به سخن امام سجّاد علیه‌السلام مسجد را جایگاه مطلق ذکر نمی‌دانیم؛ بلکه معتقدیم بسیاری از مشکلات در مسجد حلّ و فصل می‌شود. اگر مسجد تنها مکان ذکر خدا باشد، در آن صورت، خواندن قرآن در مسجد غیر از ذکر است و نباید قرائت شود.

## واژگان کلیدی:

قضا، قضاوت در مسجد، دیدگاه‌های فقهای متقدّم و متأخّر، بررسی و نقد آراء.

## » اشاره

بی‌تردید، مسجدها در پیروزی انقلاب اسلامی، نقش حیاتی و ویژه داشتند؛ تا حدّی که معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی قدس‌سره مسجد را رمز پیروزی انقلاب اسلامی دانسته، می‌فرمایند: «رمز پیروزی ملّت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان، می‌رفتند، خیلی هم کشته می‌شدند، سرانجام هم با همین فریادها و الله اکبرها پیروز شدند، رژیم اسلام این‌طور است که افرادش از مسجدند، از مسجد نهضت شروع می‌شد...».[1]

از طرف دیگر، کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند آنچه در ایجاد انقلاب نقش دارد، در بقای آن نیز نقشی اساسی خواهد داشت. از این‌رو، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام قدس‌سره بارها و بارها از خالی شدن مسجدها اظهار نگرانی کردند و حفظ مسجدها را از «تکالیف عمومی» مسلمانان برشمردند:

حضرت امام قدس‌سره فرمودند: «شما باید هوشیار باشید که مسجدهای‌تان و محراب‌های‌تان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این معجزه، نه رها کنید او را. من امروز باید بگویم که برای مسلمان‌ها حفظ مساجد تکلیف است. مساجد، امروز جزء اموری است که اسلام به آن وابسته است».[2]

در ایران، از اوّل انقلاب تا امروز، با توجّه به پیدایش نهادها و مراکز دیگر، نقش مسجد، رو به اُفول است؛ به صورتی که برخی می‌گویند: «در نظام جمهوری اسلامی، بهتر است هر اُرگان و نهادی، مکان مخصوص به خود داشته باشد؛ چنان‌که دارد و مسجد کانون نشر معارف دین و مرکز تهذیب اخلاق و پرورش دل‌ها و جان‌ها باشد».[3] به نظر می‌رسد این سخن، برخلاف نظر امام خمینی قدس‌سره است. ایشان در سخنانی متعدّد می‌فرمایند: «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد بودند و همه کارهای بزرگ دنیا را هم در مساجد انجام می‌دادند؛ ما امیدواریم حالا هم

---

[1]. صحیفه امام قدس‌سره، ج۹، ص۸۹.
[2]. همان، ج۱۳، ص۱۹ و۲۱.
[3]. مسجد و حکومت، مجله مسجد، ش۲۹، ص۲۱.

مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حلّ و عقد امور باشد».[1] «از این مسجدها، همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد، محلّ قضاوت بود».[2] در این مقاله، تلاش می‌کنیم قضاوت را، به عنوان یکی از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، از نظر تاریخی و فقهی بررسی کنیم.

## معنای لغوی و اصطلاحی قضاوت

مادّه قضا، در ریشه اصلی خود به معنای اِحکام و اِتقان امر و اجرای آن در جهت خود است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَمواتٍ فِی یَوْمَیْنِ»؛[3] مراد از این سخن، استوار کردن آسمان‌هاست. همچنین، قضا به معنای حکم کردن است. خداوند می‌فرماید: «قالُوا لَنْ نُؤْثِرَکَ عَلی ما جاءَنا مِنَ الْبَیِّناتِ وَ الَّذی فَطَرَنا فَاقْضِ ما أَنْتَ قاضٍ...؛ ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد؛ پس هر حکمی می‌خواهی بکن...».[4]

بنابراین، اگر قاضی را، قاضی می‌نامند، به این دلیل است که حکم می‌کند و آن را اجرا می‌کند.[5] فقهای عِظام، تصریح دارند که قضا، به معنای خاصّ شرعی نیست؛[6] ولی در اصطلاح فقها، همان‌گونه که مرحوم شیخ انصاری ﷺ از «مسالک» و «کشف‌اللثام» نقل می‌کند، به معنی ولایت شرعی است؛ ولایت در حکم برای کسی که شایستگی فتوا دارد.[7] این حکم، برای «اثبات حقوق» برخی افراد یا برای «استیفای حقّ» صاحب آن است. شیخ انصاری ﷺ افزون بر این تعریف، می‌گوید: «حکم کردن بین مردم به گونه‌ای خاصّ»[8] نیز یکی از معانی قضا در اصطلاح فقهاست.

---

[1]. صحیفه امام، ج۱۷، ص۲۳۳.
[2]. همان، ج۱۵، ص۱۴.
[3]. فصّلت، آیه۱۲.
[4]. طه، آیه۷۲.
[5]. معجم مقائیس اللغه، ج۵، ص۹۹.
[6]. شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ص۲۶.
[7]. همان، ص۲۵.
[8]. همان، ص۲۲۷، «و فی عرف الفقهاء استعمل تاره فی الحکم بین الناس علی الوجه المخصوص».

از «کتـاب القضـا» چنیـن برمی‌آیـد کـه «قضـا»، فقـط در مـوارد اختـلاف بین دو نفـر و حـلّ مخاصمـه بـه کار مـی‌رود. از ایـن‌رو، فقهـای معاصـر، قضا را چنیـن معنی می‌کننـد: «فصـل خصومـت بیـن دو طـرف تخاصـم و حکـم به ثبـوت ادّعـای مدّعی یـا عـدم حـقّ بـرای او نسـبت به مدعـیٌ علیه».[1] برخـی هـم می‌گویند: قضا بـه معنای حکـم کـردن بیـن مردم بـرای رفـع تنـازع بین آنهاسـت.[2]

## مقصود از قضاوت در مسجد

پس از روشـن شـدن معنـای لغوی و اصطلاحـی قضا، مقصود از قضاوت در مسـجد نیز مشـخّص می‌شـود. مقصود آن اسـت که قاضی در مسـجد بنشـیند و دشـمنیِ بین دو طـرف دعـوا را حـلّ کنـد. ادلّـه، حکایـت از آن دارد که اصل قضاوت در مسـجد، به همیـن معناسـت و علمـا بـر ایـن مفهـوم، اتّفاق‌نظر دارنـد. بنابرایـن، هیـچ فقیهی به حرمـت قضـا در مسـجد قائـل نیسـت و البتّـه در بین آنها قائـل به وجوب هـم نداریم. همـه فقهـا، قضـاوت در مسـجد را جایـز می‌داننـد؛ بـا ایـن تفـاوت کـه برخـی آن را مکـروه و برخـی مسـتحبّ می‌دانند.

[1]. مبانی تکمله المنهاج، ج۱، ص۳.
[2]. تحریرالوسیله، ج۲، ص۴۰۴، «و هوالحکم بین النّاس لرفع التنازع بینهم».

## » آرای فقیهان

به‌طور کلّی، پنج قول وجود دارد:

۱ـ قضاوت در مسجد، به‌طور مطلق، چه به صورت دائم و چه به صورت مقطعی، مکروه است. محقّق حلّی‌ﷺ در دو کتاب «معتبر» و «شرائع»، این نظر را برگزیده است: «و یکره انفاذ الاحکام فیها؛ قضاوت و صدور حکم در مساجد مکروه است».[۱] محقّق نراقی‌ﷺ نیز در «مستند»، همین نظر را دارد.[۲]

۲ـ بین آن زمانی که مسجد به عنوان مکان قضاوت انتخاب شود و پیوسته در آن قضاوت صورت گیرد و بین آن هنگامی که به صورت اتّفاقی در مسجد قضاوت شود، تفاوت وجود دارد. در حالت اوّل، قضاوت در مسجد مکروه است؛ ولی در صورت دوّم کراهتی ندارد.

مرحوم محقّق حلّی در «شرائع» می‌فرماید: «والآداب المکروهه... و أن یجعل المسجد مجلسا للقضاء دائما و لایکره لو اتفق نادرا؛ از جمله آداب مکروه آن است که مسجد پیوسته محلّ قضاوت باشد؛ ولی اگر گاهی در آنجا قضاوت صورت گیرد، مکروه نخواهد بود».[۳] در بین فقها متأخّر، مرحوم میرزای قمی، در «غنائم الایّام»، این نظریه را می‌پذیرد.[۴]

۳ـ قضاوت در مسجد نه تنها مکروه نیست، بلکه مستحبّ است. این نظریه، از ظاهر عبارت برخی فقها برمی‌آید؛ نظیر: شیخ مفید در «مقنعه»،[۵] شیخ طوسی در «نهایه»،[۶] ابن‌حمزه در «وسیله»،[۷] ابن‌ادریس در «سرائر».[۸] تعبیر شیخ مفید در «مقنعه» چنین است: «ثم یتوضا وضوء الصلاه و یلبس من ثیابه مایتمکن من الجمال و حسن الهیئه و یخرج الی المسجد الاعظم فی البلد الذی یحکم فیه؛

---

۱. المعتبر فی شرح المختصر، ج۲، ص۴۵۲؛ شرائع‌الاسلام: ج۱، ص۹۸.
۲. مستندالشیعه، ج۱۷، ص۵۹.
۳. همان.
۴. شرائع‌الاسلام، ج۴، ص۸۶۶.
۵. المقنعه، ص۷۲۲.
۶. النهایه فی مجردالفقه و الفتاوی، ص۳۳۷ ـ ۳۳۸.
۷. الوسیله الی نیل الفضیله، ص۲۰۹.
۸. السرائر، ج۲، ص۱۵۶.

سپس، (قاضی) وضو می‌گیرد و بهترین لباس خود را می‌پوشد و به طرف مسجد اعظم شهری حرکت می‌کند که در آن قضاوت می‌کند». از اینکه این کار در کنار دیگر مستحبّات آمده است، درمی‌یابیم که مراد، استحباب است.

۴ـ قضاوت در مسجد جایز است؛ ولی احتیاط در ترک آن است. این قول، از کلمات صاحب جواهر[۱] و مرحوم شیخ انصاری[۲] استفاده می‌شود.

۵ـ قضاوت در مسجد به‌طور مطلق (دائم و مقطعی) جایز است. در هر دو صورت، صدور حکم و قضاوت در مسجد هیچ کراهتی ندارد. این قول، از کلمات مرحوم شیخ طوسی در «خلاف» و «مبسوط»[۳] و قاضی‌بن‌برّاج در «مهذّب»[۴] و ابن‌ادریس در «سرائر»[۵] و... نتیجه می‌شود.

[۱]. جواهرالکلام، ج۱۴، ص۱۱۷.
[۲]. شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ص۸۸.
[۳]. المبسوط، ج۸، ص۷۸.
[۴]. المهذّب، ص۵۹۲ ـ ۵۹۳.
[۵]. السرائر، ص۱۵۶ و۱۵۷.

## » بررسی دلایل آرای مختلف

اکنون، دلایل آرای مختلف را بررسی می‌کنیم تا رأیِ صحیح روشن گردد.

### دلیل رأی نخست

محقّق حلّی می‌فرمایند: «لأنّه یسمع مشاجره الخصوم و التنازع بالکذب».[1] قضاوت در مسجد، لوازمی دارد که گاهی سبب هتک حریم مسجد می‌گردد. برای مثال: گاهی با مشاجره دو طرف، جوّ متشنّج می‌شود و آنها فریاد می‌زنند، گاه دروغ می‌گویند و قسم دروغ می‌خورند؛ امّا شارع مقدّس، چنین رفتارهایی را در مسجد منع کرده است. به‌علاوه، برخی از فقها می‌گویند قضاوت در مسجد، مستلزم حضور کافران و مشرکان در مسجد است که کاری حرام دانسته می‌شود. همچنین، برخی منع ورود زنان معذور به مسجد را نیز اضافه کرده‌اند.[2] از این‌رو، بهتر است مکانی را برای قضاوت انتخاب کنند که این قبیل معذورات را در پی نداشته باشد.

بررسی و نقد: در پاسخ می‌توان گفت: توابع و لوازم قضاوت، کراهت قضا را موجب نمی‌شود؛ بلکه در ذات خود، امری مستحبّ و در برخی از موارد واجب است؛ زیرا می‌توان با گماردن ضابطان قضایی، از تشنّج و جدال جلوگیری کرد؛ امّا در پاسخ اینکه فرمودند قضاوت در مسجد موجب می‌شود که مشرکان و زنان معذور نتوانند شاهد دادگاه بشوند، باید گفت که چه اشکال دارد در این‌گونه موارد، شاهدان در مسجد بیایند و سپس قاضی نزد آنان برود و اظهاراتشان را بشنود. ممکن است این اشکال مطرح شود که مجلس قضا به هم می‌خورد؛ چون جزئی از مجلس قضا در داخل مسجد و جزئی در خارج از مسجد واقع می‌شود. در پاسخ به این اشکال گفته می‌شود: نخست، از ظاهر کلام فقیهان، مخالف چنین سخنی برداشت نمی‌شود. دوّم، به‌علاوه، با برداشتن چند قدم و حرکت قاضی برای شنیدن شهادت شهود، مجلس قضا به هم نمی‌خورد. همچنین، حضور مشرکان

---

[1]. المعتبر فی شرح المختصر، ج۲، ص۴۵۲.
[2]. جواهرالکلام، ج۴۰، ص۸۰.

و کافـران در مسـجد، به‌طـور ذاتـی منعـی نـدارد، مگـر آنکـه نجـس شـدن یـا هتک حرمـت مسـجد را موجـب بشـود. تاریـخ، شـهادت می‌دهـد کـه پیامبـر گرامـی ﷺ نماینـدگان مشـرکان را بـه مسـجد راه مـی‌داد و بـا آنـان گفت‌وگـو می‌کرد. شـاید به همیـن دلیـل اسـت کـه برخـی از فقهـای معاصـر می‌گوینـد: «لامانـع مـن دخولهـم فی المسـاجد فی نفسـه غیر المسـجدالحرام و مسـجدالنّبی ﷺ الاّ أن یکون مسـتلزماً لتنجیـس المسـجد أو هتـک حرمتـه أو موجباً لمکـث الجنب فی المسـجد؛ ورود آنان [غیرمسـلمانان] بـه مسـجد غیر از مسـجدالحرام و مسـجدالنّبی در نفـس خود منعی نـدارد، مگـر آنکـه نجس شـدن یا هتـک حرمت مسـجد یا توقّـف جُنب در مسـجد را موجب شـود».[1]

قائلان به کراهت، برای اثبات نظر خود، به چهار روایت مرسله استناد کرده‌اند:

الـف) مرسـله علی‌بـن اسـباط، قال ابوعبـدالله ؑ: «جنّبوا مسـاجدکم البیع و الشـراء و المجانیـن و الصبیـان و الاحـکام و الضّالـه و الحـدود و رفـع الصّوت؛ امـام صادق ؑ فرمودنـد: «مسـاجدتان را از خریـد و فـروش، ورود دیوانـگان و بچّه‌هـا، صـدور حکـم، اعـلام گمشـده‌ها، حـدود و فریـاد دور نگـه دارید».[2]

ب) مرسـله شـیخ صـدوق در «مـن لایحضـره الفقیه» که بسـیار شـبیه روایت مطرح شـده است.[3]

ج) مرسـله نبوی که مرحوم شـیخ طوسـی در «مبسـوط» آن را نقل می‌کند: «جنّبوا المسـاجد صبیانکـم و مجانینکـم و خصوماتکـم و الحکومـه؛ مسـاجد را از بچّه‌هـا، دیوانـگان و دعواهـا و حکومـت و قضـاوت دور نگـه دارید».[4]

د) مرسـله نبـوی کـه شـیخ در «مبسـوط» آن را نقـل می‌کنـد: «أنّ النّبی ﷺ سـمع رجـلاً ینشـد ضالّـه فی المسـجد. فقـال: لا وجدتهـا انّما به نیّـت المسـاجد لذکر الله و الصّـلاه؛ پیامبـر ﷺ در مسـجد مـردی را دیدنـد کـه از گمشـده‌اش سـخن می‌گویـد. پیامبـر ﷺ فرمـود: پیدایـش نکنی! همانا مسـجد، بـرای ذکر خدا و اقامه نماز سـاخته

[1]. أجوبه الاستفتائات، ج۱، ص۱۲۹، س۴۲۹.
[2]. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۴۹، ح۲.
[3]. ابن‌بابویه، من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۷۳، ح۷۱۵.
[4]. المبسوط، ج۸، ص۷۸.

شـده است».[1]

از جمع‌بنـدی روایـات مذکـور که همگی مرسـله هسـتند، این نتیجه حاصل می‌شـود کـه معصومـان علیهم‌السلام از قضاوت کردن در مسـجد نهـی کرده‌اند.

بررسـی و نقـد: نخسـت، هـر چهـار روایـت مرسـل و غیرقابـل اعتمادنـد و در صورتی می‌تـوان بـه آنهـا عمـل کـرد کـه روایـت قوی‌تـری برخـلاف آن نداشـته باشـیم (در حالـی کـه داریـم)؛ امّـا ممکـن اسـت کسـی بگویـد: روایت‌های مرسـله شـیخ صدوق در حکـم مسـند و معتبـر اسـت؛ زیـرا وی در کتـاب اوّل «مـن لایحضـره الفقیـه» فرموده‌انـد: «بـل قصـدت الـی ایـراد مـا افتـی بـه و أحکـم بصحتـه و اعتقد أنـه حجه فیمـا بینـی و بیـن ربّـی؛ مـن قصد کـرده‌ام در این کتـاب چیـزی را بیاورم کـه به آن فتـوا می‌دهـم و بـه صحّـت آن حکـم می‌کنـم؛ چیزی کـه بـدان اعتقـاد دارم، در بین مـن و پـروردگارم حجّـت اسـت».[2] بنابراین، همـه کسـانی کـه در اسـناد ایـن روایـات بوده‌انـد و مرحـوم صـدوق آنـان را حـذف کرده‌انـد، عـادل و ثقـه بوده‌انـد؛ از ایـن‌رو، ایـن مرسـله‌ها حجّـت هسـتند.

پاسـخ: نخسـت، در اعتبـار و عدم اعتبار مرسـله‌های شـیخ صدوق، بیـن فقهاء اختلاف اسـت. دوّم، نهایـت چیـزی که از عبارت شـیخ صدوق در اوّل کتاب اسـتفاده می‌شـود ایـن اسـت کـه ایشـان، جـزم یـا اطمینان بـه صـدور این روایـات داشـته‌اند؛ امّـا جزم و اطمینـان ایشـان، سـبب عدالـت راویـان سـند یـا وثاقـت آنهـا نمی‌شـود؛ زیـرا در مـواردی کـه ایشـان سـند را ذکر کرده‌انـد، راویـان ضعیف نیز وجـود دارد. سـوّم، اگر بـر فـرض بپذیریـم که شـیخ صدوق، به صـدور، اطمینان داشـته‌اند، این سـؤال مطرح اسـت کـه آیا اطمینان ایشـان بـرای دیگـران نیز حجّت اسـت؟[3]

از جهت دلالت، فقها چند احتمال داده‌اند:

الـف) مقصـود از احـکام، صـدور حکـم نیسـت، بلکـه اجـرای آن اسـت و فقهـا بـر کراهـت آن در مسـجد، اتّفاق‌نظـر دارنـد.

ب) مقصـود از فضـای جنجالـی، فضایـی بـا فریـاد اسـت کـه بـا وزانـت و متانـت

---

[1]. همان.

[2]. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳.

[3]. ر.ک کلّیّات فی علم الرجال، ص۸۳ ـ۳۸۴.

مسجد سازگار نیست.

ج) مقصود ائمّه معصومان علیهم‌السلام احکام صادر شده از عامّه است که باطل‌اند و امامان می‌خواستند بدین ترتیب، راه را بر قضاوت آنان ببندند.[1]

برخی از این احتمالات ضعیف است؛ امّا قوّت احتمال اوّل کافی است که دلالت این روایات را نیز مخدوش کند. پس، روایت‌های چهارگانه، هم از لحاظ سند و هم از نظر دلالت مخدوش‌اند. به این ترتیب، قول اوّل ابطال می‌شود.

## دلیل قول دوّم

صاحب «شرایع» و مرحوم محقّق حلّی، برای ادّعای خود، دلیلی اقامه نمی‌کنند؛ امّا میرزای قمی در «غنائم» می‌فرمایند: «و الأظهر فی الجمع بین الروایات القول بالکراهه فی صوره الادمان لامطلقا...؛ در جمع بین روایات جواز قضاوت در مسجد و ادلّه کراهت قضا در مسجد، اظهر این است که بگوییم: اگر قضاوت دائمی باشد، مکروه و اگر مقطعی باشد، کراهت ندارد».[2]

**نقد:** با ذکر نکاتی که در پاسخ به ادلّه قائلان به کراهت مطرح کردیم، زمینه‌ای برای این‌گونه جمع باقی نمی‌ماند.

## دلیل قول سوّم

این نظر، از ظاهر کلمات فقها استفاده می‌شود؛ برای این نظریه به دو دلیل زیر استدلال شده است:

۱. مسجد، محلّ یاد و ذکر خداست و قضاوت و حلّ اختلافات نیز از مصادیق یاد خداوند است.

۲. قضاوت، از برترین اعمال است. بنابراین، باید در شریف‌ترینِ اماکن انجام شود. مسجد، مکانی است که این ویژگی را دارد.

محقّق نراقی، پس از طرح دو دلیل در «مستند»، این‌گونه آنها را نقد می‌کند:

[1] . ن. ک: جواهرالکلام، ج۱۴، ص۱۱۶ ـ ۱۱۷.
[2] . غنائم الأیام، ج۲، ص۲۴۱.

اوّل: نمی‌تـوان پذیرفـت کـه مسـجد محلّ مطلق ذکـر باشـد؛ جعفربن‌ابراهیـم از امام سـجّاد(ع) نقـل می‌کند کـه پیامبر خـدا(ص) فرمودند: «من سَـمعتُمُوهُ یُنْشِـدُ الشّـعر فـی المسـاجد فَقُولُـوا فَـضَّ الله فاکَ انما نُصِبَت المسـاجد للقرآن؛ اگر شـنیدید کسـی در مسـجد شـعر می‌خوانـد بـه او بگوییـد: خداونـد دهانـت را بشـکند! مسـجد بـرای قرآن سـاخته شـده است».[1]

بنابرایـن، بـر فـرض بپذیریـم کـه مسـجد، محـلّ مطلـق ذکـر اسـت؛ امّـا ذکـر بودن قضـاوت را قبـول نداریـم.

دوّم: پـس از نصّ‌هایـی کـه دربـاره کراهـت قضـا در مسـجد اقامـه کردیـم، مسـتحب دانسـتن قضـاوت در مسـجد، اجتهـاد در مقابـل نـصّ اسـت و چنین چیـزی بالاتّفاق، باطل اسـت.[2]

بـه نظـر می‌رسـد، هـم دلیـل قائلان به اسـتحباب و هم نقـدی که بر آنها مطرح شـد، مخـدوش اسـت. خدشـه در دلیـل اسـتحباب، بـه این اسـت که اسـتحباب نیـز مانند وجـوب و حرمـت و کراهـت، حکمـی از احـکام الهی اسـت و بایـد با دلیـل آن را ثابت کـرد؛ امّـا خدشـه در کلام محقّـق نراقـی به صورت زیر اسـت:

اوّل: از روایـت «انّمـا نصبت‌المسـاجد للقـرآن» نمی‌تـوان اسـتفاده حصر کـرد. در این روایـت، حصـر به‌طـور قطـع، حصـر اضافی اسـت؛ زیرا اگـر حصـر حقیقی باشـد، باید دعـا و توسّـل و حتّـی نمـاز خوانـدن در مسـجد نیـز مـورد سـؤال باشـد. صرف‌نظر از حصـر، اگـر قضـاوت طبـق قرآن باشـد، بـا روایت فـوق منافـات ندارد.

دوّم: هـر عملـی کـه بـرای کسـب رضای خـدا و خدمت بـه بنـدگان او انجام شـود، از مصادیـق یـاد خداسـت و قضـاوت بـه حـقّ، به‌طـور قطع، از این دسـته اسـت.

سـوّم: ایـن کـه فرمودید: قـول قائـلان به اسـتحباب، اجتهـاد در مقابل نصّ اسـت، بایـد گفـت: ایـن قـول اجتهـاد اسـت، امّا به‌طـور قطعـی، در مقابـل نصّ نیسـت، زیرا نصّ‌هـای مزبـور از نظـر سـندی و دلالتـی مخدوش هسـتند.

---

[1]. الکافی، ج۳، ص۳۶۹، ح۵.

[2]. مستندالشیعه، ج۱۷، ص۵۹ - ـ۶۰.

## دلیل قول چهارم

مرحوم شیخ انصاری، پس از طرح قول به کراهت و جواز قضا در مسجد و بیان ادلّه دو طرف، در پایان بحث، می‌فرماید: «والمسئله محل اشکال الا أن الترک أولی».[1]

صاحب جواهر بر این مدّعا دو دلیل اقامه می‌کند:

۱. چه‌بسا، قضاوت در مسجد، مستلزم وقوع مکروهات بشود؛ به‌ویژه، با توجّه به تفاوت جوهری و اساسی بین قضاوت معصومان و دیگر آدمیان.

۲. شاید قُضات در مسجد، به دلیل تقصیر در مقدّمات حکم یا تبعیّت کردن از امیال و هواهای نفسانی، به چیزی حکم کنند که مخالف نظر خداست.[2]

بررسی و نقد: اوّل، آیا ترس از افتادن در مکروه یا حکم به غیر ما انزل الله، می‌تواند مانع از جواز قضاوت در مسجد باشد؛ به خصوص با توجّه به قراین و مستنداتی که دلالت می‌کند؟ امامان علیهم‌السلام به شاگردان و یاران خود دستور می‌دادند که در مسجد قضاوت کنند. برخی روایت‌ها، نشان می‌دهد امامان علیهم‌السلام دیگران را از قضا در مسجد نهی نمی‌کردند که در ادلّه قول پنجم به آنها اشاره خواهیم کرد.

دوّم: احتمال خطا در قضاوت، به علل متعدّدی امکان‌پذیر است؛ ولی اگر بنا باشد قضاوت در مسجد به این دلیل ترک شود که احتمال اشتباه وجود دارد، در سایر مکان‌ها نیز این احتمال وجود دارد؛ پس، قضا باید تعطیل شود؛ امّا تعطیلی امر قضا، سبب اختلال نظام می‌شود. این امر به‌طور یقین، برخلاف خواسته شارع مقدّس است. به‌علاوه، نظیر این احتمال خطا، در صدور حکم و قضاوت و نیز در صدور فتوا و اجتهاد نیز وجود دارد. پس، باید صاحب جواهر ملتزم شود که به دلیل احتمال خطا، باید از صدور فتوا نیز اجتناب کرد و یا حداقل احتیاط در ترک آن است! سرانجام این که چرا صاحب جواهر، پس از ردّ نظریه قائلان به کراهت و اثبات جواز قضا در مسجد، به دلیل ترس از افتادن در مکروه یا احتمال خطا، فتوای به احتیاط می‌دهد؟ در حالی که مقتضای ادلّه، جواز قضا

---

[1]. شیخ انصاری، القضاء و الشهادات، ص۸۸.

[2]. جواهر الکلام، ج۱۴، ص۱۱۷.

در مسـجد است.

## دلیل قول پنجم

مرحـوم شـیخ طوسـی در کتـاب «خلاف»،[1] سـه دلیـل برای اثبـات این قـول اقامه می‌کنـد:

۱. جـواز، مقتضـای اصـل اسـت تـا وقتی دلیلـی بر کراهت یـا حرمت نباشـد، حکم بر جواز اسـت.

۲. سـیره و مـکان قضـاوت پیامبر ﷺ مسـجد بوده اسـت. به‌طور قطـع، اگر قضاوت در مسـجد مکروه بـود، پیامبر آنجـا را برنمی‌گزید.

۳. امـام علـی ؑ در مسـجد جامـع کوفه قضـاوت می‌کرد و «دکّـه القضاء» حضرت هنـوز معـروف اسـت. محقّق نراقی در «مسـتند» به دلیل اوّل و سـوّم اشـکال می‌کند: در ایـن بحـث، اصـل وجـود نـدارد؛ زیـرا برخـی از روایـات دالّ بـر کراهـت اسـت و «الاصـلّ دلیـل حیـث لادلیـل»؛ از ایـن‌رو، جایـی بـرای تمسّـک بـه اصـل نیسـت.

پاسخ: ثابت کردیم که ادلّه مذکور از لحاظ سند و دلالت، غیرقابل اعتمادند.

ایشان در دلیل سوّم هم سه اشکال مطرح می‌کند:

الف) اصل ثبوت چنین دکّه‌ای برای قضاوت ثابت نیست.

ب) بر فرض که ثابت باشد، ثابت نیست که «دکّه القضاء» باشد.

ج) بـر فـرض کـه «دکّـه القضاء» باشـد، از کجـا معلوم که جزء مسـجد بوده اسـت و امام علی ؑ در آن قضاوت می‌کرده اسـت؟ شـاید آن زمان جزء مسـجد نبوده اسـت.[2]

پاسـخ: هـر سـه نقـد ایـن عالـم بـزرگ، تشـکیک در امـر واضـح و مسـلّم تاریخـی اسـت؛ زیـرا اصـل ثبـوت و «دکّـه القضـاء» بـودن آن و قضـاوت حضرت در ایـن مکان از مسـلّماتی اسـت کـه پیوسـته فقهـای مـا در طـیّ قـرون گذشـته بـه آن اسـتدلال کرده‌انـد. حضـرت علـی ؑ در ایـن مـکان امـور قضائـی را حـلّ و فصـل می‌کردنـد. حتّـی در برخـی روایـات، روش قضـاوت حضـرت، بـا تمـام جزئیّات ذکر شـده اسـت.

---

[1]. الخلاف، ج۶، ص۲۱۷.

[2]. مستندالشیعه، ج۱۷، ص۶۰.

بنابرایـن، احتمـالات مذکـور در آن حـدّ از قوّت نیسـت که اسـتدلال را دچار خدشـه و ایـراد را وارد کنـد.

برخـی دیگـر، مثل مرحـوم فاضل هندی، صاحب «کشـف اللثام»، اشـکال کرده‌اند: دلیلـی وجـود نـدارد کـه امام همـواره در مسـجد جامع، قضـاوت می‌کردنـد. البتّه، بنا بـه دلایـل، گاهـی در آنجا قضـاوت می‌کردند.[1]

پاسـخ: ایـن برداشـت، صـرف ادّعاسـت، زیـرا اوّل اینکـه، چـه دلیلـی بـر اثبات آن داریـد و دوّم اینکـه، برداشـت حاضـر، خلاف ظاهر اسـت؛ زیـرا هیچ‌جا با یـک یا دوبار قضـاوت اتّفاقـی، «دکّـه القضـاء» نامیـده نمی‌شـود. دلیـل جـواز قضـاوت در مسـجد (البتّـه، پـس از اتّفاق‌نظـر علمـا بـر وقـوع قضـاوت پیامبـر اکـرم ﷺ و امـام علی ؑ، وجـود برخـی از روایـات اسـت؛ مثل:

الـف) فقـال لـه محمّدبن‌مسـلم الثقفـی: امّا انّ علی‌بـن ابی‌طالب ؑ قـد قضی فی هـذا المسـجد بـه خلاف مـا قضیـت... ».[2] قاضی‌بـن ابی‌لیلی دربـاره موضوعـی حکمی صـادر کـرد؛ پـس از صـدور حکم محمّدبن‌مسـلم ثقفی خطـاب به او گفـت: آگاه باش کـه امـام علـی ؑ در همین مسـجد، نظیر همیـن قضیّـه را به روش دیگـری قضاوت کرد... .

حدیث از دو جهت مقصود ما را اثبات می‌کند:

اوّل: محـلّ قضـاوت ابـن ابی‌لیلی، مسـجد بوده اسـت؛ زیـرا راوی می‌گویـد: امام در همیـن مسـجد که تـو قضـاوت می‌کنی، بـه روش دیگری قضـاوت کرد.

دوّم: مکان قضاوت امام علی ؑ نیز مسجد بوده است.

ب) «أبی‌جعفـر ؑ قـال: دخـل امیرالمؤمنیـن المسـجد فاسـتقبله شـاب... ففـرّق بینهـم و اُقیـم کل رَجُـلٍ منهـم الی أسـطوانه من أسـاطین المسـجد و رؤسـهم مغطاه بثیابهـم ثـمّ دعـا بـه عبدالله‌بـن أبی‌رافـع کاتبـه فقـال هـات صحیفـه و دواه و جلـس امیرالمؤمنیـن ؑ فـی مجلـس القضـاء و...؛ ایـن روایـت، طولانـی اسـت و از ذکر کل متـن عربـی و همچنیـن ترجمه کامـل آن خودداری شـده، ولی خلاصه آن این اسـت

[1]. کشف‌اللثام، ج۱، ص۲۰۲.
[2]. الکافی، ج۷، ص۳۴، ح۲۷.

کـه جوانـی، از همسـفران پـدرش بـه حضرت علـی﵇ چنین شـکایت کرد کـه پدرم بـا امـوال فراوانـی با گروهـی به تجـارت رفت. اکنـون همسـفرانش برگشـته‌اند و ادّعا می‌کننـد کـه پـدرت در بیـن راه مُـرده اسـت. وقتـی از آنهـا می‌پرسـم پـس، اموالش کجاسـت؟ می‌گوینـد: او مالـی نداشـت! نـزد شـریح قاضـی رفتـه‌ام و او به برائـت آنان حکـم صـادر کـرده اسـت. حضـرت دسـتور داد همسـفران را حاضـر کردنـد و فرمود: یکی‌یکـی و جداجـدا در نـزد سـتون‌های مسـجد بایسـتند. سـپس، از آنهـا بازجویـی کردنـد. در نهایـت، افـراد به قتـل اعتـراف کردند».[1]

از ایـن روایـت، نـه تنهـا قضـاوت حضـرت در مسـجد ثابـت می‌شـود، بلکـه نحـوه قضـاوت و داشـتن جایـگاه قضـا در مسـجد نیـز اثبـات می‌شـود.

ج) وقتـی امـام علی﵇ شـنیدند که شـریح در منزل خـود قضاوت می‌کنـد، فرمودند: «یـا شـریح! اجلـس فـی المسـجد فانّـه اعـدل بیـن النـاس و انّـه وَهْـنٌ بالقاضـی ان یجلـس فـی بیته؛ ای شـریح، در مسـجد قضـاوت کن که ایـن برای عدالـت بین مردم بهتـر اسـت. همانـا نشسـتن در خانـه و قضـاوت کردن، مایـه وهن قاضی اسـت».[2]

اگـر از ایـن روایـت، اسـتحباب قضا در مسـجد اسـتفاده نشـود، دسـت‌کم جـواز را نشـان می‌دهد. البتّه، سـند روایت مرسـل اسـت، بنابرایـن، فقط می‌تواند مؤیّد باشـد.

د) از روایـت دیگـری کـه نیـازی بـه ذکـر آن نیسـت، می‌تـوان اسـتفاده کـرد کـه اعـلام حکـم قضائـی در مسـجد جایز اسـت.[3]

وقتـی صحّـت این‌گونـه از قضـاوت اثبـات می‌شـود، دیگر قضـاوت قاضـی تحکیم و بـه طریـق اُولـی جایـز خواهد بود. به‌عـلاوه، قضاوت در مسـجد از نظر روانـی هم برای طرفیـن دعـوا و هـم بـرای قاضی آرامش بیشـتری را موجب می‌شـود؛ زیـرا همگان به مقـدّس بـودن ایـن مکان، ایمـان دارند و فضای مسـجد، خـود به خود باعث می‌شـود افـرادی کـه در آنجـا حضور پیـدا می‌کنند، از مسـائلی نظیـرِ دروغ گفتن، شـهادت به باطـل و سـوگند دروغ پرهیـز کننـد و چنیـن چیـزی سـبب می‌شـود کـه قاضـی، بر معیـار حقّ قضـاوت کند.

---

[1] . الکافی، ج۷، ص۳۷۱، ح۸.
[2] . دعائم الاسلام، ج۲، ص۵۳۴، ح۱۸۹۸.
[3] . الکافی، ج۷، ص۱۸۵ ـ ۱۸۶، ح۱.

## » نتیجه سخن

از مطالب یاد شـده به روشـنی درمی‌یابیم که مراد از قضاوت در مسـجد، آن اسـت که قاضـی در ایـن مکان مقدّس که بیت‌الله اسـت، بنشـیند و خصومت بین دو طـرف دعوا را حـلّ و فصـل کند. به‌طـور کلّی دلایل، حکایـت از آن دارد که اصل «قضاوت در مسـجد»، بـه همیـن معنـا، مـورد اتّفاق همـه علما اسـت. از این‌رو، هیـچ فقیهی به حرمـت قضاوت در مسـجد قائـل نیسـت و البتّـه قائل به وجوب هـم نداریم. همه فقها، قضاوت در مسـجد را جایـز می‌داننـد؛ بـا این تفاوت که برخـی آن را «مکروه» و برخی «مسـتحبّ» می‌دانند.

نگارنـده معتقد اسـت کـه منظور رسـول اکرم ﷺ، فضـای جنجالی همـراه با فریاد اسـت کـه کراهـت قضـا را در مسـجد موجـب می‌شـود. البتّـه، می‌تـوان بـا گمـاردن ضابطـان قضایـی، از تشـنّج و جـدال جلوگیـری کـرد. همچنیـن، با اسـتناد به سـخن امـام سـجّاد ؑ، مسـجد را جایـگاه مطلـق ذکـر نمی‌دانیـم؛ بلکـه معتقدیم بسـیاری از مشـکلات در مسـجد حـلّ و فصـل می‌شـود. اگـر مسـجد مـکان مطلق ذکر باشـد، خوانـدن قـرآن هـم در مسـجد، غیـر از ذکـر اسـت؛ بنابرایـن، نباید قرائت شـود.

بـه هـر حـال، سـیره و مـکان قضـاوت پیامبر ﷺ مسـجد بوده اسـت. اگـر قضاوت در مسـجد مکـروه بـود، به‌طـور حتـم، پیامبـر آنجـا را برنمی‌گزیـد. بر همین اسـاس، بـا توجّـه بـه قرایـن و مسـتنداتی کـه دلالت می‌کنـد امامان ؑ بـه شـاگردان و یاران خـود دسـتور می‌دادنـد که در مسـجد قضـاوت کنند. برخـی روایات نشـان می‌دهد که امامـان ؑ دیگـران را از قضـا در مسـجد نهـی نمی‌کردند.

امـام علـی ؑ در مسـجد جامـع کوفـه قضاوت می‌کـرد و «دکّـه القضـاء» حضرت هنـوز معـروف اسـت. حضـرت در ایـن مـکان امور قضائـی را حـلّ و فصـل می‌کردند. حتّـی در برخـی روایـات نحـوه قضـاوت حضـرت، با تمـام جزئیات ذکر شـده اسـت.

افـزون بـر مطالـب بیـان شـده، قضـاوت در مسـجد از نظر روانـی هم بـرای طرفین دعـوا و هـم بـرای قاضـی، آرامش بیشـتری را بـه دنبـال دارد؛ زیرا همگان بـه مقدّس بـودن ایـن مـکان ایمـان دارنـد و فضای مسـجد خـود به خـود باعث می‌شـود افرادی کـه در آنجـا حضـور پیـدا می‌کنند، از مسـائلی نظیرِ دروغ گفتن، شـهادت بـه باطل و سـوگند دروغ پرهیـز کننـد. ایـن امـر، قضـاوت به‌حقّ قاضـی را باعث می‌شـود.

## » منابع و مآخذ


» حسینی خامنه‌ای سیّدعلی، أجوبه الأستفتائات، دارالنبأ، ۱۴۱۵هـ/ ۱۹۹۵ م.
» القمی میرزا ابوالقاسم، غنائم‌الأیّام فی مسائل الحلال و الحرام، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ‌ق.
» النجفی الشیخ محمّدحسن، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ‌ش.
» السبحانی الشیخ جعفر، کلیّات فی علم‌الرجال، قم، جامعه‌المدرّسین، ۱۴۱۶ هـ‌ق.
» المحقّق الحلّی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ هـ‌ق.
» ـــــــــ المعتبر فی شرح المختصر، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ هـ‌ق.
» الاصفهانی (الفاضل‌الهندی) بهاءالدین محمّدبن الحسن‌بن محمّد، کشف‌اللثام، قم، مکتبه سیّد المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ هـ‌ق.
» موسوی الخمینی سیّد روح‌الله، صحیفه نور، مؤسّسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدّس‌سرّه.
» ـــــــــ تحریرالوسیله، قم، نشر اسماعیلیان.
» محقّق نراقی، مستند الشیعه، مشهد، آل‌البیت، ۱۴۱۵ هـ‌ق.
» الشیخ المفید، المقنعه، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۱۰ هـ‌ق.
» الشیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ‌ش.
» ـــــــــ النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالاندلس.
» ـــــــــ المبسوط فی فقه الامامیه المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ هـ‌ش.
» ـــــــــ الخلاف، قم، مؤسّسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ‌ق.
» الطوسی ابن‌حمزه، الوسیله الی نیل الفضیله، قم، مکتبه السیّد المرعشی، ۱۴۰۸ هـ‌ق.
» حلّی ابن‌ادریس، السرائر، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، قم انتشارات باقری ۱۴۱۵ هـ‌ق.
» القاضی‌بن‌البرّاج، المهذّب، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۰۶ هـ‌ق.
» تمیمی مغربی نعمان‌بن‌محمّد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ‌ق.
» کلینی محمّدبن‌یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ‌ش.
» احمدبن فارس‌بن زکریّا، معجم مقائیس اللّغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ‌ق.
» السیّد الخوئی قدّس‌سرّه، مبانی تکمله المنهاج، قم، انتشارات دارالهادی، ۱۴۰۷ هـ‌ق.
» خاتمی سیّد احمد، مسجد و حکومت، مجلّه مسجد، ش۲۹.
» ابن بابویه، محمّدبن‌علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسّسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ سوّم، ۱۴۱۳ هـ‌ق.
» انصاری، شیخ مرتضی‌بن محمّد امین، القضاء والشهادات (جزء۲۲)، قم، مجمع الفکرالاسلامی، چاپ دوّم، ۱۴۲۸هـ‌ق/۱۳۸۶هـ‌ش/۲۰۰۷م.

# نقش مساجد و ائمّه جماعت در دفاع مقدّس

مهدی مؤیّدی


## » چکیده

با مطالعه تاریخ جنگ‌های صدر اسلام، رابطه معناداری بین مسجد و اقدامات پشت جبهه مشاهده می‌شود. مساجد با محوریّت ائمّه جماعت و پرورش روح بندگی در آدمی، او را ابتدا برای نبرد در میدان جهاد اکبر و در مرحله بعد برای حضور در صحنه نظامی، یعنی جهاد اصغر آماده می‌کنند. بنابراین، پیوندی عمیق و دوطرفه میان فرهنگ مسجد و فرهنگ جهاد وجود دارد که در فصل دوّم به این موضوع پرداخته شده است. همچنین، در جنگ تحمیلی هشت ساله، مساجد به عنوان قلب مقاومت رزمندگان اسلام، در شهرهای مورد هجوم دشمن، به یک نهاد پایداری تبدیل شدند و ائمّه جماعت، پرچمدار این ایستادگی بودند. نگارنده، مصادیق مختلفی از نقش ائمّه جماعت در پایداری مردم در زمان جنگ تحمیلی را بازگو کرده است. در دفاع مقدّس، روحانیّت با محوریّت مساجد در این زمینه فعّالیّت‌های متعدّدی را بر عهده داشتند؛ مانند: تربیت نیروهای مبارز، جذب و اعزام نیرو، بدرقه رزمندگان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، دعا کردن برای رزمندگان، تشییع پیکر شهدا، دیدار اهل مسجد با خانواده معظّم شهدا و تبلیغات جنگ. این وظایف روحانیّت، منحصر به دوران جنگ نیست؛ بلکه در زمان صلح، آنها می‌توانند مساجد را پایگاه دشمن‌شناسی و ترویج فرهنگ جهاد، شهادت و ایثار قرار دهند.



## » کلیدواژه‌ها:

کارکرد نظامی مساجد در صدر اسلام، رابطه بین فرهنگ مسجد با فرهنگ جهاد، نقش مساجد در پشتیبانی از جنگ تحمیلی، دشمن‌شناسی، وظایف مساجد در زمان صلح.

## » مقدّمه

جوامع بشری همواره با مفهوم جنگ آشنا بوده‌اند؛ به ندرت جامعه‌ای را می‌توان یافت که تلخی‌ها و دشواری‌های جنگ را نچشیده باشد. همیشه تضادّ بین دو گروه مستضعف و مستکبر، قدرت‌طلب و عدالت‌خواه، در طول تاریخ منشأ جنگ‌های فراوان بوده است.

پس از ظهور اسلام، با آغاز رسالت پیامبر اکرم ﷺ برای براندازی کفر و شرک، مشرکان و یهودیّان برای نابودی اسلام، مبارزه خودشان را شروع کردند. این مبارزات، با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی و با تمرکز نیروها در مساجد وارد مرحله جدیدی شد. پس از نزول آیه جهاد،[1] مسلمانان به دفاع از کیان اسلام، موظّف شدند و مساجد به مقرّ و پادگان مجاهدان و رزمندگان تبدیل شد. به گونه‌ای که آموزش، سازماندهی، اعزام نیروها، فرماندهی و مداوای مجروحان جنگ در مساجد انجام می‌گرفت.

فتوحات اسلامی از مسجدالنّبی در مدینه آغاز و به مسجد مسلمهبن عبدالملک‌بن‌مروان در قسطنطنیه، در زمان عمربن‌عبدالعزیز پایان یافت.[2]

در تاریخ اسلام، تا زمانی که فرهنگ جهاد و شهادت زنده بود، مساجد، کارکرد نظامی خود را حفظ کردند؛ به خصوص شیعیان، مساجد را سنگری علیه ظلم طاغوتیان می‌دانستند.

مسلمانان ایران نیز به تأسّی از مسلمانان صدر اسلام، مسجد را سنگر مبارزه با طاغوتیان قرار دادند؛ چنان‌که با شروع مبارزات انقلابی مردم ایران علیه طاغوت (رژیم پهلوی)، نقش مساجد پُررنگ شد و مساجد محلّه‌ها، محور اصلی تجمّع مبارزین گردید. بعد از پیروزی شکوه‌مند انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، بار دیگر مساجد، کارآیی خود را در بُعد نظامی اثبات کردند و فعّالیّت‌های مسجدالنّبی در صدر اسلام را یادآور شدند.

در این نوشتار، نگارنده قصد دارد کارکرد نظامی و مبارزاتی مساجد در صدر

---

[1] ۱. حجّ، آیه۳۹.

[2] . شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رساله المسجد العسکریه، ص۱۴۲.

اسـلام و دفـاع مقـدّس را بررسـی کنـد. در صـورت تثبیـت ایـن کارکـردِ مسـاجد، فرهنـگ جهـاد در جامعه گسـترش پیـدا می‌کند و همواره مسـلمانان بـرای مجاهدت و فـداکاری در راه اسـلام، آمـاده خواهنـد بـود و ملّتی کـه با فرهنگ جهاد و شـهادت اُنس داشـته باشـد، شکسـت‌ناپذیر اسـت.

## » فصل اوّل: کارکرد نظامی مساجد در صدر اسلام

### مسجد، نخستین پادگان اسلامی

بعد از هجرت پیامبر ﷺ، با تعیین مکان مسجد مدینه توسّط ایشان، احداث بنای آن با خشت و سنگ آغاز گردید و آن حضرت به همراه یارانش خشت و سنگ به دوش می‌کشیدند و بدین‌گونه پیامبر ﷺ نیز در این کار شرکت فرمودند. به این ترتیب، بنای مسجد، با فرشی از شن و ماسه، سقفی از شاخه نخل و ستون‌هایی از تنه درخت خرما برپا گردید. با ساخت این مسجد، بنای «نخستین پادگان اسلامی» کامل شد.[1]

### مسجد، ستاد فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ

در مطالعه تاریخ جنگ‌های صدر اسلام، نکته بارزی که در سیره پیامبر ﷺ حائز اهمیّت است، نقشِ محوری مساجد در سازمان‌دهی و آموزش نظامی، اعزام نیرو، فرماندهی و پشتیبانی جنگ، نگهداری غنائم و اسیران، مداوای مجروحین و مکان اکرام خانواده‌های شهدا و نقش معنوی مسجد در کمک به رزمندگان اسلام است.

سربلندی سپاه اسلام در بیش از هفتاد جنگ و درگیری نظامی در طول حضور ده ساله پیامبر ﷺ در مدینه، نشان از موفّقیّت شیوه‌های فرماندهی ایشان دارد.[2]

با مطالعه تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم که مسجد النّبی، مقرّ فرماندهی و مکان طرّاحی یا اتاق جنگ پیامبر ﷺ بود. آن حضرت از طریق نیروهای اطّلاعاتی خود، از اخبار دشمن مطّلع می‌شدند و در مورد نحوه طرّاحی عملیات جنگ با اصحاب و فرماندهان و مجاهدین به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند.

در آن زمان، مکان‌های موازی با مسجد وجود داشت. سران قریش در ترور پیامبر ﷺ در «دارالنّدوه» تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند که از هر قبیله، جوانی بزرگ‌زاده و نَسَب‌دار با شمشیری بُرّنده آماده قتل پیامبر ﷺ شود.[3]

---

[1]. شیت خطاب، محمود، شیوه فرماندهی پیامبر، ترجمه بینش عبدالحسین، ص۸۵.
[2]. واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۵.
[3]. واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۸۴.

این سنّت نبوی، یعنی مرکزیّت مسجد در جنگ‌ها، تا زمان بنی‌امیّه برپا بود. معاویه بعد از شهادت علی ﷺ در مسجد، برای حفظ امنیّت خود، در محرابی که دو طرف آن پوشیده بود، می‌ایستاد و پشت سر او در صف اوّل، محافظین او می‌ایستادند و خُلفای بعد از او مقرّ حکومت را از مسجد به کاخ‌ها و محلّ سکونت خودشان انتقال دادند.[1]

مسجد، بیشتر صحنه طرح مسائل جنگی بود.[2] پیامبر ﷺ در طرّاحی عملیات با فرماندهان و رزمندگان، در مسجد به مشورت می‌پرداختند. در جنگ اُحُد، هنگامی که پیامبر ﷺ از حرکت سپاه قریش به سوی مدینه آگاه شدند، در مسجد حضور یافتند و در اجتماع مردم در مورد این رویداد سخن گفتند و از مسلمانان خواستند تا نظرات خود را درباره چگونگی رویارویی با دشمن مطرح کنند.[3]

پیامبر ﷺ به‌طور کامل به نظرات افراد مختلف توجّه کردند و سرانجام با آنکه آن حضرت، مایل به باقی ماندن در مدینه و جنگیدن با دشمن در شهر بودند، با توجّه به افکار عمومی مسلمانان، بر آن شدند تا بیرون از شهر و در دامنه کوه اُحُد به رویارویی با دشمن بپردازند. نمونه موفّق دیگر این مشورت، در جنگ احزاب صورت گرفت که با طرح خندق سلمان فارسی، مسلمانان پیروز شدند. شرکت رزمندگان در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرات روحی و روانی فراوانی در جنگیدن آنها داشت. وقتی آنها نظر خود را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم و مؤثّر می‌دیدند، برای تحقّق اهداف جنگ تلاش بیشتری از خود نشان می‌دادند.

## مسجد، مرکز اجتماع و سازمان‌دهی مجاهدان

در صدر اسلام، مسلمانان قبل از عزیمت به جنگ، در مساجد تجهیز می‌شدند.[4] هنگامی که یک خطر داخلی یا خارجی متوجّه مسلمانان می‌شد،

---

[1]. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رساله المسجد العسکریه، ص۱۴۰، اقتباس.
[2]. مکّی سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عبّاسپور محمّد، مهدوی محمّدجواد، ص۴۴-۴۳.
[3]. واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۱۵۲.
[4]. بیانات امام خمینی ﷺ در جمع ائمّه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور، ۶۱/۷/۲۲، صحیفه نور، ج۱۷، ص۵۴.

جارچی پیامبر ﷺ، که به‌طور معمول بلال بود، مسلمانان را به مسجد و حرکت به سوی نبرد فرامی‌خواند.[1] با ندای «الصّلاه جامعه... الصّلاه جامعه...» در غیرِ اوقات نماز، مجاهدان متوجّه اهمّیت خطر می‌شدند و به صورت گروه‌گروه و فردفرد، با تجهیزات نظامی خود وارد مسجد می‌شدند و در آنجا سامان‌دهی و تحت فرماندهی مشخّص، آماده اعزام و دفاع از اسلام و مسلمانان می‌گشتند.[2] مبدأ حرکت رزمندگان اسلام به سوی جبهه‌های نبرد، مسجد بوده است. آنچه در این زمینه استثنا می‌شود، آن دسته از عملیات نظامی است که به دلیل رعایت مصالح امنیّتی، اعزام سپاهیان اسلام به صورت مخفیانه انجام می‌گرفته است. گواه درستی این سخن آن است که در موارد فراوانی، اعزام سپاهیان اسلام پس از به جا آوردن یکی از نمازهای پنج‌گانه صورت می‌گرفته است.[3] شاهد دیگر اینکه، حرکت سپاه اسلام در جنگ اُحُد، از مسجد انجام گرفته است. سربازان اسلام، پس از حضور در مسجد و اقامه نماز عصر، در میان بدرقه مسلمانانی که خود را به مسجد پیامبر ﷺ رسانده بودند، به سوی اُحُد اعزام شدند.[4]

## زمان آغاز جهاد در اسلام

بعد از مستقر شدن پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، اوّلین آیه جهاد، «أُذِنَ لِلَّذِينَ يقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيارِهِمْ بِغَيرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يقُولُوا رَبُّنَا اللهُ...»[5] نازل شد که نزول این آیه آغاز جهاد در اسلام بود.[6] پیامبر ﷺ در مسجد به تشریح فرهنگ جهاد و احکام آن اقدام فرمودند و این دستور الهی یکی از شاخصه‌های اصلی تمایز اسلام از دیگر ادیان است؛ یعنی اسلام دین را فقط عبادت فردی مطرح نمی‌کند، بلکه برای مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمانان اهمیّت قائل بوده، جهاد را وضع نموده است.

---

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۱۸۰.
[2]. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رساله العسکریه، ص۴۳.
[3]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۱۷۸.
[4]. واقدی، محمّد بن‌عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص۱۵۵.
[5]. حجّ، آیات ۴۰-۳۹.
[6]. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رساله المسجد العسکریه، ص۴۱.

## مسجد، در میدان‌های نبرد

اهتمام خاصّ پیامبر ﷺ و یاران آن حضرت نسبت به مسجد تا آنجا بود که مسلمانان در مسیر رفتن به جنگ و حتّی در میدان جنگ، خود را از مسجد بی‌نیاز نمی‌دانستند. سپاهیان اسلام در اردوگاه‌های خود، به ساختن مسجد می‌پرداختند و بدین‌سان از فضیلت نمازگزاردن در مسجد بهره‌مند می‌شدند.

در حقیقت، تعدّد مساجدی که پیامبر ﷺ و یارانش در جنگ‌های مختلف بنا نموده‌اند، هم گویای اهتمام سپاهیان اسلام به امر نماز و هم بیانگر اهمیّت و موقعیّت مسجد در باور مسلمانان صدر اسلام است. آنان در جنگ‌ها، در کنار تلاش برای پیروزی، نه تنها هرگز خود را از نماز و مسجد بی‌نیاز نمی‌دیدند، بلکه در این شرایط، نسبت به ارتباط با خداوند، توجّه بیشتری داشتند.

این مساجد، افزون بر تقویّت بنیه معنوی سپاه، زمانی که در کنار خیمه فرماندهی بنا می‌شد، در ایجاد ارتباط بین بخش‌های مختلف سپاه با فرماندهی، نقش مؤثّری ایفا می‌نمود.[1]

در تاریخ، مساجد زیادی وجود دارد که جایگاه اقامه نماز پیامبر ﷺ در غزوات و سفرهای حجّ بود؛ در ادامه به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:[2]

**۱. مسجد عرق الظبیه:** این مسجد در فاصله دو میلی[3] «روحاء»، در سمت راست جادّه مدینه به مکّه واقع شده است. برخی گفته‌اند که پیامبر ﷺ در این مسجد نماز گزارده و در همین مسجد برای رفتن به جنگ بدر، با اصحاب خویش رایزنی کرده است.

**۲. مسجدالسقیا:** این مسجد در جایی به نام «سقیا»، در میان راه مدینه به مکّه و در نزدیکی بدر واقع شده است. عدّه‌ای گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در جنگ بدر در این مسجد نماز گزارده و برای اهل مدینه دعا کرده است.

**۳. مسجد روحاء:** این مسجد در «روحاء»، در میان راه مدینه به مکّه واقع شده

---

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۲۰۵-۲۰۶.

[2]. فراهتی، عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، ص ۱۲۵ -۱۳۱، با تلخیص.

[3]. هر میل (mile) برابر ۱۶۴۰ متر است.

است. برخی افراد گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در غزوه بدر در محلّ این مسجد، نزدیک چاه بدر نماز خوانده است.

**۴. مسجد بدر:** این مسجد در کنار نخلستانی در سرزمین بدر واقع شده است و در اصل سایبانی بود که پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر در آنجا اقامت داشته است.

**۵. مسجد اُحُد:** مسجد کوچکی است که در دامنه کوه اُحُد نزدیک مدینه قرار گرفته است. بعضی آن را «مسجدالفتح» نیز نامیده‌اند.

**۶. مسجدالفضیخ:** این مسجد به «مسجدالشّمس» نیز معروف است و در شرق مسجد قبا واقع است و با سنگ‌های سیاه ساخته شده است. رسول خدا ﷺ در غزوه «بنی‌النضیر»، در این محلّ اقامت داشته و در آنجا نماز خوانده‌اند.

**۷. مسجدالفتح:** این مسجد به نام‌های «احزاب» و «اعلی» نیز معروف است و بر فراز کوه «سلع»، نزدیک مدینه و در سمت غربی آن واقع است. بعضی گفته‌اند که پیامبر ﷺ در جنگ خندق در آن نماز خوانده‌اند و برای پیروزی مسلمانان در این جنگ از خداوند طلب نصرت کرده و خواسته آن حضرت مقرون به اجابت گردیده است.

**۸. مسجد ذباب:** این مسجد که به «مسجدالرایه» نیز مشهور است، در بالای کوهی به نام «ذباب»، در سمت غربی مدینه واقع است. افرادی گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در غزوه خندق در آنجا نماز خوانده است.

**۹. مسجدالعصر:** این مسجد در نزدیکی کوه «عصر»، در یک‌منزلیِ مدینه به طرف خیبر واقع است. برخی گفته‌اند رسول اکرم ﷺ آن را بنا نهاده است و سمهودی به نقل از مطری گفته است که مسجدالعصر از مساجد معروفی است که پیامبر ﷺ به هنگام رفتن به خیبر در آن مسجد نماز خوانده‌اند.

**۱۰. مسجد خیبر:** این مسجد به هنگام غزوه خیبر توسّط پیامبر اکرم ﷺ در محلّ خیبر بنا نهاده شد.

**۱۱. مسجد میان شق فطاه:** «شق» و «فطاه» نام دو قلعه از قلعه‌های خیبر است. بعضی می‌گویند رسول خدا ﷺ پس از فتح خیبر در جایی میان این دو قلعه نماز گزاردند و سپس در آنجا مسجدی را بنا نهاد.

در مـورد تعـداد مسـاجد و جایگاه‌هـای نمـازِ پیامبـر ﷺ در غـزوه تبـوک، در میان تاریخ‌نویسـان اندکـی اختـلاف اسـت. آن حضـرت، نخسـتین مسـجد را در محلّـی به نـام «ذی خشـب»، در یک‌منزلـیِ مدینـه احـداث نمودنـد و در راه، بـه هـر منزلـی کـه می‌رسـیدند، مسـاجد دیگـر را بنـا می‌کردند.[1] ابن‌اسـحاق تعـداد ایـن مسـاجد را چهـارده مسـجد و واقـدی، پانـزده مسـجد بیـان کرده‌اند.[2] مؤلّـف سـیره رسـول‌الله، شـمار ایـن مسـاجد را هفـده مسـجد و سـمهودی، بیسـت مسـجد ذکـر نموده‌اند. در ایـن قسـمت از بحـث، ایـن مسـاجد را بـه ترتیبـی کـه سـمهودی در «وفـاء الوفـاء»، از نخسـتین مسـجد در تبـوک بـر شـمرده، می‌آوریـم: مسـجدالتّوبه، مسـجد مدران، مسـجد ذات‌التّرزاب، مسـجدی در اخضر، مسـجدی در ذات خطیی، مسـجدی در اتی، مسـجدی در تبـراء، مسـجدی در دره تـاراء، مسـجدی بـالای حصـاء، مسـجد حجـر، مسـجد بـالای قـزح، مسـجدی در وادی‌القری، مسـجدی در قریه بنی‌عذره، مسـجدی در رقعـه، مسـجدی ذی‌المـروه، مسـجد فیفاء، مسـجدی در ذی خشـب.[3]

ایـن مسـاجد متعـدّد، بیانگـر اهمیّـت و نقـش فعّال مسـاجد در میدان‌هـای جنگ اسـت. پیامبـر ﷺ حتّـی در بازگشـت از جنگ‌ها نیز توجّه خاصّی به مسـجد داشـتند و همـواره هنـگام برگشـت، ابتـدا در مسـجد حضـور می‌یافتنـد و در آنجـا دو رکعـت نمـاز می‌گذاردند.[4]

برخـی از فرماندهـان سـپاه نیـز در ایـن مـورد از پیامبـر ﷺ پیـروی می‌کردنـد. اُسـامه در بازگشـت از جنـگ موتـه، پس از ورود بـه مدینه، در حالی کـه پرچم جنگ پیشـاپیش او حمـل می‌شـد، ابتـدا بـه مسـجد رفـت؛ دو رکعـت نمـاز گـزارد؛ آنـگاه همـراه بـا پرچـم به خانـه خود بازگشـت.[5] این عمـلِ پیامبر ﷺ و فرماندهان رشـیدی ماننـد اُسـامه، در حقیقـت نشـان دهنده شـکر گزاری به بـارگاه الهی بود؛ زیـرا در باور آنهـا، مسـجد، برتریـن مـکان بـرای این عمل شـناخته می‌شـد.

---

[1] . سمهوری، شهاب الدّین احمد الحسینی، وفاءالوفاء باخبار دارلمصطفی، ص۱۸۳-۱۸۱.
[2] . واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۷۶۱.
[3] . سمهوری، شهاب الدّین احمد الحسینی، وفاءالوفاء، باخبار دارالمصطفی، ص۱۸۳-۱۸.
[4] . واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۷۸۹.
[5] . همان، ص۸۶۰-۸۵۹.

## مساجد، نقطه آغاز تبلیغ فرهنگی اسلام پس از فتح نظامی

امام خمینی‌ﷺ می‌فرمایند: «ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند؛ همان جایی که پا گذاشتند، اوّل مسجد درست کردند؛ وقتی به قاهره رسیدند، اوّل برای مسجد، خط کشیدند و هر جا این‌طور بود، مسجد مطرح بود؛ معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محراب‌ها کوشش می‌کردند».[1]

در فتوحات اسلامی، اوّلین اقدام فاتحان جنگ، مسجدسازی بود. مسلمانان، قبل از اینکه به فکر خانه‌سازی برای خود باشند، به بنای مسجد فکر می‌کردند و سال هفده هجری، بعد از فتح کوفه، اوّلین اقدام مسلمانان، ساخت مسجد کوفه بود. همچنین، بعد از فتح مصر در سال بیست هجری، مسجد جامع بنا شد.[2] در تاریخ می‌خوانیم به دلیل اینکه مسلمانان در فاصله سال‌های چهارده تا شانزده هجری، عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و از مهم‌ترین شهرهای ایران قدیم و پایتخت ساسانی بود، «مدائن» نامیدند. کاخ باشکوه ساسانیان، معروف به «ایوان کسری»، در این شهر واقع بود و آثار آن تاکنون در کنار دجله باقی مانده است. هنگامی که مسلمانان، دروازه‌های این شهر را گشودند، ایوان کسری را بدون اندک تغییری در وضع مجسّمه‌ها، نقوش و انواع مناظر زیبای داخل آن، به مسجد مبدّل کردند و در روز پیروزی در آنجا نماز گزاردند.[3] این ویژگی جنگ‌های اسلامی، با هدف پشتیبانی از گسترش اسلام بود؛ کشورگشایی و مساجد، یکی از شاخصه‌های گسترش اسلام در مناطق مختلف و سرآغازی برای تبلیغ فرهنگی اسلام بود.

## مسجد، مرکز درمان و عیادت مجروحان

پیامبر اکرمﷺ با توجّه به این نکته ظریف که مجروحان جبهه‌ها برای مداوا،

---

[1]. بیانات امام خمینی‌ﷺ، در جمع فرماندهان، افسران و درجه‌دارن و پرسنل نیروی دریایی، در تاریخ ۵۹/۴/۱۵؛ امام در سنگر نماز، ص۱۷۱- ۱۷۲ به نقل از صحیفه نور، ج۱۲، ص۲۲۲.

[2]. شیت خطاب محمود، الوسیله فی رساله المسجد العسکریه، ص۱۳۷- ۱۳۸.

[3]. فراهتی عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، ص۱۷۷.

عـلاوه بـر درمـان به روش متـداول، بـه عوامل معنـوی نیازمندنـد، مسـجد را بهترین درمانـگاه و اسـتراحت‌گاه مجروحـان قـرار دادند.[1] ایـن تصمیـم، سـبب می‌شـد که در قالـب رفـت و آمدهـای نمازگـزاران بـه مسـجد، از مجروحـان احوالپرسـی و اِکـرام به عمـل آیـد و ایـن تقویّـت روحیّه بـه درمـان آنهـا (مجروحان) کمـک می‌کرد.

واقـدی، در مـورد رخدادهـای جنـگ اُحُـد که طیّ آن شـمار زیـادی از مسـلمانان مجـروح شـدند، آورده اسـت: «مـردم در مسـجد، چـراغ و آتـش برافروختـه بودنـد و خسـتگان و مجروحـان را زخم‌بنـدی می‌کردنـد».[2] ابن‌هشـام، هنگامی کـه از ماجرای حکمیّـت سـعدبن‌معاذ دربـاره یهودیّـان بنی‌قریظـه می‌نویسـد، می‌گویـد: «رسـول خـدا ﷺ، سـعدبن‌معاذ را در خیمـه‌ای جـا داده بودنـد؛ در ایـن خیمـه، زنـی از قبیله أسـلم کـه «رفیـده» نام داشـت، مجروحان را مـداوا می‌نمود. این زن، خـودش را وقف خدمـت بـه مسـلمانانِ مجـروح کرده بـود. رسـول خدا ﷺ پـس از آنکه سـعدبن‌معاذ در جنـگ خنـدق مجـروح شـده بـود، بـه قـوم او دسـتور دادنـد تـا سـعد را در خیمه رفیـده بسـتری کننـد تـا آن حضرت زود بـه زود به عیـادت او بروند».[3] طبـق یک نقل تاریخـی، عـدّه‌ای از جنگجویـان زخمـی قبیلـه اوس، در مسـجد مـورد معالجـه قـرار گرفتند.[4]

البتّـه می‌تـوان گفـت کـه انجـام کار زخم‌بندی در مسـجد، در زمـان پیامبر ﷺ، به دلیـل نداشـتن جـا و مـکان مناسـب‌ترین و بهترین جا بـرای این کار بوده اسـت؛ زیرا طبیعـت ایـن کار کـه به‌طـور معمـول با خون‌ریزی همراه اسـت، با مسـجد سـازگاری نـدارد و بـه علّت ضرورت، از مکان مسـجد اسـتفاده می‌شـد.

به‌عـلاوه، در پـاره‌ای از مـوارد، مانند بسـتری شـدن سـعدبن‌معاذ در مسـجد، هدف ایـن بـود کـه پیامبر ﷺ بتواند به آسـانی از وی عیـادت نماید. اگرچه به نظر می‌رسـد بـر پایـه شـواهدی کـه جـای ذکـر آن نیسـت، پیامبـر ﷺ، سـعد را بـه ایـن دلیل در مسـجد بسـتری نمودنـد تـا همـراه بـا عیـادت از او دربـاره مسـائل نظامـی نیـز بـا او

---

[1]. رهبری حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص۲۵۴- ۲۵۵، با تلخیص.
[2]. واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۱۸۰.
[3]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص ۲۰۸، به نقل از السیره النبویه، ابن‌هشام، ج۳، ص۲۵۰.
[4]. مکّی سباعی، محمّد؛ تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عباسپور محمّد، مهدوی محمّد جواد، ص۳۲.

بـه مشـورت وگفت‌وگـو بپردازنـد؛ زیـرا سـعد، از سـرداران بنام سـپاه اسـلام و سـالار اوسـیان بـود و یـک چهـره بـزرگ نظامی بـه شـمار می‌آمد.

مـا نیـز بـا ذکـر این‌گونـه شـواهد تاریخی، بـر آن نیسـتیم تـا چنیـن نتیجه‌گیری کنیـم کـه امروز نیز بـا وجود امکانات و مکان‌های مناسـب‌تر برای مـداوای مجروحان، بایـد از مسـجد اسـتفاده کـرد؛ بلکـه در صدد آن هسـتیم تا ارتبـاط فعّـال و تنگاتنگ مسـجد را بـا امـور اجتماعی و مسـائل مربـوط به جنگ نشـان دهیم.[1]

## مسجد، محلّ نگهداری اُسرا

در تاریـخ می‌خوانیـم کـه اسـیران را پـس از جنگ، به مسـجد می‌آوردنـد و در آنجا به یکی از سـتون‌های مسـجد می‌بسـتند تـا پیامبر ﷺ دربـاره آنها حکم نهایـی را صادر کنـد.[2] در سـیره ابن‌هشـام، دربـاره زندانی شـدن دختـر حاتم‌طائی چنیـن می‌خوانیم: «فجعلـت بنـت حاتـم فی خطیره بباب المسـجد، کانت السـبایا یحبسـن فیهـا؛ دختر حاتـم را در محوّطـه دیوارکِشـی شـده‌ای در ورودی مسـجد پیامبر ﷺ که اسـیران را در آنجـا زندانـی می‌کردند، جـای دادند».[3]

## مسجد، محلّ نگهداری غنایم جنگی

یکـی از کارآیی‌هـای فعّـال مسـاجد در جنگ‌هـا، نگهـداری غنایـم بـود تـا بعـد از جنـگ بیـن رزمنـدگان تقسـیم شـود. همان‌طـور که حضـرت علی ؑ پـس از جنگ جمـل، غنایـم را بـرای نگهـداری به مسـجد بصره فرسـتادند.[4]

---

[1] . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۲۰۸ - ۲۰۹.
[2] . مجلّه مسجد، ش۱۸، به نقل از الجامع الصحیح، ۳/ ۱۲۳.

[3] . رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص۲۵۸، به نقل از سیره ابن‌هشام، ۴/ ۲۳۵.
[4] . مکّی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عبّاسپور محمّد، مهدوی محمّدجواد، اقتباس از ص۴۴.

## » فصل دوّم: رابطه فرهنگ مسجد با فرهنگ جهاد

### شناخت جهاد از دیدگاه اسلام

در نظام الهی اسلام، ترویج ارزش‌های اسلامی و حرکت در مسیر گسترش آن، وظیفه همه مسلمانان است و این حرکت در طول تاریخ، همواره با مخالفت جبهه کفر و شرک و نفاق روبه‌رو شده است و بهترین وسیله برای پیروزی مسلمانان جهاد و شهادت‌طلبی است.

اگر اسلام تا امروز ماندگار شده است و روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شود، به سبب امر جهاد است. یکی از برتری‌ها و تفاوت‌های اسلام و مسیحیّت، جهاد است؛ زیرا رسالت اسلام، اصلاح جهان است که بدون قانون، جهاد و ارتش مقتدر، محقّق نخواهد شد.

فلسفه جنگ در اسلام، گسترش نظام توحیدی الهی است که با ریشه‌کن شدن فساد و ظلم محقّق می‌شود تا زمینه‌ساز انتخاب آزادانه دوستداران توحید در جهان باشد.

جنگ‌های دفاعی در اسلام بر همگان واجب است و شرایط خاصّی ندارد و شخص در شرایطی قرار می‌گیرد که به حکم عقل و فطرت باید از خود دفاع کند. برخی از مصادیق آن عبارت‌اند از:

الف) دفاع از مرزها، سرزمین و دولت اسلامی در برابر تجاوز بیگانگان؛

ب) جنگ با کفّار ذمّی‌ای که عهد خود با مسلمانان را زیر پا گذاشته و امنیّت و وحدت جامعه اسلامی را به خطر انداخته‌اند.

ج) جنگ‌های آزادی‌بخش با هدف آزادسازی ملّت‌های تحت سلطه حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری.[1]

### هدف از تشریع حکم جهاد در اسلام از منظر قرآن کریم

هدف از تشریع حکم جهاد و جنگ از دیدگاه قرآن کریم در موارد زیر بیان شده است:

[1]. شبان نیا قاسم، آثار جهاد در روابط بین‌الملل، ص۷۱.

**۱. گسترش توحید و خداپرستی:** از آیات زیادی که در آنها واژه «فی سبیل الله» در کنار امر به قتال آمده است می‌توان به این نکته پی‌برد که خداوند متعال همواره و در تمام جنگ‌ها، این هدف را مدّنظر داشته و آن را عامل مشروعیّت جنگ‌ها دانسته است.

**۲. برچیدن فتنه از روی زمین:** «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّی لاَ تَکُونَ فِتْنَةٌ وَ یکُونَ الدِّینُ کُلُّه لِلّه...؛ و با آنها پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود و دین (و پرستش)، همه مخصوص خدا باشد».[۱] بر اساس روایات موجود در این زمینه، مراد از فتنه، کفر و شرک نسبت به خداوند متعال است.

**۳. رفع هرگونه ظلم و ستم:** مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم و گسترش عدل و عدالت، یکی از اهداف جنگ است. «أُذِنَ لِلَّذِینَ یقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللهَ عَلَی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست».[۲] خداوند در این آیه شریف، دلیل اذن به جنگ با دیگران را ظلمی دانسته که در حقّ آنان روا داشته شده است.

**۴. نمایش اقتدار سپاه اسلام:** خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِینَ یلُونَکُم مِّنَ الْکُفَّارِ وَ لِیجِدُوا فِیکُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که با شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید؛ آنها باید در شما شدّت و خشونت (و قدرت) را احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است».[۳] این آیه شریفه، یکی از اهداف قتال را تضعیف روحیّه کفّار، برای مشاهده قدرت و شوکت سپاه اسلام دانسته است. در صورتی که کفّار، ضعفی را در مسلمانان مشاهده کنند، به فکر تسلّط بر مسلمانان و جسارت و گستاخی نسبت به آنان خواهند افتاد.

**۵. فرصت تفکّر برای گمراهان:** فراهم آوردن فرصت تفکّر و امکان توبه برای گمراهان، از طریق دعوت آنان به سوی خدا قبل از جنگ، می‌تواند به عنوان

---

۱. انفال، آیه۳۹.
۲. حجّ، آیه۳۹.
۳. توبه، آیه۱۲۳.

یکـی از اهـداف جنـگ در اسـلام مطـرح باشـد. بنابرایـن، خداونـد بـرای ترغیـب این افـراد بـه توبـه، به آنان این‌گونه بشـارت می‌دهـد: «قُـل لِلَّذِينَ كَفَـرُواْ إِن ينتَهُـواْ يغْفَرْ لَهُـم مَّـا قَـدْ سَـلَفَ وَ إِنْ يعُـودُواْ فَقَدْ مَضَتْ سُـنَّةُ الأَوَّلِيـنِ؛ به آنان که کافر شـدند، بگو چنانچـه از مخالفـت بازایسـتند (و ایمـان آورند)، گذشـته آنها بخشـوده خواهد شـد و اگـر بـه اعمـال سـابق بازگردند، سـنّت (خداونـد در) گذشـتگان، (درباره آنهـا) جاری می‌شـود (و حکـم نابـودی آنـان صادر می‌گـردد)».[1]

**۶. اصـلاح و تربیـت مسـلمانان و افزایش درجـه ایمان آنـان:** یکـی از برکات جنگ برای مسـلمانان این اسـت که شـداید و گرفتاری‌های جنگ، انسـان‌ها را تحت آزمایـش قـرار می‌دهـد و از آنـان سلحشـورانی می‌سـازد کـه آمادگـی تقدیـم جان و مـال خود برای حفظ اسـلام و مسـلمانان را خواهند داشـت. شـهید مطهـری در بحث مربـوط بـه عوامـل اصلاح و تربیـت، جهـاد را مهم‌ترین عامل تربیتی دانسـته اسـت و از آیـه شـریفه «وَ لَنَبْلُوَنَّكُـمْ بِشَـيءٍ مِـنَ الْخَوْفِ وَ الْجُـوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْـوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَـرَاتِ وَ بَشِّـرِ الصَّابِرِيـنَ؛ به‌طـور قطـع، همـه شـما را با چیزی از ترس، گرسـنگی و کاهـش در مال‌هـا و جان‌هـا و میوه‌هـا آزمایـش می‌کنیـم و بـه اسـتقامت‌کنندگان بشـارت ده»،[2] چنیـن بـه دسـت می‌آیـد کـه قـرار گرفتـن در شـداید، به ویـژه جنگ، انسـان را از لحاظ معنوی و روحی، اسـتکمال بخشـیده، او را آماده دریافت بشـارت از سـوی پیامبـر اکرم ﷺ می‌سـازد.

## جهاد اکبر، مقدّمه جهاد اصغر

عـن ابی‌عبـدالله ؑ: «انّ النّبـیّ صلـی الله علیـه و آلـه: بَعَـثَ سَـرِيةً فَلَمّـا رَجَعُـوا قالَ: مَرْحَبـاً بِقَـوْمٍ قَضَـوُا الجِهادَ الاصْغَـرَ وَ بَقِیَ عَلَیهِمُ الجِهـادُ الاکبَرُ فَقیلَ: یا رَسُـولَ الله! مَا الجِهـادُ الاکبَـرُ؟ قـالَ: جِهـادُ النّفـسِ؛ امـام صـادق ؑ می‌فرماید: پیامبر ﷺ لشـکری را بـرای جنـگ فرسـتاد؛ پس از برگشـت فرمـود: آفرین بـه گروهی که جهـاد اصغر را بـه جـای آوردنـد و بـرای آنها جهـاد اکبر به جـای مانده اسـت؛ گفته شـد ای پیغمبر

[1]. انفال: ۳۸.
[2]. بقره: ۱۵۵.

خـدا، جهـاد اکبر چیسـت؟ فرمود: جهـادِ با نفس اسـت».[1]

نامیـدن جنـگ، به جهـاد اصغر، در مقابـل نام نهـادن تهذیب، به جهـاد اکبر بیانگر نقـش تعییـن کننـده ایمـان و عقیـده در جنـگ از دیدگاه اسـلام اسـت؛ زیـرا مبنای جنـگ در اسـلام، گسـترش توحیـد اسـت؛ یعنـی جنـگ بـرای نشـر عقیـده الهی در جهـان؛ بـه همیـن دلیـل، رزمندگان، خـود بایـد از اعتقاد توحیـدی بالایـی برخوردار باشند.

تـرک تمـام تعلّقـات دنیـوی و آمادگـی بـرای مـرگ و شـهادت و جانبازی، بسـیار سـخت اسـت. اینکـه انسـان جان خـود را در دسـت گرفتـه، وارد میدان جنگی شـود کـه اطمینـان بـه بازگشـت و عواقـب آن نـدارد، موضوعـی قابل‌تأمّـل اسـت. ایمـان قـوی و اعتقـاد محکـم، می‌تواند سـختی‌ها و دشـواری‌های جنـگ را بـرای رزمندگان آسـان کنـد. تربیـت و پـرورش چنین نیروهایـی در مدّت کوتاه میسّـر نیسـت. تبدیل اعتقـادات بـه بـاور قلبی و آمادگی بـرای جهـاد، کاری بلندمدّت و مسـتمر می‌طلبد و نیازمنـد ارتبـاط داشـتن با مرکزی اسـت که مسـلمانان بتواننـد اعتقـادات و معنویّت خـود را تقویّـت کننـد. بهتریـن مـکان بـرای ایـن کار، خانه‌هـای خـدا در روی زمین اسـت. مسـلمانان بـا حضـور در مسـجد بـا یک فضـای معنـوی روبـه‌رو می‌شـوند که تأثیـر شـگرفی در بـالا بـردن معنویّت آنهـا دارد.

تجربـه نشـان داده اسـت کـه تربیـت یافتـگان مسـجدی، بیشـترین نقـش را دفاع مقـدّس ایفـا کرده‌انـد و اهالی مسـجد، بهتریـن و مقاوم‌ترین نیروهـا را از نظر اخلاقی، اعتقـادی و آمادگـی رزمـی، تحویـل جبهه‌هـای جنـگ داده‌اند. در مسـجد، انسـان با شـیطان درون می‌جنگـد کـه مقدّمـه‌ای بـرای جنگیـدن علیه شـیطان بیرون اسـت.

منظّـم بـودن، اطاعت‌پذیـری و پاکیزگـی از اولویّت‌هـای آمادگـی نظامـی اسـت. کسـانی کـه در مسـجد حضـور منظّم دارنـد و در صف نمـاز جماعت، به هنـگام رکوع و سـجود، هماهنگـی بـا دیگـران را مراعـات می‌کننـد، در جبهه موفّق‌تـر خواهند بود؛ زیـرا در عملیات‌هـای نظامـی، رعایـت نظـم و هماهنگـی، در رسـیدن به هـدف، تأثیر به‌سـزایی دارد.

[1]. العاملی الحر، وسائل‌الشیعه، ج۱۱، ص۱۲۲.

نمـاز جماعـت، روح تعـاون و همـکاری و فرمان‌پذیـری را در مسـلمانان افزایـش می‌دهـد. اگـر مأمومیـن از امام سـبقت بگیرنـد یا عقب بیفتند، نمازشـان باطل اسـت و در صفـوف متراکـم و بـه هـم پیوسـته، بین مؤمنـان الفـت و محبّت ایجاد می‌شـود کـه از لـوازم نظامیان اسـت.[1]

کسـانی کـه سـرما و گرمـا، بر حضـور آنان در مسـجد تأثیری ندارد و بـا «حیّ علی الصّلاه» به سـوی مسـجد می‌شـتابند، زودتر از بقیّه برای دفاع، بسـیج می‌شـوند.

برای ورود به مسـجد، وضو گرفتن برای نماز لازم اسـت. پس، انسـان از نظر جسـم و لبـاس بایـد پاکیـزه باشـد و نظافـت را رعایـت کنـد کـه یکـی از قوانیـن ارتش‌های منظّـم، همین نکته اسـت.[2]

بنابرایـن، نظامیانـی کـه از اهالی مسـجد هسـتند، برای جهـاد و شـهادت، آمادگی بیشـتری دارنـد و پادگان‌هایـی کـه نظامیـان را بـه سـبک غـرب آموزش‌هـای نظامی می‌دهنـد و دیـن در آنهـا محوریّتـی نـدارد، نمی‌تواننـد یـک ارتش مقتدر اسـلامی به وجـود آورنـد. در نتیجـه، آموزش‌هـای نظامـی اسـلامی از مسـاجد، بـا جهـاد با نفس آغـاز می‌شـود و هسـته جهادیـان و شـهادت‌طلبان در مسـاجد شـکل می‌گیـرد و این رمـز پیـروزی جوانـان ما بـود؛ همان‌طـور که امـام خمینـی‌ﷺ فرمودنـد: «جوان‌های عزیـز رزمنده، سـنگرها را به مسـاجد و معبد تبدیـل کردند»؛[3] یعنـی معنویّت، عبادت و فرهنـگ مسـجدی را بـه جبهه‌هـای جنـگ بردند.

## فرهنگ مسجدی، مبدأ فرهنگ جهادی

وقتـی فرهنـگ جبهه‌هـای جنـگ تحمیلـی را مـورد تحلیـل قـرار می‌دهیـم، بـه آموزه‌هایـی می‌رسـیم کـه عبارت‌انـد از: خـدا محـوری در انجـام امـور، فـداکاری، گذشـت، اهتمـام بـه توسّـل و دعـا، تواضـع، شـوخ طبعی‌هـای بجـا، وفـای بـه عهـد و اسـتقامت و پایـداری، سلسـله مراتـب بـر اسـاس تقـوا، انسـان‌پروری و... . در ایـن فرهنـگ، همـکاری و همدلـی و بـرادری واقعی حاکم بـود و هر کس، مـددکار دیگری

[1] . شیت خطاب محمود، الوسیط فی رساله المسجد العسکریه، اقتباس از ص۲۷۱- ۲۷۲.
[2] . شیت خطاب محمود، الوسیط فی رساله المسجد العسکریه، ص۷۱.
[3] . امام در سنگر نماز، مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام، ص۱۷۵، به نقل از صحیفه نور، ج۱۹، ص۱۷.

بـود؛ در مسـائل عبـادی و رابطـه بـا خـدا، وقت‌شـناس و دقیـق بودنـد.[1]

از سـوی دیگـر، در بررسـی چگونگـی پیدایـش ایـن فرهنـگ کـه توانسـت دنیـا را متحیّـر سـازد و خاطـره‌ای خـوش از هشـت سـال دفـاع مقـدّس در ذهـن رزمندگان و مـردم ایجـاد کنـد؛ متوجّـه می‌شـویم کـه ایـن فرهنـگ، از قبـل در مسـاجد حاکم بـود و بـه وسـیله اهالـی مسـجد بـه جبهه‌ها منتقل شـده اسـت؛ چـون این مـوارد از آموزه‌هـای دیـن اسـلام اسـت و مسـاجد، نمـاد و محـلّ تبلور ایـن آموزه‌هاسـت. این فرهنـگ مسـجدی و دینـی در هـر زمـان و مکانـی کـه ظهـور کنـد، شـگفتی خواهد آفرید.

مسـاجد، از روزهـای اوّل هجوم دشـمن بعثی، پایـگاه و پناهگاه رزمنـدگان و مردم بودنـد. مسـاجد، بـه خصـوص در شـهرهایی که مـورد تجاوز دشـمن قـرار می‌گرفت، مرکـز مقاومـت و پایـداری مدافعـان شـهر بـود و رزمنـدگان بـا حضـور در مسـجد و ارتبـاط بـا خـدا، روحیّـه ایمـان و پایـداری خـود را تقویّـت می‌کردنـد و مسـاجد، در سـخت‌ترین شـرایط جنـگ تحمیلـی دوشـادوش رزمنـدگان ایسـتادگی کردند.

## مسجد جامع خرّمشهر، نماد پایداری

مسـجد جامـع خرّمشـهر بـا اینکـه مـورد حمـلات شـدید بعثی‌هـا قـرار گرفـت و آسـیب‌های جـدّی دیـد، فـرو نریخـت و ایسـتاد تـا نمـاد مقاومـت و پایـداری جوانان خرّمشـهر باشـد؛ ایـن مسـجد، ایسـتادگی کرد تا شـاهد جشـن پیروزی رزمنـدگان و سـند تاریخـی جنایـات ضـدّ دینـی حزب بعث باشـد کـه آنان حتّـی به مسـاجد، این نمادهـای اسـلام، رحـم نکردند.

سـیّد اهـل قلـم، شـهید آوینـی، چه زیبـا مقام مسـجد جامـع خرّمشـهر را توصیف می‌کنـد: «مسـجد جامـع خرّمشـهر، قلـب شـهر بود کـه می‌تپید و تـا زمانی کـه بود، مظهـر مانـدن و اسـتقامت بود. مسـجد جامع خرّمشـهر، مثل مادری بود کـه فرزندان خویـش را زیـر بال‌وپـر گرفتـه بـود و در بی‌پناهـی، پنـاه داده بـود و تـا زمانـی کـه بـود، مظهـر مانـدن و اسـتقامت بـود و آنـگاه نیـز که خرّمشـهر به اشـغال متجـاوزان

[1]. زواره، علی‌رضا، فرهنگ سازمان جهاد، ص۵۷- ۶۳، با تلخیص.

درآمـد و مدافعـان ناگزیـر شـدند که به آن سـوی شـطّ خرّمشـهر کوچ کننـد، باز هم مسـجد جامـع، مظهـر همـه آن آرزوهایی بـود که جز در بـاز پس‌گیری شـهر برآورده نمی‌شـد. مسـجد جامع، همـه خرّمشـهر بود».[1]

دشـمن بعثـی، بعـد از تصـرّف فرمانـداری خرّمشـهر، اشـغال آن را پایـان یافتـه می‌دیـد؛ ولـی متوجّـه شـد که همچنـان مقاومـت ادامه دارد و هسـته مقاومت شـهر، در مسـجد جامـع مسـتقر اسـت، از ایـن‌رو، بـه سـمت آن حرکـت کردنـد.

مسـجد جامـع، نقـش سـتاد عملیـات و فرماندهی، مرکـز پشـتیبانی و تغذیه‌کننده روحـی و معنـوی رزمنـدگان اسـلام را ایفـا می‌کـرد. عقبـه نیروهـا، محـلّ تـدارکات، سـازمان‌دهی، اسـتراحت، جایـگاه مـداوای مجروحـان، در مسـجد واقع شـده بود.[2] در مسـجد، خواهـران بـه پخت‌وپـز مشـغول بودنـد و جیـره جنگـی آمـاده می‌کردنـد تـا مدافعـان خسـته شـهر را یـاری کننـد. از منـاره مسـجد، بـرای هدایـت خمپاره‌ها اسـتفاده می‌شد.[3] دشـمن کـه فهمیـده بـود مسـجد جامـع، قلـب مقاومت اسـت، روز دوازده مهـر آن را زیـر آتـش گرفـت. یـک گلوله تـوپ، گنبد مسـجد را شـکافت و در شبسـتان فـرود آمـد و چنـد نفـری را بـه شـهادت رسـاند و عـدّه‌ای را مجـروح کرد.[4]

بعـد از بازپس‌گیـری خرّمشـهر، رزمنـدگان فاتـح، در اوّلیـن اقـدام خـود، پـس از آزادسـازی شـهر، نماز شـکر را در مسـجد جامع به جا آوردند و در پایان آن روز، مردم بـه تبعیّـت از رزمنـدگان، بـا حضور در مسـاجد کشـور، نماز شـکر به جـا آورده، با فرا رسـیدن شـب، بـه یُمن پیـروزی، بـر پشـت‌بام‌ها نـدای تکبیر سـر دادند.[5]

## حسینیّه‌ها و جایگاه‌های نماز در جبهه‌های جنگ

در دوران جنـگ تحمیلـی عـراق علیـه ایران اسـلامی، شـاهد بودیم کـه رزمندگان اسـلام، مسـاجد و مصلّی‌هـای فراوانـی را در سراسـر جبهه‌هـای نبـرد بنـا نهادنـد. متأسّـفانه شـمار زیـادی از ایـن مسـاجد، بـه دلیـل بی‌توجّهی ناشـناخته مانـد. با این

[1]. آوینی، سیّدمرتضی، شهری در آسمان، ص۱۷- ۱۸.
[2]. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از خونین شهر تا خرّمشهر، ص۳۶.
[3]. مهدی، انصاری، محمّد، درودیان، نجفی هادی، خرّمشهر در جنگ طولانی، ص۳۳۶- ۳۳۷.
[4]. گروه نویسندگان، خرّمشهر، ص۲۲- ۲۳.
[5]. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از خونین شهر تا خرمشهر، ص۱۵۸- ۱۵۹.

وجـود، حفـظ و نگهـداری مـواردی کـه باقـی مانـده، لازم اسـت؛ زیـرا ایـن مسـاجد، سـندی زنـده و گویـا از تاریخ مردمی اسـت کـه در اوج دفاع مظلومانه، نماز و مسـجد را فرامـوش نکردند.[1]

شـرایط جنگـی جبهـه و احکام فقهی مسـاجد، چنین اقتضا می‌کرد که حسـینیّه‌ها و چادرهـا و سـنگرهای نمـاز، نقـش مسـاجد را ایفـا کننـد. توجّـه رزمندگان بـه نماز جماعـت در همـه حـال و همـه جـا، باعث تقویّـت جایگاه این حسـینیّه‌ها شـده بود.

«شـکل سـاختمان ایـن حسـینیّه‌ها، هـر چقـدر به خـطّ مقـدّم نزدیک‌تر بـود، چه از حیـث مـواد و مصالـح و طـرز بنـا و سـاختمان و تأسیسـات و چـه از نظـر برنامـه و محتـوا و محیـط، فـرق می‌کـرد؛ امّـا به‌طـور معمـول، محلّ آنها وسـط محوّطـه بود تا هـم بـه منابـع آب و دست‌شـویی و جـادّه نزدیک باشـد و هم بتـوان از آنهـا محافظت و مراقبـت کـرد. حسـینیّه را در زمیـن مسـطح یـا کوبیده شـده، بنـا می‌کردنـد؛ البتّه اگـر قـرار بـود چنـد گـردان مدّتی کنـار هم باشـند؛ غیر از این شـرایط، از یک سـنگر یـا چـادر کمـی بزرگ‌تـر یا سـوله بـه عنـوان حسـینیّه اسـتفاده می‌کردند؛ امّـا در هر نقطـه و بـه هـر نحـوی، بدون اسـتثنا همیشـه محکم‌تریـن بنـا از نظر مصالـح و نحوه سـاختمان، بنـای حسـینیّه‌ها بـود؛ نه سـنگر و محـلّ اقامـت فرماندهان. ایـن ویژگی، درسـت بـر خـلاف وضـع حاکم بـر جبهه دشـمن بود.

حسـینیّه، در پـادگان بـرای نیروهـا همـه چیز بـود؛ هم مسـجد و مدرسـه بود، هم غذاخـوری و خوابـگاه (در صـورت اضطرار)، هم محـلّ سـازمان‌دهی و تعیین گردان و اعـزام نیـرو بـه خـطّ بود، هم محـلّ برگـزاری جلسـات و کلاس‌های عقیدتـی و رزمی و اخلاقـی و علمـی؛ در حسـینیّه هـم سـینه می‌زدنـد و هم مرثیـه می‌خواندنـد و نیز مولـودی؛ هـم محـراب داشـت؛ هـم کتابخانه داشـت؛ ماننـد: حسـینیّه حـاج ابراهیم همّـت، در پـادگان دوکوهـه اندیمشـک، بـا ظرفیّت تقریبی هشـت هـزار نفر.

در و دیـوار حسـینیّه، از کلمـات قصار ائمّه علیهم‌السلام و رجزها و شعارنویسـی پر شـده بود. شـور و نشـاط حسـینیّه‌هایی کـه بـا مـلاط صلوات سـاخته شـده بودند، به طـراوت و سـرزندگی رزمندگان بسـتگی داشـت؛ با حضـور آنها، حسـینیّه، هسـتی می‌گرفت؛ با

[1]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۲۰۷.

هـر اعـزام و آغـاز و انجـام هر عملیات، حسـینیّه جـان می‌گرفت».[1]

رزمنـدگان، هماننـد مسـجد، برای روحانـی گـردان، در داخل حسـینیّه، منطقه‌ای ماننـد محـراب درسـت می‌کردنـد و چالـه‌ای بزرگ، در حـدود یک پله گـودی احداث می‌کردنـد.[2]

جفـت کـردن کفـش نمـاز گـزاران، جلـوی در حسـینیّه یـا سـنگر نمـاز جماعـت، خیلـی مشـتری داشـت و هر کس سـعی می‌کـرد در انجام ایـن کار بر دیگری پیشـی بگیـرد. خوانـدن سـوره واقعه بعد از نماز جماعـت، از دیگر آداب جماعـت بود. در نماز جماعتـی کـه در سـنگر برگـزار می‌شـد، گاهی اوقات بعـد از نماز، افـراد در چهار ضلع سـنگر می‌ایسـتادند و بـرای مصونیّت از شـرّ دشـمن، سـوره توحیـد را می‌خواندند.[3]

حسـینیّه‌ها، در ایجـاد فضـای معنـوی، تقویّـت ایمـان، مراسـم‌های دعـا و توسّـل بـه اهـل بیـت علیهم‌السلام عمق بخشـیدن به معلومـات دینـی رزمنـدگان و بالا بـردن روحیّه رزمندگان نقشـی اساسـی داشـتند.

زمانی که حسـینیّه‌ها مانند خیمه‌های حسـینی، در دشـت و صحرا برپا می‌شـدند، همـه آن غربـت و مظلومیّـت و هجـرت و شـهادت امـام حسـین و یارانـش، بـه ذهـن تداعـی می‌شـد و یکـی از علّت‌هـای تسـمیه آن بـه نـام حسـینیّه، همیـن علاقـه بـه نهضـت حسـینی بود.

## قلب دوکوهه

یکـی از حسـینیّه‌های فعّـال جنـگ کـه در پـادگان دوکوهـه اندیمشـک بنـا شـد، حسـینیّه حـاج همّـت بـود. شـهید آوینـی در مـورد آن می‌نویسـد: «حسـینیّه حـاج همّـت، قلـب دوکوهـه بـوده اسـت. حیـات دوکوهـه از اینجا آغاز می‌شـد و بـه همین جـا بـاز می‌گشـت. وقتـی انسـان عـزادار اسـت، قلـب وی بیـش از همه در رنج اسـت و در اصـل، رنـج بـردن را همـه وجود، از قلـب می‌آموزنـد. دوکوهه، قطعـه‌ای از خاک

[1]. فهیمی، سیّدمهدی، فرهنگ جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، ج۴، ص۱۸۷- ۱۸۸.
[2]. همان، ص۲۸۵.
[3]. همان، ص۲۸۶.

کربلاست؛ امّا در این میان، حسینیّه را قدری دیگر است».[1]

آغاز عملیات احداث حسینیّه، توسّط لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب قم، به علّت نیاز به محلّ مناسبی برای مراسم عبادی انجام شد و زیر نظر شهید محمّد عبادیان،[2] مسئول تدارکات لشکر و با همکاری بسیاری از فرماندهان و نیروهای بسیجی در سال ۱۳۶۳ به پایان رسید.

بسیاری از نیروها برای شرکت در ساخت حسینیّه، از رفتن به مرخّصی خودداری کردند و با شوق فراوان در کار ساخت آن شریک شدند. وقتی تابلوی حسینیّه بر سردر آن نصب شد، خستگی از تن همه رزمندگان بیرون رفت. بر روی تابلو نوشته شده بود: «حسینیّه سردار رشید خیبر، شهید حاج محمّدابراهیم همّت». از این تاریخ به بعد، حسینیّه حاج همّت، فصل دیگری را در تاریخ پادگان دوکوهه کشور رقم زد. بر دیوار جنوبی حسینیّه دو تصویر به چشم می‌خورد؛ در سمت راست در ورودی، رزمنده‌ای در دل شب، در حال سجده و در سمت چپ، رزمنده‌ای به حالت سینه‌خیز در حال حرکت به سمت آسمان دیده می‌شد.

از نکات جالب حسینیّه حاج همّت، باز بودن درهای آن در تمام ساعات شبانه‌روز بود. فضای معنوی حاکم بر پادگان دوکوهه، همیشه تعدادی را به سوی حسینیّه روانه می‌کرد. این حسینیّه، علاوه بر اینکه محلّی برای برگزاری نمازهای جماعت و محافل دعا و عزاداری بود، جایگاهی برای خلوت کردن رزمندگان با خدا بود. بسیاری از نیروها، با صدای اذان صبح که از بلندگوهای پادگان پخش می‌شد، از خواب برنمی‌خواستند، بلکه تهجّد و نماز شب از قبل، آنها را از بستر جدا و راهی حسینیّه کرده بود. همچنین، بعضی جلسات گردانی و گروهانی و کلاس‌های عقیدتی و اخلاق نیز در حسینیّه برگزار می‌شد. مطالعه و بحث‌های علمی و مذهبی نیز از عواملی بود که نیروها را از اتاق‌های شلوغ به فضای آرام حسینیّه می‌کشاند.[3]

---

[1]. آوینی، سیّدمرتضی، با من سخن بگو دوکوهه، ص۱۲.
[2]. حاج محمّد عبادیان در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.
[3]. گروه نویسندگان، دوکوهه، ص۴۴-۳۳ با تلخیص.

## حسینیّه کرخه

ماجـرای حسـینیّه کرخه را، سـردار کوثری این‌گونـه روایت می‌کند کـه رزمنده‌ای شـانزده سـاله از تهـران، بـا دسـتکاری شناسـنامه‌اش و تغییـر آن بـه هفـده سـال، به جبهـه رفتـه بود. ایـن رزمنده کـه از خانواده‌ای با تمکّـن مالی بـود، در وصیّت‌نامه‌اش خطـاب بـه پـدرش نوشـته بـود: اگر من شـهید شـدم، در پـادگان دوکوهه، حسـینیّه بسـازید. بعـد از شـهادتش در آن طـرف کانـال ماهـی، با وجـود پیدا نشـدن پیکرش، حتّـی بعـد از سـیزده سـال، خانـواده وی برای عمـل نمودن بـه وصیّت فرزندشـان به مـن مراجعـه کردنـد. مـن به آنهـا گفتم: دوکوهه حسـینیّه دارد و بهتر اسـت شـما در اردوگاه کرخـه، یـک حسـینیّه بسـازید کـه این‌طور هم شـد.[1]

حسـینیّه کرخـه و سـیّد الشّـهداء دوکوهـه و صدهـا حسـینیّه گمنـام دیگـر که در خطـوط جبهه‌هـا بـه دسـت رزمنـدگان بنـا شـد، سـندی تاریخـی در مـورد انگیـزه رزمنـدگان در مبـارزه و دفـاع از مرزهـای اندیشـه دینـی بـوده اسـت.

## ائمّه جماعت شهید

نقـش روحانیّـون در مسـاجد به مثابـه روح برای بدن اسـت که نقش به‌سـزایی در کارآیـی مسـاجد دارنـد. روحانیّـون در دوران جنگ تحمیلـی، ایثار و فـداکاری زیادی از خـود بـه نمایـش گذاشـتند. نسـبت شـهدای روحانی بـه کل روحانیّت، در مقایسـه بـا شـهدای اصنـاف دیگـر از درصـد بالایـی برخـوردار اسـت. البتّـه بایـد همین‌طـور باشـد و ایـن موضـوع، یـک امـر طبیعی اسـت؛ چـون روحانیّت، کـه مردم را بـه جهاد دعـوت می‌کردنـد، خـود بایـد عامل به جهاد باشـند و پیشـاپیش مـردم حرکت کنند تـا مـردم دنبالـه‌رو آنهـا باشـند. از نمونه‌های فـداکاری رزمنـدگان روحانـی، خاطرات زیـادی نقل شـده اسـت؛ به عنـوان مثال اقامه نماز جماعت در شـهر خالی از سـکنه و محاصره شـده آبادان به وسـیله حجّت‌الاسـلام والمسـلمین جمعی، از مناظر باشـکوه و بـه یادماندنـی دفـاع مقـدّس اسـت. مسـجدی که قبـل از جنـگ، مملـوّ از جمعیّت بـود، اینـک با تهاجم دشـمن بعثی، مراسـم نمـاز جماعتی داشـت که با حضـور چهار

[1] . به نقل از خبرگزاری ایسنا، میزگرد گرامیداشت سالگرد عملیات غرورآفرین کربلای۵.

تـا پنـج نفـر، آن هم بـدون برق و چـراغ، زیر نور شـمع برگزار می‌شـد. شـهر، دائم در معـرض آتـش سـنگین دشـمن بود و هـر لحظه بیـم آن می‌رفـت که گلوله‌ای سـقف شبسـتان و حیـاط مسـجد را نشـانه رود؛ امّا همین نمـاز، معنویّت خاصّی داشـت. این عـدّه انـدک، هـر روز لحظه‌شـماری می‌کردنـد تـا مغـرب فـرا برسـد و نمـاز جماعتی دیگر برپـا کنند.[1]

نمـاز جماعـت قـرارگاه نیز، معنویّت و شـکوه خاصّی داشـت. سـوله‌ای فاقـد امنیّت جانـی، نمازخانـه قـرارگاه بـود. در حـال قنـوت که غـرش هواپیماهـا، صفـوف نماز را بـر هـم ریخـت، صـدای نالـه ضعیـف مجروحـان به سـختی به گـوش می‌رسـید. امام جماعـت، صدایـش تغییـر کـرده بود. خـون از زیـر عبایش جـاری بود؛ امـام جماعت، بی‌هـوش روی سـجّاده افتـاده بـود. وقتـی بـالای سـرش رسـیدیم، دیدیـم جراحتش بیـش از آن بـود کـه بتواند نمـاز را تمـام کند.[2]

[1] . منصـور نـژاد محمّـد، شـیخیان علـی، عوامـل معنـوی و فرهنگـی دفـاع مقـدّس (وحـدت مردمـی، حضـور روحانیّـت)، ج۵، ص۲۸۱.

[2] . همان، ص۲۸۱. به نقل از: شاهرضایی محسن، پیشانی و خاک، ص۸۷، با اندکی تصرّف.

## » فصل چهارم: نقش مساجد در پشتیبانی از جنگ

یکی از عوامل موفّقیّت ایران در دفاع مقدّس، ارتباط تنگاتنگ مردم با جنگ بود و مساجد، حلقه وصل این ارتباط بودند. مساجد، با اطّلاع‌رسانی از وضعیّت جنگ و بیداری و هوشیاری مردم، توانستند آنها را برای جنگی طولانی آماده نگه دارند و مردم که خود را در جنگ سهیم می‌دانستند، با کمک مساجد به حمایت از جنگ می‌پرداختند. برخی از عناوین خدمات و پشتیبانی مساجد از جنگ که با روش تحقیقات میدانی توسّط محقّق جمع‌آوری شد، به این شرح است:

### تربیت نیروهای مبارز

مؤمنانی که همه روز، برای پرستش و عبادت خداوند به مساجد آمدند و با انجام واجبات و ترک محرّمات، اراده خود را تقویّت کرده‌اند، در میدان مبارزه و جنگ، سستی و ناتوانی به خود راه نمی‌دهند. آنها، با عزمی راسخ به سوی جهاد و حاکمیّت دستورات الهی و نابودی ظلم و شرک گام برمی‌دارند. شیوه جنگی نظامیان ایران، مبنی بر انسان‌محوری بود و تجهیزات‌محور نبود. در نتیجه، نیروها نقش اساسی در اداره جنگ داشتند.

### جذب و اعزام نیرو

از وظایف پایگاه مقاومت مساجد در زمان جنگ، جذب نیرو برای جبهه‌ها بود و به دلیل استقبال زیاد داوطلبان و مشخّص بودن سهمیّه هر محلّ، افراد به صورت نوبتی یا قرعه‌کشی انتخاب می‌شدند و بعد از فراگیری آموزش‌های مقدّماتی نظامی، برای اعزام از مساجد به جبهه آماده می‌شدند. رزمندگان، هنگام اعزام از مساجد، با پیروی از این سنّت نبوی و بهره‌گیری از قداست و معنویّت خانه خدا، با روحیّه‌ای معنوی به سوی جبهه‌ها حرکت می‌کردند.

### بدرقه رزمندگان

خبر اعزام نیروهای بسیجی از مسجد به اطّلاع نمازگزاران می‌رسید و زن و

مـرد، خـود را بـرای بدرقـه‌ای باشـکوه آمـاده می‌کردنـد و با عبـور دادن بسـیجیان از زیـر قـرآن و بـا دسـته‌های گل و دعـا، بسـیجیان را بدرقـه می‌کردنـد.

## جمع‌آوری کمک‌های مردمی

فهرسـت اقـلام مـورد نیاز جبهـه، اعمّ از نیـرو و امکانات، از طریق مسـاجد به اطّلاع مـردم می‌رسـید و آنهـا عاشـقانه در حـدّ تـوان، اقـلام مـورد نیـاز جبهه‌هـا را تأمیـن می‌کردنـد. صرف‌نظـر از ارزش مـادّی کمک‌هـا، آنچـه در خـور توجّـه بـود، حضـور معنـوی آحـاد مختلـف مـردم در امـر کمک‌رسـانی بـه جبهه‌هـا بـود کـه زیباتریـن مشـارکت مدنـی و دینـی را بـا ایـن عمـل به نمایـش می‌گذاشـتند.

## دعا برای رزمندگان

دعـا، بهتریـن هدیـه مؤمن و بهتریـن راه ارتباط با خداسـت. مؤمنان مسـجدی، هر روز بعـد از نمـاز بـه صـورت دسـته‌جمعی دعـای «خدایـا! خدایـا! تا انقـلاب مهدی از نهضـت خمینـی محافظـت بفرما» و دعای «رزمندگان اسـلام پیروزشـان بگـردان» را بـرای پیـروزی رزمنـدگان زمزمـه می‌کردند. این دعاهـای خالصانه و دسـته‌جمعی در مسـاجد بـه اسـتجابت نزدیک‌تـر بـود و تأثیـر به‌سـزایی در پیروزی‌هـای رزمنـدگان داشت.

## تشییع پیکر شهدا

بیشـتر مراسـم‌های تشـیع پیکـر شـهدا از مسـاجد محلّه‌هـا شـروع می‌شـد و آحاد مـردم بـا حضور خـود، مایـه دلگرمـی خانواده‌های شـهدا می‌شـدند. احتـرام و تکریم بـه پیکـر شـهدا و خانواده‌هایشـان و بیـان اوصاف و خاطرات شـهدا در مسـاجد، تأثیر الگویـی فراوانـی در جوانـان داشـت و یکـی از عوامل مهمّ تشـویق آنان بـرای اعزام به جبهه‌هـا بود.

## دیدار اهل مسجد با خانواده‌های ایثارگران[1]

پیامبر ﷺ در راستای ارج‌گذاری به فضیلت شهادت و شهیدان، گاهی اوقات با گروهی از مؤمنان حاضر در مسجد، به سرکشی از خاندان شهیدان می‌رفتند و در راستای رفع مشکلات آنها تلاش می‌نمودند. روزی، آن حضرت همراه با گروهی از یاران خویش از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده سعدبن‌ربیع، از شهدای جنگ اُحُد، رفتند. واقدی این رویداد را چنین بازگو نموده است:

«سعدبن‌ربیع، یکی از شهدای اُحُد بود. پس از شهادت سعد، برادرش میراث او را با وجود داشتن زن و فرزند، تصرّف کرده بود. همسر سعد از پیامبر ﷺ دعوت کرده بود تا به منزل سعد بیاید و در این باره راه‌حلّی ارائه کند. جابر می‌گوید: روزی پس از ادای نماز صبح، در حضور پیامبر ﷺ نشسته بودیم و درباره جنگ اُحُد سخن می‌گفتیم و از شهدای خود یاد می‌کردیم. صحبت از سعدبن‌ربیع شد، حضرت فرمود: برخیزید! ما که بیست نفر بودیم همراه آن حضرت برخاستیم و به اسواف[2] رفتیم. پیامبر ﷺ وارد خانه سعدبن‌ربیع شد. ما هم به دنبال ایشان وارد شدیم... . همه نشستیم و رسول خدا ﷺ از سعدبن‌ربیع برای ما صحبت کرد و بر او رحمت فرستاد و فرمود: در آن روز دیدم که نیزه‌ها بر بدن او فرو می‌رفت تا اینکه کشته شد. وقتی زن‌ها این مطلب را شنیدند، گریستند. چشم‌های پیامبر ﷺ هم اشک‌آلود شد و زن‌ها را از گریه منع نفرمود... . آنگاه همسر سعد، مشکل خود را در ارتباط با میراث سعد مطرح کرد. پیامبر ﷺ منتظر فرود آمدن دستور الهی در این مورد شدند. پس از نزول آیات قرآن درباره چگونگی تقسیم میراث، بی‌درنگ کسی را به دنبال همسر سعد و برادر او فرستادند و اموال سعد را بر اساس حکم الهی میان آنان تقسیم فرمود».[3]

## تبلیغات جنگ

تبلیغات در جنگ‌های قرن بیستم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مساجد و منابر،

---

[1] . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج۲، ص۱۹۸.
[2] . نام محلّه‌ای در مدینه، نزدیک حرم مطهر نبوی یا نزدیک بقیع، معجم البلدان، ج۱، ص۲۴۸.
[3] . واقدی، محمّدبن‌عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص۲۴۱- ۲۴۳، با تلخیص.

در طـول هشـت سـال دفـاع مقـدّس تأثیر به‌سـزایی در خنثی‌سـازی عملیـات روانی دشـمن بعثـی و حامیـان تبلیغاتـی‌اش داشـتند و در پشـتیبانی جبهـه موفّـق بودنـد. مسـاجد، بـا اسـتفاده از ابزارهـای سـنّتی، ماننـد مراسـم روضه‌خوانـی، نوحه‌خوانـی، تعذیـه و اذان در تقویّـت حـسّ مذهبـی مـردم و ایجـاد روحیّـه سلحشـوری در میان آنـان، بـا ذکـر مصیبت حضـرت سیّدالشّـهدا علیه‌السلام به عنـوان سـمبل و الگوی مبـارزه با شـرک و کفـر و بدعـت؛ موفّق عمـل کردند؛[1] بنابـر اذعان همـه، خطابه‌هـای روحانیّت در طـول جنـگ تحمیلی، بیشـترین تأثیـر تبلیغاتی را داشـتند.

مـردم، حـوادث جبهه‌هـا را از طریـق مسـاجد پیگیـری می‌کردنـد. مسـئولین و شـخصیّت‌های سیاسـی و نظامـی بـا حضـور در مسـاجد بـا مـردم ارتبـاط برقـرار می‌کردنـد. پیامدهـای سیاسـی و اجتماعـی عملیات‌ها بیشـتر از تریبون‌های مسـاجد تبییـن می‌شـد. فرماندهـان دفـاع مقـدّس پـس از انجـام عملیات‌هـای مهـم، در مسـاجد حضـور پیـدا می‌کردنـد و درباره چگونگی عملیات و دسـتاوردهای آن سـخن می‌گفتند.[2] ایـن موارد به دلیل اعتماد مردم به رسـانه مسـجد اسـت. قداسـت مسـجد و پیشـینه تاریخـی آن باعـث جلـب اعتمـاد همـگان بـه اخبـار مسـاجد می‌شـد و به صراحـت می‌تـوان گفـت مسـاجد سـالم‌ترین مراکـز خبررسـانی مـردم هسـتند.

[1] . محمّد شیرازی، نعمت الله سلیمانی، عوامل معنوی فرهنگی دفاع مقدّس (تبلیغات) ج۶، ص۱۴۱- ۱۴۲، با اقتباس.
[2] . نقش مساجد در دفاع مقدّس، مجلّه مسجد، ش۸۴، ص۱۹.

## » فصل پنجم: وظایف مساجد در زمان صلح

### زنده نگه‌داشتن یاد شهدا

امـام علـی﵇ یـاران شـهید خود را همیشـه یـاد می‌کردنـد و به یـاد آنهـا می‌گفتند: «أُولَئِـکَ إِخْوَانِـی الذَّاهِبُـونَ فَحَـقَّ لَنَـا أَنْ نَظْمَـأَ إِلَیهِـمْ وَ نَعضَّ الأَیـدِی عَلَـی فِرَاقِهِم؛ آنـان، بـرادران مـن هسـتند که رفته‌اند و بر ماسـت که تشـنه ملاقاتشـان باشـیم و از انـدوه فراقشـان دسـت‌ها را بـه دنـدان بگزیم». [1]

همچنیـن، امـام علـی﵇ یارانـی را کـه خـون پاکشـان در جنـگ صفّیـن بـه زمیـن ریختـه شـد با سـوزوگداز یـاد کردند و فرمودنـد: «أَینَ إِخْوَانِـی الَّذِینَ رَکِبُـوا الطَّرِیقَ وَ مَضَـوْا عَلَـی الْحَـقِّ أَیـنَ عَمَّارٌ وَ أَیـنَ ابْنُ التَّیهَـانِ وَ أَینَ ذُو الشَّـهَادَتَینِ وَ أَیـنَ نُظَرَاؤُهُمْ مِـنْ إِخْوَانِهِـمُ الَّذِیـنَ تَعَاقَدُوا عَلَـی الْمَنِیهِ وَ أُبْرِدَ بِرُؤُسِـهِمْ إِلَی الْفَجَـرَهِ؛ کجایند برادران مـن کـه بـه راه حـقّ رفتنـد و بـا پایمـردی بـر حـقّ درگذشـتند؟ کجاسـت عمّـار؟ کجاسـت پسـر تیهـان؟ کجاسـت ذوالشّـهادتین؟ کجایند هماننـد آنان از برادرانشـان کـه پیمـان جانبازی بسـتند و سرهایشـان برای سـتمگران فرسـتاده شـد؟»[2]

سـپس، حضـرت دسـت به محاسـن شریفشـان گرفتنـد و مدّتـی طولانی گریسـتند و فرمودنـد: «أَوِّهِ عَلَـی إِخْوَانِـی...؛ دریغا، بـر برادرانم».[3]

در زبـان عـرب، «أوّه» هنگامـی بـه کار مـی‌رود کـه دل فـردی، بسـیار بـه درد آمـده باشـد. در چنیـن موقعیّتـی، ایـن واژه بـرای بیـان نهایـت تأثّـر و دردمنـدی بـه کار مـی‌رود و ایـن رفتارهـا، الگویـی اخلاقـی و تربیتی برای تمام پیروان ایشـان اسـت که یـاد و خاطـره شـهیدان را بـه بهتریـن وجـه زنـده نـگاه دارند.[4]

کشـور مـا، در مقاطـع مختلف، یعنـی در دوران مبارزات قبل از انقـلاب، دوران تثبیت بعـد از انقـلاب و جنـگ تحمیلـی، جوانـان فراوانـی بـا الگوپذیری از امام حسـین﵇، جـان خـود را بـرای سـربلندی اسـلام و میهن تقدیـم کردند. آنها که شـهید شـدند و رفتنـد، کار حسـینی کردنـد؛ اکنون، بـر بازماندگان شـهدا لازم اسـت مانند زینب﵄،

---

[1]. نهج‌البلاغه، خطبه۱۲۱، ص۲۳۰، به نقل از مصباح، محمّدتقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، ص۵۴.
[2]. نهج‌البلاغه، خطبه۱۸۱، ص۳۵۰.
[3]. همان.
[4]. مصباح یزدی، محمّدتقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، ص۵۵-۵۴.

رسالت، اهداف و یاد شهدا را در جامعه زنده نگه دارند تا مکتب شهادت، همیشه در جامعه زنده باشد و مقام شهدا مورد تکریم و احترام همه قرار گیرد.

برگزاری مراسم شهدا در مساجد و دعوت از سخنرانان و صاحب‌نظران، از فعّالیّت‌های مهم مساجد در این زمینه است. معرّفی ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی شهدا، تأثیر الگویی فراوانی در روحیّه مردم، به ویژه جوانان دارد.

## نام‌گذاری مساجد به اسم شهدا

یکی از راه‌های زنده نگه داشتن یاد شهدا، نام‌گذاری مساجد به اسم شهداست؛ زیرا شهدا، فرزند مسجد بودند و شأن و جلالت شهدا، اعظم از آن است که کوچه و ورزشگاه و خیابان و... را به اسم آنها نام‌گذاری کنیم. این امر، رضایت و دلگرمی بیشتری برای خانواده‌هایشان به وجود می‌آورد. در بخش جرقویه استان اصفهان، یک روحانی فاضل و کاردان، مسجدی ساخت و هر ستونش را به نام شهیدی از آن محلّه نام‌گذاری کرد و خانواده شهدا هم هزینه آن را پرداخت کردند و پایین هر ستون، نام شهید نوشته شده است.

## دشمن‌شناسی

مسلمانان، به علّت مخالفت با طاغوتیان و ظالمان، همیشه مورد نفرت و دشمنی قرار گرفته‌اند و هر چه قدر قدرتمندتر شدند، دشمنی‌ها علیه آنان بیشتر شده است. دشمن، در هر زمان و عصری، به شیوه‌ای جدید عمل می‌کند. اگر قدرتمند باشیم، ولی اطّلاعات کافی از دشمن نداشته باشیم، چون نمی‌دانیم دشمن چه زمانی و از چه نقطه‌ای و با کدام وسیله و شیوه، حمله خواهد کرد، شکست خواهیم خورد. یکی از علل شکست مسلمانان در طول تاریخ، ضعف در دشمن‌شناسی بوده است. کوچک‌ترین غفلت و جهالت در این امر، خسارات جبران‌ناپذیری بر مسلمانان وارد می‌سازد؛ مانند: انحراف جریان خلافت.

ائمّه جماعت مساجد، با تبیین مسائل سیاسی، مؤمنین را نسبت به شناخت دشمن و شیوه‌های تهاجم آن، بیدار می‌کنند. هم‌اکنون، موضوعاتی مانند

شیوه‌های تهاجم فرهنگی، استعمار نو، اختلاف بین فِرق اسلامی، مورد توجّه دشمن است که مساجد در خنثی‌سازی آنها نقش حیاتی دارند. طبق رهنمود مقام معظّم رهبری، ما مکلّف به این امر هستیم؛ ایشان فرمودند: «امروز در دنیای اسلام، مکلّفیم دشمن‌شناسی و تکلیف‌شناسی را در حدّ اعلا، برای جهان اسلام و مردم ایران تدارک ببینیم».[1]

در نظام ارزشی اسلام، جهاد و شهادت به عنوان دو ارزش بنیادین مطرح است. جامعه اسلامی بدون تأکید بر این دو ارزش، نمی‌تواند در مسیر تحقّق بخشیدن به دیگر ارزش‌های الهی گام بردارد؛ زیرا حرکت برای اجرای فرمان‌های الهی، همواره با مخالفت جبهه کفر و شرک و نفاق روبه‌رو خواهد شد. در این میان، جهاد و شهادت می‌تواند مانند سلاحی بُرّنده، کارآمد باشد و پیروزی را از آنِ مسلمانان نماید.

پیامبر اکرم ﷺ در طول دوران رسالت خویش با شیوه‌های گوناگون به تقویّت و طرح ارزش «جهاد» و «شهادت» پرداختند. در همین رابطه، از ظرفیت مساجد برای ترویج فرهنگ جهاد و شهادت، به خوبی بهره‌برداری می‌شد. آن حضرت، علاوه بر تجلیل از رزمندگان و ارج نهادن به فداکاری‌های آنان، منزلت شهیدان را گرامی می‌داشتند و در سخنرانی‌های خود، فضایل والای آنان را برای مردم حاضر بازگو می‌نمودند.[2]

جهاد در اسلام، تنها به معنای جنگ نیست؛ بلکه عمل نمودن به مقدّمات جنگ و فراهم ساختن شرایط مقدّماتی آن نیز جهاد به شمار می‌آید.[3] پس، آمادگی برای جنگ هم جهاد است.

هدف اصلی این نوشتار، پاسخ به این مسئله بود که کارکردهای نظامی مساجد در زمان صلح چیست؟ با توجّه به مطالب مطرح شده، مشخّص می‌شود که یک بُعد آن، فعّالیّت‌های بسیج و آموزش‌های نظامی برای جوانان است و بُعد مهم‌تر آن، ترویج فرهنگ جهاد و شهادت است تا این فرهنگ بین آحاد مردم با انجام

---

[1]. بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار علما و روحانیّون، مورّخ ۷/۵/۱۳۷۱.
[2]. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص۱۹۶.
[3]. شبان‌نیا، قاسم، آثار جهاد در روابط بین‌الملل، ص۱۵۲.

کار فرهنگـی و عقیدتـی، زنـده نگه‌داشـته شـود. ایـن امر موجب می‌شـود تـا در زمان لازم، همـه آحـاد جامعه، برای دفاع از کشـور آمادگی داشـته باشـند. آمادگی عقیدتی در جنگ‌هـا مؤثّرتـر اسـت. به نظـر نگارنده، منظـور فرمایش امام‌ﷺ از تشـکیل ارتش بیسـت میلیونـی، زنـده بودن فرهنگ جهـاد و شـهادت و آمادگی جامعه بـرای ایثار و جانبـازی اسـت و گـر نـه از لحاظ کمیّـت، اکنون کـه جمعیّت کشـور حـدود دو برابر شـده اسـت، شـعار ما باید ارتـش چهل‌ملیونی باشـد.

بیـان امـام راحـل‌ﷺ در مـورد پذیـرش قطعنامـه ۵۹۸، در قالب جملـه «جام زهر را نوشـیدم»، ایـن پیـام را می‌رسـاند که مـا روحیّه جهاد و شـهادت‌طلبی را از دسـت نداده‌ایـم؛ امّـا مصلحـت و سیاسـت فعلی، چنیـن اقتضا کرده اسـت.

## » نتیجه

فرهنـگ جهـاد بـا فرهنـگ مسـجد، پیونـد ناگسسـتنی دارد؛ زیـرا هـدف و انگیزه جهـاد در اسـلام، مبتنی بر معنویّت اسـت و مسـاجد، پایگاه‌های معنویّـت و خانه‌های خـدا در روی زمیـن هسـتند. آغـاز فتوحات اسـلامی از مسـجدالنّبی و نقـش محوری مسـاجد در سـازمان‌دهی و آموزش نظامـی، اعزام نیرو، فرماندهی و پشـتیبانی جنگ، نگهـداری غنائـم و اسـیران، مـداوای مجروحـان و مـکان اکـرام خانواده‌های شـهدا در صدر اسـلام، نشـانگر ایـن پیوندِ عمیق اسـت.

آموزه‌هـای فرهنـگ جنـگ تحمیلـی، ماننـد خدامحـوری در انجام امور، فـداکاری، اهتمـام بـه توسّـل و دعـا، تواضع، وفای بـه عهد، اسـتقامت و پایداری، سلسـله مراتب بـر اسـاس تقـوا، همـکاری و بـرادری واقعـی، دقیق بـودن در مسـائل عبـادی و رابطه بـا خـدا، انسـان‌پروری و... ابتـدا در مسـاجد حاکـم بـود و بـه وسـیله اهالـی مسـجد بـه جبهه‌هـا منتقـل شـده اسـت؛ زیـرا ایـن مـوارد از آموزه‌هـای دین اسـلام اسـت و مسـاجد، نمـاد و محـلّ تبلـور این آموزه‌هاسـت.

در دفـاع مقـدّس، روحانیـتّ با محوریّت مسـاجد، در زمینه تربیـت نیروهای مبارز، جـذب و اعـزام نیـرو، بدرقـه رزمنـدگان، جمـع‌آوری کمک‌هـای مردمـی، دعـا بـرای رزمنـدگان، تشـییع پیکر شـهدا، دیدار اهل مسـجد با خانـواده شـهدا و تبلیغات برای جنـگ را بـر عهـده داشـتند. ایـن وظیفه روحانیّـت، منحصر بـه دوران جنگ نیسـت؛ بلکـه در زمـان صلح آنـان می‌توانند مسـاجد را پایگاه دشمن‌شناسـی و ترویج فرهنگ جهـاد و شـهادت و ایثـار قـرار دهنـد و بـا زنـده نگه‌داشـتن خاطـراتِ مجاهدت‌هـای جنـگ تحمیلـی، جوانـان را بصیـرت و آگاهـی دهنـد و در برابر هجمه‌هـای جنگ نرم دشـمن، آنـان را واکسـینه کنند. در بین مراکـز فراهنگی موجود، مسـاجد و روحانیّون بـرای ترویـج و انتقـال ایـن فرهنـگ بـه نسـل‌های آینـده، نقـش کلیـدی دارنـد. اگر جوانـان، بـا بصیـرت لازم، آمـاده دفـاع از اسـلام و انقـلاب باشـند، هیچ دشـمنی فکر دسـت‌درازی بـه سـرزمین ایـران را نخواهـد داشـت؛ زیـرا شکسـت ارتش‌هـا، آسـان اسـت؛ ولی شکسـت ملّت‌هـا ممکن نیسـت.

## » منابع و مآخذ:


» قرآن کریم.
» نهج‌البلاغه.
» آوینی، سیّد مرتضی، با من سخن بگو دو کوهه، روایت فتح، تهران، چاپ سوّم، ۱۳۸۳ هـ.ش.
» ـــــــــــــ شهری در آسمان، روایت فتح، تهران، چاپ دوّم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
» انصاری مهدی، درودیان محمّد، نجفی هادی، خرّمشهر در جنگ طولانی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ دوّم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
» دشتی، محمّد، ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسّسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام چ ۹، ۱۳۸۲.
» رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، دبیرخانه ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مسجد، چاپ دوّم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
» زواره، علی‌رضا، فرهنگ سازمانی جهاد، تهران، سازمان جهاد کشاورزی تهران، گردان ۳ سیّد الشّهدا، مرکز ثبت و نشر آثار دفاع مقدّس، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» سهمودی، شهاب الدّین احمد الحسینی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، الآداب و المؤید مصر، ۱۳۲۶ هـ.ق.
» شبان نیا، قاسم، آثار جهاد در روابط بین‌الملل، قم، مؤسّسه آموزش و پژوهش امام خمینی قدس‌سره، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» شیت خطاب، محمود، شیوه فرماندهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (الرّسول القائد)، ترجمه عبدالحسین بینش، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی جا، ۱۳۸۷ هـ.ش.
» ـــــــــــــ الوسیط فی المسجد العسکریه، بیروت، دارالقرآن الکریم، چاپ هفتم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
» شیرازی محمّد، سلیمانی نعمت‌الله، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدّس (تبلیغات)، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» فراهتی، عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی، از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، تهران، ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مسجد، چاپ دوّم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» فهیمی، سیّدمهدی، فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، پایداری، تهران، ۱۳۸۱ هـ.ش.
» الکلینی، محمّدبن‌یعقوب، الفروغ من الکافی، تهران، دار الکتاب الاسلامیّه، ۱۳۷۶ هـ.ش.
» گروه نویسندگان، خرّمشهر، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، چاپ دوّم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
» مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از خونین شهر تا خرّمشهر، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوّم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
» مصباح یزدی، محمّدتقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، قم، مؤسّسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره، ۱۳۷۶ هـ.ش.
» مکّی سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمّد عبّاسپور، محمّدجواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
» منصورنژاد، محمّد، علی شیخان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدّس (وحدت مردمی، حضور روحانیّت)، قم، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولیّ فقیه در سپاه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
» مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس‌سره، امام در سنگر نماز، ستاد اقامه نماز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ناشر مؤلّف، قم، چاپ دوّم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
» واقدی، محمّدبن‌عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۶ هـ.ش.

» مجلّه مسجد، ش۸۴، سال سیزدهم، آذر ۱۳۸۳.

# نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محلّه‌ای

ابراهیم عبّاسی


## چکیده

نوشتار حاضر، یک پژوهش توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه برای جمع‌آوری اطّلاعات استفاده شده است. نگارنده، در صدد تبیین نقش مسجد در فرهنگ و هویّت محلّه‌ای است. بدین منظور، پس از تعریف فرهنگ، به بیان بعد فرهنگی و فرهنگ‌سازی دینی مسجد در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای و تشریح شکست‌های متعدّد برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین پرداخته و تأثیر مسجد در بازیابی فرهنگ و هویّت اسلامی محلّات را بررسی نموده است. همچنین، با توجّه به رویکرد اخلاقی مسجد، در شکل‌گیری محلّات و شهرهایی با هویّت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه، نقش مسجد در غنای فرهنگ و هویّت محلّه‌ای را به واسطه اطّلاع‌رسانی صحیح و بموقع فرهنگی بحث کرده است. در پایان، آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی نقش‌آفرینی مساجد در غنای هویّت و فرهنگ محلّه‌ای، بیان شده است. نگارنده، بر این باور است که هویّت و فرهنگ هر اجتماع، در ارتباط و تماس با سنّت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی، در وهله اوّل، باعث تعالی و شکوفایی فرد شده، در وهله بعدی، شکوفایی و توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. از این‌رو، توسعه و حفظ مساجد، به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محلّه‌ای ضرورت زیادی دارد.



## واژگان کلیدی:

فرهنگ‌سازی دینی، تأخّر فرهنگی، بازیابی فرهنگ، فرهنگ محلّه‌ای.


## مقدّمه

فرهنـگ هـر اجتمـاع، دارای خصوصیّـات و ویژگی‌هـای خاصّ آن سـرزمین اسـت کـه تحـت عناصر مذهبی، تاریخـی، عقیدتی و جغرافیایی شـکل می‌گیـرد. از آنجا که مسـجد، بـه عنـوان نماد تأثیرگـذار بر الگوهای رفتـاری افراد در زمینـه مذهبی مطرح اسـت، از ایـن‌رو، بـه صـورت غیرمسـتقیم، در شـکل‌گیری فرهنگ و هویّـت افراد، چه در سـطح فـردی و چـه در سـطح اجتماعـی، نقش بسـزایی ایفـا می‌نماید. مسـجد، به عنـوان مرکـز فرهنگ‌سـازی دینی با برخـورداری از پتانسـیل برقـراری ارتباط هر چه نزدیک‌تـر بـا تـوده مـردم، به‌ویژه جوانـان در ابعـاد کوچک‌تـر جامعه، ماننـد محلّات، پاسـخ‌گوی نیازهـای مـردم بـوده اسـت، از این‌رو، نقش آن در شـکل‌گیری، انسـجام و تقویّـت فرهنـگ و هویّت اسـلامی محلّه‌های شـهری حائز اهمّیت بسـیار اسـت.

ضـرورت حضـور پررنگ‌تر مسـاجد ـغیـر از کارکرد مذهبـی آنهاـ با بـروز تغییرات فرهنگـی در کلان‌شـهری ماننـد تهران، به یکـی از پدیده‌های ضروری بـرای رویارویی بـا پدیـده تأخّـر فرهنگـی، حداقـل در سـطح محلّـه‌ای، مبـدّل گردیده اسـت. در این برهـه از زمـان، بـا توجّـه بـه مقابلـه با ایـن پدیده نـه چنـدان نوظهور، تعامل مسـجد بـا فرهنگ‌سـراها و خانه‌هـای فرهنـگ محـلّات الزامی اسـت؛ چـرا که بنا بـه نیازهای جامعـه امـروز، کارکردهای گسـترده مسـجد، فراتـر از بناهای کنونی آن مطرح اسـت.

در ایـن نوشـتار مختصـر، قصـد داریـم بـا تأکید بـر بُعـد فرهنگی و فرهنگ‌سـازی دینـی مسـجد در فرآینـد برنامه‌هـای توسـعه‌ای (بـه دنبـال شکسـت‌های متعـدّد برنامه‌هـا و سیاسـت‌های پیشـین)، تأثیـر و نقـش مسـجد در بازیابـی فرهنـگ و هویّـت اسـلامی محـلّات، توجّـه بـه رویکرد اخلاقـی مسـجد در شـکل‌گیری محلّات و شـهرهایی بـا هویّـت و فرهنـگ اسـلامی و عـاری از فرهنـگ مبتذل بیگانـه را بحث نمائیـم. همچنیـن، برآنیـم تـا نقـش مسـجد در غنـای فرهنـگ و هویّـت محلّـه‌ای و آسیب‌شناسـی و چالش‌هـای فـراروی نقش‌آفرینـی مسـاجد در غنـای هویّـت و فرهنـگ محلّـه‌ای را بررسـی نمائیـم.

## » فرهنگ و ساختارهای تشکیل‌دهنده آن

فرهنـگ، مفهوم پیچیده‌ای اسـت که تعاریـف متعدّد و متنوّعـی از آن ارائه گردیده اسـت. بـه تعبیـر عـامّ، مجموعـه‌ای به‌هـم پیوسـته از دانش‌هـا، آگاهی‌هـا، باورهـا، ارزش‌هـا، هنجارهـا و مهارت‌هـای لازم و ضـروری بـرای زندگی اعضای جامعه اسـت.

فرهنـگ ابتدایـی، فرهنـگ را مجموعـه پیچیـده‌ای تعریـف می‌کنـد کـه متضمّـن دانـش، اعتقـادات، هنرهـا، اخلاق، قوانین، آداب و رسـوم و کلّیه توانایی‌هـا و قابلیّت‌ها و عـادات اکتسـابی اسـت که انسـان، بـه عنوان عضـوی از جامعـه تحصیـل می‌نماید. تـا مدّت‌هـا، فرهنـگ، بـه مجموعـه‌ای از فعّالیّت‌های فکـری و هنری محدود می‌شـد؛ امّـا پـس از چنـدی، تعریف به نسـبت دقیـق از آن، با تأکیـد بر جنبه‌هـای معنوی آن ارائـه شـد. بنـا به چنیـن تعریفی، فرهنـگ، مجموعه‌ای کامـل از مشـخّصه‌های ممیّزه روحـی، مـادّی، فکـری و عاطفی اسـت که یـک جامعه یا گـروه اجتماعی را مشـخّص می‌کنـد کـه نـه تنها شـامل هنرها، بلکـه اشـکال زندگی، نظام‌های ارزشـی، سـنّت‌ها و اعتقـادات و حقوق اساسـی انسـانی را نیز شـامل می‌گردد. به عبـارت دیگر، فرهنگ را بایـد در مفهـوم گسـترده و به منزلـه بافتی پیچیده و با روابـط متقابل در نظر گرفت کـه بـر مجموعـه‌ای از سـنّت‌ها، باورهـا، دانش‌هـا و نیز اشـکال متفاوت بیـان نمود. با ویژگی‌هایـی کـه تعریـف دقیق فـوق، بـرای فرهنگ جامعه یـا گروه اجتماعـی تعیین می‌کنـد، دیگـر نمی‌تـوان فرهنـگ را تنهـا بعـد فرعـی یا سـنّتی توسـعه تلقّـی نمود؛ بلکـه فرهنـگ، عنصـر ضـروری جامعه یـا اجتماع بـه شـمار می‌آیـد و در رابطه کلّی بـا توسـعه، نیـروی درونـی جامعه یـا اجتماع محسـوب می‌گردد.

فرهنـگ هـر اجتماعـی، دارای خصوصیّات و ویژگی‌های خاصّ آن سـرزمین اسـت کـه تحـت عناصـر مذهبی، تاریخـی، عقیدتـی و جغرافیایی شـکل می‌یابـد. از آنجایی کـه مسـاجد، بـه عنوان مراکـز تأثیرگذار بـر الگوهای رفتـاری افـراد در زمینه مذهبی مطـرح اسـت، بـه صورت غیرمسـتقیم در شـکل‌گیری فرهنـگ و هویّت افـراد، چه در سـطح فـردی و چـه در سـطح اجتماعی، نقش بسـزایی ایفـا می‌نمایند.

افـراد جامعـه، بـه وسـیله روابـط اجتماعـی بـا یکدیگـر پیونـد خـورده و در کنـش

متقابل هستند. روابط اجتماعی، برخلاف روابط زیستی و طبیعی، به دلیل برخورداری انسان از اراده و اختیار، اموری جزمی و تکوینی نیستند. هماهنگی و سازگاری روابط اجتماعی، بر پایه الگوهای رفتاری مقبول جامعه صورت می‌گیرد. شکل و محتوای روابط اجتماعی، توسّط الگوهای رفتاری توصیف می‌گردد که افراد جامعه در رفتار با یکدیگر، خود را با آن تطبیق می‌دهند. با توجّه به نامعیّن بودن روابط اجتماعی از یک سو، اراده و اختیار انسان از سوی دیگر، افراد جامعه از امکان انتخاب الگوهای رفتاری برخوردار هستند. آنچه امروز، به عنوان مراجعه به آرای عمومی مطرح است، در واقع، انتخاب و تعیین روابط اجتماعی است. آنگاه که مسئله انتخاب پیش می‌آید، ناگزیر از ملاک و معیار انتخاب، سخن به میان می‌آید؛ یعنی مقایسه کردن، سنجیدن و ارزیابی کردن گزینه‌های ممکن و متفاوت روابط اجتماعی.

در واقع، ملاک و معیار انتخاب، نظام ترجیحی افراد جامعه است که متأثّر از ارزش‌ها و باورهای آن جامعه است و به همین دلیل، ارزشی است. نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می‌آید، فرهنگ است. ارزش‌ها و باورها، هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، با توجّه به اینکه روابط اجتماعی یک جامعه، بر اساس الگوهای رفتاری و منطبق و سازگار با ارزش‌ها و باورهای آن صورت می‌پذیرد، الگوهای رفتاری، بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می‌روند. در حقیقت، فرهنگ مشتمل بر اصول عامّی برای گزینش و مرتّب نمودن الگوهای رفتاری در زمینه‌های مذهبی، علمی، اقتصادی و... است.

با توجّه به اهمّیت بسزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع، می‌توان اذعان داشت که توجّه به مساجد، به عنوان مراکز برخوردار از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، در کنار دیگر الزامات، نه تنها مایه تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویّت و فرهنگ اجتماع می‌شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدّن ایران را نیز پربارتر از همیشه خواهد کرد. ساختار تشکیل‌دهنده هر فرهنگ، متأثّر از عوامل زیادی است که از مهم‌ترین آنها، می‌توان به سه عامل دین، جامعه و طبیعت (جغرافیا) اشاره

نمود.

این عوامل، در عرض یکدیگر نیستند، بلکه به ترتیب خاصّی در ساختار شکل‌گیری و تحوّل فرهنگی تأثیر می‌گذارند. از میان عوامل فوق، طبیعت، عاملی ثابت و به نسبت پایدار است که روش بهره‌برداری از آن متفاوت و متغیّر است. عامل جامعه، تحت تأثیر خلّاقیت و بستر فرهنگی از یک سو و جغرافیا از سوی دیگر قرار گرفته و متحوّل می‌شود؛ امّا بنیاد دین، همواره ثابت است و چون بر فطرت انسان منطبق است، وجه تازگی و شادابی آن همواره محفوظ بوده و در هر شرایطی، قادر به ایفای نقش کلیدی خود است. این چنین فیزیکی سبب می‌شود تا فرهنگ منتخب از دین، رابطه دائمی و حیاتی، هم به صورت آشکار و هم پنهان داشته باشد. این رابطه، هنگامی که دین به عنوان عنصر شاخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... ایفای نقش می‌نماید، آشکار بوده و به وضوح، قوانین و اصول مذهبی و حدّ و حدود تعاملات فرهنگی را نشان می‌دهد.

## جنبه معنوی فرهنگ

عملکرد مهم مساجد در بهسازی محیط اجتماعی و نیاز معنوی میان انسان و معبود یکتا، بیانگر نقش بسزایی است که از گذشته تا کنون، عبادت‌گاه‌ها در شکل‌گیری شهرها داشته‌اند و این خود نشانه‌ای از احتیاج روحی انسان به مسائل عبادی است. به همین دلیل، این ارتباط که خود بازگوکننده استضعاف آدمی است، همواره و همه جا، تحت لوای مکانی امن درآمده و مدّنظر قرار می‌گیرد. طرح مسائل فرهنگی از طریق مساجد، از جمله روش‌هایی است که برای نخستین بار پیامبر اسلام ﷺ از طریق احداث مساجد به آن پرداخت. اگر مسائل فرهنگی و عبادی، در کنار یکدیگر مورد توجّه قرار گیرند، مسجد نقش تأثیرگذار خود بر جامعه را نمایان می‌سازد.

افزایش بهای زمین (نه تنها مادّی، بلکه معنوی) و جذب افراد سرشناس و متعهّد شهرها و محلّات در پیرامون مساجد، نشان دهنده میزان تأثیرگذاری مهم مساجد بر هویّت و فرهنگ شهری و محلّه‌ای است. نقش تأثیرگذار مساجد

بـر هویّـت و فرهنـگ اسـلامی، بـه حـدّی اسـت کـه بـا دور شـدن و فاصلـه گرفتن از مسـاجد، نتیجـه‌ای جـز تخریـب ظاهـری و باطنـی و سـقوط مبانی فرهنـگ در وهله نخسـت و از میـان رفتـن وحدت اسـلامی در وهلـه دوّم را در پی نخواهد داشـت؛ چرا کـه نخسـتین عنوانـی کـه در ارتبـاط با مقولـه ارزش به میـان می‌آید، فرهنگ اسـت.

ارزش‌هـا و ایده‌هـای سـنّتی، هسـته ضـروری فرهنـگ را تشـکیل می‌دهنـد. همان‌گونـه که ملاحظه می‌شـود، مقوله ارزش، از یک سـو، هسـته و گوهـر فرهنگ به شـمار رفته اسـت و از سـوی دیگر، نقشـی بـس تعیین‌کننـده در چگونگی شـکل‌یابی و تعییـن روابـط و سـاختار اجتماعـی دارد. از ایـن‌رو، سـاختار اجتماعـی و فرهنـگ سـخت بـه یکدیگـر درآمیخته‌انـد، بـه نحوی کـه روابط اجتماعـی در چارچـوب رفتار فرهنگـی شـکل می‌گیرنـد. رابطه متقابـل میان ارزش‌هـا و باورهای سـنّتی و مذهبی، فرهنـگ و روابـط اجتماعـی، نشـان می‌دهد که مسـاجد، بـه عنوان کانون‌هـای ارزش و فرهنگـی دیـن مبیـن اسـلام، نقـش تأثیرگـذاری در شـکل‌گیری روابـط اجتماعـی مسـلمانان داشـته‌اند. ایـن موضـوع، خـود نشـان‌دهنده نقـش تأثیرگـذار ایـن مراکـز اسـلامی بـر فرهنـگ و هویّـت شـهرهای اسـلامی، به‌ویژه محلّات اسـت.

## کارکرد فرهنگی مساجد

پـس از نقش‌هـای عبـادی و آموزشـی، نقـش فرهنگـی در میـان دیگـر نقش‌هـا و کارکردهای مسـجد، دارای بیشـترین اهمّیت اسـت. در زمان حضرت رسـول اکرم ﷺ و ائمّه اطهار علیهم‌السلام، مسـجد کانون بسـط و توسـعه فرهنگ غنی اسـلام بود و بسـیاری از فعّالیّت‌هـای فرهنگـی مسـلمین، در مسـجد انجـام می‌گرفـت. به‌طـور کلّـی می‌توان گفـت کـه پایگاه فرهنگی اسـلام از مسـاجد شـکل گرفته و هسـته اوّلیـه فعّالیّت‌های فرهنگـی اسـلام در مسـاجد تشـکیل شـده اسـت. اصلی‌تریـن اشـاعه‌دهندگان فعّالیّت‌هـای فرهنگـی، چـه در دوران حضـرت رسـول اکـرم ﷺ و چـه در دوران ائمّه اطهـار علیهم‌السلام مسـاجد بوده‌انـد. امـروز پـس از ۱۴۰۰ سـال، همـواره مسـاجد، کارکـرد فرهنگـی خـود را از دسـت نداده‌اند؛ بلکه بر وسـعت دامنه آنها نیز افزوده شـده اسـت. پیامبـر اکـرم ﷺ محیط مسـاجد را به‌طـور کامل، یـک محیط فرهنگی می‌دانسـتند،

تـا جایـی کـه در حضور آن حضرت و با اجازه ایشـان، مسـابقات شـعر و سـخنرانی در مسـاجد برگـزار می‌گردیـد و پیامبـر ﷺ ضمـن ابراز خرسـندی از ایـن کار، با حوصله و بردبـاری کامـل با چنین مسـائل برخـورد می‌کردنـد. در مقابل، در دنیـای امروز نیز جهانی‌شـدن و فنّـاوری اطّلاعـات که چشـم‌گیرترین نمـود آن، اینترنت اسـت، قلمرو تأثیـر مسـجد را به گسـتره جهانی و سـرعت عمل را بـه حدّ غیرقابل تصـوّری افزایش داده اسـت. گسـتردگی میـزان عمـل و افزایـش سـرعت انتقـال اطّلاعـات، جهـان را بـه عرصـه رقابتـی سـخت و طاقت‌فرسـا مبـدّل کرده اسـت کـه درنـگ و کوتاهی در اقـدام شایسـته و بایسـته، زیان‌هـا و آسـیب‌های جبران‌ناپذیـری را موجـب می‌گردد. در عصـر اینترنـت و جهانـی شـدن، اقـدام نکردن و نداشـتن ابتـکار عمـل، بدین معنا نیسـت کـه ضمـن حفظ مصونیّـت خود، تنهـا امکان تأثیرگـذاری بر دیگران از دسـت رفتـه باشـد، بلکـه اقـدام نکـردن به معنـای در معـرض تأثیر و آسـیب قـرار گرفتن از سـوی اقدامـات دیگـران اسـت. دامنـه ایـن آسـیب‌پذیری، به‌ویـژه در حـوزه فرهنگ کـه میـدان عمـل مسـاجد اسـت. با توجّه بـه امکانـات دیـداری و شـنیداری، اینترنت بسـیار گسـترده اسـت. از این‌رو، بسـیار ضروری است که مسـاجد، در برابر این تحدّی بـزرگ، از امکانـات و قابلیّت‌هـای بـه دسـت آمـده از اینترنـت بـرای گسـترش دامنه فرهنگ‌سـازی دینـی، به‌ویـژه در سـطح محلّـه، کمـال بهره‌برداری را داشـته باشـند.

بدیـن ترتیـب، مسـاجد محلّـی بـا اسـتفاده از ارتباطـات شـبکه‌ای از برنامه‌هـای مذهبـی، امکانـات تربیتـی و تجـارب تبلیغـی یکدیگـر اطّـلاع یافتـه و بـا تبـادل این اطّلاعـات و همـکاری و همیـاری در اجـرای برنامه‌هـای فرهنگـی، ارشـادی و تبلیغی، بـر دامنـه ژرفـای تأثیرگـذاری خـود می‌افزاینـد. همچنیـن، مسـاجد بـا طرّاحـی سـامانه‌ها (سـایت‌های ویـژه) و متناسـب بـا شـرایط فرهنگـی و اجتماعـی مخاطبین خـود، ارتباطـات فـردی و تأمیـن نیازهـای روحـی ـ معنـوی و فرهنگی آنـان را فراهم می‌آورنـد. به‌طـور کلّـی، می‌تـوان گفـت کـه بـا وجـود شـبکه جهانـی اینترنـت، ایـن فرصـت بـرای مسـاجد محلّـی، بـه عنوان مراکـز ارشـادی، فرهنگـی و تبلیغـی فراهم آمـده اسـت تـا ضمـن هم‌فکـری و همـکاری بـا یکدیگـر، بـه تبییـن مبانـی، اصول و ارزش‌هـای دینـی و فرهنگ‌سـازی دینـی بپردازنـد. در حـال حاضـر، تأکیـد بـر بُعـد

فرهنـگ و فرهنگ‌سـازی دینـی مسـاجد، در فرآینـد برنامه‌هـای توسـعه‌ای بـه دنبال شکسـت‌های متعـدّد برنامه‌هـا و سیاسـت‌های قبلـی، اهمّیـت خاصّـی دارد؛ چـرا که کارکـرد فرهنگـی مسـاجد، بـر شـناخت و جهان‌بینـی اقشـار مختلـف جوامـع محلّی و شـهری، به‌ویـژه جوانـان تأکیـد دارد. از ایـن‌رو، در عملکـرد مسـاجد، در راسـتای انجـام فعّالیّت‌هـای فرهنگـی، شـناخت مؤلّفه‌های فرهنگـی و اجتماعـی تعیین‌کننده سـاختارهای جامعـه، از ضرورتـی خـاصّ برخوردار اسـت.

## مساجد و شکل‌گیری فرهنگ و هویّت اسلامی محلّات شهری

هنگامـی کـه اسـلام، جهـان متمـدّن قـرن هفتـم میـلادی را فـرا گرفـت، چهـره بسـیاری از کشـورها دگرگون شـد و با مسـلمان شدن تدریجی این کشـورها، نژادهای گوناگـون، در سـاختن هویّـت جدیـدی بـه نام اسـلام، به هـم نزدیک شـدند.[1]

نژادهـای آریایـی، هنـدی، سـامی، قبطی، بربـری و سـایر نژادها، در بارور سـاختن فرهنـگ و هویّـت اسـلامی بـا هم همـکاری کرده‌اند. پیداسـت که در این میان، سـهم همـه ملّت‌هـا یکسـان نبـوده اسـت و آنهـا کـه بـا میراث‌هـای غنـی پیـش می‌آمدند، در سـاختن بنـای فرهنگـی جدیـد، اثربخش‌تـر بوده‌انـد. آنچـه در این کشـورها باعث گسـترش سـریع فرهنـگ و هویّـت اسـلامی می‌شـد، بی‌تردیـد عامـل دیـن و از همه مهم‌تـر وجـود مراکـز مذهبـی مشـترک با عنـوان مسـاجد بـود. در حقیقت، مسـاجد مسـتقر در مناطـق و محـلّات شـهری، به عنـوان مراکز فرهنگ‌سـازی دینـی فعّالیّت می‌نماینـد.

ایـن مراکـز، بـه عنـوان پایگاه‌های مردمی، نقش بسـیار مهـم و تعیین‌کننـده‌ای در روشـنگری اذهـان عمومـی و تبییـن و ترویـج شـعائر و مبانـی و فرهنگ دینـی دارند. پـر واضـح اسـت کـه مسـاجد، بـه عنـوان مراکـز فرهنگ‌سـازی دینـی، بـا دارا بـودن پتانسـیل برقـراری ارتبـاط نزدیک‌تـر بـا تـوده مـردم، به‌ویژه جوانـان در ابعـاد خُردتر ماننـد محـلّات، پاسـخ‌گوی نیازهای مـردم و به‌ویـژه جوانـان بوده‌اند. از ایـن‌رو، نقش مسـاجد در شـکل‌گیری، انسـجام و تقویّـت فرهنـگ و هویّـت اسـلامی در محلّه‌هـای

[1]. آذرتاش، آذرنوش، هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن، ص۱۵۰.

شـهری حائـز اهمّیـت بسـیار اسـت. ضـرورت حضـور پررنگ‌تـر مسـاجد، بـه یکـی از پدیده‌هـای ضـروری ظهـور بـرای رویارویـی با بـروز تأخّـر فرهنگی، حداقل در سـطح محلّـه‌ای، مبـدّل گردیـده اسـت. در ایـن برهـه از زمـان، بـا توجّـه بـه مقابلـه بـا این پدیـده نـه چنـدان نوظهـور، تعامـل مسـاجد بـا فرهنگ‌سـراها و خانه‌هـای فرهنگـی محـلّات الزامـی و ضـروری اسـت؛ چـرا که بنا بـه نیازهای امـروز جامعـه، کارکردهای گسـترده مسـاجد، فراتـر از نیازهـای کنونـی مسـاجد اسـت. مسـجد، به عنـوان محلّ تجمّـع مسـلمانان، مرکـزی بـرای اطّلاع‌رسـانی اسـت کـه مهم‌تریـن تأثیـرات را در فرهنـگ و هویّـت بشـر، از زمان‌هـای گذشـته تاکنون بر جـای گذارده اسـت. مصداق بـارز ایـن اثرگـذاری، در جریـان انقلاب اسـلامی ایران دیده شـد. دین مقدّس اسـلام، بـه ایـن دلیـل که بـه مناسـبت‌های مختلف، مـردم را فـرا می‌خوانـد، در میـان ادیان دیگـر از برجسـتگی خاصّـی برخوردار اسـت.

اهمّیـت مسـاجد، به‌ویـژه در زمـان صـدر اسـلام کـه از نظـر اطّلاع‌رسـانی، فاقـد رسـانه‌های گروهـی بود، اهمّیت بسـیاری داشـت؛ زیـرا در همین اجتماعـات، رهبران دینـی، فرصـت را مغتنم شـمرده، با راهنمایی‌های لازم نقش اساسـی در شـکل‌گیری فرهنـگ و هویّـت اسـلامی را ایفـا می‌نمودند. بـرای ارتقای فرهنگ و هویّـت دینی در پیکـره هویّـت و فرهنـگ اجتماع، به‌ویـژه اجتماعات محلّه‌ای، مسـاجد نقش بسـزایی دارنـد؛ چـرا کـه از مشـارکت گسـترده مردم در حفـظ ارزش‌هـا و تبلیغ آنهـا و انتقال فرهنـگ و مفاهیـم ارزشـی سـود می‌جوینـد؛ در غیـر ایـن صـورت، اگـر دولـت بـه تنهایـی عهـده‌دار ایـن مسـئولیّت گـردد، کوچک‌ترین تخلّف از سـوی آن، به حسـاب دیـن و فرهنـگ دینـی گـذارده می‌شـود و ایـن امر، خـود نقص دیـن تلقّـی می‌گردد. بـه همیـن دلیل اسـت که دولـت باید با تـدارک زیرسـاخت‌ها و آماده‌سـازی نیروهای انسـانی کارآمـد، از یـک سـو و بهره‌گیـری از متفکّـران، روحانی‌هـا، هنرمنـدان، فرهنگیـان و فرهیختـگان جامعـه و اسـتقرار آنهـا در مسـاجد بـه عنـوان قائـم مقـام خـود، از سـوی دیگـر، به توسـعه فرهنـگ و هویّت اسـلامی و ارتقای چنیـن فرهنگی در پیکـره فرهنـگ و هویّـت اجتماعـی به‌ویـژه محلّـه‌ای بپـردازد. با وجود مسـئولیّت خطیـر مسـاجد در ایجـاد هویّـت و فرهنـگ اسـلامی در جامعـه، توجّـه بـر رویکـرد

اخلاقی این پایگاه مقدّس که به شکل‌دهی جامعه‌ای با هویّت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه می‌انجامد، الزامی است. این چرخه که در نهایت، بنیه فرهنگ داخلی را تقویّت می‌نماید، بخشی از آن نقشی است که مساجد، به عنوان جایگاه‌های خاصّ توسعه فرهنگ و هویّت اسلامی، در قالب برنامه‌های درازمدّت، در تقویّت و استحکام هویّت و فرهنگ محلّه‌ای ایفا می‌نمایند.

## ضرورت حضور پُررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلّات

در فرهنگ غنی و ریشه‌دار اسلام، مسجد از مرکزیّت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپهر فرهنگ دینی، مسجد اصلی‌ترین پایه و رکن است. در اسلام، مساجد محور فعّالیّت‌های فرهنگی هستند. از این‌رو، اگر خواهان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویّت ساختار شهری یا محلّه‌ای هستیم، باید مساجد را توسعه دهیم. فرهنگ دینی اسلام، مسجدمدار است و هر چیزی که رنگ و بوی این فرهنگ دینی را داشته باشد، به‌طور قطع، این محوریّت را در خود نشان می‌دهد. به طور کلّی، می‌توان اذعان داشت که مسجد، محور اصلی جامعه فرهنگ و هویّت اسلامی است. مسجد، پایگاهی فرهنگی است که شهروند موحّد و مسلمان در آنجا در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی و در خصوص مسائل اجتماعی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... آموزش می‌بینند؛ یعنی آموزش‌های اوّلیه و پایه‌ای که بر اساس آن پرورش یافته و مجال ورود به عرصه پرجنجال زندگی را پیدا می‌کند.

## تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان

اگرچه در عصر حاضر، به‌ویژه دهه‌های اخیر، ابزارهای تبلیغاتی و پیام‌رسان تأثیرگذاری مانند فیلم، سینما، تلویزیون، تئاتر، رادیو، پوستر و عکس، نوار، ویدئو، روزنامه، مجلّه، نشریات دوره‌ای و... رو به تزاید گذارده است و به ظاهر درخشش و جذّابیّت بیشتری دارد؛ امّا مسجد به لحاظ اصالت دینی و داشتن ریشه‌های عمیق تاریخی و به دلیل اهتمام فراوان رهبران مذهبی به این پایگاه عمومی،

تأثیـر بسـیار حسّـاس و تعیین‌کننـده‌ای بـر ارتقای فرهنـگ و هویّت افـراد دارد.

مهم‌تـر از همـه آنکـه، صحنه‌گـردان مسـجد، خـود مـردم هسـتند و تـا زمانـی که مذهـب و انگیزه‌هـای دینـی در مـردم ریشـه دارد، مسـجد نیـز بـه عنوان یـک پایگاه دینـی از تـوان تأثیرگـذاری بـر فرهنـگ و هویّـت آنـان برخوردار اسـت. ایـن موضوع بـه اثبات رسـیده اسـت که اعتقـادات دینـی و انگیزه‌هـای ماورایی که مسـاجد، مبلّغ آن هسـتند، محکم‌تریـن و راسـخ‌ترین انگیزه‌هـا و محرّک‌هـای فـردی و اجتماعـی به‌شـمار می‌آینـد تـا آنجـا کـه فـرد، در راه حفـظ آرمان‌هـای خـود، از جـان و مـال و فرزندانـش می‌گـذرد. مسـجد نیـز به‌طـور ملموسـی با چنیـن تمایلات و کشـش‌های قدرتمنـدی سـر و کار دارد؛ زیـرا خـود مسـجد، در متـن دیـن حنیـف بـوده و جایگاه تسـکین و تسـلّی خاطـر مؤمنـان اسـت. بـه این دلیـل، می‌توانیـم از مسـجد، در همه ابعـاد، بـه خصـوص در بعد فرهنگ و هویّت‌سـازی، بیشـترین بهره‌برداری‌ها را داشـته باشیم.

## تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ

دوران حاضـر را می‌تـوان دوران حیـات مسـاجد قلمـداد نمـود؛ چـرا که بـا فعّالیّت کانون‌های فرهنگی و هنری مسـاجد در پرورش و فرهنگ‌سـازی دینی افراد، فرهنگ، در کنـار دیـن ارایـه و عرضـه می‌گـردد. از ایـن‌رو، نقـش مسـاجد، بـه عنـوان مقدّمه فرهنـگ و هنـر، به‌ویـژه در سـطح محلّـه‌ای از اهمّیـت بسـزایی برخـوردار می‌گـردد. در مقـام تشـبیه، می‌تـوان از مسـاجد، به عنـوان کنفرانس‌هـای عبـادی ـ فرهنگی یاد نمـود که از شـعباتی تا اعماق روسـتاها و اجتماعـات محلّه‌ای برخوردارنـد. تفاوتی که مسـاجد، بـه عنـوان کانون‌هـای فرهنگـی و دینـی بـا فرهنگ‌سـراها دارند این اسـت کـه مسـاجد از تـوان بالقّـوه اطّلاع‌رسـانی و فرهنگ‌سـازی دینـی بـه طـور مسـتقیم برخـوردار هسـتند و ایـن در حالی اسـت که فرهنگ‌سـراها و دیگر مراکـز فرهنگی به انجـام فعّالیّت‌هـای زودگـذر و موقّتـی، بـا کارکـردی یک‌جانبـه و یک‌سـویه مبـادرت می‌نماینـد. در نقطـه مقابـل، مسـاجد علاوه بـر جنبه عبادتـی ـ عقیدتـی از جنبه‌های کارکـردی همه‌جانبـه‌ای، نظیـر کارکردهـای فرهنگـی، فرهنگ‌سـازی، اجتماعـی،

سیاسی و... برخوردارند.

## توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای

جامعه انسانی، نیازمند حکومت و قانون است. قانون، هنگامی معقول و مطلوب است که برخاسته از فرهنگ صحیح باشد. این فرهنگ صحیح، تنها با وضع قانون ایجاد نمی‌شود، بلکه ضروری است نهادهای فرهنگی جامعه مقدّمِ بر وضع قانون، آن را محقّق سازند. در غیر این صورت، جامعه دچار فقدان و خلاء فرهنگی خواهد شد. مساجد، راه‌حلی هستند که دین مبین اسلام برای حل این معضل فرهنگی برگزیده است. مسجد، مرکزی فرهنگی است که مردم را در طول شبانه روز، در پنج نوبت به سوی خود فرامی‌خواند و فرهنگی ارائه می‌دهد که به عوض تکّیه بر امتیازها و اختلاف‌ها، به وجوه مشترک بشری تکّیه داشته و ارزش‌های اجتماعی مشترک افرادش را در قالب تعالیم فطری و الهی- که منبع حقّ و حقیقت است- حیات می‌بخشد.

قرآن می‌فرماید: «الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلاَ تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ؛ این حقّ (حکم تغییر قبله و هر حکم، حقّی) از جانب پروردگار توست؛ پس، هرگز از تردیدکنندگان مباش».[1]

هویّت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده و امکان تعالی و شکوفایی فرد و تعالی و شکوفایی و توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. ازاین‌رو، توسعه و حفظ مساجد، به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محلّی ضرورت تام دارد؛ چرا که چنین کانون‌هایی، مطمئن‌ترین ضامن حفظ و توسعه فرهنگ و هویّت منطقه‌ای و محلّه‌ای و تقویّت هویّت فرهنگ شهری است. به‌طور کلّی می‌توان از مسجد به عنوان طلیعه‌دار فرهنگ‌های محلّی و منطقه‌ای نام برد؛ چرا که مساجد، افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده، شرایط داد و ستد و ارتباطات اجتماعی و شکل‌گیری مناسبات فرهنگی و هویّت محلّه‌ای را فراهم می‌آورند.

[1] . بقره، آیه۱۴۷.

## آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی فرهنگ دینی

از جملـه عمده‌تریـن آسـیب‌های فـراروی فرهنـگ و هویّـت دینـی، سـاختارهای اجتماعـی، به‌ویـژه در سـطح محلّـه‌ای، می‌تـوان مـوارد زیـر را نـام بـرد:

۱. بـه روز نبـودن نهادهـا، مراکـز دینی و مسـاجد و عـدم معرّفی مناسـب و کارآمد دیـن و فرهنگ و اسـتفاده از روش‌های سـنّتی.

۲. عـدم برخـورداری نیروهـای انسـانی نهادهـای دینی و مسـاجد، به‌ویژه مسـاجد محلّـه‌ای از کارآیـی و دانش لازم.

۳. وجود خلاء فرهنگ دانشگاهی به عنوان اتاق فکری مختصّ گفتمان فرهنگ دینی.

۴. وجـود نهادهـای متعـدّد دینـی و عـدم مرکزیّت مسـاجد، بـه عنـوان اصلی‌ترین نهـاد و کانـون بسـط و تقویّـت فرهنگ و هویّت اسـلامی.

۵. عـدم برخـورداری مسـاجد، به‌ویـژه مسـاجد محلّـه‌ای از مدیریـت سـازمانی منسـجم.

چالـش عمـده پیش روی فرهنـگ و هویّت دینـی، در ابزارهای فعّالیّـت فرهنگی یا تبلیغـی نیسـت، بلکه چالش اساسـی، زاییده آن اسـت کـه نیروی انسـانی ماهر، مدیر و خـلّاق وارد عرصـه نشـده اسـت و مجموعـه امـور فرهنگ دینـی، در اختیـار نهادها و افـرادی اسـت کـه معـدل تحصیـلات آنـان حتـی از دیپلـم متوسّـطه نیـز پایین‌تـر اسـت. همیـن مسـئله موجـب بـه وجود آمـدن معضل مدیریت شـده اسـت. بـه دلیل همیـن مسـئله، به‌ناچـار، نهادهای دینی متعدّدی ایجاد شـده اسـت و چـون اتاق‌های فکـری بـه وجـود نیامـده اسـت، افـراد غیرمتخصّـص با سـطح تحصیـلات پاییـن، به ایجـاد نهادهـای متعـدّد دینـی بـا نیّـت تقویّـت و توسـعه فرهنـگ و هویّـت اسـلامی اقـدام نمودنـد و در عـوض بـه دنبال اعتبـار و بودجه و مسـائل جاری رفتنـد؛ ازاین‌رو، لازم اسـت کـه در حوزه‌هـای فرهنـگ دینـی، از حوزه‌های دانشـگاهی بهره بیشـتری بـرده و بـا همـکاری روحانیـان آگاه مسـتقر در مسـاجد محـلّ و دانشـگاهیان مطّلـع، از فنّـاوری مـدرن و صنعـت ارتباطـات و تحـوّلات جهانی‌شـدن در راسـتای طرّاحی و ترسـیم سیاسـت و اسـتراتژی اساسـی برای تقویّت و توسـعه فرهنگ و هویّت اسلامی

در جوامـع محلّه‌ای و شـهری تـلاش نمود.

## » نتیجه سخن

بـا توجّـه بـه اهمّیـت بسـزای عناصـر مذهبـی در سـاختار فرهنگـی یـک اجتماع، می‌تـوان اذعـان داشـت کـه توجّـه به مسـاجد، بـه عنـوان مراکـز برخـوردار از عناصر مذهبـی و عقیدتـی، همـراه بـا شـناخت فرهنگ غنـی اسـلام، در کنار دیگـر الزامات، نـه تنهـا مایـه تـداوم تمـاس و تفاهـم اجتماعـی و تأمین و تحکیـم هویّـت و فرهنگ اجتمـاع می‌شـود، بلکـه درخت تناور فرهنـگ و تمدّن ایـران را نیز پربارتر از همیشـه خواهـد کرد.

امـروز، ضـرورت حضـور پررنگ‌تر مسـاجد، با کارکـرد مذهبی آنها با بـروز تغییرات فرهنگـی در کلان شـهری مانند تهران، بـه یکی از پدیده‌های ضـروری برای رویارویی بـا پدیـده تأخّـر فرهنگـی، حداقـل در سـطح محلّـه‌ای، مبـدّل گردیده اسـت. در این برهـه از زمـان، بـا توجّـه بـه مقابلـه با ایـن پدیده نـه چنـدان نوظهور، تعامل مسـجد بـا فرهنگ‌سـراها و خانه‌هـای فرهنـگ محـلّات الزامـی اسـت؛ زیـرا بنـا بـه نیازهـای جامعـه امـروز، کارکردهای گسـترده مسـجد، فراتـر از بناهای کنونی آن مطرح اسـت.

در فرهنـگ غنـی اسـلام، مسـجد از مرکزیّـت برخـوردار اسـت. در جغرافیـای فرهنگـی اسـلام و در سـپهر فرهنـگ دینـی، مسـجد اصلی‌تریـن پایـه و رکـن اسـت. در اسـلام، مسـجدها محـور فعّالیّت‌هـای فرهنگی هسـتند. از ایـن‌رو، چنانچه خواهان تأثیرگـذاری بـر فرهنگ و هویّت سـاختار شـهری یا محلّه‌ای هسـتیم، باید مسـاجد را توسـعه دهیـم. بـه هر حـال، نقش مسـاجد در شـکل‌گیری، انسـجام و تقویّت فرهنگ و هویّـت اسـلامی در محلّه‌هـای شـهری حائـز اهمّیت بسـیار اسـت.

مسـاجد، از صـدر اسـلام تـا کنـون، بـه عنـوان محـلّ تجمّـع مسـلمانان، مرکـزی بـرای اطّلاع‌رسـانی بـوده اسـت کـه مهم‌تریـن تأثیـرات را در فرهنـگ و هویّـت بشـر از زمان‌هـای گذشـته تاکنـون بـر جـای گـذارده اسـت کـه مصـداق بـارز آن، در جریـان انقـلاب اسـلامی ایـران دیـده شـد. دیـن مقدّس اسـلام، بـه این دلیـل که به مناسـبت‌های مختلـف، مـردم را فرامی‌خوانـد، در میـان ادیـان دیگـر از برجسـتگی خاصّـی برخـوردار اسـت.

نکتـه شـایان توجّـه این کـه مهم‌ترین چالـش پیـش روی فرهنگ و هویّـت دینی، در ابزارهای فعّالیّت فرهنگی یا تبلیغی نیسـت، بلکه چالش اساسـی، زاییده آن اسـت کـه نیـروی انسـانی ماهر، مدیـر مدبّر و خلاّق وارد عرصه نشـده اسـت و مجموعه امور فرهنـگ دینـی در اختیـار نهادهـا و افـرادی اسـت که تخصّـص کار فرهنگـی ندارند و در برخـی مـوارد، بـا وجود تخصّص، تعهّد و دلسـوزی وجـود ندارد.

## » منابع و مأخذ


» آذرتاش، آذرنوش، هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن، شورای‌عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، تهران، ۱۳۵۴هـ.ش.

» رازی، فخرالدّین محمّد، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، داراحیاءالتراث العربی، بیروت.

» طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲هـ.ش.

» مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اوّل، ۱۳۷۴ هـ.ش.

» ضرابی، عبدالرّضا، نقش و عملکرد مساجد در تربیت، ماهنامه معرفت، سال نهم، شماره اوّل، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ هـ.ش.

» رزّاقی، ابوالقاسم، مسجد، پایگاه توحید و تقوی، دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۶۲هـ.ش.

» لوبون، گوستاو، تاریخ تمدّن اسلام و عرب، مترجم: سیّد محمّدتقی فخردایی گیلانی، دنیای کتاب، تهران، چاپ دوّم.

» سباعی مکّی، محمّد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی، ترجمه علی شکویی، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران،۱۳۷۳هـ.ش.

# کارکردهای مسجد در کاهش آسیب‌های فرهنگی مهاجرت

محمود قرائتی


## چکیده

مسجد، محور شهر اسلامی و کانون ساختارهای فرهنگی در جامعه اسلامی است. مسجد، تأثیرات مهمّی در لایه‌های متنوّع جامعه منتسب به خود دارد و از این نظر، مهاجران مسلمان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش در تعامل نهاد مسجد با گروه مهاجران و چگونگی آسیب‌زدایی مسجد از این گروهِ پُرآسیب، کارکردهای مثبت و قدرتمندی را از مسجد به نمایش می‌گذارد که نه تنها مهاجران اصطلاحی، بلکه آموزه‌های آن، هر تازه‌وارد فرهنگی را رهبری می‌کند. نیاز تهاجمیِ مهاجران به تعلّق‌داشتن به گروه، کاهش ضریب خودکنترلیِ گروه مهاجران، دوگانگی و تضّاد فرهنگی، بخشی از این آسیب‌ها هستند که نهاد مسجد به طور غیرمستقیم، صحیح و فراگیر، آنها را کاهش می‌دهد و تا اندازه قابل‌توجّهی به نیازهای برخاسته از این آسیب، پاسخ می‌دهد.



## واژگان کلیدی:

مسجد، مهاجرت، آسیب‌های فرهنگی، کارکرد.


## مقدّمه

در فرهنگ سیاسی و اقتصادی، نهادهای بین‌المللی مهاجرت، کار، حقوق بشر و قوانین کشورهای گوناگون، تعاریف متفاوتی دارند. در همه این تعاریف، سعی می‌شود مرز بین مهاجر، مسافر، پناهنده و آواره، حفظ گردد و تعریفی جامع و مانع برای ترسیم حدود قانونی این موارد ارائه شود.

امروز، مهاجرت همراه کلماتی، مانند مسئله، معضل و حتّی بحران به کار می‌رود. تعداد مهاجران، تنها در اروپا از مرز ۵۶ میلیون نفر گذشته است و نکته

مهـم اینکـه، ایـن رقـم بـا مبنـا قـرار گرفتـن همـان تعاریـف محدودکننده به دسـت آمـده اسـت. مدّتـی اسـت کـه یـک رشـته تحصیلـیِ بین‌رشـته‌ای و ویـژه، بـا عنوان «مدیریـت مهاجرت»، شـکل گرفته اسـت کـه اهمّیت این مسـئله را نشـان می‌دهد.[1]

مهاجـرت، همیشـه در زندگـی بشـر وجود داشـته و گاهی از روی اختیـار، گاهی به اجبـار اتّفـاق می‌افتـاده اسـت. مهاجـرت، همیشـه منافعی کوتاه‌مـدّت یـا بلندمدّت را بـرای بشـر بـه دنبال داشـته کـه روند مهاجران را به سـوی خود سـوق داده اسـت؛ امّا بـه طـور قطـع، مهاجرت برای هر سـه طرف آن، یعنی برای سـرزمین مبـدأ مهاجرت، سـرزمین مقصـد مهاجـرت و مهاجـران یـا نسـل‌های بعـدیِ آنـان بحران‌زاسـت. مشـکل‌آفرینی و پیچیدگـی مهاجـرت بـرای هـر کدام از این سـه مورد، در یک راسـتا نیسـت و طبیعـی اسـت کـه هـر کـدام منافـع، فرصت‌هـا و تهدیدهایـی دارنـد. تقابل وسـیع منافـع، بـر پیچیدگی موضـوع می‌افزایـد و آن را در انـدازه معضلـی بین‌المللی و فراگیـر قـرار می‌دهد.

کشـورهای مهاجرپذیـر می‌کوشـند تـا نیروهـای بادرجـات بالاتـر علمـی، مالـی، مهارتـی و جسـمی را بپذیرنـد. کشـورهای مهاجرخیـز نیـز بـرای مهاجـرتِ مشـروطِ نیروهـای مـازاد خـود تـلاش می‌کننـد و در نقطه مقابل، برخی از کشـورهای شـمال، نگـران مهاجـرت نخبـگان و بـه تعبیر دیگـر، فـرار مغزها هسـتند. مهاجـران نیز فارغ از دغدغه‌هـای کشـورهای مهاجرپذیـر و مهاجرخیـز در پـی رفاه، امنیّـت و زمینه‌های پیشـرفت بیشـتر خود هسـتند.

آسـیب‌های فـردی، خانوادگی و اجتماعـی مهاجرت و مهاجـران، مبحثی طولانی و خـارج از محدوده یک مقاله اسـت و شایسـته اسـت دیـدگاه آموزه‌های اسـلام درباره انـواع مهاجرت، بررسـی و راهبـرد و راهکارهای منظّمی ارائه شـود.

مسـجد کـه محـور شـهر اسـلامی اسـت بـه طـور قطـع، تأثیـرات مهمّـی بـر مهاجـران دارد و بایـد گفـت سـخت‌افزار و نرم‌افزارهایـی کـه اسـلام بـرای مسـجد تدبیـر کـرده اسـت، مهاجـران مسـلمان را نیـز در برمی‌گیرد. قسـمتی از آسـیب‌های

[1]. ر.ک: سـجّادپور، سـیّد محمّدکاظـم، چارچوب‌هـای مفهومـی و عملیاتـی در مدیریـت مهاجـرت بین‌المللـی، مطالعـه مـوردی ایـران، مجلّـه تحقیقـات جغرافیایـی، ش۷۸، ص۱۰ و ۱۱.

فرهنگـی مهاجـرت و مهاجـران و کارکردهـای نهـاد مسـجد در رفـع آنهـا، می‌توانـد موضـوع نوشـتارهای کوتـاه باشـد؛ هرچنـد بررسـی‌های بیشـتر، پژوهش‌های وسـیع میان‌رشـته‌ای را می‌طلبـد.

لازم بـه یـادآوری اسـت کـه اهمّیت ایـن کارکردهـا در مناطقـی که مسـلمانان در اقلیّـت قرار دارند، بسـیار بیشـتر اسـت.

## » گفتار اوّل: پیشنه تاریخی مهاجرت

در زمـان کنونـی، از یـک سـو، منشـأ اصلـی مهاجـرت، اختلاف شـدید کشـورهای شـمال و جنـوب یـا بـه تعبیـر بهتـر مجتمع‌هـا و شـهرهای شـمال و جنـوب در برخورداری‌هـای مـادّی اسـت و از سـوی دیگـر، کم‌رنـگ شـدن وابسـتگی‌ها و ارزش‌هـای ریشـه‌دار انسـانی، تغییـر گروه‌بندی‌هـا و نظام‌هـای اجتماعـی، انفجـار اطّلاعـات، تبلیغـات و فعّالیّت‌های ناصواب رسـانه‌ای و سـهولت حمل و نقـل، بر دامنه مهاجرت‌هـا افـزوده اسـت. اگـر تدبیـر و حکمـت الهـی در اختـلاف نژادهـا، رنگ‌ها و زبان‌هـا نبـود، امروز سـیّال بـودن جوامع از مرز تحمّـل روابط و قراردادهـای اجتماعی می‌گذشـت و آشـفتگی غیرقابـل کنترلـی بـر جهـان حاکـم می‌گشـت.[1]

مهاجـرت در داخـل سـرزمین‌ها و کشـورها و حتّـی درون یـک فرهنـگ نیـز مسأله‌سـاز اسـت. توسـعه نامتوازن، حاشیه‌نشـینی، ناهنجاری‌هـای اجتماعی، کاهش خودکنترلـی جامعـه یـا خانواده یـا فرد، ناپایداری‌هـای اقتصادی، سیاسـی و فرهنگی، اوقـات فراغـت غیرمعمـول و فشـارهای روانـی، از جملـه آثاری هسـتند که شـهرهای مهاجرپذیـر را در تنگنـای خـود گرفته اسـت.

مهاجـرت، نهـاد خانـواده را نیـز بـه طـور عمومـی در یـک اضطـراب فراگیـر قـرار می‌دهـد. هرچـه مهاجـرت، تغییـرات بیشـتری در حوزه‌هـای جغرافیایـی، اجتماعی، اقتصـادی، حقـوق و قوانیـن، ارتبـاط بـا خویشـان، هم‌کیشـان و هم‌فرهنگ‌هـا ایجـاد کنـد، موضوعـات مجهـول بیشـتری خواهـد داشـت و چالش‌هایـی بـا ابعاد متنـوّع را بـرای ارکان خانـواده ایجـاد خواهد کـرد. دوگانگی فرهنگـیِ درون خانـواده، دوگانگی فرهنگـیِ خانـواده بـا محیـط و تضـادّ فرهنگـی بیـن والدین و فرزنـدان برخـی از این چالش‌هاسـت. این مسـائل، از مشـکلات فردی شـروع می‌شـود یا به مشـکلات فردی می‌انجامـد و در نهایـت، ایـن فردفـرد مهاجـران هسـتند که بایـد از ایـن تنش‌ها عبور کنند .

بـا وجـود همه این نابسـامانی‌ها و دشـواری‌ها مهاجرت، همواره بخشـی از پویایی و

[1] . بـه قـرآن کریـم، روم، آیـه۲۲ مراجعـه کنیـد: «وَ مِـنْ آیَاتِـهِ خَلْـقُ السَّـمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِـلَافُ أَلْسِـنَتِکُمْ وَ أَلْوَانِکُـمْ إِنَّ فِـی ذَالِـکَ لَآیَـاتٍ لِّلْعَالِمِیـنَ؛ و از آیـات او آفرینـش آسـمان‌ها و زمیـن و تفـاوت زبان‌هـا و رنگ‌هـای شماسـت و در ایـن، نشـانه‌هایی بـرای عالمـان اسـت».

کمال‌خواهی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. مهاجرت، گزینه‌ای مهم برای پیشرفت است و تصمیم‌گیری درست انسان در این‌باره، بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود. مهاجرت، همیشه وجود دارد و آخرین دین الهی نیز اصل آن را به رسمیّت شناخته و به تصحیح اهداف و رویکردهای آن پرداخته است.

مفهوم مهاجرت به صورت مطلق، در متون اسلامی، مفهومی مثبت و ارزشی است. در نگاه اوّل، شاید چنین به نظر آید که این ارزشمندی ممکن است به سبب شهرت گروه بزرگی از مسلمانان صدر اسلام به این عنوان باشد؛ ولی با دقّت بیشتر در قرآن و روایات درمی‌یابیم که این ارزشمندی از پشتوانه‌ای محکم و جایگاه بلندی در مکتب تربیتی اسلام دارد. اسلام، موضوع مهاجرت را تا پای وجوب تعیینی و تعیّنی پیش می‌برد.[1]

[1] . برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه مهاجرت در آموزه‌های قرآنی، به سه آیه زیر مراجعه کنید:

الف) انفال، آیه۷۲: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ هَاجَرُواْ وَ جَاهَدُواْ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الَّذِينَ ءَاوَواْ وَّ نَصَرُواْ أُوْلَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ لَمْ يهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَيَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتىَ يهَاجِرُواْ وَ إِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلىَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ اللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند و کسانی که ایمان آورده‌اند، ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ‌گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند؛ مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

ب) نساء، آیه۸۹: «وَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتىَ يهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ اللهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُواْ مِنهُمْ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا؛ همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید. پس زنهار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس، اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید، به اسارت بگیرید و آنها را بکشید و از ایشان یار و یاوری برای خود مگیرید».

ج) نساء، آیه۹۷: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّئهُمُ الْمَلَئكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمْ قَالُواْ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُواْ أَ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللهِ وَاسِعَةً فَتهَاجِرُواْ فِيهَا فَأُوْلَئكَ مَأْوَئهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا؛ کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان، جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس، آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بدسرانجامی است».

## » گفتار دوّم ـ انواع مهاجرت از منظر اسلام

با مبنا قرار دادن معارف اسلامی، سه نوع مهاجرت وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

### ۱. مهاجرت نوع اوّل

نوع اوّل، درباره تغییر محلّ جغرافیایی زندگی انسان و اولویّت‌های مادّی آن است که کم‌وبیش از بین متون مختلف اسلامی قابل استخراج است. اصطلاح مهاجرت به این معنی در قرآن و روایات مطرح نیست و آموزه‌های مربوط به این نوع از مهاجرت، با کلید واژه‌های دیگر و تا اندازه‌ای پراکنده قابل استحصال است.[۱] روشن است که این نوع مهاجرت، به خودی خود و بدون هیچ انگیزه مقدّسی، نمی‌تواند در یک دین آسمانی ارزشمند نامیده شود؛ همان‌طور که بی‌ارزش هم نیست و از این نظر، تابع اهداف مهاجر و آثار مهاجرت خواهد بود.

گذشته از میزان ارزشمندی این نوع از مهاجرت‌ها، فراوانی مهاجرت‌های معاصر را باید در قالب این نوع مهاجرت ارزیابی کرد.

### ۲. مهاجرت نوع دوّم

نوع دوّم مهاجرت، یک مهاجرت جغرافیایی و حرکت جسم انسان از یک محلّ، منطقه یا سرزمین است که تنها با اهداف الهی انجام می‌شود و به تعبیر قرآنی، «مهاجرت فی سبیل الله» است.[۲]

---

[۱]. ر.ک به: ابواب مربوط به کسب و کار، کسب حلال، نکوهش فقر و مانند آن.

[۲]. برای مطالعه بیشتر در این مورد به سه آیه زیر مراجعه کنید:

الف) نساء، آیه۱۰۰: «وَ مَن یهَاجِرْ فِی سَبِیلِ اللهِ یجِدْ فِی الْأَرْضِ مُرَاغَمًا کَثِیرًا وَ سَعَةً وَ مَن یخْرُجْ مِن بَیْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَی اللهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللهِ وَ کَانَ اللهُ غَفُورًا رَّحِیمًا؛ و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامت‌گاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او به طور قطع با خداست و خدا آمرزنده مهربان است».

ب) بقره، آیه۲۱۸: «إِنَّ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ الَّذِینَ هَاجَرُواْ وَ جَاهَدُواْ فِی سَبِیلِ اللهِ أُوْلَئِکَ یرْجُونَ رَحْمَتَ اللهِ وَ اللهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ؛ آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است».

ج) حجّ، آیه۵۸: «وَ الَّذِینَ هَاجَرُواْ فِی سَبِیلِ اللهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَیرْزُقَنَّهُمُ اللهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللهَ لَهُوَ خَیرُ الرَّازِقِینَ؛ و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده و آنگاه کشته شده یا مرده‌اند، به طور قطع خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد

مهاجرت‌هـای پی‌درپـی و متنـوّع سـال‌های صـدر اسـلام، از ایـن نـوع مهاجرت‌ها بـود. مهاجرت‌هایـی کـه مسـلمانانِ مهاجـر بـا رها کـردن امـوال منقـول و غیرمنقولِ خـود و حتّـی در بسـیاری موارد، با دوری از خانواده و در شـرایطی پُرخطـر، تنها برای خـدا و حفـظ دیـن، راه سـرزمین‌های ناآشـنا را در پیـش می‌گرفتنـد. دو بـار هجـرت مسـلمانان به کشـور حبشـه، در آن سـوی دریـا، هجرت‌های تبلیغـی پیامبر و اصحاب و از همـه مهم‌تـر هجـرت پیامبر عظیم‌الشّـأن اسـلام ﷺ و مسـلمانان از مکّه به یثرب کـه مبـدأ تاریخ اسـلام گردیـد، مهم‌ترین ایـن هجرت‌ها هسـتند.

هجـرت بـه ایـن معنـی، اختصـاص بـه دیـن مبیـن اسـلام نـدارد و ادیـان الهی در طـول تاریـخ خـود، مهاجرت‌هـای بسـیاری را از این نوع بـه ثبت رسـانده‌اند. مهاجرت پیامبرانـی ماننـد حضـرت ابراهیـم ﷺ، حضـرت موسـی ﷺ، حضـرت عیسـی ﷺ و حواریـان، مهاجـرت حضـرت صالـح و مؤمنان بـه او، حضرت هـود و پیروانش، حضرت لـوط و خانـواده‌اش، مهاجرت حضرت موسـی ﷺ و قوم بنی‌اسـرائیل، از مهم‌ترین آنها هسـتند کـه با دسـتور الهی آغاز شـدند و جزئیات بسـیاری درباره ایـن مهاجرت‌ها در متـون اسـلامی و دیگـر ادیان آمده اسـت.

در ایـن نـوع هجـرت، مهم نیسـت که آثـار مادّی آن چیسـت و اوضاع مـادّی بهبود می‌یابـد یـا خیـر؛ بلکه شـرط این نـوع هجرت، انگیـزه الهی مهاجر اسـت.

ارزشـمندی چنیـن هجرتـی در مکتـب تربیتـی اسـلام، از برتری معنـوی مهاجر بر دیگـران شـروع می‌شـود[1] و از مـرز وجوب می‌گذرد؛[2] سـپس، این ضرورت و حسّاسـیّت تـا آنجـا پیـش می‌رود که می‌تـوان مهاجرت را یکـی از راهبردهـا و راهکارهای زندگی اسـلامی محسـوب نمـود و فصلی را در ایدئولوژی اسـلامی بـه آن اختصاص داد.

## ۳. مهاجرت نوع سوّم

مهاجـرت نـوع سـوّم، انتقال معنوی و یک مهاجرت درونی اسـت که جسـم انسـان

---

و راستی این خداست که بهترین روزی‌دهندگان است».

[1] . مجلسـی، بحارالأنـوار، ج۱۹، ص۳۱: «عَـنِ النَّبِـيِّ ﷺ أَنَّـهُ قَـالَ مَـنْ فَـرَّ بِدِينِـهِ مِـنْ أَرْضٍ إِلَـى أَرْضٍ وَ إِنْ كَانَ شِـبْراً مِـنَ الْأَرْضِ اسْـتَوْجَبَ الْجَنَّـةَ وَ كَانَ رَفِيـقَ إِبْرَاهِيـمَ وَ مُحَمَّـدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَـا وَ آلِهِمَـا؛ کسـی کـه بـرای دینـش اُز جایـی بـه جایـی فـرار کنـد و اگرچـه بـه انـدازه یـک وجـب باشـد، مسـتوجب بهشـت اسـت و یـار و همـراه ابراهیـم و محمـد صلـی الله علیهمـا و آلهمـا اسـت».

[2] . ر.ک: پاورقی۲.

از مکانی به مکانی هجرت نمی‌کند؛ بلکه قلب او از سرزمین گناه، دل می‌کند و وارد مملکت طاعت خداوند می‌شود[1].

ارزشمندی مهاجرت نوع دوّم، وابسته به وجود مهاجرت نوع سوّم است. مهاجرت، وقتی می‌تواند برتری‌های نوع دوّم را داشته باشد که زمینه‌ساز تغییر جغرافیای دل‌ها باشد. از امیرمؤمنان علیه‌السلام در ضمن خطبه‌ای، نقل شده که حضرت فرمودند: «مهاجر، تنها آن کسی است که از بدی‌ها هجرت کند و به سوی آن بازنگردد».[2]

[1]. تحریر المواعظ العدديه، ج۲۵، ص۱۹: «المهاجر من هجر ما حرّم الله عليه؛ مهاجر کسی است که از آن چه خدا حرام کرده هجرت کند و ببُرد».

[2]. بحارالأنوار، ج۹۷، ص۹۹: «قَالَ عَلِيٌّ علیه‌السلام فِي بَعْضِ خُطَبِهِ: يَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَ لَمْ يُهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يَأْتُوا بِهَا».

### » گفتار سوّم ـ آسیب‌های مهاجرت

هـر سـه نوع مهاجـرت، آسـیب‌هایی دارد. نوع سـوّم کمتریـن و نوع اوّل بیشـترین آسـیب‌ها را به همـراه دارد.

آسـیب‌های مهاجـرتِ نوع سـوّم کـه هجرت از بیابـان گناه و مهاجرتی قلبی اسـت، آسـیب‌هایی موقّـت، محـدود، طبیعـی و قهری اسـت. اطّلاعات دینی کم، ناآشـنایی با سـرزمین جدیـد، کم‌مهارتـی، ناهمگونـی نیّت‌هـا یا رفتارها، وسوسـه‌های بازگشـت و برخـی فشـارهای روانی ناشـی از آنها از جمله آسـیب‌هایی اسـت که انسـان تـازه‌وارد بـه سـرزمین اطاعـت الهـی دچـار آن می‌شـود و بـه سـرعت بـا عنایت‌هـای الهـی و توجّـه بـه راهکارهـای دینی رفـع می‌شـود؛ راهکارهایی که یکـی از آنهـا، موضوع این نوشـتار است.

آسـیب‌های مهاجرت نوع دوّم، ترکیبی از آسـیب‌های مهاجرت نوع سـوّم و بخشـی از آسـیب‌های مهاجـرت نـوع اوّل اسـت؛ چرا که مهاجـرت نوع دوّم از اسـاس، ترکیب پیچیـده و گزیده‌ای از نوع اوّل و سـوّم اسـت.

آسـیب‌های نـوع دوّم، بعضـی از آسـیب‌های نـوع اوّل و نـه همـه آنهـا را داراسـت کـه بـه ارزش‌های فـراوان مهاجـرت نوع سـوّم مربوط می‌شـود. ویژگی‌هـای مهاجرت نـوع سـوّم پـس از ترکیـب، ماهیّـت مهاجرت نـوع اوّل را تغییـر می‌دهد و بسـیاری از آسـیب‌های آن را رفـع می‌کنـد یـا از ابتـدا مانـع بـه وجـود آمـدن آنها می‌شـود.

آسـیب‌های مهاجرت نوع اوّل فراوان اسـت. مقالات منتشـر شـده درباره مهاجرت، بـر محـور مهاجرت نوع اوّل تهیّه شـده اسـت. بررسـی ایـن مقالات نشـان می‌دهد که جنبـه اقتصـادی مهاجـرت در کانـون توجّـه اسـت و کارشناسـان در پی شفّاف‌سـازی کنش‌هـا و واکنش‌هـای کوتاه‌مـدّت و بلندمـدّت مهاجـرت در حـوزه اقتصاد هسـتند. مبـدأ و مرجـع طـرح مسـائل امنیتـی، حقوقـی و مباحثـی، ماننـد بـازار علـم در ایـن مقـالات نیـز منافـع و مضـارّ اقتصادی پیرامـون مهاجرت اسـت که البتّه جـای تعجّب نیسـت و این سرشـت علوم انسـانی غرب اسـت.

پیوسـتگی حوزه‌هـای علـوم انسـانی، اصلـی پذیرفتـه شـده اسـت و توسـعه بیـن

رشـته‌ها،[1] مانند «رشـته مدیریـت مهاجـرت» گـواه این مطلب اسـت؛ امّا ایـن موضوع نبایـد موجـب جابه‌جایـی در رده‌بنـدی شـرافت و کرامـت حوزه‌هـای علـوم انسـانی شـود. در منطـق الهـی، اقتصـاد یک ابزار اسـت و به خـودی خود، ارزش یـا ضدّ ارزش نیسـت و نبایـد محـور ارزیابی‌هـای کلان و نهایـی قـرار گیرد.[2]

گذشـته از ایـن که در شناسـایی آسـیب‌های مهاجـرت، رویکردی الهی یـا غیرِالهی اتّخـاذ شـود، بایـد گفت آوندهـای آسـیب‌های مهاجرت در یـک آبش‌خـور اصلی قرار دارد و آن، تغییـر ارتبـاط انسـان با محیط اسـت. مهاجر، نیازمند فرصتی اسـت تا بین خـود و محیـط جدیـد تناسـب ایجـاد کنـد و بـه نرم‌افزارهـا و سـخت‌افزارهای جدیدِ پیرامـون متّصـل شـود. اوّلیـن آسـیب، همین فرصـت کوتاه یـا بلند ناپایداری‌هاسـت. دوّمیـن آسـیب، رسـوخ ناپایداری‌هـا بـه حـوزه باورهـای فـرد مهاجـر اسـت کـه باید ارتبـاط بـا محیـط را مدیریـت کند. آسـیب سـوّم، خطـا در اتّصـال به سـخت‌افزارها و نرم‌افزارهـای جدیـدِ فرهنگـی، اجتماعی و اقتصادی اسـت.

بـا این توضیح، آسـیب‌های بسـیاری بـرای مهاجرت قابل دسـته‌بندی اسـت؛ امّا به سـبب اهمّیـت حـوزه دیـن و فرهنگ، اثرپذیـری دیگر حوزه‌هـای علوم انسـانی از این حـوزه و نیـز تأثیرگـذاری مسـتقیم مسـجد در این حـوزه، به آسـیب‌های مهاجرت در فرهنگ عمومـی و غیرعمومـی می‌پردازیم.

## مبحث اوّل: افزایش نیاز به «تعلّق داشتن به گروه»

در مدیریـت جدیـد «نیـاز تعلّق به گروه»، به رسـمیّت شـناخته شـده و از نیازهای انسـان شـمرده شده اسـت.[3] مهاجر با گسستی که بین او و بیشـتر انسان‌های هم‌گروه، هم‌خـون، هم‌کیـش و هم‌فرهنـگ وی اتّفـاق افتـاده، دچـار خـلأ در زمینـه اعتبـار و حمایـت اسـت. برخی شـرایط فسـادانگیزی که برای مهاجـر اتّفاق می‌افتد، در مسـیر تأمیـن کاذب یـا غیرقانونـی و غیرشـرعی نیازهـای انسـانی وی اسـت. مهاجـر، بـرای بـرآورده شـدن حمایـت و اعتبار، ممکن اسـت ابتـدا از راه صحیح آن اقـدام کند؛ ولی

[1] . Interdiciplinary.

[2] . ر.ک: فجر، آیات۱۷-۱۵.

[3] . ر.ک: نبوی، محمّدحسن، مدیریت اسلامی، ص۸۶.

از آنجـا کـه سـرمایه‌گذاری در ایـن زمینـه دیربـازده اسـت، به سـوی تأمیـن ناصحیح آن و عضویّـت در گروه‌هـای کوچـک و بـزرگ هنجارشـکن، تمایـل پیـدا می‌کند. این چالـش، وقتـی بـا دیگر آسـیب‌های مهاجـرت درآمیزد، لغـزش‌گاه بزرگـی را به وجود می‌آورد.

منـزوی شـدن یـا در اقلیّـت قرارگرفتـن بـرای هر کس ناخوشـایند اسـت؛ ولی این مسـئله بـرای مهاجـر بـه عنـوان یک بحـران و تهدیـد روزانه مطـرح اسـت و این روی دیگـر سـکّه، نیـاز بـه اعتبـار و حمایـت اسـت تـا در سـطح اجتماعـی آن بـا تعلّـق به گـروه، قابل پاسـخ‌گویی باشـد.

البتّـه در منطـق الهـی، عـزّت تنهـا از آن خداسـت و اوسـت کـه عـزّت می‌دهـد و عـزّت می‌سـتاند؛ امّـا مسـئله در ایـن نوشـتار، زمینه‌هـای آسـیب‌زایی مهاجـرت و نقش یکی از راهکارهای اسـلام در تسـهیل دسـت‌یابی به مهاجرینی سـالم اسـت. به عبـارت بهتـر هـدف، کشـف بخشـی از مهندسـی فرهنگی اسـلام در حوزه مسـجد با توجّـه بـه تأثیـرات آن بـر مهاجـرانِ مسـلمان از نـگاه برون‌دینی اسـت.

## مبحث دوّم: کاهش خودکنترلی

در دیـن اسـلام، مفهـوم عامّـی را برای انـواع مدیریت‌هـای نفـس و کنترل‌های آن می‌تـوان یافت؛[1] مفهـوم عامّـی کـه بـا کلیـدواژه «تقـوی» در همـه آموزه‌هـای اسـلام بسـیار مـورد توجّه اسـت.

تقـوا در گونه‌هـای مختلفـی، ماننـد خـوف، صبـر، حلـم و عفّـت متجلّـی می‌شـود. حیـا، بـه معنـای عـامّ آن، یکـی از تجلّیـات تقـوا و خویشـتن‌داری اسـت.[2] رابطه‌های بسـیاری میـان تقـوا و مسـجد می‌تـوان برقـرار کرد؛ امّـا به علّـت اینکه آسـیبِ عمده مهاجـران در زمینـه خویشـتن‌داری، خودکنترلـی و تقـوا، در قلمـرو هنجارهـا و حیـا اتّفـاق می‌افتـد، حیـا، در اولویّـت قـرار می‌گیـرد. در اهمّیـت حیـا، همین بـس که در روایـات اسـلامی، انسـانِ تهـی از حیـا، تهـی از ایمان معرّفی شـده اسـت.[3]

---

[1] . غررالحکم و دررالکلم، ح۵۸۱۵ و۵۸۱۶ و ۵۹۹۷: «التقوی اجتناب، المتقی من اتقی الذنوب، من ملک شهوته کان تقیا».
[2] . نهج‌البلاغه؛ خطبه۱۸۳، ص۲۶۶: «فالتقوا الله الذی انتم بعینه».
[3] . إرشاد القلوب إلی الصواب، ج۱، ص۱۱۱: «الْحَیَاءُ مِنَ الْإِیمَانُ فَمَنْ لَا حَیَاءَ لَهُ لَا خَیْرَ فِیهِ وَ لَا إِیمَانَ لَه».

حیـا، بسـیار پُرحضـور و پُرکاربرد اسـت و در تصویر آرمانی خود، همـه ابعاد زندگی انسـان را فـرا می‌گیـرد کـه محصـول چند ویژگـی حیاسـت. در ادامه به برخـی از این ویژگی‌ها اشـاره می‌شـود:

حیـا، از حـوزه فـرد بـه جامعـه و از جامعـه بـه فـرد سـرایت می‌کنـد. ایـن رابطـه دو طرفـه بیـن دو حـوزه فـردی و اجتماعـی، ویژگـی نـادری نیسـت؛ امّا ایـن رابطه و سـرایت، در مـورد حیا بسـیار مسـتقیم، شـفّاف و سـریع اسـت.

حیـا، محـدود بـه قلمـرو خاصّـی نمی‌شـود. حیـا، ممکـن اسـت در مـورد همـه تکانه‌هـا و هیجانـات روانـی و وسوسـه‌ها نقـش ایفا کند.[1] حیـا، بسـیاری از بازدارنده‌ها را همراهـی می‌کنـد و بـدون کمـک حیـا، بسـیاری از بازدارنده‌هـا ضعیـف و ناکارآمد می‌شـوند. حتّـی ممکـن اسـت ادّعـا شـود کـه آنچـه از حـوزه فـرد بـه اجتمـاع و از اجتمـاع بـه فـرد در مـورد بازدارنده‌هـا سـرایت می‌کنـد، بـه واسـطه حیـا اسـت.

ویژگـی مهـم دیگـر، قـدرت بازدارندگـی و وادارندگـی حیاسـت. حیـا، در مرحلـه شـکل‌گیری خـود در نفـس انسـان، نوعـی انکسـار، انفعال، انقبـاض، انزجـار و انحصار اسـت؛ امّـا نمـود عملـی آن ممکـن اسـت بـه صـورت بازدارندگی یـا وادارندگـی بروز کنـد. وسـعت قلمـرو و نمـود عملـیِ متنـوّع حیا کـه شـامل بازدارندگـی و وادارندگی اسـت، موجـب گردیـده تا حیا سـهم بزرگـی از تقـوی و مدیریت و کنتـرل نفس را به خـود اختصـاص دهد.

ویژگـی چهـارم، وجود مصادیق ضدّ ارزشـی و منحرف شـده حیاسـت و حیا، از این نظـر بسـیار آسـیب‌پذیر اسـت و انبـوه نمونه‌هـای ناصـوابِ حیـا، فضای زیبـا، معنوی و فرح‌انگیـز حیـا را شـلوغ و غبارآلـود می‌کند.[2] بـه هـر حـال ایـن، ویژگـی نیـز عاملی اسـت کـه در نـگاه کلّـی، مصادیـق حیـا را مضاعـف می‌کنـد و اهمّیـت آن را بیشـتر می‌کنـد.

حیـا، ارکانـی دارد کـه عبارت‌انـد از: مهـار کـردن نفـس، فعـل قبیـح، حضـور ناظر

[1] . نهج‌البلاغـه، قصـار۳۴۹، ص۵۳۶: «مَـنْ قَـلَّ حَیَـاؤُهُ قَـلَّ وَرَعُـهُ وَ مَـنْ قَـلَّ وَرَعُـهُ مَـاتَ قَلْبُـهُ وَ مَـنْ مَـاتَ قَلْبُـهُ دَخَـلَ النَّـارَ...؛ کسـی کـه حیایـش کـم شـد، پارسـائیش نقصـان می‌گیـرد و کسـی کـه پارسـائیش نقصـان گیـرد، قلبـش می‌میـرد و کسـی کـه قلبـش بمیـرد، داخـل دوزخ می‌شـود».

[2] . وسائل‌الشـیعه، ج۱۲، ص۱۶۹ و ۱۱۱: «اَلْحَیَـاءُ حَیَـاءَانِ حَیَـاءُ عَقْـلٍ وَ حَیَـاءُ حُمْـقٍ فَحَیَـاءُ الْعَقْـلِ هُـوَ الْعِلْـمُ وَ حَیَـاءُ الْحُمْـقِ هُـوَ الْجَهْـلُ؛ حیـا دو گونـه اسـت؛ حیـاء عقـل و حیـاء حماقـت. حیـاء عقـل دانایـی و حیـاء حماقـت نادانـی اسـت».

محتـرم، شـخص حیاکننـده.[1] در مهاجـرت هـر چهـار رکـن، هـم در بعد نظـری و هم عملـی دچـار ضعـف و اختلال می‌شـوند.

## مبحث سوّم: مهارکردن نفس

مهاجـر، بـه سـبب میل به پیشـرفتی که به علل گوناگونی در او تقویّت شـده اسـت و نیـز افزایـش نیـاز تعلّـق بـه گروه، بـه کم‌رنگ کردن خط‌هـای قرمز و سسـت کردن مهار نفـس گرایش دارد.

## مبحث چهارم: فعل قبیح

بـه سـبب تغییـر شـدید شـرایط فرهنگـی و رسـانه‌ای و تنـوّع آنهـا کـه در مناطق مهاجرپذیـر، نسـبت بـه مناطـق مهاجرخیـز بیشـتر وجـود دارد، بازنگـری در باورها و ارزش‌هـا، یکـی از فعّالیّت‌هـای ذهنـی مسـتمر مهاجـران اسـت. بنابرایـن، متغیّر فعل قبیـح، مهاجـر را در معـرض دو آسـیب قرار می‌دهـد و ممکن اسـت در بینش او عمل زشـت از فهرسـت افعـال قبیح خارج شـود.

## مبحث پنجم: کمبود حضور ناظر محترم

حضـور ناظـر محتـرم، یعنی شـخصی کـه در نظـر مرتکـب دارای جایگاهی اسـت، حاضـر باشـد و هویّتـی از مرتکـب فعل قبیـح را بشناسـد و ببیند. این در حالی اسـت کـه هویّـت مهاجـر در محـلّ مهاجـرت، بسـیار کم‌رنـگ اسـت و بخش‌هـای مهمّی از هویّـت اصلـی او مخفـی اسـت؛ به عبـارت سـاده‌تر، کمتر قابل شناسـایی اسـت. نکته مهـم آنکـه تعداد کسـانی که مـورد احترام مهاجـر در محلّ مهاجرت هسـتند، محدود اسـت؛ زیـرا هویّت دیگران برای او نامشـخّص اسـت و مهاجر در محیـط جدید، فرصت کمتـری بـرای شـکل دادن بـه جایگاه‌هـای اجتماعی در ذهن خود داشـته اسـت.

[1] . ر.ک: پژوهشی در فرهنگ حیا، ص۲۳ و۲۴ و ۳۱.

## مبحث ششم: ناپایداری در شناخت شخصیّت

میـزان عملکـرد حیـا رابطـه وثیقـی بـا شـأن و ارزشـی کـه هر شـخص بـرای خود می‌پنـدارد، دارد و واقعیّـت این اسـت که اتّفاقـات جدیدی، درون فـرد مهاجر در حال رخ دادن است.

مهاجـر، در خودانـگاره‌اش دچـار ناپایـداری اسـت؛ او در محیط فرهنگـی جدید در موضـع بازنگـری در برخـی باورهـا و ارزش‌هـا و هنجارهـای پیشـین قـرار می‌گیـرد و شـاخ و بـرگ ایـن دغدغه‌ی ذهنـی به خودانـگاره او نیز نفوذ می‌کند. بـه عبارت دیگر، مهاجـر در شـأنی کـه تاکنـون بـرای خـود می‌پنداشـت، تردیـد می‌کنـد و در معرض صعـود یـا نزول پارامترهـای ذهنی خودانـگاره قرار می‌گیـرد؛ بنابراین، نـه تنها هویّت مهاجـر بـرای دیگـران قابلیّت شناسـایی کمتـری دارد؛ بلکه هویّت، احترام و شـناخت او از خویشـتن نیـز ناپایـدار اسـت و ایـن ناپایداری، مدّتـی به‌طور متنـاوب ادامه دارد.

## مبحث هفتم: دوگانگی فرهنگی

مهاجـر، هیـچ‌گاه نمی‌توانـد از خاسـتگاه فرهنگی خود جدا شـود و ایـن امر موجب دوگانگـی فرهنگـی بیـن مهاجر و فرهنـگ میزبان می‌شـود. در مرحله بعـد، دوگانگی فرهنگـی بـا پیـش‌روی خود بـه درون گروه مهاجـران، تضـادّ فرهنگـی را، به‌ویژه بین نسـل اوّل مهاجـران و نسـل‌های بعدی به وجـود می‌آورد.

## » گفتار چهارم: مسجد و آسیب‌های مهاجران مسلمان

امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «هر کس به مسجد آمدوشد کند، یکی از هشت چیز را به دست می‌آورد: برادری که در راه خشنودی خدا از او بهره ببرد یا علم و دانشی نو و زیبا یا آیه‌ای محکم یا سخنی که او را به هدایت رهنمون شود یا کلامی که او را از هلاکت رهایی بخشیده و برگرداند یا سنّت و روشی که از آن پیروی کند یا رحمتی از جانب خداوند که انتظارش را می‌کشیده نصیبش می‌شود یا گناهی را به خاطر ترس از پروردگار یا از روی شرم رها کند».[1] این هشت فایده، کارکردهای ذیل را برای مسجد تأیید می‌کند:

مسجد، مسلمان مهاجر را به مهم‌ترین گروهی که به آن تعلّق دارد، یعنی جامعه ایمانی متّصل می‌کند و مسیرهایی از طریق برادران دینی‌اش در مسجد برای اتّصال به دیگر خرده‌گروه‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌کند؛ همچنین، از این طریق مسیر نزدیک‌تری برای کسب اعتبار و حمایت فراهم می‌شود.

در مسجد، بر مهار نفس تأکید می‌شود و نشانه‌ای محکم یا کلامی تأثیرگذار، مسلمان مسجدی را بر باورهای صحیح وی پایدار می‌کند.

در مسجد، خط‌های قرمز و زشتی‌ها بازتعریف می‌شوند و فرد مسجدی، با کلمه‌ای که او را از هلاکت باز می‌دارد، بدرقه می‌شود.

فرد مسلمان، با حضور در مسجد، هویّت اسلامی خود را تثبیت می‌کند و برادرانی می‌یابد؛ در مسجد و بیرون مسجد، هویّت فرد مسلمان بهتر شناخته می‌شود و راحت‌تر دیده می‌شود و به دلیل شرم، از خطا و گناه دوری می‌کند.

مسلمان، در میان مسلمانان مسجدی، قدر خود را بازمی‌شناسد؛ وی با نشانه‌های اطمینان‌بخشی، خود را مسلمانی با قیمتی شایسته می‌بیند و گوهر انسانیّت خود را به سادگی نمی‌آلاید.

مسلمان مهاجر، در مسجدِ سرزمینِ میزبان، راه و روشی تجربه شده و مناسب

---

[1] . فلاح السائل و نجاح المسائل، ص۹۰: «عن مولانا علی بن أبی طالب علیه‌السلام قال کان یقول من اختلف إلی المسجد أصاب إحدی الثمان أخا مستفادا فی الله أو علما مستطرفا أو آیه محکمه أو سمع کلمه تدله علی الهدی أو کلمه ترده عن ردی أو سنه متبعه أو رحمه منتظره أو یترک ذنبا خشیه أو حیاء؛ این حدیث در کتب متعدد روایی آمده است و تنها به سبب اضافه شدن «او سنه متبعه» در فلاح السائل، فقط این کتاب به عنوان منبع ذکر شده است؛ همچنین ر.ک: تهذیب‌الأحکام، ج۳، ص۲۴۸؛ امالی صدوق، ج۳۸۹، ص۳.

را بـرای تعامـل بـا فرهنـگ جدیـد می‌آموزد و نسـخه بومی شـده‌ای از دیـن‌داریِ آن مـرز و بـوم را فـرا می‌گیرد.

مهاجـران از دوگانگـی فرهنگـی رنـج می‌برنـد؛ از ایـن‌رو، می‌کوشـند تـا خـود را با فرهنـگ جدیـد تطبیـق دهنـد یـا راهـی بـرای تعامـل بیابنـد. درک صحیـح و عمیقِ شـرایط فرهنگـی جدیـد، بـه آنان ایـن امـکان را می‌دهد کـه تصمیم درسـتی در این بـاره بگیرنـد و در تعامـل بـا فرهنـگ جدیـد موفّق عمـل کنند.

مهاجـر مسـلمان، بـرای دریافـت سـیگنال‌های فرهنگـی، مسـیری اطمینان‌بخـش و سـریع را جسـتجو می‌کند. دسترسـی فوری مهاجر به سـخت‌افزاری آماده، برای دریافت و تفسـیر پیام‌هـایِ فرهنـگ میزبـان، بسـیار مهم اسـت؛ سـخت‌افزاری کـه بـا دارا بودن نرم‌افزارهـای اصلـیِ یـک مسـلمانان، داده‌هـای فرهنگ میزبـان را تحلیـل و تبیین کند.

مهاجـر، بـرای پیشـگیری از تضـادّ فرهنگـی درونِ گـروه مهاجـران، به‌ویـژه بیـن نسـل اوّل مهاجـران و نسـل‌های بعـدی، به یک واسـطه هوشـمندِ فرهنگی نیـاز دارد تـا برداشـت‌ها و تفسـیرهای اعضـای خانـواده و گـروه مهاجـران از فرهنـگ میزبان را بـه هـم نزدیـک کند.

مسـجد، نهـادی اسـت کـه بـه واسـطه همیـن هشـت کارکـرد مذکـور در حدیـث علـوی، هـم آن نرم‌افزارهـا را دارد و هـم ایـن هوشـمندی لازم را داراسـت. مسـجد، از کارآمدتریـن عواملـی اسـت کـه می‌توانـد از دوگانگـی و تضـادّ فرهنگـی مهاجـرانِ مسـلمان بکاهد.

دقّـت در ایـن کارکردهای مسـجد، نشـان می‌دهد که مسـجد تنهـا از مهاجران، به صـورت اصطلاحـی آسـیب‌زدایی نمی‌کنـد، بلکـه هـر تـازه‌وارد فرهنگـی را، هـر چند غیردائـم و بـا زمانـی انـدک راهنمایـی می‌کنـد. همچنیـن، نـه تنهـا بـرای مهاجـران نـوع اوّل و دوّم، بلکـه بـرای مهاجـران نوع سـوّم نیز بسـیار کارسـاز اسـت. مهاجر نوع سـوّم ـ یعنـی مهاجـر از گنـاه بـه طاعت الهـی ـ برای پایـداری در این هجـرت، بیش از هـر کسـی بـه بـرادری دینـی یا دانشـی تـازه یا آیـه‌ای محکـم یـا رحمتی کـه انتظار مـی‌رود یـا سـخنی کـه او را از هلاکـت برگردانـد و یـا دلیلـی بـر هدایت و یـا ترس و شـرم از گنـاه نیازمند اسـت.

## » نتیجه سخن

تغییری که مهاجرت ایجاد می‌کند، تغییر روابط انسان با محیط است. همه آسیب‌های مهاجرت در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی را باید در این تغییر جستجو کرد. مسجد، با کارکردهای فرهنگ‌ساز و اجتماع‌گسترِ خود می‌تواند دوره گذار مهاجر را از فرهنگ مبدأ به نزدیک‌ترین ایستگاه اسلامی در فرهنگ مقصد مدیریت کند و زمان‌بری و آزمون و خطای این مهاجرت فرهنگی را کاهش بدهد. تأثیرات نهاد مسجد در این‌باره ـ به شرط ارتباط مهاجران با مسجد ـ تأثیراتی غیرمستقیم، فراگیر، چندبعدی و در لایه‌های گوناگون مهاجران و از جمله لایه مهم و آسیب‌پذیر خانواده مهاجر است. با استفاده از حدیث علوی می‌توان چگونگی آسیب‌زدایی مسجد از مهاجران را در زمینه دوگانگی فرهنگی، تضادّ فرهنگی، نیاز شدید به تعلّق به گروه، افت حیا به معنای عام آن و کاهش خودکنترلی و نظارت‌های عمومی و نیز شناوری و شکنندگی هنجارها توضیح داد.

## » منابع و مآخذ


» قرآن کریم
» سیّد رضی، نهج‌البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اوّل، ۱۴۱۴هـ‌ق.
» شیخ حرّ عاملی، محمّدحسن، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل‌البیت، چاپ اوّل، ۱۴۰۹هـ‌ق.
» آمُدی، عبدالواحد تمیمی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اوّل، ۱۳۶۶ هـ‌ش.
» دیلمی، شیخ حسن، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم، شریف رضی، چاپ اوّل، ۱۴۱۲هـ‌ق.
» علّامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ مکرّر، مختلف.
» مشکینی، علی، تحریر المواعظ العددیه، قم، انتشارات الهادی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴هـ‌ق.
» سیّدابن‌طاوس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، چاپ اوّل.
» پسندیده، عبّاس، پژوهشی در فرهنگ حیا، دارالحدیث، ۱۳۸۷ هـ‌ش.
» سجّادپور، سیّد محمّدکاظم، چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی، مطالعه موردی ایران، مجلّه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸، پاییز ۱۳۸۴ هـ‌ش.
» ابن‌بابویه قمی، محمّدبن علی‌بن حسین (شیخ صدوق)، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ هـ‌ش.
» ابوجعفر محمّدبن‌حسن طوسی (شیخ الطائف)، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ‌ش.
» نبوی، محمّدحسن، مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶هـ‌ش.

# طرّاحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

حسن عابدی جعفری و همکاران


## » چکیده

این نوشتار، مسجد را از منظر علم مدیریت مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا موضوع علم مدیریت، سازمان است و مسجد به عنوان یک سازمان یا یک نهاد، در محدوده بررسی این علم قرار می‌گیرد. مقاله حاضر در دو بخش نظری و عملی تنظیم شده است. در بخش نظری، پس از مروری بر ادبیّات تحقیق، موضوع مسجد از چند منظر بحث شد. در ادامه بیان شد که با توجه به انواع گوناگون سازمان‌ها (مبتنی بر سود، مبتنی بر ترس، مبتنی بر ارزش، ایمانی، غیر ایمانی، دولتی، انتفاعی، غیرانتقاعی، غیردولتی، داوطلبانه و مبتنی بر ایمان و...)، مسجد با کدام یک از آنها سنخیّت بیشتری دارد؟ در بخش عملی، عملکرد مدیریتی مساجد در سطح خرد (مدیریت عملیاتی یک واحد مسجد) و سطح کلان (عملکرد مدیریتی کلان مساجد کشور یا مدیریت راهبردی مساجد) مورد بحث قرار گرفته است. در پایان، از میان مباحث نظری، مدلی برای مدیریت راهبردی مساجد در دو بعد عملکرد نیایشی و عملکرد غیرنیایشی استخراج شده است.



## » واژگان کلیدی:

مدیریت راهبردی مساجد، سازمان‌های مبتنی بر ایمان، سازمان‌های داوطلبانه، سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌های غیردولتی

## » فصل اوّل: کلیات تحقیق

### ۱-۱. بیان مسئله تحقیق

#### ۱-۱-۱. مقدّمه

در حال حاضر به علّت پیچیده و چندبعدی شدن مسائل گوناگون در جوامع، شاهد تأسیس سازمان‌های گوناگون در تمامی زمینه‌ها در جوامع هستیم تا به نیازهای بشری پاسخ دهند. علاوه بر خصوصیّت اجتماعی بودن انسان، هم‌اکنون دیگر، تلاش فرد به تنهایی و یا حتّی یک گروه، بدون سازمان‌دهی و در چارچوب یک سازمان، نمی‌تواند برآورده کننده نیازهای وی باشد. حضور سازمان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، چنان پررنگ است که در حال حاضر هر فرد حتّی قبل از تولّد تا بعد از مرگ با حدّاقل یک سازمان در ارتباط است و سرنوشتش به این پدیده بشری گره خورده است. برخی از متفکّران را نظر بر این است که اکنون دیگر شاهد پدیده‌ای به نام «جامعه» متشکّل از «افراد» نیستیم، بلکه «جوامع» کنونی متشکّل از «سازمان‌ها» هستند[۱] و «جامعه» بدین معنا باید موضوع علم «جامعه‌شناسی» قرار گیرد.

در دیدگاه نهادگرایی (Institutionalism)، هر سازمان یا به عبارت بهتر، هر «نهاد»، در تحقّق ارضای یکی از نیازهای بشری فعّالیّت می‌نماید و به یکی از انواع این نیازها پاسخ می‌دهد. طبق نظریه «هرم سلسله مراتبی نیازهای» آبراهام مازلو، از جمله نیازهای انسان، نیاز «خودشکوفایی» است. این نیاز در انسان، عالی‌ترین مرتبه نیاز است و خود، ممکن است ابعاد و اشکال گوناگونی داشته باشد. از جمله ابعاد این نیاز بسیار پیچیده، گرایش به «پرستش» و در مرحله نازل‌تر «دیگرخواهی» است. در سیر تحوّل تمدّن غربی و پیدایی مدل جامعه مدنی غربی، برای پاسخ‌گویی به ابعاد متمایز نیاز خودشکوفایی در انسان‌ها، نوعی از سازمان‌ها پدید آمده‌اند که به سازمان‌های «داوطلبانه»، «سازمان‌های غیردولتی» (OGN) یا «سازمان‌های غیرانتفاعی» (NPO) موسوم شده‌اند.

جالب توجّه است که بدانیم در اسلام، که سرآمد ادیان مترقّی است، این‌گونه

---

[۱]. دراکر، ۱۹۹۰.

سـازمان‌ها و تشـکیل آنهـا سـابقه‌ای بسـیار طولانـی دارد. بـه علّـت مفهـوم خـاصّ «عبـادت» در اسـلام (کـه هـر عملی را که بـه قصد قربـت الهی صورت گیـرد، عبادت بـر می‌شـمارد) اعمـال نیایشـی و غیرنیایشـی بـا نیّات الهـی در زمره عبادت به شـمار می‌رونـد. از سـوی دیگـر، بـه علّـت تأکیـد خـاصّ اسـلام بـر ارزش جمـع و جماعـت، ایـن دیـن مبیـن، راهـکار بسـیار مبتکرانـه‌ای عرضـه نموده اسـت و آن تشـکیل یک سـازمان داوطلبانـه، غیردولتـی و غیرانتفاعی با نام «مسـجد» اسـت. مـروری بر نقش و اهمیّـت مسـجد در اسـلام و همچنین نقـش و کارکردهای آن در طـول تاریخ حیات مدنـی مسـلمانان نشـان می‌دهـد کـه مسـاجد در اسـلام و در جوامع مسـلمان همان نقشـی را ایفـا کرده‌انـد کـه امروز از یـک سـازمان غیرانتفاعی در غرب انتظـار می‌رود. بـا ایـن تمایـز کـه به‌طـور معمول، هـر سـازمان غیرانتفاعـی در عرصـه بسـیار ویژه با هدفـی مشـخصّ کـه اعضـای آن تعیین می‌کننـد، فعّالیّـت می‌نمایـد و در صورتی که ایـن هـدف بـرآورده گردد، سـازمان بایـد منحل گـردد، یا تغییـر هدف دهـد؛ امّا نهاد «مسـجد» انعطاف‌پذیـری چشـم‌گیری دارد و بـا رعایـت اصـول ذکـر شـده در منابـع اسـلامی، هـر مسـجد دامنـه وسـیعی از فعّالیّت‌هـا را دربـر می‌گیـرد و در زمینه‌هـای گوناگـون بـه نیازهـای انسـان به صورت سـازمانی پاسـخ می‌دهـد و دین اسـلام، الهی و عبـادی بـودن ایـن فعّالیّت‌هـا را به رسـمیّت می‌شناسـد.

در جوامـع اسـلامی، از جملـه ایـران، حضـور مسـاجد در زندگـی اجتماعـی مردم حضـوری پررنـگ دارد؛ بدان‌گونـه کـه طبـق آمارهـای رسـمی، هم‌اکنـون در ایـران بالـغ بـر هفتـاد هزار مسـجد[1] احداث شـده اسـت. ایـن تعداد مسـجد آنگاه مهـمّ جلوه می‌کنـد کـه توجّـه کنیـم به‌طور تقریبی هیچ سـازمان از نـوع دیگری چنیـن تراکمی نـدارد. فقـط ممکـن اسـت مـدارس از این نظـر با مسـاجد برابـری کنند.

### ۲-۱-۱. بیان اهمیّت مسئله تحقیق

[1]. ماهنامه مسجد، ش۷۳، ص۲۰.

در حال حاضر، بعد از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، شاهد کم‌رنگ شدن هر روزِ نقش مساجد در جامعه هستیم. این بی‌رونقی، حتّی در زمینه رسالت اوّلیّه مساجد، برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی، هم محسوس است. عجیب‌تر آنکه، این بی‌رونقیِ مزمنِ مساجد بعد از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران رخ داده است؛ در حالی که همین مساجد در دوره قبل از انقلاب بسیار فعّال‌تر بودند و حتّی همین مساجد، محلّ شکل‌گیری بسیاری از تلاش‌ها برای برپایی نظام جمهوری اسلامی بوده است. کسانی که دوران قبل از انقلاب را به یاد دارند بدون هیچ استثنایی به نقش پررنگ مساجد در جامعه و در جریانات منجر به انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند. به راستی، چرا مساجدی که در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در دوره قبل از انقلاب بدان‌گونه پررنگ بوده‌اند و کارکردهای بسیاری داشته‌اند، هم‌اکنون بدین‌گونه متروک گشته‌اند؟ آیا زندگی مدرن و پیچیده امروزی دیگر پذیرای مسجد نیست؟ آیا مسجد هم‌اکنون کارکردهای خود را در زندگی قرن بیست‌ویکم از دست داده است؟ اگر بخواهیم این سؤال را به صورت اساسی‌تر مطرح کنیم باید پرسید آیا جوامع مسلمان میان «مظاهر تجدّد» و «مظاهر زندگی دینی» یکی را باید انتخاب کنند؟ حال آنکه از انتخاب تجدّد، گریزی نیست، باید با زندگی اجتماعی دینی و مظاهر آن، از جمله مسجد وداع کرد؟ آیا مسجد در یک جامعه مسلمان فقط زمانی رونق دارد که دین در مصدر حکومت نباشد یا غیر از آن؟

### ۳-۱-۱. بیان مسئله تحقیق

این پرسش‌ها و سؤالات بسیار دیگری در ذهن هر فرد آگاهی جوانه می‌زند؛ امّا نگارنده سعی دارد تا با رویکردی مدیریتی به پدیده مسجد بنگرد. وجود ظرفیّت عظیمی چون هفتاد هزار مسجد در سراسر نقاط کشور با انبوهی از منابعی که در اختیار دارند، ضرورت نگاهی دقیق و موشکافانه را بیان می‌کند. بنابراین، محقّق تلاش دارد تا با موشکافی مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه

غیردولتـی و غیرانتفاعـی از زاویـه علـم مدیریـت، بـه این سـؤالات پاسـخ دهد:

۱ـ مسـجد در قالـب یک سـازمان داوطلبانه غیردولتـی و غیرانتفاعی از نوع مذهبی در جامعـه کنونی ایران، چه کارکردهای مطلوبی ممکن اسـت داشـته باشـد؟

۲ـ مساجد کنونی موفّق، به ایفا کدام یک از این کارکردها می‌پردازند؟

### ۴-۱-۱. ابعاد مسئله تحقیق

کارکردهـای مطلـوب و نحـوه مدیریـت مطلوب مسـجد در قالب یـک NGO در دو بعد، شایسـته طرح اسـت:

۱ ـ فعّالیّت‌های نیایشی.

۲ ـ فعّالیّت‌های غیرنیایشی.

### ۵-۱-۱. روش حلّ مسئله تحقیق

در ابتـدا تـلاش می‌گـردد تـا بـا مطالعه ادبیّـات نظری، مـدل مفهومـی کارکردها و نحـوه مدیریـت مطلـوب مسـاجد در قالب یـک NGO طرّاحی گردد. سـپس، به روش توصیفـی از نـوع پیمایشـی (با اسـتفاده از پرسـش‌نامه) بررسـی می‌گردد که مسـاجد موفّـق در تهـران بـا توجّـه به مـدل به‌دسـت آمده در چـه وضعی قـرار دارند.

### ۶-۱-۱. محدودیّت‌های تحقیق

الـف) در طراحـی مـدل کارکردهـا و نحـوه مدیریـت مطلوب مسـاجد، لازم اسـت از نظـر خبـرگان علـوم اجتماعـی و علـوم مدیریت اسـتفاده گـردد. متأسّـفانه به علّت ضیـق وقـت، امـکان چنیـن کاری وجود نداشـت.

ب) جامعـه آمـاری ایـن تحقیـق، مسـاجد موفّـق واقـع در تهـران اسـت. جـا دارد، چنیـن تحقیقـی در جامعـه آمـاری همـه مسـاجد ایـران انجـام شـود کـه ایـن امر به علّـت فقـدان امکانـات و پشـتیبانی‌های لازم، بـرای محقّـق میسّـر نبـوده اسـت.

ج) در جامعـه آمـاری اتّخـاذ شـده، مسـاجد موفّـق عبارت‌انـد از مسـاجدی کـه از نظر«مرکـز رسـیدگی بـه امـور مسـاجد» بـه عنوان مسـاجد موفّق شـناخته شـده‌اند.

تعریف مرکز ذکر شده از مساجد موفّق امکان دارد با تعریف مسجد موفّق به عنوان یک NGO طبق مدل دست یافته، مطابقت نداشته باشد.

د) به علّت ضیق وقت، امکان سنجش مفصّل و علمی روایی و پایانی پرسش‌نامه این تحقیق با روش‌های آماری و کیفی طبق الگوهای روش تحقیق، وجود نداشت.

هـ) همکاری نکردن مناسب مساجد معرّفی شده از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد، باعث شد تا روند تحقیق به سمت مطالعه موردی (Study Case) تغییر یابد و امکان تعمیم نمونه آماری به جامعه آماری، فراهم نگردد.

### ۷-۱-۱. نتایج حلّ مسئله تحقیق

انتظار می‌رود با جواب به سؤالات این تحقیق، متولّیان امور فرهنگی مذهبی در جامعه، همچون مرکز رسیدگی به امور مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و...، در تسریع کارکردهای مطلوب و نحوه مدیریت مطلوب مساجد در قالب یک NGO به دیگر مساجد بکوشند.

## » فصل دوّم: ادبیّات نظری تحقیق

### ۱-۲. تعریف مسجد

کلمه «مسجد» اسم مکانی است که سجده در آن انجام می‌شود؛ مانند خانه‌ای که با هدف سجده برای خدا ساخته می‌شود. از مسجد، در قالب محلّی که نام خدا را در آن می‌برند (عبادات) یاد شده است. «مساجد» هم، جمع «مسجد» است که معبد مسلمانان است. در حقیقت، مسجد مکانی است برای عبادت و راز و نیاز با خالق هستی که در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. مسجد، مکان ارشاد و تبلیغ مسائل، معارف و احکام اسلام است. مسجد خانه خدا و محلّ طرح مسائل دنیوی و اخروی مسلمانان است.[۱]

از نظر شکلی نیز مساجد اوّلیه مسلمانان، قطعه زمینی وسیع و مربّع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و دارای مأذنه نبود؛ امّا اکنون اغلب مساجد دارای قسمتی میانی است به نام «صحن» که گاهی نیز مسقّف است و در اطراف آن چهار رواق دارد که وسیع‌ترین آن رواق قبله است که محراب نیز در آنجا قرار دارد.

نخستین مسجد را حضرت محمّد ﷺ در مدینه و در کنار خانه خود ساخت. زمین آن خوابگاه شتران بود و پیغمبر آن را از صاحبش خرید. سپس، خلفا و حاکمان و پادشاهان بر وسعت آن افزودند و در ساختمان مساجد، تزئینات به کار رفت؛ امّا مسلمانان در آن تغییراتی دادند، چنان‌که به مرور زمان برخی از کلیساها به مسجد تبدیل شد و جهت بنا را از مشرق به سوی مکّه تغییر دادند.

در پاره‌ای از مساجد، سنّت معماری ایرانی عصر ساسانی نیز لحاظ گشته است. در این نوع مساجد بخش اصلی را شبستان تشکیل می‌دهد که قبّه‌ای بر آن قرار گرفته است. این قبّه یا گنبد به صورت مخروطی مدوّر بود و بعدها شلجمی شکل یا به خربزه قاچ قاچ با سردری مستطیل شکل درآمد.

نقّاشی مذهبی و تصویر ائمّه در اسلام مجاز نیست. تصویر انسان و به‌طور اعمّ موجودات زنده را، اسلام، بت‌پرستی می‌داند. از این‌رو، هیچ‌گونه تصویری در

[۱]. فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۹هـ.ش.

مساجد دیده نمی‌شود. در عوض تزئین دیوارها و ایوان‌ها و منبرها و محراب‌ها در حدّ فراوان معمول است که عبارت‌اند از: اشکال مطرز، گیاه‌ها و صور هندسی و کوکبی شکل با نوشته‌های زیبا و پرنقش و نگار عربی آیات قرآن به خطّ کوفی، نسخ، ثلث و غیره. به تدریج از قرن ششم و به‌ویژه در قرن هشتم تزئین دیوارها، ایوان‌ها، گنبدها و رواق‌ها به وسیله روپوشی از کاشی و موزائیک آراسته شد. محراب‌ها و منبرها نیز با کنده‌کاری از چوب و گچ و مرمر مزیّن گردید. نام برخی از مساجد مهمّ عبارت است از: «مسجدالاقصی، مسجدالحرام، مسجد قبا، مسجدالنّبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهرشاد».[1]

### ۱-۱-۲. مسجد در قرآن

در قرآن کریم کلمه مسجد در مجموع ۲۸ بار ذکر شده است. از کلّ آیاتی که کلمه مسجد در آنها یاد شده است، در پانزده مورد، کلمه مسجد با پسوند «الحرام» (مسجدالحرام) و پنج مرتبه فقط مسجد آمده است. یک مورد نیز مسجد با پسوند «الاقصی» (مسجدالاقصی) و یک مرتبه، مسجد با پسوند «ضرار» (مسجد ضرار) آمده و در شش مورد کلمه مسجد به صورت جمع «مساجد» وارد شده است. بیشترین آیاتی که نازل شده و موضوع مسجد در آن مطرح گردیده، به‌طور صریح درباره موضوع عامّ مسجد سخنی نگفته است. هر چند امکان بهره‌برداری از آنها جهت آشنایی با مسجد و شرایط آن مسدود نیست.[2]

### ۲-۱-۲. تعریف مسجد در قرآن

آنچه مسلّم است، قرآن بحث لفظی درباره مسجد ندارد، بلکه تعریف مسجد در قرآن بر اساس برداشت از مفاهیم آیات مربوط به مسجد طرح گردیده و انتظار بحث لفظی از قرآن در تعریف مسجد انتظاری شایسته نیست:

۱ـ قرآن معابد قبل از اسلام را مسجد خوانده است؛ یعنی جایی که خدا در

---

[1]. زرین چیان، غلامرضا زرین چیان ، فصلنامه کوثر، ارتباط مسجد و مدرسه، ص۲۲.
[2]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۱۴۶.

آنجـا خوانـده شـود. قـرآن در یـک جا بـه فرزنـدان حضـرت آدم(ع) خطـاب می‌کند کـه «زینت‌هـای خـود را هنگام مسـجد رفتن برگزینیـد»[1] و در جایی دیگـر خطاب به بنی‌اسـرائیل می‌گویـد «داخـل مسـاجد می‌شـوند، چنان‌کـه اوّل بـار داخل شـدند».[2] ایـن آیـات نشـانگر آن اسـت که مسـجد محلّ عبـادت و عبادتگاه اسـت.

۲ـ قـرآن بـر پایـه عـرف، به مکانی که به اسـم مسـجد سـاخته می‌شـود، مسـجد می‌گویـد، هرچنـد از تمـام اهـداف عالیّـه مسـجد تهی اسـت و حتّی نمـاز خواندن در آن ممنـوع و حتّـی تخریـب آن لازم باشـد؛ماننـد مسـجد ضـرار کـه قـرآن بـا همین عبـارت «مسـجد ضـرار» از آن یـاد می‌کند.

۳ ـ مسـجد بـه معنـای سـجده‌گاه، اعضـای هفت‌گانـه سـجده در بـدن نیـز در قرآن آمـده اسـت. چنان‌کـه قـرآن می‌فرمایـد: «وَ أَنَّ الْمَسـاجِدَ لِلَّهِ فَـلا تَدْعُوا مَـعَ اللهِ أَحَدا؛ به راسـتی که مسـاجد (سـجده‌گاه‌ها) از آن خداسـت و کسـی را با خدا نخوانید».[3] بنا بـر قـول مشـهور معنـای این آیه مواضع سـجده اسـت.

۴ ـ چهارمیـن تعریفـی کـه از کلمـه مسـجد در قرآن به دسـت می‌آید، این اسـت کـه مسـجد بـه معنـای همیـن مسـجد معمولـی و عرفـی اسـت. البتّـه، قـرآن کریم، گاهـی بـه معنای مسـاجدی خـاصّ، همچون مسـجدالحرام و مسـجدالنّبی و مسـجد قبـا و گاهـی نیـز بـه معنـای عـامّ آن، یعنـی همیـن مسـاجدی کـه در عـرف امـروز معمـول اسـت، متذکّـر گردیده اسـت.

۵ ـ مسجد به معنای بیوت (خانه‌های) پیامبران در قرآن وارد شده است.[4]

### ۳-۱-۲. تعریف مسجد از نظر پیامبر

در تعریـف مسـجد از نظـر پیامبـر، نکتـه‌ای مهـمّ بـه چشـم می‌خـورد و آن اینکـه در معرّفـی مسـاجد، ماهیّـت آن را بیـان داشـته اسـت نه شـکل و صـورت آن را. بنا بر تعریـف پیامبـر از مسـجد، معلـوم می‌شـود کـه مسـجد جایـی اسـت و یا جایـی باید

[1]. اعراف، آیه ۳۱.
[2]. اسراء، آیه ۷.
[3]. جن، آیه ۱۸.
[4]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص ۱۴۱.

باشـد که شـرافت حضـور انبیاء را دارا باشـد و اطـلاق خانه بر آن صـدق کند. فرهنگ پیامبـر همـان فرهنـگ قرآنـی اسـت. پیامبر اسـلام ﷺ در جـای دیگـری می‌فرماید: همـه زمیـن را بـرای من مسـجد و طهور کردنـد. از این کلام پیامبر دو برداشـت مفید میسـور اسـت: یکی اینکه هر جا شـرایطی داشـته باشـد که با فرهنگ قرآن و سـنّت مطابقـت کنـد (بـه عبـارت دیگـر، بتوانـد مجلـس انبیاء، روشـن به نـور الهـی و خانه خـدا باشـد) آنجا مسـجد اسـت. دیگر اینکـه می‌گوید، ماننـد یهود نصاری نباشـید که فقـط و فقـط معابـد را محـلّ عبـادت می‌داننـد. غرض از مسـجد، ملاقات با خداسـت، پـس در هـر جا ایـن امکان فراهم شـود، آنجا مسـجد اسـت.

روایـات بسـیاری از پیامبـر اسـلام ﷺ رسـیده که با معرّفـی مسـجد، در واقع اهل مسـجد را هـم معرّفـی می‌کنـد؛ هماننـد «مسـجد، خانه متقین اسـت»، «انسـان‌های مسـجدی، مؤمـن هسـتند» و از ایـن دسـت مطالـب کـه ضمـن معرّفـی مسـجد بـه اوصـاف اهـل آن نیز می‌پـردازد.[1]

## ۲-۲. مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

شـکل‌گیری جامعـه مدنـی (Society Civil) معلـول پیدایـش شـرایطی جدیـد در اجتماعـات بشـری اسـت؛ شـاید بتـوان مشـخصّات عمده این شـرایط جدیـد را در دو محـور زیـر خلاصـه کرد:

۱ـ بـا وقـوع رنسـانس در غـرب و افزایـش دانایـی و توانایـی بشـر در حیطه‌هـای گوناگـون، اندک‌انـدک، طبقـه متوسّـط بـه معنـای علـم جامعه‌شناسـی در جوامـع تبدیـل بـه طبقـه اکثریّـت گردیـد. همچنیـن ایـن طبقـه، فقـط طبقـه‌ای بـود کـه می‌توانسـت بسـتر لازم بـرای پـرورش هرچـه بیشـتر نخبـگان فراهـم آورد. پرحجـم شـدن طبقـه متوسّـط و در پـی آن افزایش شـمار نخبـگان در جوامع، ضـرورت وجود راهکارهایـی را سـبب شـد کـه بـدان طریـق از توانایی‌هـا و دانایی‌هـای آنان اسـتفاده گردد.

۲ ـ هم‌پـای تحـوّلات پیـش گفتـه، تغییـرات شـدیدی را در عرصـه حاکمیّـت

[1]. همان، ص۱۵۳.

سیاسی در جوامع نیز شاهد هستیم؛ به نحوی که معنای حاکمیّت، ابزارهای اعمال حاکمیّت و در کلّ فلسفه وجود حاکمیّت تغییر نمود. کم‌کم به مردمان ساکن یک کشور نه «رعیّت»، بلکه «تبعه» و پس از آن، «شهروند» خطاب گردید. به همین‌گونه، هدف از وجود حاکمیّت، از «حکم راندن بر رعیّت»، به «خدمت کردن به شهروندان» و نمایندگی کردن از آنان و برآوردن آرزوهای آنان تغییر یافت.

با بروز هم‌افزایی نظام‌مند و دوطرفه این عوامل، اکنون شاهد تغییرات کلّی در چهره و سیمای جوامع، با عنوان جوامع مدرن، در مقایسه با جوامع سنّتی هستیم. در این حالت وجود قدرت سیاسی نه تابعی از خواست قدرتمندان هر جامعه و هوس آنان، بلکه تابعی از برآیند کلّی خواست تک‌تک شهروندان آن جامعه است و مدیریت نهادهای گوناگون هر جامعه نه به طریق دستوری و از بالا به پایین (Top ـ Bottom ـ Up) انجام می‌شود. در حالی که زمانی وجود سازمانی غیردولتی غیرسیاسی در جوامع امری غریب و نامأنوس می‌نمود (شکل افراطی آن را در فلسفه سیاسی کمونیسم و دولت‌های رفاه شاهدیم)، امّا اکنون این سازمان‌های دولتی و سیاسی هستند که در مقایسه با سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های داوطلبانه غیرانتفاعی در اقلیّت به‌سر می‌برند و فلسفه وجودی‌شان نیز برقراری هماهنگی کلان بین دیگر سازمان‌های موجود در جامعه است. در این‌گونه جوامع مدرن، که در آنها جامعه مدنی شکل یافته، بسیاری از امور جامعه توسّط نهادهای مدنی برآمده از مشارکت مدیریت شده مردم انجام می‌پذیرد. قسمت اعظم این نهادها را نهادهای غیردولتی غیرانتفاعی تشکیل می‌دهند که به اختصار از آنها به عنوان NGO یا NPO یاد می‌شود.

به این ترتیب انواع سازمان‌ها در جوامع امروزی عبارت‌اند از:

۱ ـ سازمان‌های دولتی انتفاعی، مثل شرکت انحصاری دخانیّات؛

۲ ـ سازمان‌های دولتی‌ـغیرانتفاعی، مانند سازمان تأمین اجتماعی، جمعیّت هلال احمر، وزارت خانه‌های اجتماعی و غیره؛

۳ ـ سازمان‌های غیردولتی‌ـ انتفاعی، همانند تمامی شرکت‌های تجاری بخش

خصوصی؛

۴ ـ سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی.

فعّالیّت‌های سازمان‌ها یا نهادهای جامعه مدنی ممکن است در چهار گروه دسته‌بندی شود:

۱ ـ نمانیدگی منافع و علایق گروه‌های خاصّ در رابطه با دولت و سایربخش‌های جامعه؛

۲ ـ بسیج فعّالّان اجتماعی برای افزایش آگاهی و اعمال نفوذ؛

۳ ـ قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد دولت، رفتار و اعمال مقامات؛

۴ ـ فعّالیّت‌های توسعه‌ای و اجتماعی برای گروه‌هایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند.

سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی با حضور در میان مردم و عمل در عرصه‌های خردی که به‌طور معمول از دید دولت دور مانده است، ضمن جلب اعتماد مردم، علایق، مطالبات و نیازهای آنان را شناسایی و مثل نمایندگان مردم به دولت منعکس می‌کنند. از این‌رو، با ایفای چنین نقشی بر اعتماد مردم به آن سازمان‌ها افزوده و با بسیج آنها در قالب سازمان‌های غیردولتی به فرآیند تصمیم‌گیری مردم در امور خود مدد می‌رسانند. به عبارت دیگر، سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی در این حوزه سیاست‌ساز هستند و به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت تأثیر می‌گذارند.

به‌طور کلّی، سازمان‌های غیرانتفاعی، محصول اعتماد متقابل دولت و ملّت هستند. [افزایش] دامنه اعتماد، موجب افزایش حضور مردم در سازمان‌های واسط می‌شود و افزایش سرمایه‌های اجتماعی، جامعه مدنی را فربه‌تر و کارکرد نهادهای آن را تسهیل و تسریع می‌کند. گسترش حضور مردم در نهادهای جامعه مدنی نقش آنان را در تعیین سرنوشت خویش پررنگ‌تر و فرآیند مشارکت «توده‌ای» را به مشارکت تأثیرگذار، هدفمند، سازمان‌دهی شده و فعّال تبدیل می‌کند؛ بنابراین، سازمان‌های غیرانتفاعی به سبب ایفای نقش واسط و میانجی میان دولت و مردم و نیز فعّالیّت در عرصه‌های نمایندگی و بسیج عمومی،

قانون‌گـذاری، نظـارت، فعّالیّت‌هـای اجتماعـی و توسـعه‌ای، موجـب تسـهیل رونـد مداخلـه و مشـارکت مـردم در امـور خود و تسـریع روند دموکراتیک‌سـازی می‌شـوند. بدین‌گونـه جامعـه مدنـی بـه عنـوان حـوزه غیردولتـی غیرانتفاعـی هویّـت می‌یابد و پایـگاه اجتماعـی دولـت نیـز گسـترش پیـدا می‌کند.[1]

انـواع سـازمان‌ها از نظـر انگیـزه اعضـای آنهـا بـه نحـو دیگـری نیـز تقسـیم بندی می‌گردنـد:

۱. سـازمان‌هایی کـه انگیـزه افـراد از شـرکت در آنهـا مبتنـی بـر تـرس و در کلّ، هنجارهـای تنبیهـی اسـت؛ هماننـد زنـدان؛

۲. سـازمان‌هایی کـه انگیـزه افـراد از شـرکت در آنهـا مبتنـی بـر سـود و کسـب منفعـت شـخصی اسـت؛ ماننـد بنگاه‌هـای اقتصـادی؛

۳. سـازمان‌هایی کـه انگیـزه افـراد از شـرکت در آنهـا تعالـی اسـت و نفع شـخصی مطـرح نیسـت. در ایـن سـازمان‌ها افـراد بـه صـورت داوطلبانـه حضـور می‌یابنـد. سـازمان‌های غیردولتـی- غیرانتفاعـی از ایـن نـوع بـه شـمار می‌رونـد.[2]

حضـور این‌گونـه سـازمان‌ها هم‌اکنـون در همـه عرصه‌هـای هـر جامعـه و حتّـی در کلّیـه عرصه‌هـای جهانـی هـم مشـهود اسـت. بـرای مثـال، NGOهـا در فرآینـد انتخابـات در اکثـر جوامـع مـدرن و مدنـی نقشـی بسـیار اثرگـذار دارنـد. در بعـد بین‌المللـی هـم زمینه‌هـای فعّالیّـت ایـن سـازمان‌ها بسـیار گسـترده و متنوّع اسـت. بـرای مثـال، هم‌اکنـون شـاهد فعّالیّـت بسـیاری از NGOهـای بین‌المللـی درعرصـه خدمـات اجتماعـی، فرهنگـی، بهداشـتی، حقوق بشـر و غیـره در افغانسـتان و عراق و دیگـر نقـاط جهان هسـتیم.

در نگرشی اجمالی اهداف این مؤسّسات به این شرح خلاصه می‌گردد:

۱ـ اهداف خدماتی- آموزشی؛

۲ـ اهداف خدماتی- بهداشتی؛

۳ـ اهداف خدماتی- فرهنگی؛

---

[1]. عابسی،۱۳۸۲هـ.ش.

[2]. هسلبین و دیگران، ۱۳۷۸هـ.ش.

۴ـ اهداف خدماتی ـ اجتماعی؛

۵ـ اهداف با توجّه به گروه‌های ویژه، همانند کودکان، زنان، عقب‌افتادگان، بیماران خاصّ مانند ایدز و سرطان، تراکم جمعیّت، گرسنگی، حقوق بشر و غیره.[۱]

افزون بر اهداف فوق، اهداف خدماتی ـ مذهبی را همچون کلیساها، مساجد و هیئت‌های مذهبی را باید افزود.

## ۳-۲. تأثیر اسلام بر حیات مدنی مسلمانان

جوامعی که هم‌اکنون به صورت جوامع مدرن یا جوامع مدنی از آنها یاد می‌شود، حداکثر ظرف دو دهه اخیر به این دستاورد بشری دست یافته‌اند و انباشت تمام تجربیّات تاریخی آنان هم‌اکنون ثمر داده است؛ امّا اسلام به عنوان دینی مترقّی و خاتم ادیان الهی، که برای رهنمون کردن بشر به سعادت ابدی و جاودان نازل شده است، از همان ابتدا هیچ‌گاه سعادت ابدی و اخروی انسان را از سعادت دنیوی و مادّی وی تفکیک نکرده است. این دین کامل، از آنجا که عقیده دارد که دنیا، مزرعه آخرت است با ظهور خویش بذر مدنیّت و تکامل دنیوی را نیز در جامعه بشری پراکند تا اعضای هر جامعه‌ای متناسب با ظرفیّت و استعدادها و تجربیّات بشری و سطح ادراک خود، این بذر را بپروراند. دستورات این دین الهی در قالب کتاب آسمانی و جاوید آن «قرآن» و راهنمایی‌های پیشوایان این دین در عرصه امور دنیوی نیز بسترهایی مناسب برای رشد و تکامل بشر برقرار کرد. در ۱۴۰۰ سال قبل که مدنیّت در شبه‌جزیره عربستان به اندازه‌ای نبود که اقتضای ایجاد نهادهای مدنی کنونی را نماید، دین اسلام و پیامبر آن، حضرت محمّد ﷺ با تأکیدی چشم‌گیر بر ارزش تجمّع و تأسیس نهادی به نام مسجد، این نیاز بشری را به بشر آن روزگار شناساندند.

برای مثال، از جمله پدیده‌های اجتماعی که در اسلام بدان بسیار اهمیّت داده شده است و اثری بسیار عمیق بر حیات بشری جوامع مسلمان داشته است، پدیده وقف است.

[۱]. عابسی،۱۳۸۲ ش.

«از جملـه پیامدهـای مهمّ وسـعت وقـف و کثرت موقوفات، پـی افکندن نهادهای تمدّنـی و مدنـی بـود. گرچـه جامعـه ما [جامعـه ایرانی] بـه لحاظ سیاسـی و فرهنگی به‌طـور مطلـق فاقـد عامـل شـهروندی بـود؛ امّـا در جهـت نهادهـای تمدّنـی دیگـر، گام‌هـای بلنـدی برداشـته شـده بـود. در زمانـی کـه سراسـر دنیـای غـرب در سـلطه خشـن و قـرون وسـطایی کلیسـا بـود و مظاهر تمـدّن و سـازمان‌های اجتماعـی امروز و نهادهایـی ماننـد شـهرداری، مراکـز بهداشـتی و سـازمان‌های فرهنگـی و غیره برای تخصیـص خدمـات عمومـی، نـه در غـرب و نـه در سـایر نقـاط جهـان وجود داشـت، موقوفـات و سـازمان‌های اداره‌کننـده آن، بـه عنـوان یـک سـازمان اجتماعـی وسـیع چنیـن خدماتـی را... عرضـه می‌کردنـد... . در کلیّـه شـهرهای بـزرگ و کوچـک و روسـتاها و دهـات دور افتـاده، هـزاران مدرسـه، بیمارسـتان، تیمارسـتان، حمّـام عمومـی، کاروان‌سـرا، قنـات، مسـجد و حسـینیه و غیـره کـه از محـلّ سـرمایه عظیم موقوفـات فراهـم شـده و یـا اداره می‌شـود، در اختیـار مـردم قـرار می‌گرفت...هـزاران پزشـک، دانشـمند و شـاعر و فیلسـوف به یمـن این موقوفـات برخاسـته‌اند؛ کاری که اگردولـت می‌خواسـت انجـام دهـد، از عهـده دولـت خارج بـود».[1]

همچنیـن خداونـد متعـال در قـرآن کریـم در اکثـر مـواردی کـه اراده بـر بیـان همراهـی و یـاری خویـش دارد، گـروه مؤمنان، گـروه صابـران، گروه متّقیـن و جز آن را شایسـته همراهـی خویـش می‌دانـد. آنجاهائـی کـه می‌فرمایـد:

«اِنَّ الله مع المتقین».[2]

«اِنَّ الله مع الصابرین».[3]

«اِنَّ الله مع المؤمنین».[4]

«اِنَّ الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون».[5]

حتّـی در بسـیاری از آیـات، آنانـی را کـه اهـل فـلاح و رسـتگاری می‌دانـد، بـا ضمیـر

[1] . باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۳۵.
[2] . بقره، آیه۱۹۴؛ توبه، آیه ۳۶ و ۱۲۳.
[3] . بقره، آیه۱۵۳؛ انفال، آیه۴۶.
[4] . انفال، آیه۱۹.
[5] . نحل، آیه۱۲۸.

جمع معرّفی می‌کند «...أُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».[1]

خطاب بسیاری از سخنان الهی در قرآن کریم به جماعت مردم «یا ایهاالناس ..». و یا جماعت مؤمنان «یا ایها الذین آمنوا ... » است.

در اسلام حتّی بسیاری از امور عبادی و از جمله مهمّ‌ترین آنها «نماز» در صورت برگزار شدن به صورت اجتماعی است که ارزش اصلی خود را خواهد داشت. حتّی در سیره پیامبر، در اقامه نماز اصل بر جماعت است و اقامه نماز فرادا، استثناست.

«پیامبر گرامی اسلام، بادیه‌نشینان عربی را که اسلام می‌آوردند، از بازگشت به بادیه‌ها نهی می‌فرمودند و آنان را الزام به سکونت دائمی در محلّی می‌نمودند».[2]

پیامبر اسلام و ائمّه هدی ﷺ نیز با عنایت به همین اصول ارزشمند اسلام، دست به تأسیس مسجد زدند و در آن روزگار به اقتضای شرایط زمان و مکان، آن را محلّ اجرای بسیاری از امور اجتماعی علاوه بر امور عبادی نمودند.

«انواع فعّالیّت‌های مربوط به آموزش، امور قضایی، مشاوره، حلّ اختلاف، مراسم و جشن‌ها، ارتباطات عمومی، حرکت سیاسی، پر کردن اوقات فراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی، تعاون، امور دفاعی و مانند آنها در طول دوران‌های گوناگون جوامع اسلامی در چارچوب مساجد انجام می‌شده‌اند».[3]

«مسلمانان برای بسط مدنیّت جدید به تأسیس مساجد اقدام می‌کردند و از این طریق توده مسلمان را در یک چارچوب تازه سازمان می‌دادند».[4]

«مسجد مکانی برای عبادت، پایگاهی برای جهاد، مرکزی برای اجتماع مسلمانان، مدرسه‌ای برای تعلیم و تعلّم اسلامی [و در کل] عرصه‌ای برای ورود مسلمانان به حیاتی مدنی است».[5]

---

[1]. بقره، آیه ۵.
[2]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۳۵.
[3]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۴۱.
[4]. همان، ص۱۰۷.
[5]. همان، ص۲۴۲.

### ۴- ۲. اهمیّت و نقش مسجد از دیدگاه اسلام

نکته حائز اهمیّتی که در این میان، شایان ذکر این است که دین اسلام هیچ‌گاه (نه در آیات قرآن کریم و نه در احادیث نبوی و روایات معتبر) برای مساجد خط‌مشی تعیین ننموده است، بلکه فقط به تعیین اصولی کلّی در باب فعّالیّت‌های قابل اجرا در مساجد بسنده نموده‌اند. در این حالت هر مسجدی که این اصول را رعایت نماید در اجرای هر فعّالیّت و ایفای هر کارکردی، اختیار کامل دارد و تعیین خط‌مشی بر عهده خود مؤمنان گردآمده در مسجد است. با رعایت این اصول هرگونه فعّالیّتی که در مساجد صورت پذیرد، عبادت محسوب می‌گردد.

اهمّ این اصول در منابع اسلامی شامل قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات به دست آمده از ائمّه هدی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱ ـ تأسیس مسجد بر اساس تقوا نه خودنمائی و تظاهر؛

۲ ـ تأسیس مسجد بر پایه خشنودی خداوندی و همراه با کمال خلوص در نیّت ؛

۳ ـ مسجد، محلّی باشد که مؤمنان، دل و جان خویش را در آن تطهیر کنند. اگر مسجدی برای مؤمنان شرایطی را فراهم نسازد که به پالایش روح و رفتار خویش بپردازند، شایستگی لازم را نزد خدا ندارد؛

۴ ـ در آن بسیار یاد خدا شود. مسجدی که با ورود به آن، انسان نتواند از اشتغالات غیرخدایی ذهنش بکاهد، مسجد شایسته‌ای نیست؛

۵ ـ مایه آزار و زیان نباشد. مسجدی که مسلمانان را از اصلاح دور نگهدارد و موجب تفرقه گردد و مسلمانان را از حقوق معنوی‌شان محروم گرداند، مسجدی شایسته نیست؛

۶ ـ اگر مسجدی عامل پوشاندن حقایق از مسلمانان گردد و مانع از درک و فهم آنان از حقایق دین و مصالح مسلمانان شود، در زمره مساجدی است که نزد خدا محبوبیّتی ندارد؛ بنابراین، مسجد اگر در انحصار گروهی از مسلمانان قرار گیرد و وسیله تحمیق مردم گردد، عمل کفرآمیز در آن صورت گرفته است؛

۷ ـ اوصاف یاد شده اکتسابی‌اند و بخشی از این اوصاف به آبادکنندگان مساجد مرتبط است که باید دو صفت ایمان به خدا و ایمان به آخرت دارا باشند.[۱]

با این تفاسیر، می‌توانیم دریابیم که طبق نگرش توحیدی، به هر مکانی که فعّالیّت‌های صورت گرفته در آن، این اصول را نقض نکند، اطلاق «مسجد» جایز است. این استنباط مطابق با اصل «وحدت وجود» در فلسفه اسلامی نیز هست. با این نگرش، «مسجد» نه یک کالبد فیزیکی، که یک تفکّر، نگرش، فرهنگ و جهان‌بینی است که باید آن را در افراد بشر جست‌وجو کرد. در هر مکان که افرادی با این فرهنگ مستقر باشند، آنجا «مسجد» تحقّق یافته است. به عبارتی دیگر، این نوع افراد «مسجد» هستند. به همین سبب خداوند در قرآن کریم تأکید فراوانی بر بانیان مسجد دارد و برای آنان داشتن ایمان به مبدأ و معاد و همچنین خلوص در نیّت و تقوا را لازم می‌داند.

قرآن کریم در آیاتی متعدّد بر عمران و آبادانی مساجد تأکید کرده است و آبادکنندگان مساجد را ایمان آورندگان به خدا و قیامت معرّفی می‌کند.[۲] خداوند متعال در سوره مبارکه اعراف، آیه ۳۱ می‌فرماید:

«یَا بَنِی آدَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید».

و در آیات متعدّد دیگری نیز کسانی را که به نحوی در امر مساجد کارشکنی می‌کنند و در جلوگیری از یاد خدا در مساجد و خرابی آن سعی می‌نمایند، ظالم‌ترین مردم معرّفی می‌کند.[۳]

از سوی دیگر، در احادیث و روایات بسیاری بر پرهیز از تجمّل در مساجد تأکید فراوان شده است؛ به نحوی که مساجد دارای تجمّل و زرق و برق فراوان را (از آنجا که مانع اشتغال مؤمنان به یاد خدا می‌گردند) از نشانه‌های آخرالزّمان به حساب آورده‌اند. پیامبر در این باره می‌فرماید: «ای سلمان در آخرالزّمان مساجد مانند کلیساها آذین‌بندی می‌شوند و قرآن‌ها را زینت کنند و مناره‌ها بلند

۱. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۱۴۹.
۲. توبه، آیه۱۸.
۳. بقره، آیه ۱۱۴.

می‌گـردد و صـف نمازگـزاران فـراوان می‌شـود کـه بـا دل‌های پـر از کینـه و زبان‌های چندگونـه گـرد آیند».[1]

بـا تفکّـر در آیـات و روایـات بالا می‌توان بـه عمق دیدگاه انسـان‌گرایانه اسـلام پی‌برد. بـه نظـر می‌رسـد مـراد خداونـد در قـرآن از آبادانـی مسـاجد، نـه «آبادانـی ظاهری» بلکـه «آبادانـی معنوی» اسـت. اگر کلمه «زینـت» را در آیه «خُـذُواْ زِينَتَكُـمْ عِندَ كُلِّ مَسْـجِدٍ»[2] را فقـط زینت‌هـای ظاهری ندانیـم، بلکه توانایی‌هـا، قابلیّت‌ها، اسـتعدادها و هنرهـا و در بعـدی دیگـر نیازهـای متعالی انسـان را نیز جزئی از زینت وی به حسـاب آوریـم، می‌توانیـم اسـتنباط کنیـم که مراد قرآن از مسـاجد آباد، مسـاجدی اسـت که محـلّ رفت‌وآمـد مؤمنـان اسـت و انسـان‌هایی توانـا و دانـا هسـتند و از ایـن توانایی و دانایـی خویـش در راه نیـل بـه قـرب خداونـد، حـول محور مسـجد اسـتفاده نمایند و دیگـر بـرادران و خواهـران دینـی خویـش را بهره‌منـد سـازند؛ به‌گونـه‌ای که مسـاجد بـدون حضـور چنین مؤمنانی مسـاجدی خـراب و غیرمطلـوب به حسـاب می‌آیند. به عبارتـی دیگـر، مسـاجد چون ظرفی هسـتند کـه با رعایـت اصول ذکر شـده در منابع اسـلامی، مؤمنـان مختارنـد تا به تناسـب نیازها و همچنیـن توانایی‌ها و اسـتعدادهای خویـش «زینت» از آن اسـتفاده کنند.

ایـن نظـر از آنجـا تقویّـت می‌گـردد کـه «در تاریخ صدر اسـلام، مسـجد، انحصار بـه هیـچ دسـته و گـروه خاصّی نداشـت و حتّی ملحـدان در کمـال آزادی و امنیّت در آنجـا حضـور می‌یافتنـد و بـه مناظـره می‌پرداختند».[3]

بـا توجّـه بـه مطالـب پیـش گفتـه و همچنیـن نقـش و کارکردهـای مسـاجد در طـول تاریخچـه روشـنی در می‌یابیم کـه مسـاجد در دوره‌های رونق خویـش، همانند یـک سـازمان غیردولتـی و غیرانتفاعی به ایفای نقـش در جامعه اسـلامی پرداخته‌اند.

## ۵-۲. کارکردهای مساجد در طول تاریخ

منظـور جامعه‌شناسـان از مفهـوم کارکـرد (Function) در اصطـلاح کارکردگرایـی

[1]. تحف‌العقول، ص۴۷.
[2]. اعراف، آیه۳۱.
[3]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۱۶.

(Functionalism)، اثـری اسـت کـه پدیده‌هـای اجتماعـی از خود بر جـای می‌گذارد. کارکردگرایـان معتقدنـد کـه ایـن آثار، نتیجـه و دسـتاورد سـاخت‌های اجتماعی‌اند.

«فونکسیونالسـیم، کارکردها را به سـاختارها نسـبت می‌دهد؛ زیرا معتقد اسـت که نظـم و ترتیب‌هـای اجتماعـی کـه جامعه‌شناسـان، سـاخت می‌داننـد، دارای اثرهـای به سـامانی هسـتند که ناشـی از شـیوه خاصّ سـازمان یافتن این ساخت‌هاسـت».[1]

همیـن واژه در ادبیّـات علـم مدیریـت نیـز اسـتفاده می‌شـود. واژه «Function»در ادبیّـات علـم مدیریت معنای بسـیار محدودتـری در قیاس با علم جامعه‌شناسـی دارد کـه علمـای مدیریـت آن را متـرادف «فعّالیّـت» یـا حتّـی «وظیفـه» بـرای هر بخش سـازمانی دانسـته‌اند.

اگـر بخواهیـم در ادبیّـات علم مدیریـت اصطلاحی هم‌ارز بـا واژه «Function» در علـوم اجتماعـی بیابیـم، شـاید مناسـب‌ترین اصطـلاح، واژه «Mission» ترجمه شـده به رسـالت باشد.

هـر چنـد کارکـرد ابتدایـی و اصلـی مسـجد، کارکرد نیایشـی آن بوده اسـت و از مسـاجد بـه صورت محلّـی برای برگـزاری آیین‌ها و عبادات جمعی اسـتفاده می‌شـده اسـت؛ امّـا بـه هیچ‌وجـه این کارکـرد، یگانه کارکرد مسـاجد نبوده اسـت. بنـا بر پیش گفتـه، اسـلام اهمیّـت فراوانـی بـرای اجتماع مؤمنـان قائل اسـت. یکـی از دلایلی که فقـط امـور عبـادی صرف در مسـاجد انجام نمی‌شـده، تعریف اسـلام از عبادت اسـت. اسـلام هـر عملـی را کـه بـه قصـد قربـت بـه خداونـد متعـال انجام گیـرد، عبـادت بر می‌شـمارد. بـا ایـن پیش‌زمینـه و همچنین به تأسّـی از سـیره و سـنّت نبوی مسـاجد توانسـته‌اند در زمینه‌هـای بسـیاری در جوامـع اسـلامی نقـش ایفـا نماینـد و خـلاء وجـودی بسـیاری از نهادها را پـر نمایند.

### ۱-۵-۲. کارکرد نیایشی

خداونـد هـدف خلقـت انسـان را عبـادت می‌دانـد و بهتریـن مـکان بـرای ایـن کار، مسـجد اسـت. از جملـه «ان یذکـر اسـمه» در آیـه کریمـه قرآنی «وَمَـنْ أَظْلَـمُ مِمَّن

[1] . ویلیام اسکید مور، تفکّر نظری در جامعه‌شناسی، ص۱۴۲.

مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ..».[1] استفاده می‌شود که مساجد محلّ عبادت و پرستش الهی است.

آری، مسجد شریف‌ترین مکان برای خضوع و سجده بر درگاه الهی و از خود گذشتن و به خدا رسیدن است و نماز از جمله عباداتی است که در مسجد انجام می‌گیرد و گزاردن نماز درآن در مقایسه با مکان‌های دیگر ثواب بسیار بیشتری دارد. به یقین، اگر نماز به جماعت برگزار شود ثواب آن به مراتب بیشتر هم خواهد بود.

از جمله عبادات در مسجد، نماز بزرگ جمعه است که کار عبادی، سیاسی مسلمانان است. از این‌رو، هر هفته در شهرهای مهمّ کشور جمع می‌شوند، هم خدا را می‌پرستند و هم در برابر دشمنان دینی آمادگی خود را اعلام می‌دارند. نماز در مسجد آن قدر ارزش دارد که حتّی انتظار در مسجد برای برپایی نماز، خود عبادت است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «نشستن در مسجد در انتظار نماز، عبادات است، مادامی که حدثی از او سر نزند. عدّه‌ای پرسیدند: ای رسول خدا حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن».[2] از دیگر عباداتی که در مسجد انجام می‌گیرد دعا و مناجات است. از این‌رو، به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، خواندن ادعیّه‌ای چون کمیل، توسّل، ندبه و نظایر آن رونق بیشتری یافته است. چه اینکه در روایت آمده است، دعای دسته‌جمعی به اجابت مقرون است.

«اعتکاف نیز عبادتی است که در مسجد انجام می‌گیرد. اعتکاف، یعنی اقامت در مسجد به قصد اجرای اعمال مخصوص با شرایط و آداب ویژه که تزکیّه و تصفیه روح از همه معاصی را در پی دارد».[3]

«مراسم دیگری مثل خطبه‌های اخلاقی و دینی، عزاداری امام حسین، ختم اموات و انواع جلسات ذکر و قرائت قرآن که به‌طور معمول در مساجد انجام می‌شوند، به واسطه محتوا با ماهیّت [نیایشی] مسجد، سنخیّت پیدا کرده»[4] و در

---

[1]. بقره، آیه۱۱۴.
[2]. بحارالانوار، ج۸۳، ص۳۸۴.
[3]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۷۲ .
[4]. همان، ص۲۴۲.

مساجد برگزار گردیده‌اند.

### ۲-۵-۲. کارکردهای آموزشی

بعد از کارکرد نیایشی، قوی‌ترین کارکرد مساجد در طول تاریخ، کارکرد آموزشی آنهاست. این کارکرد، به‌ویژه در دوران قبل از پیدایی نهادهای مدرن بسیار پررنگ شده است، به‌گونه‌ای که در اکثر جوامع مسلمان مجموعه تعلیم و تربیت حول محور مساجد شکل گرفته بود.

در روایتی رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، سؤال از علم و دانش».[1] ما در تاریخ نیز می‌خوانیم که پیامبر در مسجد خویش آیه‌های قرآن، احکام و معارف دینی و حتّی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. جلسات آموزش نیز با نبود آن حضرت ادامه می‌یافت؛ زیرا استاد و مدرّس کلاس‌های آموزشی مسجدالنّبی، فقط پیامبر نبود. افراد دیگری نیز که از صلاحیّت‌های علمی لازم برخوردار بودند، اداره این جلسات را بر عهده داشتند: عبدالله‌بن‌رواحه که شخصیّتی علمی بود جلسات مربوط به توحید و معاد و مسائل اعتقادی را اداره می‌کرد.

جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم ﷺ به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنان‌که در روایت است که روزی رسول خدا ﷺ به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر ﷺ فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی گام بر می‌دارند؛ دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلّم) کار برتری انجام می‌دهد. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام. آنگاه پیامبر ﷺ در میان گروهی که

[1]. بحارالانوار، ج۷۷، ص۸۶.

سـرگرم آمـوزش بودند، نشسـت.[1]

«تـا آغـاز قـرن چهارم اسـلامی، اغلب مسـاجد در غیر اوقـات نماز حکـم مدارس را داشـت و بعدهـا مراکـز آموزشـی، صـورت خاصّی بـه خود گرفـت. بسـیاری از بزرگان علـم و دانـش دانش‌آموختـگان حلقـه درس کلاس‌هایـی بودند که در مسـاجد برگزار می‌شـد. حتّـی بعدهـا کـه مراکز تحصیلی از مسـاجد به مـدارس منتقل شـد، مدارس در جنـب مسـاجد سـاخته می‌شـد و از ایـن طریـق پیونـد ناگسسـتنی دیـن و علـم بـه نمایـش گـزارده می‌شـد.آری، مسـجد همـواره آموزشـگاه مبانـی دینـی و معـارف اسـلامی بـوده اسـت. از این‌رو، مسـجدی که امـروز نقش مؤثّـر خـود را در زمینه‌های فرهنگـی، آموزشـی ایفـا نکنـد در حقیقـت از ادای بخـش مهمّـی از رسـالت خـود بازمانده اسـت».[2]

«مسـاجد از حیـث آموزشـی سـه شـکل به‌طـور کامـل متمایـز از یکدیگـر اتّخاذ کردند. شـکل نخسـت، آن بود که بسـیاری از مسـاجد با محدود کردن دایره آموزشـی خویـش بـه آمـوزش عمومـی و ابتدایـی در حـدّ قرائت قـرآن اکتفـا کنند. شـیوه‌های آموزشـی در ایـن مکتب‌هـا به‌طور کامل سـنّتی اسـت... . شـکل دوّم، مدرن اسـت؛ به ایـن معنـا کـه محلّی در مسـجد به عنـوان کتابخانه در نظـر گرفته می‌شـود. جوانان و نوجوانـان و کـودکان مسـلمان بـه شـکل گروهی از آموزش‌هـای ابتدایی (کـه از قرآن آغـاز شـده و بـه حدیـث، اعتقـادات و احـکام می‌رسـد) برخـوردار می‌شـوند. در ایـن شـکل... مسـجد کلاس‌هایـی با صندلـی و تختـه سـیاه دارد و حتّی از ابزارهـای نوین سـمعی ـ بصـری بـرای آموزش در آنها اسـتفاده می‌شـود. شـکل سـوّم، ارتقا مسـجد تـا حـدّ دانشـگاه اسـت. برخـی از مسـاجد در جهـان اسـلام تعلیـم و تربیـت بدنی در سـطوح عالـی را نیـز برعهـده گرفته‌انـد. در سـال ۱۹۶۱ م مسـجدالازهر در قاهـره بـه دانشـگاهی اسـلامی تبدیـل شـد کـه هماننـد دانشـگاه‌های جدید، دانشـکده‌های بسـیاری دارد و از حیـث دانشـکده‌های فقـه و کلام اسـلامی شـهرت دارد».[3]

از دل چنیـن تلاش‌هایـی علـوم بسـیاری منبعـث از منابـع اسـلام سرچشـمه

[1] . بحارالانوار، ج۱، ص۲۰۶.
[2] . باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۷۳.
[3] . همان، ص۲۶۵.

گرفت. علومی چون فقه، اصول، کلام و فلسفه اسلامی و غیره نقطه عطف در ایفای نقش آموزشی مساجد در طول تاریخ، دوران زندگانی دو امام شیعیان، یعنی امام محمّد باقر و امام جعفر صادقc است. این دو امام با اغتنام فرصت به دست آمده در کشاکش تحوّلات سیاسی بین امویان و عبّاسیان، دست به پرورش شاگردان بسیاری در علوم گوناگون زدند که پایگاه عرضه این آموزش مساجد بودند. در تاریخ، شمار شاگردان امام صادق‌ﷺ حتّی تا عدد چهار هزار نفر ذکر گردیده است. این دو امام بزرگوار پدیدآورنده طبقه‌ای جدید به نام طبقه علمای اسلام هستند.

مساجد از رهگذر کارکرد آموزشی خویش سهمی بسیار مهمّ در فرهنگ و تمدّن اسلامی ایفا کردند.

«چون مسلمانان مسجد را محیط آموزشی ساخته بودند، به تبع آن، کتابخانه‌هایی در آن به وجود آمد. اگرچه اکثر کتابخانه‌های مساجد معمولی بودند، ولی بعضی از مساجد بزرگ مجموعه‌هایی کامل از کتاب‌هایی داشتید که در امپراتوری اسلام شهرت فراوانی کسب کردند. دانشمندان و دانشجویان نه فقط آزادانه از این کتابخانه‌ها استفاده می‌کردند، بلکه برای آنها سخاوتمندانه غذا، مسکن، وسایل نگارش و دیگر خدمات نیز فراهم می‌شد... . گفته می‌شود که دیوان و کتاب‌های شعر هشتاد طایفه در مسجد کوفه نگهداری می‌شد... . البتّه در میان شیعیان به سبب آنکه امامان شیعه، به‌ویژه امام صادق‌ﷺ به علوم گوناگون احاطه داشتند، کتاب‌نویسی و کتاب‌خوانی به رشته‌های گوناگون علوم قرآنی، علوم اجتماعی و فلسفی، علوم طبیعی کشیده شد. در سلسله عبّاسیان نهضت ترجمه آثار یونانی به عربی به راه افتاد و ائمّه شیعه نیز در جلوگیری از القائات سوء و افکار باطل ترجمه شده به عرضه افکار مترقّی و عالی می‌پرداختند».[1]

با غنی‌تر شدن علوم اسلامی و تخصّصی شدن آنها، آموزش تخصّصی علوم اسلامی در اغلب موارد به مدارس ساخته شده در جنب مساجد منتقل شد.

[1]. سباعی مکی، محمّد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی، ص۶.

در دوران معاصر «با شکل‌گیری دولت و ملّت‌های جدید در جوامع اسلامی یا تحوّل در ساختار حکومتی ملّت‌های کهن، حکومت‌ها به تأسیس نهادهای آموزشی جدید پرداختند. این امر خود به خود بر آموزش در مدارس و مساجد تأثیرگذارد. دو واقعیّت نیز در این میان خودنمایی کرد: توسعه اقتصادی (البتّه نیاز به نیروهای متخصّصی که آموزش سنّتی نمی‌توانست چنین محصولاتی داشته باشد) و تحوّلات اجتماعی ناشی از تماس با غرب (ظهور نقش‌های جدید که آموزش‌های تازه‌ای می‌طلبید). در این نظام آموزشی جدید، حتّی آموزش‌های دینی تا حدّ تعلیمات دانشگاه پیش‌بینی شد تا مجموعه آموزش‌های سنّتی ناکارکرد شوند. عاملی که باعث تداوم آموزش سنّتی می‌شد آن بود که تبلیغ و دعوت دینی به نیروهای آموزش دیده‌ای نیاز داشت که نهادهایی مثل وقف یا تمهیداتی مثل خمس هزینه‌های آن را تأمین می‌کرد و مستقل از دولت بودند».[1]

### ۳-۵-۲. کارکرد اجتماعی

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم از جمله کارهایی که در مسجد انجام می‌گرفت، این بود که مردم در این مکان جمع می‌شدند و مشکلات اجتماعی را بررسی می‌کردند و به رفع آن اهتمام می‌ورزیدند و همچنین درباره مصالح اسلام و مسلمانان به شور و مشورت می‌پرداختند. نتیجه می‌شود که امروز هم مسجد، باید خانه آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها باشد.

امام خمینی‌ﷺ در گفتاری این نقش مسجد را مورد تأکید قرار داده و فرمودند: «این مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرمﷺ مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این‌طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده است. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح

[1]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۶۴.

مسـلمانان در آنجـا فعّالیّـت کنند».[1]

از آنجـا کـه طبـق آموزه‌هـای اسـلامی هـر عملی که بـه قصد قربـت و در راه خدا انجـام گیـرد، عبادت محسـوب می‌شـود، «انـواع فعّالیّت‌هـای دیگر می‌تواننـد توجیه دینـی پیـدا کننـد و بـه قلمـرو مسـجد راه یابند. ایـن امر، به‌ویـژه هنگامـی رواج پیدا می‌کنـد کـه نهادهـای دیگـر جامعـه کارکردهای خـود را به درسـتی انجـام ندهند یا اینکـه در اصـل، نهادهایـی بـرای بـر عهـده گرفتـن آن‌گونـه خدمـات و کارکردهـا در جامـه نباشـد».[2] در ایـن حـال، بسـیاری از امـور عمومی مردم در مسـجد رتـق و فتق می‌شـوند.

در صورتـی کـه در مسـاجد فعّالیّت‌هـای اجتماعـی چشـم‌گیری رخ دهـد و ایـن کارکـرد در مقابـل کارکـرد نیایشـی مسـجد از حضـور پررنگ‌تـری برخـوردار باشـد، پیامدهـای خاصّـی را در پـی دارد کـه بعضی‌هـا بـا کارکـرد نیایشـی در تعـارض قـرار می‌گیـرد.

«در جوامعـی کـه کارکردهـای اجتماعـی مسـاجد غلبـه پیـدا می‌کننـد یـا کارکردهـای اجتماعـی هـم عرض با کارکرد نیایشـی جلوه‌گر اسـت، مسـجد مرکزیّت بیشـتری پیـدا می‌کنـد و در مناطـق مسـکونی، در مرکز منطقـه واقع می‌شـود یا اگر تعـداد مسـاجد چشـم‌گیر باشـد، آن دسـته از آنهـا کـه پوشـش بیشـتری بـه مناطق مسـکونی می‌دهنـد، کارکـرد اجتماعـی بیشـری پیدامی‌کنند. این مسـاجد بـه مراکز اداری یـا حکومتـی نزدیک‌ترنـد، در دل بازارهـا جـای دارند، به مجالـس قانون‌گذاری نزدیک‌انـد یـا مراجعه‌کننـدگان بـه آنهـا افـراد دانشـگاهی و دیگـر نخبـگان هسـتند. بـه ایـن ترتیـب اسـت که این‌گونه مسـاجد بر اسـاس کارکردهـای خـاصّ و مخاطبان خـاصّ تمایـز پیدا می‌کنند. حتّی سـاخت سلسـله مراتبـی جامعـه در ترتیبات فضایی آنهـا مؤثّـر واقـع می‌شـود... . ایـن مسـاجد بـه نحـو مشـارکتی اداره می‌شـوند و انواع فعّالیّت‌هـای آنهـا بـر اسـاس همـکاری افـرادی که ارتبـاط بیشـتری با مسـجد دارند، سـازمان داده می‌شـود. تأسـیس این‌گونـه مسـاجد بـه بودجه‌هـای چشـم‌گیری نیـاز

[1]. صحیفه نور، ج۱۸، ص۶۷.
[2]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۴۳.

دارد کـه بـر اسـاس مشـارکت افـرادی از طبقـات خـاصّ، بودجه‌هـا و میـزان خدمات مسـجد تفـاوت پیـدا می‌کنـد. مراسـم و آیین‌هـا در این‌گونـه مسـاجد یـک طـرح و زمان‌بنـدی خـاصّ پیـدا می‌کننـد و افـرادی نیز بـه خدمـت دائمـی آن در می‌آیند».[1]

هماننـد دیگـر کارکردهـای مسـاجد، پدیـده‌ای کـه ایـن کارکرد را نیـز به چالش کشـیده اسـت، بـروز مدرنیته و فرآیند نوسـازی اسـت. «جهـت فرآیند نوسـازی بدان سـمت اسـت که بخشـی عمـده از کارکردهای اجتماعی مسـجد را بـه نهادهای عرفی تحویـل کند و مسـجد فقط کارکرد نیایشـی داشـته باشـد. ایـن امر، البتّـه از مخالفت بنیـادی نوسـازی و تجـدّد بـا دین ناشـی نمی‌شـود، بلکـه در اصل، نوسـازی در جهت راه‌انـدازی نهادهـای تخصّصـی بـرای پاسـخ دادن مـداوم و بهینـه بـه نیازهـای مردم اسـت. بسـیاری از کارکردهـای اجتماعـی مسـجد در دنیـای امـروز بـه نهادهایـی که جامعـه چـاره‌ای جـز ایجـاد، تقویّت و گسـترش آنهـا نـدارد، تحویل نشـده‌اند و از این جهـت حتّـی اگر مسـاجد بخواهند نقش اجتماعی مسـتقیم داشـته باشـند، مجبور به محـدود کـردن ایـن نقش‌ها هسـتند. در مرحله بعدی، مسـجد خود را بایـد به صورت یکـی از نهادهـای عرضه‌کننـده آن خدمـات و کارکردهـا (و نه فقـط عرضه‌کننده آنها) معرّفـی کننـد و همچنیـن در محـدوده همـان کارکردهـا می‌باید به نحـوی تخصّصی بـه موضوعـات (حتّـی وعـظ و خطابـه) بپردازنـد تـا بتواننـد در کنـار رقبـای جـدّی بـه رقابـت بپردازنـد. بـه عنـوان نمونـه، انـواع فعّالیّت‌هـای فرهنگـی (در حوزه‌هایـی مثـل سـینما، تئاتر، موسـیقی، هنرهای نمایشـی، هنرهای تجسّـمی و غیـره) در انواع نهادهـای عرفـی (دولتـی، عمومـی و خصوصـی) در حـال اجراسـت... . اگـر بـه عنوان مثـال، مسـاجد بخواهنـد بـه امور فقـرا و درماندگان رسـیدگی کنند، متوجّـه خواهند شـد کـه فقـط یکـی از نهادهـای خدمات‌دهنـده خواهنـد بـود و بـا تخصّصی‌شـدن و رقابـت و همـکاری بـا دیگـر نهادها می‌تواننـد در ایـن عرصه باقـی بمانند».[2]

[1] . باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۴۳
[2] . همان، ص۲۴۸.

### ۴-۵-۲. کارکرد سیاسی

نقش سیاسی مساجد در طول تاریخ جوامع اسلامی (جز مقطع صدر اسلام) بیشتر به صورت غیرمستقیم بوده است. این کارکرد در قرون جدید و با پیشگامی اصلاح‌گرایان در جوامع اسلامی پررنگ‌تر شد. اصلاح‌گرایانی چون سیّد جمال‌الدّین اسدآبادی، حسن البنّا، محمّد عبده، علامّه اقبال لاهوری و دکتر شریعتی از مسجد به عنوان پایگاهی برای آغاز جنبش‌های سیاسی اصلاحی در قرون اخیر استفاده کرده‌اند.

«این رفتارها در ابتدا در چارچوب دعوت و تعاون اسلامی آغاز می‌شده است (جلسات تفسیر قرآن، بیان احکام اسلام، بزرگداشت اولیای دین، ذکر وقایع تاریخی مربوط به دین، ذکر مشکلات و مصائب مسلمانان در اقصی نقاط عالم و جزِ آن)، ولی به سبب فقدان مجراهای سیاسی برای ظهور دغدغه‌ها و تمایلات دینی، خود مسجد به نوعی پایگاه سیاسی تبدیل می‌شده است».[۱]

باید توجّه داشت که مسجد در جوامع اسلامی با توجّه به آموزه‌های دینی چشم‌گیر، همچون حدیث: «مَنْ اَصْبَحَ و لم یَهْتَمَّ بِاُمورِ الْمُسْلِمینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلاً یُنادی یا لِلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ»،[۲] ظرفیّت بروز رفتارهای سیاسی را در مقایسه با نهادهای دینی در ادیان دیگر به درجات بسیار برتری دارد.

از نظر تاریخی نیز شاهدیم که «پیامبر اسلام نخستین مسجد را در مدینه نزدیک به خانه خویش ساخت و آن را مرکزی برای اداره امور سیاسی و مباحث و جدال‌ها قرارداد... . همچنین در تاریخ اسلام، مسجد محلّی برای خشونت‌های سیاسی (مثل قتل دو خلیفه صدر اسلام) بوده است».[۳]

«با گسترده‌تر شدن قلمرو فعّالیّت دولت در دوران معاصر از سویی، و پیدا نشدن نهادها و مجراهای به رسمیّت شناخته شده، برای اجرای فعّالیّت‌های

---

[۱]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۱۰۰.

[۲]. هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همّت نورزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست؛ اصول کافی، ج۲، ص۱۶۴، ح۵.

[۳]. روزنامه شرق، گزارش آبادگران در مسجد، ۲۷/۱/۱۳۸۱ ش.

سیاسی از سوی دیگر، فعّالیّت‌های سنّتی مساجد، چون تعلیم و تربیت اسلامی، دعوت اسلامی، اصلاح اجتماعی و تعاون اجتماعی نیز اکنون سیاسی شمرده می‌شوند. حکومت‌ها در برخورد با این فعّالیّت‌ها تلاش دارند تا آنجا که این فعّالیّت‌ها سعی در ایجاد اختلال در فعّالیّت‌های دولتی ندارند و به خصوص نهاد حاکمیّت را دچار چالش مشروعیّت نمی‌کنند، از درِ مماشات وارد گردند».[1] امّا تزریق سیاست به مساجد، این مراکز را به چهار شکل ممکن درآورده است:

۱ ـ مرکز حزبی؛

۲ ـ دار النّدوه (محلّ مشورت)؛

۳ ـ پارلمان محلّه؛

۴ ـ خانه شهروند.

از چهار شکل مطرح شده، مساجد در طول تاریخ جهان اسلام و نیز در دوران معاصر کمتر از همه به صورت مراکز حزبی درآمده‌اند. علّت این امر وجود اصل فراگیری و انحصاری نبودن فعّالیّت در مساجد است. با این وجود، همیشه تلاش‌هایی صورت می‌گرفته است تا از پایگاه مسجد حدّاقل به عنوان تریبون تبلیغات سیاسی انحصاری استفاده گردد. تازه‌ترین نمونه این تلاش‌ها را در حرکت‌های یک جناح خاصّ سیاسی برای استفاده از تریبون مساجد شاهد بودیم، امّا این تلاش‌ها همیشه به علّت اینکه هیچ‌گاه یک تفکّر سیاسی خاصّ بر تمام جامعه حاکم نمی‌گردد (مگر در اشکال افراطی کاریزمایی) و خاصّیت مردمی بودن مساجد، ناکام می‌شوند.[2]

همچنین، غیر از صدر اسلام به علّت شکل‌گیری دارالاماره‌ها، مساجد کمتر مرکز تشکیل شوراهای مسلمانان در امور عمومی خویش بوده‌اند؛ چرا که در کلّ، حکومت‌ها در جوامع مسلمان به صورت استبدادی بوده‌اند و مشارکت سیاسی توده‌ها را بر نمی‌تافته‌اند؛ امّا دو شکل دیگر، یعنی خانه شهروند یا پارلمان محلّه در مساجد جاری بوده و هستند و نقش سیاسی مساجد را باید به‌طور

[1] . باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص ۱۰۰.
[2] . روزنامه شرق، گزارش، آبادگران در مسجد، ۲۷/۱/۱۳۸۱ ش.

عمـدی در نقـش اجتماعـی و مدنـی آنهـا جسـت‌وجو کـرد: آنجـا که نقـش اجتماعی و مدنـی مفهـوم سیاسـی پیـدا می‌کـرده، مسـجد سیاسـی می‌شـده اسـت و آنجـا که کارکردهـای اجتماعـی مسـتقل از سیاسـت جـاری پنداشـته می‌شـده، مسـجد نیـز کمتر سیاسـی می‌شـده اسـت.[1]

**۲-۵-۴-۱. مسجد و انقلاب اسلامی**

از جملـه موفّق‌تریـن حرکت‌هـای سیاسـی در چنـد دهـه اخیـر، انقـلاب اسـلامی ایـران اسـت. این انقـلاب از جهات بسـیاری، از دیگـر انقلاب‌ها متمایز اسـت. از جمله وجـه تمایـز، پایـگاه دینـی این انقـلاب در عصـر گریـز از ایدئولوژی‌های آسـمانی بود. مسـاجد بـه عنـوان فراگیرترین مرکز دینی در اسـلام، در این انقلاب نقشـی حسّـاس داشتند.

امام خمینی ﷺفرمودند این انقلاب، به تأسّـی از سـنّت اسـلامی در عصر پیامبر، اعتقـاد خاصّـی بـه اجتماع میان سیاسـت و اسـلام حول محور مسـاجد داشـتند. امام امّـت در سـال‌های قبـل، یعنـی در همـان روزهایـی کـه از سـوی حکومـت وابسـته شـاه بـه ترکیّـه و از آنجـا به نجـف تبعید شـدند، در نخسـتین نطق خـود در نجف در مسـجد شـیخ انصـاری در حضور بسـیاری از علمـا و فضلا چنیـن گفتند:

«اسـلام سیاسـت دارد، برنامـه اداره امـور مملکـت دارد، ممالـک بـزرگ را اداره می‌کنـد. بـر رؤسـای جمهـور، سـلاطین و دول اسـلامی اسـت کـه اسـلام را بـه عالم معرّفـی کننـد تا مسـیحی‌ها خیال نکنند که اسـلام چون مسـیحیّت اسـت و مسـجد مثـل کلیساسـت. وقتـی نمـاز در مسـجد برپـا می‌شـد، تکلیـف معیّـن می‌کردنـد. در مسـجد شـالوده جنگ ریخته می‌شـد. در مسـجد تدبیر اداره ممالک می‌شـد. کلیسـا فقـط بـرای عبـادت و نزدیکـی بـه خدا علـی زعمهم اسـت؛ امّا مسـجد مسـلمانان در زمـان رسـول خـدا ﷺو در زمـان خلفایـی کـه بودند، مرکز سیاسـت اسـلام بـود. در زمـان رسـول خدا ﷺ، در زمان حضـرت امیرالمؤمنین ﷺو در زمـان دیگران، در روز جمعـه در خطبـه جمعـه مطالـب سیاسـی، مطالـب مربـوط بـه جنگ‌ها و مربـوط به

[1]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدّد، ص۱۰۷.

سیاست مدن مطرح می‌شد».[1]

در طول انقلاب اسلامی، آغاز تظاهرات میلیونی مردم از مساجد و پایان آن نیز مساجد بود. روشنگری و هدایت آنان در مسیر مبارزه، در مساجد انجام می‌گرفت. جلسات سرّی و مخفیانه و طرح و برنامه‌ریزی گروه‌های مقاومت در مساجد برگزار می‌شد. خطابه‌های آتشین وعّاظ و خطبا در تحریک مردم برای فتح خاکریزهای حکومت شاه، پیوسته در مساجد استمرار داشت. وحدت امّت اسلامی که عمده‌ترین عامل پیروزی انقلاب بود، در مساجد معنا و مفهوم می‌یافت. همه اختلافات و تفرقه‌ها با حضور در یک پایگاه مبارزاتی مشترک به نام مسجد، مبدّل به وحدت کلمه و مشتی پولادین بر ضدّ مزدوران حکومتی می‌شد. مسجد بدون آنکه نیازمند ثبت‌نام، حوزه‌بندی، اجبار، اکراه و این قبیل امور باشد که به نوعی در دسته‌های سیاسی و گروهی وجود دارد، به تجهیز میلیون‌ها مؤمن معتقد می‌پرداخت... .

مسجد در انقلاب اسلامی علاوه بر همه ویژگی‌ها، یک ویژگی منحصربه‌فرد داشت که همه نقش‌آفرینی‌های خود را مدیون آن است، و آن داشتن ماهیّت تشیّع است. مساجد شیعیان به لحاظ نداشتن وابستگی مادّی و معنوی به حکومت‌ها، همواره توانسته است بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری و احتیاط‌پیش‌گیر، با فساد قدرت‌های حاکم درافتد. با توجّه به اینکه همه امور مساجد به دست مردم و با اعانات مسلمانان و وجوهات شرعیّه آنان اداره می‌شود، خود آنان نیز حافظان اصلی آن هستند و فریادهای حقّ‌طلبانه خود را از این مراکز به گوش دیگران می‌رسانند. ائمّه مساجد که در حوزه‌های علمیّه شیعی تربیت شده و خود را به قدرت‌های فاسد نفروخته‌اند، عهده‌دار مسئولیّت مساجد می‌شوند. بنابراین، هر حرکتی که از مساجد آغاز می‌شود، از یک سو، رنگ دینی و الهی و از سوی دیگر، بعد مردمی و جماهیری دارد. این دو، خود عامل بقای نهضت‌ها و حرکت‌هایند. آنگاه انحرافات آغاز می‌گردد که شکافی میان نهضت‌ها و پایگاه

[1] . صحیفه نور، ج۲، ص۳۲.

اصلـی آنهـا ایجاد شـود».[1]

البتّـه در پـی پیـروزی انقـلاب، بـا راه یافتـن نهادهـای دینـی بـه متـن قـدرت اجرایـی، ایـن ویژگی مسـاجد به چالش کشـیده شـده اسـت. این چالش آنجا تشـدید می‌گـردد کـه همزمـان از مسـاجد بـه عنـوان پایـگاه سـازمانی حکومتی مانند بسـیج اسـتفاده می‌گـردد و یـا نقش‌هـای اجرایـی چـون تأییـد صلاحیّـت افـراد بـر عهـده مسـجد سـپرده می‌شـود.[2] این‌گونـه حرکت‌ها بـا نقش اصلی مسـاجد تعارض داشـته و ایـن نهـاد را دچـار تعـارض کارکـردی می‌نماید.

## ۶-۲. چالش‌های مساجد در دوران معاصر

چالش‌هـای امـروزی مسـاجد بازتابی از چالش‌های جامعه توسـعه‌نیافته شـرقی در تنگنـای انتخـاب میان سـنّت و تجدّد اسـت. سـنّت غنـی و اصیل و بـدون پیرایه‌های زایـد اسـلامی بعـد از آنکـه دچـار تطـوّر و ارتجـاع گردیـد، نـه فقـط از نوزایـی بـاز مانـد، بلکـه در اوج انحطـاط خویـش، ضدیّـت بـا نوزایـی و بازنگـری و چنـگ زدن به سـلفی‌گری جـزو خصیصه‌هـای آن قلمـداد شـد، در مقابـل تجـدّد غربی خلع سـلاح گردیـد. چالـش بیـن سـنّت و تجـدّد در جامعـه ایرانـی، برخاسـته از انتخـاب میـان داشـتن نگـرش آسـمانی بـه جهـان هسـتی و یـا نگریسـتن به جهـان هسـتی از نگاه زمینی و بریده از ماورا اسـت. عقیم شـدن سـنّت اسـلامی در جامعه ایران از سـویی، یکّه‌تـازی تجـدّد و مدرنیسـم غربـی و پیشـرفت‌های خیره‌کننـده آن از سـوی دیگـر، چنـد صباحـی اسـت کـه جامعـه ایـران را بر سـر دو راهی عظیمـی قرار داده اسـت. و اسـفبارتر ایـن کـه در این چند صبـاح، اغلب راه حلّ‌هـای افراطی و تفریطـی برگزیده شـده‌اند. گاه تمـام تجربیـات بشـری به دسـت آمده در سـایه تجدّد و مدرنیسـم انکار شـده و عجیب‌تـر آنکـه، همان سـنّت اسـلامی عقیم و تحریف شـده به عنـوان راهکار جایگزیـن معرّفـی می‌گـردد. گاهـی نیـز عقبه تاریخـی و فرهنگـی جامعه کـه به‌طور شـدید متأثّـر از سـنّت دینـی اسـلامی اسـت، بـه هیـچ انگاشـته شـده و له‌له‌زنـان به

[1]. ماهنامه مسجد، شماره ۴۶، ص۵۳.
[2]. ماهنامه مسجد، شماره۷۱، ص۱۸ .

سمت تجدّد (یا بهتر بگوییم: پوسته بیرونی تجدّد) گام برداشته شده است؛ بدون آنکه حتّی ادبیات تجدّد و مدرنیسم به درستی و همان‌گونه که منظور نظر نظریّه‌پردازان غربی باشد، ترجمه گردد.[1]

در حال حاضر وضع جامعه ایرانی، وضعی التقاطی است و رفتارهای سرزده از انسان ایرانی نه در قالب سنّت می‌گنجد و نه در چارچوب تجدّد امکان تعریف دارد. هنوز انسان ایرانی تکلیف خویش را با سنّت و تجدّد روشن نساخته است.

از آنجا که اکنون این سنّت دینی ضعیف به حکومت راه یافته و نهادهای متعلّق به آن را قبضه کرده است، حاضر به نقد خویش نیست؛ چرا که از بحران مشروعیّت و از دست رفتن قدرت ترس دارد و دچار محافظه کاری شده است؛ همان چیزی که روزی سنّت شیعی ادّعای مقابل آن را داشت. به دین سبب راهکارهای توجّه به سنّت عرضه شده از طرف حکومت، سطحی‌اند و حتّی اندیشمندان مستقل مطرح در تفکّر دینی و سنّتی چون محمّدحسین‌نصر، عبدالکریم سروش و دیگران هم مغضوب و رانده شده‌اند.

از سوی دیگر، راهکارهای تجویزی ناشی از توجّه صرف به تجدّد، به علّت عقبه فرهنگی تاریخی برآمده از سنّت جامعه ایران، برای انسان ایرانی در خور هضم نیست و او راهم دچار عذاب وجدان می‌کند و هم قانعش نمی‌سازد؛ چرا که آنگاه باید در جمع جوامع مدرن دوباره از صفر مطلق شروع کند و جایگاهی در خور شأن برآمده از فرهنگ و تاریخ خود را نخواهد یافت.[2] در این میان مساجد هم سرگردان گشته‌اند. از آنجا که در جهان دهکده شده امروزی، استفاده از تجربیات فکری بشری حاصل از مدرنیسم اجتناب‌ناپذیر است، به ظاهر مساجد باید بسیاری از کارکردهای خویش را از دست بدهند و در نهایت امر، به چیزی شبیه کلیسا تنزّل یابند. از سوی دیگر، چسبیدن به مظاهر سنّت تحریف شده توسّط مساجد هم، گره از کار فروبسته آن باز نمی‌کند و این کار به‌طور عملی نوعی انتحار و خودزنی توسّط مساجد است که این نهاد والا را هرچه بیشتر

[1] . روزنامه شرق، ویژه‌نامه ۱۳۸۳ش، مصاحبه با سیّدجواد طباطبایی.
[2] . روزنامه شرق، ۶/۲/۱۳۸۳ ش.

منـزوی می‌کنـد.

در چنیـن اوضاعـی اسـت کـه مسـاجد، هـم از سـوی داعیـه‌داران تجـدّد مـورد بی‌مهـری قرارمی‌گیرنـد و محـدود می‌گردنـد و هـم از سـوی حاکمـان مدعـی ترویج سـنّت تحریـف شـده دینـی مـورد ظلـم واقع می‌شـوند.

### ۱-۶-۲. رویکردهای مساجد در جامعه مدرن به معنای غربی

در جامعـه‌ای کـه مدرنیسـم و رویکـرد بـه آن شـکل غربی غالب اسـت مسـاجد دو روش را می‌تواننـد اتّخـاذ کننـد:

#### الف) روش محافظه‌کارانه

«جهـت فرآینـد نوسـازی بـدان سـمت اسـت کـه بخشـی عمـده از کارکردهـای اجتماعـی مسـجد را بـه نهادهـای عرفی تحویـل کند و مسـجد فقط کارکرد نیایشـی داشـته باشـد».[1] چرا کـه تجـدّد و مدرنیسـم بـه همـه پدیده‌هـا، حتّـی به پدیـده دین و تقـدّس، نگاهـی زمینـی دارد. ایـن نکتـه البتّـه به معنای ضدیّـت با مـاورا و انکار آن نیسـت، بلکـه بـه معنـای نگریسـتن بـه پدیده‌هایـی از جملـه مـاورا بارویکـرد زمینی و عینـک مـادّی (عرفی‌سـازی) اسـت. «در چارچـوب رهیافـت محافظه‌کارانـه تـلاش می‌شـود مسـجد در عیـن کارکردهـای نیایشـی، بخشـی از شـکاف‌های کارکـردی دیگـر نهادهـا مثـل تأمیـن اجتماعـی، آمـوزش و پـرورش، خانه‌هـای جوانـان، نیروی انتظامـی، قـوّه قضائیـه یـا در صـورت جنـگ، نهادهـای دفاعـی را پر کند. مسـجد در ایـن حـال، محلّـی بـرای تغییـر وضع موجـود نیسـت، بلکه بـه جامعه کمـک می‌کند تـا امـور آن بهتـر اداره یـا از بحران‌هـای آن کاسـته شـود. در ایـن چارچـوب، وعـظ و خطابه‌هایـی کـه در مسـجد عرضـه می‌شـود و نیز گروه‌هایـی کـه در حول‌وحوش آن شـکل می‌گیرنـد، متوجّـه کاهـش رنج انسـان‌ها هسـتند».[2]

«ایـن امـر البتّـه از مخالفـت بنیـادی نوسـازی و تجـدّد با دین ناشـی نمی‌شـود،

---

[1]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدّد، ص۱۴۷.
[2]. همان، ص۲۴۷.

بلکـه در اصـل، نوسـازی در جهـت ایجـاد نهادهای تخصّصـی برای پاسـخ دادن مداوم و بهینـه بـه نیازهـای مردم اسـت. بسـیاری از کارکردهای اجتماعی مسـجد در دنیای امـروز بـه نهادهایـی کـه جامعـه چـاره‌ای بجـز ایجـاد، تقویّت و گسـترش آنهـا ندارد، تحویـل شـده‌اند و از ایـن جهت حتّـی اگر مسـاجد بخواهند نقش اجتماعی مسـتقیم داشـته باشـند اوّل، ناچـار بـه محـدود کردن ایـن نقش‌ها هسـتند. دوّم، خـود را فقط بایـد بـه صـورت یکـی از نهادهـای عرضه‌کننـده آن خدمـات و کارکردهـا (و نـه فقط عرضه‌کننـده آنهـا) معرّفـی کنند و سـوّم آنکـه، در محـدوده همان کارکردهـا می‌باید بـه نحـوی تخصّصی بـه موضوعات (حتّـی وعظ و خطابـه) بپردازند تا بتواننـد در کنار رقبـای جـدّی بـه رقابـت بپردازند».[1] آنچـه گفتـه آمـد البتّـه تحلیـل وضع مسـاجد با رویـه محافظه‌کارانـه در هـر جامعه مدرن اسـت.

**ب) روش لیبرال**

«در چارچـوب رهیافـت آزادی‌خواهانـه، از دین نیـز تصویـری آزادی‌خواهانه عرضه می‌شـود. همچنیـن دیـن و دیـن‌داری در شـرایطی آزاد معنا می‌شـوند. انسـان مؤمن در ایـن شـرایط، انسـانی اسـت کـه مختارانـه و آزادانـه بـدون هیچ‌گونه اکراه و فشـار، بـه نگرش‌هـای دینـی بـاور دارد و رفتارهـای دینـی از خـود بـروز می‌دهـد. قواعـد بـازی میـان دیـن‌داران، همـان قواعـد بـازی لیبرالاسـت، بـه حدّاکثر رسـاندن آزادی فـرد ( دیـن‌دار) و بـه حدّاقـل رسـاندن اجبارهـای اجتماعـی(از جمله جامعـه دینی). بـر اسـاس رهیافـت لیبـرال، مسـجد، مرکزی دینی اسـت که افـراد به نحـو داوطلبانه و مختارانـه بـه آن می‌پیوندنـد و نـه خـود هیـچ اجبـار و اکراهـی را در چارچـوب فعّالیّت‌هـای مسـجد می‌پذیرنـد و نه اجبـار و اکراهـی را بر دیگران تحمیـل می‌کنند. هـر آنچـه هسـت، توافق‌هـا و قراردادهایـی اسـت که جمـع مؤمنـان آنها را بر اسـاس قواعـد بـازی دمکراتیـک میـان خـود وضـع می‌کنند.

در ره‌یافـت لیبـرال، مسـجد هـم از حیث روال‌هـای درونی و هـم از حیث تنظیم روابـط خـود با دیگـر مراکز و مؤسّسـات، قواعد بـازی آزادی‌خواهـی را رعایت می‌کند

[1] . باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدد، ص۲۴۸.

و در هیـچ یـک از رفتارهـای خـود از اصـل آزادی، مختارانـه و داوطلبانـه بودن حضور افـراد در انـواع فعّالیّت‌هـا (چـه نیایشـی و چـه اجتماعی) عـدول نمی‌کنـد. همچنین در فعّالیّت‌هایـی کـه مسـتلزم اکـراه و اجبـار افـراد باشـد، بـه هیچ‌وجـه مشـارکت نمی‌نمایـد. لیبـرال بـودن در اینجـا بـه روش عمـل مسـاجد اطـلاق می‌شـود و نـه بـه محتـوای آموزش‌هایـی کـه در آنهـا عرضـه می‌شـود. طبیعـی اسـت که مسـاجد، عرضه‌کننـده آموزش‌هـای دینـی و محـلّ ذکـر و عبـادت باشـند و بـه انـواع نیازهای مؤمنـان توجّـه کننـد، امّا همین امـور از طریق روش‌هـای گوناگون تحقّـق پذیرند. به عنـوان مثـال، هـر واعـظ می‌توانـد بـه نحـوی صلح‌آمیز بـه عرضـه باورهـا و اعتقادات دینـی اقـدام کنـد و کار خـود را به قلمـرو داوطلبان و افـرادی کـه از روی اراده حضور در مسـجد پیـدا کرده‌انـد، محـدود کنـد؛ امّـا در مقابـل، واعـظ دیگـری ممکن اسـت بـرای دعـوت افـراد بـه ایمـان و امر به معـروف یا نهـی از منکـر، به خشـونت و اعمال قهرآمیز نیز متوسّـل شـود.

تناقـض نمـای دعـوت دینـی در همین جاسـت که ظهـور می‌کند. دعـوت دینی، اگـر بخواهـد تـا عمـق جـان افـراد نفـوذ کنـد، به‌طـور طبیعـی نمی‌توانـد همـه افراد جامعـه را تحـت تأثیـر قـرار دهـد؛ امّـا دعـوی تنهـا حقیقـت ممکـن بـودن و تـلاش بـرای اعمـال تأثیـر قهـری هـر سـبک و روشـی را مجـاز می‌داند و بـا اصالـت دادن به ادای تکلیـف قائـل به نتیجه نیسـت. مسـاجد، به عنـوان کانون دعوت اسـلامی از یک سـو نمی‌تواننـد قلّـت مخاطبـان را بپذیرنـد و از سـوی دیگـر، نمی‌تواننـد بـه مؤمنان ظاهرگرایـی کـه فقط براسـاس نظـام پاداش‌ها و تنبیهـات به آنهـا رو می‌کنند، قناعت کننـد. از آنجـا کـه مسـجد می‌خواهـد تجلّـی بیرونـی و محـلّ ظهـور انـواع تجلّیـات ایمـان باشـد، به‌طـور طبیعـی کار دشـواری بـر عهـده گرفتـه اسـت؛ چـرا کـه ایمان، پدیـده‌ای درونـی و دل‌بسـته اسـت کـه عینیّت یافتن آن هـم می‌توانـد تهی‌کننده آن از معنـا باشـد و هـم می‌توانـد بسـتر رشـد و معنا یافتـن آن قـرار گیرد».[1]

شـاید ایـن نـوع از مسـاجد، همـان چیزی باشـد کـه اکنون در مـد آرمانـی جامعه مدنـی غربـی از آن تعبیـر به سـازمان داوطلبانـه غیردولتـی از نوع مذهبـی می‌گردد.

[1]. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدّد، ص۲۴۸.

مساجد این‌گونه را هم‌اکنون فقط می‌توانیم در جوامع غربی که مسلمانان در اقلیّت هستند، بیابیم. اصول و قواعد دموکراتیک در بین این مسلمانان به علّت زندگی در غرب نهادینه شده است و از سویی، بسترهای لازم برای حفظ هویّت دینی آنان فراهم است تا در قالب تشکّل‌های خصوصی و غیردولتی- تا آنجا که مخلّ آزادی‌های دیگران نباشند- و همچنین مشروعیّت نظام‌های حکومتی را به چالش نکشند به فعّالیّت‌های مورد علاقه خود بپردازند.

امّا چنین مساجدی به علّت بومی نبودن مدل مدرنیسم و جامعه مدنی به معنای غربی آن در جوامعی چون ایران قابل احداث نیست. به این لحاظ، تحلیل نقش مساجد و پایگاه‌های دینی در جوامعی چون ایران که دارای جمعیّتی قریب به اتّفاق، مسلمان است و دین بر مصدر حکومت قرار دارد، با توجّه به ویژگی‌های خاصّ دین اسلام (از ادّعای جامعیّت آن) احتیاج به مدل نظری دیگری دارد.

**۲-۶-۲. کارکردهای مساجد در جوامعی چون ایران**

برای تحلیل نقش مسجد در هر جامعه با اکثریّت مسلمان که هنوز به توسعه به معنای غربی آن دست نیافته است، باید به نوع هویّت دینی آن جامعه توجّه نمود؛ چرا که مسجد در وهله اوّل پایگاه دینی جامعه مسلمان محسوب می‌گردد. محمّد قوچانی (۱۳۷۹)، جامعه‌شناس ایرانی، سه نوع هویّت دینی را در یک جامعه دینی شناسایی کرده است:

**الف) هویّت دینی اعتقادی**

«اگر از هویّت دینی اعتقادی انتظار اعتقاد به معنای حقیقی و راستین آن را داشته باشیم باید بگوییم که هویّت اعتقادی، جز در هنگامه‌های توّلد ادیان، به وجود نمی‌آید؛ چرا که در هنگامه‌های مذکور (صدر ادیان)، اوّل، سطح اعتقاد به سطح دانش بوده است و در نتیجه اعتقاد دین در مصافی برابر، بر اعتقادات ضدّدینی و غیردینی پیروز شده است؛ دوّم، در این پیروزی هیچ کاتالیزور و تسریع‌گر خارج از مداری وجود نداشته است. نه آیین و عرف، جبرکننده پنهان

دیـن‌ورزی اجتماعـی بوده اسـت و نه دولت و قدرت، اجبارگر رسـمی و آشـکار تکوین هویّـت دینـی مذکـور؛ بلکـه موانع عمده‌ای بر سـر راه ایجـاد هویّت مزبور ایجاد شـده است... .

امّـا پـس از تولّـد یـک اعتقـاد (از جملـه اعتقـادات دینـی) بـه تدریج دفـاع از آن اعتقـاد نـه یـک کار انقلابـی، بلکـه کاری ارتجاعـی می‌شـود. در شـرایطی کـه یـک اعتقـاد در نتیجـه یـک انقلاب (سیاسـی یـا فکـری) متولّد می‌شـود، چگونـه می‌توان از تبدیـل آن بـه ارتجـاع سـخن گفت؟ مقصود ما از ارتجاع در اینجا نسـبتی اسـت که آن اعتقـاد بـا رقیبـان خـود می‌یابـد. او در مصـاف بـا رقیبان خـود، چنـان می‌کند که رقیبـان دیـروز بـا او می‌کردنـد و حتّی در شـرایط بحرانـی با رقیبان درونـی خود بدتر از رقیبـان بیـرون خـود عمـل می‌کنـد. به این معنـا که بـاز تولید کننـدگان اعتقادات دینـی را از خـود می‌رانـد؛ چرا که بـه تدریج در سـطوح عالی اعتقاد مذکـور، طبقه‌ای از نخبـگان حـوزه قـدرت یـا معرفت شـکل می‌گیرنـد که بازتولیـد اعتقاد دینـی را در حکـم کفـر یـا طغیان می‌شـمارند و در نتیجه یـک «ایدئولوژی» به ضـدّ «ایدئولوژی» تبدیـل می‌شـود و از حرکـت بـاز می‌ایسـتد و دیگران را هـم از حرکت، انـذار می‌دهد و تحذیـر می‌کنـد. در چنیـن شـرایطی حفـظ هویّـت دینـی موجـود جامعـه، شـرط بقـای حاکمیّـت دینـی موجـود اسـت و ایـن دو نسـبتی مسـتقیم بـا هـم دارنـد. از آن پـس، بـر خـلاف شـرایط تأسـیس ایدئولـوژی، ترویـج ایدئولـوژی دارای کاتالیزور حکومتـی می‌شـود و اعتقـاد نـه حـول دانـش، بلکه حـول قدرت شـکل می‌گیـرد. در نتیجـه، وجـود آن اعتقـاد و هویّـت اعتقـادی نیـز هم بسـته بـه وجود دولـت و قدرت دینـی اسـت؛ چنان‌کـه گمـان مـی‌رود بـا زایل شـدن دولت دینـی هویّت ایـن جامعه نیز از دسـت رود.

از سـوی دیگـر، ایـن همبسـتگی دیـن و دولت دینی سـبب می‌شـود کـه هر نوع ناخشـنودی و زدگـی از دولـت دینـی بـه دیـن دولتـی نیز تسـرّی یابد و چـون یکی در معـرض برافتـادن قـرار گیـرد، دیگـری نیز چنیـن می‌گردد».[1]

چنیـن رویکـردی بـه دیـن و بـه تبـع آن بـه پایـگاه دیـن در جامعه (مسـجد) را

[1]. قوچانی، محمّد، یقه سفیدها (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، ص ۱۸۰.

به‌طـور واضـح در سـال‌های ابتدایـی پیـروزی انقـلاب اسـلامی ایـران شـاهد بودیـم. مسـجد، در نقـش شـوراهای محلّـی ظهـور پیـدا کـرد و حتّی فراتـر از آن بسـیاری از سـازمان‌های دولتـی در فضـای مسـجد، در عرضـه خدمـات بـه جامعه سـعی نمودند. تشـدید چنیـن اوضاعـی را در دوران جنـگ هشـت سـاله می‌تـوان مشـاهده نمود.

امّـا بـا پیچیده‌تـر شـدن انتظـارات از دولـت و حکومـت و بـروز ضرورت‌هـای توسـعه‌ای، بـه خصـوص در سـال‌های پـس از جنـگ و تغییـر فضـا و دیـد جامعـه به حکومت، این نقش مسـجد کم‌رنگ‌تر شـد و مسـاجد در سلسـله مراتب سـازمان‌های حکومتـی تنـزّل پیـدا نمـود و نقش‌هـای کنـار بـه آن محـوّل گردید.

به‌طـور کلّـی، نمودهای عینی تأثیر هویّت دینی اعتقادی در نهاد دینی مسـجد را در اشـکال زیـر می‌تـوان یافت؛ مسـاجد کانون اسـتقرار پایگاه‌های سـازمانی حکومتی بـه نـام «بسـیج» می‌گردند یـا در بسـیاری مواقـع حقوق شـهروندی برای افـرادی به رسـمیّت شـناخته می‌شـود که مسـاجد «صلاحیّت» آنـان را تأیید کننـد، بودجه‌های دولتـی بـرای مسـاجد در نظـر گرفتـه می‌شـود، انـواع سـازمان‌ها و وزارتخانه‌هـای دولتـی دخیـل در برنامه‌ریـزی مسـاجد و نظارت بـر آن می‌گردنـد و جز آن.

**ب) هویّت دینی آیینی**

«اگـر جامعـه‌ای در رویکـرد خـود بـه سـوی دیـن، آنچـه را می‌خواهـد در «آیین» بجویـد، «هویّـت دینـی» آن جامعـه و «هویّـت دینـی آیینـی» نـام دارد و مهمّ‌تریـن صفـت مشـخصّه جامعه مذکـور، عامّ بـودن به آیین‌های دینی برشـمرده خواهد شـد. ایـن رویکـرد، رویکـرد خودآگاهی نیسـت و به‌طور معمول در مقایسـه بـا رویکردهای اعتقـادی بـه دیـن متاخّـر اسـت؛ چـرا کـه پـس از اعتقـاد آوردن اعضـای جامعـه بـه دیـن، بـه تدریـج دینـی بـودن ویژگی بدیهـی آن جامعـه تلقّـی می‌شـود و در نتیجه، امـکان خـروج آن جامعـه از دیـن خـود بـه خـود محـال می‌گـردد؛ در ایـن امـکان محـال، بیـش از همـه عـرف نقـش دارد. عـرف بـا هضـم دیـن بـه عنـوان درون مایـه خـود، جـرأت و جسـارت عرف‌شـکنی و سنّت‌شـکنی را از جامعـه سـلب می‌کنـد و نقطـه آغـاز آفرینـش، نقطـه خلـق هویّـت کنونی بـوده و از قبـل موجود نبوده اسـت.

در ایـن جامعـه همـه مـادرزاد دین‌دارنـد و هیچ‌کـس پرسشـی از چرایـی و حتّـی چگونگـی دیـن‌داری خـود نمی‌کنـد؛ امّا همه دیـن‌داری اینان در عمل بـه آداب دینی جلوه‌گـر می‌شـود و جـد و جهـدی در فهـم دیـن بـه عمـل نمی‌آیـد. هویّـت دینـی آیینـی مهمّ‌تریـن پایـگاه اجتماعـی خویـش را در میـان توده‌هـا می‌یابـد و توده‌ها نیز مهمّ‌تریـن عامـل تـداوم ایـن هیئـت در طول تاریـخ به شـمار می‌روند. نسـبت هویّتی دینـی آیینـی، بـا هویّـت دینـیِ آرمانـی، نسـبتی دوگانـه اسـت: از سـویی آنـان دین را در کمـال سـادگی در می‌یابنـد، از ایـن‌رو، بـا ماهیّـت تـوده‌ای دیـن ارتباطی آشـنا دارنـد، از سـوی دیگـر، بـا افـزودن خلقیّـات خویـش بر دیـن، آن را عـوض می‌کنند و پیچیـده و ناخالـص می‌کننـد. زنـگار زمان بـر دین آیینی بیـش از هر نـوع دیگر دین، پیرایـه می‌بنـدد. دیـن آیینـی به آسـانی در معـرض برافتادن اسـت؛ چرا کـه این نوع دیـن به‌طـور معمـول، از آن پیـران سـر به زیر اسـت و چون مسـتند به دلیـل و یقین نیسـت، بـه سـهولت مقهـور رقیبان می‌شـود».[1]

نمودهـای عینـی چنیـن وضعـی در جامعـه التقاطـی چـون ایـران، رقابـت رادیو تلویزیون در برنامه‌های وعظ و خطابه و مداحی با مسـاجد اسـت. اکنون شـاهدیم که تلویزیـون بـا عرضـه مطلوب‌تـر ایـن محصـولات به تـوده، مسـاجد را خالـی نموده‌اند. در ایـن زمینـه، روحانیّـت و متولّیـان مسـاجد هـم بـا کـم‌کاری و اغفـال از تغییـرات محیطـی و حتّـی مشـغول شـدن بـه امور حکومتـی و اجرایـی، قصوری نـه چندان در خـور اغمـاض داشـته‌اند و بـا ایـن اهمـال خویش بـه بدعتی بسـیار بزرگ رضـا دادند و آن تنـزّل معنـای دیـن و دیـن‌داری در جامعـه بـه ادای صِـرف مناسـک و آیین‌های عبـادی، چـون عـزاداری و مدّاحـی و غیره اسـت که البتّه این شـکل از ادای مناسـک حتّـی بـا اصـل و فلسـفه مناسـبت‌های اجـرای ایـن آیین‌ها در تضـادّ و تناقض اسـت. بـه عبـارت دیگـر، در وضع کنونی جامعه، شـواهد بسـیار جدی وجـود دارد که هویّت دینـی جامعـه، نـه فقـط از هویّـت ایمانی تنـزّل یافتـه، بلکه حتّـی پایین‌تـر از هویّت اعتقـادی، بـه هویّت آیینی اکتفا شـده اسـت.

در آسیب‌شناسـی ایـن نـوع دیـن‌داری، کافـی اسـت هـر فـردی با انـدک وجدان

[1]. قوچانی، محمّد، یقه سفیدها (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، ص۱۸۲.

بیدار و عقل سلیم (حتّی غیر مسلمان) از خود بپرسد آیا امام حسین علیه‌السلام بدین علّت حماسه عظیم عاشورا را خلق کرد که اکنون فقط در دهه عاشورا برای یادبودش این‌گونه مراسم برپا دارند و حتّی لحظه‌ای هم از اهداف و نیّات امام حسین علیه‌السلام و از اقدام به چنان قیامی سخنی به میان نیاید؟ به راستی اکنون به‌طور عملی امام حسین در جامعه اسلامی نقشی چون مسیح را یافته است که کشته شد تا گناهان عزادارانش را به دوش بکشد و آنان را از عذاب برهاند! در این مورد، دردناک‌تر آن است که نقش مساجد را در ترویج فرهنگ اصیل عاشورا در قبل از انقلاب و دوران دفاع مقدّس به یاد بیاوریم و آن وضع را با انحطاط کنونی مقایسه کنیم.

استاد مرتضی مطهّری، با دید بسیار تیزبین و نقّاد خویش در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: نگاهی به وضع مسجد نشان می‌دهد که بعد از انقلاب، اغلب مساجد خلوت شده است. علّت اوّلیه این امر این است که تا قبل از پیروزی انقلاب، مساجد به بهترین نحو، نقش انقلابی خود را انجام می‌دادند و در آنها همان مسائلی مطرح شد که مردم خواستار بودند؛ امّا بعد از پیروزی، مساجد خود را با این تغییر هماهنگ نکردند. اکنون ضرورت احیای مسجد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. البتّه لازم است در کنار مساجد، رادیو و تلویزیون هم برنامه‌های مذهبی داشته باشند. احزاب اسلامی و کانون‌های تعلیمات سیاسی و مذهبی هم باید تشکیل شود. مردم از طریق این کانون‌ها می‌باید تعلیمات و آموزش‌های سیاسی ببینند؛ امّا اگر همه این نهادها جای مسجد را بگیرند، آن وقت فاجعه پدید می‌آید. راه جلوگیری از این فاجعه تعطیلی این نهادها نیست، بلکه مساجد هستند که باید در وضع خود تجدیدنظر کنند. (مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم) عجیب‌تر از این است که این‌گونه رفتارهای متباین با سنّت اصیل اسلامی از سوی نهادها و ارگان‌های داعیه‌دار دفاع از سنّت و ارزش‌ها ترویج می‌گردد و یا حدّاقل به دیده اغماض نگریسته می‌شود؛ در حالی که همین نهادها و جمعیّت‌ها در مقابل جرقه‌های فکری و اندیشه‌ای نقاد، با قدرت تمام مقابله می‌کنند و این

حرکت‌های فکری را بر نمی‌تابند و با اعمال قدرت سرکوب‌گرانه (و نه مقابله به مثل از راه خردورزی و دفاع عقلانی) با این تلاش‌ها برخورد می‌نمایند.

**ج) هویّت دینی ایمانی**

«هویّت دینی ایمانی، امّا بیش از هر چیز با «فردیّت» انسان‌ها تناسب دارد و محصور در زمان و مکان خاصّی نیست. این نوع هویّت در هر زمان امکان بروز می‌یابد و در عین حال، کمترین اثر را از زمان می‌یابد؛ چرا که عوامل مقوم خود را از خارج دین نمی‌جوید. دانش، قدرت، عرف و آیین، هیچ یک یگانه عامل موجده هویّت دینی ایمانی نیست. هرچند ایمان با هر یک از آنها نسبت‌هایی دارد، امّا بسته و بنده آنها نیست. دخول دین‌داران و دین‌باوران به حوزه ایمان از مصدر جامعه (مانند دین آیینی) یا دولت (مانند دین اعتقادی، در مرحله ثانویّه) نیست، بلکه هر فرد به تنهایی وارد عرصه دین می‌شود و پرسش‌گرانه از کفر می‌آغازد و یا به ایمان می‌رسد و از این لحاظ تا حدودی شبیه هویّت دینی اعتقادی در مرحله اوّلیه (تأسیس اعتقاد) است؛ امّا برخلاف هویّت دینی اعتقادی، توافق دین‌داران در هویّت دینی ایمانی با دین، توافقی اجمالی است نه تفصیلی. این توافق، توافق بر سر مبدأ و معاد است و نه به‌طور الزامی بر سر مسیر و طریق، چنان‌که هویّت اعتقادی ترسیم می‌کند.

هویّت دینی ایمانی چون به میل ـو نه اکراه‌ـ زاده می‌شود و چون از فرد به جامعه حرکت می‌کند، نه از جامعه یا دولت به فرد، سیری صددرصد طبیعی دارد. در جامعه‌ای که چنین هویّتی زاده شود هیچ نیازی به ممیزی دولت بر عوامل ضدّمذهب نیست. متضادترین رسانه‌ها با دین در ظلّ جامعه دینی ایمانی و در ظلّ حکمت دینی ایمانی اجازه حیات دارند و حتّی به ادامه حیات تشویق می‌شوند؛ چرا که بر فربهی و فرهمندی دین می‌افزایند؛ آن را به باز تولید وا می‌دارند و نوآمد و نوروزگار می‌سازند. بنابراین، به‌طور طبیعی، «ایدئولوژی دینی» نیز از تبدیل به صورت ارتجاعی ایدئولوژی (هویّت دینی اعتقادی) در امان خواهد ماند؛ چرا که در تمام دوران حاکمیّت خود از رقابتی برابر حمایت می‌کند

و از بـر بـاد رفتـن ایمـان مـردم و قـدرت خـود در هراس نیسـت؛ چون می‌پنـدارد که اگـر ایمانـی بـر بـاد رفتنی اسـت، دیر یـا زود بر بـاد خواهد رفـت و اگر ایمان سسـت بنیـاد مذکـور چنان گذرا باشـد، قدرت مسـبوق بدان نیـز دوچندان گـذرا خواهد بود. چنیـن هویّتـی در حقیقـت برخاسـته از معرفتـی اسـت کـه فهـم را با نسـبیّت محک می‌زنـد و معتقـد اسـت کـه نمی‌تـوان هیـچ عقیـده باطلـی را از گزنـد حـقّ در امـان داشـت. بنابرایـن، شـاید بتوان گفـت هویّت دینـی ایمانـی دیرپاتریـن و پویاترین نوع هویّـت دینی اسـت».[1]

ضـرورت چنیـن رویکـردی بـه مسـاجد و در کلّ مسـئله دین و دیانـت در جامعه امـروزی، بیـش از هـر چیـزی در ماهیّـت «جهـان امـروز» نهفتـه اسـت. عصـر امروز مشـخصّه‌های بـارزی چـون عصـر پایـان ایدئولوژی‌هـا، چالش‌هـای معرفت‌شـناختی، گسـترش ارتباطـات (کـه دنیـا را بـه دهکـده‌ای تبدیل کـرده اسـت) و رقابـت برابر و نابرابـر فرهنگ‌هـا در سـطح جهانـی، دارد. بشـر امـروز هم‌اکنـون وسـعت دیـدی بـه پهنـای همـه دنیـا و تاریخ یافته اسـت و به مـدد ارتباطـات جهانی، گزینه‌های بسـیار متنوّعـی را نـه فقـط در اقتصـاد، بلکه در پـی آن در همه ابعاد دیگـر زندگی اجتماعی، فرهنگـی، سیاسـی و غیـره امـروزی یافتـه اسـت؛ به‌گونـه‌ای کـه گاهـی آدمـی دچار سـردرگمی در انتخـاب مقصـود خویـش می‌گـردد... هـر متاعـی بـرای عرضـه و هیچ قدرتـی بـرای تحمیـل نـدارد، بلکه باید بـا رقابت با دیگـر عرضه‌کنندگان، انسـان آزاد امـروزی را قانـع کنـد. در ایـن فضـا حتّی «توسـعه» (چالـش بنیادیـن جوامعی چون ایـران) نیـز بـه مثابـه آزادی معنـا می‌گـردد و راه توسـعه از مسـیر آزادی می‌گذرد. به عبارتـی دیگـر، توسـعه عصـاره امکان‌های آزادی اسـت.

پویایـی نهفتـه در چنیـن رویکـردی بـه دیـن و توسـعه می‌تواند برای هـر جامعه توسـعه‌نیافته، چـون ایـران، مدلـی بومی از توسـعه را به ارمغـان آورد. بنابرایـن، ما نیز مـدل مطلـوب کارکرد (رسـالت) مسـاجد را نیـز با توجّه بـه این رویکـرد دینی مطرح خواهیـم کرد.

[1]. قوچانی، محمّد، یقه سفیدها (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، ص۱۸۳.

## ۷-۲. نتیجه

مهم‌ترین چالش پیش روی مساجد در دوران معاصر، ناکارآمد شدن نقش آن در جامعه سرگردان میان سنّت و تجدّد است. کسادی و از رونق افتادگی کنونی شایع در مساجد از آن روست که در دو دهه اخیر تغییرات محیطی چشم‌گیری در جامعه رخ داده است: تمایل به بهره‌گیری از دستاوردهای تجدّد (که گریزی از آنها هم نیست) در جامعه سنّتی باعث گردیده تا مظاهر اجتماعی مدرن به جامعه راه یابد؛ حال آنکه مشابه چنین مظاهری در پرتو سنّت اصیل اسلامی موجود بوده است. در این صورت به علّت پیاده شدن الگوهای اجتماعی متجدّد، کارکردهای اجتماعی نهادهای سنّتی به نهادهای مدرن تحویل شد؛ بدون آنکه برای ظرفیّت خالی شده نهادهای سنّتی تدبیری اندیشیده شود. در عین حال، مساجد و متولّیان مساجد که برابر این رخدادهای شگرف محیطی، بی‌توجّه بوده و سرگرم وظایف سنّتی خویش بودند و هنگامی که نبود اقبال عموم را حسّ کردند به جای جست‌وجوی علّت اصلی، معلول‌ها را دیدند و سعی در مبارزه با معلول‌ها نمودند. حتّی در این راه، دچار خطای ادراکی شده و گاهی دین‌گریزی! را در جامعه علّت نبود اقبال به مساجد برشمردند؛ در حالی که تحقیقات علمی نشان‌دهنده مطالب دیگری است و آن اینکه میزان دین‌داری در جامعه بسیار بالا است؛ امّا تجلّی و نوع دین‌داری در مقایسه با گذشته تفاوت یافته است و جامعه، به‌ویژه نسل جوان در پی الگوهای ایمانی هویّت دینی برای خویش هستند؛ امّا متأسّفانه مساجد به عنوان مراکز دینی از پاسخ‌گویی به چنین نیازی عاجزند.

مؤیّد این ادّعا گزارش آماری وزیر فرهنگ و ارشاد در اجلاس سراسری نماز در اصفهان است که نکات برجسته آن در زیر مطرح می‌شود:

«در حوزه باورها و اعتقادات (پای‌بندی‌هایی مثل توحید و آخرت، ایمان به غیب و تجربه دینی) ۹۴ درصد مردم به صراحت بر اعتقادات دینی خود تأکید کرده‌اند و شش درصد بقیه نیز به‌طور مطلق این باورها را انکار نکرده‌اند.

در باب شکل مناسکی (رفتاری) دین‌داری و ظهور و بروز باورها، نسبت مستقیمی بین نوع فعّالیّت مذهبی و سطح سواد به چشم می‌خورد. برای نمونه،

هرچـه سـطح سـواد در افـراد افزایـش پیـدا می‌کنـد، خواندن قرآن بیشـتر می‌شـود، در حالـی کـه ایـن نسـبت در رفتـن بـه جلسـه قـرآن رونـد نزولـی می‌یابـد. ایـن امر می‌توانـد ناشـی از گسـترش فردیّـت در وضـع کنونـی جامعـه و عالـم باشـد و یـا از ایـن امـر ناشـی شـود کـه جلسـات دینـی و مذهبی ما متناسـب بـا شـرایط اجتماعی و فرهنگـی متحـوّل نشـده‌اند و یـا آمـوزش قـرآن بـا شـیوه‌هایی جدیـد نیـازی بـه رفتـن بـه جلسـه قرآن بـرای آموختـن ندارد. شـاید یکـی از علّت‌هایش این اسـت که مـا متناسـب بـا شـرایط جدیـد اجتماعـی امکانـات، نهادهـا و تشـکّل‌های جدیدی را طرّاحـی نکـرده و یـا برای شـکل‌گیری آن سیاسـت‌های مشـخصّی طرّاحـی نکرده‌ایم و غیـره فـرد بـا سـواد بیشـتر در جلسـات سـخنرانی شـرکت می‌کنـد، در حالـی کـه سـایر افراد بیشـتر بـه مجالس عزاداری (بـدون سـخنرانی) می‌رونـد. تحصیل‌کردگان در برنامه‌هـای مذهبـی در محـلّ کار بیشـتر حضـور پیـدا می‌کنند. در حالـی که افراد بـا سـطح تحصیـلات پایین‌تـر بیشـتر در نمـاز جماعـت مسـاجد شـرکت می‌کننـد. البتّـه ایـن قاعـده کلّـی نیسـت و برخـی مسـاجد بـا توجّـه بـه موقعیّـت مکانـی و یـا شـأنیّت علمـی امـام جماعـت، پایـگاه تحصیل‌کرده‌هـا اسـت».

بسـیاری از ضعف‌هایـی کـه در تحقیقات میدانی به آنها اشـاره شـده اسـت، همگی شـاید معلول‌هـای چنیـن علل و شـرایطی باشـند. ایراد به نحـوه عملکـرد هیئت‌های امنـا و چگونگـی نگرش‌هـا و دیدگاه‌هـای اعضا به مسـائل روز جامعـه، ارجحیّت یافتن تعهّـد بـر تخصّـص بـه میزانـی کـه کارایـی اعضـای مسـجد را مورد سـؤال قـرار داده اسـت و نمی‌توانـد معیارهـای قابـل قبولی بـرای هدف مهـمّ عبادتگاه‌های مسـلمانان، یعنـی جـذب و تربیـت نسـل جدیـد باشـد. خطیبـان نـاآگاه بـه مسـائل روز کـه بـه جـای طـرح پرسـش‌ها و نیازهـای جوانـان و دادن پاسـخ‌های منطقـی بـه آنهـا، ایـن پرسـش‌ها را بـر نمی‌تابنـد. پرداختـن بـه مراسـم سـنّتی عـزاداری و روضه‌خوانـی بـه شـکل و شـمایل دو یـا سـه دهه پیش (فـارغ از محتـوای آن)، کیفیّت و کمّیت بسـیار نامطلـوب کتابخانه‌هـای اکثر مسـاجد (در مقایسـه بـا کتابخانه‌های دیگـر در جامعه)، برنامه‌هایـی کـه فقـط بـرای پیـران قابل اسـتفاده اسـت (و نه جوانـان امـروز در عصر اطّلاعـات) و در نهایـت، برخـورد نامناسـب و ناشـی از سـاختار سلسـله مراتبی نظامی

ارگان بسیج با بسیاری از مخاطبان همگی به این سبب است که ساختار فکری، اداری، اجرایی و محیطی مساجد در سال‌های گذشته به‌گونه‌ای بوده که همپای تحوّلات سریع و پرشتاب جامعه رشد نکرده و تا حدّ زیادی، سنّتی باقی مانده است. متأسّفانه تفکّر رایج در مساجد این بوده که جوانی که شایستگی آمدن به مسجد و شرکت در نماز جماعت و گوش سپردن به مجالس وعظ و تذکّر را ندارد، بهتر آن است که نیاید و به هر جا که می‌خواهد برود؛ مسجد باید از وجود جوانان بدفکر و بدکردار پاک باشد. این طرز فکر، اردوی مقابل مساجد را تقویّت کرده و مساجد را دچار ضعف بیشتری نموده است. در نتیجه، مساجد که روزگاری مرکز بحث و درس و تعلیم و عبادت، مذاکره و مباحثه علمی و دینی و اجتماعی بوده، اکنون به عبادتگاه‌های فصلی تبدیل شده است. جاهایی که فقط چند روز محدود در سال شلوغ است و بعضی از آنها توفیق آن را دارند که در بیشتر روزهای سال، نماز مغرب و عشا را با جماعتی چند نفره یا چند ده تن برگزار کنند.[1]

در همین معدود روزهای پر ازدحام مساجد نیز شاهدیم که چهره خشک و عبوسی از دین توسّط متولّیان معرّفی دین به جامعه عرضه می‌گردد. اکثر مراسم مساجد به مجالس ترحیم و عزا محدود می‌گردند. گویا فراموش کرده‌ایم که «مسجد متعلّق به زنده‌های درمانده از مادّیات هم هست».

از بُعدی دیگر، وضع موجود مساجد را با توجّه به انواع هویّت‌های دینی نیز می‌توان تحلیل نمود. با این رویکرد، باید اذعان نمود که هویّت دینی در جامعه کنونی، از نوع هویّت دینی اعتقادی و هویّت دینی رفتاری است و تاکنون هویّت دین مبتنی بر ایمان در جامعه شکل نگرفته است. مدل زیر، جایگاه مساجد را در جامعه با توجّه به این دو نوع هویّت دینی نمایش می‌دهد.

مساجد کنونی در جامعه طبق مدل به علّت محدود نبودن عملکردشان در هر یک از ابعاد سطح اعتقاد دینی و سطح رفتار دینی، اغلب در حیطه دایره

[1] . ر.ک به: مجلّه زائر، مرداد۱۳۷۹ ش، شماره۷۰، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب.

مشخّص شده قرار می‌گیرند و به ندرت ممکن است مساجدی در نقاط حدّی مدل وجود داشته باشد. علّت این امر نیز به میزان آگاهی نهفته در افکار عمومی جامعه بر اثر تکرار مداوم مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» ارتباط دارد. افکار عمومی جامعه در برابر متغیر مداخله‌گر در مدل «فرآنید بروز چالش‌ها» حسّاس شده و در پی راهکاری برای خروج از این فرآیند است. این وضع می‌تواند علامت وجود آمادگی برای تغییر در جامعه در مسائل مربوط به حوزه دین و مراکز دینی باشد که باید به عنوان فرصتی برای تغییرات مطلوب توسّط نخبگان و برنامه‌ریزان جامعه درک و از آن کمال استفاده شود.

### ۸-۲. مدل کارکرد مطلوب مسجد به عنوان یک NGO

با توجّه به ادبیّات پیش گفته، مدل مطلوب مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیرانتفاعی و غیردولتی از نظر محقّق، بر مبنای مدل مدیریت استراتژیک شایان طرّاحی است.

بر مبنای این مدل، مسجد به عنوان یک GON در هر منطقه جغرافیایی (مسکونی، تجاری، فرهنگی و غیره) طبق نیازسنجی و امکان سنجی از اجتماع دین‌داران و به صورت داوطلبانه به وجود می‌آید. چشم‌انداز مساجد در وضع مطلوب، فعّالیّت در هر جامعه دارای هویّت دینی مبتنی بر ایمان است. چنین مسجدی دارای کارکرد (Function به معنای علوم اجتماعی) یا همان رسالت (issionM به معنای علم مدیریت)، «کمک به تعالی انسان‌ها» است. مطابق با نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو، «رسالت» مسجد کمک به برآورده شدن نیازهای طبقه «خودشکوفایی» است. این نیاز «خودشکوفایی» در دو بعد قابل بسط است:

#### الف) در بُعد اعمال نیایشی

در بُعد نیایشی که یکی از جنبه‌های بسیار مهمّ نیاز خودشکوفایی است، مساجد می‌باید به «شکل‌گیری هویّت دینی مبتنی بر ایمان در جامعه» کمک کنند. مساجد به عنوان سازمانی داوطلبانه با ایجاد یک بستر مشارکتی و فراهم

کـردن آزادی لازم بـرای طـرح هـر نـوع پرسـش دربـاره چالش‌هـای امروزیـن دیـن، سـعی در حـلّ چالش‌هـای دیـن‌داری در دنیـای معاصـر می‌نمایـد.

ایـن چالش‌هـا برای مسـاجد به عنـوان یک NGO ماهیّتـی دوگانه دارنـد. از طرفی «تهدیـد» محسـوب می‌گردنـد؛ امّـا از بُعدی دیگر به سـبب آنکه زمینـه را برای ایجاد هویّـت دینـی مبتنی بـر ایمان فراهـم می‌کنند، بایـد «فرصت» تلقّی شـوند. از طرفی «تهدیـد» اصلـی بـرای مسـاجد، تبلیغ و گسـترش هویّت دینی آیینی از سـوی بعضی منابـع و تریبون‌هاسـت کـه دیـن را از ماهیّـت غنـی خویـش تهـی می‌سـازد و آن را مختـصّ بعضی ایّـام و مناسـبت‌ها می‌گرداند.

مهمّ‌تریـن نقطـه قـوّت مسـجد، همانـا دارا بـودن ماهیّـت بـه عنـوان یگانـه پایگاه دینـی اسـلام در جامعـه اسـت کـه افـراد جامعه از مسـجد به عنـوان چنیـن پایگاهی انتظـار دارنـد تـا هویّت دینی‌شـان را شـکل دهـد. باید توجّه نمـود که انـزوای کنونی مسـاجد نـه بـه علّت قـدرت رقبایی چـون تلویزیون و دیگر رسـانه‌های عمومی اسـت، بلکـه نشـانگر فقـدان اسـتفاده بهینه مسـاجد از چنین نقطه قوّتی اسـت. ایجاد بسـتر مناسـب بـرای پاسـخ‌گویی بـه چالش‌هـای طـرح شـده در برابـر دیـن و دیـن‌داری، بـا انـواع ابزارهـا و روش‌هـا، از جملـه «مدیریـت مشـارکتی و سیسـتم پیشـنهادها» و همچنیـن رعایـت اصول «مشـتری مـداری» نقاط «قوت» مسـجد به عنـوان NGO را تقویـت خواهنـد نمود.

در اوضـاع کنونـی، ناآگاهـی ائمّـه جماعـات از مسـائل مبتـلا بـه روز اجتمـاع در حیطـه دیـن، و یـا بدتـر از آن طـرد و انـکار طرح‌کننـدگان سـؤالات و چالش‌هـا در بـاره دیـن و دیـن‌داری، عمـل کردن صرف بـه وظایف سـنّتی و ناکارکرد شـده از نظر اجتماعـی در ایـن بُعـد، نقـاط عمـده «ضعـف» مسـجد را تشـکل می‌دهنـد؛ چـرا که بـا چنیـن عملکـردی، در نهایـت مسـاجد تبدیـل بـه پایگاه‌هـای ترویج هویّـت دینی اعتقـادی و یـا آیینـی خواهند شـد که ادامه کار مسـاجد بـا حفظ چنیـن موقعیّتی نه فقـط آن را بـه موقعیّـت درخـور شـأنش بـاز نمی‌گردانـد، بلکـه بـا توجّه بـه تغییرات محیطـی گسـترده در سـطح جهانـی (آن‌طور که ذکـر آن رفت) این کار همچون سـر بـه زیر بـرف بردن اسـت.

### ب) در بُعد فعّالیّت‌های غیرنیایشی

در بُعد فعّالیّت‌های غیرنیایشی، باز هم مبتنی بر یک بستر مشارکتی و آزادی‌گرایانه، اعضای داوطلبانه مسجد به عنوان یک NGO در قالب مدل مدیریت استراتژیک، به هر نوع فعّالیّتی که به «تعالی» اعضای سازمان کمک کند، دست می‌زنند. سازمان با شناسایی استراتژیک قابلیّت‌ها و توانایی‌های اعضای خودشکوفای خود، زمینه را برای ارضای این نیازها از طریق فعّالیّت‌های داوطلبانه فراهم می‌سازد؛ به‌طوری که این فعّالیّت‌ها در تحقّق رفع نیازهای استراتژیک اعضای دیگر سازمان که در طبقات پایین‌تر سلسله مراتب مازلو قرار دارند، باشد تا به صورت تدریجی با برطرف شدن این نیازها در آنان، نیازهای «خودشکوفایی» در این دسته از اعضا نیز به مرحله بروز برسند.

این زمینه برخی از «نقاط قوّت» مساجد را می‌توان به‌گونه زیر بیان کرد:

- پایگاه دینی بودن مسجد؛
- «عبادت» شمرده شدن این نوع فعّالیّت‌ها در قالب مسجد از طرف دین؛
- وجود آمادگی در اغلب افرد جامعه برای اجرای خدمات داوطلبانه در مسجد.

برای دست‌یابی به اهداف «سازمان مسجد» در این بُعد، مسجد و دست‌اندکاران آن باید سعی کنند این «نقاط ضعف» ذیل را اصلاح کنند:

- فقدان جامع‌نگری در فعّالیّت‌های جانبی مسجد؛
- ناآگاهی دست‌اندکاران مسجد به اصول مدیریت و رهبری؛
- ناآگاهی دست‌اندرکاران مسجد به تغییرات محیطی؛
- مشارکت ندادن اعضا در نیاز سنجی، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و غیره؛
- عدم رعایت اصول مشتری‌مداری؛
- فقدان ارتباط شبکه‌ای میان مساجد و در بعضی موارد رقابت میان مساجد.

همچنیـن کارایـی نداشـتن و اثربخشـی بسـیاری از سـازمان‌ها و نهادهـای موجود در جامعـه نیـز ممکـن اسـت بـه عنـوان «فرصتـی» بـرای مسـجد تلقّـی گـردد تـا با اسـتفاده از نقـاط قـوّت خـود، در پـی تکمیـل خلأهـای موجـود، اعضـای خـود را بـه سـمت «تعالـی انسـانی» سـوق دهد.

در ایـن راسـتا، وجـود سـاختار سلسـله مراتبی در سـازمان‌دهی مسـاجد از سـوی دولـت، مداخلـه ارگان‌هـای متعـدّد در امـور مسـاجد چون «مرکز رسـیدگی بـه امور مسـاجد»، «وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی»، «بسـیج»، «سـازمان حـجّ و اوقـاف و زیـارت» و بسـیاری دیگـر از نهادهـا و ارگان‌هـای دولتـی بـه مثابـه «تهدیـد» بـرای «مسـجد بـه عنـوان یک سـازمان دواطلبانه» به شـمار می‌رونـد؛ چرا کـه زمینه ایجاد احسـاس تعلّـق گروهـی به سـازمان داوطلبانه مسـجد را در اعضا از بیـن می‌برد. برای رفـع ایـن تهدیـدات ضـروری به نظر می‌رسـد تـا تمامی مسـاجد فعّال با تشـکیل یک شـبکه و کلّ واحـد و منسـجم فعّالیّـت نمایند تا زمینـه مداخله ارگان‌هـای متعدّد در امـور گوناگون مسـاجد از میـان برود.

رهبـری و هدایـت تمـام این مراحـل (که خطیرترین فعّالیّت اسـت) بـر عهده «امام جماعـت» بـه عنـوان مدیـر NGO در نقـش «رهبر سـازمان» اسـت. «امـام جماعت» در ایـن نقـش، بایسـته اسـت با کسـب خصوصیّات رهبـری و اجرای بهینـه این نقش، ایـن فعّالیّت‌هـا را رهبـری کند.

## » فصل سوّم: متدولوژی تحقیق

در ایـن تحقیـق سـعی بـر آن اسـت تـا از طریـق توصیفی و بـه روش پیمایشـی به سـؤال زیـر جواب داده شـود:

مسـاجد کنونـی موفّـق از لحاظ مـدل نظری کارکردهای (رسـالت‌های) هر مسـجد موفّـق در دو بُعـد فعّالیّت‌هـای نیایشـی و فعّالیّت‌های غیرنیایشـی در چـه وضعی قرار دارند؟

### ۳-۱) جامعه آماری تحقیق

جامعـه آمـاری ایـن تحقیق، مسـاجد موفّق تهران بزرگ در سـال ۱۳۸۳ ش اسـت. مسـاجد موفّـق در ایـن تحقیـق عبارت‌انـد از مسـاجدی کـه از نظر «مرکز رسـیدگی بـه امـور مسـاجد» در تهـران به عنوان مسـاجد موفّق شـناخته می‌شـوند.

### ۳-۲) نمونه آماری تحقیق

نمونـه آمـاری ایـن تحقیـق نیـز عبارت‌انـد از تعـداد ده مسـجد انتخابـی از میـان ایـن مسـاجد موفّـق کـه «مرکـز رسـیدگی بـه امـور مسـاجد» معرّفـی کـرده اسـت. سـعی شـد تـا نمونـه آمـاری به صـورت خوشـه‌ای معرّفی شـده باشـند؛ بـه نحوی که دو مسـجد در هـر منطقـه شـمال، جنـوب، شـرق، غـرب و مرکـز تهـران بـزرگ مورد بررسـی قـرار گیرنـد؛ امّـا بـا کمـال تأسّـف از میـان ده مسـجد انتخـاب شـده، تعداد شـش مسـجد بـه علـل گوناگـون، حاضـر بـه همـکاری نشـدند و یـا پرسشـنامه‌های توزیـع شـده به صورت بسـیار ناقص و مخدوش برگشـت داده شـد که بـه ناچار حذف شـدند. بنابرایـن، چهـار مسـجد باقـی مانـده نیـز فقط بـه صـورت «مطالعه مـوردی» (Study Case) بررسـی گشـتند.

### ۳-۳) روش جمع‌آوری اطّلاعات

اطّلاعـات مـورد نظـر از طریـق پرسـش‌نامه‌ای کـه میـان «دسـت انـدکاران» و «شـرکت‌کنندگان در فعّالیّت‌های نیایشـی و غیرنیایشـی» این مسـاجد توزیع گردید،

گـردآوری شـد. بدیـن طریق امکان مقایسـه پاسـخ‌های دو گروه «دسـت‌اندرکاران» و «شـرکت‌کنندگان» نیـز فراهـم آمد.

### ۱-۳-۳. متغیّرهای عملیاتی در بعد فعّالیّت‌های نیایشی

در بـاره «فعّالیّت‌هـای نیایشـی» مسـجد میـزان توفیق مسـجد، در پاسـخ‌گویی به سـه چالـش مطـرح در بـاره دین در عصـر حاضر و سـه نیاز عمده انسـان‌ها (به شـرح زیـر) مورد سـنجش قـرار گرفت:

۱ـ حلّ چالش علم و دین (= سؤالات ۱۱ و ۶)؛

۲ـ حلّ چالش دین و سیاست (= سؤالات ۱۰ و ۵)؛

۳ ـ حلّ چالش دین و توسعه (= سؤال ۴).

۴ ـ کمـک بـه رفـع احسـاس تنهایـی انسـان معاصر کـه شـامل متغیّرهـای فرعی زیـر بوده اسـت:

۱ـ۴. میزان کمک به برقراری روابط اجتماعی پایدارتر (= سؤال ۱۴)؛

۲ـ۴. ایجاد تعلّق گروهی به مسجد (= سؤال ۲)؛

۳ـ۴. ایجاد حسّ خوش‌بینی و اعتماد به دیگران (= سؤال ۹).

۵ ـ برآوردن نیاز به پرستش که شامل متغیّرهای فرعی زیر بود:

۱ـ۵. میزان ارضای نیاز به پرستش با شرکت در مراسم (= سؤال ۸)؛

۲ـ۵. نحوه برگزاری مراسم (= سؤال ۱۳)؛

۳ـ۵. میزان استفاده از مفاهیم ادعیّه در زندگی روزانه (= سؤال ۱۲)؛

۴ـ۵. علل حضور در مراسم‌های نیایشی مسجد (= سؤال ۳).

۶ ـ برآوردن نیاز به آرامش که شامل متغیّرهای فرعی زیر است:

۱ـ۶. صبر در برابر مشکلات (= سؤال ۱)؛

۲ـ۶. توکّل در امور (= سؤال ۱)؛

۳ـ۶. تسهیل در برقراری روابط اجتماعی (= سؤال ۱)؛

۴ـ۶. امید به زندگی (= سؤال ۱)؛

۵ـ۶. اعتماد به نفس (= سؤال ۱)؛

۶ـ۶. میزان تأثیر مسجد در دست‌یابی به آرامش (= سؤال ۷).

فرض محقّق بر این است که مساجدی که دارای نحوه عملکرد مطلوبی در مورد این شش متغیّر باشند، به احتمال فراوان به صورت آگاهانه و استراتژیک در تحقّق ترویج هویّت دینی مبتنی بر ایمان فعّالیّت می‌کنند و چالش‌های عمده مطروح در حوزه دین را می‌شناسند و در صدد چاره اندیشی‌اند.

### ۲-۳-۳. متغیّرهای عملیاتی در بُعد فعّالیّت‌های غیرنیایشی

از آنجا که مساجد معرّفی شده، مساجدی هستند که موفّق شناخته شده‌اند و فعّالیّت جنبی متعدّدی دارند، چهار ویژگی یک فعّالیّت استراتژیک در باره این فعّالیّت‌ها مورد پرسش قرار گرفت تا مشخّص گردد مساجد موفّق کنونی تا چه حدّ به صورت استراتژیک، فعّالیّت‌های جنبی خویش را تعیین و اجرا می‌کنند؟ این چهار ویژگی عبارت‌اند از:

۱ ـ میزان مشارکتی بودن فعّالیّت‌ها که شامل متغیّرهای فرعی ذیل است:

۱ـ۱. دستوری نبودن فعّالیّت‌ها و متأثّر نبودن از نهادهای سیاسی (= سؤالات ۳۲و ۲۹ و ۲۱)؛

۲ـ۱. مشارکت در برنامه‌ریزی فعّالیّت‌ها (= سؤال ۲۴)؛

۳ـ۱. مشارکت در اجرای برنامه‌ها (= سؤال ۳۳)؛

۴ ـ ۱. مشارکت در تأمین مالی برنامه‌ها (= سؤال ۳۰)؛

۵ ـ۱. امکان طرح هر نوع سؤال (= سؤال ۱۵).

۲ ـ میزان رعایت اصل مشتری‌مداری: شامل متغیّرهای فرعی زیر:

۱ـ۲. وجود امکانات جنبی رفاهی مطلوب (= سؤالات ۲۳ و ۲۰)؛

۲ـ۲. برخورد خوب مسئولان مسجد (= سؤال ۱۸)؛

۳ ـ ۲. ارزیابی مبتنی بر نظر مشتریان (= سؤالات ۳۱ و ۲۶)؛

۴ـ۲. شناسایی عوامل دفع غیرمشتریان و اهتمام به رفع آنها (= سؤالات ۲۸ و ۱۶).

۳ ـ میزان نیازسنجی در اجرای فعّالیّت‌ها که شامل متغیّرهای فرعی زیر است:

۱ـ۳. میزان استفاده از خدمات تخصیص یافته در مسجد (= سؤال ۲۲)؛

۲ـ۳. میزان رفع نیاز از استفاده‌کنندگان از خدمات مسجد (= سؤال ۲۷).

۴ ـ میزان جامع‌نگری در اجرای فعالیت‌ها که شامل متغیرهای فرعی زیر است:

۱ـ۴. هماهنگ بودن بخش‌های مسجد (= سؤال ۲۵)؛

۲ـ۴. بسط دادن به تمام طیف‌های سنّی در عرضه خدمات (= سؤال ۱۷).

باز هم فرض محقّق بر این نهاده شده است که رعایت این ویژگی‌ها و اصول در تعیین و اجرای فعّالیّت‌های غیرنیایشی در مسجد باعث خودشکوفایی اعضای مسجد و کمک به آنها برای رسیدن به مراحل بالاتر سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌گردد.

## ۴-۳. نحوه تحلیل پرسش‌نامه

برای پرسش‌نامه طرح شده، ۱۲۰ امتیاز در نظر گرفته شد. هر یک از ابعاد فعّالیّت‌های نیایشی و فعّالیّت‌های غیرنیایشی شصت امتیاز دارند.

هر یک از شش متغیّر مورد پرسش در بعد فعّالیّت‌های نیایشی دارای ده امتیاز هستند که این ده امتیاز به صورت مساوی بین سؤال‌های هر متغیّر توزیع گردید. به نحوی که مسجدی که در بعد فعّالیّت‌های نیایشی، عملکرد به‌طور کامل مطلوب داشته باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

در بُعد فعّالیّت‌های غیرنیایشی نیز به هر یک از چهار ویژگی مورد سنجش، پانزده امتیاز تخصیص داده شد که بین سؤال‌های هر ویژگی، به‌طور مساوی تقسیم گردید. مسجدی که در این بعد نیز دارای عملکرد به‌طور کامل مطلوب باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

شایان ذکر است که سؤالات ده و یازده سؤالات کنترلی هستند. سؤالات نوزده و ۳۸، سؤالات باز است و سؤال شانزده به منظور کمک به تحلیل کامل‌تر سؤال ۲۸ در نظر گرفته شده است که به علّت محدودیّت زمانی، امکان استفاده از این دو سؤال نبود. همچنین سؤال ۲۹حذف گردید.

### ۵-۳. پایایی و روایی پرسش‌نامه

بـه علّـت محدودیّـت زمانی در سـنجش پایانـی و روایی پرسـش‌نامه به اسـتفاده از دیدگاه‌هـای اسـتاد راهنما اکتفـا گردید.

## » فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۴-۱. مقدّمه

در هـر مسـجد حدود سـی پرسـش‌نامه میـان نمازگـزاران و پنج پرسـش‌نامه میان متولّیـان (شـامل امام جماعـت، اعضای هیئت امنا و دسـت‌اندرکاران پایگاه بسـیج در مسـجد) توزیـع گردیـد. میزان پرسـش‌نامه‌های صحیح برگشـتی در هر مـورد، هنگام ارائـه نمودارها ذکـر می‌گردد.

در ایـن فصـل، ابتـدا بـه ترتیـب هـر مسـجد، نمودارهای میـزان امتیازات کسـب شـده برحسـب اجـزای دو بعـد فعّالیّت‌هـای نیایشـی و فعّالیّت‌هـای غیرنیایشـی (بـه درصـد) و همچنیـن میانگیـن کل ایـن دو بعد از دید نمازگزاران و متولّیان آن مسـجد طرح می‌گـردد.

سـپس، میـزان معنـاداری تفـاوت میـان نگرش‌هـای نمازگـزاران و متولّیـان هـر مسـجد در بـاره میانگیـن فعّالیّت‌هـای نیایشـی و غیرنیایشـی بـا اسـتفاده از آزمـون T- student و طبـق فرمول‌هـای ذیـل تعییـن درجـه آزادی و آماره آزمون T سـنجش می‌گـردد. آزمـون T انجـام شـده در هر مـورد از نوع آزمـون دو طرفه با میـزان خطای اسـت. علّـت اسـتفاده از ایـن فرمول‌هـا نیـز کمتـر بـودن حجـم نمونه‌های اخذ شـده نمازگـزاران و متولّیـان از سـی، کمتـر بـودن درجه‌هـای آزادی در هر آزمون از سـی و همچنیـن فـرض برابـر نبـودن واریانس‌های دو جامعـه آمـاری نمازگـزاران و متولّیان در هر مسـجد اسـت.[۱]

[۱]. آذر، عادل، مؤمنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ص۱۰۷.

## » فصل پنجم: پیشنهاد و نتیجه‌گیری

### ۵-۱. پیشنهادها

پیشنهاد بنیادی محقّق بر اساس این تحقیق، فرهنگ‌سازی به همّت همه نهادهای فرهنگ‌ساز جامعه برای ترویج هویّت دینی مبتنی بر ایمان در الگوی بومی توسعه است. در این راستا مساجد به عنوان یگانه پایگاه دینی به رسمیّت شناخته شده از طرف دین مبین اسلام، «رسالتی» بسیار مهمّ دارند. بنابراین:

۱) میزان آگاهی دست‌اندرکاران امور مساجد در خصوص تغییرات محیطی و علل آن باید افزایش یابد.

۲) تغییر بنیادی در نگرش دست‌اندرکاران امور مساجد در باره جایگاه دین و مسجد در جامعه بر اساس مدل هویّت دینی مبتنی بر ایمان و ارتباط آن با توسعه باید صورت گیرد.

۳) در این راه، از جمله ابزارهای مهمّ، استفاده از مدیریت استراتژیک برای مساجد است. بدین علّت باید با برنامه‌های آموزشی اثربخش، این مدل به دست‌اندرکاران امور مساجد آموزش داده شود.

۴) پیش شرط فعّالیّت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه، پذیرش مشارکت اثرگذار مردم و اعضا در برنامه‌ریزی و مدیریت آن است. بدین منظور باید ابزارهای پذیرش، جلب، مدیریت و «رهبری» مشارکت اثرگذار اعضا در آن، به دست‌اندرکاران امور مساجد بالاخص ائمّه جماعات آموزش داده شود. آموزشی اثربخش است که آموزش گیرندگان درباره مقیّد بودن مواد مورد آموزش اعتقاد داشته باشند و این امر نیز از طریق نهادینه‌شدن فرهنگ مشارکت میّسر است.

### ۵-۲. پیشنهادهایی برای موضوعات تحقیقات آتی

- تبیین کامل مدل مدیریت استراتژیک برای مساجد به عنوان NGO ؛
- طرّاحی کارگاه آموزشی برای آموزش مدل مدیریت استراتژیک به دست‌اندرکاران مساجد به خصوص ائمّه جماعات؛
- طرّاحی کارگاه آموزشی برای تقویّت مهارت‌های «رهبری» در ائمّه جماعات؛

- طرّاحی مدل ساختار شبکه جامع مساجد به عنوان یک شبکه NGO در کشور.

## » نتیجه سخن

هـدف کلّـی از اجـرای این تحقیـق، یافتن مدل مطلوب رسـالت و مدیریت مسـجد بـه عنـوان یـک سـازمان داوطلبانـه از طریـق اجـرای تحقیـق کتابخانـه‌ای و سـپس توصیـف مسـاجد موفّـق کنونی (کـه از نظر مدل به دسـت آمده موفّق نیسـتند) طبق مـدل با اسـتفاده از روش پیمایشـی اسـت. بـه عبارت دیگـر، محقّق تلاش نمـود تا به سـؤالات ذیل ایـن تحقیق پاسـخ دهد:

۱ ـ مسـجد بـه عنـوان یـک سـازمان داوطلبانـه غیردولتـی و غیرانتفاعـی از نـوع مذهبـی در جامعـه کنونـی ایـران چـه کارکردهـا (رسـالت‌ها)ی مطلوبـی می‌توانـد داشـته باشد؟

۲ ـ مسـاجد کنونـی موفّـق، بـه ایفـای کـدام یـک از ایـن کارکردهـا (رسـالت‌ها) می‌پردازنـد؟

در خصـوص سـؤال اوّل، بـا بررسـی ادبیـات نظـری تحقیـق، محقّق بـه دو مدل در تبییـن علّـت رخـوت و انـزوای کنونـی مسـاجد دسـت یافت و سـپس مـدل مدیریت اسـتراتژیک را بـرای بـرون رفـت از ایـن وضـع بـرای مسـاجد بـه عنـوان یـک NGO پیشـنهاد نمـود. (بـه فصل سـوّم مراجعـه کنید)

امّـا در باره سـؤال دوّم نیـز، محقّق با عملیاتـی کردن مدل مدیریت اسـتراتژیک در دو بعـد فعّالیّت‌هـای نیایشـی و فعّالیّت‌هـای غیرنیایشـی، چهـار مسـجد را بـه صورت «مطالعـه مـوردی» بررسـی نمـود. نتایج حاصـل از این مطالعـه را می‌تـوان به صورت ذیل بیـان کرد:

در هـر دو بعـد فعّالیّت‌هـای نیایشـی و فعّالیّت‌هـای غیرنیایشـی امتیـازات کسـب شـده هـر مسـجد کمـی بیـش از حـدّ متوسّـط و در حـدود شـصت درصـد کلّ امتیاز در نظـر گرفتـه شـده اسـت؛ بنابرایـن، حـدس محقّـق مبنـی بر حـدّی نبـودن میزان موفّقیّـت ایـن مسـاجد، بـه حقیقـت نزدیـک اسـت. ایـن امـر می‌توانـد ناشـی از علل گوناگـون باشـد کـه محقّـق دو علّـت را مهمّ‌تـر می‌دانـد:

الـف) همان‌گونـه کـه در فصـل سـوّم هم بیان شـد، آگاهـی و بینش نسـبی جامعه (بعـد از تجربـه ۲۵ سـاله فعّالیّـت مسـاجد در این شـرایط) در خصوص امـکان توفیق

مساجد در چارچوب شرایط فعلی و با فعّالیّت‌های کنونی، افزایش یافته است.

افکار عمومی جامعه (و به تبع، افکار دست‌اندکاران این مساجد موفّق) به لحاظ تکرار مداوم مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» در برابر متغیّر مداخله‌گر آن مدل حسّاس شده و در مراحل ابتدایی تغییر در نگرش به سر می‌برد. این آگاهی تا بدانجاست که میان نگرش نمازگزاران و متولّیان مساجد مورد بررسی، (جز یک مورد) تفاوت خاصّی دیده نشده است و هر دو گروه با ضریب اطمینان بسیار بالایی (۹۰ درصد) هم رأی هستند. همان‌گونه که پیش از این هم ذکر شد، این وضع باید در قالب فرصتی برای نخبگان و برنامه‌ریزان دست‌اندکار تلقّی شود تا به طرحی نو، این تغییر را به سوی وضع مطلوب با حدّاکثر سرعت و حدّاقل هزینه پیش ببرند.

ب) تفاوت تعریف مساجد موفّق از دید مدل عرضه‌شده پژوهشگر با تعریف «مرکز رسیدگی به امور مساجد» نیز ممکن است از جمله عوامل عدم کسب امتیازات بالا در موارد بررسی شده باشد.

۱. مساجد کنونی و از جمله مساجد بررسی شده به عنوان مساجد موفّق، در قالب هویّت دینی آیینی و یا حدّاکثر هویّت دینی اعتقادی فعّالیّت می‌کنند، امّا تا رسیدن به مقامی در خور شأن مسجد در جامعه دارای هویّت دینی مبتنی بر ایمان، راه بسیار دشوار و طولانی در پیش دارند.

۲. آماده نبودن بسیاری از مساجد برای بررسی وضع موجود (که در این تحقیق به صورت همکاری نکردن شش مسجد از ده مسجد نمونه آماری بروز کرد) نشان از فقدان فرهنگ استفاده از پژوهش و تحقیق و رویکرد علمی برای شناسایی و حلّ مشکلات موجود دارد. البتّه این مشکل در سطح کلان‌تر جامعه نیز شایع است. کمک به برقراری چنین فرهنگی، ممکن است نقشی بسیار اثرگذار در میزان آمادگی برای تغییر داشته باشد.

۳. بر اساس اطّلاعات غیررسمی به دست آمده در طول تحقیق (نحوه برخورددست اندرکاران مساجد در مقابل تحقیق و بالأخص پرسش‌نامه و غیره) باید گفت که دست‌اندرکاران امور مساجد در خصوص مدل کارکرد (= رسالت)

مطلـوب مسـجد بـه عنـوان NGO بسـیار نـاآگاه هسـتند و حتّـی مقاومـت نشـان می‌دهنـد.

## منابع و مآخذ


» کلینی، محمّدبن‌یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسّسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
» حرّانی، ابی‌محمّدالحسن‌بن‌علی‌بن الحسین‌بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۴۰۰هـ.ق.
» قوچانی، محمّد، یقه سفیدها (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، تهران، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۹هـ.ش.
» هسلبین، فرانسیس و دیگران، سازمان فردا، جلد دوّم، ترجمه: امینی، فضل‌الله، تهران، انتشارات فرا، ۱۳۷۸ هـ.ش.
» سباعی مکّی، محمّد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی، ترجمه: علی شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳هـ.ش.
» ویلیام اسکید مور، تفکّر نظری در جامعه‌شناسی، نشر سفید، ۱۳۷۲هـ.ش.
» ماهنامه مسجد، انقلاب اسلامی ایران یا نهضت مسجد، مصاحبه با دکتر محمّدیان، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ هـ.ش.
» روزنامه شرق، من یک لیبرال محافظه کارم، گفت‌وگو با سیّد جواد طباطبایی، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۸۳هـ.ش.
» زرین‌چیان، غلامرضا، ارتباط مسجد و مدرسه، فصلنامه کوثر، مهر ۷۱۳۷، شماره ۱۹.
» مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم.
» مجله زائر، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب، شماره ۷۰، مرداد ۱۳۷۹ هـ.ش.
» آذر، عادل، مؤمنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوّم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰هـ.ش.
» باقی، عمادالدّین، و همکاران، پرستشگاه در عهد سنّت و تجدّد، مجموعه مقالات، تهران، نشر سرایی، ۱۳۸۱هـ.ش.
» شکوهی، فاطمه، بررسی عملکرد آموزشی مساجد، ماهنامه مسجد، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ هـ.ش.
» قوچانی، محمّد، رساله فیلسوف تنها (معرّفی آخرین کتاب سیّدجواد طباطبایی)، روزنامه شرق، ۶/۲/۱۳۸۱هـ.ش.
» نظری، مرتضی، مساجد، جامعه جوان ما و ضرورت توجّه بیشتر.